

تاریخ علم و تمدن ایران

جلد دوم



تألیف محمد صدرماشتی

قیمت یک دوره ۴ جلدی ۱۷۵۰ ریال

تاریخ

حرائد و مجلات ایران

تألیف

محمد - صدر هاشمی

جلد دوم

بنام خداوند بخشنده مهربان

پس از انتشار جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران، کتاب مذکور مورد پسند و توجه فضلا و دانشمندان کشور قرار گرفت و همه متفق القول انجام این کار سترک را موهبتی الهی دانسته و آنرا مورد تمجید و تعریف قرار دادند و با نوشتن نامه ها و درج مقالات در جراید نگارنده را به نشر جلد دوم و بقیه مجلدات کتاب تشویق فرمودند. اینهمه تمجید و تعریف که زبان و قلم نگارنده از پاسخ دادن بدانها الکن است سبب گردید که با نبودن وسائل لازم هرچه زود تر بتهیه مقدمات چاپ جلد دوم مشغول شوم و هرگونه مانع و رادعی در بین است از میان بردارم. اکنون بحمدالله تا اندازه مقدمات کار فراهم گردیده و لذا بطبع و نشر جلد دوم میپردازم و برای اینکه ادعای این جانب حمل بزرگراه گویی نشود و کسانی آنرا اغراق و خود ستایی ندانند، بعنوان مقدمه قسمتی از این تقاریض را چاپ نموده و بعد باصل کتاب شروع مینماید.

درخاتمه چون چاپ تمام تقاریض از حوصله مقدمه کتاب خارج بود و خود رساله علیحده میگردید لذا بذکر قسمتی از آنها مبادرت شد و از دوستان و کسانی که مقالات و یا تقاریض آنها چاپ نگردیده بدینوسیله معذرت میطلبید چه در چاپ این تقاریض نظری جز ابراز حق شناسی نبوده است.

جناب آقای دکتر شفق استاد محترم دانشگاه و نماینده مجلس شورای ملی در پایان نامه مشروح و مفصلی اینطور مینویسند: « صحیفه پایان یافت و عرایض بنده با یافت نیافت. چون این کار حضرتعالی بسیار مهم و سودمند است و مانند کتاب لغت مورد مراجعه و احتیاج همه مردم و مورخین از داخلی و خارجی خواهد بود هرچه در باب مشخصات مطبوعات بخصوص بانقل مقالاتیکه مسلک خاص علمی یا سیاسی آنها را تعیین کند دقت فرمائید اجر جنابعالی عندالله و عندالناس ملحوظ خواهد بود و از شما که شخص فاضل معققی هستید با تمام مشکلاتیکه میدانم چنین انتظار را میتوان داشت. از خداوند موفقیت و حوصله و پشت کار برای حضرتعالی تمنی میکنم. »

دانشمند گرام جناب آقای سمید نفیسی استاد محترم دانشگاه طی نامه نظر خود را اینطور اظهار داشته اند: « عجلاناً بهمین قدر سرکار را از این پشتکار و همت سرشاری

(الف)

(مقدمه)

که مایه اعجابست تبریک می‌گوییم و امیدوارم هرچه زود تر بتدوین و چاپ مجلدات دیگر کامیاب شوید . »

استاد بزرگوار حضرت آقای اقبال مدیر محترم مجله یادگار در شماره ۴ و ۵ سال پنجم مجله چنین مینویسند : « این کتاب در نوع خود از بهترین تألیفات عصرماست و نگارنده فاضل آن در تهیه آن متحمل زحمت و رنج بسیار شده اند . امیدواریم خداوند توفیق اتمام مجلدات دیگر آنرا شامل حال آقای صدر هاشمی که عشق سوزان به خدمت بمعارف ایران دارند بنماید . »

آقای فرخ‌دین پارسای مدیر محترم روزنامه عصر جدید طی نامه شرحی درباره کتاب نوشته و نامه را بدین قسم شروع نموده اند : « آقای عزیز مطمئناً قدر زحمات و مشقات شما را در جمع آوری و تدوین تاریخ جراید و مجلات ایران من و امثال من که هنوز زنده و گذشت ایام خاطرات زندگی را از یادمان برده است بیشتر و بهتر میدانیم زیرا این ما هستیم که بوسیله کتاب شما رویاهای اولیه زندگی را بخاطر آورده و مواجهه با مشکلات و خطرات را از مد نظر گذرانده گاهی بواسطه نیل بیعضی مقاصد ملی خورسند و گاهی از جان سختی خویش در حیرتیم . در این صورت اگر من شما را بستانیم و این زحمات را تقدیر کنم حقیقی ترین احساسات بدون مجامله و اغراق است که تسلیم شما میشود . »

منجمله خواندنیها (شماره ۴۴ سال نهم) بقل از روز نامه سپتا بقل
نویسنده با ذوق و شاعر شیرین **گفتار آقای عبدالحمید سپتا در باره کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران اینطور اظهار عقیده مینماید :** « بهمان اندازه که شخصی از مطالعه جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محقق فاضل آقای محمد - صدر هاشمی که این روزها چشم دوستان علم و ادب را روشن ساخته است خوشوقت و معظوظ میگردد ، بهمان اندازه از تطبیق اغلب جراید فعلی با بیشتر روزنامه های سابق متأسف و متأثر میگردد زیرا از این مقایسه سیر قهقرا سی مطبوعات ایران را می توان حس کرد و با کمال تأسف باید اعتراف نمود اغلب جراید کثیر الانتشار امروزی از لحاظ صراحت و شرافت و خدمت بآزادی بهیچ وجه بیایه و مایه روز نامه های اوایل مشروطیت ایران نمیرسند . قبل از انتشار این کتاب که واقعاً نتیجه ابتکار و زحمات طاقت فرسای چندین ساله آقای صدر هاشمی است جز فهرست ناقصی که پرفسور برون طی کتاب (مطبوعات ایران) از خود بیادگار گذاشته وسیله اطلاعی از تاریخ و چگونگی جراید و مجلات ایران دردست نبود و همانطور که خود نویسنده در مقدمه کتاب مزبور میگوید تاریخ جراید و مجلات ایران در حقیقت تدوین و تألیف نیست بلکه ایجاد و ابداع تاریخ است و از دقت آقای صدر هاشمی در تهیه متن کتاب و تحقیق و تفحص در آن همین بس که باظهارات و مجموعات اکتفا نکرده مطالب کتاب مستند بعین شماره روز نامه هاست . اگر در یکی دو جا نیز بادعاها و مراسلات اشخاص توجهی نکرده بودند قطعاً این موضوع بهتر رعایت شده بود . »

(ب)

(مقدمه)

برای مقدمه محققانه این کتاب باید ارزش بسیار قائل شد زیرا قسمتهای مهمی را جمع، مطبوعات ایران مکشوف میدارد که در هیچ يك آثار محققین دیگر نظیر ندارد. بعقیده ما کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران یکی از کتب مفید و لازمی است که در سنوات اخیر بچاپ رسیده و دوست عزیز خودمان آقای صدر هاشمی را باین اثر مهم تبریک گفته امیدواریم فرهنگ، و فرهنگ دوستان ایران تشویقی که حقاً درخور ایشان باشد از ایشان بنمایند تا با همین دقت و حرارت بطبع انتشار جلد های بعدی این کتاب موفق گردند .

و نیز همین آقای سبستا در شماره ۱۵۰ روز نامه خود تحت عنوان (يك كتاب فراموش نشدنی) در زیر کایشه یکی از روز نامه های قدیمی (انجمن بلديه) اینطور مینویسد : « در شماره گذشته تقریظی راجع بکتاب گرانتهای تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف دوست فاضل خودمان آقای محمد صدر هاشمی نوشته گفتیم با نشر این اثر مفید و بی نظیر يك كتاب ذیقیمت بگنجینه مطبوعات ایران افزود . شد . ما امیدواریم علاقه مندان بفضل و هنر با قرائت این اثر مفید که نتیجه ابتکار آقای صدر هاشمی است از تاریخ مطبوعات کشوری که در علم و ادب مشهور دنیا است آگاه گردند و با تقدیر و تشویق نویسنده فاضل موضوعات چاپ جلد دوم کتاب نامبرد را فراهم نمایند . ما برای یگبار دیگر دوست محقق خود آقای صدر هاشمی را بنشر چنین اثر مفید تبریک گفته و موفقیت ایشان را در نشر و چاپ بقیه این کتاب خواستاریم . »

نویسنده و مورخ مشهور آقای استخر مدیر محترم روزنامه استخر شیراز در شماره ۱۲۴۸ این روزنامه بدینقسم اظهار نظر میفرمایند : « پشت کار و فعالیت یکی از نویسندگان دانشمند ابتکاری در مطبوعات نموده و تاریخی احداث کرده است که در عالم خود در ایران بی نظیر است و کسی تاکنون مبادرت بچنین تألیفی ننموده . نویسنده دانشمند آقای محمد صدر هاشمی است و مجموعه ابتکاری ایشان تاریخ جراید و مجلات ایران است که از چند ماه باین طرف جلد اول آن در (۳۵۰) صفحه بطالع متوسط از چاپ درآمده و در دسترس عموم گذاشته شده است ؛ مقدمه که براین کتاب نوشته شده است خواننده را بتحولات نامه نگاری در ایران از اواسط دوره سلطنت قاجاریه تا کنون آشنا و مطلع میسازد و در ضمن آن نکات و وقایعی را از نظر خواننده میگذرانند که همه مفید و دلپذیر است که علاوه بر آشنا شدن و اطلاع یافتن بر واقعات این مدت يك میزان و درجه حساسی از تحولات فکری و تبدلات اجتماعی بدست خواننده می دهد که اوضاع اجتماعی و میزان تبدلات ادبی مادر طی این یک قرن چه بوده و از کجا باینجا رسیده این مجموعه نفیس که حاصل چند سال زحمت و تحقیق و پشتکار آقای صدر هاشمی است برای کسانی که با کتاب و مطالعه سروکار داشته باشند بهترین سرگرمیست زیرا هم تاریخ یکدسته از نویسندگان و سوانح عمری آنهاست و هم اتفاقات و واقعاتی

(ج)

(مقدمه)

که در طول این مدت در شئون مطبوعات رخ داده از قید با آزادی و از آزادی بقید افتاده ولی از حرکت نایستاده گاهی کند و گاهی سریع مراحل خود را پیموده تا به مرحله کنونی رسیده است. آقای صدر هاشمی بترتیب حروف تهجی از اسامی روزنامه ها شروع نموده و خصوصیات آن روزنامه را بقلم آورده و شرحی از حالات مدیر و صاحب امتیاز آنرا که از منابع مرجوعه بدست آورده نوشته و احیاناً عکس او را گراور کرده است حاصل زحمت و نتیجه چند سال جدیت و بشنکار آقای صدر هاشمی که چنین ابتکاری در عالم تاریخ ادبیات و مطبوعات بوجود آورده نهایت در حد خود گرانبها و قابل تقدیر است. ما خوانندگان عزیز را بخریداری یک جلد از این کتاب و استفاده از مطالب آن توصیه مینماییم و توفیقات دانشمند گرامی آقای صدر هاشمی را در تهیه و فراهم آوردن جلد دوم این تاریخ از خداوند درخواست مینماییم.

روزنامه فکر جوان منظمه رشت در شماره ۴۷۴ سال بیست و چهارم آن مورخ ۵ شنبه ۱۳۲۷ اسفند ۱۳۲۷ شمسی بقلم مدیر آن درباره این کتاب اینطور مینویسد: «اخیراً جلد اول کتابی بسیار مفید و جامع بنام تاریخ جراید و مجلات ایران در اصفهان انتشار یافته است که جا دارد دوستان کتاب بیگدبگر مژده بدهند و متفقاً با آقای محمد صدر هاشمی که یکی از نویسندگان فاضل و محقق بسیار معدود کشور ما میباشد بمناسبت انجام این خدمت بی شائبه که به عالم تاریخ کشور کرده اند تبریک بگویند. تا کسی این کتاب را نه بیند نمیتواند به قدر زحمات آقای صدر هاشمی هم چنین با اهمیت این کتاب تألیف شده (بدرستی بگوئیم ایجاد شده) ایشان پی برد آقای صدر هاشمی با داشتن چنین فکری تألیف و شاید بهتر باشد که بگوئیم تصنیفی به فرهنگ ایران سپرده اند که حقاً باید در ردیف (سیر حکمت در اروپا) تألیف دانشمند فقید مرحوم فروغی و امثال و حکم آقای علی اکبر دهخدا و مانند آنها شمرده شتاباد داشتن این کتاب بتاریخ ادبی و سیاسی و عقلی یک قرن اخیر ایران آشنا خواهید شد و مطالب بقدری شیرین و گیر است که نویسندگان این سطور با اینکه خود از آشنایان بتاریخ مطبوعات است چون مامور نوشتن این مختصر شده ناچار تاز (ب) بسم الله تا (ت) تمت ننخواند نتوانست دست بقلم ببرد .»

آقای وحید زاده مدیر محترم مجله ارمغان در شماره ۸ و ۹ سال بیست و سوم مجله مذکور در ذیل آگهی راجع بانشار کتاب اینطور اظهار نظر مینماید: «دوست فاضل ما آقای صدر هاشمی در تهیه و تدوین و طبع تاریخ جراید و مجلات ایران رنج بسیار برده اند و خدمت گرانیهای به عالم مطبوعات نموده اند انتظار داریم قسمتهای دیگر این کتاب مفید از طبع خارج گردد و موجبات تشویق مؤلف محترم نیز از هر جهت فراهم گردد.»

جناب آقای فرامرزی مدیر محترم روزنامه کیهان و نماینده مجاس شورای ملی در شماره ۱۸۰۰ روزنامه کیهان چنین مینویسند:

(مقدمه)

« در کشور ما از سال ۱۲۵۳ قمری که نخستین روزنامه انتشار یافت تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ فقط دوست و شصت و شش روزنامه و مجله که حرف اول اسمشان (الف) بوده منتشر شده است. این آمار را ما از تاریخ جراید و مجلات ایران که اخیراً جلد اول آن بچاپ رسیده است بدست آورده ایم. تاریخ جراید و مجلات ایران کتاب سودمند و پر ارزشی است که آقای محمد صدر هاشمی در طی ده سال کوشش و تحقیق موفق شده اند نخستین جلد آنرا با يك مقدمه مفید و مفصل در باره تاریخ پیدایش روزنامه در ایران و تحولاتی که در آن روی داده؛ بقطع مناسب و چاپ مرغوبی در اصفهان، اقامتگاه خویش، منتشر سازند. در این کتاب بر تاریخ مطبوعات صد و چند ساله ایران بطور مشروح میتوان آگاهی یافت و این آگاهی که باید اعتراف کرد قبل از انتشار کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران، برای ما میسر نبود مرهون ذوق و جدیت آقای محمد صدر هاشمی است. »

دانشمند گرام آقای امیر قلی امینی مدیر محترم روزنامه اصفهان در شماره ۵۴۷ سال ششم روز نامه خود در باره کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران اینطور اظهار نظر میفرمایند: « یکی از بهترین و مفید ترین کتاب هایی که در سالهای اخیر تألیف شده و بمانند خورشید تابانی از افق نشریات ایران طلوع نموده است کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف دوست دانشمند و فاضل ما آقای محمد صدر هاشمی است که بدون شك میتوان گفت چنین کتابی بدین مفیدی در سال های اخیر بطبع نرسیده بود و بلکه همانطور که خود مؤلف محترم مدعی است این عمل پر زحمت و مرارت ایشان تنها تألیف يك کتاب نیست بلکه ایجاد يك قسمت از تاریخ است. »

در اینکه جراید فارسی زبان از آغاز پیدایش خود خدمات مؤثر و ذی قیمتی به تنویر افکار عمومی و بالنتیجه باستقرار اصول مشروطیت و آزادی در قدم اول و حفظ این آزادی در قدم دوم نموده اند جای شك و تردید نیست و وقتی نشریاتی تا بدین درجه از اهمیت مصدر خدمت بشوند حق این است که تاریخ پیدایش و خدمت هر يك از آنها بصورت نگارش در آمده و محفوظ بماند ولی متأسفانه بیقیدی مشترکین اولیه اینجراید و حتی بیقیدی مدیران خود آنها در حفظ معصوم زحمت و نتیجه افکار و عقایدشان بطوری اکثریت این جراید و مدیران آنها را گمنام ساخته بود که حتی نگارنده تا قبل از انتشار این کتاب مفید اطلاع نداشتیم که در آغاز مشروطیت ایران روزنامه ای هم بنام (اصفهان) بقلم و مدیریت مرحوم میرزا حسینخان اعتلاءالدوله مدتی در شهر اصفهان انتشار مییافته است. (تقریظ مذکور مفصل و ما برای خوف از اطناب بنقل قسمت آخر آن میپردازیم) خلاصه اینکه کتابی که دوست دانشمند ما تألیف نموده از جمله کتبی است که در تاریخ ادبیات ایران برای همیشه باقی خواهد ماند و حتی میشود گفت مصدر و منبع اطلاعات مورخین آینده قرار خواهد گرفت و ما امیدواریم که مؤلف محترمش آنقدر دارای عمر

(مقدمه)

طولانی بشود که بتواند در آینده با تکمیل اطلاعات خود در چاپهای ما بعد بیش از پیش برفواید و کمال این کتاب سودمند افزوده و آنرا سرچشمه استفاده آیندگان قرار دهد. «

آقای میرزا عبدالله خان وزیر زاده مدیر محترم روزنامه ارژنگ در شماره ۸۳۸ روزنامه خود تحت عنوان (تاریخ جراید و مجلات ایران) اینطور اظهار نظر مینمایند :

« فاضل دانشمند آقای صدر هاشمی مدیر کتابخانه فرهنگ استان دهم و مدیر دبیرستان فرهنگ که همیشه اوقات خود را صرف ترجمه مجلات عربی و فرانسه مینمایند و آثار قلمی ایشان زینت بخش اغلب جراید اصفهان است مدتهاست مشغول جمع آوری و تنظیم تاریخ جراید و مجلات ایران میباشند. اخیراً جلد اول این تاریخ حاوی تمام مجلات و روزنامه هائی است که بعرف الف شروع میشود با مشخصات و روش آن بچاپ رسیده و در دسترس عموم گذارده شده است. گمانیکه با کتاب و مجله سروکار دارند و از مطالعه کتب مفیده لذت میبرند قدر این آثار و زحمات را میدانند ما بنوبه خود از زحمات و مشقاتیکه آقای صدر هاشمی در این راه کشیده اند قدردانی نموده امیدواریم هرچه زود تر جلد دوم را شروع و علاقه مندان بعلم و ادب نیز در این مورد در خریداری آن کتاب سودمند کوتاهی ننموده قدر و قیمت چنین آثاری را بدانند. »

این بود نمونه ای از تقاریظ و نامه های تشویق آمیزی که پس از نشر کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران نوشته شده است بعضی از دوستان و موالی گرام که در حین تألیف از رنج و زحمت متمادی نگارنده آگاهی داشته قبل از آنکه کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران منتشر گردد نامه ها و تقاریظی مرقوم فرموده که همگی مشعر بر تشویق و ترغیب نگارنده باتمام طبع کتاب بود. و همین نامه ها و تقاریظ بود که باعث پشتگرمی نگارنده بانجام و اتمام این تألیف سودمند و مفید گردید. منجمله جناب آقای حسام الدین دولت آبادی نماینده محترم مجلس شورای ملی در دوره چهاردهم و شهردار کنونی طهران ؛ چند سال قبل از نشر جلد اول، در شماره ۳۱- سال اول روزنامه نقش جهان مورخ دهم مهر ماه ۱۳۲۲ می نویسد : « تاریخ جراید و مجلات ایران - این اثر ادبی با ارزش که حاصل سعی دانشمند گرامی آقای صدر هاشمی است از بهترین آثار معاصر و در حقیقت تاریخ مطبوعات کشور میباشد. اشخاصیکه با مطبوعات سروکار دارند خوب میدانند که تتبع در موضوعات ادبی و علمی بسی دشوار و مخصوصاً اگر جنبه بداهت و ابتکار داشته باشد بویژه با فقهاء و سائل که رنج تتبع را چندین برابر میکند و معلوم نیست سر رشته مطلب و دنباله تحقیق بکجا میکشد. نگارنده با عشق مفرط و علاقه قلبی که بر شد و رقاء دانش و فرهنگ کشور دارد این موفقیّت را بدوست فاضل خود آقای صدر هاشمی صمیمانه تبریک گفته امیدوارم ایشان و عموم طبقه فاضله مملکت بانجام این گونه خدمات علمی مخصوصاً جمع آوری آثار پیرشانی که شاهد دانش و فرهنگ کشور بوده موفق شوند. اصفهان. شهریور ماه ۱۳۲۲. حسام الدین دولت آبادی »

فاضل ارجمند آقای نورشوق در شماره ۲۳ سال اول روزنامه نقش جهان تحت

(مقدمه)

عنوان (تاریخ جراید و مجلات ایران) نظر خود را اینطور بیان مینمایند : « یکی از مفاخر دوره دیکتاتوری (در مقابل صدها سیئات) نشر معارف و تأسیس دانشگاه و دانشکده هاست که هر چند بهکم تناسب عمومی بیشتر بظواهر و زرق و برق پرداخته میشد ولی باز هم جوانان با ذوق و مستعد از آن بنگاه های فرهنگی استفاده کرده جسته جسته دانش جویان و محصلین لایقی از آنجا خارج شدند ؛ یکی از آنها آقای محمد صدر هاشمی است که در اثر استعداد و پشتکار موفق بدربایت دولسمانس از دانشکده معقول و منقول و از دانشسرای عالی گردید . آقای صدر هاشمی پس از فراغت از تحصیل و اشتغال بمقامات فرهنگی از چندین سال قبل در صدد تألیف تاریخ جراید و مجلات از عهد قاجاریه تا زمان حاضر برآمده و اینک پس از مدت ها تتبع و زحمت تاریخ خود را برای طبع آماده نموده اند . اشخاصیکه با کتاب و نویسندگسی سروکار دارند میفهمند که اقدام بچنین کاری مخصوصاً در این ایام و با اوضاع تلخ فعلی چه قدر زحمت ورنج دارد . اساساً يك چنین تألیفی برای اطلاع از وضعیت افکار و سیرتدریجی مطبوعات ایران و ابقاء نام متفکرین و خدام آزادی بی نهایت ضرور و برای آیندگان بی اندازه نافع و جالب توجه خواهد بود و بهمین علت ما ایشانرا بر این اقدام سودمند صمیمانه تبریک گفته و موفقیت ایشان را خواهانیم . فورهرق . »

اینها قسمتی از مقالات و نامه هائست که فضلا و دانشمندان کشور در باره کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در آنها اظهار نظر فرموده اند و اگر بغیر این تمام را نقل کنیم محتاج برساله مستغنی خواهد بود و از حوصله این مقدمه خارج خواهد شد لذا مقدمه را بهمین جا خاتمه داده و از دانشمندان و مدیران جراید دیگر که تقاریض آنها چاپ نگردیده معذرت میطلبید . امید است سایر مجلدات کتاب نیز مورد توجه اهل فضل و دانش قرار گیرد و بانظر رضامندی در آنها بنگرند و اگر سمو و خطائی در آنها بینند بکرم عمیم و لطف بی پایان خود برنگارنده منت نهند و مرا آگاه سازند تا در جاهای بعد اصلاح گردد . از خداوند مصلحت مینماید که در این راه مشکل و پریچ و خم عنایت خود را دریغ نداشته و همانقسم که تاکنون وسائل کار را من حیث لایعنتب فراهم نموده در آینده نیز کمک و لطف خود را از ما سلب ننماید .

جلد اول کتاب برورنامه ها و مجلاتیکه بحرف (الف) شروع میشد پایان یافت و جلد دوم برورنامه ها و مجلاتیکه بحرف (ب بعده الف) شروع شده ، آغاز میگردد وضع واسلوب کتاب در جلد دوم بهینه مانند جلد اول و در این مجلد نیز رعایت حرف دوم و سوم اسامی شده است .

اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ . محمد . صدر هاشمی .

(۲۶۷) باختر

مجله باختر به صاحب امتیازی و مسؤولی (سیف پور فاطمی) و مدیری (امیرقلی امینی) در اصفهان در سال ۱۳۱۲ شمسی تأسیس و شماره اول آن در آذرماه سال مذکور در ۴۴ صفحه بقطع خشتی منتشر شده است . مجله باختر اولین مجله ایست که بسبب جدید با مقالات متنوع ادبی ؛ علمی و اجتماعی در اصفهان منتشر شده و مقالات و مندرجات آن غالباً بقلم نویسندگان مشهور آن عصر تنظیم یافته است با اینکه اغلب نویسندگان مجله از قبیل آقایان سعید نفیسی ؛ ملک الشعرای بهار ، دکتر شفق و غیره در طهران مسکن داشته مع ذلك مرتباً مقالات خود را با پست برای درج در مجله باصفهان میفرستاده اند سرلوحه مجله دورنمای پل خواجوی اصفهان و خورشیدیست که از پشت کوهسار سر برآورده و کلمه (باختر) در بالای آن نوشته شده است . در زیر سرلوحه که روی جلد مجله چاپ گردیده کلمات (خدا - شاه - وطن) و خصوصیات مجله طبع شده است خصوصیات مجله بدینقرار است : محل اداره اصفهان - اداره اخگر . قیمت اشتراك سالیانه برای نظامیان و محصلین و مشترکین روزنامه اخگر سی ریال ؛ ششماه ۱۵ ریال و برای سایرین یکساله چهل ریال ؛ ششماه ۲۰ ریال و در خارجه ۱۵ شیلینگ و ۸ شیلینگ است . تک شماره مجله سه ریال .

مقاله افتتاحی مجله پس از عکس (اعلی حضرت پهلوی فقید) تحت عنوان (چرا باختر پیدا شد) بقلم آقای امینی نوشته شده و باین جملات شروع میگردد : « گر چه امروز افکار و اذهان عمومی تا آن اندازه بیدار شده است که از بحث در اطراف سؤال فوق ما را بی نیاز مینماید . . . » درباره پیدایش و در حقیقت مرام و مسلک مجله در همین مقاله چنین مینویسد : « خدمت بتوسعه دایره افکار ؛ بالا بردن سطح معرفت عمومی کوشش در طریق تهذیب و تربیت اخلاق هموطنان و مخصوصاً نو کردن و نوساختن جامعه ایرانی در نظر اول یگانه مسلک و مرام این مجله است و خدمت به معارف اصفهان در وهله ثانی تنها مقصد و مقصود از تأسیس و انتشار آن . »

باختر از حیث زیبایی طبع و نفاست کاغذ و اشتمال بر تصاویر و گراورهای متعدد یکی از بهترین مجلاتیست که تا کنون در ایران منتشر شده و با اینکه بیش از دو سال انتشار آن دوام پیدا نکرد و بعد چنانچه شرح آن خواهد آمد تبدیل بروز ناهم گردید ؛ مع ذلك همین شماره های منتشره گواه بر حسن انتخاب و کوشش در گرد آوردن مطالب مفید ادبی و تاریخی از طرف مدیر و مؤسس آنست . مقالات مجله بیشتر بقلم دانشمندان و فضلاء طهران تهیه شده و منجمله از مقالات بسیار خوب آن مقالات مسلسلی است که راجع بشاعر بزرگ ایران (حکیم ابوالقاسم فردوسی) بقلم آقای ملک الشعرای بهار تدوین یافته و دیگر مقالات راجع بشرح احوال منوچهری شاعر بقلم آقای سعید نفیسی و نیز شرح احوال کاليله بقلم آقای میرزا رضا خان افشار که در آنوقت حکمران اصفهان

حرف الباء

باختر

بوده ؛ نوشته شده . اشعاری نیز از شعرای معاصر مانند آزاد ؛ ادیب السلطنه ، مسرور ، حسام الدین دولت آبادی ، بهار و شعرای متقدم در مجله چاپ شده است . آقایان علی صادقی ، هاشمی حائری ، محمد جناب زاده و استخر از نویسندگان دیگر مجله میباشند . مجله باختر ماهانه بوده و سال اول آن با انتشار دوازده شماره که با استثنای شماره های اول و دوم و سوم معمولاً هر شماره آن در هشتاد و گاهی هشتاد و چند صفحه منتشر میشده ؛ پایان یافته و شماره اول سال دوم در آذر ماه ۱۳۱۳ شمسی انتشار یافته است . سبک مندرجات و مطالب مجله در این سال نیز مانند سال گذشته متنوع و دلپذیر و مشتمل بر مقالات و ترجمه های مفید است . در این سال آقای کاظم زاده ایرانشهر به نویسندگان مجله افزوده شده و مقالاتی از دانشمند مذکور تحت عنوان (نوروز) در مجله بچاپ رسیده است .

از شماره نهم سال دوم نام آقای امینی از مجله حذف شده و (سیف پور فاطمی) بعنوان مؤسس و مدیر مسؤول معرفی شده است . با انتشار شماره ۱۱ این سال مورخ مهر ماه ۱۳۱۴ دوره مجله پایان یافته و بجای آن روزنامه باختر منتشر گردیده است . برای اطلاع از شرح احوال آقای امیرقلی امینی مدیر مجله رجوع شود بجلد اول این کتاب کله (اخگر)

(۲۶۸) باختر

پس از تعطیل مجله باختر بلافاصله در سال ۱۳۱۴ شمسی روزنامه باختر بمدیری (نصرالله سیف پور) در اصفهان تأسیس و منتشر شده . روزنامه باختر ابتدا هفتگی و پس از مدتی هفته سه شماره انتشار مییافت تا اینکه قبل از شهریور ۱۳۲۰ شمسی محل طبع آن بطهران انتقال یافت و در آنجا بطور روزانه منتشر گردید روزنامه باختر در سالهای اول انتشار بمدیری سید نصر الله سیف پور اداره میشد ولی پس از آنکه فعالیت سیاسی نامبرده شروع گردید و به سمت شهرداری شیراز انتخاب شد امور اداره روزنامه در اصفهان بمهدیه برادر ایشان آقای (حسین فاطمی) واگذار گشت و مشارالیه روزنامه را چه در اصفهان و چه پس از انتقال بطهران اداره مینمود .

سیف پور فاطمی در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بنماینده گی اهالی نجف آباد و فریدن انتخاب و جزو نمایندگان استان دهم بمجلس شورای ملی وارد گردید . در مجلس نیز از نمایندگان مبرز و فعال بشمار میرفت تا اینکه تا اواخر این دوره بانگستان سفر نمود و هنوز هم در خارج ایران بسر میبرد . پس از آنکه باختر در طهران منتشر شد آقای سیف پور فقط سمت صاحب امتیازی روزنامه را داشت و باختر بمدیری (حسین فاطمی) منتشر گردید تا اینکه نامبرده هم عزیمت پاریس نمود و از آن پس دیگر روزنامه باختر منتشر نشد از روزنامه باختر منتشر در طهران ، در ذیل کتاب ، درجائیکه از جراید بعد از شهریور ۱۳۲۰ گفتگو مینمائیم بتفصیل بحث خواهیم کرد .

حرف الباء

باختر ، باران

و اما خصوصیات روزنامه باختر در اصفهان ، این روز نامه مانند سایر جراید شهرستان ها مندرجاتش عبارت است از يك سرمقاله و بعد مقالات مختلف و اخبار محلی اصفهان و مرکز و اخبار خارجه و اعلانات است .

روزنامه معمولاً در چهار صفحه با چاپ سربی و بقطع بزرگ چاپ و منتشر شده . محل اداره روزنامه مدتی در محل اداره روز نامه اخگر (اصفهان حالیه) و زمانی هم در بای قصر شمس آباد بوده است . تنظیم کردن اخبار و قسمتی از مقالات روز نامه مدتی بمحمد آقای محمد حسین میرزا فصیح بوده که گاهی اشعاری نیز از نامبرده در روزنامه چاپ شده است .

آقای دکتر حسین فاطمی از جوانان دانشمند و روشن فکر و نوشته هایش سلیس و روان است . وی پس از تحصیل مقدمات علوم در اصفهان و طهران عزیمت پاریس و در آنجا موفق بگرفتن درجه دکترا در علم اجتماع و لیسانس در روزنامه نگاری گردید در بهمن ۱۳۲۷ بایران بازگشت و در طهران مسکن نمود و در نظر دارد مجدداً روزنامه باختر را پس از دو سال تعطیل منتشر نماید .

سید نصرالله سیف پور فاطمی - سیف پور فاطمی از اهالی نائین اصفهان و فرزند سیف العلمای نائینی است و به همین مناسبت نام فاطمی خود را سیف پور گرفته است . سیف پور تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان بیابان رسانیده و بلا فاصله در دبیرستان کالج اصفهان بشغل معلمی مشغول گردید و در اوان اشتغال امتحان دیپلم ادبی را داد و بدریافت دیپلم نائل گردید .

آغاز شهرت و فعالیت او پس از نشر مجله و روزنامه باختر بود و هنگامیکه در اصفهان بود به عضویت انجمن شهرداری انتخاب گردید و پس از آن بسمت شهردار شیراز منتخب گشت و با واگذاری اداره امور روزنامه به برادرش (حسین فاطمی) بمحل مأموریت خود عزیمت نمود .

در دوره چهاردهم از طرف اهالی نجف آباد و فریدن بنماینده گی مجلس انتخاب گشت . در اواخر دوره چهاردهم مجلس بعمل وجهاتی که منجمه نامساعدی او ضاع ایران با توقف او بود مجبور بمسافرت بانگلستان و امریکا گردید و فعلاً نیز در آنجاست سیف پور جوانی فعال و باحرارت و خواهان پیشرفت و ترقی است . وی قسمتی از کتاب تاریخ ادبیات ادوارد برون را بفارسی ترجمه نموده و بنام (گلزار ادبیات ایران) آن را در یکصد صفحه خشتی چاپ و منتشر نموده است . علاوه رساله ای بنام شرح حال شمس الدین محمد حافظ انتشار داده است . وی در دوره چهاردهم مجلس از مخالفین سرسخت دسته اقلیت مجلس و نمایندگان حزب توده بود .

(۲۶۹) باران

در سال ۱۳۰۱ شمسی مجله ای در طهران بنام باران بطور پانزده روزه تا سیس و منتشر شده است .

(۲۷۰) بارسکاهای

در سال ۱۳۰۶ شمسی روزنامه بزبان ارمنی بنام بارسکاهای در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۲۷۱) باز پرس

در صورت امتیازات بجرايد مصوب شوراي عالي فرهنگ نوشته شده که در جلسه ۲۴ تيرماه ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه باز پرس بمديري (آقاسيد جعفر قزوینی) برای نشر روزنامه در قزوین بتصویب رسید ولی در شماره های موجود باز پرس صاحب امتیاز ومدير مسؤل آقای (ادیب مجابی) معرفی شده است وبهر صورت روز نامه باز پرس در سال ۱۳۰۴ شمسی در شهر قزوین انتشار یافته و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد روز نامه مذکور تا سال ۱۳۱۷ شمسی نیز منتشر میشده گرچه انتشار آن مرتب نبوده وگاهی بتعویق افتاده است . طبق نمونه های موجود باز پرس در سال نهم انتشار که سال ۱۳۱۳ میباشد هفته سه بار روزهای شنبه ، دوشنبه و چهارشنبه روی چهار صفحه با چاپ سر بی (مطبعه اتحاد) منتشر میگردد . است . شماره ۶۲ سال نهم آن روز شنبه ۲۸ آبان ۱۳۱۲ نشر شده و خصوصیات روزنامه از روی نمونه های موجود بدین قرار است : عنوان تلگرافی : قزوین باز پرس . جایگاه اداره : خیابان سپه وجه اشتراك آن : سالیانه ۶۰ ریال ، ششماه ۳۰ ریال . معلمین ، معلمات ، معلمات نصف قیمت . تك نمره نیم ریال . باز پرس (روزنامه ملی) معرفی شده وسال تأسیس آن (۱۳۰۴) در زیر اسم روزنامه چاپ شده ونیز در عنوان هر شماره روز نامه بدینقسم معرفی گردیده است : « نامه ایست سیاسی ، علمی ، ادبی اخلاقی و خلاصه اخبار و وقایع روزانه را بسمع قارئین خود میرساند . »

مندرجات باز پرس مانند سایر جرايد شهرستانها ؛ پس از درج سرمقاله را جمع بهوضوعات مختلف ، عبارت است از اخبار داخله ومختصری از اخبار خارجه و هم چنین اخبار معلى قزوین . ونیز مقالات متفرق در آن درج است . پس از برقراری ثبت عمومی در قزوین غالباً صفحات ۳ و ۴ آن براز آگهی ثبتی است . در فروردین ۱۳۱۸ شمسی نگارنده نامه از شهر زنجان بعنوان مدير روزنامه باز پرس مبنی بر درخواست شرح احوال مشارالیه ، بوسیله پست بقزوین فرستادم . پس ازچندی پستخانه نامه را از قزوین عودت داد و روی پاکت نوشته بود مدتیست اداره روز نامه باز پرس منحل شده است . اگر این نوشته پستخانه معتبر باشد باید بگوئیم که روزنامه باز پرس تا سال ۱۳۱۷ پیشتر منتشر نشده است ، چه نگارنده اطلاع دارد که باز پرس تا ابتدای این سال هفته سه بار هرنوبت ۴۵۰ شماره منتشر میشده است .

(۲۷۲) باغ وبوستان

در سال ۱۴۱۰ شمسی در طهران مجله بنام باغ وبوستان بطور ماهیانه تأسیس ومقتشر شده است .

(۲۷۲) بامداد

روزنامه هفتگی بامداد بمدری (غلامعلی خان قاجار) در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است . این روزنامه از طرف (انجمن اتحادیه اصناف) منتشر می شده و اغلب مقالات آن بوسیله مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی تنظیم و تدوین گردیده است . شماره بیستم بامداد در تاریخ ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری در چهار صفحه نشر شده و وجه اشتراك آن بدین قرار است : در طهران ده قران ، در خارج ایران ۵ فرانك .

نکته شایان توجه اینکه روز نامه بامداد با روز نامه (انجمن اصناف) يك در میان منتشر میشده بدین ترتیب که یکبار بامداد و دفعه بعد انجمن اصناف توزیع می گردیده است و علت هم این بوده که چنانکه سابقاً در مجلد اول کتاب در ذیل روزنامه (انجمن اصناف) یاد آور شده ایم این روز نامه بمدری (سید مصطفی) طهرانی که مؤسس (انجمن اتحادیه اصناف) بوده نشر میشده و بامداد هم ارگان انجمن مذکور بوده لذا هر دو بترتیب يك در میان خارج میشده اند .

در شماره ۱۲۴ سال دوم روز نامه ندای وطن مورخ پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۳۲۵ قمری بعنوان مطبوعات جدید طلوع روز نامه بامداد را اینطور مینویسد : « روز نامه مبارکه بامداد متعلق بانجمن اتحادیه اصناف مشتمل بر مقالات سیاسی و قوانین اساسیه مدیر روشن ضمیرش جناب (آقا سید مصطفی) از وکلای محترم مجلس مقدس شورای ملی است .

بر واضح است که چون روزنامه بامداد وانجمن اصناف هر دو ارگان انجمن اتحادیه اصناف بوده لذا مرحوم مجدالاسلام مدیر بامداد را نیز آ سید مصطفی معرفی کرده است و گرنه همانقسم که قبلاً یاد آور شدیم مدیر روز نامه بامداد غلامعلی خان قاجار است .

(۲۷۳) بامداد روشن

روزنامه بامداد روشن بمدری و سیدمیری (میرزا محمد علیخان خراسانی) در طهران تأسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۳ قمری مطابق ۱۲ دلو و اول فوریه ۱۹۱۵ میلادی ، در چهار صفحه بقطع بزرگ ؛ با چاپ سری ، در مطبعه باقرزاده ، طبع و توزیع شده است . محل اداره : طهران . جنب شمس العماره آدرس تلگرافی : تهران ؛ بامداد . قیمت اشتراك : تهران سالانه ۵۰ قران ، شش ماهه ۲۸ قران . و لایات داخله ۵۵ و ۲۵ قران ممالك خارج . ۷۰ قران ، ۴۰ قران . نك نمرة ۵ شاهی . طرز انتشار هفته سه بار روزهای شنبه ؛ دوشنبه و چهارشنبه منتشر میشده است : « این روزنامه طرفدار اتحاد اسلام واستقلال ایران است » .

مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میکرد : « اوضاع امروزی ما ومنظورات

حرف الباء

بامداد روشن

ما . نامه ملی ما درموقعی انتشار خود را آغاز میکند که برای عالم صلح و مسالمت ابداً مجال خود نمایی و اظهار حیات باقی نمانده و تمام ملل دنیا خواه ضعیف و خواه قوی خود را در پناه شمشیر و سایه آتش و آهن کشیده و میکشند ... » در این مقاله پس از شرح مفصلی از اینکه امروز در ملل اسلامی شور و غوغایی بر پا شده و همه می خواهند از زیر بار ظلم و عدوان خارج شوند و مقصود ما از این نامه بیرون آوردن و بیدار کردن ملت ایران از زیر بار پنجه قهر اجانب است ، مینویسد : « این است نقطه نظر و هدف مقصود که در طلیعه خودمان بطور مجمل بیان کردیم . »

در شماره اول پس از سرمقاله مذکور (اخبار مهمه جنك) نوشته شده است . بطور کلی مندرجات بامداد روشن عبارت از يك سرمقاله که معمولاً راجع باوضاع سیاسی و اجتماعی کشور تحت عناوین (پروگرام کابینه جدید) و (کارکنان ایران بخوانند) و (درایام فترت چه کرده اند) میباشد . پس از آن اخبار داخله و بعد اخبار خارجه مربوط بوقایع جنك بطور تفصیل نوشته شده است . از همان شماره اول در باورقی صفحات ۲ و ۳ تحت عنوان (شرح حال رجال بزرگ) بنقل از کتاب (مشاهیر الشرق) کتابی طبع شده و این شرح حال از شیخ عبدالقادر جزایری شروع شده است . در شماره اول اشعاری بعنوان (ادبیات) بامضای (شیخ حسنغان) چاپ شده که باین شعر شروع میگردد : امروز روز غیرت و مردانگی است . غوغای جان و جنبش جانانگی است :

بامداد روشن از حیث مندرجات یکی از روزنامه های خوب و مفید آن ایامست از سال اول این روزنامه فعلاً نگارنده تا شماره ۱۱۲ مورخ شنبه ۵ محرم ۱۳۳۴ قمری را در دست دارد .

روز نامه در سال دوم یعنی در شوال سال ۱۳۳۵ قمری توقیف گردیده و خبر توقیف آنرا در شماره ۵ سال نهم روز نامه وطن بعنوان (يك خبر تأسر آمیز) این طور نوشته است : « از قراریکه میشنویم جریده بامداد روشن توقیف شده است به مندرجات نمرات قبل آن . جریده رجوع کردیم چیزیکه باعث توقیف با شد دیده نشد بامداد روشن تا سال ۱۳۰۱ شمسی گاهی توقیف و زمانی منتشر میشده تا اینکه در سال مذکور مدیری آن آقای (آقا میرزا حسین قزوینی) واگذار شده و برای بار دیگر منتشر شده است . این خبر را در شماره ۴۶ سال دوم روز نامه طوفان مورخ دهم حوت ۱۳۰۱ تحت عنوان اخطار راجع بانتشار مجدد روزنامه بامداد روشن این قسم آورده است : « برای اطاعت و اجابت درخواست و تقاضای یکمده از رفقای صالح برای دفعه چهارم روزنامه ملی بامداد به مدیریت آقای آقا میرزا حسین قزوینی دامت توفیقاته انتشار خواهد یافت . دلو ۱۲۰۱ . محمد علی بامداد » در روزنامه ایران مورخ ۵ دلو ۱۳۰۱ شمسی تحت عنوان (سعادت چیست) متجاوز از بیست شعر از ادیب دانشمند آقای میرزا محمد علیخان بامداد نقل میکند که چند تای اول و مقطع آنها این است :

حرف الباء

بامد و روشن ، بانگهای

نغز و شیرین تغیلی چو شکر	از دماغ بشر نمود گذر
آن تغیل چو جاگزین گردید	بشریت سعادتش نامید
.....	
که در اینجا نه جای اظهار است	عالم دیگریش در کار است

(۲۷۴) بانگملی

مجله بانگملی که از انتشارات (اداره بررسیهای اقتصادی و مالی بانگملی ایران) است در طهران تأسیس و شماره اول آن در بهمن ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است . مجله مذکور چون نشریه يك مؤسسه رسمی بوده در هیچ کجای آن از مدیر یا صاحب امتیاز اسمی برده نشده و هم چنین چون در سنوات اول انتشار مجانی بود از قیمت اشتراك ذكری در مجله نیست .

مجله بانك در ابتدا هر سه ماه یک شماره منتشر میشده ولی از اردیبهشت ۱۳۱۶ شمسی ماهیانه گردیده و مرتب ماهی یک شماره منتشر گردیده است . روی پشت جلد مجله نام آن (مجله بانگملی ایران) و در زیر نام مجله مرکز اصلی بانك (طهران) و بعد بخط ریز نامهای شعب بانك در شهرستانها چاپ شده است مندرجات مجله اغلب مربوط بامور بانگی و راجع باوضاع تجارتی و اقتصادی کشور و خارجه و تمام مقالات بدون امضاء و متعلق ب اداره مجله است . برای نمونه فهرست مندرجات شماره ۱۰ متعلق باسفند ماه ۱۳۱۵ شمسی را نقل مینمائیم : > تشکیل و توسعه شرکتها در ایران طی سالهای اخیر - شرکت های ولایات و شرکت های خارجی - انحصارهای تجارتی ایران قانون جدید راجع بکالای وارده - بازار اسعار - بازار پول - نرخ ربح در معاملات قصیر المدة و طویل المدة - فلاح - صنعت - تجارت - خلاصه وضعیت تجارت در شهرهای عمده ایران - قسمت عمده فروشی مال التجاره های مختلفه در بازار طهران جدول پول ایران - ایام تعطیل بانگملی ایران >

از امتیازات مجله بانك این است که اغلب نمرات منتشره آن بیک زبان دیگر (زبان فرانسه) مستقلاً و جداگانه چاپ شده چنانچه شماره های ۷ و ۹ و ۱۰ سال ۱۳۱۵ هر کدام دارای يك شماره یزبان فرانسه میباشد (نمره ۷ متعلق باوریل ۱۹۳۶ نمره ۹ متعلق بنوامبر ۱۹۳۶ و نمره ۱۰ متعلق بمارس ۱۹۳۷) مطالب نمرات فرانسه بعینه مانند فارسی است جز اینکه تاریخ و اسامی ماهها بفرانسه است . از سال ۱۳۱۶ در هر ماه دو مجله یکی بزبان فارسی و دیگری بفرانسه طبع و منتشر شده و عنوان مجله فرانسه () است

بانك ملی ایران علاوه بر مجله مذکور رساله هایی بنام (بیلان) چاپ و منتشر کرده و من جمله بیلان سال ۱۳۱۴ است که در ۲۸ اسفند ۱۳۱۴ منتشر گردیده . قطع صفحات این بیلان باندازه صفحات مجله (و زیری متوسط) و ۳۲ صفحه میباشد مندرجات بیلان عبارت از گزارش سالیانه بانك به جمع عمومی صاحبان سهام و سیاست

حرف الباء

بانگدلی، بانور، بایگار، بحر خزر، بخارای شریف

همی بانك در سال ۱۳۱۴؛ بیلان سال مذکور قبل از تقسیم، حساب سود و زیان در سال، بیلان سال بعد از تقسیم، میباشد. علاوه بر بیلان بانك ملی همه ساله يك تقویم بقلی و دیواری توزیع مینماید.

مجله بانك تا این تاریخ مرتب منتشر شده و در بدو تأسیس هر بار ۴۰۰۰ نسخه از آن طبع و توزیع میشده است.

(۲۷۵) بانور

در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روز نامه بانور بمدیبری (پرواند موسسیان) در تهران از تصویب خورایمالی معارف گذشته و منتشر شده است.

(۲۷۶) بایگار

بایگار بزبان ارمنی یعنی بیکار. مرحوم تربیت در فهرست روز نامه های آذربایجان در باره این روزنامه مینویسد: «بایگار» روزنامه نیم ماهه منتشر در تبریز در زبان ارمنی «۱۹-۱۹۱۸»

(۲۷۷) بحر خزر

روزنامه ای بنام بحر خزر در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر رشت بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است.

۲۷۸ بخارای شریف

روزنامه بخارای شریف در شهر بخارای جدید از بلاد ترکستان بمدیبری (م) جلال یوسف زاده که اصلاً از مردم قفقاز است (صاحب امتیازی (ق. ل. لیوین) و نو بسندگی (میرحیدر فرزند حاج کاظم) تأسیس و شماره اول آن در چهارم ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری منتشر شده است.

بخارای شریف بزبان فارسی و معمولاً در چهار صفحه بقطع بزرگ و در وسط شین (شریف) ماهی بشکل هلال رسم شده است. قیمت اشتراك آن در خود اداره سالیانه ۵ منات؛ شش ماهه دو منات و نیم، سه ماهه يك منات و نیم. در بخارا و سایر شهرهای روسیه سالیانه ۶ صوم، شش ماهه ۳ صوم، سه ماهه يك صوم و نیم. در خارج سالیانه ۸ صوم. قیمت اعلانات در صفحه اولی ۳۰ تین. در صفحه آخری ۲۰ تین. قیمت يك نسخه در بخارا ۳ تین، در سایر شهرها ۴ تین. محل اداره روزنامه این قسم تعیین گردیده است: بخارای نوی اداره روز نامه بخارای شریف. مکتوباتیکه بداره فرستاده میشوند در صورت عدم درج بصاحبانش بر نمیکردانیم.

با اینکه روزنامه بزبان فارسی است ولی اسم و محل اداره روزنامه در عنوان

حرف ب بعده الخاء

بخارای شریف، بدر

آن بزبان فارسی نیز نوشته شده است. در عنوان روزنامه بخارای شریف بدین قسم معرفی شده است: «صفحات روزنامه ما بجهت تحریرات علمیه و ادبیه و فنیّه و بالعموم بمقالات نافعه باز است. مقالات مغایره باسبک ترقی خواهانه درج نخواهد گردید.»

مندرجات روزنامه پس از درج سرمقاله از قبیل (تدین و تمدن) عبارت است از اخبار خارجه، اخبار داخله ترکستان؛ مکاتیب و مقالاتی که از شهرهای ترکستان بزبان فارسی نوشته و فرستاده شده؛ صفحه چهارم روز نامه بیشتر مخصوص درج اعلانات است و اغلب آنها بزبان محلی و زبان روسی است. بغیر از اینقسمت تمام مندرجات روزنامه بزبان فارسی است و گاه گاه اشعاری نیز در آن درج است که منجمله در نمره ۵۰ سال اول مورخ چهارشنبه ۵ جمادی الاخر ۱۳۳۰ قمری اشعاری باین مطلع چاپ شده است:

ا بناء چمن ز هر گرانی
بر سر ز نغم شده زبانی
گفتند بهم بقر خنده
خیزید ار سید نکته دانی

(۲۷۹) بدر

روزنامه بدر در طهران بمدير مسؤولی وصاحب امتیازی (ح - سبك پيما) و سردبیری (محمد - جناب زاده) در چهار صفحه بقطاع بزرگ در مطبعه سر بی (ابرهان شرکت رفقا) هفته يك شماره، روزهای جمعه؛ طبع و منتشر شده و شماره پنجم سال اول بدر در تاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۳۳۹ قمری مطابق سوم برج سنبله ۱۳۰۰ شمسی و ۲۶ اوت ۱۹۲۱ میلادی توزیع گردیده است. محل اداره: طهران. خیابان ناصریه شمس الصاره. عنوان تلگرافی: بدر. قیمت اشتراك یکساله ۵۰ قران؛ ششماه ۳۰ قران، خارجه ۶۰ و ۳۵ قران. تك نمره ۷ شاهی در بالای اسم روزنامه که بدین شکل (بدر) رسم شده، این کلمات: (دین و وطن. من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون) و در زیر آن جمله: (الدین و الملك توأمان) چاپ شده است. در زیر عنوان، در ضمن يك سطر روزنامه بدینقسم معرفی گردیده است «جریده بدر مستقل الافکار است و در قسمتهای دیانتی - تاریخی - ادبی - سیاسی اخلاقی - فکاهی و بر منافع عمومی وطن سخن میراند.»

مندرجات بدر پس از سرمقاله که در شماره پنجم بعنوان (موقع مهم است بیدار باقیم) و در شماره دهم بعنوان (پرگرام دولت - مطالعات نمایندگان - عقاید ما) نوشته شده عبارت است از اخبار داخله، اخبار خارجه، یکی دو مقاله و چند شعر بعنوان ادبیلت.

از شماره ۱۰ سال اول مورخ ۲۹ میزان ۱۳۰۰ شمسی محل اداره: ناصریه اتحادیه جراید و مؤسس و مدیر مسؤول (حسنعلی فردوس) معرفی شده و نلمی از

حرف ب بعده الدال

بدر، بدر منیر

دیگران نیست . شماره اول سال دوم بدر در تاریخ چهارشنبه ۱۵ حمل ۱۳۰۱ مطابق ۷ شعبان ۱۳۴۰ و شماره اول سال سوم در ۱۸ جدی ۱۳۰۱ شمسی چاپ و منتشر شده است . تواریخ مذکور از متن شماره های منتشره اقتباس شده و معلوم نیست که اگر آغاز سال دوم در حمل ۱۳۰۱ است چرا آغاز سال سوم در جدی همان سال است . بهر جهت تواریخ بینه همانهاست که نقل شد و ممکن است از طرف ناشر اشتباه شده باشد ؛ از روزنامه بدر فعلاً تا شماره ۲۲ سال سوم مورخ ۹ سرطان ۱۳۴۱ قمری در دست است .

(۲۸۰) بدر منیر

روزنامه بدر منیر در سال ۱۲۹۸ شمسی ، بمدیری (آقا سید جلال بدری) در بندر پهلوی (انزلی سابق) تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است . انتشار روزنامه بدر منیر در بندر پهلوی ظاهراً دوام زیادی پیدا نکرده و مصادف با انقلابات کیلان و تفرقه آزادبخواهان گردیده و از اینرو نگارنده اطلاع قطعی ندارد که روزنامه مذکور برای چه مدتی و تا کی در بندر پهلوی منتشر گردیده است .

پس از تسکین انقلابات و آرامش اوضاع کیلان روز نامه بدر منیر در اواخر حمل ۱۳۰۴ شمسی در شهر رشت بمدیری همان آقای بدری مجدداً پساً بدایره انتشار گذاشته و اولین شماره آن در ماه مذکور از طبع خارج شده است و این روز نامه تا کنون یعنی تا حین تنظیم این قسمت (آذر ۱۳۲۰ شمسی) در شهر رشت منتشر می شود . بدر منیر که در تاریخ یکشنبه ۹ آذر ۱۳۲۰ مطابق ۱۰ ذی قعد ۱۳۶۰ منتشر شده ؛ مطابق سال ۲۴ تأسیس روزنامه میباشد و در داخل اسم روزنامه (بدر منیر سال ۱۳۳۷ قمری) قید گردیده و همین شماره مذکور دارای شماره مسلسل ۲۹۰۰ است حاصل سخن درباره این روزنامه چنین است که بدر منیر در سال ۱۳۳۷ قمری در انزلی تأسیس گردیده و بعداً در سال ۱۳۰۲ شمسی محل انتشار آن برشت منتقل شده و تا کنون در شهر مذکور منتشر میگردد .

روزنامه طلوع منتشره در رشت در شماره ۱۷ سال اول مورخ پنجشنبه ۳۰ حوت ۱۳۰۲ در باره این روزنامه چنین مینویسد : « روزنامه بدر منیر که بواسطه ظهور انقلاب گیلان سپس بملاحظه دشمنی دشمنان تمدن نتوانست موفق بانتشار خود گردد اینک باعزم - رشار مدبر آن آقا سید جلال بدری در نزدیکترین موقع طالع و باعث توسعه معارف انزلی خواهد گردید » پس از این قسمت روزنامه طلوع در شماره ۲۱ خود مورخ ۲۷ حمل ۱۳۰۳ شمسی مینویسد : « طلوع بدر منیر . جریده فریده بدر منیر که خبر انتشار آنرا داده بودیم اولین شماره آن با اسلوبی مطلوب و متین باداره واصل شد » همانقسم که یاد آور شدیم بدر منیر تا سال ۱۳۲۰ هم منتشر میشده و خصوصیات روز نامه در سنوات اخیر بدین قرار است : صاحب و نگارنده (بدری) . محل اداره رشت

حرف ب بعده الراء

برجیس ، برزگر

خیابان پهلوی . وجه اشتراك سالیانه داخله ۸۰ ریال ، ششماهه ۵۰ ریال . خارجه باضافه اجرت پست . قیمت آبونه کارگران باگواهی مؤسسه مربوطه ماهی ۴ ریالست تکشماره روز انتشار ۵۰ دینار . عنوان تلگرافی : رشت بدر منیر طرز انتشار روز نامه یومیه بوده است . مندرجات روز نامه پس از درج سرمقاله و مقالات مختلف ؛ عبارت است از ، اخبار شهری ؛ اخبار داخله و اخبار خارجه و اعلانات .

جلال بدری - آقای سید جلال بدری از آزادیخواهان گیلان و انزلی بوده و درمجامع گیلان نطقهائی راجع بآزادی و برقراری رژیم جمهوریت درایران نموده است نامبرده در متینگی که در حوت ۱۳۰۲ شمسی درمسجد جامع انزلی در باره جمهوریت داده شد چنین اظهار نموده است : ۲۳ برج جاری روز افتتاح دارالشوری است . گیلان که سابقه پیشقدمی در بنای جمهوریت دارد لازم است حالیه هم برای برانداختن اساس سلطنت و برقراری کردن اصول جمهوریت بدولت و دارالشوری تلگرافات نمایند . روزنامه بدر منیر روی چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی درمطبعه (شرکت سهامی چاپ شهرستان رشت) طبع و توزیع گردیده است .

(۲۸۱) برجیس

روزنامه برجیس در شهر تبریز بمدبری (مصورالسلطان ارژنك) درحدودجمادی الاول ۱۳۳۸ قمری تأسیس ومنتشر شده است. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۰۸) در باره این روزنامه چنین مینویسد : « برجیس روز نامه ایست نیم ماهه بذله سرای منتشر در تبریز بمدبریت مصورالسلطان با چاپ سربی وصور رنگین هزلی در ۱۳۳۸ »

(۲۸۲) برزگر

در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۶ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز مجله برزگر را بنام آقای (میرزا ابوالقاسم ذوالریاستین) تصویب نموده ولی نگارنده تا کنون اطلاعی بدست نیاورده که مجله مذکور منتشر شده است یاخیر . این مجله برزگر غیر از روزنامه برزگران است که در سال ۱۳۰۵ شمسی درشهر رشت بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۲۸۳) برقی

پس از انتشار شماره ۱۰۶ روزنامه شرق مورخ شنبه ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ قمری ؛ بشرحیکه بعداً در حرف شین کتاب (کلامه شرق) بتفصیل بیان خواهیم کرد ؛ روزنامه مذکور ازطرف دولت توقیف گردید و بموض آن در تاریخ یکشنبه ۵ شوال ۱۳۲۸ قمری روزنامه برق با همان تشکیلات و بهان سبک منتشر شد . بنابراین آقای سید ضیاء

حرف ب بعدہ الراء

برق

الدین طباطبائی سیاستمدار و روزنامه نگار معروف ؛ از اواخر شعبان و ماه رمضان سال ۱۳۲۸ را بملت توقیف روزنامه از انتشار افکار خود محروم بوده است .
 گرچه حکم توقیف روزنامه شرق از طرف دولت که بوسیله نظمیه بسید ابلاغ گردیده قبل از تاریخ شعبان یعنی در چهارم جمادی الاولی ۱۳۲۸ قمریحت ولی در این مدت سید وقعی بحکم دولت ننهاد و باز روزنامه را بالحق شدید تری منتشر نمود .
 و بخصوص در باره چند تن از وزرای کابینه و مخصوصاً باقوام السلطنه نبرد سختی داشته است تا اینکه در تاریخ مذکور جداً دولت از انتشار روزنامه شرق جلوگیری کرد . و چنانچه دیدیم آقای سید ضیاءالدین در پنجم ماه شوال اولین شماره برق را بجای شرق منتشر نموده است .

متن حکمیکه در باره توقیف روزنامه شرق از طرف نظمیه بسید ابلاغ شده بدین قرار است :

« اداره نظمیه . دایره کابینه . نمره ۳۲۰۰ . خدمت جناب آقای سید ضیاءالدین صاحب امتیاز و مدیر جریده شرق دام اقباله از قرار «رقومه حضرت اشرف رئیس الوزراء و وزیر داخله در چندین نمرات روزنامه شرق تسببت بوزراء عظام تخفیف و توهین شده و این قسم مذاکرات در روزنامه مغل انتظام مملکت و مخالف قانون مشروطیت است لذا مقرر فرموده اند طبع و نشر روزنامه فعلاً موقوف و بولایات و دارالخلافه منتشر ننمایند تا قراری در این کار بدهند لازم است بترتیبی که مقرر داشته اند رفتار نموده خود جناب عالی هم بروید خدمت حضرت اشرف و ترتیب اصلاح آنرا فراهم داشته حکم کتبی به نظمیه صادر و روانه دارند تا بموقع اجرا گذارده شود . »

سید ضیاءالدین در شماره اول روزنامه برق در باره توقیف روزنامه شرق وانتشار برق بعوض آن ، تحت عنوان : « توقیف شرق یا مخاطره شرف ملت » اینطور مینویسد :
 « روزنامه شرق که فقط جریده آزاد بی غرض ملی بود تقریباً بیست روز است (بیست روز بیشتر بوده و بلکه متجاوز از یکماه بوده است . مؤلف) از طرف وزرای عظام باسم تجدد پرور بملت هواخواهی ناموس ملی بجرم طرفداری از شرف ملت بتقصیر ادای وظیفه ملیت ، بگناه دعوت ملت را بحفظ حقوق خود بدون محاکمه وثبوت تقصیر مخالف نص قانون اساسی محکوم بتوقیف گردید . . . شرق چه تقصیری داشت - چه گناهی کرده بود جز اینکه وظیفه ملیت خود را اداء نموده بود آیا از توقیف شرق زبان مسا بسته شد . قلم ما شکسته گردید ؛ افکار ما از میان رفت ، نیانمان در بونه افعال ما ند ؛ اشتباهی است بس بزرگ ، خطایی است بس سترک . شرق را توقیف کردید برق را منتشر ساختیم ، برق را توقیف بکنید رعد را طبع و نشر میسازیم . رعد را از ما بگیرد لغات مصوله دیگر از میان نرفته . خود ما را توقیف کنید هستند کسانیکه نیات و افکار و خیالات ملت پرستانه ما را منتشر سازند شرق بخلاف حق توقیف باشد چنانچه همین چند روزه علت قانونی توقیف را بما ثابت کردند فبها و الا بطبع و نشر شرق اقدام نموده و ملک حق خود را تعقیب خواهیم کرد . »

حرف ب بعدہ الراء

برق

این بود قسمت عمده سرمقاله روزنامه برق . روزنامه برق مانند شرق در چهار صفحه بقطع بزرگ به صاحب امتیازی و نگارندگی (سید ضیاءالدین الطباطبائی) منتشر شده و صفحه چهارم آن نیز مانند شرق بزبان فرانسه است . (در باره اینکه چرا صفحه چهارم روزنامه شرق و بعد برق بلفت فرانسه نشر شده درجائیکه از روزنامه شرق سخن بمیان خواهد آمد مفصلاً گفتگو مینمائیم) .

شماره هفتم برق در تاریخ یکشنبه ۱۰ ذیقعد و شماره نهم آن در تاریخ پنجشنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۸ قمری منتشر شده و پس از نشر شماره سیزده روزنامه برق هم مانند سلف خود شرق طبق حکم شماره ۱۳۳۱ نظمیه توقیف گردید ، متن عبارت حکم اینست : « آقای مدیر محترم روزنامه برق برحسب امر وزراء عظام اخطار میشود که از این تاریخ تا صدور حکم مجدد نبایستی روزنامه برق طبع و نشر گردد . رئیس تشکیلات نظمیه . و استداهل ۴۰ بلافاصله پس از توقیف برق روزنامه رعد بجای آن منتشر شد که در محل خود از آن گفتگو خواهیم کرد .

رویه گرفته ۱۳ شماره روزنامه بنام برق منتشر گردیده و هر شماره آن در چهار صفحه بتقطع بزرگ و هر صفحه آن مشتمل بر پنج ستون و صفحات اول و دوم و سوم بلفت فارسی و چهارم آن بلفت فرانسه و هر دو قسمت درمطلبه سرببی (فاروس) چاپ شده است . وجه اشتراک روزنامه یکساله طهران ۴۵ قران ؛ ششماهه ۲۴ قران ، سه ماهه ۱۳ قران ؛ ولایات داخله بترتیب ۵۵ قران ؛ ۲۷ قران ، ۱۵ قران . مما لک خارجه ۶۵ قران ، ۳۴ قران ، ۲۰ قران . طهران تک نمره چهار شاهی . ولایات ، پنج شاهی . اعلانات صفحه اول سطری یگقران و در صفحه آخر سطری دهشاهی . معدل اداره : طهران . خیابان علاءالدوله نمره ۱۴ . نمره تلفون ۲۵۹ . عنوان تلگراف (طهران برق) روزنامه برق در عنوان قسمت فارسی اینطور معرفی شده : « این نامه آزاد ملی با مسلک بیطرفانه خود حقوق ملت و مملکت را مدافعه خواهد کرد » در عنوان صفحه فرانسه (روزنامه سیاسی ؛ اجتماعی ؛ مستقل) معرفی گردیده است .

مندرجات برق پس از درج سرمقاله در ستون اول صفحه اول تحت عناوین (ملت بخوانید) و یا (ملت حقیقت را بدانید) عبارت است از ذکر وقایع و حوادث طهران و ولایات و مکاتیب مختلف . قسمت عمده سرمقاله های روزنامه است که بقلم مدیر روزنامه سید ضیاءالدین نوشته شده است .

روزنامه برق یکی از روزنامههای مهم سیاسی ایران است که بقلم سیاستمدار معروف ایران سید ضیاءالدین منتشر شده و دارای مقالات سیاسی مهمی است .

سید ضیاءالدین طباطبائی - سید ضیاءالدین فرزند سید علی یزدی دوران کودکی و جوانی را در شیراز گذرانده و پس از نشر روزنامه کوچک ندای اسلام در شیراز بطهران هجرت نمود و در اینجا مدتی روزنامه های شرق ؛ برق ، رعد را منتشر ساخت در حوت ۱۲۹۹ شمسی موفق بکودتا گردید و پس از نود روز حکومت از ایران خارج

حرف ب بعده الرا

برك سبز، برید شمال، بستان

و مدت بیست سال یعنی تا پس از شهریور ۱۳۲۰ شمسی در خارج مملکت بسر میبرد . پس از مراجعت بایران در دوره چهاردهم بنمایدگی مردم یزد بمجلس شورایی رفت و تا آخر این دوره سمت نمایندگی داشت . در همین ایام احزاب مختلفی در طهران تشکیل داد که مهمتر از همه حزب وطن بود . وی در ایران متهم بطرفداری از سیاست انگلستان میباشد و از اینرو احزاب دست چپ جداً با او مخالفند . سید در دوره ریاست وزرا می قوام السلطنه مدتی زندانی و از هر گونه فعالیت سیاسی برکنار بود فعلا هم که آزاد شده بصورت ظاهر فعالیتی ندارد .

(۲۸۴) برک سبزی

روزنامه برک سبز در شهر اردبیل بمدیری (فضل الله شیخ الاسلام زاده) تا سپس و در سال ۱۳۲۶ قمری هریانزده روز یک شماره با چاپ سنگی منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۵) مدیر و نویسنده روز نامه برک سبز را (آقا میر احمد) ضبط کرده و مینویسد من نمرات ۴ ، ۷ ، ۹ ، ۱۰ ، و ۱۲ این تاریخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری منتشر شده . هر شماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۸/۵ در ۱۱ سانتیمتر ؛ با چاپ سنگی و بخط نسخ درشت بوده . وجه اشتراك سالیانه آن در اردبیل ده قران ؛ در سایر شهرهای ایران ۱۵ قران ؛ در روسیه چهار منات ؛ در ترکیه ۴۰ مجیدی . در اروپاده فرانك است .

(۲۸۵) برید شمال

روزنامه برید شمال بمدیریت (بابا معصوم زاده) در شهر خوی تأسیس و در سال ۱۳۴۰ قمری با چاپ سنگی هفته يك شماره منتشر شده است .

(۲۸۶) بستان

روز نامه بستان در اصفهان بمدیر مسئولی و مؤسسی (حسین سراجی) و سردبیری (ب) تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع متوسط در مطبعه سر بی (پروین مؤسسه عرفان) طبع و در تاریخ دو شنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۰۵ شمسی مطابق ۲۵ شعبان ۱۳۴۵ قمری منتشر شده است . بستان روزنامه ایست هفتگی و در عنوان آن بدینقسم معرفی شده « اجتماعی ؛ علمی ، تاریخی ، ادبی ، اخلاقی ، فکاهی ، کاریکاتوری ، طرف دار کارگر و رنجبران » محل اداره روزنامه : اصفهان کتابخانه عمومی . قیمت اشتراك داخله سالیانه ۲۴ قران ؛ برای محصلین و کارگران نصف . خارجه اجرت پست علاوه میشود . با کمترین قیمت اعلانات درج میشود . تك شماره ۵ شاهی . مقاله افتتاحی روزنامه که تا اندازه از سبك مندرجات آن خبر میدهد تحت عنوان

حرف ب بعده السین

بستان

(درباغ سبز) و بدین قرار است : « روزنامه بستان فکاهی است و باید مطالبش خنده آور و شوخی بوده باشد چنین روزنامه در این محیط خالی از اشکال نیست زیرا دلها عموماً مرده و خاطرها همه محزون و اندوهناک یکی برای نان شب محتاج ؛ یکی برای ناهار ظهر معطل آن یکی آلوده و مقروض آن دیگری عیال بار و عاجز یکی دردمند و غلیل ، یکی ناتوان و بیچاره و همه آنقدر مأنوس با غصه و غم شده اند که خنداندن آنها کار حضرت فیل و راستی خیلی قریحه و زبردستی میخواید (این مقاله تفصیل و تمام سه ستون صفحه اول روزنامه را گرفته است) تا میرسد باینجا که باین حساب بعد از خیلی فکر و تعمق کار خنده این بستان بسرخر محول گردید و هر هفته در موقع انتشار هرچه بهقلش میرسد برای نشاط و سرور خوانندگان مزه و شوخی تهیه خواهد کرد . هرگاه بعضی از خوانندگان هم بخواهند معاونت و مساعدت باو کرده باشند نه من باب همکاری بلکه فقط بعنوان مساعدت میتوانند مزه های خود را در این بستان بخش کنند . قیمت هر مزه یا شوخی هم دنبال خود آن است یعنی همان مقدار خنده است که برای مشترکین دست میدهد و البته میدانید هرکسی مؤمنی را بخنداند چقدر ثواب واجد دارد یکی از خصوصیات و اخلاق سرخرما این است که هم کار بدش نمی آید بلکه با همکاران خود گرمتر و بهتر میجوشد مسلم است خوانندگان محترم از مزایای او مستفیض خواهند گردید . »



نقل قسمت عمده از مقاله افتتاحی روزنامه بدان جهت بود که خوانندگان گرام پی برند که بعضی از جراید تاچه اندازه سست و کم مغز و مطالب آن مبتذل است . در شماره اول پس از درج مقاله مذکور ، يك ستون اخبار داخله چاپ شده و صفحه دوم و سوم آن کالریکانوریست مربوط بانحلال عدلیه ایران بدست مرحوم داور و نیز تشکیلات مفیدی که برای مملکت لازم است . از روزنامه بستان بیش از سه شماره منتشر نگردیده و تعطیل شده است .

میرزا حسینخان سراجی - میرزا حسینخان سراجی مدیر

روزنامه بستان از مردم نجیب و شریف اصفهان و قسمت عمده آقای حسین سراجی دوران عمر خود را در خدمات دولتی گذرانیده است . مدتی در فرمانداری اصفهان و در حین نشر روزنامه بستان متصدی کتابخانه عمومی که از مؤسسات شهرداری است میبود . چندی هم نایب الحکومه و بخشدار قرای اطراف اصفهان از قبیل فریدن ، دهق و غیره بود و در سال ۱۳۱۹ بخشدار نطنز گردید ؛ نگارنده در تیرماه سال مذکور او را در طهران ملاقات کردم و از کارش جويا شدم اظهار داشت که یکی دو ماه است از شغل خود معزول و فعلاً بیکارم . بعد مجدداً مشغول بکار شد و اکنون هم بخشدار سده اصفهان است .

حرف ب بعده الشين بشارت ، بصيرت ، بلاغ

(۲۸۷) بشارت

روزنامه بشارت بهمدیری (شیخ محمد علی مدیر مدرسه مظفری) در شهر مشهد تأسیس و شماره چهارم آن در تاریخ ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . هر شماره روزنامه دز چهار صفحه بقطع ۶/۵ در ۱۳ سانتیمتر طبع شده و وجه اشتراك آن بدین قرار است : در مشهد ۱۲ قران ؛ در سایر شهرهای ایران ۱۵ قران در روسیه و تركستان چهار منات ، هندوستان و چین ۲۴ قران ؛ افغانستان ۲۰ قران تركیه و مصر ۲۰ قران .

برون در كتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۵) مینویسد : من نمرت ۱۳، ۴ ، ۱۴ ، ۱۸ ، و ۲۲ این روزنامه را دردست دارم و ظاهراً انتشار آن در سال ۱۳۲۶ قمری پایان یافته است .

(۲۸۸) بصیرت

روزنامه هفتگی بصیرت در سال ۱۳۲۵ قمری در تهران منتشر شده است .

(۲۸۹) بلاغ

مجله بلاغ در طهران بهمدیری (نصرت الله) تأسیس و شماره اول سال اول آن در ذی‌قعدة ۱۳۴۶ قمری مطابق اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ شمسی در چهل صفحه بقطع وزیری منتشر شده است . مجله بلاغ ماهانه بوده و با چاپ سری در (چاپخانه خاور طهران) طبع گردیده و در زیر نام مجله (بلاغ) بعنوان شماره این آیه (و ما علینا الا البلاغ) درج است . در باره هدف و علت تأسیس مجله در مقاله افتتاحیه آن چنین آورده است :

« چون سرافرازی و تقدم ملل و اقوام عالم در نمایش علم و ظهور معارف آنهاست و ترقیات عصر تجدد و اوضاع حاضره دنیا با فنون علم توأم شده و حقیقت حاکمیت و معنی غایب بر خصم با روح برهان و قوت منطق بیدان آمده و جهاد بزرگ مذاهب متنوعه و ملل متعده بدعوت و تبلیغ انحصار پذیرفته و تزییقات علمی در جسامه بشر بالاترین مؤثری است که در انجام مرام و وصول بمقصد تجربه گردیده . جمعی از علمای حساس با وقوف بمقتضیات عصر به ماونت اکابر از رجال دانشمند که حاوی علوم قدیمه و جدیده هستند مجمع علمی دایره فرمودند و یکی از مآثر جمیله آن را نشر این مجله قرار دادند که با اعتماد و توسل بحق مقالات مندرجه آن کاشف رموز و دقایق و عنوان حلال مشکلات بر آن صادق باشد . بنام دوائر علم و مراکز معرفت این مؤسسه و بشارت داده میشود و مخصوصاً اهالی ایران و طهران را تذکر میدهم که با تمام قوای خود مهبای مطالامه و اغتنام فرصت و کمک بعالم معرفت باشند و از بذل جهد در تقویت علم مضایقه نفرمایند . »

اصول مندرجات مجله بلاغ بهمیکه در پشت جلد شماره اول نوشته شده تحت

حرف ب بعده اللام

بلاغ، بلدالامین، بلدیه

این عناوین است : (۱ - لزوم دیانت بر هر بشری و جواب مقالات موهبه ضد دیانت
۲ - سهولت طریق تعلیم دین و انحصار دین حق با اسلام . ۳ - تزریق دین بزبان
علمی دقیق با ملاحظه تناسب عصر و بزبان ساده و شیرین . ۴ - حیات اجتماعی و فلسفی
آن . ۵ - تہذیب دین حق از تہمتها و خرافات مشہورہ ۶ - قرآن حدیث - اخلاق -
وقایع مهم اسلام - تبلیغ - مستظرفات .)

از عناوین فوق و همچنین فهرست مندرجات شماره اول (بیانیہ - مجاہدہ و
کلمات قصار - باب مدینہ علم - عصمت بشر - مالی و آمال - اشارت و بشارت فروغی
از کلمات قصار -) معلوم میگردد کہ مجلہ بلاغ کاملاً یک مجلہ است دینی و اخلاقی
قیمت اشتراک سالیانہ آن پانزدہ قرآن - ولایات مضافہ اجرت بست تک نمرہ یکقرآن .
لازم بیاد آوری است کہ (نصرت اللہ) مدیر مجلہ بلاغ غیر از نصرت اللہ
نوریانی مدیر مجلہ پرچم اسلام است ؛ کہ در ذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران
از او گفتگو خواهیم کرد .

(۲۹۰) بلدالامین

روزنامہ ہفتگی بلدالامین بمدیری (میرزا محمد صادق) با چاپ سنگی در شہر
مشہد تأسیس و شماره دوم آن در تاریخ ۲۸ محرم ۱۳۲۸ قمری منتشر شدہ است .
بلدالامین ہر شماره آن در چہار صفحہ بقطع ۷/۵ در ۱۳ سانتیمتر و با چاپ سنگی و خط
نسخ طبع گردیدہ . وجہ اشتراک آن در مشہد دہ قرآن ، در سایر شہرہای ایران
۱۲ قرآن ، در ممالک خارجہ ۱۵ قرآن ،

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۵) مینویسد من نمرات ۲ ، ۶ ،
۱۲ ، ۱۵ ، ۱۷ این روزنامہ را در دست دارم .

(۲۹۱) بلدیه

روزنامہ بلدیه در شہر طهران بصاحب امتیازی و مدیری (مرتضی موسوی و
میرزا ابوالقاسم ہمدانی) در سال ۱۳۲۵ قمری تأسیس و منتشر شدہ است ، قبل از آن
کہ بذکر خصوصیات این روزنامہ بپردازیم لازم است یادآور شویم کہ گرچہ اسم این
روزنامہ (بلدیه) است و چنین بنظر میرسد کہ روزنامہ مذکور از نشریات ادارہ بلدیه
طهران میباشد در صورتیکہ در هنگام تأسیس این روزنامہ ادارہ بلدیه هنوز در طهران
و همچنین در سایر شہرہا تشکیل نگردیدہ بودہ است چنانچہ در چند شماره روزنامہ خبر
تأسیس قریب الوقوع بلدیه را میدہد . منجملہ در شماره ۱۰ روزنامہ بہنوان (بشارت)
خبر تأسیس بلدیه را دادہ و مینویسد ریاست آن بہمدہ (حاج محمد میرزا کاشف السلطنہ)
است . و نیز در شماره ۱۱ روزنامہ چنین نوشتہ است : چون از ابتدا این جریدہ متعلق
بادارہ بلدیه بودہ و بآن اسم نیز موسوم گشتہ چند بہت کہ بواسطہ دایر نشدن ادارہ

حرف ب بعده الالم

بلدیه

بلدیه اخبار متفرق در این اوراق درج میشد و ساعت بساعت نگران این اداره مبارکه بود ولی بعمده الله والمنة مدت انتظار سرآمد و چند روز دیگر اداره بلدیه تأسیس و اینجریده بوظایف خود عمل خواهد نمود . « در شماره ۱۵ روزنامه شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان انجمن بلدیه درج شده است .

حاصل سخن آنکه روزنامه بلدیه در بدو تأسیس ارتباطی با بلدیه طهران نداشته و روزنامه مستقلی بوده که باین اسم نامگذاری شده است . و بهمین مناسبت در باره مندرجات روزنامه در زیر عنوان هر شماره اینطور مینویسد : « این جریده مطلقاً آزاد است و از قوانین بلدیه علمی و ادبی و کلیه فواید و مصالح دولتی و ملتی و سیاسی و تجارتی و حوادث در این جریده درج میشود . مکانیبی که محتوی بر مقالات فوق باشد پذیرفته خواهد شد و ازالقاب متکثره معذرت میخواید . »

بلدیه در بدو تأسیس هفتگی بوده و هفته یک نمره طبع و توزیع میشد . هر شماره آن در هشت صفحه بقطع وزیری و با چاپ سربی در مطبعه (شرقی) طبع گردیده از شماره هشتم تعداد صفحات بچهار صفحه تقلیل یافته و در عوض هفته دو نمره طبع و توزیع شده و در این باره شرحی در آخر صفحه چهار شماره ۸ بدین قسم درج است : « بر حسب خواهش بعضی از مشترکین عظام که امروز اوراق جراید بسیار است و روز نامه ها اغلب یک ورق است و خواندن دو ورق روزنامه قدری اشکال دارد عجمالتاً روز نامه بلدیه در هفته دو شماره طبع و توزیع میشود و انشاء الله تعالی پس از تشکیل اداره دوایر بلدیه این جریده بطور بومیه طبع و منتشر خواهد شد . » بمناسبت این تصمیم جدید پس از نشر شماره ۸ در تاریخ پنجشنبه ۱۰ ربیع الثانی ؛ شماره ۹ در دو شنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر گردیده است .

مندرجات روزنامه که فهرست آنها در هر شماره در اول ستون اول درج شده عبارت از مطالب و مقالات گوناگون و اخبار خارجه و داخله و اخبار شهری و مکتوب و اعلان و غیره است . منجمله فهرست مندرجات شماره پنجم از این قرار است : بقیه لسان الغیب سؤال و جواب مفید - اخبار خارجه - اخبار شهری - عراق - ردانکار - مکتوب شهری وقایع شهری - اعلان « این شماره در تاریخ پنجشنبه ۱۱ شهر ربیع الاول و شماره ۶ در هشت صفحه در تاریخ پنجشنبه ۲۵ ربیع الاول و شماره هفتم در تاریخ پنجشنبه ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و سرمقاله شماره اخیر بدین قرار است :

« چندبست از گوشه و کنار میشنویم از بعضی اشخاص بیخرد کم ظرف که متصل تشکی از وضع ناگوار این مملکت مینمایند که بعد از صدمات و مشقات و تحمل خسارات تکلیف ما هنوز معلوم نشده است (منتظران را بلب آمد نفس) ما ملت بدبخت بی پناه بی کسی خانمان سوخته فلک زده دولتمخواه مجلس پرست نمیدانیم تا کسی باید منتظر تشکیلات ادارات و قوانین اسامی بشویم که هر یک بوظیفه خود عمل نموده آسوده خاطر و فارغ بال مشغول دهاگومی دولت ابدایت و مجلس مقدس شورای ملی بود . باشیم یک

حرف ب بعده اللام

بلدیه

روز می‌شنویم که امروز در مجلس فصول نظامنامه اساسی را که برنظامنامه سابق افزوده اند قرائت شد. روز دیگر می‌گویند قوانین بلدی و غیره قرائت شد و همه روزه خود را دلخوش می‌داریم که انشاءالله بهمین زودی اداره بلدی و غیره تشکیل داده خواهد شد و ابدأ اثری بر این مسموعات مترتب نیست این صحبت‌های ملت دلیل بر بی صبری و کم ظرفی ایشان است ولی ما ایشان را بشارت می‌دهیم که یکی دو هفته دیگر پیش نمانده که ادارات خصوصاً اداره بلدی تشکیل داده شود که هم ملت آسوده شوند و هم ما بوظیفه خود عمل نماییم. « این بود یکی از سرمقاله‌های روزنامه بلدی و اما نمونه اخبار شهری آن بنقل از شماره نهم بدین قرار است: « بواسطه اغتشاش پسر رحیم خان چلیپانی در تبریز و رسیدن تلگرافات متعدد یکشنبه ۱۳ تمام دکان بست و تمام مدارس علمی و غیره تعطیل و متدرسین دسته بدسته با بیرق‌ها و الحان فصیح مترنم بذکر پاینده باد مجلس مقدس شورایی بمجلس شورای کبری روان. »

گفتیم مدیر و صاحب امتیاز روزنامه دونفر (مرتضی موسوی و میرزا ابوالقاسم همدانی) بودند. این وضع تا شماره ۱۷ بیشتر دوام نداشته و از شماره ۱۷ مورخ پنجشنبه ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۲۵ قمری صاحب امتیاز و مدیر منحصراً به (میرزا ابوالقاسم همدانی) گردیده و نام دیگری در عنوان روزنامه نیست. محل اداره روزنامه طهران سرای حاج سقا باشی. قیمت آبنونه سالیانه: طهران ۱۸ قران، سایر بلاد داخله ۲۳ قران در بلاد خارجه: قفقاز و روسیه ۶ منات؛ هندوستان ۹ روپیه، عثمان و مصر سه مجیدی؛ فرنگستان ۲۱ منات. قیمت يك نسخه چهار شاعی و از شماره ۸ که تعداد صفحات روزنامه کسر شده صد دینار است.

در عنوان روزنامه؛ در بالای اسم آن (بلدی) سال تأسیس و جمله (هو الله تعالی) و قیمت يك نسخه و در زیر آیه (رب اجعل هذا بلد آمناً) چاپ شده است. نگارنده فعلاً تا شماره ۱۹ سال اول مورخ دوشنبه ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری این روزنامه را در دست دارد ولی برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۶) پس از اظهار نظر باینکه روزنامه بلدی بطور غیر مرتب و در تحت مدیریت اشخاص مختلف منتشر شده مینویسد من نمرات ۷، ۱۰، ۱۶، ۲۱، ۴۳، ۴۶، ۴۷ آنرا در دست دارم.

(۲۹۲) بلدی

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۰۸) کتاب دانشمندان آذربایجان (مینویسد روزنامه هفتگی بلدی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدریت (احمد میرزا) در ۱۳۲۷ قمری. برون هم در کتاب خود (ص ۵۶) عین همین مطلب را نوشته منتهی اضافه میکند که روزنامه مذکور از نشریات اداره بلدی و تمایلات و درخواستهای این اداره را منتشر مینمود. وی مینویسد من از این روزنامه يك نسخه هم در دست ندارم.

حرف ب بعده اللام

بلدیه ، بلدیه اصفهان

(۲۹۲) بلدیه

مجله بلدیه در شهر رشت بهمدیری (نادر میرزا) در اواخر سنه ۱۳۳۷ قمری منتشر شده است .

(۲۹۴) بلدیه

مجله بلدیه در طهران در سال ۱۳۰۰ شمسی از طرف (اداره نشریات بلدیه) ماهی دو بار در ۱۸ صفحه منتشر شده است . مجله مذکور با اینکه عنوان آن بلدیه است ولی از حیث مطالب و مندرجات مشتمل بر اطلاعات و احصائیه های بسیار مفید است . پس از آنکه مدیری مجله در سال ۱۳۰۲ شمسی بهمه آقای (میرزا ابو الحسن خان معدنچی) واگذار شد چهارده شماره از آن منتشر شد و بعد در سال ۱۳۰۶ شمسی نیز سه شماره از آن منتشر گردید تا اینکه مدیری آن بهمه آقای (سعدالملك مافی) محول شد و از شهریور ۱۳۰۹ تا اسفند ۱۳۱۰ که مطابق سال نهم تأسیس مجله بوده ۱۲ شماره از آن منتشر گردیده است .

(۲۹۵) بلدیه اصفهان

روزنامه بلدیه اصفهان بهمدیری و نگارندگی (میرزا عباسخان چهار معالی) و دفتر دار کل (میرزا احمد خان چهار معالی) در شهر اصفهان تأسیس و شماره اول سال اول آن در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سنگی در مطبعه (فرهنگ) طبع و در تاریخ پنجشنبه چهارم ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . عنوان مراسلات : اصفهان . اداره جریده بلدیه آبرونه اشتراك سالیانه : اصفهان ۲۵ قران سایر بلاد محروسه ایران ۳۰ قران . درممالك خارجه ۳۲ قران . قیمت یکسطر اعلان يك قران . قیمت تك نمره دویست و پنجاه دینار . پس از ایصال هشت نمره وجه دریافت میشود . اجرت پست با اداره بود . روزنامه بلدیه اصفهان هفته دوبار روزهای دو شنبه و پنجشنبه طبع و توزیع میشده است .

اسم روزنامه (بلدیه اصفهان) باخط نسخ درشت در عنوان روزنامه چاپ شده و خطوط روزنامه با خط نسخ متوسط و کاتب آن (عبدالله) است . در باره مسلك و مرام روزنامه در ضمن دو سطر در زیر عنوان آن چنین نوشته شده است : « این جریده که دیده حقیقت بینش باز و باانصاف و واقعیت دمساز است اندیشه اش قلع ریشه نفاق و پیشه اش قطع شجره شقاق بغیر از وداد مقصودی و بجز اتحاد منظوری ندارد آزادانه نيك و بد را محض تنبه و آگاهی مینگارد و دندان روی حرف نمیکندارد . تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال »

مقاله افتتاحی روزنامه چون خالی از نکات ادبی نیست و ضمناً بعلمت انتشار

حرف ب بعده اللام

بلدیه اصنہان

رونامه نیز خوانندگان را آگاه میسازد آنرا بهینه نقل مینمایم :

د بسمه تبارك و تعالی . حمد فزون از حد مبدعی را زبید که ا شمه قهرش پیوسته بر نیک و بد و از طفیل وجودش نابودان بیدای نیستی صورت هستی و بود باید هر ذره پرتو نور و هر دره مجلای بروز و ظهور اوست در کمال بیگانگی با همه یگانه و دوست و در عین نا پیدی شاهد وجودش در طنازی با هر سره و ست . او نهان گشته هم چه منز بیوست . عبادت با سعادت و اطاعت مقرون بر حسن عاقبت خالق را سزا ست که فیض عامش تمام کائنات را فرا و خوان بسطش همه خواص و عوام را صلا داده سلطنت حقیقی هر ممالك الملکی را درخور است که از صدف عنایتش ناچ و دیهم شهان در هفت اقلیم جهان پردراست و خزائن حاملین و دایهش از معادن مرحمت پیوسته نقود حراست و حفاظت را در او مملو . جلالت و عظمت مرخدا یرا جل جلاله که ودیعه سلطنت و نور معدن که نعمتی است الهی و موهبتی است لایتناهی بتوسط مشتق ربیت و بذریعه واماندگان وادی فقر و مسکنت بشخص شخیص اعلی حضرت عنایت و آن ظل ظلیل را حامل این ودیعت فرمود . قلب سلطانی را که حاوی نور معدن و حاکی فروغ نصفت است مهبط انوار رحمانی و محط اسرار سبحانی بمسلول قلب السلطان بین اصبعی الرحمن نمود و دری از غیب بلا شک و ریب بر ضرر منبرش گشود . برای نظم مملکت و رفاهیت از طرفی امر بعدالت و از جانبی رعب و بیم که مستلزم اطاعت و تسلیم است در دل رعیت افکند پس بدون چون و چند لازمه عدالت اطاعت و نتیجه انقیاد اتحاد دولت و ملت است مقصود از نگارش با عدم بضاعت و دانش و تصادم موانع و عوائق انقلاب روزگار و رسیدن اخبار ناگوار آنکه یکی از دوستان کسه بامنش از سوابق زمان الفتی و پیوسته از طریق مهر و محبت عنایتی بود در این لبالی که غریب مکاره نامتناهی بودم چون بخت بیدار از پی دیدار در ملاطفت بر رویم گشود و وزنک کدورت از آئینه دل زدود و فرمود اگر بدیده تحقیق بشکریم و از راستی نگذریم امروزه خدمت بوطن بر تمام افراد واجب و هر کس باندازه قوه و مایه خویش لازمست که اقدامات جانبازانه در میدان وطن نماید و دست مردهی گشاید . گفته اش اید و ست عزیز و ای صاحب عقل و تبحر بنده هماره خدمت بنوع را فرض ذمت دانسته و میداند ولی از خس چه نفعی و از افانده چه دستگیری بر آید ؟ چرن غنچه شکفته لب مهرباز و سر را فراز فرمود و چنین بگوش جان سرود که روزنامه ای تأسیس و خود را با خویش و بیگانه انیس کن بنده بواسطه حقوقی که بر منش از سوابق ایام بود با بضاعت مزجات و متاع کسه دست اطاعت بچشم قبول نهاده . تو کلا علی الله و متوسلا علی الائمة الهدی پشت پا بر هر چه هست زده خیر ملت و دولت را مطمح نظر نموده راست یمن و راست گویی را فرض دیده و زبان شمرده و از خداوند تبارك و تعالی توفیق طی طریق دواین راه میطلبم و صیانت از لغزش و زلل را از ائمه هدی مسئلت مینمایم که با قلبی صافی کعبه دلها را طوافی و بیفرضانه استقامت رای را پیشه و بیدای صدق نور و یرا

حرف ب بعده اللام

بلدیه اصفهان

اندیشه نماید . مشترکین فغام از راست نرنجند و از حقیقت گوئی ترش رویی ننایند که آئینه را در زیبایی و زشتی مدخلیتی متصور نیست و منظور را درد و بینی احوال و کج بین تغییر می ملحوظ نباشد امیدوارم قصدی بجز راستی و عرضه مقاصد بی کم و کاستی درخواستی نداشته باشم اکنون شروع بمقصود مینماید و آستین جانیازی تا به صاعد بالا مینماید علی الله فی کل الامور توکلی • انه جسی ونعم الوکیل •

پس از مقاله افتتاحی مذکور ، مقاله تحت عنوان (جشن ملی و سرور جبلی) راجع به هیجان مردم اصفهان برای مشروطیت و بعد (مذاکرات روز سه شنبه ۲۵ ذیقعد •) انجمن بلدیه اصفهان درج شده است مذاکرات انجمن بنام اعضای انجمن چاپ شده است.

نمره دوم روزنامه در تاریخ دوشنبه هشتم ذیحجه ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و بدکر (مذاکرات انجمن بلدیه روزشنبه ۲۹ ذیقعد •) شروع گردیده در این شمار • مقالات دیگری بعنوان (این به بیداریست بینم یا بغواب) و (جفنگیات) درج است .

نمونه از مذاکرات انجمن بلدیه سه شنبه دوم ذیحجه بنقل از نمره ۴ مورخ ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۵ قمری : > نایب رئیس . دو روز قبل جناب صدرالهدیه بن تشریف آوردند در انجمن که از جانب ملت وکیل هستم چند مطلب دارم یکی در خصوص سد سناقات که چرا سوار نمیرسد سناقه را مسدود کنند بعد از مذاکرات بسیار قرار شد خود ایشان با آسید عبدالرسول حضور ایالت کبری شرفیاب شده جواب و سؤال نمایند که از سوارهای فتحیه بهفتی زین العابدین خان بعضی سد سناقات حرکت کند ایالت کبری فرموده بودند که بمجلس شورای ملی اطلاع دهید تا تکلیف معلوم شود .

حاجی میرزا علی اکبر . اعضای این انجمن در این باب با ولیای معتمد انجمن ملی عریضه کنند و کسب تکلیف نمایند •••••••• از روزنامه (بلدیه اصفهان) فعلا تا شماره پنجم سال اول مورخ دو شنبه هفتم محرم الحرام (بدون ذکر سال و لی معلوم است که سال ۱۳۲۶ قمریست) در دست است .

میرزا عباسخان چهار محالی - آقای میرزا عباسخان متخلص بشیدا از شعرای معروف اصفهان و از ادبای بنام این شهر است . شماره های مجله دانشکده اصفهان که از انتشارات ایشان میباشد گواه و شاهد زنده ای بر مقامات فضلی مشار الیه است و ما شرح حال مفصل آقای شیدا را در حرف دال کتاب (دانشکده اصفهان) بیان خواهیم کرد .

(۲۹۶) بلدیه اصفهان

مجله بلدیه اصفهان بموسسی (سرهنک حبیب الله خان شهردار) و نگارندگی و مدیر مسئولی (محمد علی مکرم) در شهر اصفهان تأسیس و شمار • اول آن در ۲۰ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (سعادت) چاپ و در تاریخ آبانماه ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . مجله بلدیه ماهیانه بوده و وجه اشتراك سالیانه آن بدینقرار است :

حرف ب بعده اللام

بلد به اصفهان

در اصفهان ۱۲ قران . داخله ۱۵ قران . خارجه ۲۰ قران . تك نمره يك قران . ساير خصوصيات مجله بدین قسم تعيين گردیده : عنوان مراسلات . مجله بلديه اصفهان . محتويات مجله : « دارای اخبار انجمن بلدی و مقالات اجتماعی تاریخی فنی و اطلاعات رسمی بلديه . » اداره در اصلاح مقالات آزاد است . مقالات وارده مسترد نمیشود . اعلانات برای درج از قرار سطری ذو قران در پشت جلد قبول میشود .

سرلوحه مجله عبارت است از کلیشه (پل خواجوی اصفهان) که در داخل آن مجله (بلديه اصفهان) و در بالای آن غیر و خورشید که علامت دولتی بودند مجله می باشد ، چاپ شده است . در صفحه اول مجله تصویر (پادشاه ایران رضا شاه پهلوی) طبع و در زیر آن این عبارات درج است : « بتوفیق و تایید خداوند قادر متعال و ستایش ذات ذوالجلال بیزوالش تعظیم باد پنجه آهنین نابغه شرق و ناجی مملکت پر شرافت ایران بندگان اعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت همایون شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله سلطانه تکریم باد بر بازوی توانایش همان بازوی مبارکی که رسوم خود را بایران و ایرانیان مبارک خود . تعالی و ترقی مملکت را روز افزون و امور اجتماعی ملت ایران در تمام نقاط مملکت در پرتو اراده سنیه اش اصلاح و روی اوراق سیاهی که بعد از عصر نادری تاریخ پر افتخار مملکت ما را ننگین و تاریک نموده بود قلم بطلان کشیده و تا چندین قرن دیگر عظمت باستانی مملکت کهن سال ایران را در جامه عالم تأمین فرموده زنده باد رضا شاه پهلوی پاینده مملکت ایران . » در حقیقت مقاله مذکور بمنزله مقاله افتتاحی مجله بوده و پس از آن بذکر مذاکرات و اصلاحات شهرداری پرداخته است .

از شماره دوم مختصر تغییری در اعضای مجله پیدا شده و بعوض سرهنك شهردار مؤسس (میرزا حسین خان جلایی) و نگارنده و مدیر مسئول (محمد علی مکرم) معرفی گردیده است . مندرجات مجله بیشتر عبارت از مذاکرات انجمن شهرداری و پیشنهاد اصلاحات مربوط بان اداره میباشد . از مجله مذکور نگارنده فعلا تا شماره ۷ و ۸ مورخ اردیبهشت و خرداد ماه ۱۲۱۰ شمسی را در دست دارد .

سرهنك شهردار - سرهنك شهردار از هنرمندان معروف ایران و در خواستن بیان استاد زبردست بشمار میرود . صفحات ساز پسانوی ایشان را اغلب خوانند . گان گرام شنیده اند . در تاریخ تأسیس مجله نامبرده رئیس شهربانی و کفیل شهرداری اصفهان بوده و در مدت تصدی خود خدمات فراموش نشدنی بشهر اصفهان نموده است از آقای محمد علی مکرم مدیر مجله سپاهان و روزنامه صدای اصفهان در محل خود بتفصیل گفتگو خواهیم کرد .

آقای میرزا حسین خان جلایی از روشن فکران اصفهان است زمانی کارمند مجلس شورایی و مدتی هم در شهرداری اصفهان بخدمت گزاری مشغول بود و هم اکنون از اعضای فعال شهرداری اصفهان است .

(۲۹۷) بنی هاشمی

روزنامه بنی هاشمی در تهران بمدیری (ش . ح . بنی هاشمی) تأسیس و شماره دوم آن روی يك ورق بقطع بزرگ با چاپ سری در مطبعه (سعادت) طبع و در تاریخ يكشنبه ۲۹ رمان ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۵ نور ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است . بنی هاشمی روزنامه هفتگی بوده و محل اداره آن آب منگول . کوچ نوری معین گردیده است . وجه اشتراك آن طبقه اول ۲۰ قران ، كارگران ۲۰ قران . اعلانات سطرى ۲ قران . تك شماره ۵ شامى . لوايح خصوصى بطرز اعلان پذیرفته میشود .

اسم روزنامه (بنی هاشمی) بخط نسخ و در زیر آن تاریخ تأسیس (۱۳۴۲) نوشته شده . نکته شایان توجه اینکه شماره اول این روزنامه پس از چاپ در مطبعه توقیف گردیده و در انتهای صفحه دوم شماره دوم اشاره با این مطلب نمود . مینویسد : « تذکر . شماره يك روزنامه ما در دوم شهر جاری در مطبعه توقیف شد بنا براین شماره اول روزنامه بنی هاشمی در اوائل ماه نور طبع گردیده و چون از مقاله افتتاحی شماره اول اطلاعی نداریم بجای آن مقاله افتتاحی شماره دوم را نقل می کنیم . سرمقاله شماره دوم تحت عنوان (باز گفته میشود) نوشته شده و بدین قرار است : « روزنامه ما وقتی منتشر گردید که در غلبان جوش و بایستی افکار و عقاید مشی سیاسى خود را در ایام هادی مملکت اظهار و ابراز نماید ولی از طرفی خوشحال هستیم وقتی قلم را در دست گرفته که چون الله تعالی تا حدی میتوانیم حقایق را در صفحات نامه خود نگارش دهیم و امیدواریم مسؤولیت هدایت و تنویر افکار عمومى را که بعهده گرفتیم با استمداد از افکار صلحاء و عقلا و خیر خواهان ملك و ملت انجام داده و از عهده بر آییم . »

پس از سرمقاله مذکور ، مقاله دیگری تحت عنوان (کى باید حكومت كند ؟) درج است و این مقاله تمام صفحه يك و دو روزنامه را فرا گرفته و در ستون آخر صفحه دوم شكایتى بعنوان (بیان حقیقت) طبع شده است . هر صفحه روزنامه مشتمل بر چهار ستون و مندرجات آن بیشتر يك سر مقاله و چند آگهی و مختصر اخبار داخله است . از روزنامه بنی هاشمی فعلا تا شماره ۵ سال اول مسورخ يكشنبه ۲۷ شوال ۱۳۴۲ مطابق ۱۲ جوزای ۱۳۰۳ شمسی در دست است .

(۲۹۸) بو بوخ

روزنامه بو بوخ در سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران بزبان ارمنى تأسیس شد . و تا این اواخر بمدیری (هایك کاراکاش) بطور هفتگی منتشر میشد .

(۲۹۹) بوستان

روزنامه بوستان بمدیری آقای (مجدالملى بوستان) در شهر مشهد تا سبس و

حرف ب بعده الواو

بوستان

شماره اول آن روی چهار صفحه بقطع كوچك ؛ با چاپ سربی ؛ در مطبعه خراسان طبع و در تاريخ سه شنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری مطابق ۱۵ میزان ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است . قبل از انتشار شماره اول طلیعه بوستان روی يك ورق در تاريخ ۳ غنیه ۲۳ صفر مطابق اول میزان ۱۳۰۳ نشر شده و مندرجات طلیعه مذکور پس از ستایش یزدان در باره تعریف (بوستان) بدینقسم شروع میگردد : « بوستان اسمی است فارسی و مرکب از کلمه بو و ستان . بو بضم حرف اول وسكون وا و را عرب رایعه میگوید و ستان بکسر سین بر وزن نشان جا و مکان زیادی و بسیاری و انبوه بودن از هر چیز را گویند مثل نیستان و شکرستان و گاهستان که بمعنی جای زیاد بودن نی و بسیار بودن شکر و انبوهی گل میباشد و بوستان بضم اول و مخفف و معرب بوستانست جمعش هم بر بستین بسته شده است ۰۰۰ »

بوستان نامه ایست هفتگی و اشتراك ششماهه آن یگنومان و محل ادار . سردرب مطبعه خراسان است . در عنوان روزنامه بوستان نامه اخلاقی ، تاریخی ، ادبی و علمی معرفی شده است . مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (نتیجه تقریظ و انتقاد) و بدین قسم شروع میگردد : « نهایت امتنان و تشکر از همقلمان محترم داشته احترامات فائقه و تکریمات لازمه را تقدیم ایشان میدارم که پس از نشر طلیعه نامه كوچك بوستان هر کدام نظر بحسن ظن بلکه لطف و مرحمتی که بنویسنده این نامه دارند تقریظی نوشته و مارا رهین منت خود ساختند ۰۰۰ »



پس از سرمقاله مختصری از اخبار داخله و خارجه چاپ شده و در صفحه سوم غزلی از استاد ادیب نیشابوری وقطعه از شاهزاده جلال الممالك درج گردیده و مدیر روزنامه در همین شماره وعده داده است که در تمام شماره ها از ادیب نیشابوری و جلال الممالك اشعاری نقل نماید . غزل مرحوم ادیب باین مطلع است : « باز از فراق آن بت نوشادی بت چشم من است دجله بغدادی » روزنامه بوستان پس از مدتی نشر در خراسان یعنی بعد از آبان ۱۳۰۵ شمسی محل انتشار آن بطهران منتقل شده و در شهر اخیر با قطع بزرگ منتشر شده ولی دوام زیادی نداشته است .

مجددالعلی بوستان فرزند مرحوم آشیخ

مجددالعلی بوستان

حسن امام جماعت از نواده های حاج شیخ عبد

الحسین درودی خراسانی در ۱۷ ذیقعد ۱۳۱۷ قمری در خراسان بدنیا آمده و پس از تحصیل فارسی و مقدمات عربیت نزد آخوند ملا احمد کدکنی بفراتن علوم ادبی

حرف ب بعده الواو

بوستان، بوقامون، بهار

نزد مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری پرداخته و سپس بطهران رهسپار و در آن جا در محضر استاد معظم آقای آقا میرزا مهدی آشتیانی و حکیم معروف آقای آقا ضیاءالدین دری بتحصیل حکمت مشغول گردید . است . در سال ۱۳۰۶ شمسی در تشکیلات جدید عدلیه وارد و تا کنون مقامات مختلفی را از قبیل مدعی العموم عدلیه ملایر ، ریاست دادگستری سنجان ؛ مستشار محکمه استیناف مرکز ، ریاست دفتر دیوان عالی کشور را طی کرده است . آثار و تألیفات او علاوه بر مقالات مختلف که در جراید و مجلات بطبع رسیده عبارت است از کتاب طریقه ترجمه و پند مادر به دختر که اولی در سال ۱۳۱۴ و دومی در ۱۳۰۶ شمسی در طهران چاپ و منتشر گردیده است .

(۳۰۰) بوقلمون

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع باین روز نامه مینویسد : « بوقلمون . روزنامه نیم ورقی منتشر در تبریز با چاپ سربی بمدیریت غنی زاده در ۱۳۱۷ قمری »

بنقل برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۶) شماره دوم این روز نامه در تاریخ ۲۴ شهر رجب ۱۳۱۷ قمری منتشر شده است .
آقای میرزا محمود غنی زاده سلماسی علاوه بر روزنامه بوقلمون روزنامه های انجمن ، فریاد و شفق را نیز منتشر کرده است .

(۳۰۱) بهار

مجله بهار بمدیری و نگارندگی (یوسف اعتصام الملك) در طهران تاسیس و شماره اول را در اول اردیبهشت ماه ۸۳۲ جلالی مطابق دهم ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر کرده است . پس از نشر سه شماره یعنی از شماره ۴ مدیر اداره مجله آقای (مدبر الممالك) معرفی گردیده و آقای اعتصام الملك سمت نگارندگی مجله را داشته است .

مجله بهار گرچه عنوان ماهیانه داشته ولی مرتب منتشر نشده چنانچه این موضوع تحت عنوان (اخطار) در شماره هفتم بدینقسم بیان گردیده است : « براساسه بی ترتیبی که در بدو شروع بانشار مجله دست داد و انتظام توالی نمرات مجله از میان رفت و تقریباً هر شماره از شماره های اخیر مجله در پنج ماه بعد از تاریخ مقرر انتشار مییافت و غالباً همچو تصومینمودند که در ارسال مجله از طرف اداره قصوری دست میدهد . شماره هفتم را مطابق بیستم ربیع الاول ۱۳۲۹ و اول حمل قرار دادیم که بعد از این مرتباً در اول هرماه شمسی بدون تغلف طبع و نشر گردد تا دوازده شماره سال اول تمام و شروع بسال دوم شود . »

شماره اول مجله در ۶۴ صفحه بقطع کوچک خشتی و با چاپ سربی در مطبعه

حرف ب بعده‌الهاء

بهار

(فاروس) طبع و منتشر شده و سال اول مجله با انتشار شماره ۱۲ مورخ ۲۵ ذی قعد ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی خاتمه یافته است . مجموع صفحات سال اول بنیر از فهرست مندرجات و غلطنامه ۷۶۸ صفحه است . بهار مجموعه ادبی ، اخلاقی تاریخی ، علمی ، سیاسی ، اجتماعی معرفی شده ولی بیشتر اهمیت این مجله به علت ترجمه های مفیدست که از کتب و مجلات خارجی در آن دیده میشود و همین مزیت باعث گردید که از همان ابتدا مجله بهار موقعیت خاصی در بین مجلات ایران پیدا نماید به قسمیکه با سشنای یکی دو مجله که تکرار طبع شده ، این مجله در سنوات اخیر مجدداً بطبع رسیده و چون نسخ آن خیلی کمیاب گردیده بود ناچار بخواهش علاقه مندان آنرا دو مرتبه بچاپ رسانیدند .

در باره پیدایش مجله و مقصود از تأسیس آن مقاله افتتاحی شماره اول مجله مطلب را روشن میکند و آن این است : « مقصود از تأسیس مجموعه بهار این است که مطالب سودمند علمی و ادبی ، اخلاقی تاریخی ، اقتصادی ، فنون متنوعه را که امروز دانستن آنها دارای اهمیت بیشمار است بطرزی نیکو و اسلوبی مرغوب بانظار ارباب دانش عرضه بدارد . و تعمیم معارف را که اکسیر نیکبختی و مصدر زندگانی جاوید ملل متمدنه است بر عهده گرفته افکار عمومی را با معلومات مفیده آشنا نماید . . . »

امروز که دوره مطبوعات ما بوجود روزنامه های ایران نو ؛ شرق ، مجلس ، وقت ؛ تمدن افتخار میکند : گویا بی مناسبت نباشد که مجله بهار نیز جامه انتشار به پوشد و با قدمهای آهسته یعنی آنقدر که میتواند بتقدیم خدماتی که در نظر دارد مشغول شود . چه در جای تاسف است که اغلب جراید مملکت ما بعد از چند روز یا چند ماه در پس پرده تعطیل ابدی پنهان شده بواسطه نداشتن مسلك مستقیم و فقدان میل عمومی جزاسی بی مسمی چیزی از خود باقی نمیگذارند خریداران این کالای گرانبهاره مملکت ما کم است و اکثر اشخاص هنوز بلمت مطالعه جراید و مجلات ملتفت نشده اند و ضعف قوه مالی و پریشان حالی نیز بمرحله کمال رسیده مجله بهار بعضی جلوگیری این ناخوشی مزمن بعضی رهایی از موانع نشر و ترویج تمام هم خود را مصروف این میدارد که بقیهتی ارزان فروخته شده لایق استفاده عموم باشد .

این مجله ماهی یکبار در ۶۴ صفحه چاپ خواهد شد و از ۱۲ نمره سالیانیه برای هریک از مشترکین عظام کتابی مشتمل بر ۷۶۸ صفحه تشکیل خواهد یافت .

در طهران قیمت هر نمره یکقران و آبونمان سالیانیه دوازده قران است . در خارج فقط کرایه پست بر قیمت اصلی افزوده میشود

این بود قسمتی از مقاله افتتاحی مجله بهار . در باره مندرجات مجله بهار لازم است یاد آور شویم که اغلب ترجمه های خارجیست و هیچ قسم مقالات سیاسی در آن دیده نمیشود . والحق میتوان گفت از لحاظ آشنا ساختن مردم بسبك نوشته های اروپائی مجله بهار خدمت بزرگی نموده است . برای مزید اطلاع خوانندگان

حرف ب بعده الهاء

بهار

فهرست مندرجات شماره های سوم و دوازدهم سال اول مجله را قبل می‌نمایم: هفت پیکر. (ترجمه) (این ترجمه مقاله اول مجله را تشکیل میدهد و نقل از رسمی کتاب اثر عالی بیک است) سوق طبیعی و ذکاوت. لغت جدید - اسپرانتو. انواع مدارس در فرانسه. مکتوب به تولستوی (بقیه از شماره ۲) هم چشمی با مجله بهار - مجله موسدی. توماس ادیسون پادشاه الکتریک. گذشته و آینده (مقالات ارتور بریزیان) یک شب در وارن. سرگذشت یک محکوم. رادیوم زن. آیا دانسته اید؟ سخنان حکمت آموز. انژیپتو (بقیه از شماره ۲) فهرست مندرجات شماره ۱۲: با یک گل بهار نمیشود. چین در چه حال است برای استقلال. عجایب نیویورک. تراجم مشاهیر. ژو کونه. بومبئی. هرکولانم. عالم نسوان. در اینجا و در همه جا. پس از ده سال! متنوعه. سخنان حکمت آویز. آیا دانسته اید؟

نکته شایان توجه اینکه تمام ترجمه ها و مقالات بقلم خود اعتصام الملك مدیر مجله است، سال اول مجله همانقسم که یاد آور شدیم با نشر شماره ۱۲ در ۷۶۸ صفحه پایان یافته و مجله بهار مدت ده سال تعطیل گردیده است. و برای بار دوم شماره اول سال دوم آن در اردیبهشت ۸۴۳ جلالی مطابق شعبان ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است. مقاله افتتاحی این شماره که تحت عنوان (هزار سال اگر بگذرد بهار یکی است) نوشته بدین قسم شروع میگردد: «مجله بهار پس از ده سال سکوت و خاموشی سال دوم انتشار خود را شروع نموده مجدداً قدم بساحت مطبوعات میگذارد.»

در سال دوم مجله بهار بهمان سبک و روش سال اول منتشر شده و در این سال بخصوص بترجمه آثار بزرگان و نویسندگانی از قبیل ژان ژاک روسو، ویکتور هوگو و سایر نویسندگان فرانسه بیشتر توجه شده است.

سابقاً یاد آور شدیم که صاحب امنیت و نگارنده مجله یوسف اعتصام الملك بوده و پس از نشر چند شماره مدیر اداره مدبر المالك معرفی گردیده. در سال دوم نیز در دو سه شماره اول بجای مدبر المالك؛ عباس خلیلی مدیر اقدام مدبر مجله گردیده ولی از شماره ۴ تمام امور مجله بهمد خود اعتصام الملك معول شده است. محل اداره مجله در سال اول طهران خیابان ناصریه؛ کتابخانه تربیت و چندی هم در همین خیابان در اداره جریده تمدن بوده و در سال دوم مرتباً در سرچشمه واقع بود. است. مجله بهار از حیث طبع و کاغذ چندان مرغوب نیست.

یوسف اعتصام الملك

علامه قزوینی در یادداشت های و فیات معاصرین در شرح احوال اعتصام الملك این طور مینویسند: «میرزا یوسف خان آشتیانی ملقب باعتصام دفتر و اعتصام الملك بر میرزا ابراهیم خان اعتصام الملك آشتیانی مقیم تبریز که در دوره دوم و کیل مجلس شورای ملی و در اواخر عمر یعنی از ابتدای تاسیس کتابخانه مجلس ریاست آن را داشت

حرف ب بعده الهاء

بهار

و او مؤلف فهرست بسیار نفیس کتب خطی آن کتابخانه است و از عربی و فرانسه چند کتاب بفارسی ترجمه کرده و بزبان عربی غیر از شرح اطواق الذهب زمخشری؛ داستانی بنام الثورة الهندیه ترجمه نموده که درمصر بطبع رسیده است. مجله ادبی بهار نیز به قلم اوست وفاتش در شب یکشنبه دوازدهم دیماه هزار و سیصد و شانزده شمسی مطابق ۲۹ شوال ۱۳۵۶ قمری در طهران ۴۰ شماره سوم سال سوم مجله یادگار.

(۳۰۲) بهار

روزنامه بهار بهدیری (آقا شیخ احمد) در شهر مشهد تأسیس و در سال ۱۲۹۶ شمسی در مطبعه (خراسان) طبع و در هر نوبت ۱۲۰۰ نسخه از آن منتشر شده است آخرین شماره سال دوازدهم تأسیس روزنامه بهار و بنابر آنچه در عنوان آن قید گردیده مطابق سال ششم انتشار؛ در تاریخ ۳ شنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۰۸ شمسی مطابق ۱۸ جمادی الاول ۱۳۴۸ قمری منتشر گردیده است. از اینجا معلوم میشود روزنامه بهار با این که در سال ۱۲۹۶ شمسی تأسیس شده ولی تا سال ۱۳۰۸ شمسی بیش از شش سال انتشار نیافته است. بها در ابتدا هفتگی بوده ولی در سنوات اخیر نشر آن بومیه گردیده و باستانی ایام تعطیل همه روزه منتشر میشده است. محل اداره روز نامه مشهد مطبعه خراسان و قیمت اشتراك آن بدینقرار است: یکساله ۷۰ قران، طلاب و محصلین پنجاه قران، تك شماره شش شاهی.

شماره ۵ و ۶ سال شانزدهم تأسیس روزنامه بنگارندگی (احمد بهار) مشتمل بر چند صفحه بقطع بزرگ، با چاپ سری؛ در مطبعه خراسان طبع و در تاریخ سه شنبه اول آذر ۱۳۱۱ شمسی مطابق ۲۲ رجب ۱۳۵۱ قمری منتشر شده. در این سال نیز بهار بومیه بوده و وجه اشتراك بدینقسم معین شده است: ۲۵۰ شماره ۷۰ ریال، ۱۲۵ شماره ۴۰ ریال؛ برای طلاب و محصلین ۶۰ ریال، تك شماره ۵۰ دینار بعد از سه روز بگریال. قیمت اعلان: جای هر يك سطر صفحه اول دو ریال، دوم و سوم يك ریال، چهارم ۷۵ دینار. شماره مسلسل یعنی مجموع شماره هائی که تا این تاریخ یعنی در طول مدت شانزده سال تأسیس روزنامه انتشار یافته، ۱۳۰۸ شماره است.

مندرجات روزنامه مانند سایر جراید محلی عبارت از مقالات گوناگون و اخبار محلی خراسان و حوادث داخلی و خارجی است. و نیز اعلانات مختلف و بخصوص اعلانات ثبت اسناد بعد وفور در روزنامه درج است. روزنامه بهار بر حسب زیادتی، اعلانات ثبتی گاهی در چند صفحه چاپ شده و هر صفحه آن مشتمل بر پنج ستون است. نام روزنامه (بهار) بخط نستعلیق نوشته شده و در دو طرف آن خصوصیات روزنامه درج است.

شیخ احمد بهار

نامبرده از خویشاوندان آقای ملک الشعرای بهار و اکنون در دفتر نخست وزیری در طهران بخدمات دولتی مشغول است. در طهران ملاقات ایشان دست داد پیری

بهار

حرف ب بعده الهاء

زنده دل بنظر رسید . با اینکه شرح احوال ایشان درخواست گردیده . مع ذلك از دادن جواب خودداری فرموده اند و لذا نتوانستیم شرح احوال ایشان را در این جا بنویسیم .

(۲۰۲) بهار ایران

روزنامه بهار ایران در شهر شیراز بصاحب امتیازی و مدیر مسؤلی آقای (محمد حسین مجاهد) تأسیس و شماره اول آن در ۱۵ آذر سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . روزنامه بهار ایران در ابتدا هفتگی بوده ولی هیچگاه مرتب و منظم منتشر نشده . و در بین سنوات انتشار گاهی در دو صفحه و گاهی روی يك ورق نشر گردیده است ، این روزنامه با چاپ سری در مطابع مختلف شیراز از قبیل مطبعه هزار و در سنوات اخیر در چاپخانه اختصاصی (بهار ایران) بطبع رسیده .



در عنوان هر شماره مدتی این جمله (حق و حقیقت طرفدار ماست) وزمانی آیه (یدالله فوق ابديهم) درج شده . محل ادار ابتدا : شیراز . درب سید حاجی غریب . و بعد در خیابان ناصر خسرو معین گردیده . قیمت اشتراك در بدو تأسیس سالیانه ۴۰ ریال و تك شماره ۵۰ دینار و در سال هفدهم تأسیس سالیانه ۲۰۰ ریال تعیین شده است .

مندرجات بهار ایران پس از درج مقاله اساسی ، عبارت از مقالات گوناگون و اخبار مختلف معلی و حوادث داخلی و خارجی است . اعلانات مختلف ادارات نیز طبق معمول در آن درج است . بهار ایران در تیر ماه ۱۳۲۶ شمسی شانزدهمین سال تأسیس خود را پایان داده و وارد هفدهمین سال خود گردیده است . آقای علی بنی

آقای حسین مجاهد

بهروزی در شماره ۵۰۲ روزنامه مورخ سه شنبه شانزدهم تیرماه ۱۳۲۶ تحت عنوان -۳۰-

حرفب بعدهالهء

بهار ایران، بهار دلکش

(هفدهمین سال بهار ایران) مقاله ای نوشته که قسمتی از آن چنین است : > ۰۰۰ گذرانیدن مدت شانزده سال آنهم در راه روزنامه نگاری ، مخصوصاً در محیط عقب مانده فارس ، آنهم محیط شانزده سال پیش این سرزمین که علاوه برجهل عمومی و عدم اقبال توده روزنامه و مخصوصاً فراهم نبودن وسائل بقدری طاقت فرسا و جا نگاه است که کمتر کسی میتواند مقاومت نماید . چه اشخاص جدی و مردمان نویسنده که در عرض این مدت وارد در این مرحله پر مخافت شده ولی پایداری از آنان سلب و احياناً هستی و جان خود را روی این کار گذارده اند .»

آقای مجاهد در ضمن نامه که درباره تاریخچه روزنامه بنگارنده نوشته تاریخ ولادت خود و سبک روزنامه بهار ایران اینطور مینویسند : > آقای مجاهد متولد سال ۱۲۷۷ ش.می است که با تمام مشکلات و صدمات کمرشکن مقاومت نموده و نگذاشته است که این نامه ملی دوچار تعطیل گردد . روزنامه ملی بهار ایران بهیچ حزب و دسته متکی نبوده و در عرض این مدت بدون تمایل بجبهه افرامی را است و یا جب ، همیشه مصالح کشور و منافع ملت را در نظر داشته است . آقای مجاهد علاوه بر امتیاز روزنامه بهار ایران امتیاز مجله (پارس قدیم) را نیز دارا بوده و مجله مزبور در سال ۱۳۱۲ و سال ۱۳۲۱ شمسی در شیراز منتشر گردیده است .»

(۳۰۴) بهار دلکش

روزنامه بهار دلکش در طهران بصاحب امتیازی ومدیری (حسین تقی زاده) تأسیس وشماره اول آن در تاریخ چهار شنبه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۰ برج دلو ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است .

شماره اول بهار دلکش در چهار صفحه بقطع روزنامه نسیم شمال در مطبعه سربی (سعادت) چاپ و نشر شده و مقاله افتتاحی آن تحت عنوان (قدر شناسی) و خلاصه آن تعریف از شاه و ولیعهد و سردار سپه (که بعداً رضا شاه شد) میباشد تصویر ولیعهد در صفحه اول چاپ شده و پس از سرمقاله اشعاری بعنوان (فغان کارگر از کارفرما) و در صفحات ۳ و ۴ روزنامه تمام شعر است . در شماره اول این رباعی ملای رومی بمسابقه گذاشته شده که هر کس آنرا معنی کرد سه ماه روزنامه بگیرد رباعی این است :

آدینه بیبازار شدم وقتك چاشت تا پنبه خرم خر علمی گوش نداشت
رفتم طبری به پنبه دوزی دادم تا پنبه زند کلاه داری برداشت

بهار دلکش روزنامه هفتگی بوده و چنانچه در سرلوحه آن نوشته شده (مسلك این جریده فقط طرفدار کارگران است) محل اداره : طهران . بالاخانه های شمس العماره . عنوان قلمگرافی : طهران . بهار دلکش . قیمت اشتراك سالیانه در همه جا طبقه اول ۶۰ قران . طبقه دوم ۴۰ قران . محصلین و کارگران ۲۰ قران . تك شماره ۶ شاهی

حرف ب بعدالهاء

بهارستان

از روزنامه بهار دلکش فعلاً تا شماره ۵ سال اول مسورخ ۵ شنبه ۲۹ رجب ۱۳۴۲ مطابق ۱۶ برج حوت ۱۴۰۲ در دست است و سرمقاله این شماره بعنوان (درد دل پدر پسر) از حال خودم خبر ندارم ✽ عید آمد و سیم وزر ندارم. نوشته شده است.

(۳۰۵) بهارستان

روزنامه بهارستان بمدبری آقای (نوبخت) در سال ۱۲۹۸ شمسی ابتدا در شیراز و بعداً در طهران تأسیس و منتشر شده است.

روزنامه بهارستان در شیراز - پس از مراجعت آقای نوبخت از اسلامبول به ایران و توقف در شیراز که مصادف با اواخر جنگ عمومی اول بود، مشارالیه از طرف معارف به سمت معلمی طبیعیات در دارالمعلمین فارس معین گردید و مدت یکسال مشغول بتعلیم بود. پس از آن مجله ای بنام (زندگانی) تأسیس نمود و شماره اول آن دوچار توقیف گردید، بعد مجله بنام (فکر آزاد) تأسیس کرد که آنهم بیش از دو شماره انتشار نیافت. (از این دو مجله جداگانه در محل خود گفتگو خواهیم کرد) بعد از آن بتأسیس و نشر روزنامه بهارستان اقدام نمود و انتشار این روزنامه چنانچه فوقاً اشاره شد در سال ۱۲۹۸ شمسی بود. پس از نشر دو شماره بهارستان، روزنامه توقیف گردید و این توقیف مدت دو ماه ادامه داشت تا بالاخره بحکم وزارت معارف در دوره آقای نصیرالدوله بدر از توقیف خارج شد ولی باز هم روزنامه مکرراً توقیف شد و بخصوص در موقع کودتای سوم حوت چون روزنامه ایشان طرفدار کودتا بوده مورد حمله مخالفین واقع گردید و آقای نوبخت مدتی از کار روزنامه کناره گرفت و متعاقب آن بطهران حرکت نمود و در این جا نیز بهارستان را انتشار داد و از این وقت دوره دوم روزنامه یعنی انتشار بهارستان در طهران شروع گردید. پس از بیان این شرح بذکر خصوصیات بهارستان در شیراز میپردازیم:

شماره اول روزنامه بهارستان در اوایل حمل ۱۲۹۸ شمسی در شیراز منتشر شده و شماره ۶ سال دوم آن در ۲۹ حمل ۱۲۹۹ مطابق ۲۸ رجب ۱۳۳۸ قمری و ۱۸ آذر ۱۹۲۰ در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ در مطبعه سنگی (محمدی) شیراز طبع و توزیع گردیده است. محل اداره: شیراز. مدرسه خیریه مؤیدالملک. بهای بهارستان سالیانه ۴۰ داخله ۵۰ قران، خارجه ۲۰ روپیه. بهارستان روزنامه ایست هفتگی و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی در صفحه اول (مقاله های اساسی در شماره های نمونه تحت عنوان بلشویزم در چند شماره منتشر شده است) عبارت از اخبار ولایات تحت عنوان (اخبار و اطلاعات) و اخبار خصوصی در باره شهرستانها که اداره روزنامه

حرف ب بعده الهاء

بهارستان

از مخبرین دریافت کرده ، میباید . پس از آن اخبار ممالك اسلامی و سایر ممالک درج شده و صفحه آخر روزنامه مخصوص آگهیها و دنباله مطالب قبل است . در روز نامه گاهگاهی اشعاری اثر طبع آقای نوبخت و سایر شعرای فارس درج شده که برای نمونه چند شعر از صفحه چهارم شماره ۶ سال دوم روزنامه نقل مینمایم .

زلف را تاب مده روز مرا تا ر مکن در سیه بختی من این همه اصرار مکن
خون ما را مطلب بادیکران عهد میند عهد ما را مشکن روی باغیا ر مکن
گو بدان نرگس بیمار که از بهر خدا اینهمه خون بدل عاشق بیمار مکن
از روزنامه بهارستان منطقه در شیراز فعلاً نگارنده تا شماره های ۳۸ و ۴۰ آن را که یکجا در دوازده صفحه در چاپخانه سنگی محمدی شیراز طبع شده و در تاریخ ۱۲ قوس ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است در دست دارد .

روزنامه بهارستان در طهران — پس از انتقال اداره روزنامه بطهران بهارستان چنانچه فوقاً اشاره کردیم از شماره ۱۸ سال سوم در طهران منتشر گردیده و در طول مدت انتشار در طهران با ارتجاع و زور جنگیده و از اینجهت هم روزنامه مکرر از طرف قوام السلطنه و دیگران توقیف شده است . منجمه یگمربیه در سنبله ۱۳۰۱ است که خبر توقیف آنرا روزنامه ایران نوشته است .

بهارستان در طهران روی چهار صفحه بقطع بزرگ چاپ شده و شماره ۸ سال ۵ آن در تاریخ شنبه ۱۷ رمضان ۱۳۴۱ قمری و شماره ۲۷ سال مذکور در تاریخ سه شنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۶ قوس ۱۳۰۲ شمسی انتشار یافته است . بهارستان در طهران هفته سه شماره روزهای دوشنبه ، چهارشنبه و جمعه منتشر میگردد و روی يك صفحه اسم روزنامه (بهارستان) بخط نستعلیق بارنك قرمز و در صفحه دیگر بارنك سیاه چاپ شده و در هر دو صفحه اسم مدیر (نوبخت) در زیر نام روزنامه بخط ریز تری نوشته شده است . صفحه ای که در آن نام روزنامه بخط قرمز چاپ گردیده ، مشتمل بر چهار ستون و عنوان هرستون باز بخط قرمز نوشته شده است . ستون اول بعنوان (مطالعات یومیه) و مشتمل بر وقایع و حوادث روز است . ستون دوم بعنوان (گزارشات دنیا) و مشتمل بر حوادث جهان است . ستون سوم تحت عنوان (نمایندگان ملت) و مختص مذاکرات نمایندگان مجلس شورای ملی است . ستون چهارم بعنوان (اطلاعات بهارستان) و مخصوص وقایع متفرقه است . سرمقاله روزنامه در صفحه ایست که خصوصیات روزنامه در بالای آن قید گردیده و غالباً تند و حمله بسیاست داخلی و تجاوزات خارجیهاست . منجمه یکی از سرمقاله های آن (شماره ۸ سال پنجم) تحت عنوان (آسمان پیمای انگلیس — آیا تجاوز از این بیشتر ممکن است !!؟) نوشته شده و بدین عبارات شروع میگردد : « رعایای ایران ، رعایای بی صاحب بدبخت ؛ رعایاییکه هنوز نمیدانند حکمفرمای ایران کیست و دولت ما يك حکومت مطلقه یا مشروطه یا ملوک الطوائفی است ؛ بالاخره از ظلم انگلیس ؛ از تجاوز انگلیس ، از ظلم

حرف ب بعده الهاء

بهارستان

شیخ خزعل خان بتنك آمده و فریاد خود را بلند نموده و برخیزد شیخ خزعل شورش کرده اند»
رو بهمرفته روزنامه بهارستان علاوه بر: مقاله های تند- و حساس دارای مطالب
تفصیل و اخبار گوناگون و گاهی هم کاریکاتور است بخصوص سبك مخصوص آن در جدا
کردن مطالب بشرحیکه فوقاً یاد آور شدیم، خیلی تازگی دارد. محل اداره در طهران
خیابان چراغ برق و آبنه آن داخله ۷۰ قران؛ خارجه، مساوی ۲۰ روپیه. تکثیر ۶
شاهی. از خصوصیات روزنامه اینکه اعلانات در تمام صفحات آن سطری دهشاهی است.
از روزنامه بهارستان فعلاً تا سال ششم که دارای شماره مسلسل ۲۶۲ و مورخ
بتاریخ ۲۳ ذیحجه ۱۳۴۲ قمری مطابق ۴ اسد ۱۳۰۳ شمسی میباشد در دست نگارنده است.

شرح احوال نوبخت



نوبخت بعلمت انتشار روزنامه بهارستان و چند
مجله بنامهای فکر آزاد، دنیای ایران و گل
آتشین که از هریک در محل خود جداگانه گفتگو
خواهیم کرد؛ در تاریخ جراید و مجلات ایران
موقعیت خاصی دارد و لذا مقتضی است که بتفصیل
از شرح احوال او گفتگو نمائیم، نوبخت چه در
دوران نامه نگاری و چه در حیات سیاسی خود
مردی فعال و زورنك و باهوش بوده و از این جهت
چه در سلطنت پهلوی و چه در اوایل آن و چه پس از وقایع
شهریور، نام او در تاریخ معاصر زیاد آورده شده
و مردم ایران بخوبی ویرا میشناسند. مجملی از
آغاز زندگانی او از اینقرار است:

آقای نوبخت

«نوبخت ابن محمد حسن شیرازی ابن محمد

رفیع نوری مازندرانی ابن جهانمهران داد. پدر مادرش ملا علی اصغر مجتهد خراسانی
که امامت و وعظ - جد گوهر شاد با او بوده و در اواخر عمر مس - موم شده است
مسقط الراس و مولد نوبخت شیراز - حکمت الهی و فلسفه را نزد سید علی وسید محمد
هندی در نجف خوانده و ادبیات عرب را پیش شیخ عبدالرحمن کوبتی که از مشایخ
ادب عرب محسوب است و تا کنون متجاوز از یکصد سال از عمر او رفته است در عراق
تحصیل نموده - نوبخت در سن ۱۸ سالگی بخوبی زبان عربی را فرا گرفت بطوری
که کتاب گلستان شیخ را شعر بشمر و نثر بنثر بهر بی ترجمه کسر و غالب اشعار او در
مجلات مصر از قبیل البیان والهلل طبع شده - منجمله از اشعار او قصیده ایست که در
موقع جنگ عمومی در تهیج ملل اسلامی بجنك سروده و حاوی یکصد و پنجاه شعر -

حرف ب بعده الهاء

بهارستان

میباشد و در جریده (الهلال) اسلامبول طبع شده است. نوبخت پس از آنکه در سن ۱۲ سالگی از شیراز خارج شد، در اواخر جنگ عمومی اول، بموطن خود شیراز بازگشت و از این وقت است که دوران مجله و روزنامه نگاری و دست بکار تألیف نمودن وی شروع میگردد.

آقای نوبخت در نظم و نشر دارای تألیفات است که منجمله کتاب (میتولوژی) که آنرا کتابخانه مهدیه طبع نموده و دیگر کتاب (ماوراء مدرسه) که کتاب متنوع و نفیسی است. و کتابهای (علم تربیت - علم روح - علم منطق) که هر سه از طرف وزارت جنگ طبع شده است. و (تاریخ شاهنشاه پهلوی) تاریخ مذکور از سوم حرت تا جلوس اعلیحضرت پهلوی و دارای تصاویر و گراورهای ممتاز و عالی است. (پند نامه نوبخت) این کتاب را آقای نوبخت خطاب به پسر کوچکشان در ترغیب حس وطن پرستی سروده و در سال ۱۳۰۶ شمسی در مطبعه مجلس در ده صفحه کوچک بطبع رسیده است. مهمترین آثار نظم نوبخت (شاهنامه نوبخت) است که تاریخ ایران را از آخر سلطنت ساسانیان یعنی از جاییکه شاهنامه فردوسی ختم گردیده تا سلطنت اعلیحضرت پهلوی بنظم در آورده است. این کتاب بطرز شاهنامه فردوسی و بهمان سبک و اسلوب سروده شده و در واقع جلد دوم شاهنامه فردوسی محسوب میشود.

آقای حبیب الله نوبخت که در سال ۱۲۷۴ شمسی در شیراز متولد شده یکی از فضایی متجدد و شاعری زیر دست و در سیاست نیز مردی ماهر و پخته میباشد. وی پس از ترک روزنامه نگاری در تهران و عدم انتشار روزنامه بهارستان؛ از طرف وزارت فرهنگ پیشنهاد معلمی فلسفه در دارالفنون و تدریس ادبیات در مدرسه صنایع آلمان بایشان شد ولی نامبرده قبول نکرد و پس از آن مدت یکسال از طرف وزارت جنگ به ریاست هیئت تحریریه مجله قشون انتخاب گردید در دوره ششم و هفتم از طرف اهالی کهگیلویه و بهمیان نمایندگی مجلس انتخاب گشت و پس از ختم دوره هفتم بهملی از کار سیاست کناره گرفت تا اینکه وقایع شهریور پیش آمد و در دوره سیزدهم باز بنمایندگی مجلس انتخاب گردید. در این دوره وی از کسانی بود که با عقد پیمان با متفقین از طرف ایران؛ مخالف بود و از طرفداران جدی آلمان بشمار میرفت و عاقبت هم در اواخر جنگ جهانی دوم که جمعی از ایرانیان بدست انگلیسها روسها توقیف شدند وی نیز جزو متهمین رقیف گردید و بالینکه بعد از یکی دو سال همد زبانی از آنها نجات پیدا کردند با وجود این نوبخت گرفتار بود و بالاخره پس از پایان جنگ آزاد گردید. شرح فعالیت های سیاسی او در ایام جنگ دوم و تشکیل حزب کبود از موضوع گفتار ما خارج است و خوانندگان گرام برای اطلاع از آن میتوانند به مقالات مسلسل آقای نامدار در روزنامه پیکار روز که عین آنها در مجله خوانندگی ها نقل گردیده مراجعه و مطالعه فرمایند. آقای نوبخت فعلاً در قید حیات و از هرگونه فعالیت سیاسی و اجتماعی برکنارند. فرزندی از ایشان بنام دانش نوبخت مشهور

بهار شرق، بهبهان، بهلول

حرف ب بعده الهاء

است که مدتی روزنامه آفتاب را منتشر میساخت و از ایشان جداگانه در ذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو خواهیم کرد.

(۳۰۶) بهار شرق

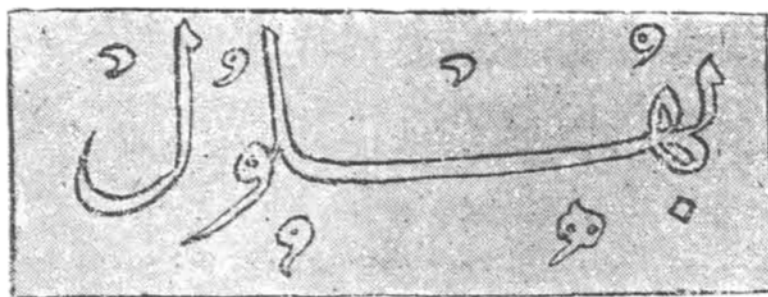
روزنامه بهار شرق در سال ۱۳۰۳ شمسی بطور هفتگی در شهر مشهد تأسیس و منتشر شده است.

(۳۰۷) بهبهان

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه بهبهان بمدیری (سید امان الله مقیم بهبهان) در شهر بهبهان از تصویب شورای عالی معارف گذشته است.

(۳۰۸) بهلول

روزنامه بهلول در طهران ابتدا بمدير مسؤولی شیخ علی عراقی و بعد بمدیری (اسدالله خان پارسى) و از شماره ۱۱ بانطرف بمدير مسؤولی (شیخ حسن) تأسیس و شماره ۵ سال اول آن در تاریخ شنبه ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری در چهار صفحه به قطع متوسط و با چاپ سنگی منتشر شده است. بهلول روزنامه هفتگی بوده و معمولاً صفحه اول و چهارم آن مخصوص کاریکاتور و صفحه دوم و سوم بدرج مطالب اختصاص داده شده. اسم روزنامه (بهلول) در صفحه اول و در زیر آن تاریخ انتشار و قیمت تک نمره و محل توزیع چاپ شده وجه اشتراك در اول صفحه دوم درج است. اسم مدیر روزنامه (اسدالله) در انتهای صفحه سوم درج است. بهلول در مطبعه سنگی (میرزا علی اصغر) بطبع میرسیده و محل توزیع آن که در حقیقت اداره روزنامه بوده (کاروانسرای خدائی حجره میرزا علی اکبر خان) است. قیمت اشتراك آن سالانه در طهران شش قران. شش ماهه سه قران و ده شاهی. ولایات داخله بترتیب ده



سر لوحه بهلول

میباشد مثلاً کاریکاتور شماره ۷ سال اول مورخ غره ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری مقایسه مطبوعات در زمان مشروطیت و در زمان استبداد است که این دو قسمت را مجسم

قران، شش قران
ممالك خارجه سبزد.
قران، هفت قران
تک نمره صد دینار.
صفحات کاریکاتور روز
نامه رنگی و بالوان
آبی؛ قرمز؛ و سبز
است و بیشتر مربوط
نقضای آغاز مشروطیت

حرف بعد الهاء

بهلول

نموده و زیر آن نوشته است (باز همان آش و همان کاسه است)
 مندرجات بهلول پس از درج سرمقاله که تحت عنا و بن (فلسفه تنبلی) و
 (مکتوب مزدك از عالم برزخ) و غیره میباشد عبارت است از اشعاری تحت عنوان
 (ادبیات) و مطالبی بعنوان (استخراج از کهنه مقویم بهلول) و اخبار و تلگرافات .
 همانقسم که قبلاً یاد آور شدیم صفحات اول و چهارم روزنامه بهلول مخصوص
 درج کاریکاتور است و در هر شماره يك قسمت از اوضاع را بوسیله کاریکاتور نشان
 داده است . منجمه از کاریکاتوری روز نامه کاریکاتوریست که در صفحه ۴ شماره
 ۱۱ سال اول چاپ شده و آن مربوط بوقایع یارمحمد خان کرمانشاهی هنگام استبداد
 صغیر در تبریز است . در همین صفحه تصویر یارمحمد خان در مجلس خانه علاء الدوله و
 تبعید او در رمان مشروطه و رفتار اعظم الدوله کرمانشاهی در زمان استبداد و توقیف
 او در ایام مشروطه ، دیده میشود . برای اطلاع از سبك مندرجات بهلول اشعاری را
 که بعنوان ادبیات در شماره ۱۶ سال اول چاپ کرده نقل میکنیم :
 گویند که دسته زجهال خواهند حکومت نظامی تا مثل زمان شاه مخلوع
 این ملت بی نوا تمامی باشند اسیر دست قزاق چون آل علی بدست شامی
 بر گردنشان نه حکومت بیواهمه رشته غلامی مشروطه طلب کنند توقیف
 هر جا بینند مرد نامی در ضمن بفرقه دموکرات بندند اسباب شاد کامی
 بهلول گر این سخن پذیرد هر پخته ستایدش بخامی فرضا که بوند چون بهائم
 بی مدرک این گروه عامی عاقل نکند تصور ایزاک خرخته شود ز بی لکامی
 نمونه از (کهنه مقویم بهلول) : احوال فلك اصلاحات دلالت دارد بر لایری بودن
 وزراء و گردن کلفتی امرا معمول شدن امتحان مسلکی در ادارات اضافه مواجب گرفتن
 دشمنان دموکرات هجوم از قحطی گریختگان بعنوان بغما و لایبعل ماندن معما ، مبیانت
 فعل با قول ، رقابت رؤساء با فرعون و ابوالهول ؛ محبوس شدن بزرگان و میل آنها
 با فروختن آنش در مملکت ، ضدیت افکار اکثریت ملت با آراء اکثریت پارلمان . . .
 روزنامه بهلول از روزنامه های فکاهی بوده و در آن ایام طرفدار و خواننده
 زیاد داشته است چنانچه تك شماره های آن همیشه بیش از قیمت معمول بفروش میرسیده است .
 در نمونه های مختلفی که نگارنده از این روزنامه در دست دارد در حاشیه صفحه
 اول شماره پنجم سال اول آن مورخ شنبه ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری ، باخط جوهری
 نوشته شده این شماره پس از انتشار تماماً توقیف و صاحب خط اضافه کرده است که
 بزحمت زیاد این شماره را بدست آورده است . از اینرو جای آنرا دارد که مختصری
 از خصوصیات این شماره را نقل کنیم : کاریکاتور صفحه اول این شماره راجع بکارهای
 (پیرم خان) معروف و مشتمل بر دو قسمت میباشد ، يك قسمت مربوط باصلاح ادارات
 دولتی بدست پیرم است و نامبرده در حالیکه عده ای را باشلاق بیرون میکند (بالابالا)
 قسمت دوم پیرم خان خطاب بعهده نموده میگوید : (شما اینجا چه میکنید بیرون بروید بالا بیرون)

حرف ب بعده الهاء

بهلول ، بیان حقیقت ، بیان واقع ، بیدار

بهلول چون روزنامه انتقادی و تند بوده از اینجهت چندین بار توقیف گردیده و هرنوبت پس از توقیف ، فوق العاده بنام (فوق العاده بهلول) منتشر میساخته و مطالب خود را در آن بچاپ میرسانده چنانچه یکمرتبه روزنامه بطت قرمز بودن رنگ کاریکاتور که علامت انقلاب بوده دوچار توقیف گردیده . این دفعه مطبعه و تمام کارگران مطبعه که در آن بهلول چاپ شده توقیف شده است بهلول در فوق العاده خود از این وضع شکایت میکند . چند شماره از این فوق العاده ها در دست است .

در سال ۱۳۴۱ قمری مدتی روزنامه بهلول بجای روزنامه آزادی منتشر شده و در شماره اول بعنوان مناظره بین بهلول و آزادی مینویسد بهلول میگوید من آمده ام و آزادی میگوید من بصورت بهلول آمده ام و حالا هرچه بخوام میگویم . از بهلول بجای آزادی نگارنده تا شماره ۱۷ مورخ سه شنبه ۵ ربیع الاول ۱۳۴۲ قمری مطابقت ۲۳ برج میزان ۱۳۰۲ شمسی را در دست دارد .

(۳۰۹) بیان حقیقت

روزنامه بیان حقیقت در شیراز بدبیری آقای (میرزا حسن خان دیانت) ملقب به معاون دیوان ، تأسیس و شماره اول آن در تاریخ ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری منتشر شده است ؛ روزنامه بیان حقیقت ابتدا هفتگی بوده و با چاپ سنگی در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه (محمدی شیراز) چاپ و منتشر شده است . پس از مدتی چاپ سنگی بدبیری مبدل شده و هفته سه بار نشر یافته است :

در سرفصل روزنامه اسم روزنامه با خط نستعلیق و بالای آن (هوالمین) و در دو طرف خصوصیات روزنامه چاپ شده است . آبونه اشتراك سالیانه شیراز ۴۰ قران سایر نقاط ۴۵ قران . خارجه مقابل ۶ تومان . قیمت اعلان عمومی سطر ده قران آبونه سالیانه پس از قبول سه شمار . دریافت میشود و هرکس از يك تا سه شمار قبول نمود موزل آبونه سالیانه است . محل اداره : شیراز خیابان (دهنادی)

مندرجات روزنامه پس از درج سرمقاله عبارت از اخبار طهران و مجلس و اخبار شهرستان های تابعه شیراز و در صفحه چهارم مقالات مختلف و بقیه اخبار درج است . سرمقاله شماره ۲۴ سال سوم مورخ ۲۶ ابان ۱۳۰۶ شمسی تحت عنوان « گناه جنوبی چیست ؟ - مقدرات ملت جنوب بدست کیست ؟ » نوشته شده است . و سرمقاله شماره ۴۴ سال دوازدهم مورخ ۱۲ دی ۱۳۱۵ شمسی بعنوان (استحكام قوه قضائیه کشوری) میباشد بیان حقیقت تا سال ۱۳۱۷ شمسی هفته سه بار در ۲۴۰ شماره منتشر میشده است

(۳۱۰) بیان واقع

روزنامه بیان واقع در سال ۱۳۰۵ شمسی در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۲۱۱) بیدار

روزنامه بیدار در حوت ۱۳۰۱ شمسی بدبیری عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام در

حرف ب بعده الیاء

بیدار ، بیداری

طهران ، بعوض روزنامه اقدام منتشر شده است ؛ از روزنامه بیدار که پس از توقیف روزنامه اقدام ؛ بجای آن منتشر شده ، بیش از چهار شماره نشر نشده و از طرف رئیس الوزرای وقت ، مستوفی الممالک توقیف گردیده است . در شماره ۴۵ سال دوم روزنامه طوفان مورخ ۸ حوت ۱۳۰۱ راجع بتوقیف روزنامه بیدار اینطور مینویسد :

« اقدام - بیدار . چهار شماره بیدار بجای اقدام منتشر و از طرف آقای رئیس الوزراء بدون مجوز قانونی توقیف شده ما که از هر حیث ضعیف هستیم فقط در محکمه و جدان بابایشان معاکمه خواهیم کرد . » نظیر آگهی مذکور در شماره ۲۰ نو بهار مورخ پنجشنبه ۱۰ حوت چاپ شده و در ذیل آن (اقدام - بیدار) امضا شده است برای اطلاع از شرح احوال آقای خلیلی بجلد اول کتاب کلمه اقدام مراجعه شود :

(۲۱۲) بیدار

در روزنامه ارژنك ، شماره ۲۸ سال دوم مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۰۵ ، منطبعه اصفهان وصول روزنامه ای را بنام بیدار از مزار شریف افغانستان خبر داده است ولی نگارنده تا کنون بنمونه از این روزنامه دسترسی پیدا نکرده ام . شرح مسطور در روزنامه ارژنك بدین قرار است : (روزنامه بیدار) گرامی روزنامه بیدار منطبعه مزار شریف افغانستان در این هفته بادره ما رسیده است ماطلوع این نامه شریف را تبریک میگوئیم .

(۳۱۳) بیداری

روزنامه بیداری در طهران ، بمدیری (فتح الممالک) در سال ۱۳۲۵ قمری ، با چاپ سنگی منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۷) در باره این روزنامه مینویسد : « من نمره اول وسوم این روزنامه را دارم و نمره اول آن در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . هر شماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۷ در ۱۲ سانتیمتر و با چاپ سنگی و بخط نستعلیق میباشد . اشتراك سالیانه آن سی قران است . »

(۳۱۴) بیداری

روزنامه بیداری در شهر رشت بمدیری (ح . جودت) تأسیس و در ماه سوم سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است در شماره ۱۹ سال اول روزنامه اختر مسعود مورخ ۱۸ جوزای ۱۲۹۹ شمسی راجع بطلوع روزنامه بیداری اینطور نوشته است « جریده شریفه بیداری که اسمی است با مسمی برای بیداری خواب رفته گان بغفلت بتازگی از افق مطبوعات گیلان طلوع و عالم مطبوعات را روشنی بخش گردیده . » روزنامه مذکور ماهی سه مرتبه منتشر شده است .

(۳۱۵) بیداری

روزنامه بیداری بمدير مؤلفی و نگارندگی (سید محمد هاشمی) در سال

حرف ب بعده الیاء

بیداری

۱۳۰۲ شمسی در شهر کرمان تأسیس و شماره ۱۷ سال اول آن در چهار صفحه بقطع کوچک و با چاپ سربی (مطبعه سعادت کرمان) و در تاریخ شنبه ۲۰ محرم الحرام ۱۳۴۵ قمری مطابق ۸ مرداد ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است. روزنامه بیداری عنوان هفتگی و یا ماهیانه نداشته و بطور غیر مرتب هر چندی یکبار منتشر شده است. چنانچه شماره ۱۷ سال اول در سال ۱۳۰۵ شمسی و شماره ششم سال دوم آن در ۴ اردیبهشت ۱۳۱۰ شمسی انتشار یافته و نمره مسلسل این شماره ۷۵ است یعنی جمعا در طول مدت هشت سال ۷۵ شماره از روزنامه منتشر گردیده است. محل اداره روزنامه (مدرسه ملی) و عنوان تلگرافی (جریده بیداری) و آبونمان روزنامه بدینقسم معین شده است: یکساله کرمان ۳۰ قران؛ شهرهای ایران ۳۰ قران؛ شهرهای خارجه ۱۲ روپیه؛ شش ماهه بترتیب ۱۶ قران، ۱۸ قران، ۶ روپیه. نك نمره ۶ شاهی. در عنوان روزنامه، بیداری (روزنامه طرفدار حکومت ملی و عظمت معارف) معرفی شده است.

مذرجات روزنامه پس از درج سرمقاله، اخبار محلی و مقالات مختلف میباشد برای نمونه قسمتی از سرمقاله شماره ۱۷ سال اول را نقل مینمائیم سرمقاله مذکور تحت عنوان (من بگیرم عنان شه روزی) زنم از دست ظلم اینان داد) و باینقسم شروع میگردد: «شهربارا، تاجدارا؛ آبا خبرت هست که اینجا چه خبر شد، بیداد نمودند و زاندازه بدر شد. دویالت کرمان قهرمانیت افراد حکمفرما قانون و طرفدار قانون ضعیف وضع بر علیه جمعی و بر له بعضی در میانه ضعفا پریشان پامال شد گان بی گناه. ستمدیدگان بی ملجاء و پناه روح واحد ملت بهضمون این چامه حکیم مترنم است که بداندیش را روی نیکی مباد؛ که کردار نیکم بید کرد یاد. آری آری مجاهدت های ملت در راه تو فراموش نشدنی است طرفداری علاقمندان از خاطر ها نرود و از روزگار محو نشود. شاه؛ خسروا. خبرداری یا نه در ایالت کرمان جمعی از استبدادخویان را از زوایای خمود و یاس بیرون آورده در بهار آزادی برگردن ملت سوار گردند» در سال ۱۳۱۵ شمسی بهسببکه جراید آن تاریخ ضبط کرده علاوه بر روزنامه بیداری که بطور یومیه چاپ میشده و برای احتیاجات محلی کرمان و اعلانات ثبتی مربوط بآن ایالت بوده؛ یکشماره هم بنام هفتگی نشر شده که از حیث قطع و طبع و از جهت مطالب با یومیه فرق بسیار دارد بدین قسم که در هفتگی اعلان طبع نخواهد شد و برای هرگونه مطالب علمی و تاریخی و شرح حال رجال و مفاخر ایران و نظم و نشر و پادشاهان و اساتید سخن و آثار عتیقه تحت عنوانهای خاص و مشخص ستونی در آن منظور خواهد بود. (نگارنده تاکنون نمونه ای از بیداری هفتگی بدست نیاورده است) سال ۱۳۱۵ شمسی مطابق هفتمین سال انتشار روزنامه بیداری بوده و در روزنامه بیسان حقیقت منطبعه شیراز شماره ۴۴ سال دوازدهم مورخ ۱۲ دیماه ۱۳۱۵ شمسی بعنوان اخطار مینویسد: «بموم هموطنان اخطار میشود که بهمین زودی روزنامه بیداری منطبعه کرمان هفتمین سال خود را با مزایای بیشتری آغاز خواهد کرد.»

حرف ب بعده الیاء

بیداری، یستون

روزنامه بیداری تاپس از شهر یور ۱۳۲۰ شمسی بطور روزانه هر نوبت ۱۴۰۰ نسخه منتشر شده و قیمت هر شماره آن ۵۰ دینار و عده اعضای اداره آن ۷ تن بوده است

آقای هاشمی

شرح زیر در باره آقای هاشمی مدیر روزنامه بیداری در شماره ۱۶۰ سال ۴ اطلاعات هفتگی مورخ دوم تیرماه ۱۳۲۳ درج است که بعینه نقل مینمائیم :

« آقای محمد شعری هاشمی پسر مرحوم حاج سید باقر تهریزی در آبان ۱۲۷۹ خورشیدی متولد شده و در دوازده سالگی کلاس نهم مدرسه سعادت کرمان را پایان رسانیده و از سیزده سالگی شروع بتدریس نمودند و تحصیلات خود را در نزد اساتید بزرگ و همچنین پدر خود ادامه داده و علوم ادبی، منطق، حکمت و طب قدیم نیز تحصیل کردند و ضمناً بتحصیل زبان انگلیسی و ترکی پرداختند. از سال ۱۳۰۲ خورشیدی روزنامه بیداری را در کرمان تأسیس نموده و این روزنامه هنوز منتشر میشود. آقای هاشمی در همین ایام ریاست دبیرستان ملی (شهاب امروز) و ریاست انجمن شهرداری و عضویت غیر و خورشید سرخ و کمیته‌های ملی خیریه و ریاست انجمن ادبی کرمان را داشتند. آقای هاشمی چند دوره است که نمایندگی کرمان را دارا میباشند »

آقای هاشمی در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی نیز سمت نمایندگی داشت و علاوه اداره روزنامه رسمی کشور بعده ایشان بود و ما بهمین مناسبت باز در ذیل روزنامه رسمی کشور از ایشان گفتگو خواهیم کرد.

رویه‌رفته بیداری کرمان از روزنامه های قدیمی و در آغاز امر گرچه مرتب انتشار نیافته ولی از سال ۱۳۱۰ بآنطرف بعلت اعلانات تبی مرتب گردیده و یکی از روزنامه های خوب ولایات است.

(۳۱۶) بیستون

روزنامه بیستون در شهر کرمانشاه بمدبری آقای (صدیق دفتر) در اوایل سال ۱۳۲۵ قمری تأسیس و هفته دو مرتبه در مطبعه (شرافت احدی) طبع و در هر نوبت ۵۰۰ نسخه از آن منتشر شده است. بیستون پس از مدتی تعطیل مجدداً در سال ۱۳۰۴ شمسی بمدبری (میرزا مهدی خان فرهبور) در شهر مذکور تأسیس و مرتباً هفته سه شماره انتشار یافته است. شماره ۳۱ سال سیزدهم بمصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (مهدیخان فرهبور) در مطبعه سربی (شرکت سعادت کرمانشاه مؤسسه ۱۳۴۳ قمری) در چهار صفحه بقطع بزرگ چاپ شده و در تاریخ چهارشنبه ۱۳ مهرماه ۱۳۱۱ شمسی مطابق ۴ جمادی الثانی ۱۳۵۱ قمری منتشر گردیده است. محل اداره : کرمانشاه خیابان دولتشاه. قیمت اشتراك روزنامه بدین قرار است : سالیانه کرمانشاه ۵۰ ریال ششماه ۳۰ ریال. سایر ولایات ۶۰ ریال و ۳۵ ریال از اعضاء معارف و محصلین نصف قیمت اخذ خواهد شد. تاك شماره ۵۰ دینار پس از يك هفته يك ریال

حرف ب بعده الیاء

بیستون

شعار روزنامه عبارت از تصویر است از حجاریه‌های بیستون که بشکل مستطیلی در عنوان روزنامه چاپ شده و در بالای آن اسم روزنامه (بیستون) نوشته شده است در دو طرف این تصویر این رباعی درج است: «در گوش کسانی که بیعتند آزاد» هر لحظه از بیستون رسد این فریاد. «گرتیشه کین خورد بفرق فرهاد» زان تیشه بنای عشق گردید آباد. «شماره مسلسل نمره ۳۱ مذکور ۶۴۵ است که میرساند تاتاریخ فوق ۶۴۵ شماره منتشر گردیده است. «مندرجات روزنامه بیستون پس از درج سر مقاله عبارت از مقالات مختلف اقتصادی و تاریخی و همچنین اخبار داخلی و تلگرافات خارجی و در صفحه چهارم اعلانات ثبتی و اعلانات ادارات و غیره است. در روزنامه بیستون مانند سایر جراید محلی قسمتی از قوانین و تصویب‌نامه‌های دولتی چاپ شده است روزنامه رهبر (ارگان حزب توده ایران) شماره مورخ سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۴۵ شمسی تحت عنوان (سی و یکمین سال تأسیس و انتشار روزنامه بیستون) در باره این روزنامه چنین مینویسد: «سی و یکسال قبل روزنامه بیستون بمدریت آقای ابوالقاسم لاهوتی بمالم مطبوعات قدم گذاشت و از همان اولین شماره تمام نوشتجات خود را صرف بدست آوردن آزادی ایران و بیدار کردن توده‌های زحمتکش غرب نمود. مدیریت این روزنامه پس از چندی بآقای مهدی فره‌پور که از سربازان قدیمی و با شهامت آزادی ایران است واگذار شد. این روزنامه دایر چه در آغاز مشروطیت و چه در روزهای قبل و بعد از کودتا حتی یک لحظه هم از وظیفه مقدس خود کوتاهی نکرد و در نهضت‌های چپی که مخصوصاً بیست سال پیش در غرب آغاز شده بود پیشقدم و پرچمدار بود در زمان دیکتاتوری سیاه رضا خان بحکم اجبار تعطیل شد و بلافاصله پس از وقایع شهریور و شروع نهضت مشروطیت سوم ایران باز پرچم مبارزه آزادیخواهان غرب را بدست گرفت در آبان‌ماه ۱۳۲۴ رسماً بصورت ارگان شورای متحده ایالتی کارگران غرب بیرون آمد و اکنون مدت ۶ ماه است که با انتشار روزانه این وظیفه مقدس را در کمال خوبی انجام میدهد سه ماه قبل برای استفاده جوانان بصورت هفتگی نیز انتشار یافته و مورد استقبال عموم جوانان روشنفکر غرب قرار گرفته است. ما سی و یکمین سال روزنامه بیستون را با آزادیخواهان و زحمتکشان غرب تبریک گفته و موفقیت مدیر با شهامت و دلیر آنرا خواهیم.»

این بود نظریه یک روزنامه دست چپ نسبت بروزنامه بیستون. و اما در باره سال تأسیس روزنامه که آنرا سی و یکسال قبل دانسته ظاهراً تا اندازه اشتباه می‌باشد و صحیح همانست که ما در ابتدای شرح این روزنامه نوشتیم.

آقای مهدی فره‌پور پس از سوء قصدی که در ۱۵ بهمن ماه در دانشگاه باعلیهضرت همایونی بعمل آمد و حزب توده ایران منحل گردید و سران آن گرفتار شدند نامبرده نیز بکنه عضویت حزب و اخلال بر علیه امنیت کشور؛ پس از محاکمه در محکمه نظامی بدوی کرمانشاه محکوم به پنج سال حبس گردید ولی دادستان بعلت کمی مجازات و متهم بواسطه زیادی مجازات صادره اعتراض نمود و بمحکمه تجدید نظر احاله گردید.

(۳۱۷) بیضاء

روزنامه بیضاء در شهر بروجرد با چاپ ژلاتین در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . در شماره ۴۴ سال اول روزنامه زاینده رود منطبعه اصفهان ، مورخ چهارشنبه ۲۲ شهر ذیحجه ۱۳۲۷ قمری از قول خبرنگار خود از بروجرد در باره روزنامه بیضاء اینطور مینویسد : « جریده بنام بیضاء در بروجرد با ژلاتین طبع و نشر میشود و چون نشر معارف کاملاً بوجود منطبعه موقوفست جناب آهیا سعلی تاجر رناسی اصفهانی محض خدمت بمعارف در مقام برآمده که يك منطبعه باسمه بانجا بیاورند و از اصفهان از عالیجاه آقا میرزا حسین مدیر منطبعه فرهنگ خواسته اند که يك منطبعه بروجرد برده مشارالیه منطبعه را مهیا نموده بجهت تعلیم و آموختن صنعت طباعی همراه می رود و چندی را در آنجا اقامت خواهد نمود ما هم در مرغوبی آن منطبعه سفارش و تأکید بسیار نموده ایم و امیدوارم دارالطباعة صحیحی در آنجا مرتب شده عالم مطبوعات را رونقی تازه حاصل نماید . »

شرح فوق خلاصه از تاریخچه تأسیس منطبعه در شهر بروجرد است ولی نگارنده دیگر اطلاعی ندارد که منطبعه مذکور در بروجرد دائر شده یا نه و آیا روزنامه بیضاء بالاخره بمنطبعه برده شده است یا نه ؟ برآیندگان است که این قسمت را روشن نمایند . و نیز در روزنامه انجمن اصفهان مورخ شنبه ۱۸ شهر ذیحجه ۱۳۲۷ قمری در ضمن اخبار چنین مینویسد : « الحمدلله در این هفته از معارف پروری اهالی بروجرد امیدواری حاصل که با عدم تهیه اسباب جریده باسم بیضاء بچاپ (جلاتین) منطبع گردیده و ملاحظه شد تبریک میگوئیم و از اولیای امور استدعا میکنیم که عطف توجهی بطرف بروجرد نمایند . »

(۳۱۸) بیطاری

مجله بیطاری در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (مرتضی) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ اول برج حوت مطابق یکشنبه ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۴ قمری با چاپ سری در ۲۲ صفحه بقطع کوچک منتشر شده است . شماره اول مجله در منطبعه سری (برادران باقرزاده) طبع گردیده است . طرز انتشار مجله چنانچه در روی جلد شماره اول ثبت شده اول و پانزدهم هر برج بوده ولی این ترتیب در شماره های سوم و چهارم که یکجا انتشار یافته رعایت نگردیده و دو شماره اخیر در تاریخ سه شنبه اول ثور مطابق ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۳۴ قمری انتشار یافته است .

محل اداره در شماره اول (خیابان ناصریه کتابخانه فرهنگ) و در شماره های دیگر (خیابان ناصریه مرکز توزیع جراید) تعیین گردیده . قیمت اشتراك و اعلانات مجله بدین قرار است : سالیانه ۲۴ قران . ولایات ۲۶ قران . ششماه ۱۲ قران و ۱۵ قران ، اعلانات در صفحات مجله سطری دو قران و در پشت جلد مجله سطری یکقران

حرف ب بعده الیاء

بیطاری

قیمت تك شماره ۱۵ شاهی است .

در پشت جلد بالای اسم مجله این شعر شیخ سعدی : غرض نقشی است کز ما باز ماند؛ که هستی را نمی بینم بقائی. بعنوان شمار مجله چاپ شده. مندرجات مجله بیطاری چنانچه از اسم آن نیز پیداست مربوط به بهداشت حیوانات و طرز تکثیر و تربیت و طرز جلوگیری از امراض و علاج حیوانات میباشد و روی جلد مجله بدینقسم معرفی شده است : « این مجله در شب مختلف علم بیطاری (۱) در طرز تکثیر و تربیت و حفظ الصحه حیوانات اهلی که یکی از مهمترین منابع ثروت مملکت ایران است (۲) در فواید فلاحتی و زراعتی و تجارتی که از آنها حاصل میشود و راه ازدیاد آن فواید (۳) امراض حیوانات اهلی و طرز جلوگیری و علاج آنها (۴) در نظارت لحوم و لبنیات گفتگو میکند و نیز در جزء آخر هر شماره برای آنکه دماغ خوانندگان از قرائت مطالب علمی زیاد خسته و کسل نگردد شرح حال يك یا چند از حیوانات عجیب و غریب روی زمین نگاشته میشود . »

برای اینکه خوانندگان از نوع مطالب مجله اطلاع حاصل کنند بهتر آنست فهرست مندرجات شماره اول و دوم مجله را بعینه نقل نمایم . فهرست مندرجات شماره اول : « امتحان اسب برای خرید . دستور نعل بندی . مرض کتو در اسب ، مرض سوء هضم نفخی گاو . آبله مرغان . شرح حال فیل . » فهرست مندرجات شماره دوم « فواید تکثیر و تربیت حیوانات اهلی . بیطار کیست . اصطبل . طویله . طویله اسبان تشخیص تب حیوانات و گذاردن درجه تب . بقیه شرح حال فیل » لازم است یاد آور شویم که تحت عنوان (مدارس بیطاری) تاریخچه جامعی از مدارس بیطاری در خارج و در ایران ذکر شده که دنباله آن بشماره های سوم و چهارم نیز کشیده شده و در محل خود تاریخچه مفید و جامعیت .

در باره علت انتشار و پیدایش مجله بیطاری شرحی بقلم مدیر مجله در شماره اول ذکر شده که در حقیقت مقاله افتتاحی مجله بشمار میرود . در مقاله مذکور که شش صفحه مجله را فرا گرفته ، چهار صفحه اول آن مخصوص حمد و ستایش بار بتعالی و درود بر محمد و آل اوست و چون در نقل این قسمت چندان مفید فایده نبود از آوردن آن صرف نظر کرده بنقل بقیه مقاله که راجع بعلت انتشار مجله میباشد اکتفا مینمایم اینك بقیه مقاله افتتاحی مجله بیطاری :

« باری با همه بیماریکی بمقاد مالایدرک کله لایترک کله از علم به حکم ضرور اشاره ای رفت و حال هنان کلام را بسوی حقیقت مرام مطوف داشته معروض میدارم در این عهد سعادت مهد که وطن عزیز محبوب در عداد دول قانونی محسوب و پدر تاجدار فرزندان ایران نقاوه سلاطین کیان منتخب ملوک باستان خسرو عادل ، سعاب وائل ؛ ماحی اساس ظلم و شر ، حامی شریعت فخر بشر مشید قوانین مشر و طبت ، مهد قواعد بشریت . شهنشه احمد آنکو کز عدالت ختمیم آمد چو احمد بر رسالت .

ابد عشیه واید جشیه از بذل توجهات ملوکانه و عنایات خسروانه در حق رعایای خود دریغ نفرمایند . پس برهریک از افراد ایرانیان شاه پرست و طان دوست درضا است که

حرف ب بعده الیا

بیطاری

که این عصر ستوده حصر را مفتنم شمرده و بمصداق تا که دست مهرسد کاری بکن .
 درزیر سایه هما پایه این سایه بزدان بر حسب قدرت و امکان از تقدیم خدمات شایان
 و اهتمام در تعمیر وطن و انتشار معارف و تنویر اذهان انی تغافل روا ندارد تا مگر
 ایران زمین که قطعه از مشرق دنیا است مجدداً بصورت و معنی محل اشراق انفس و
 آفاق شود و آب رفته بجو باز آید و باشد که بتدابیر علمی و عملی ساحت فلك مساحت
 این سرزمین جواهر خیز گوهر بیز دوباره رشك روزه برین گردد .

لذا این بنده هیچ نیرزنده که پس از تحصیل و فراغت از علم شریف طب انسانی
 نیز سالیان دراز در تحصیل علم بیطاری که از سوء اقبال در سوابق ایام گروهی از
 مردمان جاهل بازیچه دست خود قرار داده بودند رنج فراوان برده و تجارب وافیه نمایان
 بدست آورده ام بر آن شدم که نمونه از معلومات خود را که نتیجه زحمات و اطلاعات
 مشاهیر دانشمندان مغرب زمین است در هر يك ماه دو مجله با مواد و فقرات منظمه به
 زبانی ساده و نزدیک بفهم عوام در شعب مختلفه علم شریف بیطاری نگاشته و امراض
 مسریه و مزمنه انواع حیوانات اهلی را یگان یگان بیان کرده و اسباب آنها را نشان
 داده و معالجات قطعی و دوائی براء الساعه آن امراض مهلکه را شرح داده و نیز جهت
 تربیت و تکثیر و نظارت لحوم و لبنیات آنها دستورات کافی نویسم و بعلاوه همیشه در
 جزء اخیر هر شماره شرح حال يك یا چند از حیوانات غیر اهلی غریب و عجیب روی زمین
 را داده تا دماغ قارئین محترم از خواندن مطالب علمی زیاد خسته و کسل نگردد و
 برای استحضار کامل آنان عرض میکنم که در طی نگارش این مجلات هیچگاه در مطالب
 سیاسی که خارج از شیوه و مقصد اصلی ماست مداخله نکرده و سخن نپیرانم و رجای
 واثق چنان است که بتقدیم این خدمت هموطنان عزیز را از خواب غفلت بیدار سازم و
 مسلمانان حقیقت شمار دانند که محافظه حیوانات بیگناه بی زبان و استخلاص آنان از
 امراض و اوجاع فراوان علاوه بر ازدیاد و تکثیر نسل آن ها و فزونی ثروت مملکت در
 یوم الحساب نیز در حضرت رب الارباب شامل اجر جزیل و ثواب جمیلند .

مجله بیطاری پس از توزیع چند شماره بمثل چندی منجمله پیش آمد جنك بین
 الملل اول و گرانی کاغذ و غیره دیگر چاپ و منتشر نشده است . نگارنده چنانکه قبلاً
 یاد آور شدم تا شماره چهارم مجله رادردست دارد و شاید پس از این شماره یا اصلاً دیگر
 منتشر نشده و یا اگر هم شده باشد پیش از یکی نبوده است .

مرتضی — گفتیم مدیر و صاحب امتیاز مجله آقای (مرتضی) است که در
 آن وقت رئیس دائره صحیه قصابخانه بوده است . این آقای مرتضی همان (دکتر
 مرتضی گل سرخی) است که بعداً از اعضای عالیرتبه وزارت کشاورزی گردید و
 مدت چند سال هم مجله فلاح را منتشر نموده است .

دکتر گل سرخی دو جلد کتاب شام (کتاب فلاح) تألیف و منتشر نموده که جلد
 اول آن در سال ۱۳۱۵ و جلد دوم که بدستور جناب آقای حکمت وزیر فرهنگ و
 آقای احمد عدل کفیل کل فلاح تألیف شده ؛ در سال ۱۳۱۶ منتشر شده است .

حرف ب بعده الیاء

بیطرف ، بین‌النهرین

از تألیفات دیگر آقای دکتر گلسترخی کتاب (علاج الطیر) در حفظ الصحه و علاج امراض طیور اهلی است که در سالهای سابق بطبع رسیده است .
دکتر گلسترخی اکنون چند سال است رخت از جهان فانی بر بسته و بعالم باقی شتافته است . برای چاپ شرح حال نامبرده چند کاغذ بفرزند آن مرحوم که در ورامین طهران بخدمات دولتی اشتغال دارد نوشته شد ولی تا کنون پاسخی نرسیده و لذا شرح حال ایشان درج نگردید .

(۳۱۹) بیطرف

روز نامه بیطرف در طهران بمدیری (حسین خان) تأسیس و منتشر شده است متأسفانه نگارنده با تمام کوشش و جد و جهدی که نموده تا کنون نمونه از این روز نامه بدست نیاورده و لذا توضیح زیادی در باره آن نمیتوانم بدهم . فقط بنقل تقریظی که در شماره ۴ سال ۱۱ چهره نما مورخ غره ربیع الثانی ۱۳۲۲ قمری نوشته شده اکتفا مینمایم . متن عبارت تقریظ این است : « گرامی روزنامه بیطرف منطبعه طهران اثر خامه دانشمند زمانه فاضل امجد یگانه (میرزا حسین خان) این مجله از مزایای فائده قدرت قلم مدیر ، مالی ضمیرش عبارت از ۲۰ صفحه بورقه نیم ورق نصف بفارسی و نصف بفرانسه و گاهی باقتضای وقت قسم فارسی او زیاد تر از فرانسوی میگردد و بنسبیت وقت و مقام مصور و کلیشه برخی مرتسم میگردد و این نخستین روزنامه ایست که در وطن عزیز ما بفارسی و فرانسوی توأم انتشار مییابد » لازم است یاد آور شویم که برای رفع احتمال که این آقای حسین خان همان آقای پرویز مدیر کتابخانه طهران باشد ، نامه بابشان نوغتم و ایشان در پاسخ نامه مذکور اظهار بی اطلاعی نموده و نوشتند تا کنون روزنامه باین اسم نشنیده بودم .

(۳۲۰) بین‌النهرین

روزنامه بین‌النهرین در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۳۲۱) پارس

مجله پارس صاحب امتیازی و مدیری (لاهوتی) و مدیر مؤلی (جلال انسی) در شهر اسلامبول تأسیس و در دو قسمت بفارسی و فرانسه منتشر شده است . سردبیر بخش فرانسه مجله (علی نوروز) است . پارس مجله ایست ادبی و ماهی دوبار منتشر میشده : شماره سوم سال اول آن در اول خرداد ماه پارس ۱۴۵۰ باستانی مطابق هجبه ۱۲ و ۱۳۳۹ قمری و شماره ۴ آن در ۲۸ رمضان سال مذکور ، با چاپ سر بسی و ۳۲ در صفحه بقطع وزیری کوچک انتشار یافته است . آدرس مجله : استانبول قوطی پست نمره (۱۰۳) و محل اداره آن : جاده ابوالسعود نمره ۷۵ مطبعه نجم استقبال قیمت اشتراك : یکساله خاک عثمانی (۴۰۰) غروش ، ایران ۴۰ قران ؛ مهالك سائره

حرف پ بعده الف

پارس

۴۰ فرانك فرانسه . شش ماهه ۲۲۵ فروش . ۲۲۵ قران ؛ ۲۲۵ فرانك تك شماره
۲۰ فروش ؛ ۱۰ قران ونیم ؛ ۲ فرانك .

همانقسم که یاد آور شدیم مجله پارس در دو قسمت فارسی و فرانسه نوشته شده
و مندرجات قسمت فارسی با قسمت فرانسه متفاوت است برای اطلاع از نوع مندرجات
مجله فهرست هر دو قسمت فارسی و فرانسه را از شماره سوم و چهارم نقل مینمایم :
فهرست مندرجات شماره سوم : کمالی . (مهر اسپند) قرن بیستم (کمالی)
حکایت (لاهوتی) در توصیف حکام جور (ادب الممالك) منظومه (ح) غزل (لاهوتی)
بخش فرانسه : هم قلمان ما . آزادی زبان شعرای ایرانی (علی نوروز) افسانه
(ح . مقدم) ترجمه غزل لاهوتی (نقاب لازم نیست) (علی نوروز) . فضولی (میرزا حسن)
فهرست مندرجات شماره چهارم : ایران و ادبای آن (لاهوتی) روزه و رمضان
(شوریده) غزل (توحید) عرق ایرانی (فیلسوف رضا توفیق) . دل آرام ندارد
(شوریده) چه توان کرد (لاهوتی)

بخش فرانسه : چند شاعر امی (علی نوروز) ترجمه مقاله مهر اسپند را جمع به
کمالی (پرچانگی) (میرزا حسن) ترجمه غزل لاهوتی (هرچه بادا باد) (علی نوروز)
فضولی (میرزا حسن)

فهرست مندرجات و سایر خصوصیات روی یکطرف جلد مجله بزبان فارسی و
روی طرف دیگر بزبان فرانسه است . مجله پارس از لحاظ کاغذ و طبع و پشت جلد بسیار
زیباست . برای نمونه اشعار زیر را از شماره چهارم مجله اثر طبع لاهوتی نقل مینمایم
این اشعار تحت عنوان (چه توان کرد) است :

چه توان کرد

با این همه بی مهری جانان چه توان کرد
آنجا که بود صحن چمن خانه صیاد
از گندم خال تو بجز فتنه ندیدیم
با هجر و تهی دستی و بیماری غربت
جمعند می و مطرب و ساقی همه اما
زود است که بنیاد مرا بر کند از بیخ
ویران تر از ایران بود امروز دل من
دانم که خیانت بوطن و راه ترقی است
گفتی بچه روشیخ دغل منکر عشق است
گیرم که اجل رحم برنجوری من کرد
ناموس زلیخای وطن هر که نگه داشت
لاهوئی مساره بس در یار ندارد

جان است و مکر شده ما جان چه توان کرد
جز گریه بمرغان گلستان چه توان کرد
شیطان جنان است ؛ بشیطان چه توان کرد
جز ریختن اشک بدامان چه توان کرد
با دوری از آن زلف پریشان چه توان کرد
با جوشش این دیده گریان چه توان کرد
ای وای باین خانه ویران چه توان کرد
اما بجلوگیری وجدان چه توان کرد
فریان تو ، با مردم نادان چه توان کرد
با سختی آن ناوک مژگان چه توان کرد
یوسف صفت افتاد بزند ان چه توان کرد
چون نیست هوادار و قبیان چه توان کرد

استانبول — ۱۰ رجب ۱۳۳۹ . لاهوتی

حرف پ بعد ه الالف پارس قدیم ، پارسنامه ، بازارگاد

(۳۲۲) پارس قدیم

آقای حسین مجاهد مدیر روزنامه بهار ایران منطبعه شیراز ؛ در سال ۱۳۱۲ شمسی موفق بدریافت امتیاز مجله بنام پارس قدیم گردید ولی گویا مجله مذکور در آن تاریخ منتشر نشده و بعداً در سال ۱۳۴۱ شمسی در شیراز منتشر گردیده است . (شرح مذکور از نامه ایست که آقای مجاهد باین جانب نوشته اند)

(۳۲۳) پارسنامه

آقای حسامالدین بازارگاد مدیر روزنامه خورشید ایران و مجله بازارگاد در ضمن تاریخچه و حیات سیاسی روزنامه خورشید ایران (شماره دوم ۴ شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۲۱ شمسی) اشاره بروزنامه پارسنامه نموده که خود ایشان در شیراز منتشر نموده و شماره اول آن در خرداد ۱۳۰۴ شمسی نشر یافته است . عین عبارت ایشان این است : « خورشید ایران بواسطه کاریکاتور مهمی که در شماره ۲۱ شهریور ماه ۱۳۰۲ درج کرده بود از طرف امیر لشکر ایرم فرمانده جنوب توقیف گردید . پس از نه ماه توقیف روزنامه پارسنامه را در خرداد ۱۳۰۴ بجای آن دایر کردیم . » از شرح مذکور معلوم میشود پارسنامه پس از توقیف خورشید ایران منتشر شده و چون خورشید ایران در تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۰۴ از توقیف خارج گردیده قهرآدبگر پارسنامه انتشار نیافته است

(۳۲۴) پارس

روزنامه پارس در سال ۱۲۹۴ شمسی در طهران بطور پانزده روزه تأسیس و منتشر شده است .

(۳۲۵) بازارگاد

در فروردین ۱۳۰۵ شمسی شورایمالی فرهنگ امتیاز مجله بازارگاد را در شیراز بمدیری آقای (میرزا بهاءالدین حسام زاده) تصویب نموده و این مجله که بطور ماهیانه چاپ شده در بهمن ماه سال ۱۳۰۵ شمسی شروع بانتشار نموده است و تا سال ۱۳۰۶ شمسی جمعاً شش شماره از آن نشر گردیده است .

بازارگاد مجله ماهانه ادبی ؛ علمی و اجتماعی و حاوی مندرجات سودمندی بوده است . و پس از توقیف روزنامه خورشید ایران در شیراز ، برای آخرین بار « از روزنامه خورشید ایران و تاریخچه مفصل و توقیفهای متوالی آن در محل خود گفتگو خواهیم کرد . » مجله بازارگاد منتشر شده است . آقای بهاءالدین بازارگاد ، مدیر مجله ؛ در این باره مینویسد : « پس از تعطیل خورشید ایران مدت یکسال مجله ماهیانه ادبی و علمی و اجتماعی بازارگاد را با قطعی مناسب و حاوی مندرجات سودمند نشر دادیم و پس از آن یکباره دم فرو بسته گوشه گرفتیم و بقیه عمر را بتدریس و تعلیم و تألیف و ترجمه کتب پرداختیم وغالباً وقت را در کنج کتابخانه گذرانیدیم وبانیتی پاک

حرف پ بعده الالف

بازار گاد ، پایتخت ، پاینده ، پرتو

و احساساتی سرشار گامهایی در راه تربیت جوانان و ابناء وطن برداشتیم .
درحقیقت با تعطیل مجله بازار گاد دوران جریده نگاری آقای حسامزاده پایان یافته تا پس از شهریور ۱۳۲۰ که مجددا روزنامه خورشید ایران را برای بار دوم در طهران منتشر ساخته اند .

آقای بازار گاد علاوه بر نشر روزنامه و مجله کتبی نیز تألیف و منتشر نموده که بذکر بعضی از آنها میپردازیم :

۱ - سرود ورزش . این کتاب مجموعه سرود های وطنی و ورزشی و منظومه ای



است دارای بیست قطعه سرود راجع بترغیب وطن پرستی و علم میباشد . کتاب مذکور در آذر ۱۳۰۹ شمسی در مطبعه خاور در ۱۲ صفحه پستی چاپ شده است . ۲ - میکروسکوپ و میکروسکوپی . این کتاب در تاریخ و شرح میکروسکوپ و طرز استعمال و نگاهداری و استفاده از آن با خلاصه از اصول علم میکروب شناسی است کتاب مذکور در چاپخانه خاور در تیرماه سیصد و ده در ۲۲۲ صفحه پستی طبع شده است .

۳ - تعلیم و تربیت پیشاهنگی ؛ این کتاب در سال ۱۳۱۰

شمسی در مطبعه هزارشیراز در ۷۲ صفحه پستی چاپ شده است آقای بازار گاد
۴ - تحلیل ماده و قوه . کتاب مذکور در سال ۱۳۱۰ شمسی در مطبعه سیروس در ۱۰۶ صفحه پستی طبع گردیده است . شرح احوال آقای بازار گاد را در حرف (خ) کلمه خورشید ایران بتفصیل خواهیم نوشت و در اینجا بجای عکس ایشان قناعت مینماییم .

(۲۲۶) پایتخت

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۷) راجع باین روزنامه مینویسد
« روزنامه هفتگی پایتخت با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۹ قمری در طهران منتشر شده است »

(۲۲۷) پاینده

در سال ۱۳۱۱ شمسی مجله پاینده در طهران بطور هفتگی تأسیس شده است لازم است یاد آور شویم که این مجله هیچگونه ارتباطی با آقای ابوالقاسم پاینده مدیر محترم مجله صبا ندارد .

(۲۲۸) پرتو

پرتو در بدو تأسیس بصورت مجله ادبی هفتگی بوده و شماره اول آن در سنبله ۱۳۰۱ شمسی مطابق محرم ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . مجله پرتو بمدیری و نگارندگی آقای (میرزا محمد علیخان والہ خراسانی) و سردبیری آقای (میرزا سعیدخان نفیسی) روزهای شنبه و پس از مدتی روزهای دوشنبه انتشار یافته و مندرجات آن عبارت

حرف پ بعده الراء

پرتو، پرچم آزادی، پرساد

از يك سلسله مقالات شیرین و آثار اغلب از نویسندگان طهران بوده است .
پرتو تا عقرب ۱۳۰۱ بصورت مجله هفتگی انتشار یافته و پس از آن تبدیل
بروزنامه شده و هفته سه بار نشر یافته است . در شماره ۷ دوره پنجم نوبهار منطقه
طهران مورخ سه شنبه ۱۵ عقرب ۱۳۰۱ شمسی راجع بطلوع روزنامه پرتو اینطور
مینویسد : « مجله ادبی پرتو که قبل از نشر نوبهار هفتگی منتشر میشد اکنون بمدیریت
ونکارندگی آقای میرزا محمد علیخان واله خراسانی که یکی از شعرای جوان ودانشمند
محسوب میشوند هفته سه بار با قلمی مرغوب طبع و نشر میشود . »

ولی ظاهرا تا قوس سال مذکور انتشار روزنامه پرتو صورت تحقق پیدا نکرده
است زیرا در روزنامه ایران مورخ ۱۶ قوس ۱۳۰۱ شمسی باز اینطور اعلان کرده
« پرتو از هفته آتیہ روزهای دو شنبه و چهار شنبه در چهار صفحه منتشر خواهد شد .
دانشمند گرامی آقای سعید نفیسی سردبیر روزنامه پرتو در پاسخ پرسش این
جانب راجع بروزنامه مذکور و مدیر آن اینطور مینویسد : « روزنامه پرتو در
شهریور ماه (سنبله) ۱۳۰۱ تاسیس شد و بنا بود نخست روزنامه هفتگی ادبی باشد
بهمین جهت من متصدی آن شدم و تا سه شماره را چاپ کردم و چون از شماره چهارم
بیمد مدیر آن روزنامه را بسیاست کشاند من از آن تعهد آزاد شدم و در این صورت
تنها سه شماره اول آن را من تدوین و چاپ کرده ام . »

آقای سعید نفیسی در همین نامه در باره میرزا محمد علی واله مدیر روزنامه پرتو
چنین مینویسد : « میرزا محمد علی واله مشهیدی از شعرای متوسط آن زمان بود و در
انجمن ادبی دانشکده با ما معاشرت داشت و سرانجام در وزارت راه مشغول کار شد
و در ۱۳۱۵ جزو متهمین وزارت راه دستگیر شد و در زندان در همان روزهای اول
استنطاق از ترس جانت سپرد . »

از جریده پرتو تا شماره ۱۸ مورخ ۲۸ قوس ۱۳۰۱ شمسی در دست است .

(۳۲۹) پرچم آزادی

در آذر ۱۲۰۴ شمسی شورایعالی فرهنگ امتیاز روزنامه پرچم آزادی را در
شیراز بمدیری (میرزا محمود خان شیرازی) تصویب نموده ولی بقراریکه در سالنامه
۱۴ - ۱۳۱۵ فارس ضبط کرده انتشار آن در سال ۱۳۰۵ شمسی بوده است . آقای
میرزا محمودخان علاوه بر این روزنامه، روزنامه اسمان و مجله خاور را نیز منتشر نموده اند
برای اطلاع از شرح حال ایشان رجوع شود بجلداول کتاب کلمه (اسمان) .

(۳۳۰) پرساد

در تاریخ چهارم قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز روزنامه پرساد بمدیری آقای (کسی
استوان) در طهران از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

حرف پ بعده الرء

پرساد؛ پرو، پروانه

در شماره چهارم سال بیستم روزنامه جارچی ملت مورخ تیر ماه ۱۳۰۶ شمسی شرح احوال آقای کی استوان صاحب امتیاز و مدیر روزنامه پرساد را اینطور نوشته است: «دانشمند معظم و نویسنده معروف آقای کی استوان نماینده مجلس شورا یملی منتخب بندر پهلوی که در مسائل اجتماعی و خدمات دولتی و وطن پرستی همیشه از مبارزین بوده. تمام دوره پنجم مجلس را بسربرده و در مجلس موسسان عضویت داشته و از آغاز مجلس ششم نیز نماینده هستند - ایشان در اوقات اولتیماتوم دولت روس بایران (سال ۱۳۲۹ قمری) بر حسب یادداشت سفارت تزار بوزارت امور خارجه جزو سیاستیون ملی تبعید گردیدند. برای تاریخچه ایشان این بس که ثروت بلند وی در خدمت بوطن بر باد رفت و هنوز در زیر بار قروضند.»

(۲۲۱) پرو

روزنامه هفتگی پرو در شهر کرمانشاه بمدبری (میرزا حیدر ولد آقا غلام رضا ملقب بمظهر) تاسیس و در ذیقعه ۱۳۴۶ قمری طلبه آن منتشر شده است. روز نامه مذکور هفتگی و فکاهی بوده و در شماره ۷ و ۸ مجله دعوت اسلامی منطبقه کرمان شاه مورخ شوال و ذیقعه ۱۳۴۶ قمری در باره این روزنامه مینویسد: «از جمله جراید محلی جریده شریفه پرو است که طلبه آن روح بخش این محیط گردیده تبریکات صمیمانه خود را خدمت آقای مظهر مدیر محترم آن نامه نامی تقدیم میداریم.» با اینکه طبق فهرست امتیازات سال دوم مجله تعلیم و تربیت صدور امتیاز روزنامه پرو در ۲۶ تیرماه ۱۳۰۴ شمسی از شورای عالی فرهنگ بوده ولی نشر روزنامه تا سال ۱۳۰۶ بتأخیر افتاده است نگارنده تاکنون نمونه ای از این روزنامه بدست نیاورده است

(۲۲۲) پروانه

روزنامه پروانه در شهر اصفهان بصاحب امتیازی (سید حسن مومن زاده) و مدیر مسؤولی مرحوم (وحید) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۷ شوال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. پروانه روزنامه ایست هفتگی و روزهای دو غنچه طبع و سه شنبه توزیع و چنانچه در عنوان روزنامه ضبط گردیده سالی چهل نمره منتشر میشده است. وجه اشتراك در عنوان روزنامه بدین قسم معین گردیده: «اصفهان حب و وطن، تفکر رقت بحالت کنونی. سایر بلاد، بانضمام اجرت پست و توجهی بحال برادران دور از مرکز اعانه سالیانه: اصفهان ۱۲ قران» پروانه در ۸ صفحه بقطع ۶ در ۱۳ سانتیمتر با چاپ سربی و در مطبعه (حبالمتین) اصفهان طبع گردیده محل اداره آن: اصفهان. قهوه کاشیها، کلبه هنوانات (پروانه) و تمام امورات اداره با صاحب امتیاز سید حسن مومن زاده است.

مرام و مسلک روزنامه در ضمن دو سطر در زیر عنوان روزنامه بدینقسم نوشته شده است: «این پروانه طرفدار مظلومین مهیا برای نشر معلومات صحیحه و شروه. بی اختیار در انجام خدمات مرجعه؛ در باطنش غرض و در کالبدش مرضی نیست گفتار

حرف پ بعدالراء

پروانه

و رفتارش یکی است و غیر از استقلال وطن هر چه هست در نظرش اندکی خوف از سوختن ندارد و رعب را کفر میدانند. « شماره ۱۵ سال اول در تاریخ سه شنبه ۲۹ محرم و شماره ۱۷ در تاریخ سه شنبه ۲۱ صفر و شماره ۳۱ سال اول در تاریخ سه شنبه ۲۹ شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۲۹ قمری در هشت صفحه منتشر شده است. و از این شماره ۳۱ است که دیگر اسمی از مدیر مسئول روزنامه (وحید) نیست و اسم وحید از روز نامه حذف شده و در عوض صاحب امتیاز و مدیر مسئول که معولاً اسم او در انتهای صفحه هشت نوشته میشده ؛ (مومن زاده) معرفی شده است. معلوم میشود از این تاریخ دیگر مرحوم وحید در امور روزنامه دخالتی نداشته است.

لازم است یاد آور شویم که برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۷) جاییکه اسمی از روزنامه پروانه برده نام مدیر مسئول یعنی وحید را ذکر نکرده است. در صورتیکه طبق نمونه های موجود و اشعاریکه از وحید در روزنامه چاپ شده مسلماً روزنامه پروانه با شرکت وحید چاپ و منتشر میشده است. و اینهم یکی از موارد سهو و اشتباه برون راجع بمطبوعات فارسی است. مندرجات پروانه ما ننسند سایر جراید آغاز مشروطیت عبارت از یک سر مقاله سیاسی یا اقتصادی و پس از آن اخبار شهری و اخبار سایر ایالات و ولایات و اخبار انجمن ولایتی و شکایات مردم از حکام و تلکرافات و اخبار پایتخت. می باشد. و وبهمرفته روزنامه پروانه از جهت احتمال آن بر وقایع آن ایام اصفهان روزنامه نفیسی است و از حیث سبک مطالب و چاپ و قطع صفحات و ستونهای هر صفحه بعینه مانند روزنامه زاینده رود است.

علاوه بر مندرجات مذکور قسمتی در روزنامه تحت عنوان (ادبیات) بشعر چاپ شده که بیشتر راجع بفواید علم و مشروطیت و این قبیل امور است. برای نمونه اشعاری که بعنوان (ادبیات) در شماره ۳۱ چاپ شده نقل مینمائیم :

ایکه چون تصویر دیواری خموش	بشنوی تا پند من بگشای گوش
نیست انسان آنکه او را هوش نیست	شخصی ابله بود و نابودش یکی است
هر که را نبود خرد او مرده است	دایم از بی دانشی افسرده است
زنده بی حس جمادی بیش نیست	کوز بی حسی بفکر خویش نیست

(این اشعار تقریباً دو صفحه روزنامه را فرا گرفته و باین شعر ختم میگردد : «

چون زمام خود بدست خود دهی از همه سختی و ذلت و اارهی
برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست شماره ۱۵ سال اول روزنامه را ذیلا نقل مینمائیم
مقاله افتتاحی (راه رستگاری این است) این سرمقاله دو صفحه و نیم روزنامه را
گرفته است. توصیه در ضمن تنزل از طرف ملت غیور تبریز (این توصیه بشعر است
و باین اشعار شروع میگردد) :

ملت اسلام تا کی در شدائد بردباری	اف بر این اسلام خواهی وای بر این حقگذاری
دیده عقل و بصیرت نیست نامحسوس بیند	صبغگاه روشن ایرانیان را شام تاری

(تنزل مذکور در یک صفحه روزنامه چاپ شده و باین شعر ختم میشود) :

حرف بعده الرء

پروانه

آه از این خواب گران آه آه شد چمن شرع خزان آه آه
پس از این اشعار مقاله تحت عنوان (خیر مقدم ای نسیم جان فزا) و بعد
(مکتوب شهری) ، (خزان بهار) ، تغییر ریاست نظمی ، حوادث شهری (حسن
اقدام حکومت جلیله در امر نان) مکتوب شهری ، بقیه دیانت پروردی از شماره قبل
تلگراف از طهران باصفهان دهم دلو .

سید حسن هومن زاده

نامبرده از مردم اصفهان و در بدو مشروطیت خدماتی به پیشرفت آزادی و مشروطه
در اصفهان نموده ؛ مدتی هم سمت نمایندگی جراید و مجلات پایتخت و منجمله نمایند
مجله ارمغان بود . وی در سنوات اخیر در اداره دارائی مشغول خدمت بود و چند
سالست فوت کرده است . بستگانش هنوز در اصفهانند . برای اطلاع از شرح احوال
وحید بعرف الف کتاب کلمه (ارمغان) رجوع شود .

(۳۳۳) پروانه

روزنامه پروانه در طهران صاحب امتیازی و مؤسسی (ع . م . اقتصاد) و
مدیر مؤسسی (ح . م) تأسیس و شماره دوم سال اول آن در تاریخ سه شنبه ۷
ذیحجه ۱۳۴۰ قمری مطابق ۹ اسد ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . محل اداره
روزنامه : سنکلیج کوچه قوام الدوله . عنوان تلگرافی پروانه . وجه اشتراک آن
داخله ، یکساله ۶۰ قران ، شش ماهه ۳۵ قران ؛ سه ماهه ۱۸ قران . خارجه بترتیب :
۷۰ قران ؛ ۴۵ قران ، ۳۴ قران . تک نمره ۵ شاهی .

پروانه روزنامه هفتگی بوده و با چاپ سربی در مطبعه (باقر زاده) طبع شده
و مندرجات آن عبارت از سرمقاله و بعد مقالات مختلف و اخبار میباشد . این روزنامه
معمولاً روی یک روق بزرگ چاپ شده و در زیر اسم روزنامه (پروانه) که در گوشه
راست عنوان روزنامه نوشته شده ، این شعر بعنوان شعار روزنامه درج است : > ای مرغ
سحر عشق ز پروانه بیاموز .

و اما منظور از صاحب امتیاز و مؤسس که در عنوان روزنامه از آن به (ع . م .
اقتصادی) تعبیر شده آقای علی محمد خان مستشار زاده است که (ع) اشاره به (علی
محمد) و (م) اشاره (به مستشار زاده) میباشد و اقتصادی نام فامیل مرحوم حاج مستشار
الممالک پدر ایشان بوده است . افزودن کلمه اقتصادی طبق نامه مورخ ۱۲۷۸ ر ۲۷ آقای
پیروزمند بدانجهت بوده که چون ایشان در اداره مجلس شورای ملی مشغول کار بوده اند
صاحب امتیاز و مؤسس را اینطور معرفی نموده تا باعث زحمت ایشان نشوند و شخص
خارجی دخالت در کار روزنامه نداشته باشد .

اجازه نامه انتشار روزنامه پروانه بنام آقای علی محمد خان مستشار زاده در
تاریخ ۲۵ دلو تخاقوی قبل سال ۱۳۰۰ شمسی صادر گردیده و جملات اول این اجازه
این است : > چون آقای میرزا علی محمد خان مستشار زاده امتیاز روزنامه موسوم به

حرف پ بعده الراء

پروانه

پروانه را از وزارت معارف تقاضا نموده‌اند مشارالیه با مراعات شرایط ذیل مجاز در طبع و نشر روزنامه مزبور میباشد. « از روزنامه پروانه بیش از ۳۵ شماره منتشر نگردیده و بشرحیکه آقای مستشارزاده نوشته‌اند » چون تصویب‌نامه گذشت که اعضاء ادارات حق انتشار روزنامه ندارند بنده هم ممنوع شدم « بنا براین دوره روزنامه با انتشار شماره ۳۵ خاتمه پیدا میکند .

انتشار پروانه بمدیری آقای پیروزمند باشماره ۲۵ خاتمه پیدا میکند ولی بقسمیکه

در صفحات بند ، جداگانه آنرا مورد بحث قرار میدهیم ، همین روزنامه بمدیری سیدحسینخان میرسعیدی ، مجدداً منتشر شده است .

آقای علیمحمدخان پیروزمند صاحب امتیاز و موسس روزنامه پروانه فرزند حاج میرزا محمد حسین مستشارالممالک اقتصادی است .



شرح احوال پدرایشان را بتفصیل در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه اقتصاد ایران ذکر کرده‌ایم . آقای پیروزمند ابتدا بمستشارزاده معروف بوده و بعداً نام فامیل خود را بیروزمند تغییر داده‌اند . نامبرده مدت بیست سال همده دار معاونت اداره قوانین و مطبوعات مجلس و مدت يك سال هم کفالت آن اداره و دوسال ونیم هم ریاست اداره مذکور را داشته‌اند . از مهرماه ۱۳۲۵ شمسی تا هنگام تحریر این یادداشت بازرس ویژه مجلس شورای ملی میباشد .

آقای پیروزمند

(۳۳۴) پروانه

روزنامه پروانه در طهران بمدیری و نگارندگی (سید - حسینخان میرسعیدی) تاسیس و شماره اول آن روی يك ورق بزرگ ، با چاپ سری ؛ در مطبعه (نهضت شرق) چاپ و در تاریخ دوعنبره چهارم ذیحجه ۱۳۴۲ قمری مطابق سرطان ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است .

این روزنامه پروانه در حقیقت دنباله روزنامه سابق الذکر است که بمدیری و موسسی آقای علیمحمدخان مستشارزاده توزیع یافته و چون بشرحیکه در ذیل پروانه یادآور شدیم آقای مستشارزاده پس از نشر ۳۵ شماره از انتشار آن صرف نظر نموده لذا آقای میرسعیدی امتیاز روزنامه را بنام خود گرفته است . و این مطلب یعنی انتشار مجدد روزنامه پروانه بمدیری آقای میرسعیدی بخوبی اولاً از مقاله که در ستون اول صفحه اول تحت عنوان (استعذار و پوزش) نوشته شده و ما ذیلاً آن را نقل میکنیم و ثانیاً از فهرست امتیازات شورای عالی معارف مندرج در شماره های ۷ و ۸ سال دوم

حرف پ بعده الرا

پروانه

مجله تعلیم و تربیت بخوبی واضح و معلوم میگردد . در شماره مذکور مجله تعلیم و تربیت مینویسد : « در قوس ۱۳۰۳ شمس امتیاز روزنامه پروانه در طهران بمدری میرزا سید حسینخان میر سعیدی از تصویب شورایعالی معارف گذشته است . » و از اینجا معلوم میشود که تصویب امتیاز هم پس از اقدام به نشر روزنامه بوده است و بهر جهت چون این روزنامه پروانه دارای مدیر و صاحب امتیاز جداگانه بوده لذا ما هم برای آن عنوان علیحده قرار دادیم ولی در عین حال یاد آور میشویم که با اینکه مدیر آن غیر از پروانه قبلی است مع ذلک شماره اول را (شماره اول سال سوم) دانسته و نیز اختطاری بدین مضمون در همین شماره درج است : « روزنامه پروانه برای مشترکین سابق از همین شماره اول فرستاده میشود و آنها بیکه این شماره را قبول کنند جز و مشترکین محسوبند . »

خصوصیات روزنامه پروانه بدین قرار است : محل اداره . خیابان ناصریه و جه اشتراك : طهران یکساله ۵۰ قران . ششماهه ۳۰ قران . ولایات یکساله ۶۰ قران . ششماهه ۳۵ قران . خارجه باضافه قیمت پست . آدرس تلگرافی . پروانه . تکه شماره چهار شاهی . اسم روزنامه (پروانه) بخط نسخ در گوشه راست عنوان روزنامه و در بالای آن این شعر : « ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز » کان سوخته را جان شد و آواز نیامد » بعنوان شماره درج است . در طرف دیگر مسلك روزنامه : (حفظ حقوق توده حقینی ملت - کارگر - زارع) و طرز انتشار : (عجلتاً هفته یکشماره منتشر می شود) و جمله : قیمت لوايح و اعلانات خصوصی با دفتر اداره است (چاپ هده .

هر صفحه روزنامه مشتمل بر پنج ستون بلند و در شماره اول قبل از سر مقاله که تحت عنوان : « علم و اتحاد » نوشته شده این چند سطر بعنوان (استعذار و پوزش) درج گردیده است : « البته آقایان محترم که سابقاً نامه پروانه را مشترک بسوده اند بخوبی مستحضرنند که وجه اشتراك سال گذشته از آنها دریافت نگردید یعنی بواسطه باره عوایق معموله مملکتی کارکنان این محقر نامه هم موفق بادامه انتشار نشد و بهمین سبب مشترکین محترم هم انتظار دنباله قرائت را داشته و همواره ما را تشویق بادامه خدمت مینودند تا اینکه حالیه خوشبختانه با تاییدات الهی موفق بتعقیب وظیفه دیانتی و وجدانی گردیده و امیدواریم پس از انجام تعهدات خود در طریق خدمت اسلام و وطن يك جبهه گشاده و اسلوب آبرومندی وجوه اشتراك خود را بدون اکراه واجبار از مشترکین عظام دریافت و حیات جریده دیانتی ادبی خود را ادامه دهیم . »

تمام مندرجات شماره اول عبارت از مقاله و شعر است و بهیچ وجه اخبار داخله و خارجه در آن دیده نمیشود . شماره دوم روزنامه مانند شماره اول روی يك ورق بقطع بزرگ چاپ و در تاریخ دو شنبه ۱۸ ذیحجه ۱۳۴۲ قمری مطابق ۳۰ برج سرطان ۱۳۰۳ شمس منتشر شده است .

در اینجا لازم است یاد آور شویم که در شماره اول روزنامه آقای (علی محمد مستشارزاده) مدیر سابق روزنامه پروانه آگهی کرده که من قریب یکسال ونیم

پروانه ، پروردین

حرف پ بعده الرء

است امتیاز روزنامه پروانه را آقای میرسید حسینخان میرسعیدی واگذار نموده و هیچ دخالتی در آن ندارم .

شماره اول سال چهارم (منظور سال چهارم تاسیس روزنامه است) در تاریخ دوشنبه ۴۹ رجب ۱۳۴۳ قمری مطابق ۵ حوت ۱۳۰۳ شمسی دو چهار صفحه بزرگ با چاپ سربی (مطبعه کلیمیان طهران) چاپ و منتشر شده است . در این شماره و شماره دوم صفحات دو و سه روزنامه مخصوص کاریکا تر است . کاریکاتور شماره اول قشون ایران بالباس و تجهیزات کامل کشیده شده و فریاد میزنند : « رئیس عالی کل قوا حضرت اشرف آقای سردار سپه زنده باد » سر مقاله این شماره نیز تحت عنوان (در اطراف نطق آقای رئیس الوزرا و ریاست عالی کل قوا) نوشته شده و مطالب آن توضیحات در باره نطق سردار سپه و رئیس الوزرا در جلسه (۱۲۸) مجلس شورای ملی است . از روزنامه پروانه فعلا تا شماره ۴ سال چهارم مورخ ۱۹ فروردین ۱۳۰۴ شمسی در دست است و از این شماره علاوه بر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول (میرزا سید حسینخان میرسعیدی) اسم (عادل السلطان خلعتبری) نیز بعنوان مدیر داخلی و سردبیر اضافه شده است .

(۳۳۵) پروردین

روزنامه پروردین در طهران به مدیر مسئولی (موبد الشریعه گیلانی) تاسیس و منتشر شده است . این روزنامه هفته دو بار روزهای یکشنبه و پنجشنبه طبع و توزیع شده و شماره ۱۵ سال سوم آن که دارای نمره مسلسل ۳۴ میباشد در هشت صفحه بقطع متوسط وزیری ، با چاپ سربی ؛ در مطبعه فرهنگ طبع گردیده و در تاریخ پنجشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است . سر مقاله این شماره بعنوان (باید چه کرد) است از شماره ۲۴ سال سوم که نمره مسلسل آن ۵۲ است قطع روزنامه بزرگ شده و این شماره در تاریخ جمعه ۱۰ رمضان ۱۳۳۳ قمری انتشار یافته است . خصوصیات روزنامه پروردین از این قرار است :

عنوان مر اسلات : طهران . خیابان چراغ برق . جریده پروردین . اشتراك سالیانه : طهران ۴۰ قران ، سایر شهرها ۵۰ قران . شش ماهه ۲۵ قران ، ۳۰ قران . سه ماهه ۱۵ قران ؛ ۱۷ قران . تك نمره در مركز پنج شاهی . در زیر اسم روزنامه (پروردین) این جمله (طرفدار اسلام و استقلال ایران) بعنوان معرف روزنامه درج است . از این روزنامه فعلا تا شماره ۲۶ سال سوم مورخ ۱۷ رمضان ۱۳۳۳ قمری در دست است . مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی و مقالات گوناگون عبارت از اخبار جنگ بین المللی میباشد و از سبک مندرجات بیشتر طرفداری از آلمانها نمودار است .

موبد الشریعه گیلانی - مرحوم موبد الشریعه گیلانی که بمناسبت انتشار روزنامه پروردین ؛ باین نام معروف شده بعدا در اصفهان روز نامه های کاشف اسرار و عصر پهلوی را تاسیس و منتشر ساخته . وی مردی حساس و خوش مشرب بود قیافه و چشمانی

حرف پ بعده الرء

پرورش

جذاب داشت . دوچار بیماری سل گردید و در شهر اصفهان فوت کرد . از او فرزند برونندی که اکنون افسر شهربانی است باقی و بخدمت دولت مشغول است .

(۳۳۶) پرورش

روزنامه پرورش در شهر قاهره بزبان فارسی بمدیری (میرزا علی محمد پرورش) تاسیس وشماره اول آن در ۱۶ صفحه بقطع وزیری چاپ و در تاریخ جمعه دهم شهر صفرالمظفر ۱۳۱۸ قمری مطابق مطابق ۸ شهر ژوئن ۱۹۰۰ مسیحی منتشر گردیده است . روی جلد اسم روزنامه (پرورش) و در زیر آن سال تاسیس بقمری و میلادی و در زیر سال تاسیس این عبارت : « این روزنامه آزادست وهفته يك روز جمعه طبع میشود » درج است . (۱) سایر خصوصیات که در دوطرف عنوان روزنامه نوشته شده بدین قرار است : قیمت آبونه سالیانه در ایران چهار تومان قفقازیه ده منات اسلامبول و سایر ممالك عثمانی چهار مجیدی . اروپا ۲۵ فرانک ، هندوچین ۱۲ روپیه . مصر چهار ریال عنوان مراسلات : علی محمد پرورش . صندوق المخصوص نمره ۴۳۹ .

(Mirz aali mohamad Khan Parvareche . la Boi te espceial N 439 .Cair (Egypte)

مقاله اول روزنامه تحت عنوان (تشکر و امتنان) چنین است : « در این هنگام که ما بواسطه بعضی ناملايمات خیال ترك مجالست و قصد گوشه گیری وانزوا داشتیم و بعد بواسطه اصرارات طهران و ابرامات تبریز مجبور بنشر وطبع روزنامه پرورش شدیم روز پنجشنبه هفتم و جمعه هشتم یعنی دیروز و امروز از چند نقاط مهمه اروپا دوستان که از خیال ما مطلع شده بودند تلگرافاً اظهار لطف و محبت فرموده ما را دعوت بمقر خویش فرموده از ما جری تسلیت داده بودند خدایر شکر که هنوز همت وغیرت ارباب غیرت و همت نمرده است و ما از مراحم ایشان کمال تشکر را داریم بنا براین مشترکین پرورش را بشارت میدهیم که پس از طی مذاکرات اداره روزنامه پرورش را بلندت یا پاریس یا برلن یا بنخت آلمان نقل خواهیم کرد . »

لازم است یادآور شویم که منظور از بعضی ناملايمات که در ابتدای این تشکر نامه ذکر شده اختلاف است که بین مدیر پرورش ومدیر روزنامه تریا روی داده و بالنتیجه این دو دوست پس از انتشار یکسال و چهارماه که باتفاق روزنامه تریارا منتشر می ساختند از هم جدا شده و علی محمد کاشانی روزنامه پرورش را تاسیس نموده است . و ما بتفصیل در جائیکه شرح حال پرورش را مینویسیم این قسمت را بیان خواهیم کرد . مطلب دیگر که باید یاد آور شویم اینکه با وعده ای که در باره محل انتشار پرورش بلندن یا پاریس یا برلن داده شده هیچگاه این وعده صورت عمل بخود نگرفته و در طول مدت انتشار

(۱) برای اطلاع از معنی ومنظور از روزنامه آزاد و اینکه چرا این جمله در عنوان روزنامه قید گردیده رجوع نمود بمقدمه کتاب جلد اول ،

حرف پهره‌الراء

پرورش

پرورش در مصر منتشر شده است .

پس از اظهار تشکر فوق مقاله بعنوان (عرفت الله بفسخ العزایم) نوشته که بی مناسبه نیست عین آن را نقل نمایم :

« احسن اشغال ؛ از خلق انفصال و گوشه‌گزیدن و از صحبت این و آن دامن برچیدن است که نه دردوستان مروت و نه دردوهمنان فتوت مانده اینان پوستین و آنان جان شیرین برکنند . بهتر که طاوس چتر نبندد و کبک دری نخندد ، بلبل نخواند و طوطی سخن نراند که درانظار ما نیکوئیها زشت و زیباییها ناشایست گردید ؛ هنرمند خوار و هواخواهی آنها عار شد . (یا موت زر ان الحیات ذمیمه) و یا نفسی جدی آن دهرک هائل) با خدای خویش میثاق و با عقل خویش اتفاق کرده بودم که پس از نگارش جریده ثریا که رنجها در آرایش کشیدم و بنارش پروریدم شبها نخفتم و دو آواز وطن سخن گفتم - بکنجی تازم و بشغل مطبوعات نپردازم که نتایج آنها سوز و گداز و فواید بیخوابیهای شبهای دراز و ائمه‌الحقیقت نگاری و آثار خدمتگذاری نیکو ظاهر و هویدا و واضح و آشکارا گردید تن علیل و دوست قلیل دشمن بیشمار و حسود بسیار شد لیکن بشارات طهران و اشارات تبریز همی مجبورم دارد که نقض میثاق و ترك اتفاق کنم و هرچه بواسطه تلگراف درخواست کرده ملتس شدیم که از روی عدل و انصاف مارا از این شغل خطیر معاف دارند که قاتل شاه فراو و دشمن طاوس پر اوست نپذیرفتند. عجالنا متوکلای علی الله بنکارش این نامه نامی قلم رنجه کردم و ناموی (پرورش) گذاشتم اگرچه گمان نمیکنم که با این حالت افسرده و خاطر پژمرده چیزی توانم نگاشت و تنخمی که برآید توانم کاشت . »

سبک مندرجات روزنامه پرورش بهینه مانند ثریاست (از این روزنامه درحرف ث کتاب گفتگو خواهیم کرد) و مندرجات آن عبارت است از يك سرمقاله که معمولاً تحت عنوان (سیاسی) نوشته شده ؛ بعد اخبار خارجه و مختصری از اخبار مربوط بایران و مقالات مختلف راجع باوضاع ایران است . از خصوصیات روزنامه پرورش ذکر (فهرست مندرجات) هر شماره است در ستون اول صفحه اول و این روش بعداً سمرشق بعضی از جراید آغاز مشروطیت قرار گرفته و آنها هم فهرست مندرجات هر شماره را در ستون اول چاپ کرده‌اند . برای نمونه فهرست مندرجات شماره اول پرورش را نقل مینمایم :

فهرست مندرجات : تشکر و امتنان - عرفت الله بفسخ العزایم - سیاسی تلگرافات دارالسعاده اسلامبول - برتوریا - نقل از روزنامه ثریا - پرورش - اکسپوزیسیون - رویای غریب و مکاشفه عجیب - فضیلت انسانیت و حسن معاشرت - قاهره مصر .

بی‌مناسبت نیست برای مزید اطلاع خوانندگان از سبک نگارش روزنامه قسمتی از مقاله (سیاسی) آنرا نقل نمایم :

(سیاسی) افق آسمان سیاست باز در شرق اقصی تاریک و خطر هائیکه در

حرف پبعده الراء

پرورش

انهدام اساس و بنيان اين کشور ملحوظ بود نزديك گرديده و اين مسئله پوشيده نيست که دبرزمانی است دولت آسمانی مطمح نظر سلاطين اروپ واقع گرديده همه خيالات بطرف تسخير و تصرف آن منحصر است مخصوصا پس از جنگ اخير چين و ژاپون و شکست فاحش دولت مشاراليها و فاش شدن استعداد و لياقت حکومت فاتح که هيچ يك را باین اندازه ضيف و قوی نمیدانستند و گمان نمیرفت که در شرق دولتی بیدار و هوشیار و از خویش خبردار باشد و شعبده بازی و زمانه سازی ابنای اروپ را بخوبی بداند پس از این جنگ ظنون و اوهام در استقبال و انجام ترقیات ژاپون زیادت گشت و جراید اروپ بالاسنه مختلف و آراء متعدده نگاشتند که اگر مسئله اقصای شرق بدین منوال بماند ۲۰۰۰ (شماره دوم سال اول پرورش مورخ جمعه ۱۷ شهر صفر ۱۳۱۸ قمری)

یکی نویسنندگان روزنامه پرورش غیر از مدیران و نوشته‌هایی که از قول مخبرین خود چاپ کرده عبارت است از (میرزا عبدالعسین ملقب بوحیدالملک) برادر پرورش که مقالات زیادی بامضای او در روزنامه چاپ شده است .

روزنامه پرورش مانند تریا یکی از روزنامه‌های بسیار مفید است که تاکنون بزبان فارسی منتشر شده و بسهم خود کمک‌های گرانبهایی در بیداری ایرانیان و آماده ساختن آنها برای درخواست مشروطیت نموده است . مرحوم کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران (بخش اول ص ۵۸) در باره روزنامه پرورش اینطور مینویسد : « سال نخست آنرا که من دیدم از بهترین روزنامه هاست . نویسنده آن میرزا علی محمد خان مرد با غیرت و دانشوری میبوده و گفتارهای تکان دهنده و تند می نوشته . در سال ۱۲۸۹ که مظفرالدین شاه بار دوم بسفر اروپا رفت این مردم از مصر روانه گردید و در اروپا وزیران و همراهان دیگر شاه را دید و گفتارهای پرمغز نیکی برای نامه خود نوشت . » خلاصه سخن اینکه روزنامه پرورش جزو چند روز نامه فارسی است که کمتر تاکنون نظیر آنها پیدا شده و از لحاظ آشنا ساختن مردم ایران باوضاع جهان مدیر آن خدمت گرانبهایی نموده است . از روزنامه پرورش فعلا تا شماره ۳۳ سال اول مورخ دوشنبه چهارم ذی الحجه ۱۳۱۸ قمری مطابق ۲۵ مارس ۱۹۰۱ میلادی در دست است . سبک مندرجات و قطع روزنامه در طول مدت انتشار یکسان است و تنهاتغییری که در آن رویداده روز انتشار است که پس ازچندی بعوض روزهای جمعه روزهای دوشنبه منتشر شده است .

میرزا علی محمد کاشانی

میرزا علی محمد کاشانی مدیر روزنامه تریا و پرورش برا در میرزا علی محمد خان کاشانی ملقب بوحیدالملک است . صاحب ترجمه پس از آنکه مدتی در مصر روزنامه‌های تریا و پرورش را مینوشت در سنین جوانی مبتلی بمرض سل گردید و در شعبان ۱۳۲۰ قمری در همانجا دار فانی را بدرود گفت . ادیب الممالک مدیر روزنامه ادب در شماره ۴۸

حرف پ بعد ه الرا

پرورش

سال دوم روزنامه ادب مورخ ۲ رمضان ۱۳۴۰ قمری در بسا ره مرك مدير پرورش اینطور مینویسد :

« آنان که از وضع جهان آگاهند بتجربه رسانیده اند که صاحبان قلم غالباً از کثرت هموم و علو هم در عالم جوانی بدین مرض (مرض سل) ناگهانی رخت از دنیا بدر کشیده و دامن از صحبت دوستان برجیده اند و آخرین کسیکه در این راه شهد شهادت نوشید و لباس سعادت پوشید یوسف گل پیرهن و عزیز مصر سخن میرزا علیمحمد خان هیبانی کاشانی صاحب جریده تریا - پرورش بود که شب و روز مانند زنان تکلا بدرد وطن فریاد و ناله داشت . »

ملك الشعرا حاج میرزا صبوری مرثیه زیر را که مشتمل بر ماده تاریخ فوت پرورش میباشد سروده است :

دربخ و درد که با حسن یوسفی بگذشت عزیز مصر بلاغت (علی محمد خان)
مدیر (پرورش) آن فاضلی که نامه او تمام پرورش جسم بود و راحت جان
بروز گسار جوانی ز زندگانی کام نبرده رخت کشید از جهان بیباغ جنان
صبوری ازین تاریخ ر حلتش گفتم عزیز مصر ولا بد علی محمد خان (۱۳۲۰)

میرزا علیمحمد خان کاشانی ابتدا در مصر روزنامه تریا را تأسیس و منتشر نموده و مدتی با همکاری آقا سید فرج الله تاجر کاشانی مقیم مصر انتشار تریا ادامه داشته تا اینکه بعلل وجهاتی که ذیلاً آنرا نقل خواهیم کرد از شماره ۲۷ سال دوم تریا میرزا علیمحمد خان از همکاری با سید فرج الله دست کشیده و از تمام حقوق خود نسبت بروز نامه تریا صرفنظر نموده و آنرا بهمکار خود واگذار کرده است و این عمل یعنی افتراق وجدائی آن دو از یکدیگر طبق اعلانی که از طرف مدیر پرورش در صفحات ۹ و ۱۰ شماره ۲۷ سال دوم تریا شده در تاریخ ۲۰ محرم الحرام ۱۳۱۸ قمری بوده است . و بهمین جهت پس از بیست روز یعنی در زهم شهر صفر سال مذکور میرزا علیمحمد خان اقدام به نشر روزنامه مستقلی بنام پرورش کرده است . جدائی این دو مدیر روز نامه از یکدیگر بعداً تولید مشاجرات و مباحثات قلمی نموده و هر کدام مطالبی علیه یکدیگر در روزنامه های خود درج نموده اند و چون نقل قسمتی از این مشاجرات مارا بزندگانی این دو مدیر روزنامه آشنا میسازد بی مناسبت نیست باره از آنرا ذیلاً نقل نمایم ، در صفحات ۶ و ۷ شماره اول سال اول پرورش ، در باره اختلاف وجدائی خود ؛ پس از آنکه احوال مدیر تریا را از روزنامه تریا نقل میکند ، بذکر جواب و اعتراضات خود میپردازد . مقدماً چند سطر را جمع باینکه هر کسی در هر وقت قفسی هوایی در سر دارد نوشته تا میرسد باینجا :

« این بنده نگارنده را نیز وقتی شوری در سر و تصورات بلندی در نظر بود و این فکر همی بغواطر میگذشت که اگر حضرت رب العزت عنایت فرماید شاید دامن همت بر کمر زنم و در خدمت بدولت و ملت بنشر روزنامه ای مغفول گردم . تا آنکه توفیق رفیق و سعادت مساعد گشت و مقصود خود را بعمل آوردم تصادفاً در سال گذشته

حرف پ بعده الرء

پرورش

را جناب میرزا علی محمد خان کاشانی از علیه اسلامبول وارد مصر گردید و چون سابقه آشنائی و معرفت در میان بود در منزل این بنده مقر گزید و مرا شیفته و فریفته این مقصد دید نزد مصاحبت باخت و سمنده مت در میدان شراکت تاخت و عده موافقت فرمود و طریق مراقت پیمود حقیر هم فرصت رامفتنم شمرده و وقت را مساعد یافت فوراً برخاسته و با خود گفتم که این خدمت بابنای وطن را بانجام رسانم . با جناب مذکور قرار داد و اقراری گرفته تدارک دیدم و اسباب این کار را فراهم آوردم تا اینکه روزنامه ثریا تأسیس یافت و بعون و یاری خداوند بیمانند طلوع این نجم باهر از سال اول بسال دوم کشید . مدت چهار ماه که از سال ثانی گذشت رفیق شفیقم طریقی دیگر گرفت و خیال دیگر نمود بساط موانعت بریید و عزم مسافرت فرمود و از شراکت این خدمت دست کشید . گفتم ای یار وفا دار مرا تنها مگذار و عذر مسافرت میار و حق خدمت منظور دار و شرط محبت بجای آر در عهد و میثاق ثابت و در وفاق و اتفاق راسخ باش و دست از این کار برمدار چون مقتضیات شباب موجب تغییر آمال و بلندی خیال آنجناب بود عرایض نگارنده را نپذیرفت و از خیال خود منصرف نگشت بلکه خود را مستغنی از این عمل دانست و افراد را خوشتر از شراکت و معاونت شمرد در هر حال او ما را بخود سپرد و ما او را بغدا لهذا دامن همت و غیرت بر کمر زدیم و توکل بعصرت باری نمودم و مشغول باتمام این مشروع شدم و امیدوارم آنچه لوازم ترقی و تمدن ابنای عزیز وطن ماست در صفحات روزنامه ثریا درج نمایم . (تا اینجا گفتار مدیر روزنامه ثریا سید فرج الله کاشانی است که در باره مدیر پرورش نوشته است پس از نقل این قسمت در روزنامه پرورش ، مدیر پرورش تحت عنوان (پرورش) باسهمی درباره این گفتار ؛ بدنبال آن نوشته که آنرا نیز برای مزید اطلاع نقل مینمایم):

پرورش - سبحان الله از ظلم ظالمان و تعدی بی ادان پس از زحمات و اتعاب هیجده ماه دراز و بیغواهیهای شبهای بلند ثریا را بهیچ بطرف مقابل که دعوی شرکت مالی در آن مینمود و گذاشتم . آنان که در عالم مطبوعات سر کرده اند و بهره ای از ادبیات دارند میدانند که من چگویم و از چه نالم . الله اکبر از ظلم و تعدی و بی حقیقتی و بی وجدانی میرزا ابوالفضل که خویش ابوالفضایل داند . چطور رضا شد که سید فرج الله که بقول خودش واو از دال نداند و الف از ب فرق نگذارد و در تمام عمرش جز باز کردن و بستن صندوق نیل و فروختن اشیاء عطاری و خرازی هنری نیاموخته (بنده نگارنده) نویسد و ویرا در عالم ادب با من سهیم و شریک قرار دهد تفو باد بر چرخ گردون تفو . (بی ادب تنها نه خود بکذاشت بدست بلکه آتش در همه آفاق زد) و از زبان نادانی بیسواد بنگارد که (گفتم ای یار وفادار مرا تنها مگذار . . .) عجب صیت جوانی من در افواه افتاده و بجرم جوانی مردم مرا سرزنش و نکوهش کنند در صورتیکه اگر در حیات حمیت است در حیات جوانی است و اگر در حیات عشرت و لذت است . . . از این منظوقه ابوالفضایل چنین معلوم میشود که گو سید فرج الله با آن بلاهت و جمودت بامن در عالم ادبیات و نشر روزنامه

حرف پ بعدہ الرائ

پرورش

روزنامه ثریا کمکی داشته و با مرا آن نگارنده در نگارش این روزنامه معاون بوده. اف - اف خوشا مرگ و آسایش جاودانی - هان ای ابوالفضایل امروز چنان نگاشتی و بیکی دو نفر امر مشتبہ کردی که ثریا اسمش باطلان و رسمش بادیگران و کلامش مال این و آن بود فردا در حضور داور دادرسی چه جواب خواهی داد و از این مکر و شعوذه چه هذری خواهی آورد که نادان عوامی را دانا خواندی ۰۰۰۰ علی کل حال غم نخوریم که ثمر آنچه با خون دل کاشتیم دیگران برند و خانه ای که ما بزحمت ساختم دیگران منزل کنند - زیرا از مقتضیات لیل و نهار و تبدلات روزگار همین است .

همینقدر آرزو داشتیم که در مقابل این رنج گران و تقویض این لقمه آمده بدیشان ، حقوق ادبی ما منظور و ما را بدین رعایت مبرور دارند ؛ سلسله حسد بجنبید و دیک طمع بجوش آمد خواستند تا مالک هر دو و آن صاحب این و آن باشند لطف حق مدارا ها فرمود لیکن بی ادبی علت رسوائی گردید .

راست است بقول انگلیسان (قوت برحق غالب و برای اجرای سیاست هنگام فرصت پای بند عهد نتوان بود) ولی نه سیاست خرقاء و پولتیک جهلاء که برقامت مترس قیای مردی راست کنند و بر بالای بوزنیہ ردای خسروی پوشند که هرگز کلاغ رفتار کبک نیاموزد و زاغ صوت عندلیب فرا نگیرد و شیخ سعدی نیکو فرموده که محالست هنرمندان بمیرند و بی هنران جای ایشان بگیرند .

باری از آن بنشر روزنامه (پرورش) اقدام کردم تا قوت قلم و ثبات قدم خویش بنمایم و بر تمام ابنای وطن معلوم کنم که حقوق ادبی من باینگونه نیرنگها پایمالدنکردد اکنون معلوم است وقت تازش و بالش است زخمی که دیگران از من بسرزنش جوانی خورده اند پهلوان تازه ما نیز نوش فرمایند و صفحات ثریا گواهی خواهد داد که تسمع بالامیدی خیر من ان تراه و اوراق (پرورش) نیز آنچه مارا منظره و ر است خواهد پرورید . فیعلم الذین ظلمو ای منقلب ینقلبون .

این بود قسمتی از مشاجرات و منازعات مدیر پرورش با سید فرج الله کاشانی که بنصب خود را مدیر ثریا معرفی کرده و بالاخره هم روزنامه ثریا را ضبط کرده است گرچه شماره های ثریا پس از آنکه مستقلاً تحت نظر سید فرج الله انتشار یافته بهترین گواه بر عدم لیاقت اوست ولی عاقبت الامر باطل برحق غلبه نموده و سید فرج الله روز نامه ثریا را از دست مدیر حقیقیش بیرون آورده است (در این باره باز هم در حرف ث کتاب کلمه ثریا گفتگو خواهیم کرد) و شاید همین ناملازمات سبب گردیده که مدیر پرورش در جوانی مساول گردد و پیش از آنکه نتیجه از زحمات خود بگیرد رخت از این سرای بر بندد .

از وقایع زندگی مدیر پرورش مسافرت او از مصر با اروپاست و در این مسافرت به همراهی مظفرالدین شاه قسمتی از ممالک اروپا را دیدن نموده و گذارشهای مفصلی برای درج در روزنامه پرورش فرستاده است . مسافرت مدیر پرورش هنگامی اتفاق افتاده که مظفرالدین شاه برای بار دوم ؛ در سال ۱۲۸۹ ؛ با اروپا سفر نموده و مسافرت

حرف پ بعده الرء

پرورش

وی ششماه طول کشیده است. در تمام مدت ششماه روزنامه پرورش بكمك و همت برادر پرورش میرزا عبدالعزیز خان وحیدالملک منتشر گردیده و اداره روزنامه بعده او بوده است و وحیدالملک از جمله محصلینی بوده که برای ادامه و تکمیل تحصیلات بخرج دوات باروپا سفر نموده و در آننگهستان تحصیلاتش را بانتمام رسانیده و در این وقت یعنی زمانی که میرزا علی محمد کاشانی، مدیر پرورش؛ باروپا رفت، و وحیدالملک در مدرسه دارالفنون کجریج سمت معلمی السنه شرقی را داشته، پس از اطلاع از مسافرت برادرش قصد مصر نمود و در آنجا مدت ششماه؛ تا مراجعت برادرش توقف نمود. مدیر پرورش در باره این آرزوی دیرینه یعنی سفر نمودن باروپا در شماره ۱۹ سال اول پرورش؛ تحت عنوان (شکر و سپاس) اینطور مینویسد:

«شکر و سپاس - حمد خدا را که بحکم من جد وجد بارزوی خویش نایل شدیم یعنی چنانکه منظور بود سیاحت اروپا میسر آمد و من شب تا صبح چون شمع سوختم و دیده بهر طرف دوختم که تا کی صبح اقبال بدمد و مرا وصل آن معشوق دست دهد و قصد من از زیارت اروپا نه دیدن نسوان و خوشگذرانی با ایشان بود یا اینکه محض لهو و لعب و شنیدن ساز و طرب دلم خواستار این سیاحت بود بلکه همه میخواستیم بدایمی که و دایم اهالی اروپا است تماشا کنیم و دریغ می آمدم که روزنامه نویس ایرانی اوضاع اروپا را سیر نکرده روزنامه نگار د که گفته اند شنیدن کی بود مانند دیدن - سه ماه دراز مسافرت من در اروپا طول کشید و بقدر وسع خویش از دیدن هر کشوری بهره بر داشتم و بصیرتی حاصل نمودم و امیدوارم بخواست خدا بدون هیچ منکری از آنچه این مسافرت در گنجینه سینه دفینه کرده ام بررور ایام بر اینای ملت خویش بخش کنم که خداوند فرماید: **فذكر فان الذكر تنفع المؤمنين** و هم شکر خدیرا که در غیاب ما بروزنامه پرورش سکنه وارد نیامد و همه هفته بر منوال سابق بهمت و قلم برادر کهنتر نگارنده میرزا نصرالله خان (برادر میرزا علی محمد خان چنانکه سابقاً یاد آور شدیم) میرزا عبدالعزیز خان وحیدالملک بوده و معلوم نیست این اشتباه از کجا ناشی شده است) طلوع بوقت مینمود و اگر مرك مجال دهد با اطمینان خاطر هیچگاه از حق گوئی و حق جوئی مضایقت نخواهیم کرد و آنچه بدانم خیر دولت و ملت است خواهیم گفت که پادشاه غیور مهربان ما خود بنفسه و شخصه طرفدار مطبوعات حره است و آزاد قلمان را از صمیم قلب دوست دارد و ایشان را به طایبای خسروی همواره مروج و مشوق باشد تا آنچه میدانند بگویند و راه راست بجویند. (علیه محمد)»

(شماره ۱۹ سال اول روزنامه پرورش مورخ دوشنبه پنجم رجب ۱۳۱۸ قمری) و نیز مدیر پرورش در باره مسافرت خود باروپا در شماره ۲۳ سال اول روزنامه چنین مینویسد: «چون از مصر باروپا مسافرت کردم سری بر غور و خیالاتی بلند داشتم و پیگتم خداوند مرا موفق خواهد کرد که بدولت و ملت خود خدشتی نمایان کنم و نام نیکی از من در عالم بماند و اصلاً اغراض شخصی و منافع خصوصی در خاطر من خطور نکرده بود و روز اولی که در پاریس بحضور صدارت عظمی شرفیاب شدم هنگام مراجعت بدیدن یکی

حرف پ بعده الرء

پرورش

از وزرای معظم رفتم چون مرا دید زاید الوصف اظهار بشاشت و خرمی کرد و گفت در مجالس ما از تو مدح و ستایش کرده ام و در فرنگستان همه روز منتظر بودم که با تو ملاقات نمایم و شفاهاً صحبت کنم پس از تعارفات رسمی گفت قصد تو در این مسافرت چیست گفتم صیت معارف پروری و رعیت پرستی پادشاه ایران بسی شنیده ام که وطن پرستان دوست دارد و معارف شناسان گرامی شمارد آمده ام تا خدمتی بدولت و ملت ایران کنم و ذکر خیری گذارم چون کمتر این صحبت از ایرانی خصوصاً جوانی شنیده بود سخت شکفت آمدمش گفت یعنی بچه وسیله دولت و ملت را خادم و ذکر خیر را باعث توانی شد گفتم جسم معلول ایران تنقیه کنم و از ترك حیات او خون فاسد بیرون آرم و نیکو دانسته ام که خواب زده شرقی جز بیانگ ناقوس مطبوعات از خواب غفلت سر بر ندارد و رجال ایران جز بتیغ زبان جراید ادب نشوند اگر دولت بمال همراهی کند من بجان پیش قدمی نمایم و روزنامه ای مانند (تان) یا (فیکارو) در پایتخت ایران احداث کنم و معایب و مفاسد ملك هر روز بواسطه آن بسمع پادشاه رسانم بخنده گفت اول مودی تو من هستم تو میخواهی راه مدخل من سد کنی و عیوب من بنمائی و ملت غافل را از استبداد و ظلم ما بیدار کنی و این خیال همان نرد بازی با دختر بریان است و هرگز صورت خارجی پیدا نخواهد کرد فرض محال چنین روزنامه ای در طهران که خود تقریر میکنی احداث کردی روز سوم اموال مطبعه بغارت برند و بنای آن خراب کنند و معلوم نیست سر صاحبش در کجا بازی کرده گفتم همه اینها که فرمودید صحیح است من هم نیکو میدانم اکنون خود را در این راه فدا میکنم تا سدان شکسته شود و مردم بدانند از جان گذشتن سهل است .»

این بود قسمتی از مصاحبه مدیر پرورش با یکی از ارکان دولت که همراه شاه بارو پاریس رفته بوده. از این مصاحبه و سایر نگارشات پرورش معلوم میگردد که وی مردی بی باک و حقیقتاً نسبت بوطن خود علاقمند و جان نثار است .

مجددالاسلام در شماره ۲۹ سال سوم روزنامه ندای وطن مورخ ۸ شعبان ۱۳۲۷ قمری در باره مدیر پرورش اینطور اظهار عقیده میکند: «خدمات و زحمات مرحوم علیمحمد خان مدیر ثریا و پرورش بهام آزادی ایرانیان از چیزهاییست که احدی نمیتواند تردید و انکار نماید مطالبی از نه سال قبل (منظور سال ۱۳۱۸ قمریست که پرورش در قاهره منتشر میشده است) در جریده پرورش مینوشت که ما امروز جرئت انتشار آنگو نه مقالات را نداریم و حرفهائی در مسافرت فرنك بشاه مرحوم و وزراء ملتزم ركاب عرض کرد که مدیر طیمس لندن با آنها آزادی نمیتواند بوزراء انگلیس بگوید .»

این بود خلاصه از زندگانی و طرز تفکرو سبك نگارش مدیر روزنامه پرورش. پس از آنکه مدتی ورود روزنامه پرورش از طرف امین السلطان بداخل ایران ممنوع گردید بالاخره روزنامه تا شماره ۳۳ منتشر شد و پس از توقیف روزنامه بشرحیکه سابقاً یاد آور شدیم در اواخر سال ۱۳۲۰ قمری مدیر آن بیماری سل در گذشت و در (حلوان) نزد يك قاهره دفن گردید . و رحمه الله علیه

(۳۳۷) پرورش

روزنامه پرورش در شهر رشت بمدیری (احمد مدنی) تأسیس و شماره اول آن در جدی ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است .

پرورش تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ شمسی در شهر رشت گاهی هفته یکشماره و گاهی بانزده روز یکشماره منتشر گردیده و پس از وقایع شهریور محل انتشار آن بطهران منتقل گردیده و در طهران بصاحب امتیازی و مسئولی (میراحمد مدنی) و با نظر هیئت تحریریه انتشار یافته است . در دوره اول انتشار ، پرورش روزنامه ایست محلی و مشتمل بر وقایع و حوادث و اخبار محلی گیلان و پس از تأسیس ثبت عمومی ، صفحات سوم و چهارم و گاهی صفحات ضمیمه آن مخصوص اعلانات ثبتی است .

شماره ۱۷۴۹ روزنامه که مطابق سال بانزدهم تأسیس و روزنامه بوده (سال تأسیس ۱۳۰۲ در تمام شماره ها زیر اسم روزنامه چاپ شده است .) در تاریخ سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۹ ربیع الاول ۱۳۵۷ قمری در چهار صفحه بقطع بزرگ ، با چاپ سربی (شرکت چاپخانه جاوید رشت) انتشار یافته . جای اداره : پیرسرا . خانه شماره ۸۲ . دفتر پرورش : چاپخانه فردوس . عنوان تلگرافی : رشت پرورش . اشتراك داخله سالیانه ۵۰ قران ؛ ششماهه ۳۰ قران ، سه ماهه ۱۵ ریال قیمت تک شماره در روز انتشار ۲۰ دینار . قیمت آگهیهای روزنامه صفحه اول سطر ۳ ریال . صفحه دوم و سوم سطر ۲ ریال و صفحه چهارم يك ریال است . پرورش تا حدود شهریور ۳۲۰ هر ۱۵ روز یکبار در ۸۰۰ نسخه منتشر میشده است . همانقسم که فوقاً یادآور شدیم پس از وقایع شهریور محل انتشار پرورش بطهران منتقل گردیده و در طهران جزو جراید دست چپ بانظر هیئت تحریریه انتشار یافته است . پرورش در طهران هم گرچه غیر مرتب انتشار یافته ولی هرچندی که منتشر میشده یکی از بهترین روزنامه های انتقادی طهران بشمار میرفته است . پرورش در طهران باحروف ریز ، در چهار صفحه بقطع بزرگ و معمولاً صفحه اول آن دارای کاریکاتور انتقادیست در اغلب شماره های آن مقالات تاریخی مشتمل بر شرح احوال پیشقدمان آزادی از قبیل خیابانی ، میرزا کوچک جنگلی و غیره ، دیده میشود . من جمله در شماره ۱۸ سال بیستم مورخ شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۲۲ شمسی ؛ نامه از میرزا خطاب به (یوسف ضياء بيك) در ضمن مقاله بعنوان (نه تنها قوام السلطنه) نقل کرده است . شمار پرورش در این دوره این شعر است : « گر بزرگی بکام شیر دراست ، شو خطر کن ز کام شیر بجوی یا بزرگی و عز و نعمت و جاه ، با چو مردان مرگ رو یا روی »

شدت حملات پرورش بهیئت حاکمه باعث گردید که روزنامه چند بار از طرف دولت توقیف گردد و اکنون هم که مشغول نوشتن این یادداشت هستم پرورش منتشر نمیکردد .

(۳۳۸) پرووش

در پانزدهم تیر ماه ۱۳۰۵ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز مجله پرووش را در قزوین بنام (آقا مرتضی فره‌ودی) تصویب کرده است .

(۳۳۹) پروین

مجله پروین بمدير مسئولی (س . ع . خلخالی) در طهران بطور ۱۵ روزه تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری در ۱۶ صفحه بقطع خشتی یا چاپ سربی ؛ در مطبعه (برادران باقرزاده) طبع و منتشر شده است . پروین چنانچه در عنوان آن نوشته شده مجله ایست علمی ؛ ادبی ، اخلاقی و هر پانزده روز یکبار طبع و توزیع میشود . وجه اشتراك آن سالیانه ده قران و از همه کس پیش گرفته میشود . تك نمره آن ۸ ماهی . محل اداره : طهران . خیابان ناصریه ، کتابخانه خلخالی .

برای اطلاع از پیدایش و مندرجات مجله پروین مقدمه شماره اول آن را نقل مینمائیم : « طلوع پروین . ای جهان داور بکنا که سمعی و بصیری ؛ وی پدید آور اشیا که حکیمی و خبیری ، تو بر آورنده خورشیدی و بهرامی و کیوان ، تو خداوند مه و مشتری و زهره و تیری مجله پروین خوشه ایست از خرمن مطبوعات عصر جدید که از میان گرد باد حوادث و برقه‌های خرمن سوز انقلابات بدست چند تن خوجه چینان صحرای معارف افتاده و حاصل افکار آنان را جمع آوری میکند . مجله پروین مجموعه ایست علمی ؛ ادبی ، اخلاقی و حتی المقدور مساعی خود را در این سه عنوان نشر خواهد داد . مجله پروین در نقل و ترجمه مندرجات کتب و جراید اروپا چندان اصرار نداشته و سعی خواهد کرد که حتی الامکان ذخایر افکار و نتایج مطالعات و مائر قلم ادبا و دانشمندان ایرانی را بنظر مطالعه کنندگان برساند و تا ممکن است مقصود خود را با روشی ساده و بیانی بی پیرایه ادا خواهد کرد . »

مندرجات مجله پروین چنانچه از مقدمه مذکور نیز معلوم میگردد بیشتر جنبه ادبی و اخلاقی و علمی دارد . برای نمونه فهرست مندرجات شماره اول آن را نقل میکنیم : « کتابخانه اسکندریه یا رفع تهمت از مجاهدین صدر اسلام بقلم محمود پهلوی . وسایل موفقیت در میدان زندگی بقلم ح . کاظم زاده . مور و امیر تیمور بقلم یگانی . اقسام مالکیت ، بقلم مدبر الدوله . صنایع مستظرفه ، بقلم یگانی . » علاوه بر مطالب مذکور قسمتی بعنوان (حوادث جاریه) راجع بانقلابات و حوادث شهرهای ایران در مجله درج است . از مجله پروین بعنوان نمونه همین شماره اول دودست است . در خانمه لازم است یاد آور شویم که ظاهراً در سال ۱۲۹۵ شمسی در طهران روزنامه بنام روزنامه پروین تاسیس و هفته سه بار منتشر شده ولی نگارنده تاکنون نمونه از روزنامه پروین بدست نیاورده است .

حرف پ بعد ه الرا

پروین، پروین، پروین

سید عبدالرحیم خلخالی

س . ع . خلخالی که خود را مدیرمسؤل مجله پروین معرفی نموده همان مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی است که ذیلا بذکر شرح احوال او میپردازیم : مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی از آزادیخواهان و مشروطه طلبان و همکار مرحوم سید محمد رضا مساوات در نشر روزنامه مساوات است . نامبرده در حدود هفتاد سالگی درسیام خرداد ۱۳۲۱ شمسی در طهران فوت نموده . از کارهای عمده آن مرحوم تصحیح و طبع دیوان خواجه حافظ شیرازیست که با دقت تمام از روی نسخه خیملی قدیمی در سال ۱۳۰۶ شمسی بطبع رسانیده است . رساله دیگر او که آنرا يك سال قبل از فوتش یعنی در سال ۱۳۲۰ طبع و نشر نموده (حافظ نامه) است در شرح احوال حافظ و وصف اشعار او و اشعار العاقی که در دیوان این شاعر داخل شده است . مرحوم خلخالی مدتی در وزارت مالیه و چون مردی امین و درستکار بود برای تفتیش امور مالیاتی باطراف فرستاده میشد و یکبار هم برای تفتیش قنصلوگریهای قفقاز بخارج ایران سفر کرد .

(۳۴۰) پروین، پروین، پروین

روزنامه پروین خمه بهمدیری وصاحب امتیازی (ع . قانون خواه . ناصرالملله) در شهر زنجان تاسیس و منتشر گردیده است . ع . قانونخواه ؛ عبارت از اسم میرزا عیسی خان زنجانیت که بشرحیکه بهدا بیان خواهیم کرد در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران روزنامه بنام (ناصرالملله) تاسیس و منتشر نموده و از همان تاریخ لقب ناصرالملله که در عنوان روزنامه پروین خمه نیز نوشته شده ، پیدا کرده است . میرزا عیسی زنجانلی پس از آنکه مدتی روزنامه ناصرالملله را منتشر نمیساخت ، در سال ۱۳۰۹ شمسی بمناسبت برقراری ثبت عمومی در زنجان درصدد تاسیس و انتشار روزنامه در خمه برآمده و بدین جهت روزنامه پروین خمه را منتشر ساخت . این روزنامه مدت سه سال در زنجان منتشر شده و با فوت مدیر آن در شهر مذکور ، نشر روزنامه از بین رفته است . در سال اول طرز انتشار در عنوان روزنامه (عجلالهفته سه شماره و در آتیه یومیه) قید گردیده ولی هیچگاه یومیه بودن آن صورت عمل بخود نگرفته و طبق نمونههایی که از سال سوم روزنامه در دست است هفته سه شماره یعنی روزهای یکشنبه ؛ سه شنبه و پنجشنبه منتشر گردیده است . شماره سی و یکم سال اول آن در تاریخ یکشنبه ۴۷ شهر محرم الحرام ۱۳۵۰ قمری مطابق ۲۳ برج جوزا و ۲۳ خرداد ۱۳۱۰ شمسی و ۱۳ ژوئن ۱۹۳۱ میلادی انتشار یافته و با در نظر گرفتن ماینکه روزنامه هفته سه شماره نشر میشده سال تاسیس ذیقعد سال ۱۳۴۹ و اوائل فروردین ۱۳۱۰ شمسی است .

پروین خمه در چهار صفحه بقطع بزرگ ؛ با چاپ سربی (مطبعه اقبال زنجان) توزیع شده و از همان ابتدا دوسه صفحه روزنامه مخصوص درج اعلانات ثبتی و بقیه مندرجات آن عبارت از يك سرمقاله بقلم مدیر روزنامه و قسمتی از اخبار ممالک خارجه و اخبار شهرهای ایران و قسمتی نیز بنام (اخبار و وقایع محلی است) . علاوه بر اعلانات

حرف پ بعدہ الراء

پروین خمسہ، پژوهش

ثبتی، مانند سایر جراید شهرستانها؛ اعلانات دوایر دولتی و آگهیهای خصوصی نیز در روزنامه درج است. قیمت اشتراك روزنامه: يكساله ۶۰ قران، شش ماهه ۳۰ قران؛ و سه ماهه ۲۰ قران. در خارجه يك لیره. تك شماره روز انتشار پنج شاهی و بعد از سه روز نیم ربال. اعلانات در صفحه اول و دوم سطرى دو قران و در صفحه سوم و چهارم سطرى يك قران است. محل اداره: زنجان. سبزه میدان. عنوان تلگرافی: پروین خمسہ.

در سال ۱۳۱۷ شمسی که نگارنده در زنجان بودم از احوال مرحوم میرزا عیسی خان زنجانى جويا شدم گفتند چند سالیست فوت کرده است. بیش از این از نامه رده اطلاعی ندارم امید است با بدست آوردن اطلاعات بیشتری در ذیل روزنامه (ناصرالمله) بشرح آن پردازم.

(۳۴۱) پژوهش

روزنامه پژوهش در طهران بمصاحب امتیازی (محمودزاده) و موجدی و نگارندگی و مدیریت مولی (میرزا ابوالقاسم خان کمال زاده) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ چهارشنبه ۶ محرم الحرام مطابق ۷ سنبله ۱۳۰۱ شمسی و ۳۰ اوت ۱۹۲۲ میلادی منتشر شده است. شماره اول پژوهش روی يك ورق بزرگ چاپ شده و سرمقاله آن تحت عنوان: «واقعہ جانگداز» حادثه جگرخراش نهضت حسینی یا نجات دین» و با این جملات شروع میگردد: «دست سال بعد از هجرت روح احکام اسلام در حوزه های متنفذ و خاصه در دربارهای سلاطین بایک پرده دژخیم غبار آلود چرکین میرفت مستور گردید» قبل از این سرمقاله در ضمن چند سطر سؤالی از رئیس مجلس شورای ملی راجع باصل دوم قانون اساسی دایر باینکه پنج نفر از مجتهدین باید در مجلس باشند شده است. بعد از سرمقاله اخبار داخله و مختصری از اخبار خارجه در روزنامه درج شده است. در باره اینکه چرا شماره اول روی يك ورق بزرگ چاپ شده؛ اخطاری از دفتر روزنامه باین مضمون درج گردیده که چون این شماره مصادف با تعطیل مطابع بود لذا روی يك ورق چاپ شد ولی بعد از این روزنامه روی دو ورق بزرگ طبع خواهد گردید.

در شماره ۵ روزنامه بمناسبت سال وفات کلنل محمد تقیخان بکلیه آزادیخواهان اظهار تسلیت نموده و نیز در هر شماره قبل از سرمقاله بعضی از مواد قانون اساسی را تذکر داده و راجع بآن ها پرسش شده است. در شماره دهم سرمقاله خیلی موثری خطاب باحمد شاه تحت عنوان (شکایت باعلیحضرت است) طبع گردیده و خلاصه آن اینکه چرا و تاکی شاه در فرانسه و در اروپا بسر میبرد و چرا بایران بازگشت نمیکند این شماره مورخ بتاریخ سه شنبه ۲۵ صفر ۱۳۴۱ مطابق ۲۴ میزان ۱۳۰۱ میباشد. پژوهش نامه عصر بوده و هفته دوروز عصرهای شنبه و سه شنبه منتشر میشده است. جای اداره: شاه آباد جلوخان معدل السلطنه. بهای روزنامه: داخله: سالیانه ۶۰ قران

حرف پ بعده السین پست و تلگراف، پست و تلگراف و تلفن

شش ماهه ۳۰ قران • دروالات باضافه اجرت پست • خارجه سالیانه ۸۰ قران، هشت ماهه ۴۰ قران • تك شماره ۷ شامی •

(۳۴۲) پست و تلگراف

در مرداد ماه ۱۳۰۴ شمسی در طهران مجله بنام پست و تلگراف بمديريت آقای ميرمحمد خان حجازی و كفالت آقای نصرالله فلسفی منتشر شده اين مجله پس از نشر سه شماره تعطيل گردیده است.

از آقایان حجازی و فلسفی در جلد اول كتاب تاريخ جرايد و مجلات ايران بتفصيل گفتگو کرده ايم • خوانندگان بمجله (ايران) و روزنامه ايران امروز مراجعه فرمايند.

(۳۴۳) پست و تلگراف و تلفن

مجله پست و تلگراف و تلفن بمديريت آقای (ميرمحمد خان حجازی) در طهران تاسيس و شماره اول آن در ابان ماه ۱۳۱۱ شمسی منتشر شده است • مجله مذکور ماهيانه و از انتشارات وزارت پست و تلگراف بوده و از اين جهت خير و خورشيد که علامت دولتی بودن آن است روی مجله چاپ شده • مندرجات مجله شامل دو قسمت رسمي و غير رسمي است • قسمت رسمي آن عبارت از بخشنامه های وزارتى و تغييرات کارگزینی و نرخ مخابرات تلگرافى با سيم و بی سيم و معاهدات پستی و قرار دادهاى تلگرافى و تقديرنامه های ادارى و غيره است • تمام مطالب اين قسمت از طرف وزارتخانه داده ميشده و بدون امضاست و اما قسمت غير رسمي شامل مقالات مربوط بامور پستی و تلگراف و تاريخچه های راجع بتاسيس پست و تلفن و غيره ميباشد • مطالب اين قسمت اغلب بقلم کارمندان وزارتخانه تهیه و تدوين گردیده است • مقالات فنى مجله مشعون بتصاويرست که برای توضيح مطالب بسيار مفيد است و علاوه بر اين اطلاعات و توضيحاتی در باره پست و تلگراف و تلفن در آنها داده شده که کمتر مجموع آنها در جاهاى ديگر يافت ميشود • مقالات مسلسل که از شماره سوم سال اول تحت عنوان (تاريخ ايجاد پست و وسائل ارتباطيه ملل در گذشته و حال) شروع شده | از اين قبيل مقالات است • مقالات مذکور را آقای حسن حجازی از كتاب فرانسه بهمين نام تاليف (اوزن گالوا) ترجمه نموده و نيز مقالات مسلسل ديگري تحت عنوان «تاريخچه پست ايران» نگارش آقای (ح • برهان) در مجله درج است •

مجله پست و تلگراف و تلفن ماهيانه بوده و مرتباً در هر ماه شمسی يك شماره از آن نشر شده و سال اول آن با انتشار شماره ۱۲ در مهرماه خاتمه پيدا کرده و شماره اول سال دوم در ابانماه ۱۳۱۲ شمسی شروع شده است • پس از نشر شماره های ۴ و ۵ که متعلق بمسماهای بهمن و اسفند بوده و بگجا منتشر شده اسم مدير مجله (ميرمحمد خان حجازی) از مجله حذف گردیده و بجای آن (اداره احصائيه) نوشته شده است که ميرساند انتشار مجله از آن پس از وظائف اداره احصائيه وزارت پست و تلگراف بوده است

حرف پ بعده السین

پست و تلگراف و تلفن

مجله پست و تلگراف و تلفن معمولا در ۴۸ صفحه بقطع كوچك با كاغذ و چاپی مرغوب ؛ با چاپ سربی ، در مطبعه ایران طبع و فهرست مندرجات هر شماره در پشت جلد مجله چاپ شده است . قیمت اشتراك سالیانه آن ۲۴ ریال و قیمت تک شماره دو ریال است . برای اینکه خوانندگان گرام بخوبی از علت پیدایش و نوع مندرجات مجله اطلاع حاصل کنند حکم نمره ۱۰۰ وزارتى مورخ ۲۹ ابان ماه ۱۳۱۱ درباره تاسیس مجله را ذیلا نقل مینمایم :

« نظر بلزوم تکمیل معلومات فنی اعضاء ادارات تابعه و آگاهی تجار و ادارات پست و تلگراف و تلفن سایر ممالك از جریان عملیات این مؤسسات انتشار بکرشته اطلاعات فنی را بطور متناوب بعنوان (مجله پست و تلگراف و تلفن) مطابق مواد ذیل مقرر میدارد : ماده اول - مجله پست و تلگراف و تلفن در تحت نظارت مستقیم وزارت بریاست مدیرمجله در هر ماه یکبار بزبان فارسی و در قسمتهای لازم بزبان فرانسه طبع و نشر میشود . طبع قسمت فرانسه برای آنست که اطلاع ادارات پست و تلگراف سایر ممالك دنیا از اصطلاحات وزارت پست و تلگراف ایران از جنبه ترویج دارای نهایت ضرورت میباشد .

ماده دوم - مباحث عمده مجله بقرار ذیل است : ۱ - تاریخ ایجاد پست و تلگراف و تلفن در ایران و در ممالك مهمه . ۲ - تشکیلات و اختراعات جدید و بدیع در ادارات پست و تلگراف و تلفن ایران و ممالك خارجه . ۳ - وقایع عمده پستی و تلگرافی و تلفنی در داخله و در ممالك خارجه . ۴ - شرح درمماهدات و مقاولات پستی و تلگرافی و طرز اجرای آن . ۵ - طرح معضلات پستی و تلگرافی و سؤال برای بسط ذهن کارکنان ادارات و درج اجوبه صائبه . ۶ - درج متحد المالها و دستورهای اداری جدید که بطور کلی در طرز اجرای قوانین و معاهدات صادر میشود . ۷ - تغییراتی که در نرخهای پستی و تلگرافی با سیم و بی سیم و تلفن روی میدهد . ۸ - شرح کتب و نوشتجات راجع بفنون پستی و تلگرافی و تلفنی که قرائت آن برای بسط معلومات اعضا مفید باشد . ۹ - درج پیشنهادهاى مفید و عملی که در ازدیاد عواید و کاستن مخارج و اصلاح و تکمیل عملیات اداری از طرف کارکنان ادارات تابعه وزارتخانه یا اشخاص خارج واصل میگردد . وزارتخانه در حدود امکان از صاحبان پیشنهادهای خوب و مفید تشویق خواهد کرد . ۱۰ - عزل و نصب و انتقالات و تغییرات مهمی که در پرسنل وزارتخانه رخ میدهد . ۱۱ - اقداماتی که برای ترقی و اصلاح امور وزارتخانه بعمل می آید . ۱۲ - احصایه عملیات پستی و تلگرافی (با سیم و بی سیم) و تلفنی ادارات تابعه و دول خارجه . ۱۳ - خطوط بری و بحری و هوایی پستی و تلگرافی و تلفنی . ۱۴ - اطلاعات راجع به تلگراف بی سیم . ۱۵ - اطلاعات راجع بسایر مؤسسات تابعه این وزارتخانه . ۱۶ - درج اسامی اعضائی که هرگونه خدمت شایان و برجسته بعمل آورده باشند . ماده سوم . نمرات مجله که برای مشترکین طهران و ولایات ارسال میشود از تادیه حقوق پستی معاف است . ماده چهارم . عموم رؤسای ادارات مرکزی و ایالات و ولایات مکلفند

حرف پ بعده اللام

پلیس

تا بیستم هرماه با مراجعه بمواد فوق اطلاعات لازم و مفید تهیه نموده برای درج در مجله ارسال دارند . هاده پنجم . عموم مستخدمین ادارات تابعه میتوانند پیشنهادات خود را راجع بازدید عواید و کاستن مخارج و اصلاح و تکمیل عملیات اداری و همچنین اجوبه سؤالات مندرجه در مجله را مستقیماً بدون تأدیه حقوق پستی توسط مکتوب بعنوان ذیل ارسال دارند : (وزارت پست و تلگراف و تلفن - مجله) اینگونه مراسلات باید حاوی مطالب شخصی و خصوصی نباشد و الا نویسنده مسؤول و تعقیب خواهد گردید . از طرف وزیر پست و تلگراف و تلفن - مهام ۴۰ (صفحات يك و دو و سه شماره اول سال اول مجله)

در حقیقت همانقسم که در حکم مذکور نوشته شده مندرجات مجله از مطالب مذکور خارج نیست . گرچه تمام عناوین فوق در مجله درج نشده ولی حتی المقدور سعی شده است از آنچه در حکم مذکور یادآور شده مطالب مجله خارج نگردد .

(۳۴۴) پلیس

مجله پلیس در طهران تاسیس و شماره اول آن در ۵۱ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی روشنائی طابع و در تیرماه ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . مجله پلیس از انتشارات اداره کل شهربانی (نظمی سابق) و در زمانیکه سرهنگ محمد خان درگاهی رئیس کل تشکیلات نظمی ایران بوده ، مجله مذکور تاسیس گردیده است . از اینرو در سنوات اولیه انتشار مجله ، سرهنگ محمد خان درگاهی بنام مؤسس مجله درج شده ، مدبری و نگارندگی مجله بعهده (میرزا حبیب الله خان شهردار) رئیس معاکمات اداری نظمی بوده است . از شماره شش بآنطرف مدبری مجله از شهردار گرفته شده و بعهده (میرزا فضل الله خان بهرامی رئیس تفتیش کل نظمی) واگذار گردیده است . باهمه تحولات و تغییراتی که در اوضاع کشور در طول مدت هفت سال یعنی تا سال ۱۳۱۲ شمسی رخ داده ، با وجود این در تمام شماره های مجله پلیس ، روی جلد مجله ؛ (موسس . رئیس کل تشکیلات نظمی مملکتی) فید گردیده است .

مجله پلیس ماهی یکبار منتشر میشده و تا مدتی شماره گذاری صفحات بطریق مسلسل بوده و روی هم رفته تعداد شماره های منتشره آن بدین طریق است از تیرماه ۱۳۰۴ شمسی تا آخر سال ۱۳۰۷ ، ۲۲ شماره ؛ سال چهارم تا ششم هم مرتباً ۲۶ شماره منتشر گردیده و در آخر سال ۱۳۱۰ ششمین سال آن تمام و ۶۸ شماره منتشر گردیده آخرین شماره منتشره آن شماره های ۹ و ۱۰ متعلق بآذر و دی ۱۳۱۲ سال هفتم میباشد که یکجا منتشر شده است .

شمار مجله که روی جلد چاپ شده عبارت از شیر و خورشیدی است که در بالای آن تاج کیانی و در دو طرف دو بیرق و دو شمیر قرار گرفته است . این شعار همان علامت و نشان مخصوص شهربانیست . در زیر شعار کلمه (نظمی) بخط دشت در سنوات ولیه و بعداً اسم مجله (پلیس) چاپ شده . وجه اشتراك سالیانه مجله برای ماه .

حرف پ بعده اللام

پلیس

واعضای نظمیه مطابق حکم نمره ۴۱ و برای سائرین شش تومان است . منظور از انتشار مجله پلیس ؛ چنانچه در شماره اول ؛ تحت همین عنوان ، پس از بیان تاریخچه که از طرز اداره شهر طهران از زمان قدیم ذکر شده بدین قرار است :

« منظور عمده از انتشار این مجله - تسهیل کسب اطلاعات و معلوماتیست که ناگزیر بایستی عموم مامورین نظمیه بفراخور رتبه و درجه خود دارا باشند زیرا معارف مملکت ما هنوز بآن اندازه توسعه پیدا نکرده که عموم مامورین نظمیه قبل از داخل شدن بخدمت معلومات علمی و فنی لازمه شغل را در مدرسه تحصیل کرده باشند تا پس از شروع بخدمت و بمعرض عمل گذاردن تحصیلات خود در مدت قلیلی مجرب گشته و در نتیجه بمفهوم حقیقی ماموریت خود وظایف و تکالیف مقرر را انجام دهند . »

تحت فرمان و دستور رئیس جدی و فداکار خود بقصد یک خدمت روحی و اداری کمر خدمت میان بسته و برای منظور فوق در هر شماره دو مقاله مخصوص خواهیم داشت یکی در تحت عنوان (رهبر پلیس) و دیگری تحت عنوان (اطلاعات عمومی اداری)

قسمت اول بطور خلاصه و خیلی ساده نوشته میشود که درک آنها آسان و از حدود استعداد امروزه مامورین جزء تجاوز نکند که در ولایات صاحب منصبان هر قسمت بتوانند محتویات آنرا با افراد واجزاء زیر دست خود تفهیم و آنها را بوظایف خود آشنا نمایند . مطالب قسمت مزبور شامل اصول وظایف و اطلاعات و نکات اداری پلیس خواهد بود که دانستن آنها برای پلیس در اولین مرتبه ضرورت بوده و مادام افراد از مراتب مذکور تحصیل اطلاع نمایند نمیتوانند بحقیقت ادای وظیفه قیام نمایند . قسمت دوم که بقلم آقای نقیب زاده طباطبائی معلم علم (اصول تفتیش جرائم) نوشته میشود مختص باعضاء و صاحب منصبانی است که محتاج باطلاعات مبسوط تری هستند و شامل دروسی است که معزی الیه در کلاس مخصوص نظمیه مرکز تد ریس مینمایند و نظر باینکه چنانچه میخواهیم تمام محتویات مجله را منحصراً با اصول علمی نمایم طبعاً موجب کسالت خوانندگان میگردد یک قسمت آنرا هم برای درج اخبار جنائی ؛ احصائی نظمیه و ولایات احکام اداری مرکز کل تشکیلات و ترجمه مقالات جرائم خارجیه که مربوط بنظمیه و امور جنائی باشد و همچنین درج لوایحی که مفید بتهدیب اخلاق و حفظ الصحه عموم باشد قرار دادیم که قرائت آنها نیز هم برای مامورین نظمیه و هم برای سائرین دارای کمال اهمیت و مورد استفاده خواهد بود . در حقیقت همانقسم که در مقدمه مذکور یاد آور شده مندرجات مجله پلیس عبارت است از مطالبی که برای راهنمایی افراد پلیس در کشف جرائم و جنایات تدوین شده و قسمتی هم مربوط بامور اداری شهرستانیهاست برای مزید اطلاع از نوع مندرجات فهرست مندرجات بعضی از شماره های مجله را نقل مینمایم : فهرست مندرجات شماره ۳ و ۴ سال پنجم (طبیب قانونی - معاینه محلی سرقت - اخلاق و جرم - جشن مدرسه پلیس سوار - مفتش خوب یا کیف مامور پلیس ارتکاب جرائم در مملکت آلمان - سینما برای پلیس - پلیس در ساعات زندگی - آنچه که از نظمیه انگلیس آموختم - وضعیت زندگانی و عملیات جنایت کاران -) فهرست

حرف پ بعده اللام

پلیس

مندرجات شماره سوم سال اول : (کنگره بین المللی پلیس در نیویورک - رهبر پلیس و پلیس علمی - مسابقه با جایزه - اطلاعات عمومی اداری - ادبیات - احصائیه - مستخرجه از احکام عمومی - حفظ الصحه ۰) فهرست مندرجات شماره ۹ و ۱۰ سال هفتم : (حریق - مسببین حریقهای شهر مارینبورک - سرقت جبری - قطعه قطعه کردن جنائی مردیکه اجساد را تبخیر میکنند - نقل اخبار سری ۰) توضیح آنکه فهرست مندرجات هر شماره پشت جلد مجله چاپ شده است . و چون مندرجات مجله پلیس کاملاً جنبه فنی دارد و روی جلد مجله هم ، مجله علمی ؛ فنی ، ادبی و اخلاقی معرفی شده ، لذا در اغلب شماره ها از طرف اداره مجله توصیه شده است که اعضای نظمی و مخصوصاً مامورین کشف جرائم بایستی سعی و دقت نمایند که شماره های مجله را همیشه موجود و محفوظ نگاهدارند تا در نتیجه مورد استفاده مجرمین واقع نگردد .

علاوه بر شماره های مجله ؛ شماره چهارم سال اول دارای ضمیمه ایست که راپورت عملیات اداره مرکزی کل تشکیلات نظمی از تاریخ جدی ۱۳۰۴ لغایت اسفندماه ۱۳۰۴ شمسی را متضمن است . خلاصه این ضمیمه که در ۱۲۷ صفحه بقطع مجله می باشد عبارت از تشریح اوضاع خراب نظمی در زمان سوئدیها و اصلاحاتیست که از جدی ۱۳۰۲ تا اسفند ۱۳۰۴ در شهر بانی بعمل آمده است . لازم است یادآور شویم که این راپورت بدستور سرهنگ محمد درگاهی رئیس کل تشکیلات نظمی تنظیم شده است و مطالعه آن از هر حیث خواننده را با اوضاع خراب شهر بانی و سرفتهای مهم که در این اداره بعمل می آمده ، آشنا می سازد .

در شماره اول مجله که در تیرماه ۱۳۰۴ منتشر شده ، در صفحه اول عکس سردار سپه فرمانده کل قوا و رئیس الوزرا را بنام قدردانی و حق شناسی چاپ کرده و پس از آن مقاله افتتاحی مجله تحت عنوان (مجله پلیس - اخلاق و افکار) و با این جملات شروع میگردد : « افکار نورانی اولاد يك جامعه نمونه ناموس اخلاقی آن بوده همانطور که از حرارت بوجود آتش پی میبرند از اخلاق فردی و جمعی يك جامعه نیز حقیقت افکار يك ملت را کشف مینمایند ۰۰۰۰ »

سرمقاله مذکور با عبارات زیر ختم میگردد : « برای این مقصد صفحات مجله پلیس خود آرائی نموده و اینک در حالات روحی و اجتماعی ملت ایران سخن رانده و با تفتیش و تحقیق علل اساسی جرائم و جلوگیری از توسعه امراض اجتماعی در اثر فعالیت بی نظیر شخص اول مملکت دامت عظمته از وظیفه شناسی تقلید و جامعه را براستی و درستی و وطن پرستی دعوت مینماید این است پروگرام ما ۰۰۰ »

پس از سرمقاله فوق ؛ مقاله تاریخی بسیار مفیدی تحت عنوان (شمه تاریخی) در باره تنظیمات شهر تهران از زمان قدیم یعنی از موقعیکه تهران بچهار محله تقسیم شده تا کنون برشته تحریر درآورده که در محل خود بی اندازه جالب و مفید است .
بغیر از قسمتهای رسمی و قوانین و نظامنامه هایی که در مجله طبع شده ، نویسندگان و مترجمین عمده مجله عبارتند از : فضل الله بهرامی ؛ نایب اول علی پارسا ، نقیب زاده

حرف پ بعده اللام

پایس

طباطبائی ؛ سرهنك یحیی خان سرداری ، نایب اول یدالله همایون فر ، سرهنك عبدالله سیف ولی پیش ازهمه ترجمه های فضل الله بهرامی وعلی پارسا درمجله دیده میشود .
 آخرین شماره مجله پلیس شماره ۹ و ۱۰ سال هفتم است که یکجا چاپ شده و متعلق باذرودی ۱۳۱۲ است . درصفحه آخر این شماره تحت عنوان (اطلاع مهم) شرحی دایر باینکه مجله پلیس با وضعیت فعلی مناسب مقام نظمیہ کنونی نبوده نوشته تا میرسد باینجا که : « این تقیصه نیز مانند کلیه امور مربوط بنظمیہ مملکتی مورد توجه خاص بندگان حضرت اجل ریاست معظم تشکیلات کل نظمیه واقع و امر و مقرر فرمودند باین وضعیت خاتمه داده مجله ای متناسب با مقام مهم نظمیه فعلی تأسیس شود و انجام این امر را برعهده آقای سیف آزاد مدیرمعتبرم روزنامه ایران باستان برگذار فرمودند . لذا مجله پلیس با وضعیت کنونی باین شماره خاتمه داده و قریباً در تحت مدیریت آقای سیف آزاد مجله مصور و بسیار آبرومندی که ازهر جهت جالب توجه و شاید ازحیث مزایا و معضلات بی همتا باشد بنام (پلیس ایران) منتشرخواهدشد مجله پلیس ایران برخلاف مجله فعلی جنبه عمومی داشته واشتراك آن برای تمام مردم میسر و مقدور خواهد بود منتهی برای مشترکین پلیس قسمتی راجع بامور فنی پایس اضافه طبع وضمیمه خواهد شد . »
 چنانکه خوانندگان ملاحظه میفرمایند با این شماره مجله پلیس خاتمه پیدا می



کند ونگارنده تا کنون اطلاع ی ندارم که آیا پس ازآن مجله پلیس ایران منتشر شده است یاخیر . قدر مسلم این است که در دیماه ۱۳۱۴ شمسی یعنی دوسال بعد مجله ازطرف شهربانی بنام مجله (شهربانی) انتشاریافته واین مجله تا حین تحریر این یادداشت نیز منتشر میشود و ما ازآن بتفصیل درحرف شین کتاب گفتگو خواهیم کرد .

سرهنك محمد خان درگامی

در اواخر عقر ب ۱۳۰۲ شمسی هیئتی از روسای دوائر وزارت مالیه تحت ریاست سرهنك محمد خانب که در آن زمان عهده دار قلعه بیگی

محمدخان درگامی

نظامی تهران بود ازطرف دولت مأمور رسیدگی رفتار صاحب منصبان سومدی و افراط و تفریط آنها در بودجه نظمیه گردیدند . این هیئت قریب یکماه همه روزه از صبح تا

حرف پ بعده اللام

پلیسی ایران

عصر در اداره نظامیه بمحاسبات و عملیات نظامیه مربوط بسالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ تا میزان ۱۳۰۲ رسیدگی نمودند و در نتیجه بموجب راپورت رسمی که بدولت تقدیم داشتند عدم صلاحیت و ابقای صاحب منصبان سوئدی بخدمت نظامیه مسلم گردید . پس از خاتمه دادن دولت بخدمت آنها در تاریخ نهم برج جدی ۱۳۰۲ بدستور رئیس دولت ؛ سر دار سبه ؛ سرهنك محمد خان در گاهی بسمت ریاست كل تشكيلات نظامیه منصوب و همان روز اداره را از سوئدیها تعویل گرفت . زمانی طول نکشید که در نتیجه حسن خدمت در د لو ۱۳۰۲ نظامیه های ایالات و ولایات نیز ضمیمه تشكيلات نظامیه طهران گشت و بتدریج در گاهی موقعیت مهمی پیدا کرد .

(۳۴۵) پلیسی ایران

روزنامه پلیس ایران در طهران بمدبری و صاحب امتیازی (مرتضی قلیخان قاجار ملقب بمؤیدالممالك) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ چهارم ذیقعده ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . در روزنامه پلیس ایران مانند سایر جراید صدر مشروطیت ، در عنوان آن ؛ در سال اول ، اسمی از صاحب امتیاز و مدیر مسئول نیست و فقط در آخر صفحه چهارم نوشته است مدیر مسئول (مؤید) ولی در سال دوم ، در عنوان روزنامه ؛ صاحب امتیاز (مرتضی قلی . مؤیدالممالك) و در آخر صفحه چهارم مدیر مسئول (جواد تبریزی) معرفی شده است . پلیس ایران ، ابتدا ؛ در چهار صفحه بقطع ۱۱ در ۱۴ سانتیمتر و بعداً بقطع ۱۲ در ۱۸ سانتیمتر ؛ با چاپ سربی ؛ در مطبعه شرقی ؛ طبع و توزیع گردیده . محل اداره ؛ در سال اول ؛ طهران . خیابان الماسیه و در سال دوم ؛ اول خیابان باب هیو و معین شده است . قیمت اشتراك آن ؛ يك-ماله طهران ۳۵ قران ، بلاد داخله ۴۰ قران

روسیه ۱۰ منات
فرنگستان ۲۵
فرانك ؛ عثمانی
يك ايره ؛ تك
نمره طهران
صد دینار داخله
سه شاهی ، در
سال دوم تك
نمره در طهران
چهار شاهی
در سایر ولایات
پنج شاهی اعلانات
سطری دهشاه .
در زیر عنوان
روزنامه در ضمن



يك صفحه از روزنامه پلیس ایران

حرف پ بعده الام

پلیس ایران

يك سطر؛ پلیس ایران، بدینقسم معرفی شده است: «روزنامه ایست حامی و خادم اتحاد اسلامیان». حافظ استقلال ایران، سیاسی، اجتماعی، ادبی، اخلاقی، تفتیش در امور مملکتی و رساندن نظم مظلومین بمقام عدل و کسب جواب از وظایف اوست» در سال دوم تا اندازه ای از وظایف روزنامه کاشته شده و بدینقسم معرفی شده است «روزنامه ایست بی طرف، حامی اتحاد اسلام، حافظ استقلال ایران، فلسفی، سیاسی اخباری، اخلاقی.»

پلیس ایران در سال اول یومیه بوده و (همه روزه سوای ایام تعطیل طبع و نشر می شده) و در سال دوم هفته دو نمره روزهای یکشنبه و چهارشنبه طبع و توزیع میشده است. شماره ۱۹ سال اول در تاریخ سه شنبه سلخ ذیقعد ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۴ دسامبر ۱۹۰۹ میلادی و شماره ۳۴ سال دوم آن که دارای نمره مسلسل ۵۰۷ می باشد، در تاریخ دوشنبه ۲۷ رجب ۱۳۲۹ قمری منتشر گردیده است.

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی عبارت است از (اخبار داخله) و (تلکرافات داخله) و حوادث طهران و سایر بلاد ایران و در صفحه چهارم تحت عنوان (تلکرافات خارجه) مختصری از حوادث ممالک خارجه درج است. رویهم رفته بیشتر مندرجات روزنامه عبارت از ذکر حوادث و وقایع داخلی است. علاوه بر اینها در پاورقی روزنامه که از همان صفحه اول شروع میشود مطالبی بعنوان (رولیسون همنانی ۱۳۲۷) نوشته شده. يك قسمت از مندرجات روزنامه در سال اول صورت جامع و مفصلی از (اشیاء مسروقه سلطنتی) است که بتدریج در هر شماره با ذکر نوع و جنس و شماره آنها چاپ شده و برای اطلاع از جواهرات و اثاثیه سلطنتی قاجاریه بی اندازه مفید است. قسمتی از مقالات اساسی روزنامه تحت این عناوین است: «لزوم اتحاد اسلام - سیاسی - مجاس شورایی و وظیفه و وظیفه - نصیحت به پلیس طهران - سیاست امروزه ایران - اینکه بایران آمده کیست؟ مقصودش چیست؟ صنوف صالحه ایران آنها را چه میبند؟»

از روزنامه پلیس ایران تا شماره ۳۴ سال دوم مورخ دوشنبه ۲۷ رجب ۱۳۲۹ قمری در دست است:

مرتضی قلیخان مؤید الممالک

مرتضی قلیخان ناچار ملقب بمؤید الممالک از رجال و آزادیخواهان مشروطیت ایران و علاوه بر تأسیس و انتشار روزنامه های صبح صادق (در حرف ص کتاب مفصلاً از این روزنامه گفتگو خواهیم کرد) و ارشاد و پلیس ایران، در بدست آوردن مشروطیت ایران متحمل زحمات و مشقات فوق العاده گردیده و پس از واقعه ۲۳ جمادی الاولی و بمباران مجلس که جمیع آزادیخواهان تحت عذاب و شکنجه قرار گرفتند و نیز بناچار دست از بار و دیار کشیده و باتفاق داماد خود میرزا جواد خان از ایران خارج و بسوی ترکستان شتافت. در آنجا روس ها او را تحت فشار قرار داده و از این رو مدت چند ماه با کمال عسرت از شهری شهری روانه بود تا اینکه خبر ورود

حرف پ بعده اللام

پلیس ایران

آزادبخواهان را بگیلان شنید و بقصد پیوستن بآنان راه بادکوبه را پیش گرفت ولی در این شهر باز روس ها مانع الحاق او گردیده نگذاشتند بگیلان رهسپار گردد . پس از آن روانه تفلیس گشت و چون باز روس ها مانع عزیمت او بتهربز گردیده راه اسلامبول را پیش گرفت : اتفاقاً ورود او باسلامبول مصادف با اعاده دوزان استبداد و مقدمات تهیه اسباب خلع سلطان عبدالحمید بود و کسی را در آن شهر امنیت مالی و جانی نبود ؛ لذا مویدالممالك در این شهر نیز نتوانست توقف کند و راه مصر را پیش گرفت و در بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۷ قمری وارد مصر گردید . و چون مشکلات و مصائب سفر او را بیمار و رنجور ساخته بود ؛ پس از چند روز توقف در مصر و بهبودی در بیست و نهم ماه مذکور از راه خلیج فارس عازم ایران گشت و مجدداً به موطن خویش شتافت . پس از رسیدن بطهران و آسایش رنج سفر ، بمحض مساعد شدن اوضاع در ذی قعدة ۱۳۲۷ قمری روزنامه پلیس ایران را منتشر نمود ؛ و اول که مویدالممالك روزنامه در طهران تأسیس و منتشر کرد روزنامه صبح صادق بود که شماره اول آن در تاریخ یکشنبه ۲۳ صفر ۱۳۲۵ قمری انتشار یافت و این روزنامه تا هنگام بمباران مجلس و تفرقه آزادبخواهان ؛ چندی بشکل یومیه و مدتی هفته دو شماره منتشر میگردد . مویدالممالك بار دوم که روزنامه پلیس ایران را منتشر ساخت ؛ دا مصادش میرزا جواد خان نیز بوی کمک میکرد و از این جهت نام او بعنوان (مدیر مسئول)



مرحوم مویدالممالك

در صفحه چهار روزنامه درج است . در شماره ۱۶ سال هجدهم روزنامه حکمت منطبعة قاهره مورخ ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری راجع بمویدالممالك و روزنامه پلیس ایران چنین مینویسد « روزنامه پلیس ایران نام که از اثر قلم معارف رقم وطن پرست غیور مویدالممالك مدیر جریده (صبح صادق) که در دوره استبداد سابق امواج تیر های زهر آلود مستبدین شده و از یار و دیار آواره گشته در هند و مصر چندی بسر برد تا پس از فتح تهران و اخراج نیروی ایران از راه عتبات عالیات بتهران شتافته با آن زیبا نها و بی سر و سامانی باز دوباره خار مهر وطن در دلش سر زده جریده روزانه پلیس ایران را بطبع و نشر برداخته و چند نسخه از آن از شماره ۳۴ و بالا بداره رسیده . »

مرحوم مویدالممالك با انتشار روزنامه های صبح صادق ؛ پلیس ایران ، ارشاد ؛ روزنامه رسمی دولتی بفرهنگ و مطبوعات ایران خدمات

حرف پ بعده الام

پلیس ایران

گرا نیهائی نموده و مخصوصاً دوره های صبح صادق و پلیس ایران گواه صادقی بر این مدعی میباشند. برای تکمیل تاریخ مطبوعات ایران شرح حال آن مرحوم را که بدرخواست این جانب فرزند برومند ایشان آقای غلامرضا ارغوان تهیه نموده اند، بهینه نقل مینمائیم:

«مرحوم مرتضی قلی مؤید الممالک فکری ارشاد متولد سال ۱۲۸۸ قمری فرزند مرحوم میرزا علی امیرالامرا کرمانی الاصل تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون فرا گرفته بزبان فرانسه آشنائی داشته و از سن ۳۹ سالگی پس از بیست سال خدمت به وزارت کشور که اکثر حکومت مازندران - عراق - گلپایگان بوده در تاریخ ربیع الاول سال ۱۳۲۵ هجری قمری برای اولین بار روزنامه صبح صادق را در چهار صفحه ونیم ورقی به بهای ۱۰ دینار هر شماره انتشار داد محل روزنامه خیابان لاله زار مقابل پاساژ رزاق منش نامی بوده روزنامه صبح صادق که از جمله روزنامه های معروف و محدود زمان خود بوده با حفظ سبک آزادیخواهی و مقابله با زور و سرنیزه حکومت استبداد تا تاریخ بمباران مجلس شورایملی منظمآ منتشر میگردد و پس از غارت اداره روزنامه و گلوله باران آن از طرف سیلاخورهای محمد علی میرزا مرحوم مرتضی قلی مؤید الممالک برای مدت یکسال در بادکوبه و بخارا و سمرقند و مصر و شامات و ترکیه و عراق حرب متواری سپس به نجف اشرف مشرف و از طرف حجج اسلام وقت برای مجاهدت در حصول آزادی از دست رفته ماموریت یافت و به تهران بازگشت پس از استقرار امنیت و فرار محمد علی میرزا در سال ۱۳۲۷ روزنامه یومیه پلیس ایران را با قطع بزرگتر از صبح صادق انتشار داد محل روزنامه در خیابان باب هابون و بهای روزنامه همان ده دینار بوده است در تاریخ ربیع الثانی ۱۳۲۸ قطع روزنامه بزرگتر و یک ورقی و بهای آن ۴ شاهی شد. در تاریخ ذیحجه سال ۱۳۳۱ روزنامه یومیه ارشاد با قطع کوچک جانشین روزنامه پلیس ایران سابق شد و شماره اول آن شماره مسلسل ۵۲۹ دارد این روزنامه منظمآ تا سال ۱۳۲۶ قمری که تمام جرائد بامر جناب آقای وثوق الدوله توقیف شده بود منتشر میگردد. در سال ۱۳۲۸ امتیاز روزنامه رسمی دولتی طبق ماده واحده ۱۴ شوال ۱۳۲۸ قمری تحت مراقبت و نظارت وزارت داخله وقت به خارج دولت به مرحوم مرتضی قلی مؤید الممالک واگذار گردید که تا مدتی بعد از فوت آن مرحوم هم از طرف فرزند ارشد آن مرحوم آقای شاهرخ فکری مؤید الممالک منتشر میشد.

روزنامه یومیه صبح صادق - پلیس ایران - ارشاد اکثر در مطبعه مخصوص مؤید الممالک طبع میشد و غیر از یکسال که بر اثر قشار محمد علی میرزا آواره و دور از وطن بود هیچگونه وقفه ای در طبع و نشر روزنامه های نامبرده پیدا نشد.

مرحوم مرتضی قلی مؤید الممالک از جمله راد مران آزادیخواه و روشن فکر و غیور و مبارز زمان خود بوده که با نیش قلم و بر اثر فکر خستگی ناپذیرش توانسته بود نفوذ کامل در سیاست وقت نموده و در مواقع سخت خدمات شایانی به بین و کشور خود بنماید افسوس که عمرش کفاف نداد مبارزه خود را ادامه دهد و در سن ۴۹ سالگی

حرف پ بعده النون

پلیسی ایران : پندار

در ۱۳۰۲/۱۲۹۷ شمسی با قاجاری مملو از مهر مین و آزادی حقیقی کشور بسرای جاودات شتافت .

مرحوم مرتضی قلی فکری از نویسندگان زبردست زمان خود بوده و میتوان بجزرت گفت تنها روزنامه نویسی با ایمان بود که با سرمایه شخصی کار میکرد و متکی بجائی نبود .

مرحوم مرتضی قلی موبدالممالک برای کمک بروزنامه ارشاد در سالهای آخر عمر خود با کمک شرکت کمدی ایران نمایشاتی میداد که نمایشنامه های حکام قدیم و جدید و روزنامه نگار از آنجمله اند که شخصا برشته تحریر درآورده بود .

از مرحوم موبدالممالک علاوه بر آقای غلامرضا فکری متخلص بارغوان فرزند برمند دیگری آقای معز دیوان فکری باقیست که نویسنده باذوق و هنرپیشه معروفی میباشد .

(۳۴۶) پندار

روزنامه پندار در شهر کرمان تحت نظر و مدیریت (صنعتی زاده) تاسیس و شماره اول آن روزشنبه اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ شمسی، در چهار صفحه بقطع کوچک با چاپ سربی (در مطبعه سربی استقامت کرمان) طبع و توزیع شده است .

طرز انتشار روزنامه چنانچه در صفحه چهار شماره اول نوشته در نظر بوده است هرپانزده روز یکدفعه باقطع بزرگ انتشار یابد ولی بواسطه نبودن وسائل طبع و نواقص مطبعه در کرمان بقطع کوچک و بطور هفتگی منتشر شده است . محل اداره روزنامه کرمان . سرای گلشن . قیمت اشتراك : سالیانه ۱۲ قران . سایر بلاد اجرت پست علاوه میشود . تک شماره ۴ شاهی .

برای اطلاع از سبک و مرام روزنامه بهتر است قسمتی از مندرجات طبعیه آنرا در اینجا نقل نمایم : « امید است چراغی را که ما بنام پندار در این گوشه فراموش شده ایران از برای رهبری هموطنان به علم و معرفت و جنک با جهل و جهالت روشن مینماییم بکمک و مساعدت « ارف خواهان و هموطنانی که در حقیقت آرزومند ببقا و ارتقاء نسل ایرانی هستند تا مدتی مدید روشن بماند . هیچ جای تردید نیست که روزی ما هم بنوبه خود بایستی با عفريتان و اهریمنانی که راهنمای خلق بجهل و جهالت هستند مبارزه نموده و بالاخره بوظیفه و آنچه را که عهده دار انجام آن هستیم موفق گردیم اما چه بهتر که هموطنان را قبل از شروع بانشار این روزنامه بعقیده و مرامی که بر روی آن ایده آل مصمم بر نوشتن و گفتن شده ایم آگاه نموده و در حقیقت مشی و روش خود را بیان کنیم . مقالات این روزنامه حاوی مطالب اقتصادی و ادبی و اخلاقی خواهد بود . تشویق و ترغیب هموطنان بداشتن حرفه های آزاد و ارائه طریقه کسب و کار و مضرات بیکاری و تنبلی یکی از وظائف ماست . بیان مفاسد اخلاقی و فرهنگی مآبی بظاهر که تیشه بریشه استقلال ایران میزند و کور کورانه عده نادان بوالهوس باشتعال این آتش خانمانسوز دامن زده اند یکی از مقاصد ما میباشد ما سعی خواهیم نمود بجای

حرف پ بعده النون

پندار ، پهلوی

حملات بیمورد و بکار بردن اغراض اشخاص مختلف مقالاتی بقلم یکمده از فضلی ایران در این روزنامه گنجانیده و از این حیث لااقل بتوانیم علمدار علم و ادب باشیم آگاه و آشنا نمودن افرادیکه از حقوق ملیت خود بی اطلاع مانده اند خصوصاً دهاقین و روستائیان بوسیله ارزانی قیمت این روزنامه و نشر مقالات سهل و ساده عوام فهم مقصد و نظر اصلی ما از ادامه و انتشار این روزنامه است . آگاهان بوضعیات دنیا بخوبی میدانند که بزرگترین محرك اصلی تشویق و ترغیب ملل چه باقیال رقابتهای تجارتی و تشبثات و مبارزه های زندگانی امروزه تنها جراید میباشد . هرچند در بدو امر گامی را که برای نشر این روزنامه برمیداریم بسیار کوتاه است اما چه بهتر که بتدریج ما بامنجان صحت عمل و حقیقت گوئی آنچه را که شایسته روز نامه نگاریست بدست آورده و بیشتر بادامه خدمت بهم وطنان مطمئن شویم .

این بود قسمت عمده از طلیمه روزنامه پندار و اما مندرجات شماره اول آن پس از درج مقاله افتتاحی که تحت عنوان : (یادداشت هفتگی) نوشته شده و با این جملات شروع میگردد : « اگر سران ملت و مراجع تقلید آرزومند سعادت و ترقی ایران میباشد بایستی آنچه را که شایسته و برازنده هر پیشوا و یا هر لیدر و مرشدی است دارا شوند . . . » اشعاری از آثار یگنفر از دانشمندان معاصر که باین بیت شروع میگردد : « کی کند بوم شب شوم از این بوم سفر » تا شود بدرقه اش زمزمه مرغ سحر ، « در صفحه چهارم روزنامه اخبار محلی کرمان و اخبار ایران تحت عنوان (اخبار هفتگی) چاپ شده است .

صنعتی زاده - از آقای صنعتی زاده کتابی بنام چگونه ممکن است متمول شد در ۱۵۶ صفحه بستی ؛ در سال ۱۳۰۹ طبع و منتشر شده است .

(۳۴۷) پهلوی

مجله پهلوی در طهران بمدبری (باور حسینعلی خان رزم آراء ملقب بافتخار نظام) تأسیس و شماره اول آن در چهارده صفحه بقطع بستی با چاپ سربی ، در چاپخانه (شرکت مطبعه مدرن) چاپ و در تاریخ سه شنبه غره محرم ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۲ اسفند ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . مجله پهلوی با اینکه عنوان هفتگی داشته ولی در عمل بیش از ماهی دو شماره منتشر نشده است چنانچه در مدت سه سال که آقای رزم آراء در طهران بوده جمعاً ۶۸ شماره از آن نشر شده . پس از انتقال آقای رزم آراء بمشهد مجدداً مجله را در آنجا دائر و تا اسفند ۱۳۰۹ شمسی ۵۵ شماره دیگر مجله درمشهد منتشر و از آن پس تعطیل گردیده است . بنابراین رویهمرفته مجله پهلوی از اسفند ۲۲ تا اسفند ۱۳۰۹ دائر بوده و جمعاً ۱۶۳ شماره از آن نشر شده است . محل اداره مجله در طهران : خیابان نگارستان ؛ مقابل دوشان تپه بوده و قیمت يك شماره از آن ۱۰ شاهیت .

مندرجات مجله پهلوی بیشتر مطالب مربوط بنظامیان و برای استفادہ صاحب

حرف پ بعده الهاء

پهلوی، پیاده نظام

منصبان و گروه‌بانان تأسیس شده چنانچه در ضمن يك سطر در عنوان مجله ا ينطو معرفی شده است : « مجله ايت آزاد كه بیشتر در مباحث علمی و اخلاقی كه قابل استفاده صاحب منصبان جزو و معین نایبان وو كلا باشد گفتگو میکند . » در صفحه اول شماره اول مجله هكس اعليحضرت پهلوی (در آنوقت سردار سپه وزیر جنگ و فرمانده كل قوا بوده) با شغل رسم شده و در صفحه دوم مقاله افتتاحی مجله شروع میگردد در مقاله مذکور چنین می‌نویسد : « از آنجائیکه بندگان حضرت اشرف سعی بی‌شرف مدارس و معارف و علوم دارند برای اینکه نظامیان از بهره معرفت محروم نبوده و در قوای اخلاقی و روحانی نیز ترقیات لازمه را بنمایند امر بتأسیس يك مجله غیر رسمی فرمودند كه نظامیان از آن استفاده نموده در این عصر درموقعی كه چراغ علم و معرفت اقطار عالم را روشن نموده قشون ما هم از مزایای علم و آگاهی زائد ا علی ما سبق بهره مند گردند سلطان افتخار نظام » فهرست مندرجات این شماره كه در صفحه اول چاپ شده بدین قرار است : سر مقاله . حدس مسافت . اعلان مدارس نظام . نقل از مجله قشون . آخرین اخبار . شرایط اشتراك و اعلان . رمان .

شماره ۲۳ مجله در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۰۳ و شماره های ۵۷ و ۵۸ آن در آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . فهرست مندرجات این دو شماره عبارت است از : تمثال اعليحضرت همایونی . تلکرافات تبریک . لایحه تشكر مركز . استخراج از احكام عمومی قشونی . خطابه فارغ التحصیلان مدارس نظام ، اسامی آنها . سابقه ورزش های مختلفه . يك شیور چی وظایف شناس . عكاسی . اسرار مصر . امداد اولیه معرفت الروح

سپهبد رزم آراء

آقای حسینعلی خان رزم آراء ملقب بافتخار نظام كه چند سال است عهده دار ریاست ستاد ارتش ایران میباشد از افسرانی است كه در قنون نظامی تحصیلات عالی نموده و با علاقه سرشاری در ضمن انجام خدمات نظامی به خدمات معارفی نیز مشغول بوده است . دوره نه ساله مجله پهلوی بهترین گواه و بواسطه همین علاقه بوده كه وقتی هم از طرف وزارت فرهنگ موفق باخذ نشان علمی گردیده است . از خدمات فرهنگی او تأسیس كتابخانه كلوپ صاحب منصبان لشكر شرق مشهد میباشد . كتاب (طریقه زندگانی در جامعه) نیز از ترجمه های مفیده مشارالیه است رزم آراء هنگام انتشار مجله درجه سلطانی را در قشون داشته ولی امروز بعلت كاردانی و لیاقت رتبه سپهبدی را حائز گردیده و ریاست ستاد ارتش ایران بعهده ایشان است . وی افسری با هوش و فعال و از این جهت مورد توجه شخص اعليحضرت همایونی است .

(۳۴۸) پیاده نظام

شماره اول سال اول مجله پیاده نظام ؛ در طهران ، بقطع خشتی ، با چاپ سربی و كاغذی خوب و طبعی مرغوب در دیماه ۱۳۱۵ شمسی منتشر شده است . انتشار مجله از طرف (اداره تعلیمات پیاده) بوده و در عنوان مجله (مركز انتشار ادا ره تعلیمات

حرف پ بعده الیاء

پیاده نظام؛ پیام

پیاده) بوده و در عنوان مجله (مرکز انتشار اداره تعلیمات پیاده) قید گردیده است. سال اول مجله در ۹۵۶ صفحه نشر یافته و قسمت اول شماره اول اشعار است از شاهنامه فردوسی را جمع برزم رستم با اشکبوس و باین شعر شروع میگردد: «پیاده ندیدی که جنگ آورد به سررکشان زیرسنگ آورد». برای اطلاع از مندرجات و نویسندگان مجله بهتر است فهرست شماره اول را نقل نمایم: رزم پیاده رستم با اشکبوس (شاهنامه) هدفای جاندار در تعلیمات با نیر حقیقی (سرهنگ مقتدر) عملیات پیاده نظام در آبادیها (سرهنگ رزم آراء) جنگ با کتروویولژی یا میکروبی (سروان دکتر علی شمس) سیر تکاملی اسلحه پیاده نظام (ستوان یکم دفتری) تعلیمات تاکتیکی و فنی واحدهای پیاده (درس نظری) اطلاعات (سرگرد شرف الدین قهرمانی) قدرت آتش پیاده نظام بسته ترتیب کادرهای زیر دست است (غ. ح) پاره اطلاعات راجع بارتشهای اروپایی (ترجمه از مجلات خارجی)

روی هم رفته مندرجات مجله پیاده نظام کاملاً فنی و مربوط بامور نظامی است. مجله پیاده نظام مشتمل بر نقشه ها و تصاویر متعدد راجع بعملیات نظامی و مانورهایست که لشکرها در حضور اعلیحضرت پادشاه فقید انجام داده اند. سال اول مجله دارای فهرستی است که ضمیمه آن میباشد. قیمت اشتراك در ایران برای نظامیان ۴۰ ریال و برای غیر نظامیان ۵۰ ریال و در خارج با اضافه تمبر است. تك شماره چهار ریال.

(۳۴۹) پیام

روزنامه پیام در شهر رشت بمدیری و صاحب امتیازی آقای (ابراهیم فخرائی) در سال ۱۳۰۱ شمسی تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است. طلبیه روزنامه پیام روی يك ورق با چاپ سربی، در مطبعه عروۃ الوقتی رشت طبع و در تاریخ ۱۹ برج حمل ۱۳۰۱ منتشر شده است. در این طلبیه روزنامه پیام را (نامه ادبی؛ اجتماعی و سیاسی که ده روز بعد از توزیع این طلبیه در رشت انتشار می یابد) معرفی نموده و در باره هدف و مسلك روزنامه چنین مینویسد: «اهمیت وقت؛ اقتضای زمان و مکان موقعیت کنونی جامعه؛ فقر و فلاکت عمومی و هزاران علل و اسباب دیگر ایجاب میکنند که از نقطه نظر حفظ شؤن اجتماعی و بیداری توده زحمت کشان بی سروسامان و دفاع از حقوق مشروعه یکمشت بینوایانی که با زور بازو و عرق پیشانی آنان تعیش و کامرانی محدودی مفتخواران و غارتگران را فراهم ساخته است با حربه قلم در معرکه کارزار گینی وارد گردیم. . . . سکوت و خاموشی دلیل محکومیت بقنا و نشانه بی لیاقتی و عدم قابلیت خواهد بود. در اینصورت ما نیز بنوبه خود در این میدان سر بر خروش و غوغا قدم میگذاریم و هیچ بیم و هراسی نخواهیم داشت از اینکه با مال خود موفقی و با مغلوب واقع گردیم زیرا در هر حال با یقانی وظیفه مقدس خود عمل و اقدام خواهیم نمود، عجالتاً پیام هفته یکبار در چهار صفحه انتشار می یابد ولی سعی دارد در صورت توجه علاقه مندان و بروز مساعدت و همراهی آنان هفته دو شماره و شاید بیشتر انتشار

حرف پ بعده الیاء

پیامبر باختر؛ پیام جدید؛ پشاهنگی ایران

دهد . پیام ماح این و آن نیست . . . یگانه انکاء و استظهارش بعد از داور توانا بافکار توده حقیقی ملت یعنی قسمت زحمت کش جامعه است که هم اکنون برای خدمت آنان می‌رود با هر قسم مخاطراتی مقابله نماید . شماره های مسلسل پیام بشما ثابت خواهد نمود که در تمام مدعیات خود راه صداقت و صواب را پیموده و ذره در وظایف خود قصور نخواهد ورزید . »

آقای ابراهیم فخرائی علاوه بر تأسیس روزنامه پیام مجله فروغ را نیز در رشت منتشر نموده‌اند و ما در حرف ف کتاب از آن منصلاکت‌گو خواهیم کرد . آقای فخرائی از آزادیخواهان گیلان و از قضات دانشمند بشمار می‌روند . هنگامیکه نگارنده در سال ۱۳۱۹ شمسی در ملایر مشغول خدمت بفرهنگ بودم ، محضر ایشان دست داد و آقای فخرائی در آن تاریخ رئیس دادگستری ملایر بودند . حسن خلق و نیک حضری ایشان همه را مجذوب اخلاق و رفتارشان کرده بود . از آن پس دیگر نگارنده را اتفاق ملاقات با ایشان دست نداده است .

(۳۵۰) پیامبر باختر

روزنامه پیامبر باختر هر نوزده روز یکبار در شهر واشنگتن از بلاد امریکا از طرف بهائیهای مقیم آنکشور بمنظور تبلیغ مذهب بهاء منتشر شده است . این روزنامه ابتدا بنام (نجم باختر) بوده و بعدا باسم پیامبر باختر تغییر پیدا کرده است . برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی (ص ۵۹) مینویسد من از روزنامه نجم باختر نمونه‌هایی در دست دارم و شماره اول آن در ماه مارچ ۱۹۱۱ میلادی ؛ بدو زبان فارسی و انگلیسی انتشار یافته است .

(۳۵۱) پیام جدید

در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران مجله بنام پیام جدید بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده ولی نگارنده تاکنون نمونه از آن را ندیده ام .

(۳۵۲) پیش آهنگی ایران

مجله پیش آهنگی ایران بصاحب امتیازی (احمد - امین) در طهران تأسیس و شماره دوم سال اول آن در آذرماه ۱۳۰۶ شمسی در چاپخانه خاور طبع و منتشر شده است محل اداره خیابان پستخانه . قیمت تک شماره يك قران . وجه اشتراك سالیانه دوازده قران ؛ ششماه شش قران . روی جلد مجله این جمله بعنوان شعار درج است : « ادبوا اولادکم بغیر آدابکم لانهم خلقوا الزمان غیر زمانکم » و نیز روی جلد مجله اینطور معرفی شده : « مجله ایست تربیتی که در تکمیل روحیات محصلین و تقویت حیات پیش آهنگی ایران میکوشد » مجله مذکور بقطع پستی و هر شماره آن ۲۰ صفحه است از شماره ۴ و ۵ که یکجا منتشر شده (محمد صادق حسینی) نیز بهمدیری مجله معرفی شده و شعار پیشاهنگی که روی آن آمده باش نوشته در گوشه چپ پشت جلد چاپ

حرف پ بعده الیاء

پیشاهنگی و تربیت بدنی

گردیده است. مندرجات مجله بیشتر امور مربوط به پیشاهنگی و مقررات آنست برای مزید اطلاع فهرست مندرجات شماره های ۴ و ۵ را نقل می‌نمائیم: «اسلام و پیشاهنگی • تربیت وطن پرستی • سرود درفش مقدس و عزم • ای پیش آهنگ • پیش آهنگی و حیات خانوادگی • قسمت جوانی • فلسفه بازی • فداکاری پیشاهنگان امریکا، پیشرفت ادیسون امریکائی • از کتاب راه نو • کارهای پیشاهنگی • چگونه پیش آهنگی اطفال را عملی بار می آورد • تیم • برج و هرم • فواید خنده و منافع سرور • چرا پیشاهنگ شدم • پرستاری • اخبار پیشاهنگی • باسکت بال • شریفترین حکایات تاریخ • مسابقه •

از مجله پیش آهنگی ایران نگارنده فعلاً تا شماره ۶ سال اول مورخ فروردین ۱۳۰۷ را در دست دارم •

(۳۵۳) پیش آهنگی و تربیت بدنی

مجله پیش آهنگی و تربیت بدنی که از انتشارات (اداره پیشاهنگی و تربیت بدنی) است در سال ۱۳۱۹ شمسی به مدیریت مسؤولی آقای (ابوالقاسم شکرایی) در طهران تاسیس و شماره اول آن در چهارم ابانماه سال مذکور منتشر شده است • این مجله در ۷۲ صفحه بقطع خشتی با طبعی زیبا و کاغذی مرغوب در مطبعه سربی (چاپخانه فردوسی) طبع شده و مندرجات آن چنانچه از اسم مجله نیز معلوم میگردد شامل دو قسمت پیشاهنگی و تربیت بدنی است • برای مزید اطلاع خوانندگان از مندرجات و علت پیدایش مجله قسمتی را که تحت عنوان (آغاز) در صفحه اول شماره اول چاپ شده عیناً نقل می‌نمائیم: « آغاز - از میان ترقیات به شمار و رز افزونی که بر اثر توجهات خسروانه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی نصیب کشور و ملت ایران شده است سازمان پیشاهنگی و تربیت بدنی ایران میباشد که بدفتر افتخارات کشور اضافه و تحت هدایت و راهنمایی حکیمانه والا حضرت همایونی بهترین مشوق و مایه شور و میل جوانان پیشاهنگ و ورزشکار شده و تأثیری بسزا در اعماق قلوب آنان بخشیده است •••• این عقیده مورد قبول همگان است که پیشاهنگی و تربیت بدنی جوانان را دلیر و امیدوار و با استقامت بار آورده و حس اعتماد بنفس؛ فداکاری اراده قوی و فضایل اخلاقی مولود همین پرورش حالی میباشد بنابراین در راه تعمیم این امر مهم باید بوسایل گوناگون کوشیده و چون برای معرفی جشنهای عظیم ورزشی و پیشاهنگی ایران که یکی از مظاهر درخشان دوره پر افتخار کنونی میباشد لزوم نشر مجله آبرومندی که مناسب شوّن فرهنگی کشور باشد احساس میشد از این جهت وزارت فرهنگ به نشر این مجله همت و اداره پیشاهنگی و تربیت بدنی را مامور اجرای این منظور عالی نمود • اکنون شماره اول آن در روز فرخنده چهارم ابان ماه ۱۳۱۹ منتشر و آرزو مند است که بیرکت و میمنت این روز سعید بتواند در راه پیشرفت امور پیشاهنگی و تربیت بدنی مجله ایست مصور که هر سه ماه یکبار نشر میشود؛ نیمی از آن مخصوص پیشاهنگی و نیم دیگر آن مربوط بامور تربیت بدنی

حرف پ بعده الیاء

پیشاهنگی و تربیت بدنی

میباشد و در اولین فرصت مناسب نیز امیدوار است که بتواند مجله را با مزایای بهتر و بیشتری در هر ماه بگبار انتشار داده و آن را در دسترس استفاده همگانی قرار دهد. ا. شکرانی .»

مقدمه مذکور بخوبی نوع مندرجات و مطالب و طرز انتشار مجله را میرساند منتهی انتشار مجله پیش آهنگی و تربیت بدنی چندان دوامی پیدا نکرده و پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ که بکلی تشکیلات اداره پیش آهنگی منحل گشت قهراً انتشار مجله نیز موقوف گردید و بنا براین، نشر مجله پیش از یکسال و نیم تقریباً طویل نکشیده است. فهرست مندرجات شماره اول و اسامی نویسندگان آنها بدین قرار است: آغاز مختصری از علت تاسیس پیشاهنگی (ا. شکرانی). مقررات کنونی پیشاهنگی پسران و دختران ایران. اردوهای تابستانی در مرکز. گزارش کلاس بایوران پیشاهنگی دختران شهرستانها بیدار باش (قائمقامی). آذرگاه پیشاهنگان (هورفش تابان). دواخانه کوچک برای رندهای پیشاهنگی (غ. شایگان). تربیت بدنی در سالهای مختلف (ا. شکرانی). سازمان تربیت بدنی کشور. مسابقه های قهرمانی کشور. ورزش و اهمیت آن. پرورش جسم در ایران باستان. پرش ارتفاع. کشتی. چکامه. تمام قسمت های مجله دارای تصاویر گوناگون راجع به پیشاهنگان و مسابقه های قهرمانیست و نیز تصویر قهرمانان ایران بصورت نقشه ایران بقلم حسین بنائی در دو صفحه ضمیمه مجله است.

شعار مجله این فرد شعر (زنیرو بود مرد را راستی) و روی جلد آن تصاویر رنگی چادر پیشاهنگان که روی آن جمله (آماده باش) چاپ شده است میباشد. آبونمان مجله یکساله در پایتخت دوازده ریال و در شهرستانها با اضافه قیمت پست و تلک شماره ۵۰ ریال است.

آقای ابوالقاسم شکرانی

تا هنگامیکه تشکیلات پیشاهنگی در ایران منظم و برقرار بود اداره کلی در وزارت فرهنگ بنام (اداره پیشاهنگی و تربیت بدنی) وجود داشت. پس از بهم خوردن تشکیلات پیشاهنگی، آن قسمت مربوط به پیشاهنگی نیز از اداره کل حذف شد و فقط قسمت تربیت بدنی آن باقیمانده. مجله که ما از آن گفتگو میکنیم از نشریات این اداره است. و اما آقای شکرانی مدیرمسئول مجله؛ از کارمندان عالیرتبه وزارت فرهنگ و از لیسانسیه های قدیمی دانشسرای عالی است. زمانی رئیس اداره پیشاهنگی و تربیت بدنی و چندی هم رئیس آموزش شهرستانها بوده و بعد هم مدتی رئیس فرهنگ اصفهان و گیلان و اخیراً هم مجدداً بر ریاست فرهنگ اصفهان منصوب شده اند. آقای شکرانی جوانی دانشمند و فاضل و نیک نفس و بامور اداری کاملاً بصیر و بینا، در امور اداری پیوسته سعی دارد وسایل رفاه زیر دستانت خود را فراهم سازد از صفات برجسته مشارالیه عزت نفس و بسط ید است که همیشه مایل است دوستان و آشنایانش از خوان احسان او بهره مند گردند. چند کتاب و رساله از ایشان بدین قرار طبع و منتشر شده است: کلیات جغرافیائی در ۵۵۰ صفحه با ۱۰۰ نقشه و گراور. تاریخچه مختصری از آثار باستانی ایران که بخرج وزارت فرهنگ بطابع رسیده است.

(۳۵۴) پیک

در حمل ۱۳۰۳ شمسی آقای میرزا محمد علیخان شریفی روزنامه پیک را در شهر رشت تأسیس و هفته دو بار منتشر نموده . نامبرده در خرداد ۱۳۰۴ شمسی نیز موفق بدریافت امتیاز مجله پیک از شورایعالی فرهنگ گردیده است .

(۳۵۵) پیکار

روزنامه پیکار در تهران بمدیری (میرزا حیدرعلی کمالی) شاعر معروف تأسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . این روزنامه ارگان حزب (اجتماعیون اعتدالیون) بوده که در سال مذکور جدیداً تأسیس شده و چون حزب مذکور یک حزب انقلابی بود ، لذا روزنامه پیکار پس از نشر چند شماره بدست ناصرالملک ، نایب السلطنه توقیف و در حزب نیز بسته شد

میرزا حیدرعلی کمالی

میرزا حیدرعلی کمالی از شعرای معروف ایران و در نظم فارسی سرآمد اقران است . ولادتش در سال ۱۲۸۸ هجری قمری در ابرقوی اصفهان بوده است . مجله پارس منطقیه اسلامبول در شرح احوال او در باره دوران طفولیت کمالی اینطور مینویسد : « در خوردی باتفاق پدر به نصف جهان (منظور اصفهان است) آمده و در شهر خلاق - الهامی کمال الدین اسماعیل سکونت گزیده با اینکه قبیله او عالمان دین بوده اند چون پدرش از روش ابا جز و بال حاصلی ندیده و از آن طرز حیات رنجیده بسر خود را نیز بمکتب نفرستاده و بی خط و سواد به پیشه وری گذارده چنانچه کمالی ما تا سن ۲۲ سالگی خواندن و نوشتن نمیدانسته گاهی بمسکری میرفته و زمانی بیراق بافی مشغول بوده » شماره سوم سال اول مجله پارس .

باری کمالی پس از آنکه خواندن و نوشتن و معلومات مقدماتی را در اصفهان فرا گرفت و همسپار طهران شد و در آنجا بکار بلورفروشی مشغول گشت تا مقدمات مشروطه ایران فراهم گردید . وی نیز بهمکاری میرزا سید ابراهیم خان کرمانی ، سید محمد رضا مساوات و شیخ احمد قزوینی و دیگران بکمک آزادیخواهان برخاست و با سرودن اشعار مهیج و تند علیه مستبدین نام خود را برای همیشه در زمره آزادیخواهان ثبت رسانید همکاری او با آزادیخواهان سبب گردید که جزو مفضوبین دربار قلمداد شود و از اینرو در زمان احمد شاه نتوانست با تأسیس حزب (سوسیالیست انقلابی) و روزنامه پیکار کاری از پیش ببرد و بشرحیکه سابقاً نوشتیم پس از نشر چند شماره روزنامه؛ پیکار و حزب او برای همیشه توقیف و منحل گشت .

از آن پس کمالی دیگر وارد صحنه سیاست نشد تا در ریاست وزرائی آقای مخبر - السلطنه هدایت بنا بمعرفی ایشان با علیحضرت فقید ، نامبرده در دوره ۸ و ۹ مجلس شورایملی از نیشابور انتخاب گردید و تا پایان این دوره بوکالت مشغول بود . در پایان

حرف پ بعده الیاء

پیکار

۱۳۱۵ شمسی گرفتار سکنه ناقص گشت و از آن تاریخ یا اینکه بهبودی یافته خانه نشین شده است . ادیب الممالک فراهانی این قطعه را درباره وی سروده است :

ا بو الکمال کمالی خدا ایگان سخن به پیکر قلمت جای کرده جان سخن
اگر نه کلک تو طرح سخن در افکندی بر اوفتادی از این مملکت نشان سخن
تومی که طبع تو همواره ارمغان آرد طبق طبق گل سوری به بوستان سخن
کمالی علاوه بر قسطنطنیه در اشعارش که در اسلامبول بطبع رسیده دو داستان شیرین
موسوم به (لازیکا) و (مظالم ترکان خاتون) نیز بنشر از خود بیادگار گذاشته و طبع
گردیده . این دو کتاب در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۹ منتشر شده است .

(۴۵۶) پیکار

پس از توقیف شماره ۳۲ سال دوم روزنامه طوفان بشرحیکه در محل خود از آن گفتگو خواهیم کرد ، شماره اول سال اول روزنامه پیکار بهمدیری و صاحب امتیازی آقای موسوی زاده ؛ با همان قطع و سبک روزنامه طوفان منتشر گردید . پس از بیان این مقدمه بذکر خصوصیات روزنامه پیکار که منحصراً همین يك شماره از آن نشر شده و این شماره نیز توقیف شده میپردازیم . قبلاً این را هم یاد آور شویم که مدیر طوفان ؛ مرحوم فرخی ، در زیر عنوان روزنامه پیکار ؛ خطاب بقوام السلطنه در ضمن دو سطر اینطور مینویسد : « قوام السلطنه خائن بداند کاخ اشرافی او که از خون ملت و دسترنج بیچارگان بنا شده سرنگون خواهد شد ولی مؤسسه ملی طوفان که متعلق به قوم آزادخواهان است از بین نخواهد رفت . ما پس از توقیف طوفان میتوانیم پیکار را بجای آن منتشر سازیم اما بغیر از این يك شماره تا تکلیف آزادی را با این عفریت حریت کش معلوم نکرده و خسارت توقیف طوفان در پستخانه جبران این توقیف را دریافت ننمائیم بروزنامه نویسی مبادرت نمی نمائیم . »

پیکار در چهار صفحه بقطع بزرگ (همان قطع طوفان) با چاپ سربی (مطبعه روشنائی) طبع و در تاریخ جمعه ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱ مطابق ۲ قوس ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . جای اداره : طهران . خیابان لاله زار آدرس تلگرافی : پیکار . قیمت اشتراك : داخله . سالیانه ۸۰ قران . شش ماهه ۴۵ قران . در ولایات با اضافه اجرت پست . خارجه . سالیانه ۱۰۰ قران . شش ماهه ۵۰ قران . تك نمره ۸ شاهی .

سرمقاله شدید اللحن پیکار تحت عنوان (حراج در وزارتخانه ها) نوشته شده و با شدت و سختی بدولت حمله کرده و همین سرمقاله باعث توقیف پیکار گردیده و برای همیشه دیگر این روزنامه منتشر نشده است . مقاله مذکور تقریباً سه ستون روزنامه را فرا گرفته و تمام آن حمله و انتقاد از قوام السلطنه است . سرمقاله مذکور بدینقسم شروع و ختم میگردد : « اختلال و هرج و مرج ادارات در هیچ موقعی در این سنوات اخیر باین پایه نرسیده و دزدی و اختلاس در وجوه مالیه در هیچ زمانی باین درجه شیوع نیافته بود قوام السلطنه نیز میتواند مانند برادر خود وثوق الدوله معرمانه

حرف پ بعده الیاء

پیکار

تعهد نامه های مخفی با دولت بریتانیا مبادله نموده و جنوب ایران را مانند امروزه یکباره بآنها بسپارد . قوام السلطنه نیز میتواند بتحریر بآبان خود تمام ادارات مرکزی و ایالات شمالی مملکت را فلج سازد ولی اگر تصور نماید که اورئیس الوزرای مملکت ونماینده افکار عمومی است اشتباه کرده است . اراده ملت باندازه قوی است که در مقابل تمام این تشبثات مقاومت ورزیده و بزودی برده از روی تمام این سیاهکاریهای چند روزه او بینکسو خواهد کشید . آنوقت است که هیئت متحده مجلس اهمیت شرکت خود را با خیانت قوام السلطنه ملغی شده و خواهند دید که برای فروختن مملکت ایران تا چه اندازه جسارت نموده اند .

همانقسم که در روزنامه طوفان معمول بوده ؛ در پیکار نیز در صفحه اول یک رباعی و در انتهای صفحه چهار غزلی چاپ شده است رباعی این است : « آنانکه ز بس خزانه تاراج کنند * مارا بعدو ز فقر محتاج کنند . دیگر ز چه شغل دولتی را دایم * باچوب هوای نفس حراج کنند . » مطلع غزل این است :

« تا کی فریب دشمن مکار میخوریم * با دست دوست سیلی اغیار میخوریم »

غزل از (علی - آزاد) است .

مندرجات پیکار ؛ بدون تفاوت ؛ مانند طوفان و عبارت است از سرمقاله ، اخبار داخله بتفصیل و اخبار خارجه و ترجمه مطبوعات خارجی . چنانچه قبلا یاد آور شدیم ؛ پس از انتشار شماره اول پیکار ؛ به ملت سرمقاله آن این روزنامه توفیق و بجای آن برای مشترکین روزنامه طوفان ، روزنامه قیام منتشر شده . مدیریت روزنامه قیام نیز با آقای موسوی زاده بوده است .

موسوی زاده

آقای موسوی زاده مدیر روزنامه پیکار و قیام از مردم یزد و از آزادیخواهان معروف و دوست صمیمی مرحوم فرخی بوده است . نامبرده به ملت همکاری با فرخی و مبارزه با استبداد ؛ بگمرتبه از طرف احمد شاه دعوت مجاکمه شد و در نتیجه این محاکمه موسوی زاده باتفاق مرحوم ضیاء الواعظین ؛ مدیر روزنامه ایران آزاد (رجوع شود بجلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران کلمه ایران آزاد) از طهران تبعید و موسوی زاده بیزد و ضیاء الواعظین بکرمان روانه گردیدند . فرخی مدیر طوفان در شماره ۳۶ سال دوم روزنامه مورخ ۱۵ دلو ۱۳۰۱ شمسی تحت عنوان (پادشاه و موسوی زاده) راجع باین محاکمه مینویسد : « امروز اولین روزیست که پس از هفده سال مشروطیت به ملت تساوی حقوق افراد پیش میرویم آغاز سعادت و خوشبختی ایران امروز است زیرا اصل هشتم قانون اساسی در محکمه قضاوت عملی میگردد . . . امروز دوساعت ونیم قبل از ظهر در یکی از محاکم استیناف پادشاه ایران و موسوی زاده مدیر پیکار و قیام محاکمه خواهند شد . اگر شماره سوم قیام و سطورری که در صفحه دوم آنروزنامه در ذیل کلیشه ایران آزاد پیداشاه ایران بدبختی های ملت را تذکر داده بود از نظرها گذشته باشد خواهید دانست که محاکمه برای چیست . . . ما رفقای آزادیخواه

حرف پ بعده الیاء

پیکار

خود ضیاء الواعظین و موسوی زاده را باین محاکمه روانه نموده و افتخار عدالت را بدرقه ایشان مینمائیم . اگر این محاکمه بضرر ما هم تباه شده و رفقای ما محکوم شوند باز ما خرسندیم که راه قضاوت و رسیدگی بهمت آزادی مفتوح گردید بدیهی است در این محاکمه قانون علنی بودن آنرا ابجاب مینماید و جوه آزادی خواهان حضور داشته و هیئت منصفین و حاکمه نیز بنام خداوند و انتقام سهمگین ملت بمسئولیت وجدانی و قضاوت عادلانه متوجه شده رای محکمه را بر پایه بیطرفی و عزت نفس خواهند نهاد . <

فرخی در شماره ۳۸ سال دوم طوفان تحت عنوان (در راه آزادی) نتیجه محاکمه را اینطور مینویسد : < بعد از ظهر رفقای محترم ما ضیاء الواعظین مدیر جریده ایران آزاد و موسوی زاده مدیر سابق طوفان ، صاحب امتیاز پیکار مدیر مسئول قیام بسمت اصفهان و یزد حرکت کردند . > بما میگویند : مصالح مملکت و مقتضیات کنونی حرکت آنها را ابجاب نموده است . > برای ملت ایران که جوان های نیرومندی در راه مصالح مملکت تهیه دیده است و برای ما که آماده شده ایم خود و هزاران نفر امثال ضیاء - الواعظین و موسوی زاده را قربانگاه آزادی تقدیم نمائیم این هدایا و تعف باستان حریت قیمتی ندارد ولی آیا این قربانیها برای مصالح مملکت میباشد یا نه بر ما پوشیده است . > در شماره ۳۹ سال دوم طوفان متن تلفون موسوی زاده که بعنوان تودیع مغایره نموده بدین قسم چاپ شده است : < نمره ۴۹۱ مورخه ۲۳ دلو - توسط طوفان شفق سرخ . کوشش . اتحادیه جراید مقدسه ملی . > نظر بمسافرت اجباری که تسربع آن از طرف رئیس محترم دولت امر و تاکید شده بود از زیارت و تودیع دوستان محروم و بدین وسیله ادعیه خالصانه تقدیم و موقوفیت عموم را در انجام وظایف ملیه از خداوند متعال درخواست مینمائیم . > ضیاء الواعظین - موسوی زاده <

پس از این تبعید دیگر اسمی از موسوی زاده در جراید دیده نمیشود تا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و تاسیس حزب دموکرات ایران برهبری قوام السلطنه که مجدداً موسوی زاده وارد صحنه مبارزه های سیاسی شده و با انتخاب نامبرده بسمت معاونت رهبر کل در حزب و وزارت دادگستری در کابینه قوام السلطنه ، مجدداً نام موسوی زاده بر زبانها افتاد و بخصوص جراید دست چپ از هیچگونه حمله و انتقادی نسبت باین مرد شریف خودداری نکردند . > موسوی زاده پس از برکناری از وزارت دادگستری مدتی هم باستانداری طهران برقرار گردید . با برکنار شدن قوام السلطنه از میدان سیاست و ضعف تشکیلات حزب دموکرات ایران قهرأ موسوی زاده هم از مداخله در امور محروم و اکنون از هرگونه فعالیتی برکنار است .

(۳۵۷) پیکار

در سال ۱۳۰۹ شمسی يك - مجله سری بنام (پیکار) در شهر لیپزیک آلمان ، بزبان فارسی ؛ تاسیس و منتشر شده است . نگارنده تاکنون نمونه از این مجله ویا

حرف پ بعده الیاء

پیکار

روزنامه بدست نیاورده ام و اطلاعاتم راجع بآن عبارتست از مطالبی که ذیلا بنقل از خوانندگانش از روزنامه دماوند ، نقل مینمائیم . و آن این است :

« در سال ۱۳۰۹ يك مجله سری بزبان فارسی بنام (پیکار) در شهر لیبزیک آلمان چاپ و منتشر میشد و بطور مخفی بایران میرسید . مدیران در مقابل مقامات آلمانی یکنفر اطریشی بنام (وبر) و اداره کننده واقعی اش (مرتضی علوی) بود . در آنوقت هنوز حزب ناسیونال سوسیالیست در آلمان تشکیل نشده یا قوامی نگرفته بود که ونیست ها بسیار قوی و دارای قریب هشتاد نماینده در مجلس رایشستاخ آلمان بودند ولی اکثریت دردست حزب سوسیال دموکرات و دکتر برونیك لیدران حزب نخست وزیر یا رئیس حکومت آلمان بود . تمام قرائن و امارات نشان میداد که نویسندگان روزنامه یا مجله (پیکار) نه تنها از آزادی رژیم داخلی آلمان استفاده کامل میکردند بلکه از برخی راهنماییها و کمکهای فکری بعضی از مامورین وزارت خارجه آلمان هم شاید برخوردار میگرددند . اماره و بنیه که این نظریه را تایید میکرد پاره از مندرجات روزنامه مزبور بود چه مدارك و اسنادی در روزنامه پیکار منتشر میشد که تهیه آنها در نظر ارباب بصیرت برای مرتضی علوی یا چند نفر محصل ایرانی مقیم آلمان دشواری نمود و قهری بود که دسترس یافتن بدانگونه اسناد و مدارك فقط از عهده يك دولت با سازمانهای منظم ساخته است .

بعدها بطوریکه گفته میشد مرحوم فرخی نیز باتفاق سالار منظم سنجایی برادر مرحوم سردار اقتدار سنجایی عموی دکتر سنجایی فملی از ایران فرار کرده و در آغاز روزنامه باسم آتش درخارج ایران چاپ میکرد بپرلین رفته و بدسته نویسندگان روزنامه پیکار ملحق شد . گروهی هم احتمال میدادند روزنامه پیکار و فرخی با تشکیلات خبرگیری سری که در پستخانه و تلگرافخانه و مالیه کشف و بکمیته (ایرانیان) معروف شد بی ارتباط نبوده و برخی از مدارك و اسناد روزنامه پیکار بوسیله این تشکیلات ؛ تشکیلات ایرانیان ؛ تهیه میگرددیده است . بهرحال انتشار روزنامه پیکار در آلمان سروصدای زیادی در ایران تولید کرد ، درچنان شرایط حکومت دیکتاتوری ایران بهیچ وجه نمیتوانست تحمل کند که روزنامه انتقادی شدید و حتی انقلابی بزبان فارسی در آلمان چاپ بشود و با وجود نهایت درجه دقت پلیس بمقادیر زیادی بایران وارد و بخش گردد و مردم آن را با حسن قبول بخوانند و بروز ندهند . آنطور که اهل اطلاع در همان موقع میگفتند حکومت وقت خبر انتشار روزنامه پیکار را از مامورین سیاسی خود در خارجه دریافت کرده و با ادارات انتظامی و پلیس دستور اکید داده بود که با نهایت مراقبت از ورود آن روزنامه بایران جلوگیری نموده و دردست هرکسی بینند ضبط و خواننده را توقیف نماید . با وجود این از آن روزنامه بمقدار زیادی بایران میرسید و حتی يك نسخه هم بدست پلیس نمی افتاد . عاقبت گویا پنج شماره از روزنامه پیکار که پس از وصول بایران در لای بسته های روزنامه اطلاعات از تهران بعنوان روزنامه استقامت کرمان فرستاده بودند بر حسب تصادف بدست پلیس افتاده بود و از

حرف پ بعده الیاء

پیکار ، پیکان

قرار معلوم همین پنج نسخه بوده که مدرک اقدامات حکومت وقت ایران قرار گرفته بود. باری پس از کشف آن پنج نسخه ظاهراً با اشاره مقامات بالاتر آقای فهیم‌الملک نماینده مجلس موضوع را در یکی از جلسات پارلمان عنوان و بوزارت خارجه حمله کرد که چرا جلو اینگونه انتشارات را نمیگیرد؛ متعاقب آن مرحوم محمد علیخان فرزند وزیر مختار ایران در برلن بدستور دولت ایران وکیل گرفته بر علیه مدیر مسؤول روز نامه پیکار در محاکم آلمان اقامه دعوی کرد و حالا بجهت بود عاقبت هم دیوان عالی لایپزیک که طرز حسن قضاوت آن معروف عالم بود مدیر روزنامه مزبور را تبرئه و سفیر ایران را بتأدیه چهل هزار مارك خسارات دعوی محکوم نمود ۲۰ شماره ۵۱ سال هشتم خواندیهها مورخ شنبه هشتم اسفند ماه ۱۳۲۶ شمسی .

تا اینجا آنچه نقل کردیم مربوط بروزنامه پیکار بود پس از آن در مقاله مذکور از روزنامه پیکار معاهده بنام (معاهده اهواز) نقل نموده و مدعیست که این معاهده را اعلیحضرت فقید با شیخ خزعل منعقد نموده است . برای اطلاع از آن خوانندگان بروزنامه دماوند یا مجله خواندیهها مراجعه فرمایند .

آقای حسین مکی در مقدمه که بر دیوان فرخی نوشته نیز اسمی از روزنامه پیکار به میان آورده و در شرح احوال فرخی ، مدیر روزنامه طوفان ، چنین مینویسد : « پس از ورود بیرلن باز هم از تعقیب افکار آزادبغراخانه خود دست برنداشت و بلا فاصله مقالاتی چند در مجله پیکار (۱) بر علیه حکومت استبداد و زور آنروز ایران منتشر کرد چیزی نگذشت که سفیر ایران مقیم برلن جلسه محاکمه بوکالت از طرف شاه سابق بر علیه مدیر نامه پیکار و نویسندگان آن تشکیل داد سفیر نامبرد مدعی بود که مقالات این مجله منافای باشون کشور شاهنشاهی ایران و شاه است . محکمه متعاقب این دعوی حکمی بر علیه شاه سابق و بر له مدیر مجله و نویسندگان آن صادر نمود »

(۳۵۸) پیکان

روزنامه پیکان در طهران بمدیری و صاحب امتیازی آقای (محمد وثوق همایون) تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (روشنائی) طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۱ اسفندار ۸۴۴ مطابق حوت ۱۳۰۱ شمسی و ۲۵ فوریه ۱۹۲۳ میلادی منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه هفته دو بار ؛ روزهای یکشنبه و پنجشنبه بوده و محل اداره : خیابان لاله زار . کوچه وثوق نظام است . وجه اشتراك سالیانه ۲ تومان ؛ تك شماره ۶ شاهی است . در عنوان روزنامه ، بالای اسم روزنامه (پیکان) این شعر حافظ (عالمی از نو بیاید ساخت از نو آدمی) درج است . مقاله افتتاحی روز نامه با این عبارات شروع میگردد : « بیمار - عاشق ، اسیر ، سه فاعل نحوی محض

(۱) مجله پیکار که صاحب امتیاز آن اصولاً یگنفر غیر ایرانی بود مجله اشرا بزبان فارسی در برلن منتشر میکرد بطوریکه اطلاع حاصل شده بیش از چند شماره آن منتشر نشده است .

حرف پ بعده الیاء

پیکان، پیک سعادت نسوان

تب در کدام ساعت بفلان درجه برسد؟ عشق کدام روز با رسوایی هم آغوش گردد؟ درجه مقدار از زمان مسافت این بیابان خطرناک طی میشود؟ ۰۰۰۰۰۰۰ در همین شماره اول؛ در صفحه اول آن مقاله دیگری بعنوان (آزادی - برابری، برادری) چاپ شده و بعد تحت عنوان (دورنمای ولایات) اخبار ولایات بطبع رسیده و در صفحه سوم مقاله (انگلستان و نهضت انقلابی در مشرق) و در صفحه چهارم اخبار خارجی درج است. پیکان مدتی مرتباً انتشار یافته و از شماره ۱۲ سال اول نیز برای اینکه مردم بتوانند مطالب خود را راجع با انتخابات مجلس شورای ملی بیان کنند، روزنامه هفته سه شماره نشر شده. از شماره ۶ سال اول در تمام شماره ها قسمتی از کتاب (ابطال الباطل یا رد قرار داد و توق الدوله؛ رئیس الوزراء با انگلیس و بیانیه ایشان که در تاریخ سیزدهم ذی قعدة ۱۳۳۷ قمری منتشر گردیده) چاپ شده است. پیکان یکی از روزنامه های خوب و مفید بوده و از لحاظ مرام و مسلک طرفدار اکثریت مجلس و مخالف اقلیت و از دشمنان سرسخت سید ضیاءالدین است. از این روزنامه فعلاً نگارنده تا شماره ۷۹ سال اول مورخ سه شنبه ۱۹ قوس ۱۳۰۲ شمسی را در دست دارد.

(۳۵۹) پیک سعادت نسوان

در بیست و سوم فروردین ۱۳۰۶ شمسی امتیاز مجله پیک سعادت نسوان بنام روشنگر خانم نوع دوست مدیره مدرسه سعادت رشت از تصویب شورا بهای معارف گذشته و شماره ۴ و ۵ سال اول آن بصاحب امتیازی خانم مذکور در شهر رشت؛ در اردیبهشت و تیرماه ۱۳۰۷ شمسی مطابق مه - ژوئیه ۱۹۲۸ میلادی منتشر شده است. طرز انتشار مجله هر دو ماه یکمرتبه بوده و دو شماره مذکور با چاپ سری در مطبعه (شرکت چاپخانه جاوید) طبع گردیده و با قطع کوچک از صفحه ۹۷ شروع و به صفحه ۱۶۰ خاتمه پیدا میکند. محل اداره: رشت سبزه میدان. مدرسه سعادت نسوان. بهای مجله: رشت. یکساله ۱۲ قران. ششماهه ۸ قران، بلاد ایران ۱۵ قران، ۱۰ قران، خارجه ۲۰ قران، ۱۵ قران. مجله پیک سعادت نسوان، مجله ایستادگی؛ تربیتی و قسمتی از مندرجات آن راجع بنسوان است. برای زید اطلاع فهرست مندرجات و اسامی نویسندگان آنرا از شماره ۴ و ۵ نقل مینمائیم: بکجا باید توجه کرد. بچه را بازی لازم است. (ح. م) خور و شید و درجه اهمیتش نسبت بهیات ما (ح. م) عاقبت صیغه روی ادبیات (م. عیدوش) خلاصه مصاحبه با علیاحضرت ملکه تربیا. نصایح طبی. روزنامه دیواری برای معصلات ایران (ر. ف) اوضاع زنان در افغانستان. نجات غریق (ف. ک) بوته گل سرخ (موهلن) مکتوب از خارجه (فاطمه) مجله آینده. قرائتخانه عادل خلعت بری. اطلاع. اخطار اداری. مجله پیک سعادت مدتیست منتشر نمیکرد. این مجله از انتشارات (جمعیت پیک سعادت نسوان رشت) و جمعیت مذکور بهمت بانو روشنگر نوع دوست تاسیس گردیده است. اینک شرح حال بانوی مذکور. بانو روشنگر نوع دوست در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در رشت متولد شد. تحصیلات

حرف پ بعده الیاء

پیک سعادت نسوان؛ پیمان

مقدماتی را نزد پدرش که از پزشکان معروف آندوره بوده فرا گرفته و از آن پس ادبیات و زبانهای عربی و فرانسه را نزد اساتید وقت تحصیل نموده است. در سال ۱۲۹۷ موفق بتاسیس مدرسه ۳ کلاسه گردیده و این مدرسه تا کنون که مدت سی و دو سال از تأسیس آن میگذرد دایرودارای یازده کلاس است. در طول این مدت دوچار ناملازمات مادی و معنوی گردیده و بالاخره بر تمام مشکلات فائق آمده است. پس از برقراری مشروطیت در ایران؛ وافراشته شدن پرچم آزادی جمعیتی از بانوان دانش پژوه و دوست



داران فرهنگ را گرد هم آورده و جمعیتی بنام پیک سعادت نسوان تشکیل داده و از آن تاریخ پیوسته برای آزادی نسوان کوششهای فراوان و زحمات بی پایان متحمل گردیده است در سال ۱۳۰۶ شمسی موفق بدربافت امتیاز مجله پیک سعادت نسوان که غرض از آن توسعه فرهنگ و بیداری نسوان بوده گردیده و در سال ۱۳۰۹ شمسی بکمک جمعیت مذکور بافتتاح قرائتخانه بنام پیک سعادت که امتیاز رسمی آن نیز بنام بانوی نامبرده است؛ نائل شده و نیز کلاسهای برای آموزش بانوان بمعیت عده ای از بانوان روشن فکر دایر کرده است جمعیت پیک سعادت علاوه بر اقدامات مذکور دبستانی نیز

بنام پیک سعادت دایر نموده که اکنون در شهر رشت به همین با نور و شگفتی نوعدوست نام تحت نظر دولت اداره میشود.

(۳۶۰) پیمان

مجله پیمان در طهران بمدیری (سید احمد کروی تبریزی) تاسیس و شماره اول آن در ۳۲ صفحه بقطع بستی چاپ و در اول آذر ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است. مجله پیمان از دو قسمت تشکیل شده قسمت اول آن راجع بآئین زندگسی و باصطلاح اروپائیان راجع باصول اجتماع است. قسمت دوم راجع بتاریخ و جغرافی و زبان و علوم دیگر است. برای اطلاع از مندرجات و اسلوب و سبک پیمان بهتر آن آنست که مقدمه که در صفحات ۱ و ۲ و ۳ شماره اول درج شده عینا نقل نماییم:

«آفریدگارا بنام تو وزینهار تو - بیاری خدا بنشر این مجله آغاز میکنند مرام ما را آنانکه میدانند، میدانند و آنانکه نمیدانند از نگارشهای ما خواهد دانست ما راهی را پیش گرفته ایم و بیاری خدا امیدواریم که ما را بر سر منزلتی که آهنگ آن کرده ایم برساند و پیمودن این راه را بر ما آسان گرداند. این مجله هر ماهی دو شماره چاپ شده هر شماره شامل دو بخش جداگانه خواهد بود بخش یکم در گفتگو از آئین زندگی و قوانین و اخلاق و دین. بخش دوم سخن راندن از تاریخ و جغرافی و زبان و دیگر هرگونه علوم. در بخش یکم که عمده مقصود ما همانست در هر شماره يك یاد و مقاله از آقای کسروی با امضای خود او چاپ خواهیم کرد.»

حرف پ بعده ایاء

پیمان

اما مقاله هائیکه بنام پیمان چاپ میشود از آقای کسروی نیست و بی آگاهی او هم نیست. باین معنی که این نگارشها را اداره پیمان تهیه کرده با شور و آگاهی آقای کسروی چاپ میکند. رسم مجله هاست که چشم مساعدت بنویسندگان میدوزند و هر مقاله که برسد در نامه خود نشر مینمایند ولی ما از همین آغاز اعلان میکنیم که از کسی چشم دستگیری نداریم مگر از آنان که ازدور و نزدیک پیمان ما را پذیرفته اند و دست همراهی بسوی ما دراز کرده اند. ما از آنان چشم همدستی داریم که با خامه خود نیز مساعدت از ما دریغ ندارند. نیز اگر کسانی بقصد خرده گیری بر گفته های ما مقاله بنویسند هر که باشند نوشته های ایشانرا چاپ خواهیم کرد با این شرط که رشته انصاف را از دست نداده مقصودشان جز نمودن حقیقت و راستی نباشد. دوباره میگوئیم که صفحه های این مجله چنانکه بروی دوستان و همراهان ما باز است بروی نویسندگانی هم باز است که بگفته های ما ایراد دارند. تنها با یک شرط که مقصودشان آزار و دشمنی نباشد. ما هم بنوبت خود انصاف نموده اگر ایراد را بجد یدیم بیدرنک آنرا پذیرفته و از روی حق شناسی پاسخ خواهیم نگاشت. در همه جا ما حق و راستی را برتر و والا تر دانسته از خود خواهی و خود نمائی دور خواهیم بود.

اما بخش دوم مجله یکجا آزاد است که هرگونه مقاله علمی که برسد و از هر که برسد بچاپ آن مبادرت خواهیم ورزید با شرط اینکه نویسنده درستکاری نموده. گفته و نوشته دیگران را بنام خود نکرده باشد. در این بخش هم اگر چه آقای کسروی از چند سال پیش از نگارشهای علمی دور است و بگفته خود او گفتگوی تاریخ و جغرافی و اینگونه مطالب با حال امروز گیتی بدان میماند که کسانی بر سر بیماری که سخت و نجور است نشسته و بجای آنکه در پی درمان درد او باشند برودن تاریخچه زندگانی او بپردازند. با این همه چون ما بخشی از مجله را برای نشر این گونه مطالب خاص کرده ایم و از آنسوی از آقای کسروی یادداشتهای بسیاری درباره تاریخ و جغرافی و زبان ایران دردست است که هنوز چاپ نیافته اینست که بگرفته از آن یادداشتهای را نیز در مجله نشر خواهیم ساخت. از جمله تالیفی را بنام (تاریخ پانصد ساله خوزستان) که کتابی است در زمینه خود بی مانند و شامل مطالبی است که در جای دیگر بدست نیاید در امسال جزو بعزو در آخر شماره ها بچاپ خواهیم رسانید. «

مرحوم کسروی مدیر پیمان از جمله دانشمندانی است که در اعصار اخیر کمتر نظیرش پیدا شده بود و در آئین و اصول اجتماعی عقاید بخصوصی داشت و از این جهت مندرجات پیمان عبارت از بگرفته انتقاداتیست از اوضاع زندگی ایرانیان و طرز معاشرت و آداب اجتماعی آنها. در قضایای تاریخی و ادبی نیز مرحوم کسروی دارای نظریات خاصی است که برای اطلاع از آنها شماره های مجله پیمان بهترین مدرک می باشد. عمده اهمیت کسروی شجاعت اخلاقی و ادبی اوست که با بی پروائی تام عقاید خود را ولو اینکه برخلاف نظر عموم بوده اظهار داشته و با فشار زیاد الوصفی آنها را بطرف میقبولاند مثلا نظریات او درباره سندی، حافظ، مولوی و دیگر شعرای مهم

حرف پ بعده الیاء

پیمان

ایران بخلاصه اینکه آنان جز زبان و ضرر برای ماسود دیگری نداشته اند ، از عقابدی است که جمع زیادی را با او دشمن سرسخت نمود . و عاقبت هم چنانکه خواهیم داد همین عقاید و نظریات که برخلاف عقیده عمومی بود باعث شد که در پایتخت دریکی از محاکم دادگستری ؛ دوفتر جوان متعصب ویرا بقتل رسانند .

برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات بعضی از شماره های پیمان را نقل مینمائیم : رمان (چرا دانا دروغ پردازد یا بخواندن دروغ عمر خود را تباه سازد) خواهران و مادران ما . (کسروی تبریزی) پیشنهاد و پاداش (پیمان) عنوان های پوج . شمال - جنوب - مشرق - مغرب . غلطهای تازه . محمد نادر شاه . گزافه بافی یا دروغگوئی . اسلام و ایران . هم دزد هم دروغباف . تمدن چیست ؛ گزارش شرق و غرب . فهرست مندرجات شماره چهارم سال دوم مورخ فروردین ۱۳۱۴ شمسی مادران و خواهران ما (کسروی) رهاننده (شعر آقای صدیقی) یادی از دیران ایران (ناصر) . دین (شعر آقای صدیقی) میزان نیک و بد (صدیقی) . دلبسر بنداری (شعر آقای شیدائی) . در پیرامون شعر و صوفیگری . آئین تندرستی (دکتر تومانیان) خرد گیری و پاسخ آن (خدا پرست) . پرسش و پاسخ (ع. کناهچی) در پیرامون تاریخ خوزستان (امام) قرار کلان (کسروی) گزارش شرق و غرب (پیمان) یادگار فردوسی - تاریخ هیجده ساله آذربایجان (کتاب)

جای اداره پیمان : طهران . خیابان شاهپور کوچه قاپوچی باشی . بهای سالانه ۴۰ ریال ، شش ماهه ۲۰ ریال . در بیرون ایران سالانه ۱۲ شلنگ . نسخه ای ۴ ریال . مجله پیمان از همان ابتدا بعلت تازگی مطالب آن مورد توجه قرار گرفت و هر نوبت شاید متجاوز از هزار شماره بچاپ میرسید و مطالب آن مورد انتقاد قرار میگرفت ولی گرفتاریهای آقای کسروی در سنوات اخیر باعث شده بود که این مجله مرتب منتشر نکرد و لی بهر صورت تا شهریور ۱۳۲۰ که بجای آن روزنامه پرچم منتشر شد غیر مرتب انتشار مییافت .

سید احمد کسروی

سید احمد کسروی تبریزی که بعلت عقاید افراطی خود در بهمن سال ۱۳۲۶ در یکی از محاکم وزارت دادگستری هدف گلوله دو نفر قرار گرفت و بقتل رسید از فضلا و دانشمندان و مورخین زمان حاضر و مدتی در شهرستان خوزستان بقضاوت مشغول بود و پس از استعفا از شغل قضاوت بوکالت دادگستری مشغول گردید و تا پایان عمر باین شغل روزگار میگذرانید . وی پس از شهریور ۳۲۰ از طرف مختاری ، رئیس کل شهر بانی بوکالت تسخیری انتخاب گشت و جفاً خوب از عهده مهاکمه موکل خود بیرون آمد . مرحوم کسروی علاوه بر شغل وکالت و روزنامه نگاری در دانشکده علوم معقول و منقول سمت استادی تاریخ ایران را داشت و نگارنده در آن دانشکده مدت سه سال بهوزه درس او حاضر میشد او را استادی دانشمند و محقق یافتم که کمتر نظیرش بین استادان یافت میشد . در حق اغلب رجال تاریخی ایران با زبان طعن سخن میراند جز در باره

حرف پ بعده الیاء

پیمان

نادر شاه که ویرا مردی وطن دوست و شجاع و علاقمند بمیهن میدانست . مرحوم کسروی حاضر نبود بیهوده دقیقه از وقت خود را تلف کند و لذا غالباً دیده میشد که در فاصله ساعات درس بعوض مذاکره و گفتگو با استادان همکار خود ، بگوشه می ایستاد و مشغول مطالعه میشد . مرحوم کسروی شعرای ایران و کتب آنها را مایه ضلالت و گمراهی میدانست و از ایرو در حق سعدی و حافظ و مولوی ناسزا میگفت . وقتی وزیر فرهنگ و وقت بوی پیشنهاد نمود که ما حاضریم شما را باستانی دانشگاه قبول کنیم در صورتیکه از گفته های خود در باره حافظ استغفار نمائید وی پاسخ داد من از گفته هایم باز نمیگردم و استادی دانشگاه را هم نمیخواهم . با وجود این عملاً استاد دانشگاه بود . کسروی پس از انتشار کتاب آئین شهرت بسزائی پیدا نمود و بتدریج در گوشه و کنار پیروانی پیدا کرد که بنام (کسرویون) معروفند . از این دسته در خوزستان ، آذربایجان و سایر شهرهای ایران یافت میشود . آنان روز ۱۵ کفخر را روز کتاب سوزان دانسته و در شهر تبریز و رضائیه به از بین بردن و سوزانیدن کتب شعر او صوفیه میبردند و این رسم اکنون هم پنهانی در بین آنان مرسوم و متداول است .

کسروی - مردی متبسم ، مسرور و معفق بود و در موضوعات اجتماعی و تاریخی افکار بکری داشت ، وی از پرکارترین دانشمندان اخیر ایران بشمار است و بهمین جهت علاوه بر دوره های چند ساله مجله پیمان و روزنامه پرچم کتب مختلفی تدوین کرده و بچاپ رسانیده است که ذیلانام آنها را ذکر میکنیم :

۱ - تاریخچه شیروخورشید - رساله کوچکی است در باره پیدایش شیروخورشید علامت رسمی ایران ۲ - شهریاران گمنام . این کتاب در سه بخش تألیف شده است . بخش نخستین شامل دیلمان - جستانیان - کنکریان - سالاریان میباشد و در ۱۳۰۷ در مطبعه مدرن بقطع پستی در ۱۶۵ صفحه طبع شده بخش دوم شامل روادیان در ۱۳۰۸ در مطبعه مدرن در ۱۵۸ صفحه چاپ شده است . بخش سوم شامل شادادیان در ۹۱ صفحه پستی در سال ۱۳۰۸ طبع گردیده است .

۳ - کارنامه اردشیر بابکان . این کتاب را کسروی از زبان پهلوی ترجمه نموده و در ۷۶ صفحه خشتی در ۱۳۰۹ در مطبعه فردوسی چاپ شده است . ۴ - آذری یا زبان باستان آذربایگان - این کتاب نتیجه تحقیق آقای کسروی راجع بزبان آذربست و در آخر آن پاره ای از قواعد زبان آذری و دو قصیده از قطرانت شاعر مشهور آذربایجان طبع شده است . کتاب مذکور در اسفند ۱۲۰۴ شمسی در مطبعه شوروی در ۵۶ صفحه پستی چاپ گردیده است . ۵ - نامهای شهرها و دیه های ایران . در دو قسمت . دفتر نخستین آن در مرداد ۱۳۰۸ در مطبعه مدرن در ۲۴ صفحه پستی طبع شده و دفتر دوم آن در دیماه ۱۳۰۹ در چاپخانه اتحادیه در ۳۲ صفحه پستی چاپ شده است . ۶ - تاریخ پانصد ساله خوزستان - این کتاب را کسروی هنگامیکه بدال ۱۳۰۲ شمسی رئیس هدلیه خوزستان بوده و در آن نواحی مطالعاتی نموده شروع بتدوین کرده و در سال ۱۳۰۴ که بطهران باز گشته آنرا تکمیل نموده و در ۱۳۱۲ شمسی آنرا در جزو مجله پیمان بتدریج بچاپ رسانیده است ۷ - کتاب آئین ۸ - تاریخ مشروطیت

حرف التا

تا بش، تازه ایران

ایران در سه مجلد. این کتاب که به‌ترین تاریخی است که تا کنون در باره مشروطیت ایران و بخصوص آذربایجان نوشته شده؛ کتاب بسیار مفید و گرانبهاست و نسخ آن فعلا کمیاب است.

حرف التا

(۳۶۱) تابش

روزنامه تابش در سال ۱۳۰۷ شمسی در تهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است

(۲۶۲) تازه ایران

روزنامه تازه ایران در شهر همدان بمدير مسئولی (برهان المتکلین) تأسیس و پس از نشر چهار شماره از آن در این شهرستان بعلت هجوم روسها بهمدان و تصرف این شهر بدست آنها چاپخانه روزنامه تازه ایران بکرمانشاه منتقل گردید و شماره ۵ آن در شهر اخیر طبع و منتشر شده است. شماره ۵ سال اول روزنامه در چهار صفحه بقطع متوسط معمول ولایات در چاپخانه سربی (شرافت احمدی) کرمانشاه طبع و در تاریخ یکشنبه پنجم ربیع اول ۱۳۳۴ قمری توزیع گردیده است. محل اداره روزنامه: کرمانشاه مقابل خانه آقای سردار اجلال. عنوان مراسلات: کرمانشاهان اداره تازه ایران. قیمت اشتراك سالیانه کرمانشاه ۱۰ قران؛ داخله ۱۵ قران؛ خارجه ۲۵ قران تک نمره یکصد دینار. این روزنامه هفته یکبار طبع و توزیع میشده و مرام آن بدینقسم معین گردیده است: «جریده ایست علمی، اخلاقی؛ طرفدار اتحاد اسلام و استقلال ایران» مندرجات روزنامه تازه ایران؛ پس از درج سرمقاله، عبارت است از شرح اخبار جنگ بین الملل در خارجه و در داخل ایران بخصوص جزئیات جریان جنگهای عثمانی و روسها و ورود سرکردگان طرفین بعدود کرمانشاه و همدان بتفصیل ذکر شده و مثل اینکه این روزنامه بهمین منظور تأسیس شده است. در شماره پنجم شرحی تحت عنوان (تأسف و شادمانی) راجع بطبع و توزیع روزنامه در همدان و انتقال آن بواسطه پیش آمد حوادث بکرمانشاهان نوشته که بی مناسبت نیست عین آنرا ذیلا نقل نمایم: «تأسف و شادمانی - چهارمین شماره این جریده شریفه در همدان تحت طبع بود با اخباری شیرین و مقالاتی دلنشین که دشمنان قدیمی اسلام و ایران (روسیان) عاجز کش ضعیف گد از یورش ببلده طیبه آورده شهر را تهدید کردند و مارا ناچار بمهاجرت از همدان هجرت کردیم در حالیکه با چشم حسرت بآثار و هلائم آن شهر نظر مینمودیم و بحال اسف اشتغال ایران تأسف میخوردیم ۰۰۰۰۰ پس از آنکه اوضاع همدان را شرح داده مینویسد اماوقتی بیرون آمدم اطراف همدان و راه را جوانان غیور و ایلات ایران احاطه نموده بودند و از دیدن آنها شادی دست داد. بعلت همین گرفتاریها روزنامه که باید در ۲۵ صفر طبع و توزیع شود از موعد مقرر تاخیر افتاده است.

(۲۶۳) تازه بهار

روزنامه تازه بهار در شهر مشهد بمدیری آقای ملک الشعرای بهار در سال ۱۳۲۹ قمری تأسیس و شماره سوم آن در ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . تازه بهار هفتگی بوده و هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۱۰٫۵ در ۱۶ سانتیمتر طبع گردیده . وجه اشتراك آن در مشهد ۲۵ قران ؛ سایر شهرهای ایران ۳۰ قران در کشور های خارجه ۶ منات . پس از توقیف روزنامه تازه بهار بهوض آن نوبهار منتشر گردیده و بشرحیکه در حرف نون کتاب خواهیم دید با مسافرت آقای بهار بطهران . نوبهار نیز در آنجا منتشر شده است .

۲۶۴ تازه بهار

روزنامه تازه بهار در شهر مشهد بمدیری آقای (میرزا محمد خان ملک زاده) تأسیس و در حدود جمادی الاول ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است . تازه بهار هفته دو بار منتشر می‌شده و بگمرته هم برای چند روز در سال مذکور توقیف بوده و مجدداً منتشر شده است . آقای محمد ملک زاده برادر آقای ملک الشعرای بهار ، مدیر مجله دانشکده و روزنامه نوبهار می‌باشند . نامبرده از صاحب منصبان عالیرتبه وزارت فرهنگ و زمانی ریاست فرهنگ گیلان و اصفهانرا داشته . چندی هم مدیری کل اوقاف را دارا بوده و در حین تحریر بسمت بازرس عالی وزارت و فرهنگ کشور خدمت مینمایند . آقای ملک زاده در پاسخ نگارنده شرح زیر را بعنوان تاریخچه روزنامه تازه بهار مرقوم داشته که پس از حذف قسمت اول آن که تمجید و تعریف از این جانب و ستودن کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران می‌باشد بعینه آنرا نقل مینمائیم :

« روزنامه تازه بهار ابتدا بمدیریت و سردبیری آقای ملک الشعرای بهار در اوایل مشروطیت در شهر مشهد بجای روزنامه نوبهار که چندی توقیف شده بود مدت کمی انتشار یافت و پس از رفع توقیف نوبهار روزنامه تازه بهار تعطیل گردید . در سال ۱۲۹۸ شمسی تازه بهار بمدیریت و سردبیری اینجانب که چندی مدیریت روزنامه نیم رسمی ایران را در تهران عهده دار بودم در شهر مشهد انتشار یافت . نشر این روزنامه یکسال دوام کرد و سال دوم آن مصادف با کودتای حوت ۱۲۹۹ گردید و روزنامه بخودی خود تعطیل شد . تازه بهار در دوره اخیر انتشار طرفدار جنبش اصلاحی خراسان بود و در چند مقاله حملات تند و شدیدی بزمایندگان طهران کرد و مرکز را مانع پیشرفت و اصلاح امور خراسان میدانست و بهمین جهت از طرف والی خراسان (آقای قوام السلطنه) دو مرتبه دچار توقیف و تعطیل گردید ولی مدت توقیف کوتاه و انتشار آن ادامه داشت تا چنانچه اشاره شد مصادف با کودتا و حکومت نظامی کلنل محمد تقی خان در مشهد گردید و چون نمیتوانست با آزادی کامل عقاید خود را در باب کودتا و رفتار مامورین حکومت نظامی مشهد انتشار دهد با اصرار مامورین حکومت در نشر روزنامه از ادامه آن خودداری و تعطیل گردید و مدیر آن بهمین علت مورد بدگمائی حکومت واقع و مدت چهل روز باز داشت شد .

حرف اقا

تازه بهار، تازیانه غیرت

بعد از استغلاص از حبس دیگر بادامه روزنامه نگاری رغبت نکرد و باصرار خراسانیها خدمت فرهنگ را پذیرفت و بریاست اداره معارف و اوقاف خراسان برقرار و تا این تاریخ به خدمات فرهنگی در مرکز و استانهای مختلف اشتغال دارد .

(۲۶۵) تازیانه غیرت

در سال ۱۳۳۳ قمری آقای منکوقاآن ذوالخیر روزنامه تازیانه غیرت را در شهر شیراز تأسیس و هفته دو بار آنرا منتشر نمود . ظاهراً انتشار این روزنامه بیش از یک سال طول نکشیده است زیرا بقسمیکه ذیلا یاد آور میشویم در سال ۱۳۳۴ قمری نامبرده در حوالی اصفهان گرفتار یکی از اشرار گردیده و مدتی زندانی بوده است مرحوم وحید در جلد اول کتاب (ره آورد وحید) تفصیل گرفتاری منکوقاآن را اینطور مینویسد « منکوقاآن مدیر روزنامه تازیانه غیرت از اصفهان با لباس مبدل فراری شد . بمنزل رضا خات رسیده (۱) رضا خان در این موقع در قلعه لای پید واقع در چرمین از قرای اصفهان منزل داشته است) و آنجا بعضی از اطرافیان رضا خان او را متهم به جاسوسی کرده و شیشه دوائی که شب بر سر سفره در دست داشت و نمود کرده بودند که سم است و برای مسموم ساختن خات آورده و بدین سبب گرفتار شده بود و او را چوب زیاد زده و حبس کرده بودند »

در زمستان سال ۱۳۲۷ شمسی در اصفهان در منزل یکی از دوستان اتفاق ملاقات با آقای ذوالخیر دست داد و نامبرده نیز تفصیل گرفتاری خود را بیان نمود . مایه رقت حاضرین گردیده . آقای ذوالخیر اکنون پیری سالخورده و در اداره دخانیات اصفهان در خدمت دوات میباشد .

(۳۶۶) تبریز

روزنامه تبریز در سال ۱۲۹۶ قمری از طرف دولت ؛ بدستور مظفرالدین شاه که در آنوقت ولیعهد ایران بوده در شهر تبریز تأسیس و منتشر شده است . در جلد سوم تاریخ منتظم ناصری (ص ۳۵۷) در ضمن وقایع سال ۱۲۹۶ قمری مینویسد: « در این سال روزنامه تبریز موسوم به تبریز بتوجه و امر نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران مملکت آذربایجان دایر و طبع شد . »

مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان راجع باین روزنامه مینویسد « روزنامه نیم ماهه منتشر در تبریز به مدیریت شخصی مسمی بکمال در ۱۲۹۶ . شماره

(۱) رضا خات یاغی معروفست که در سال ۱۳۳۴ قمری بر علیه حکومت بهتاریها قیام نمود و از طریق چپاول و غارتگری قری و کاروانیانت اتباعی فراهم ساخت و مدتی با دولت مرکزی در جنگ و گریز بود تا عاقبت گرفتار و در میدان شاه اصفهان بدار آویخته شد . وی مردی شجاع و بی باک و از تهور او حکایاتی در السنه و افواه مشهور است .

حرف ت بعده الباء

تبریز

سوم سال اول ۲۵ محرم ۱۲۹۷ و شماره بیست و پنج سال سوم مورخه ۲۸ شعبان ۱۲۹۹ از این روزنامه را دارم .
در شهر تبریز علاوه بر روزنامه مذکور روزنامه دیگری نیز بهمین نام منتشر شده که شرح آن جداگانه بیان خواهد شد .

(۳۶۷) تبریز

روزنامه تبریز ، در شهر تبریز بمدير مسئولی (اسماعیل یگانگی) تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی در مطبعه (اسکندانی تبریز) طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . اسم روزنامه (تبریز) بخط شکسته درشت و در زیر آن ماه و سال تأسیس روزنامه چاپ گردیده . محل اداره : مغازه های مجیدالملک و قیمت اشتراك بدین قرار است : سالیانه تبریز ۱۴ قران ، داخله ۲۰ قران ؛ خارجه ۲۸ قران ششماهه : بتر تیب ۸ ، ۱۲ ؛ ۱۶ قران . سه ماهه : ۵ ؛ ۶ ؛ ۸ قران . تك نمره ۳ ؛ ۴ ، ۵ شاهی . سطر اعلانات صفحه اول ۸ شاهی . صفحه آخر ۴ شاهی . طرزانتشار روزنامه هفته دوروز یکشنبه و چهارشنبه بوده . هر صفحه روزنامه سه ستون و معمولاً روی کاغذ خوب چاپ و منتشر شده است . این عبارات در طرف راست عنوان روزنامه طبع گردیده است : « مسکاتیب و مقالات وارده مسترد نمیشود . اداره درك و اصلاح مقالات مختار است . پاكتهای بی تمیز نوشتهجات بی امضا ، مقالات مخالف با مسلك روزنامه مندرج نخواهد شد . در ضمن يك سطر ؛ در زیر عنوان روزنامه ؛ تبریز اینطور معرفی شده است : « روزنامه ایست آزاد-ملی اجتماعی ؛ سیاسی اقتصادی در طرفداری عامه سخن میراند » مقاله افتتاحی که در ستون اول صفحه اول نوشته شده تحت این عنوان (تكالیف اجتماعی) و با این عبارات شروع و ختم میگردد : « در ادوار سالفه که افراد بشر در دائره بربریت مانند وحوش در غارها و در زیر اجبار بیابانها و کوهستانها روزگار خود را بسر میبردند از منافع زندگانی بی بهره و از فیض اجتماعات بشریه بی نصیب بودند رفته رفته سائق طبیعت که در راندن افراد بشر بسوی تکامل همواره بایک فعالیت و از طرف دیگر هیئت مدیره و تحریریه ما از چندی باینطرف که حس انسانیت در مملکت ایران بیدار شده خود را داخل ملت ایران دانسته و در جزو هیئت بشریه که در آن سرزمین زیست میکند شناخته و همواره در صدد آن بوده که در ایفاء آنچه از وظایف اجتماعی ایرانیان بر ذمه شان بوده است حتی الوسع والطاقة بکوشند و در حال حاضر خدمت بواسطه مطبوعات را الزم فرایض و اسبق وظایف دانسته میخواهند که در این خط نیز بقدر قوت و استطاعت خودشان بمالمان انسانیت خدمت کرده باشند این است که بتأسیس همین روزنامه آزاد ملی اجتماعی اقتصادی سیاسی فنی ادبی اخلاقی اقدام نموده بنشر افکار نافعه آغاز میکند همان روزنامه ما نیز بموجب مقدمات فوق و باقتضای مسلك هیئت مدیره و تحریریه خود تمامی شوائب مرعوبیت و رودربایستی

حرف ت بعده الباء

تبریز

را بکنار گذارده در طرفداری عامه و حفظ حقوق آنان سخن خواهد راند و از آنجا که در خط مدافعه از حقوق جماعت خواهد کوشید و دست خداوندی در همه جا بسا جماعت بوده هیئت مدیره و تحریریه آن موفقیتش را رجا میدارند و قوام وی را بر قارئین گرام بشارت میدهند و دوام او را بطالبین اشتراك تامین مینمایند و من الله التوفیق و علیه التکلات .

این بود آغاز و انجام مقاله افتتاحی روزنامه تبریز ؛ در شماره اول ، پس از این سرمقاله ؛ مقاله دیگری در دو ستون تحت عنوان (لزوم جلب مستشار ها) نوشته و بعد (اخبار دارالشورای ملی نتیجه مذاکرات روز سه شنبه ۲۳ ذی قعدة) سپس (اخبار انجمن ایالتی نتیجه مذاکرات یکشنبه غره ذی حجه) و در صفحه چهارم تلگرافات مختلف و اخبار گوناگون درج است .

شماره دوم روزنامه در تاریخ چهارشنبه ۱۸ ذی حجه منتشر و سرمقاله آن باز تحت عنوان (تکالیف اجتماعی) نوشته شده است . از شماره پنجم علاوه بر نام (اسماعیل یگانی) که بعنوان مدیر مسئول در آخر صفحه چهار درج شده ، در عنوان روزنامه (صاحب امتیاز و ناشر ح . ف) اضافه گردیده . از شماره ۱۴ سال اول مورخ دو شنبه ۶ صفر ۱۳۲۹ قمری در طرر انتشار روزنامه تغییری حاصل شده و بعضی هفته دو روز ، هفته سه بار شنبه ، دو شنبه و چهارشنبه انتشار یافته و وجه اشتراك نیز ۲۱ قران گردیده است .

از شماره ۱۳ سال اول مورخ اول صفر ۱۳۲۹ نام اسماعیل یگانی از روزنامه حذف شده و انتشار روزنامه به پده (حسین کمال) گردیده و در این باره در صفحه اول همین شماره پس از آنکه شرحی در باره مندرجات تبریز نوشته ، مینویسد : « این بنده که برای زیارت وطن و تصفیه امور خانواده وارد تبریز شده ام بر حسب تکلیف صاحب امتیاز محترم با سمت مدیریت مباشر اجرای این شرایط (منظور شرایط انتشار روزنامه است) خراهم بود و از نمره ۱۴ فصول فوق بالتمام بموقع اجری گذاشته خواهد شد . بر حسب تجارب زیادی که در فن روزنامه نگاری دارم امیدوارم بعون خداوندی و یاری ارباب قلم در ایفای این وظایف قصور ننمایم و امضای بنده همان حسین تنهاست . (حسین کمال) » بنابراین از شماره ۱۴ دیگر آقای یگانی دخالتی در امور روزنامه نداشته و روزنامه را حسین کمال اداره میکرد . است . سال اول روزنامه تبریز بشماره ۱۲۷ مورخ چهارشنبه ۱۴ ذی حجه ۱۳۲۹ ختم گردید . از سال دوم روزنامه نگارنده تا شماره سوم مورخ ۲۱ ذی حجه سال مذکور را در دست دارد و تصور میرود که دیگر پس از آن تاریخ روزنامه بعزت بیش آمد وقایع خونین عاشورای ۱۳۳۰ قمری و قتل ده نفر آزادیخواهان تبریز در روز مذکور روزنامه نیز برای مدت مدیدی یعنی تا سال ۱۳۳۷ قمری تعطیل بوده است . در طول این مدت یعنی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ قمری آقای میرزا حسین خان تبریزی در مهـاجرت و مسافرت بسر برده و پس از مراجعت تبریز مجدداً روزنامه را دائر و منتشر نموده است .

حرف ت بعده الباء

تبریز

روزنامه تبریز در اول اسفندماه ۱۳۱۶ شمسی مطابق ۱۹ ذیحجه ۱۳۵۶ قمری شماره ۱۳۲ سال بیست و هشتم خود را در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی منتشر نموده و در این تاریخ صاحب امتیاز و مدیر (حسین تبریزی) و کفیل و سردبیر روز نامه (حسین امید) معرفی شده است. روزنامه تبریز تا این اواخر نیز هفته سه بار نشر میشده.

اسماعیل یگانی و حسین تبریزی

آقای اسماعیل یگانی که مدتی صاحب امتیاز و مدیر روزنامه تبریز بوده از مردم آذربایجان و از لحاظ مملکت-یاسی از سران حزب عامیون دموکرات است. نامبرده از قضات مبرز و عالیرتبه دادگستریست و مدتی ریاست شعبه اول دیوان کیفر را داشت آقای یگانی مردی مؤدب و متین و درست کار و آشنا بر موز قضاوت میباشد. در محاکمه مخناری رای دادگاه را اوانشا کرده و نوشته است. یگانی بسنین تقاعد است و احتمال دارد تا چندی دیگر متقاعد شود. از آثار آقای یگانی مقالات مسلسل مفید است تحت عنوان (صنایع مستظرفه) که در طوفان هفتگی بطبع رسیده است.

و اما آقای حسین تبریزی که بمناسبت تاسیس دبستانی در تبریز بنام (کمال) باسم (حسین کمال) معروف بوده از همکاران آقای یگانی است. نامبرده قبل از شروطیت دبستان کمال را تاسیس نمود و در سال ۱۳۲۱ قمری که محمد علی میرزا در تبریز بود



حسین تبریزی

و مردم تبریز علیه بلژیکها شورش نمودند من جمله طلبه ها میخانه ها، مهمانخانه ها و دبستانها را غارت کرده و یکی از دبستانهایی که غارت شد دبستان کمال بود. پس از این پیش آمد مدیر آن از ابراهیم و بقفقاز نهاد و از آنجا در صفر سال ۱۳۲۳ قمری روانه مصر گردید و در مصر مجدداً روزنامه کمال را که سابقاً در تبریز منتشر میساخت، انتشار داد و در کشور مصر زیست میگرد تا سال ۱۳۲۹ قمری که بشرحی که قبلاً نوشتیم، بتبریز بازگشت و در آنجا اداره روزنامه تبریز را عهده دار شد. از آقای حسین تبریزی مجدداً در حرف کاف کتاب در ذیل روزنامه (کمال) گفتگو خواهیم نمود. از آقای میرزا حسین خان امید که چندی سردبیر روزنامه تبریز بوده کتابی بنام تفریحات علمی در اردیبهشت ۱۳۱۰ طبع و منتشر شده است.

(۳۶۸) تجارت

مجله تجارت بصاحب امتیازی و مدیر مسؤلی آقای (دکتر اسلامی) در طهران تاسیس و شماره اول آن با چاپ سربی (مطبعه نورالله باروخیان واقع در خیابان

حرف ت بعدہ الدجیم

تجارت

ناصریه طهران) در ۲۲ صفحه بقطع كوچك درآبان ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است
مجله تجارت با اینکه در سال اول عنوان ماهانه داشته ولی در عمل گاهی هر دو ماه
یکمرتبه نشر یافته چنانچه شماره ۹ سال اول درمهرماه ۱۳۰۷ منتشر گردیده و سال
اول بشماره ۱۲ مورخ اسفند ۱۳۰۷ شمسی خاتمه یافته است . مجله تجارت روی جلد
آن بدینقسم معرفی گردیده : « مجله تجارت حامی تجارت و اقتصاد ملی ؛ طرفدار
اجناس وطنی و ازدیاد صادرات و پشتیبان صنایع ایران و رهنمای وارد کنندگان
کارخانجات است »

مندرجات این مجله چنانچه از اسم آن نیز پیداست بیشتر مربوط بامور تجارتنی
و پیشنهاداتیکه موجب ازدیاد صادرات و نقصان واردات است در آن درج گردیده .
مقاله افتتاحی مجله بدین قرار است : « انقلابات و تغییراتی که در دنیا روی میدهد
در اثر افکار بزرگان جامعه است که بجامعه تقدیم و بمیزان لیاقت صاحبان افکار
و جامعه در میان توده بتندی یا کندی بموقع عمل گذاشته میشود . این افکار اگر
توأم با حزم - احتیاط - بصیرت - شهامت - عشق و عقیده باشد موجب فتح و خوشبختی
و گرنه بزیان صاحب فکر و خسران جامعه تمام خواهد شد . هادیان طریق مانند پهلوانانی
که وارد میدان عمل میشوند باید بتمام اسرار و رموز کارآگاه و بوضعیت و موقعیت
احاطه داشته باشند تا غالب و گرنه مغلوب و کوشش بیهوده خواهد بود . دنیا
پر است از این میدانهای خالی که برای همه و از (؟) و همه حق دخول دارند و هر
کسی در حدود استعداد خود وارد میدانی میشود . میدانی را که ما امروزه خالی دیده
و وارد آن میشویم میدان تجارت و اقتصاد است که يك میدان فقیر و بی بهره و در
عین حال پر زحمت و خطرناک ؛ و در صورت فتح بی اجر و در صورت مغلوبیت از میان
میرویم . چه یگمیدان خطرناکی !!! چه چیز است که مارا وارد يك چنین میدان خطر
ناک مینماید ؟ فقط عقیده بأك و عشق خالص . ما را يك چنین تکیه گاه محکم و اساس
مستحکمی است که ابد استمداد نمیکنیم و اعتنائی بكمك دیگران نداریم بأك عزمی
محکم و قصدی راسخ داخل میشویم و اطمینان داریم که در مقابل هیاهوهای عوامانه
و جنجالهای نفهمانه استقامت ورزیده و باتکای عشق و عقیده فاتح میشویم و نتیجه زحمات
خودمان را که عبارت از اصلاح تجارت - صنعت - اقتصاد و نشان دادن میایارد هالیره
و گنجهای عظیم باشد تقدیم جامعه خواهیم نمود . (دکتر اسلامی) »

چنانچه از مقدمه مذکور معلوم میشود منظور از تأسیس مجله تجارت اصلاح
طرق تجارت و صنعت و نشان دادن طریقه استفاده از دو منبع فوق است . از این رو
مندرجات دوره سه ساله مجله تجارت عبارت از مطالب مربوط بتجارت و اقتصادیات کشور
ایران و ممالك دیگر دنیا است و چون دکتر اسلامی مؤسس و ناشر مجله از واقفین بامور
تجارت بوده حتی باظهار نامبرده در یکی از شماره های مجله هنگامیکه عهده دار نشر مجله
بوده نمایندگی سه هزار تجارتخانه و شرکت های مهم در ممالك اروپا و امریکا و آسیا
را داشته لذا بخوبی از جریانات اموراتصادی و تجارتنی دنیا با اطلاع بوده و در هر شماره

حرف ت بعده الجیم

تجارت

مجله در ضمن مقاله طرز بهترین راه استفاده از تجارت را برای تجار و خوانندگان شرح داده است . این مزایا باعث گردیده که مجله تجارت میان تجار و علاقمندان بامور اقتصادی رونقی بسزا پیدا کند و چنانکه در شماره ۱۵ از سال دوم آگهی نموده در مقابل طبع یک هزار جلد ، عده مشترکین پر شده و برای سال دوم دیگر مشترک قبول نمیشود .

سال دوم و یادووه دوم مجله تجارت با شماره ۱۳ شروع و در تاریخ مرداد ۱۳۰۸ منتشر شده است . در سال دوم مختصر تغییری در قطع و تعداد صفحات پیدا شده یعنی صفحات به ۲۴ تنزل کرده است . سال سوم و یاد دوره سوم مجله که آخرین سال انتشار مجله است جمعا چهار شماره که هر یک دوشماره میباشد نشر شده و شماره ۳ و ۴ این سال که دارای شماره های مسلسل ۲۷ و ۲۸ است ، دیرتر از موقع یعنی متعلق بآذر و دیماه ۱۳۱۰ شمسی در چهل صفحه با چاپ سربی (مطبعه برادران باقرزاده) منتشر گردیده است . و شماره های ۷ و ۸ دوره سوم ؛ دارای شماره های مسلسل ۳۱ ؛ ۳۲ متعلق بشهریور و مهر ۱۳۱۱ شمسی انتشار یافته و این دوشماره آخرین شماره هائیمست که از مجله تجارت منتشر شده است . در صفحه آخر این شماره علت تاخیر انتشار را بدقولی مطابع ذکر نموده و یاد آور شده است که با آنکه پول چاپ و کاغذ هشت صفحه را داده بودیم ؛ از مطبعه چاپ نشده پس گرفتیم .

محل اداره مجله در سال اول : (ملک آباد . کوچه وزیر انیس الدوله) و در سال دوم : طهران ؛ نربولک تعیین شده است . وجه اشتراك : قیمت ۱۲ شماره ۳۶ قران و برای تجار و موسسات صنعتی و اقتصادی ایران و افغانستان در هر کجای دنیا ۱۲ قران . (معادل دوقران تبر و یکتومان اسکناس هر شهر و دولتی جوف پاکت سفارشی یا حواله تهران قبول میشود) اعلانات سطری چهار قران . و اگر راجع به صنایع و صادرات وطنی باشد دوقران . مجله تك شماره فروخته نمیشود . لازم است یاد آور شویم که مدیر مجله ؛ دکتر اسلامی ؛ نام عاریتی (اذن) را برای خود انتخاب کرده و در هر شماره مجله اصرار دارد که مشترکین از ذکر عناوین و القاب صرف نظر نموده و بغیر از این کلمات (تهران . Azson . مجله تجارت) عبارت دیگری مرقوم نفرمایند . انقلابات اقتصادی - صنعت قالی - تجارت اتحاد شوروی و ایران - جنسك نفت ادامه دارد - تاریخ سبب زمینی در ایران (قسمتی از کتاب اعتماد بنفس تالیف سموئیل اسمایلز ترجمه دشتی در بعضی از شماره ها چاپ شده است) امتیاز نامه بانه شاهنشاهی ایران (متن امتیاز نامه چه و فصول ملحقه بآن و وصول اصلاحی آن در ۱۹ صفحه مجله چاپ شده است) شرکت تعاونی محصلین ، کار ؛ متن مواد چهار و پنج عهد نامه اخیر بین ایران و مصر . امتیاز نامه داری - نفت ایران و انگلیس . اینها قسمتی از عناوین بعضی از مقالات مجله تجارت است .

دکتر اسلامی

روی جلد شماره پنجم مجله معارف مورخ مرداد ۱۳۰۷ شمسی شرح خدمت

حرف ت بعده الجیم

تعارف ، تجدید

و مراحل تحصیلی دکتر اسلامی را بدینقسم نوشته است . دکتر اسلامی : ۱- محصل قدیمی مدارس عالیہ فرانسه و امریکا وطیب فارغ التحصیل دارالفنون ۱۲۹۰-۲۰ - محصل يك دوره فقه - شرح لمعه ۳۰ - تحصیل کرده و آشنا بالسنه فارسی - ترکی عربی - اردو - فرانسه - انگلیسی ۴۰ - مدیر شعبه جراحه ، مریضخانه دولتی دولت انگلیس (خراسان) ۱۲۹۱۰ - مدیر و معاون مریضخانه ۱۲۹۷ عضو فوق العاده ۰ منشی مریضخانه - مدیر رصد خانه دولت انگلیس ۰ رئیس صحنه قنصلخانه ۱۲۹۴۰ ۰ معلم اول اطاق درس فارسی صاحب منصبان انگلیسی ۱۲۹۸۰ ۶۰ - مترجم اول عامل خرید اداره مرکز کل ارزاق قشون اعزامی انگلیسی در فرونت ر و سیه ۱۲۹۹۰ ۷ - فارغ التحصیل دوره دوساله مدرسه ویکتوارپاریس (شعبه دارالفنون پاریس) ۸ - محصل شعبه علوم تجارت و اقتصاد (بالغ بر دوسال) در کتابخانه ملی فرانس ۹۰ - مسافر تجارتي و اقتصادی در تمام ممالك شرق مرکز غربی اروپا ممالك شرقی و شمال افریقا - آسیای صغیر - ممالك جزیره العرب - ترکستان - هند و ستان و اکثر شهرهای ایران (بالغ بر بیست مملکت) ۱۰ موسس و مدیر مسئول شرکت اسلامی پاریس - لندن - برلن - وین - طهران ۰ این بود آنچه روی جلد مجله معارف در باره دکتر اسلامی بضمیمه عکس ایشان چاپ شده والعهدۃ علی الراوی ۰

(۳۶۹) تجدید

روزنامه تجدید بمدبری (شیخ محمد خیابانی) در شهر تبریز تاسیس و ظاهرأ شماره اول آن در جمادی الاخر ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است ۰ نکارنده با منتهای کوششی که برای پیدا کردن نمونه از این روزنامه نموده تا کنون حتی يك شماره هم از آن بدست نیاورده است ۰ ولی آنچه مسلم است این است که روزنامه تجدید از سال مذکور یعنی از ۱۳۳۵ قمری تا موقع قتل شیخ محمد خیابانی در تبریز بطور هفتگی منتشر میشد ۰ و یکی از روزنامه های خوب و مفید ایران بوده است ۰ شرح تاسیس این روزنامه بدست خیابانی بدین قرار است که پس از آنکه خیابانی و رفقایش موفق شدند يك کنفرانس ایالتی مرکب از ۴۸۰ نفر نمایندگان شهر تبریز و ولایات آذربایجان در شهر تبریز تشکیل دهند ۰ کمیته بنام کمیته ایالتی انتخاب نمودند و فقید شهید امتیاز جریده تجدید را بمنظور تنویر افکار و ترویج مسلك و مرام کمیته ، تحصیل نمود و آنرا ارگان فرقه قرار داد و قریب پنجسال این روزنامه بمدیریت و تحت نظر خیابانی بمعمار ف مملکت خدمت مینمود ۰ یکی از نویسندگان روزنامه تجدید مرحوم میرزا تقیخان رفعت مدیر مجله ازادستان است که در حرف الف (جلد اول کتاب) از او و مجله اش بتفصیل گفتگو نموده ایم ۰

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان آقای ابوالقاسم فیوضات را نیز مدیر روزنامه تجدید ذکر کرده و در باره این روزنامه چنین مینویسد : « تجدید - روز نامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سربی بمدبری ابوالقاسم فیوضات و شیخ محمد خیابانی

تحد د

A black and white portrait of a man with a beard and a turban, identified as a member of the National Front. The image is a close-up, showing the man from the chest up. He is wearing a dark turban and a dark jacket over a light-colored shirt. The background is dark and indistinct.

مرحوم خیابانی

(۶۷۰) فجدد

-۱۰۶-

حرف ت بعده الجیم

تجدد

مطابق ۲۳ حوت ۱۳۰۲ شمسی توزیع شده است . این روزنامه علاوه بر مدیر مسئول، دارای هیئت تحریریه بوده که بدین قرار در صفحه اول شماره اول معرفی شده است: (آقای تدین نماینده بیرجند . آقای عدل الملك نماینده بار فروش . آقای سرکشیک زاده نماینده لاهیجان . آقای داور نماینده لار . آقای شریعت زاده نماینده بارفروش آقای مشار اعظم نماینده بروجرد . آقای شیخ العراقین زاده نماینده ساری . آقای دبیر اعظم نماینده تبریز) علاوه بر اشخاص مذکور اضافه شده است که سایر فضلا از قبیل آقای شیخ یحیی کاشانی و آقا میرزاهادی حائری و اقبال اشتیانی و آقای حکمت نیز مساعدتهای ادبی خواهند نمود .

محل اداره روزنامه (اداره ایران) و قیمت اشتراك آن بدین قرار است : داخله : سالیانه یکصد ریال ششماه ۵۰ قران ، سه ماهه ۲۵ قران . خارجه باضافه اجرت پست . تك نمره ۷ شاهی . با اینکه در شماره های اولیه در هیچ کجای روزنامه تجدد اسمی از یومیه یا هفتگی بودن آن در بین نیست ولی از تواریخ شماره های منتشره اینطور معلوم میشود که در هفته چند شماره از آن نشر میشده است . از شماره ۸ سال اول روزهای انتشار دوشنبه ، چهارشنبه و جمعه معین گردیده است .

مقاله افتتاحی یا سرمقاله شماره اول که از ستون اول این شماره شروع میگردد تحت عنوان (بنام خدا) قسمتی از آن بدین قرار است : « بنام خدا . قلمرانی بآسانی میتوان بدست گرفت ولی از صریر آن پرده گوشهارا تکان داده و روحیات جامعه را اداره کردن کار آسانی نیست . افکار خوب هروقت پیدا شد دماغ و قلب انسان راروشن میسازد ولی برای روشن کردن محیط وقت و زمان مخصوص دارد . امید و یاس که عامل قوی در طرز حیات و رفتار و گفتار انسان بوده اگر ناامیدی و یأس قوای عامله انسان را دوچار سستی و عطالت مینماید امید مانند يك قوه الکتریسیته همان انسان را بکارهایی سوق میدهد که عقل دیگران در مقابل آن مات و حیران مینماید حیات بی آرایش و برق امیدی که دل و دیده ما را روشن نموده مارا وادار کرد که از ابتدای این دوره تقنینیه که باید آنرا دوره امید و سعادت گفت این صحیفه را برای ثبت خدمات رفقا و هم مسلکان محترم خود باز نموده قدمهایی که در راه سعادت عمومی بر میداریم بدنیا آرائه دهیم . روبه و خط مشی پارلمانی ما چون بهترین شاهد مملک و عقاید سیاسی ما بوده و در این نامه منعکس خواهد گشت خود را از شرح و بسط مملک و عقیده که در راه وصول بآن جانفشانی خواهیم کرد بی نیاز دانسته هویت شخصی و فکری ما بدرجه روشن است که مارا مستغنی از معرفی میدارد . نامه تجدد باشنهائ مسائل شخصیه در هر مسئله باصراحت فکر و عقیده وارد شده اطمینان میدهد که جز خدا و ملت هیچ نقطه را استنادگاه خود قرار نداده و نخواهد داد . »

روزنامه تجدد که در آغاز تغییر و خلع سلطنت از قاچاریه تاسیس شده ، ارکات فرقه دموکرات مستقل ایران بشمار میرفته و هیئت مدیره این فرقه همان اشخاصی هستند که خود را هیئت مدیره روزنامه معرفی نموده و تمام نماینده مجلس

حرف ت بعد الدجیم

تجدد

شورایملی بوده اند . در شماره دوم سال اول مورخ ۲۶ حوت ۱۳۰۲ هیئت مدیره قطع نامه خود را که مشتمل بر چهار ماده ذیل می باشد درج کرده و آن چهار ماده عبارت است از خلع سلطنت از احمد میرزا ، تغییر قانون اساسی از طرف مجلس شورای ملی اجرای مفاد قطعنامه بوسیله حکام ایالات و ولایات و اجرای مفاد قطعنامه بوسیله وکلای پارلمانی فراکسیون مجلس .

آقای سرکشیک زاده که بعداً نام خانوادگی امید را برای خود انتخاب نموده و ما در جلد اول کتاب در کلاه (امید) از او گفتگو نموده ایم ، در ضمن مقاله مفصلی که در سالنامه دنیا منتشر نموده جریان مفصل و مشروح مجلس شورای ملی را هنگام طرح قطعنامه مذکور که بصورت قانون بمجلس تقدیم شده ، ذکر کرده است و خوانندگان میتوانند بدانجا مراجعه فرمایند .

مندرجات روزنامه تجدد بطور کلی عبارت است از يك سرمقاله راجع باوضاع عمومی ایران و بعد مقالات مختلف و پس از آن اخبار داخله و اخبار مجلس شورای ملی و در خاتمه اخبار خارجه در آن درج است . در شماره های اولیه روزنامه بخصوص مقالات تندى در طرفدارى از جمهوريت ايران و تغيير قانون اساسى نوشته شده تلگرافات اهالى ولايات و درخواستهای تغییر قانون اساسی بیشتر در این روزنامه منعکس است چه بشرحی که قبلاً یاد آور شدیم تجدد ارگان دسته نمایندگان طرفدار جمهوریت و تغییر سلطنت بوده و از اینرو ؛ روزنامه تجدد ، برای آشنا شدن باوضاع و صحنه سازیهای آن ایام ، نامه بسیار سودمند و مفید است . در شماره هفتم طرحی با مضای مدیر روزنامه و چند نفر از اعضاء هیئت مدیره راجع بتغییر اساس سلطنت ایران و جمهوریت و تغییر قانون اساسی درج است . از شماره دوم سال اول روزنامه ترجمه رمان (رافائل) تالیف لامارتین ؛ ترجمه حسین قدس ، عضو وزارت خارجه ، بعنوان پاورقی در روزنامه چاپ شده است . روزنامه تجدد پس از انتشار سی چهل شماره بسمت اعلانات و مندرجات ادبی ، اخلاقی و علمی افزوده و از قسمت های سیاسی آن کاسته است . از این روزنامه نگارنده فعلاً تا شماره ۱۰۹ مورخ چهارشنبه ۲۶ اسفند مطابق ۲۱ حوت ۱۳۰۳ و شعبان ۱۳۴۴ قمری در دست دارد . در طول این مدت روزنامه هفته سه روز ، در ایامی که نامبرده ایم ؛ منتشر شده است .

آقای رضاشیخ العراقرین زاده که پس از نشر روزنامه تجدد معروف به تجدد گردیده چند دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را داشته است وی از قضات پاکدامن و هالیرتبه وزارت دادگستری و مردی شریف و روشن فکر می باشد . در خرداد ۱۳۱۳ شمسی برباست استیفاف شرق منصوب گردید و در دیماه ۱۳۲۰ شمسی که آقای تدین وزیر فرهنگ بود ، ویرا بسمت معاونت آن وزارتخانه انتخاب نمود .

(۳۷۱) تجدد ایران

روزنامه تجدد ایران بصاحب امتیازی و مدیری (میرزا سید محمد طباطبائی)

حرف ت بعده النجم

تجدد ایران

در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده در جلسه ۳۰ فروردین ۱۳۰۶ شمسی شورایی عالی فرهنگ تصویب نمود که آقای سید محمد طباطبائی بجای روزنامه فریاد روزنامه تجدید ایران را منتشر سازد و از اینروز روزنامه تجدید ایران در اردیبهشت سال مذکور منتشر گردید . مدیری این روزنامه مدتی با آقای (حسین مطیعی) بوده که بعداً در طهران روزنامه کانون را منتشر ساخته است . تجدید ایران از سال ۱۳۱۰ با آنطرف روزنامه یومیه بوده و همه روزه بعد از ظهر منتشر میشده است . شماره ۲۴۰۹ سال دهم آن در چهار صفحه بقطع بزرگ ، با چاپ سری (در مطبعه اتحادیه) طبع و در تاریخ یکشنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ شمسی منتشر شده . جای اداره : خیابان شاه نزدیک بهارستان . بهای اشتراك آن : داخله سالیانه ۱۰۰ ریال . خارجه ۲۱۰ ریال . تك شماره ۴ شاهی . پس از سه روز يك ریال .

تجدید ایران يك روزنامه خبریست و بیشتر مندرجات آن اخبار داخله و مجلس و اخبار خارجه است . معمولاً در پاورقی صفحات ۲ و ۳ آن ترجمه رمانی چاپ شده و صفحه چهارم آن مخصوص اعلانات ثبتی و دولتی و غیره است . در صفحات اول و دوم مقالات مختلف که از مجلات خارجه ترجمه گردیده نیز درج است . این روزنامه تا شهر - ربور ۳۲۰ مرتباً منتشر میشد و بعد از شهریور هم چندی انتشار یافته و فعلاً تعطیل است .

میرزا سید محمد طباطبائی

آقای طباطبائی نویسنده و مدیر روزنامه تجدید ایران سوابق ممتدی در مطبوعات ایران دارد . اول دفعه در ثور ۱۳۰۰ روزنامه خراسان را در شهر مشهد تاسیس نمود و مدت چهار سال در آن خطه بنامه نگاری اشتغال داشت . هنگام انقلاب آن نقطه و قیام مرحوم کلنل محمد تقی خان دوچار صدماتی گردید و پس از چند مرتبه تبعید و گرفتاری بالاخره در سال ۱۳۰۴ شمسی بطهران بازگشت و قریب یکسال روزنامه فریاد را منتشر میکرد و پس از آن به نشر روزنامه یومیه تجدید ایران پرداخت ، نامبرده چند دوره بنماینده گی مجلس شورایی انتخاب شده و در کابینه آقای ساعد در سال ۱۳۲۷ شمسی بمعاونت پارلمانی نخست وزیر و بریاست تبلیغات کشور منصوب گردید .

روزنامه باباشمل بسبب خود درستون مخصوص (حساب باباشمل ، چهار عمل اصلی) شرح احوال دقیق آقای طباطبائی را نوشته که گرچه تا اندازه خارج از اصول تاریخ نویسی است ولی برای آشنا شدن بزنگانی و اخلاق و آداب و طرز معاشرت آقای طباطبائی بهتر آنست هین آنرا ذیلا نقل نمایم و چون روزنامه باباشمل فکاهیه است لذا تعبیرات زنده آن نباید مایه رنجش آقای طباطبائی که مدتها خدمتگذار مطبوعات کشور بوده ؛ گردد . اینك حساب باباشمل : ۶۶ سال عمر - قد کوتاه - گردن شق صدای دورك - يك تسبیح علامت حزب تجدید - يك پدر مفتخر - ریشه در تبریز - مهاجرت بمشهد - نشو و نما در تهران - تحصیل در مدارس قدیمه مشهد و تهران - آشنائی بالسنه خارجی حتی ترکی - مدیریت يك روزنامه خراسانی در مشهد - قبل از کودتا - تشبه کامل بآقای سید ضیاء از حیث مقاله و سبك - حمله متوالی بوالی وقت و یکی از ادبای ظریف

حرف بت بعده الحیم

تجدد ایران؛ تحفة الادبا

وقت - همانوقت - تبعید از مشهد با مرحوم اسعد - عزیمت بطهران - انتشار نامه داد و فریاد و حمله باسعد - ورود بعزب تجدد مش دیانت (منظور آقای تدین است . مؤلف) ابتدای کار سردار سپه - تبدیل عمامه بکلاه و کلاه بشاپو - تشریک مساعی باشیخ العراقین زاده تقدم در انتشار روزنامه حزبی تجدد (رجوع شود بر روزنامه تجدد) - استقلال در روزنامه پس از رفتن شیخ العراقین زاده - ادامه روزنامه پس از بهم خوردن حزب تجدد مش دیانت - اختلاف با شیخ العراقین زاده تقدم سراسم تجدد حتی در حال حاضر - مخالفت با جوانان لیسانسیه و تصدیق گرفته - همیشه - مخالفت با عوج بن معظم و دکتر منگنه و مهندس فرفره (سه نفر از وکلای دوره چهاردهم بنامهای دکتر معظمی وکیل گلبایگان دکتر زنگنه وکیل کرمانشاه ، مهندس فریور وکیل تهران) - داشتن يك سوم حق - کرسی نشینی - دو دوره دیکتاتوری از ساوه (منظور وکالت مجلس در دوره اعلیحضرت فقید است . مؤلف) - يك دوره دمکراسی از ساوه - يك دوره از سبزوار - تصویب کرسی نشینی پس از مخالفت نقاحت - اقدام برای بیمارستان سبزوار - مخالفت مش دیانت با انتخاب او از سبزوار - مخالفت او با مش دیانت سرقضیه خواربار (تدین مدتی وزیر خواربار بود) - عضویت جمعیت مرشد هشتی (دشتی نویسنده معروف) - مخالفت او با افسار و افسار با او سراعانه ارومیه - دو استیضاح در عمر کرسی نشینی - نطقهای مفصل : برنامه ها - مخالفت با سنبل شائیان (گل شائیان که چند مرتبه بوزارت رسیده است) - طرفیت با دکتر صدقه (دکتر صدیق اعلم چند مرتبه وزیر فرهنگ بوده) - ضربت خوردن و فلفل میل کردن از عده مجهول - شب ۱۷ اسفند (در دوره چهاردهم چند تن اشخاص نا شناس شبانه بآقای طباطبائی حمله کرده و او را مضروب ساختند) - خانه و عیال و اولاد - يك باغ شمیرانی - يك اتومبیل - يك موتور فرسوده - يك بشکه آب برای موتور اتومبیل - هر کیلومتر - استفاد ه جوشاندن آب از موتور نامبرده - شوهر - يك چا پخانه مستقل خریداری از اتفاقیه - تعطیل روزنامه از اواسط دمکراسی (منظور همین روزنامه تجدد ایرانست) - مخالفت با مجله رسمی - مخالفت با استخدام دولت - صراحت و رکی زیاد - از رورفتن - قوه نطق و بیان - خونسردی زیاد - صمیمیت - لجاجت - خراجی - محل غیر معلوم - غرور بیجا - نگاه تحقیر آمیز - کائنات محمد بن سعد - شهرور به تباستانی تقدم . ۴ شماره ۱۱۸ روزنامه باباشمل .

(۳۷۲) تحفة الادبا

مجله تحفة الادبا در اصفهان بمدیری (عبدالحمین بنان زاده متخلص بدیروملقب به ادیب الممالک) تاسیس و شماره اول آن در چهل صفحه بقطع کوچک با چاپ سری ؛ در مطبعه (جبل النین) طبع و در تاریخ شعبان ۱۳۴۰ قمری مطابق برج حمل ۱۳۱۰ شمسی منتشر شده است . محل اداره مجله : اصفهان . باغ حاج بنان السلطنه جنب مریضخانه وجه اشتراك سالیانه آن در اصفهان ۲۵ قران، شش ماهه ۱۴ قران ؛ در سایر شهرهای ایران بکساله ۳۰ قران و در خارجه ۴۰ قران است . تك شماره دو قران .

حرف ت بعده الحاء

نخبة الادبا

بشاگردان مدارس و بنات محصله نصف آبونه تخفیف داده شده است . قیمت اعلانات در مجله سطرى يك قران و برای کارگران و ارباب صنایع سطرى پنجشاهی است .
تخفیه الادباء مجله ایست ماهیانه و مندرجات آن عبارت است از مقالات علمی ، ادبی ، اخلاقی و تاریخی که اغلب بقلم دانشمندان اصفهان تهیه شده و در هر شماره از مجله نیز اشعاری از مدیر مجله و شعرای دیگر انجمن دانشکده اصفهان چاپ شده است . (از انجمن دانشکده در حرف دال کتاب کلمه دانشکده اصفهان ، گفتگو خواهیم کرد)

مقاله افتتاحی مجله که خوانندگان را بعزت پیدایش و مندرجات مجله آگاه مینماید تحت عنوان (مرام و مسلک - مقصد و مقصود ما) نوشته شده و بدین قرار است
« مرام و مسلک - مقصد و مقصود ما . اکنون که با يك قلم بیفرض و بایك مسلک بی آلايش مجله علمی و ادبی و اخلاقی تخفیه الادباء قدم در عالم مطبوعات ایران می گذارد قبل از همه چیز البته قارئین گرام مایلند مرام و مسلک ، مقصد و مقصود ما را بدانند ما هم مختصراً شرح میدهیم . نظر باینکه مقام قلم را درانظار متمدنین عالم منیع تر از هر مقامی دیدیم و شرافت قلم را بیشتر از هر شرافتی پنداشتیم - اما چه قلمی قلم حق نویس . چه قلمی قلم پاک بی آلايش بالاخره چه قلمی قلمی که از حقایق چشم نبوشت و بناحق نگردد این بود که بانیات مقدس قلم مقدس را در دست گرفتیم و داخل خدمات نوعیه میشویم امیدواریم اگر موانع روزگار بگذارد و دست اجل دامگیر نشود حتی المقدور خدمات نمایانی بافکار عامه نموده و سابقه درخشانی از خود در صفحات تاریخ بادگار بگذاریم . یگانه اتکاء ما بعد از فضل خداوند متعال بكمك فکری و قلمی معارف پروران حقیقی بوده و می باشد . اینك ابقلم ما از توفعل میخواستیم نه قول زیرا قول فقط تا اندازه ای که فعل را در جرّ هوا پرورش دهد بس است . ما وقتیکه تورا در دست گرفتیم از تو ایجاد فعل خواسته و میخواستیم . فعلیت تو ابقلم نهضت است نهضت . ابقلم ما باستقامت و با فشاری تامه در راه ملت و مملکت خود تورا در دست گرفته باهر حوادثی مقاومت خواهیم کرد . اینك ما از هر آلايشی پاکیم و قلم پاک در دست گرفتیم ما جامه های ناپاک را بگازران حوالت میدهیم که بسنگش زنند . نه بعفت قلم که با نا پاکسی جامه اندوده گردد . » از قسمت های مفید مجله مقاله ایست در باره مقایسه زندگانی قدیم و جدید بقلم آقای جابری انصاری و در آن قیمت اجناس و انانیه زندگی در قدیم با قیمت کنونی آنها مقایسه شده ، قیمت ها بیول تومان ذکر شده است . دیگر از مندرجات مفید و خوب مجله کتاب (تخفیه الوزراء تالیف میر عماد الحسنی خطاط معروف عصر صفویست) این کتاب را میر عماد در چهل باب برای شاهزادگان صفوی تالیف نموده و بنا بر نوشته مدیر مجله اصل کتاب بخط میر عماد در دست او بوده و از روی نسخه اصل در مجله استنساخ شده است . در آخر باب چهلیم کتاب امضای عماد الحسنی و سنه ۱۰۰۰ دیده میشود (رجوع شود بصفحات از ۱۹ تا ۲۱ شماره دوم و صفحات ۱۳ تا ۱۵ شماره سوم سال اول مجله)

حرف ت بعده الحاء

تحفة الادباء، تحقیق؛ تخت جمشید

همانقسم که قبلا یاد آور شدیم يك قسمت از مندرجات مجله تحفة الادباء اشعار شعراي انجمن ادبی از قبیل احمدی بختیاری؛ آتش؛ دبیر؛ غمکین؛ ساکت و غیره است و منجمه شماره ۷ سال اول مجله بنام (تحفة الحسینی) و منحصرأ اشعار شعراي انجمن ادبی اصفهان در آن درج و منتشر شده است. این اشعار تماماً در مرثیه حضرت سیدالشهدا است. سال اول مجله با انتشار شماره دهم مورخ اسفند ۱۳۰۱ مشتمل بر ۳۵۴ صفحه پایات یافته و در آخر این شماره مدیر مجله وعده داده است که در سال دوم مجله را با مزایای بیشتر و طبع بهتری منتشر سازد ولی نگارند. تا کنون نمونه از سال دوم مجله بدست نیاورده است.

عبدالحسین بنان زاده

عبدالحسین بنان زاده که در شعر دبیر تغلص مینموده طبق فرمانی که در شماره نهم مجله چاپ شده از طرف سلطان احمد شاه در تاریخ جمادی الثانی ۱۳۴۱ قمری ملقب به (ادیب الممالک) گردیده است. عبدالحسین فرزند مرحوم خلیل در سال ۱۳۱۷ قمری در بروجن متولد شده وی دارای ذوقی سرشار و علاقه تامی بادییات داشت و از این جهت مدت زمانی عصرهای جمعه شعراي اصفهان در منزل او مجتمع شده بخواندن و انتقاد اشعار میپرداخته و با اصطلاح انجمن ادبی اصفهان در منزل او تشکیل میشده است. از آثار او مجله تحفة الادباء و روزنامه گیتی نما (از این روزنامه در حرف کاف کتاب بتفصیل گفتگو مینمائیم) و رساله (جشن جفدها) که آنرا بنظم سروده است. مرحوم ادیب اشعارش دارای حلاوت مخصوصی است و بطرز قدیم و جدید هر دو شعر و تصنیف سروده است. ادیب در آبان ۱۳۱۳ شمسی مطابق رجب ۱۳۵۳ قمری پس از يك کسالت ممتدی در اصفهان رحلت نمود.

(۲۷۳) تحقیق

در سال ۱۳۰۹ شمسی روزنامه بطور هفتگی بنام تحقیق در طهران منتشر شده است.

(۳۷۴) تخت جمشید

روزنامه تخت جمشید بمدیری آقای (دانشی) مدیر دبستان دانش، در شهر شیراز تاسیس و شماره اول آنرا در چهار صفحه در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۰۳ شمسی منتشر نموده. این روزنامه مدتی هفتگی بوده و از اول سال ۱۳۰۹ بطور یومیه عصرها در چهار صفحه منتشر میشده است. تخت جمشید تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ هفته سه بار هرنوبت در ۲۵۰ نسخه انتشار یافته و خصوصیات آن بدین قرار است: محل اداره شیراز. تخت جمشید. قیمت اشتراك پس از یومیه شدن: سالیانه شیراز ۷۰ ریال؛ شش ماهه ۴۰ ریال؛ داخله ایران ۸۰ و ۴۵ ریال. خارجه قیمت پست اضافه میشود، تک شماره ۶۰ دینار. بعد از روز انتشار قیمت با دفتر اداره است. قیمت اعلانات صفحه اول سطری دو قران. دوم يك ریال. اسم روزنامه (تخت جمشید) بخط

حرف ت بعده ال دال

تخت جمشید، تدین

نستعلیق نوشته شده و در داخل آن سال تاسیس (۱۳۰۲) درج است . لازم است یاد آور شویم که آقای دانشی قبل از نشر روزنامه تخت جمشید روزنامه دانش پژوهان را در شیراز منتشر مینموده و پس از نشر ده شماره از این روزنامه درصدد تخصیص امتیاز دیگری بر آمده و روزنامه تخت جمشید را در تاریخ مذکور فوق منتشر ساخته است از اینرو آغاز روزنامه نگاری او سال ۱۳۰۲ شمسی است .

(۳۷۵) تدین

روزنامه تدین بمدیری و صاحب امتیازی (فخرالاسلام) حر طهران تاسیس و شماره ۱۱ سال اول آن در تاریخ اول شعبان ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . در بالای اسم روزنامه (تدین) که بخط نستعلیق درشت نوشته شده **بسم الله الرحمن الرحيم** و جمله (هوالدیان) درج و در زیر اسم روزنامه تاریخ تاسیس (۱۳۲۵ قمری) چاپ شده است . عنوان مراسلات و تلگرافات طهران . بازارچه خنق . قیمت اشتراك سا ایانه : طهران ۱۲ قران ؛ سایر ولایات داخله ۱۷ قران ؛ روسیه و قفقاز ۴ منات . هندوستان ۷ روپیه . قیمت يك نسخه ۲ شاهی در طهران . داخله ۳ شاهی . خارجه ۴ شاهی . اعلان سطری بکفران . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و شماره ۲ سال سوم آن ۱۶ رجب و شماره ۷ این سال سه غنیه ۲۱ شعبان و شماره ۱۶ این سال سه شنبه ۲۵ شوال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده . تدین در چهار صفحه بقطع ۶ سه چهارم در ۱۲ سانتیمتر ، با چاپ سربی (مطبعه شرقی) طبع و توزیع گردیده است .

در زیر عنوان هر شماره روزنامه بدین قسم معرفی شده است : « جریده ملی مذهبی ؛ اخباری ؛ سیاسی ، تاریخی ، اخلاقی ، علمی ، اقتصادی . سؤالات مذهبی از هر کس درج و جواب میگردد و هفته دو روز زبان توره و انجیل درس و قانون مناظره دینی تعلیم میدهد . ۴۰ مندرجات روزنامه عبارت است از مقالات مختلف راجع بفواید مشروطه و آزادی و قسمت مختصری از اخبار ولایات . و نیز در هر شماره مقالات مذهبی در باره دین اسلام و مسیح و مطالب دینی دیگر از این قبیل درج است . برای اطلاع بیشتر خوانندگان از نوع مندرجات روزنامه فهرست مقالات شماره ۱۱ سال سوم آنرا نقل مینمائیم : شهادت تدین . بشارت . انسان را خدا بهیئت مشروطه خلق کرد . فتوت و مردانگی ظل السلطان . ارومیه . مکتوب شهری . مکتوب از نجف اشرف . مکتوب دوم ایضا از نجف اشرف ، حضرت ستار خان باردیل و اطراف امنیت داد . از روزنامه تدین فعلا تا شماره ۴۷ سال سوم مورخ سه شنبه ۶ جمادی الثانی ۱۳۲۸ قمری در دست است .

ملا صادق فخرالاسلام

ملا صادق ملقب بفخرالاسلام اصلا از آسوریهای ارومیه ولی در امریکا زائیده شده و سپس مهاجر گردیده و بطهران آمده و بهمین جهت او را جدیدالاسلام لقب دادند .

حرف ت بعده الذال

تدین، تذکر

وی در آغاز مشروطیت از پیروان مرحوم طباطبائی بود و بدستور او با کشیشان به مباحثات مذهبی میپرداخت و این گفتگوها را در روزنامه اش بچاپ میرسانید. در شماره ۱۹ سال هشتم روزنامه حبل المتین مورخ ۲۸ شوال ۱۳۱۸ قمری راجع بفخرالاسلام این طور مینویسد: «جناب مستطاب آقای فخرالاسلام که در سوابق ایام در میان طایفه نصاری از قسیمین عظام و از کشیشان والا مقام بود بهدایت ملك علام قریب به ۲۵ عام است در شرف اسلام در آمده اند. شرح حال خود را در صدر کتاب (انیس الاعلام فی نصره الاسلام) مسطور داشته اند. بعد از هدایت مدتی در عجم بتحصیل علوم اهل اسلام اشغال ورزیده و بعد از آن بعتبات عالیات عازم در آنجا زحمات کشید و تحصیل نمود تا برتبه اجتهاد رسید از علمای آنحدود اجازه اجتهاد و بطرف عجم قرار معاودت نهاد. بعد از زیارت حضرت ثامن الائمه بطهران رسید و بامر شاه شهید به تصنیفات مشغول گردید تا کنون کتب متعدده مرتب ساخته که در حقیقت لوای اسلام را بر افراخته و برق کفر را برانداخته است. کتاب انیس الاعلام فی نصره الاسلام که از جمله مصنفات ایشان است دو جلد میباشد. جلد اول آن قریب سه سال است طبع و منتشر شده و جلد دوم آن را جناب رکن الملك دستور طبع آنرا داده اند.»

علاوه بر انیس الاعلام چند کتاب دیگر از فخرالاسلام بطبع رسیده ۱- خلاصه الکلام فی افتخار اسلام در حقیقت ادیان سکنه روی زمین و ترجیح اسلام بر سایر ادیان ۲- بیان الحق جلد اول از مجلدات ده گانه در جواب الهدایه و غیره و اثبات اینکه (قرآن کلام الله و محمد رسول الله) است ۳۰- جلد چهارم بیان الحق در اثبات نبوت خاصه.

(۳۷۶) تذکر

مجله تذکر در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (حسین زبده) تاسیس و شماره اول آن در ذی الحجه ۱۳۴۰ قمری مطابق اسد ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. مجله تذکر همراه دومرتبه در ۲۲ صفحه بقطع کوچک که جملاً ۶۴ صفحه می باشد انتشار یافته، وجه اشتراك آن بدین قرار است: مرکز و ولایات ۳۶ قران، شش ماهه ۱۸ قران. بلاد خارجه سالیانه ۵۰ قران، شش ماهه ۲۵ قران، قیمت هر شماره يك قران است. شمار مجله که در بالای صفحه اول چاپ شده این آیه قرآن است: «تذکر فان الذکری تنفع المؤمنین» و در زیر آن نام (مجله تذکر) بخط نسخ درشت با ذکر سال تاسیس (۱۳۴۰) درج است. محل اداره: طهران. سرآب وزیر، کوچه حمام نورالدوله نمره ۱۱. عنوان تلگرافی (تذکر)

تذکر چنانچه روی جلد آن معرفی شده مجله ایست: دیانتی؛ اخلاقی؛ ادبی و مندرجات آن بیشتر مقالات مربوط بتفسیر آیات قرآنی و اموردینی و اخلاقیست و طبق اعلانی که روی جلد مجله شده اداره مجله مقالات دیانتی و اخلاقی و ادبی را با کمال امتنان میپذیرد. از مجله تذکر نگارنده تا شماره نهم سال اول مورخ دلو ۱۳۰۱ شمسی را در دست دارد.

حرف ت بعده الذال

تذکر، تذکرات دیانتی

روزنامه جنت مورخ ۵ شنبه ۱۵ سنبله ۱۳۰۱ شمسی طلوع مجله تذکرات بدین قسم بیان کرده است: «مجله شریفه تذکر که بهترین مجلات علمی میباشد بقلم جوان دانشمند آقای آقا میرزا حسین خان زبده اخیرا شماره اول آن افق مطبوعات مرکز را روشن نموده است.»

(۳۷) تذکرات دیانتی

مجله تذکرات دیانتی که از انتشارات (جمعیت دیانت اسلامی) شهر تبریز است در سال ۱۳۴۵ قمری در شهر مذکور تاسیس و ماهی دو مرتبه طبع و توزیع شده است. جمعیت دیانت اسلامی که مجله مذکور از نشریات آنست بر سرستی آقای (شیخ غلامحسین آقا) و هیئتی از روحانیون تبریز، عصرهای جمعه؛ چهار ساعت بغروب مانده تشکیل میشده و مذاکرات پیشوای روحانی آقای شیخ غلامحسین بوسیله بعضی از اعضای مجمع برشته تحریر آورده و از طرف جمعیت دیانتی برای استفاده عموم طبع و نشر شده است. شماره ۱۸ سال دوم آن که دارای نمره مسلسل ۴۲ میباشد در ۱۵ شهر محرم الحرام ۱۳۴۷ قمری در ۱۱ صفحه بقطع خشتی و با چاپ سری (مطبعه سعادت تبریز) چاپ و منتشر گردیده محل اداره آن کوچه مجتهد. جمعیت دیانت اسلامی؛ وجه سالیانه آن: تبریز ۵ قران سا بر ولایات داخله ۶ قران یکمبایسی. خارجه ۷ قران دو عباسی: از همه آقاییان کلیه وجه قبلا دریافت میشود.

هما تقسم که یاد آور شدیم مجله تذکرات دیانتی نشریه جمعیت دیانت اسلامی تبریز بوده و از اینرو مدیرمسئولی برای آن معرفی نشده است. غرض و مقصود از تاسیس و نشر مجله مذکور چنانچه در شماره ۳۶ سال دوم ذکر شده از این قرار است: «چون اشاعه تذکرات دیانتی برای راهنمایی و هدایت جامعه می باشد و مندرجات آن عبارت از تذکرات شفاهی قائم بزرگوار است لذا هرگاه رکاکتی در الفاظ و جملات آن پیدا شود بواسطه آنستکه انجمن منشی کامل و بلیغی ندارد ولی اگر در مطالب آن ابرادی هست کتباً بجمعیت دیانت اسلامی کوچه مجتهد ابلاغ نمایند. و چون منظور راهنمایی مردم بوده و استفاده مادی در نظر نبوده وجه اشتراك آن فقط برای کاغذ و طبع مجله لازم بوده لذا قیمت اشتراك خیلی تنزل داده شده.»

مندرجات مجله چنانچه از اسم آن نیز پیداست منحصرأ مطالب دینی ورد شبهات ملحدین از قبیل بابیه و سایر فرق است. برای نمونه فهرست بعضی از شماره های مجله را نقل مینمائیم: «نورالهی کدام است و جمال الاهی چه معنی دارد و وجه الاهی کیست. (این مقاله در شرح دعای مقدسه اللهم انی اسئلك من جمالك باجمله تا آخر.) بابیه و بهائیه خدای متعال را نشناخته اند که بمقام ربوبیت باب و بهاء قائل شده اند. کتاب الاهی باید با بهترین اسلوب خداشناسی را بیان نماید. کشف از تزویر. نطق تیس. انا تولیسکوس. علت بدبختی. تمنای توجه از عموم حقیقت طلبان.»

از مجله تذکرات دیانتی فعلا تا شماره ۳۶ سال دوم مورخ ۱۵ شهر شوال ۱۳۴۶ قمری در دست است

یکی از روزنامه‌های مفید که مدت نه سال تمام با مقالات ادبی و تاریخی منتشر شده روزنامه تربیت است . این روزنامه که بصاحب امتیازی و مدیری (ذکاء الملک) در طهران تاسیس شده بعلت اشتمال آن بر مقالات سودمند و مفید پیوسته طرف توجه دانشمندان بوده و بخصوص از لحاظ نشر فارسی و زیبایی خط کمتر در میان روزنامه‌های فارسی زبان نظیر و مانند دارد و از اینرو جای آنرا دارد که ما بتفصیل از آن گفتگو نموده و جزئیات آن را شرح دهیم .

نمره اول روزنامه تربیت در چهار صفحه بقطع بزرگ (قطع جراید آغاز مشروطیت) با چاپ سنگی ؛ بخط نستعلیق خوب و کاغذی مرغوب ، طبع و در تاریخ پنجشنبه یازدهم شهر رجب ۱۳۱۴ قمری مطابق هفدهم دسامبر ماه فرانسه ۱۸۹۶ میلادی منتشر شده است . طبق معمول جراید قبل از مشروطیت در گوشه عنوان روزنامه جمله (با اجازه وزارت جلیله انطباعات) چاپ شده (۱) و بالای اسم روزنامه جمله (هوالمعین) درج است . قیمت روزنامه در داخله نمره ۵ شاهی و در خارجه اجرت پست علاوه شده . در ستون اول شماره اول شرحی بدینقسم تحت عنوان (اعلان) درج است : « اعلان . ییاری قادر متعال جلت حکمت و قدست اسماء و با اجازه وزارت جلیله انطباعات این روزنامه هفتگی موسوم به (تربیت) شروع بطبع نمود و دری از مفاوضت بروی ارباب دانش گشود . هر کس حرفی سودمند داشته باشد بواسطه این جریده میتواند

بگویند و در راه حب
وطن کامی و راهی بیوید
این ورقه مشتمل بر هر
گونه مطلب مفید است و
از قید اغراض و رسمیت
و مدح و قدح و غیرها فارغ
و آزاد قیمت آن سهل و
مناسب نه بجانا با حدی
داده میشود نه حکما در

[illegible]

سرلوحه روزنامه تربیت

خبرپرداری آن هر نفسی، مختار است و عالم عالم اختیار .»

پس از اعلان فوق مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (آغاز سخن) شروع میگردد . در این مقاله پس از ذکر دو صفحه در باره مدح خداوند و درود بر پیغمبر اکرم و بیان فضیلت انسان چنین مینویسد : « وزارت جلیله انطباعات چون از مقاصد سنیه و مدارك هلیه و حسن نیت و خیال بلند مهر مانند اعلیه حضرت شهریار فرخنده آثار و پدر مهربان تاجدار ما شاهنشاه کار آگاه مظفرالدین شاه روحنا فداء خیردار است

(۱) برای اطلاع از این قسمت رجوع شود بمقدمه جلد اول کتاب

حرف ت بعده الرء

تربیت

بما اذن داد که این روزنامه هفتگی موسوم به تربیت را طبع کنیم و منتشر سازیم و در دورهای اخیری مسابقه و اسب تازی خودی در این مضمار اندازیم دست و پائی بکنیم و بصاحبان آبرو رومی بزنیم (بلکه با این قد چوکان شده گویی بزنیم) ما هم به پشت گرمی مکارم میزدوله بارادر بلندترین پله نردبان دعوی گذاشته جرات کرده بصاحبان بصر و اهل نظر اعلان مینمائیم که یوسفی داریم ۴۰۰۰ سال اول تربیت با انتشار شماره ۵۰۰ خاتمه یافته و اولین شماره سال دوم با نمره ۵۱۰ مورخ پنجشنبه هفتم شهر رجب ۱۳۱۵ قمری شروع میگردد . مقدمه که مرحوم ذکاء الملك برای سال دوم روزنامه نوشته بدین قرار است : « بنام آنکه هستی کشور اوست - همه ذرات عالم لشکر اوست جهان داری که هستی بخش جانهاست و حیات عالم و جان جهانهاست . و بعد سپاس و منت خدای را جل جلاله و هم نواله که عهد معدلت مهد شاهنشاه عالم عادل خسرو باذل دریا دل اعلی حضرت اقدس شهریار خجسته آثار مظفرالدین شاه روحنا فداه را دواژه تجدید تربیت و احیای مدنیت ایران قرار داد و ازحسن نیت این ملک موید ایدالله بنصره تاج افتخاری تازه برسر وطن عزیز ما نهاد توانای بخشنده بر قدرت و توان حضرتش افزایش و عمری طولانی باسلامتش دهد تاهرروز بمآثر جلیله و سعای جمیله مملکت را آباد نماید و رهایا را که فرزندان روحانی این پدر تا جور بلند اختر اند شاد کند .

اعلان

نمره اول از سال دوم روزنامه تربیت است لهذا مجدداً بطالبان ترقی و تمدن و ارباب همت و غیرت اعلان مینمائیم و عرض میکنیم این جریده که باراده سینه ولینعت بهبودی طلب همایون ما خلدالله ملکه و سلطانه برای هرگونه تحقیق و تدقیق آزاد است و با اجازه وزارت جلیله انطباعات هفته يك نمره طبع میشود و هر بانزده روز دو نمره آنرا تقسیم مینمائیم روزنامه ایست اختیاری نه حکما بکسی داده میشود نه مجاناً یا حادی قیمت آن در دارالخلافه طهران طفرای پنج شاهی است و در سایر ولایات و ممالك از خارجه و داخله کرایه پست برآن علاوه میشود و سال دوم عدد نمره های تربیت پنجاه و دو خواهد بود انشاءالله تعالی «

سبک مندرجات و قطع صفحات و وضع چاپ روزنامه در سال دوم بعینه مانند سال اول فقط مختصر تغییری بدین قرار درآن داده شده است : در سرلوحه روزنامه جمله (در دارالخلافه طهران طبع میشود . هرگونه مقاله مفید قبول و درج خواهد شد) اضافه گردیده . و نیز از نمره ۶۸ سال مذکور جمله (بنایت انجمن معظم) و در بالای اسم روزنامه این آیه (لایسمون فیها لنوا ولا کذب) افزوده شده است . غرض از اضافه کردن جمله (بنایت انجمن معظم) این بوده که از تاریخ فوق یعنی پس از نشر نمره ۶۷ انجمنی از دوستان ذکاء الملك بمنظور اداره کردن امور روزنامه تربیت تشکیل شده و یا کمک انجمن، تربیت روزنامه یومیه گردیده است ولی بشرحیکه ذیلا یادآور میشویم یومیه بودن روزنامه زبان زیادی طول نمیکشد و مجدداً

حرف ت بعده الرء

تريت

بطرز سابق یعنی هفتگی منتشر میگردد. در مقاله اول مندرج در شماره ۶۸ پس از ستایش از مظفرالدین شاه در باره تصمیم انجمن چنین مینویسد: «انجمن معظم خیرخواه دولت و ملت جان نثار سلطنت و دوست رعیت عاشق ترقی ایران و سر بلندی این سامان روزنامه تربیت هفتگی را یومیه خراسته یعنی بر آن سراسر است که هر روز مردم مملکت و برادران ما از خوان نعماء فضل و سفره دانش روزی و بهره کاملی داشته باشند ۰۰۰۰۰ پس بعد از این روزنامه تربیت چون گلهای نوزوزی هر صبح شکفته و هر روز مشام جان مشتاقان فضل و کمال و طالبان آگاهی و معرفت را معطر مینماید و خبرهای خوش بدور و نزدیک میدهد ۰۰۰۰ خلاصه چون انجمن معظم بهمت عالی مدد و پشتیبان اداره تربیت شده ما هم از امروز کار را بر فقیر و غنی آسان نموده قیمت روزنامه تربیت را صد دینار قرار دادیم که سهل التناول باشد و ابتیاع آن احدی را مشکل نیاید بهای آب جوی بغرنند و بغوانند و قدر نعمت مسلم را بدانند.»

روی تصمیم بالا نمره ۶۹ روزنامه در تاریخ دوشنبه ۱۲ شهر ذی القعدة ۱۳۱۵ قمری و نمره ۷۰ آن در تاریخ سه شنبه ۱۳ ذی القعدة ۱۳۱۵ قمری منتشر گردیده ولی با وجود این در سبک مطالب و شماره اوراق روزنامه تفاوتی حاصل نکرده است ۰ در نمره نودم سال دوم شرحی تحت عنوان (اعلان اداره روزنامه تربیت) راجع بعمل اداره روزنامه و طرز توزیع آن نوشته که بی مناسبت نیست آن را عیناً نقل نمایم: شرح مذکور این است: «چنانکه بر مطالعه کنندگان پوشیده نیست روزنامه هفتگی تربیت چون این اوقات مبدل بیومیه شده ۰۰۰۰ این اداره در خانه ذکاء الملك مدیر تربیت در حوالی باغ جنت و گلشن و نزدیک باغ و منزل جناب انتظام السلطنه دایر است و اجزاء از شنبه تا پنجشنبه در آنجا حاضر و مشغول کار میباشند روزهای جمعه تعطیل است روزنامه یومیه تربیت همه روزه غیر از جمعه طبع میشود اما یکروز در میان آن را تقسیم مینماییم و هر دفعه دو نمره به مشترکین میرسد پس هفته شش نمره روزنامه بشرف مطالعه قرائت کنندگان مشرف خواهد شد چه در دارالخلافه طهران و چه در سایر ولایات داخله و خارجه ۰ در ولایات داخله همه جا رؤسای پست و کالت اداره تربیت دارند و عمده سروکار با ایشان است و هر کس خواهان این روزنامه باشد باید بر رؤسای مشرالیهم رجوع نماید. هر فصل و مقاله که دانشمندان مملکت بداره تربیت میفرستند از هر جا که باشد باید باسم مدیر باشد همچنین اخبار مرسوله وقایع نگارهای تربیت و سؤال و جواب های مخصوص ۰ اگر احیاناً روزنامه مشترکین مرتب نرسید بمقرب الخاقان سلیمان خان نایب مدیر که مراقب تقسیم و ابصال کلیه روزنامه ها خبر دهند ۰»

نمره ۱۱۱ تربیت پس از یکماه تعطیل در تاریخ سه شنبه غره شهر صفر ۱۳۱۶ قمری منتشر شده و جمله (بعنايت انجمن معظم) از عنوان روزنامه حذف و در عوض (روزنامه آزاد یومیه) افزوده شده است ۰ از این نمره بیشتر مندرجات تربیت اخبار داخله و خارجه است ۰ نمره ۱۲۹ روزنامه در تاریخ پنجشنبه پنجم شهر جمادی الاول و نمره ۱۳۰ آن در تاریخ پنجشنبه ۲۶ شوال ۱۳۱۶ قمری پس از چند ماه تعطیل انتشار

حرفات بعده الراء

آریت

یافته . از نمره ۱۳۰ روزنامه بوضع سابق یعنی هفتگی شده و در عنوان آن (روزنامه آزاد هفتگی) قید گردیده است . از شماره مذکور سال سوم روزنامه شروع شده و دو این سال دو فرغه بالدار روی نام روزنامه قرار گرفته است . مقاله افتتاحی سال سوم بدینقسم شروع میگردد :

سبحه تبارك و تعالی

گفتم که بگو شه چو سنگی بنشینم و روی دل بد یوار
دانم که میسر م نگردد تو سنگ در آوری بگفتار
هر آدمی که در عنصر و گوهرش چیزی از ماده غیرت باشد و در سرشت و طبیعتش
بیش یا کمی از خمیر مایه حمت
بدین نحو روزنامه تربیت مدت نه سال چهارصد و سی و چهار نمره در ۲۴۹۲

صفحه منتشر شده و آخرین شماره آن در تاریخ پنجشنبه ۲۹ شهر محرم الحرام ۱۳۲۵ قمری و بشماره ۴۳۴ توزیع و خاتمه یافته است . پس از انتشار نمره ۴۳۴ بعلت ضعف و پیری و ناتوانی ذکاء الملک از کار روزنامه دست کشیده و ملت ایران را از رشحات قلمی خود دیگر محروم ساخته و پیش بینی عدم انتشار روزنامه را در آخرین شماره سال نهم بدین نحو بیان کرده است : « چون در این وقت حال اداره تربیت بدرستی معلوم نیست و معین آنکه در اوایل سنه آتی قوی ثیل ما روزنامه نخواهیم داشت از مدیران محترم جراید درخواست میکنیم آن روزنامه هائی را که بعنوان مبادله با اداره تربیت ارسال میفرمایند نفرستند زیرا که عوض آنرا نداریم و این فقره اسباب شرمندگیست اگر روزنامه تربیت بخواست خدا باز دایر شد و از طبع خارج گشت و دیدند آنوقت در ارسال و عدم آن مختارند » متأسفانه عمر مدیریت تربیت وفا ننمود و روزنامه برای بار دیگر منتشر نگشت و برای همیشه تعطیل شد بنا بر این عدم انتشار تربیت بمیل و اراده مدیران بوده و مبتنی بر ضعف و ناتوانی و سستی قوا بوده است . مرحوم ذکاء الملک از پیشقدمان مؤسسين و مدیران جراید مملکت ایران است و با شرکت در تهیه مقالات و ترجمه های روزنامه های اطلاع و ایران و تاسیس روزنامه تربیت خدمت بزرگی با بناء و طن نموده و بطور قطع میتوان گفت انتشار مرتب و منظم نه ساله روزنامه تربیت سهم مهمی در بیداری ایرانیان از خواب غفلت و آماده نمودن آنها برای گرفتن « مشروطیت داشته است » برای تکمیل این قسمت بی مناسبت نیست شرحی که بقلم مدیر روزنامه با عباراتی شبوا در شماره آخر سال نهم تحت عنوان (بیان حال) ذکر شده بعینه نقل نمائیم : « بیان حال - روزنامه تربیت دوره کاملی طی نمود و بنده ضعیف را هرگز این گمان نبود ، چه در ساحتی که بنگاه آفت و مغافت باشد تنها و بی سلاح گشتن و با پای چوبین از پلی خراب صبح و سالم گذشتن کاریست که بعقل بر نیاید مگر حسن اتفاق کمک نماید و دست غیب همراه باشد و پای سعادت بمیان ، برکات رای پیر و کارسازی بغت جوان باری بهر جهت آنوقت که من بنده بنگارش این جریده شروع کردم بیش از يك مطلب در نظر نداشتم و آن خیر مملکت بود هر چند فایده شامل ملت و دولت و عمر وزید ... میشد . اما حالا که ملاحظه

حرف ت بعده الراء

تربیت

میکنم میبینم خدمت سلطنت بر سایر خدمت‌ها چربیده و عمده منفعت باین محل مقدس رسیده و آنها که در معنی سفته اند حسب حال را گفته‌اند.»

روزنامه تربیت علاوه بر مقالات مفید و ترجمه‌های نافع که با عباراتی دلکش داراست، باورقیهای مفید چه بصورت کتاب و چه بشکل ترجمه از کتب و رسائل خارجی در آن درج شده که بدکتر بعضی از این باورقیها می‌پردازیم. قسمتی از ترجمه باورقیها بقلم مرحوم میرزا محمد علی فروغی فرزند ذکاء الملک است. باورقیهای روزنامه از شماره دوم شروع میگردد و باورقی شماره‌های اولیه مقالاتی راجع باختراع فن طبع است که تا نمره ۱۰ روزنامه ادامه دارد و در نمره ۱۰ ترجمه حال (گوته‌برک) درج شده. از نمره ۱۱ مقاله نواب عبد الله میرزا عکاس مخصوص راجع بن عکاسی بعنوان باورقی چاپ گردیده. از نمره ۲۱ رساله (مفتاح العلوم نیز الملک وزیر علوم وقت) درج شده و این رساله بصورت سؤال و جواب و باین عبارات شروع میگردد: «بسم الله الرحمن الرحیم. مقدمات در منشاء حرارت. سؤال؛ حرارت چیست؟ جواب. حرارت بالذات یا فی نفسه عبارت است از حرکت ذره که واقع میشود در اندرون اجسام باسیاله بی وزنی که متاخرین (ایتر) مینامند. ماضی و حال سیستان- فواید مجلس شورای ملی نظامنامه کتابخانه ملی. و از این قبیل باورقیها در روزنامه زیاد است.

در نمره ۴۲۷ بعضی سرقاله (نظامنامه اساسی مجلس شورای ملی) چاپ شده و قبل از آن مقدمه ذکر شده که قسمت اول آن این است:

«بیا تا گل برافشانیم و می‌درس‌اندازیم - بساط کهنه برچینیم و طرح نو دراندازیم. نظامنامه اساسی مجلس شورای ملی که قانون اساسی دولت علیه ایرانست و چندی مشغول ترتیب و جرح و تعدیل آن بودند عاقبت بامضای اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه جمجه شهریار خیرخواه کلر آگاه پادشاه رعیت پرور عدالت‌گستر طرازنده تخت و تاج کیان انوشیروان عصر و زمان السلطان بن السلطان بن السلطان مظفرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه رسید. و صدق بتصدیق حضرت اقدس ارفع امنع معظم شاهنشاه زاده اعظم محمد علی میرزا ولیمهد گردون مهد دولت علیه ایران گشته روز سه شنبه شانزدهم شهر ذی القعدة الحرام سنه هزار و سیصد و بیست و چهار هجری مطابق روز اول ماه ژانویه سال ۱۹۰۷ میلادی»

ساقا در مقدمه جلد اول کتاب، جائیکه گفتگو از وضع و تاریخچه جراید در بین بود یادآور شدیم که قدیمترین روزنامه ملی که امتیاز آن داده شده و عنوان (روزنامه آزاد ملی) را داشته روزنامه تربیت است. اکنون بی‌مناسبت نیست در تایید آن گفتار خود شرحی را که مرحوم ذکاء الملک مدیر تربیت در این باره در نمره ۴۲۴ روزنامه درج کرده بعینه نقل نماییم. آن شرح این است: «سیر و رورانه تربیت و حالت حالیه آن - در سلطنت با میمنت مظفری بزرگتر دولتی که رونمود آزادی بود و آن نخست روزنامه هارا شامل شد بعد باید عموم مملکت گردید و خاص و عام از آن بهره مند گشتند. در این دوره اول کسیکه قلم برداشت و قدم در راه ارادت گذاشت من بنده بودم که با

حرف ت بعده الرء

تربیت

مشکلات بسیار تصادف نمودم؛ خارمیلان خوردم و بار غولان بیابان را بدوش بردم اما الهة الله که سفینه امیدم بساحل رسید و در روی مقصود دید بزم بعضی روزنامه تربیت اسماً آزاد بوده نه رسماً و این تصویر است که عقل عاقل تصدیق ننماید و بسیاری دانند که این بنده بی سر رشته نیستم. سالها در اداره انطباعات گذرانده و از کثرت نوشتن سیاه ها سپید کرده دقایق عمل و معنی آزادی را میدانم و دوره کار را تمام طی نموده ام ۰۰۰۰ اما جناب مستطاب اجل اکرم اعتماد السلطنه وزیر انطباعات و والترجمه همایونی ادام الله اقباله العالی از موارد دیگر بیخبرم لکن در مورد تربیت و آزادی آن انصاف میدهم که موید بوده و مانع نبوده و همواره مساعدت فرموده و کدام دلیل از این روشن تر که در آخر سال گذشته و اول هذمه السنه که من بنده دست از نگارش این روزنامه کشیده بودم از بزرگان که اصرار بلکه حکم بنویشتن آن فرمود جناب مستطاب اعتماد السلطنه بود در همانوقت این مطلب را در روزنامه نوشتم باری غرض براءت ذمه وزارت انطباعات نیست و فلاحکاری باین کار ندارم مقصودم اینست که روزنامه تربیت از قدم اول آزاد بوده و بدون هیاهو هنری شکر ف نموده از هر در سخن رانده و رهروان را باستقامت خوانده ۰۰۰۰

هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و بخط نستعلیق متوسط نوشته شده کاتب روزنامه (زین العابدین پسر میرزا شریف قزوینی) است که در هر شماره بامضای (کتبه زین العابدین) امضا کرده است . این میرزا زین العابدین ملقب بملك الخطاطین قزوینی از خوشنویسان عصر اخیر بوده و دوره های روزنامه تربیت بهترین گواه حسن خط اوست . برای اینکه تا اندازه از احوال این خوشنویس اطلاع حاصل شود بی مناسبت نیست شرحی را که در نمره ۱۶۴ تربیت راجع بفرمان ملك الخطاطی او درج شده نقل نمایم :

« از آنجا که معتمد السلطان میرزا زین العابدین خان خوشنویس قزوینی بعد از استعداد خداداد و قابلیت دست و نظر دقیق عمری در استکمال خط نستعلیق که اشرف خطوط فارسی و از هنرهای مخصوص ممالك محروسه ایران است با استقامت خیال و قدم راسخ و جد بلیغ سعی کرده و این حرفه شریف را که فی الحقیقه از صنایع مستظرفه شمرده میشود بدرجه کمال رسانده و سالها در اداره وزارت انطباعات و دایره تربیت خدمت کرده زحمات و مساعی لایقه مشارالیه در پیشگاه آسمان جاه مطی مشهود گشته بلقب ملك الخطاطین ویرا ملقب و مفتخر فرمودند و فرمان مهر لمعات همایون در این باب شرف صدور یافت »

نکته شایان توجه درباره فروتنی و شکسته نفسی مرحوم ملك الخطاطین شرحی است که در زیر خبر مذکور اداره روزنامه تربیت اظهار نظر کرده آن شرح این است :

« تربیت - چون روزنامه تربیت بخط میرزا زین العابدین خان ملك الخطاطین است خود از فرط شرم و حیا بنگارش خبر متعاقب خود تن در ندادند لهذا این چند سطر را بخط نسخ نویسانده ایم تا امتیاز هنر مندان مخفی و مستور نماند و قدر صاحبان قدر

حرف ت بعده الراء

تربیت

معلوم باشد ۴۰ درست این عمل برخلاف روش و طریقه ایست که فعلا نزد هموطنان گرام معمول است که به بعضی آنکه کار نیک و یا کوچکترین امتیازی را بدست آوردند سعی می کنند بانحاء مختلف و بطرق گوناگون درجراید و رادیو و غیره آنرا منتشر سازند . وجه اشتراك سالیانه روزنامه تربیت بدینقرار است : سالیانه در پابخت دوتومان در سایر ولایات داخله ۲۵ هزار ، در تمام روسیه پنج منات ، در تمام هندوستان ده روپیه در تمام فرنك و ممالك عثمانی و مصر دوازده فرانك . قیمت اعلان سطرى يك قران و اگر مكرر شود تخفیف قیمت دارد .

ذكاء الملك فروغی

یکی از منشیان زبردست و نویسندگان ماهر دوره اخیر ذكاء الملك فسر و غی مدیر روزنامه تربیت است . عده زیادی شرح احوال ذكاء الملك را مجلا و مفصلا برشته تحریر در آورده و ما در بین آنها شرحی را که مرحوم زعيم الدوله مدیر روز نامه حکمت منطبه مصر در شماره ۹۰۵ سال ۱۶ روزنامه حکمت مورخ غره صفر ۱۳۲۶ قمری آورده انتخاب و نقل مینمائیم :

« رب النوع فضل و ادب میرزا محمد حسین خان فروغی ملقب بذكاء الملك است . این مرد بزرگ در ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۵۵ در اصفهان متولد شده و در عصر پانزدهم - رمضان ۱۳۲۵ قمری، در تهران جان بجان آفرین سپرد . پدرش مرحوم آقا محمد مهدی معروف باباباب بوده که هم از تجارت و ادب بهره وافر داشت . مرحوم ذكاء الملك پس از تحصیل مقدمات علوم متعارفه در آن زمان برای اكمال بسوی عراق عرب شتافت در عتبات عالیات از علوم فارغ التحصیل و بایران برگشت سالیان دراز در تجارت و حرفت و ادب انگشت نما بود تا از تجارت ملول گشته و بسیاحت مایل گردید . چهارده سال در داخله و خارجه ایران در گشت بود تا در تهران با مرحوم محمد حسن خان مراغه اعتماد السلطنه وزیر مطبوعات و دارالترجمه همایونی، که مورخ اول درجه ایران است آشنا شد و او را در تالیف و ترجمه مساعد و معاون گردید و روزنامه اطلاع را میدانت جولان خیالات و وطن پرستی دیده و تاسیس کرده و در آن عصر استبداد صرف گاهی بلمز و غمز و گاهی باشاره و رمز و هنگامی بکنایه و تصریح تاخر ملت و دولت ایران را بیان کرده تا اینکه مرحوم ناصرالدین شاه آنوجود محترم را مدت دراز زندانی نموده و پرده تیره بروی امید و آرزوهای وی کشیدند . اشعار آبدار عصری را که در زندان سروده بود در سفر تهران پنج سال قبل برایم خوانده هر بیت از آنها بیت القصید . ابناء وطن ارجمند در حریت بود . در اوائل سلطنت شاهنشاه فقید مظفرالدین شاه جبر کسر خاطر او را فرموده ده سال اداره و تعلیم علوم ادبیه را در مدرسه سیاسیه تهران بکف کفایت او سپرد و هم او در آنگاه جریده هفته (تربیت) را بی بهترین اسلوب احداث نمود و سنگلاخها را برای خوش خرامی ارباب قلم صاف و هموار کرد . کتب عدیده . بیارسی تالیف و ترجمه نموده . تاریخ (ساسانیان) و کتب (عشق و عفت و ریحانة الافکار و کلبه هندی و ژرژ انکلیسی) او گواه بر بزرگی آن آزاد مرد سترک بوده امیدواریم

حرف ت بعده الرء

تريت

دو فرزندش آقاميرزا ابوالحسن و برادر والاگهرش مابه تسلي داغديدگان کردند « از کتب مؤلفه او کتاب (بدیع) است که آنرا در سال ۱۳۰۲ شمسی در ۱۲۴ صفحه پستی در مطبعه علمی بطبع رسانیده اند . بقیده نگارنده بهترین سند فضیلت آن مرحوم دوره ۹ ساله روز نامه تربیت است .

همانقسم که در این شرح اشاره شده از مرحوم ذکاء الملك دو فرزند برونند بنامهای ابوالحسن فروغی و میرزا محمد علی فروغی باقیمانده که اولی کمتر وارد سیاست بوده و دومی اغلب دوران زندگی را بامور سیاسی گذرانیده است . چنانکه زمانی رئیس الوزراء و وزیر خارجه، و وزیر دارائی و امور مهمه مملکتی دیگر را بعهده داشته است باوجود این از فعالیت علمی دست برنداشته و کتبی چند از قبیل سیر حکمت در اروپا، و ترجمه فن سماع طبیعی شفا را تالیف کرده است . این پسر لقب ذکاء الملكی را از پدر بارت برده و پدرش آنرا در سال ۱۳۱۱ قمری از ناصرالدین شاه دریافت کرده است . پس از فوت میرزا محمد حسین فروغی ادبا در رشای او اشعاری سرودند و نویسندگان در شرح احوالاتش مقالاتی منتشر ساختند من جمله میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل در شماره ۱۵ روزنامه صور اسرافیل شرح جامع و مفصلي در ترجمه حیات آن مرحوم نوشته که بهمت تفصیل آن ما از نقلش خود داری مینمایم و خوانندگان میتوانند باصل آن مراجعه فرمایند فقط قسمتی از آنرا که مربوط بدوران روزنامه نگاری و خدمات آن مرحوم است برای مزید فایده نقل میکنیم : « مرحوم محمد حسین خان اعتماد السلطنه او را بمصاحبت خویش گرفت و در اداره و اعمال خود معاون خود قرار داد و سالها رئیس اداره انطباعات و دارالترجمه دولتی و نویسنده روزنامه های دولتی بود . آن اوقات مطبوعات اداره انطباعات فقط رسمی و مطالعه آن برای عموم ناس کم فایده بود .

ذکاء الملك اعتماد السلطنه مرحوم را باحداث روزنامه اطلاع که اکنون باقی است و روزنامه های دیگر که دوام نکرده و نشر فواید و اخبار علمی و غیره تالیف کتب مفیده و ادار و ترغیب نمود و در این اعمال با او معاونت کرد چنانکه اکثر کتب و رسائلی که مرحوم اعتماد السلطنه بطبع رسانیده بقلم ذکاء الملك نوشته شده . میتوان گفت اسباب را از کتاب و غیره اعتماد السلطنه فراهم میکرد و کار را مرحوم ذکاء الملك صورت میداد همواره از محنت و رنجی که ابناء وطن در تحت استبداد میکشیدند متالسم بود و از خیال اصلاح فارغ نمیشد چنانکه قریب بیست سال قبل بواسطه بروز بعضی از همین قسم خیالات مبنی بر خیر اندیشی و فراضین خیال شاه شهید را در باره او مشوب کردند و يك چند او را در زحمت انداختند بعد از آنکه مرحوم مظفرالدین شاه بسلطنت رسید ذکاء الملك به بعضی اینک بوی فی الجمله آزادی غنید روزنامه تربیت را احداث کرد و پوشیده نیست که تربیت اول روزنامه آزادی است که در آنوقت در داخله ایران خصوصاً در پایتخت احداث شده است . خدماتیکه این روزنامه بوطن ما کرده علاوه بر معلومات و خوانیدی که منتشر نموده یکی این است که مردم ایران از روزنامه آزرده خاطر بودند تربیت بواسطه شیرینی بیان و مزایای چند که دارا بود مردم را روز نامه خوان کرد

حرف بعدہ الراء

تریت ، ترجمان حقیقت ، ترقی

دیگر اینکه اهل هوش میدانند که تمام مطالب گفتنی را ذکاء الملك در تریت گفته و هنر بزرگ او همین است که چیزهایی را که در زمان استبداد کسی یارای گفتن آن نداشت بقدرت قلم و پرده و حجاب انشاء ادب چنان میگفت که اسباب ایراد نمیشد مع ذلك زحمت و مرارت و صدماتیکه در زیاده از ده سال روزنامه نویسی کشید و آزار و اذیت ها میکه ازدوست و دشمن دید در چند سال آخر عمر که وقت استراحت و فراغت بود بتصور کسانیکه خارج از کار بوده اند در نمی آید تا اینکه در زمستان سال گذشته مبتلی برضی شدید و طولانی شد که بکلی قوای او را تمام کرد و پس از شفای از آن مرض هم دیگر بهال نیامد و از آنجا که عمده زحمت روزنامه را شخصاً متحمل میشد پس از آنکه آن سال بسر رسید ناچار از این کار دست کشید . خدمات دیگر مرحوم ذکاء الملك تدریس و تعلیمی است که در مدرسه علوم سیاسی مدت هفت سال از علوم ادبیه نموده و سه سال هم آن مدرسه را اداره کرده و درسهاییکه در آن مدرسه گفته متضمن مسائل ادبیه ؛ معانی ؛ بیان ؛ بدیع ، ترجمه احوال شعرا و منتخبات اشعار ایشان میباشد هرگاه جمع ومدون شود تالیفی معتبر است . »

(۳۷۹) ترجمان حقیقت

شورا یعالی فرهنگ در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی تصویب نمود که مجله ترجمان حقیقت در شهر قزوین بمدیرى (میرزا علی اکبرخان) منتشر گردد .

(۳۸۰) ترقی

روزنامه ترقی در شهر طهران بمدیرى ونگارندگى (میرزا محمد علیخان طهرانی معروف باسلامبولی) تاسیس و شماره اول آن در ۱۷ صفر ۱۳۲۵ قمری در چهار صفحه بقطع ۶ و سه ربع در ۱۲ سانتیمتر ، با چاپ سنگی منتشر شده است . ترقی هفته دوبار طبع و توزیع میشده ووجه اشتراك آن بعد از سه ماه مطالبه و در یافت میگردد است . در بالای اسم روزنامه (ترقی) جمله (جهان نمای ملی) و در زیر آن سال تاسیس (۱۳۲۵) قید گردیده است . قیمت اشتراك سالیانه آن در دارالخلافه طهران ۱۲ قران ؛ سایر ولایات داخله ۱۵ قران ؛ قفقاز و روسیه ۵۰ منات ممالك عثمانی و مصر ۳ مجیدی ؛ هندوستان ۱۰ روپیه . اجرت پست همه جا بمهد . اداره است . قیمت يك نمره صد دینار و قیمت اعلانات سعتری دهشاهی و در صورت تکرار تخفیف داده خواهد شد . روزنامه ترقی معمولاً در چهار صفحه و هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون و با چاپ سنگی در مطبعه که بموضع نام آن نوشته (رئیس مطبعه شاهنشاهی عبدالله قاجار) طبع گردیده . در زیر عنوان روزنامه ترقی اینطور معرفی شده است : « جریده ایست سیاسی علمی ادبی . در هر ماه هشت نسخه طبع و توزیع میشود . » شماره دوم ترقی در تاریخ پنجشنبه ششم صفر منتشر شده و مندرجات آن عبارت است از مقاله بعنوان (بقیه قانون از نمره يك) و مقاله (هشت مجازات مضاعف می

حرف ت بعده الراء

ترقی

شود بر کسانی که مکرر بر مکرر تقصیر کنند برخلاف احکامیکه قانون تعیین و تصریح کرده باشد) این مقاله دو صفحه و نیم روزنامه را گرفته است .

نمره سوم روزنامه بهمان سبک نمره دوم در تاریخ دوشنبه ۲۴ صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و مندرجات این نمره عبارت از بعضی از وقایع راجع به شروطیت و شرحی در باره شورش میدان توپخانه است . مقاله افتتاحی نمره پنجم ترقی تحت عنوان (کمسیون حفظ الصحه) و قسمت اول آن بدین قرار است : « در چند روز قبل انجمن با شکو هی از اطبای حذاق دارالخلافه طهران منعقد گردیده و پس از مذاکرات لازمه حفظ الصحه با کثرت آراء قرار بر این شد که چند چیز برای صحه دارالخلافه واجب و حتم است و هرگاه تبدیل شود آدم ابوابشرو مواخذه خواهد نمود و او این است که هرگاه قاذورات کلاب و مدفوعات دواب در مجرای قنوات آب نباشد هر آینه مرض گلو درد و کسرا سرایت خواهد کرد و فایده که از این دو ترکیب حاصل میشود تجزیه نمودن آب است برای آشامیدن اهل طهران . . . »

مقالات مختلف روزنامه بامضای (علی بن یوسف زنجانی) و (عبدالحسین طیب یزدی) درج است . نگارنده تا نمره ۸ سال اول ترقی را مورخ چهارشنبه ۱۷ شهر ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری در دست دارد ولی برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۶۲) مینویسد من نمرات ۱۶، ۲۱ و ۲۲ ترقی را دارم . قدر مسلم این است که روزنامه ترقی بمدیری میرزا محمد علیخان طهرانی با پیش آمد بمباران مجلس و انقلاب ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری، تعطیل گردیده و نامبرده جزو محبوسین باغشاه گرفتار شده است . در تصویر دسته جمعی که از محبوسین در دست است، میرزا محمد علیخان ردیف اول نمره ۸ است .

(۳۸۱) ترقی

دومین روزنامه که بنام ترقی در طهران منتشر شده روزنامه ترقی بمدیری و نویسندگی (میرزا لطف الله دانشمند) است . شماره اول سال اول این روزنامه روی يك ورق بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (طهران - خیابان ناصریه) طبع و در تاریخ ۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۲ سرطان ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است، طرز انتشار روزنامه هفته سه شماره بوده و مخصوصا در عنوان آن قید گردیده که روز هاییکه اعلانات و اطلاعات مفیده زیاد باشد چهار صفحه و الا دو صفحه خواهد بود . وجه اشتراك روزنامه سالیانه، داخله ۶۰ قران، ماهیانه ۶ قران . خارجه اجرت پست علاوه میشود . تک نمره ۵ شاهی . محل اداره : طهران . خیابان ناصریه .

در شماره اول بخط درست در زیر عنوان روزنامه این سطر نوشته شده است «باین مجلس فاسد و این وکلای طماع شهوت پرست تصویب امتیاز نفت شمال معال خواهد بود . بقیده ما برای گذشتن این امتیاز يك نهضت اجتماعی و فشار تهدید آمیز غلی لازم است . » مقاله افتتاحی روزنامه بدین قسم شروع میگردد : « بسم الله الرحمن الرحیم . بالاخره اوضاع خراب و جریانات غیر مترقبه مملکت، که هراسانات خاموشی را شعل

حرف ت بعده الراء

ترقی

مینماید ما را ساکت نکند و بهر شکلی بود خواهی نخواهی قلم را بدست ما داده و ما را وارد معرکه جریده نگاری نمود ۴۰۰۰ هر صفحه روزنامه چهار ستون و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی عبارت است از (وقایع داخله) و (وقایع خارجیه) در شماره اول این دو قسمت در پاورقی صفحه اول و دوم نوشته شده ؛ و بعضی مقالات راجع به (قضایا و سیاست خارجی) است . شماره چهارم ترقی در ۲۱ ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق دوم اسد ۱۳۰۳ ، روی يك ورق - بزرگ منتشر شده و سرمقاله آن تحت این عنوان است : « کنفرانس موصل - ترکیه و انگلستان » از این روزنامه فعلا تا شماره ۱۹ مورخ لیلہ دو شنبہ ۸ صفر ۱۳۴۳ فدی در دست است . نکته شایان توجه اینکه شماره اول و دوم روزنامه سال انتشار را ندارد . نگارنده اطلاع کامل ندارد که این روزنامه تا چه مدتی بانتشار خود ادامه داده ولی قدر مسلم این است که در آغاز فروردین ۱۳۰۸ شمسی مجددا روزنامه ترقی با بدایره انتشار گذاشته و بشرح خصوصیات زیر از نو منتشر شده است بنابراین میزان این قسمت از روزنامه را دوره جدیدی برای ترقی دانست .

(۲۸۲) ترقی

روزنامه ترقی بنویسندگی و مدیریت (لطف الله ترقی) در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ دو شنبه ۵ فروردین ۱۳۰۸ مطابق ۱۲ شوال ۱۳۴۷ فمری ؛ در ۴ صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی منتشر شده . طرز انتشار ترقی هفته سه شماره بوده است . قیمت روزنامه داخله سالیانه ۷۰ قران ، شش ماهه ۴۵ قران ، سه ماهه ۲۰ قران ، خارجه ۹۰ و ۴۸ قران .

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (روزنامه نگاری در ایران و تغییرات آن) و باین جملات شروع و ختم میگردد : « بایستی اعتراف کرد همان طور که در اکثر اصول . . اما پروگرام روزنامه . این موضوع سؤالی است که تاکنون عده زیادی از ما کرده اند ما نمیدانیم قبل از عمل باین سؤال چه جواب بدهیم . رفته رفته این یکی از خصایص روحی ما شده است که قبل از عمل حرف زیاد بزنیم و بدون توجه باینکه آیا به عملی کردن این حرفها موفق خواهیم شد یا نه وعده های دور و دراز باشخاص میدهیم ، درچنین جوامع بایستی فقط عمل نشان داد و بس و اینک پروگرام ما عمل ما است هر چه دیدید قضاوت کنید یا مدح یا ذم . لطف الله ترقی » از همین شماره در پاورقی روزنامه (شهنامه فردوسی بتصحیح و مقابله سعید نفیسی) چاپ شده و در صفحات ۳ و ۴ بقطع خشتی مقدمه شاهنامه طبع گردیده و معلوم است که بنا بوده بعدا جدا گانه چاپ گردد . و نیز مقدمه کنایی که بقلم کسروی تبریزی تحت طبع بوده از شماره اول ترقی تحت عنوان (مهاجرت های نازیکنان بایران) چاپ شده است . مندرجات روزنامه علاوه بر پاورقیهای مفید و مقالات مختلف عبارت از اخبار داخله و خارجه بتفصیل می باشد و از اینرو ترقی يك روزنامه مفید خبریست . از اینها گذشته در هر شماره يك سرمقاله اجتماعی و در صفحه چهار اعلانات متعدد درج است . اخبار مجلس نیز به

حرف ت بعده الراء

ترقی ایران ، ترغیب ، ترویج اسلام

تفصیل در روزنامه دیده میشود سرمقاله ها تماماً بامضای (ل . ترقی) یعنی مدیر روزنامه است . از داستانهای مندرج در روزنامه یکی داستان (جن در حمام سنگلیج) و (فاطمه بدبخت) و رمان (خانم هندی) است .
روزنامه ترقی پس از مدتی تعطیل گردیده و تا شهریور ۱۳۲۰ در محلق تعطیل بوده است و از آن پس بصورت مجله هفتگی آبرومندی منتشر شده و اکنون نیز مجله مذکور منتشر میشود . از دوره مجله شدن ترقی در ذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بتفصیل گفتگو خواهیم کرد .

(۳۸۳) ترقی ایران

در چهارم بهمن ۱۳۰۶ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه ترقی ایران را بنام آقای (حسین پرویز) تصویب نموده ولی ظاهراً این روزنامه هیچگاه منتشر نگردیده است . در سال ۱۲۹۳ شمسی نیز روزنامه ای بهین نام بطور هفتگی در طهران تاسیس شده ولی نگارنده نمونه از آن بدست نیاورده ام .

(۲۸۴) ترغیب

در سال ۱۳۰۳ شمسی روزنامه ای بطور روزانه در شهر رشت بنام ترغیب تاسیس و منتشر شده ولی نگارنده تا کنون نمونه از آن بدست نیاورده ام .

(۲۸۵) ترویج اسلام

در شوال ۱۳۴۶ قمری در عمر مشهد مجعی بعنوان هیئت مبلغین اسلام تاسیس گردیده و این مجمع برای نشر و اشاعه افکار خود مجله بنام (ترویج اسلام) منتشر کرده است این مجله هفته دوبار طبع و انتشار یافته است .

(۲۸۶) تشویق

روزنامه تشویق در طهران بمدیری (میرزا سید علی طباطبائی) تاسیس و شماره اول آن در ۸ صفحه بقطع ۶ سه چهارم در ۱۲ و نیم سانتیمتر در تاریخ ۱۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . تشویق روزنامه ایست فکاهی و انتقادی و بتقلید از مقالات (چرند و پرند) صور اسرافیل که بقلم دهخدا نوشته شده ؛ مشتمل بر مقالات انتقادی تحت عنوان (شرور) است . از این روزنامه مجموعاً هشت شماره منتشر گردیده و شماره آخر آن در تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته است . و چه اشتراک سالیانه آن ۱۵ قران در طهران ، ۲۰ قران در سایر شهرهای ایران ۲۵ قران در خارجه است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۶۳) مینویسد من از نمره ۲ تا ۸ این روزنامه را در دست دارم - روزنامه تمین مورخ ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ قمری در شماره ۳۸ سال اول تحت عنوان تقریظ یا اعلان در باره روزنامه تشویق این

حرف بعده الثین

تشویق؛ تعلیم و تربیت

ابنطور مینویسد: «جریده شریفه تشویق که بهترین اسلوبی بتازگی عالم مطبوعات را دینت افزا شده نمره اول آن بداره رسیده الحق جریده ایست پرمغز از سبک و دوش نگارش آن میزان استعداد قلم نگارنده محترم آن بدست می آید. محل اداره طهران. سرای حاج سقا باشی.»

(۲۸۷) تشویق

در آذر ماه ۱۳۰۹ شمسی روزنامه اجتماعی، فکاهی و کاریکاتوری تشویق در طهران تاسیس و منتشر شده است. در شماره دوم سال چهارم مجله دعوت اسلامی مینویسد چند شماره از این روزنامه بدفتر اداره واصل گردیده است.

(۳۸۸) تعلیم و تربیت

مجله آموزش و پرورش که در جلد اول کتاب از آن بتفصیل گفتگو کرده ایم مدتی بنام تعلیم و تربیت انتشار یافته. شرح زیر راجع بدوره ایست که مجله بنام مذکور انتشار شده است.

مجله تعلیم و تربیت که از انتشارات وزارت فرهنگ است بمدير مسؤولی (میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس تفتیش) در طهران تاسیس و شماره اول آن در ۴۸ صفحه بقطع کوچک، با کاغذی خوب و چاپی مرغوب؛ درمطبعه سربی (بافور) طبع و در فروردین ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است. تاسیس مجله تعلیم و تربیت مصداق بسا زمانی بوده که مرحوم مشارالدوله حکمت کفیل وزارت فرهنگ و آقای علی اصغر حکمت رئیس بازرسی آئینوزارتخانه بوده اند مرحوم مشارالدوله راجع بملت انتشار و سبب پیدایش مجله شرحی بنمون حکم وزارت می توان آنرا دستور انتشار مجله دانست؛ صادر نموده و عین آن در شماره اول چاپ شده است. حکم مذکور این است: «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - اداره کابینه - نمره ۹۶۵. حکم وزارت - یگنوع مقاصدی بنظر میرسد که بانتشارمجله که مندرجات آن مخصوص رموز تعلیم و دقایق تربیت میباشد در آئینده بافاده نتایجی که عین همان مقاصد است موفقیت شایانی حاصل خواهد گردید و ضمنا نشر افکار سودمند یعنی افکاری که در آزمایش عملیات تعلیمی بس روشن و مجرب شده اند بآسانی درصفحات این مجله در قالب کلمات آراسته گردیده و هادی طرقی خواهد بود که بنمایش آنرا و طلبات خدمت بتعلیم و تربیت زود تر بآرزوهای دیرینه که در ترقی و تعالی اولاد ایران است موفق خواهند شد. خیلی سهل میتوان باور کرد که از تجارب معلمین که سالهای متضادی بشغل تعلیم اشتغال داشته اند منافع کثیری برای سهولت امر تعلیم در آئینه بدست می آید و بهترین راهی که برای حصول این مقصود و برای مواجه و مقابله نمودن افکار معلمین بدوا و بالنهایه برای تجمع عقاید اکثر آنها بر اصل واحد بنظر رسیده است یکی همین انتشار مجله است که فوقا ذکر شد ولی مجله البته تنها برای تعقیب همین

حرف ت بعده العین

تعلیم و تربیت

يك مقصود نخواهد بود • مقصد مهم دیگری که از آن باید متذکر شد یادداشت‌های تاریخ راجع به مدنیت و تربیت ایران است در صورتیکه لزوم مقایسات در این موضوع قهراً سبب خواهد شد که از تاریخ تربیت و تمدن ملل دیگر آگاهی حاصل گردیده و به‌خواهان دانش مجال دهد که از این راه هم با فاضله فیوضات علمی و هم با کتساب فضایل دیگران مشغول گردند • سومین فایده که بنظر میرسد این است که در تعقیب نشر این مجله میتوان در زمانهای آتی حتی الامکان به‌جامه حالی کرد که اتخاذ چه تصمیمی متناسب با ترقی معارف خواهد بود و به‌لاوه میتوان بوسیله مجله اختصاصی معارف از ذوق ارباب اطلاع و بدایع افکار هوشمندان استفاده‌های مهمی نمود که شرح آن در این لایحه نمیگنجد و دور از حقیقت نیست اگر تصور کنیم که احاطه و اطلاع باین قبیل افکار برای ترقی معارف ایران خیلی با اثر و گرانبهاست .

در محیط این دلایل و براهین که بمنزله بدیهیات قضایای معارفی محسوب میشوند تصمیم شده است که مجله مذکور باسم (تعلیم و تربیت) موسوم و همراهه مرتباً انتشار یافته مقاصدی که از آن اجمالاً ذکر شد موضوع نشریات و مقالات این مجله باشند و چون در ضمیمه و توزیع مجله تعلیم و تربیت بگونه مراقبت و اهتمام کافی لازم می باشد وزارت معارف بآقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس تفتیش وزارت معارف ماموریت میدهد که در طرح و نشر این مجله اقدام نموده لازمه سعی و مراقبت را در حسن اداره مرعی دارد • مشارالدوله • کفیل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه »

پس از دستور مذکور شرحی با مضای مدیر مسئول مجله (علی اصغر حکمت) در صفحات ۳-۴-۵ مجله زیر عنوان (مجله تعلیم و تربیت) درج شده که قسمتی از آن را برای مزید اطلاع خوانندگان بعینه نقل مینمایم : « مجله تعلیم و تربیت که اینک از نظر خوانندگان عظام • بگذرد مجموعه ایست که بمباحث تربیت و تعلیم و اموری که باین رشته مربوط است اختصاص دارد • تاسیس مدارس جدیده ؛ افزایش دائمی عده معلمین و لزوم نشر اطلاعات مفیده و توجه بمسائل فنی ؛ همه اسباب و عللی بودند که وجود چنین نشریه‌ای را الزام میکردند • بنابراین وزارت معارف از آغاز سال ۱۳۰۴ شمسی مجله تعلیم و تربیت را در تحت نظر و سرپرستی اداره تفتیش تاسیس مینماید • »

باملاحظه دو قسمت مذکور خوانندگان بعلمت تاسیس مجله تعلیم و تربیت بغوی بی برده و متوجه میگرددند که منظور عمده وزارت فرهنگ از تاسیس این مجله اشاعه آراء و عقاید فنی تعلیم و تربیت و آشنا ساختن آموزگاران و دبیران بدقایق این فن بوده است • مندرجات مجله از دو قسمت فنی و رسمی تشکیل شده چنانچه روی پشت جلد هر شماره درباره مندرجات آن در ضمن يك سطر اینطور نوشته است : « تعلیم و تربیت مجله ایست که در هر ماه حاوی مقالات فنی و اطلاعات رسمی از طرف وزارت معارف منتشر میشود »

مقالات فنی مجله شامل يك رشته اطلاعاتیست که بقلم نویسندگان مختلف در فن آموزش و پرورش نوشته شده و فهرست این مقالات عموماً در پشت جلد مجله درج است

حرف‌ت بعده العین

تعلیم و تربیت

برای نمونه فهرست مقالات فنی شماره اول مجله را با ذکر اسامی نویسندگان آنها نقل مینماییم: تربیت و تعلیم در ایران • بقلم رشید باسی • تعلیمات فنی بقلم کتراشترونک تربیت اراده بقلم دکتر صدیق •

قسمت رسمی مجله که معمولاً پس از قسمت فنی نوشته شده عبارت است از دستور- العملها و بخشنامه ها و نظامنامه های اداری و احصائیه های تعلیماتی وزارت فرهنگ • ومن جمله از مندرجات قسمت رسمی تصمیمات شورای عالی فرهنگ میباشد که هرچندی یکبار در مجله درج شده است • از شماره اول مجله کتابی از صفحه ۴۱ آن درج شده و این کتاب دارای صفحه شمار مخصوصی است و جمعاً در هر شماره ۸ صفحه از آن چاپ شده است • کتاب مذکور تالیف (سمائل اسمیلز) نویسنده معروف انگلستان است و آن را آقای علی دشتی بنام (اعتماد بنفس) ترجمه نموده • مترجم در مقدمه شرحی نوشته مشعر بر اینکه این بنده کتاب ساموئل را در ده سال قبل بطور خلاصه ترجمه نمودم و در پنجشنبه ۲۵ شعبان ۱۳۳۳ از ترجمه آن فراغت یافتم و اکنون نظر به تقاضای اداره کنندگان مجله تعلیم و تربیت و نظر باحساس لزوم نشر این کتاب بترجمه آن مجدداً مبادرت شد • بهای سالیانه مجله همه جا ۲۵ قران و تک نمره ۲ قران است • عنوان مراسلات: طهران • وزارت معارف • مجله تعلیم و تربیت • عنوان تلگرافی: تعلیم و تربیت مجله تعلیم و تربیت بسبب مذکور تا پایان سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده و از آن پس تا اسفند ۱۳۱۲ شمسی تعطیل و مجدداً در آغاز سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است •

مجله تعلیم و تربیت پس از تعطیل شش ساله

مجله تعلیم و تربیت پس از آنکه مدت شش سال یعنی از ۱۳۰۷ تا اسفند ۱۳۱۲ تعطیل بود دومرتبه به همان سبک و روش سابق منتهی با مزایای بیشتری هم از حیث چاپ و هم از جهت تنوع مطالب در فروردین ۱۳۱۳ اوایل شماره آن منتشر گردیده است انتشار جدید مجله بر طبق حکم وزارت بوده و چون حکم مذکور خوانندگان را نااندازه بخصوصیات مجله آشنا میسازد لذا عین آن را از صفحه ضمیمه شماره اول نقل مینماییم: «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه • اداره انطباعات • معلمین هرچند که در فن خویش آگاه و کارآزموده باشند باز همواره براهنمائی کتب و مقالات محتاجند و چون همه روزه در فن ایشان نکته تازه و مطلبی بدیع کشف میشود البته برایشان واجبست که در رشته خود از هر نکته تازه و کشف جدیدی آگاه شوند • وزارت معارف برای انجام این مقصود لازم میداند مجله تعلیم و تربیت را که سابقاً از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ انتشار یافته و بعللی تعطیل شده است یار دیگر با همان اسلوب دیرین منتشر سازد • مندرجات این مجله دو قسمت است: قسمت عمومی که شامل مقالاتی در رشته تعلیم و تربیت و مسائل مربوط بدان و مطالعات جدیدی که در این امر میشود خواهد بود و قسمتی رسمی که در آن قوانین معارفی و نظامنامه ها و خلاصه از مطالب رسمی معارفی که اولیای مدارس و معلمین را ضرور است انتشار خواهد یافت و چون در این چند سال که توجه خاصی نسبت بآثار قدیم ایران شده است کشفیات جدید پرتو تازه بر تاریخ ایران افکنده و بعضی

حرف ت بعده العین

تعلیم و تربیت

مجهولات تاریخی را روشن ساخته و اسناد تازه برای تدوین تاریخ معتبر ایران بدست داده است. مجله تعلیم و تربیت در هر شماره چند صفحه نیز بشرح کشفیات جدید تاریخی ایران و اطلاعات تازه ای که از این راه بدست آمده و خواهد آمد اختصاص میدهد. این مجله از جمله انتشارات اداره انطباعات خواهد بود و چون اداره کردن و طبع و نشر این مجله محتاج مراقبت و اهتمام کافیست وزارت معارف آقای میرزا نصرالله خان فلسفی را بمدیری آن منصوب میکند تا لازمه سعی و مراقبت را در حسن اداره آن مرعی دارند. کفیل وزارت معارف و اوقاف، علی اصغر حکمت.

تجدید انتشار مجله تعلیم و تربیت مصادف با زمان کفالت آقای علی اصغر حکمت است و ایشان که در بدو تاسیس مجله رئیس تفتیش وزارت فرهنگ بوده و در حقیقت مجله از تاسیسات ایشان بوده بار دیگر که بخدمة دروزارت فرهنگ خوانده خدمتاند، انتشار مجله را از سر گرفته و با وضع بهتر و آبرومندتری آنرا منتشر ساخته اند. همانقسم که در حکم وزارتی اشاره شده مدبری مجله بمعه آقای نصرالله فلسفی (در جلد اول کتاب در ذیل مجله ایران از ایشان گفتگو کرده ایم) واگذار شده است و همچنین مختصر تغییر در وجه اشتراك مجله پیدا شده بدین قرار: برای عموم در طهران و ولایات ۳۰ قران و برای معلمین و مدیران مدارس و محصلین ۲۵ ریال. در خارجه ۸۰ فرانک فرانسه قیمت تک شماره ۳ ریال. تعلیم و تربیت مجله ایست ماهیانه و در هر ماه یک شماره از آن منتشر شده و بدین نحو سال چهارم با نشر شماره ۱۲ در اسفند ۱۳۱۳ شمسی خاتمه یافته است. مجموع صفحات مجله در این سال ۷۶۸ صفحه و نیز فهرستی در ۶ صفحه ضمیمه دارد. فهرست مذکور بترتیب الف با در دو قسمت یکی راجع بمطالب و دیگری راجع باسامی نویسندگان و شعرا تهیه شده است. مندرجات مجله غالباً بقلم فضلا و دانشمندان ایران از قبیل آقابابا بدیع الزمان؛ بهمنیار؛ دکتر شفق، کسروی، فلسفی، فرامرزی دکتر صدیق و دیگران تدوین گردیده است.

سال پنجم مجله از فروردین ۱۳۱۴ با همان اسلوب و روش سال چهارم شروع گردیده است. منتهی در این سال بعضی از شماره ها در موقع مقرر نشر نیافته و نیز از شماره ۴ بآنطرف اسم آقای نصرالله فلسفی (مدیر مسئول) از مجله حذف گردیده و تنها همان جمله (از انتشارات اداره کل انطباعات) چاپ شده است. از خصوصیات این سال چاپ کتاب (اصول تعلیم و تربیت نگارش نصرالله فلسفی) است که بعنوان ضمیمه از همان شماره اول چاپ گردیده و بشماره ۱۲ خاتمه یافته است. شماره ۱۱ و ۱۲ سال پنجم که یکجا چاپ شده متعلق به بهمن و اسفند ۱۳۱۴ است. سال ششم و هفتم مجله که باسفند ۱۳۱۶ شمسی پایان یافته مانند سالهای قبل مشتمل بر مقالات مفید تعلیم و تربیتی و گزارشات رسمی و تصاویر مربوط بجهشهای وزارت فرهنگ و ابنیه جدید آن وزارتخانه میباشد. در سال هفتم شماره های ۴، ۵، ۶، ۷ یکجا بعنوان (شماره مخصوص امتحانات) در ۱۲۷ صفحه بقطع معمولی مجله چاپ شده و در این شماره گزارش تفصیلی امتحانات خرداد سال ۱۳۱۶ با ذکر اسامی و تصاویر شاگردان اول هر حوزه امتحانی درج گردیده است.

حرف بت بعده الفاء

تعلیم و تربیت، تفکر، تقدم

دوره مجله تعلیم و تربیت با پایان یافتن سال هفتم خاتمه پیدا کرده و از آن پس یعنی از سال هشتم بنام آموزش و پرورش منتشر گردیده است که از آن در حرف الف کتاب (جلد اول مجله آموزش و پرورش) بتفصیل گفتگو کرده ایم. خوانندگان گرام بدانجا مراجعه فرمایند.

میرزا علی اصغر خان حکمت - آقای حکمت از رجال معروف ایران و مدتهاست وزارت فرهنگ، کشور، خارجه را داشته اند. علاوه بر مقامات مختلف کشوری که حائز گردیده از فضلا و دانشمندان معروف بشمار میروند و دارای تالیفات مفید و سودمندی میباشند. شرح احوال جامی و درمان ژولیت از آثار ایشانست. تاسیس دانشگاه تهران و بنای قسمت عمده از دبیرستانهای کشور در زمان وزارت ایشان در فرهنگ بوده است.

(۳۸۹) تفکر

روزنامه هفتگی تفکر بمدیری (ناظم ا لدا کرین نائینی) در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شمار فارسی (ص ۶۳) مینویسد از روزنامه تفکر فقط يك شماره منتشر شده و من آن شماره را در دست دارم. شماره مذکور مورخ بتاریخ سوم ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری و خصوصیات آن بدین قرار است: چهار صفحه؛ قطع هر صفحه ۶ و سه چهارم در ۱۱ و يك چهارم سانتیمتر. وجه اشتراك سالیانه آن در طهران ۳۰ قران، در سایر شهرهای ایران ۳۵ قران؛ در اروپا ۲۵ فرانك.

(۳۹۰) تفکر

علاوه بر روزنامه تفکر منتشر در طهران، شورای عالی فرهنگ در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی امتیاز روزنامه تفکر را بنام آقای (میرزا محمد خان شادمان) در رشت تصویب نموده است ولی نگارنده اطلاع ندارد که روزنامه مذکور منتشر شده است یا نه.

(۳۹۱) تقدم

در خرداد ۱۳۰۴ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه تقدم را در طهران بمدیری آقای (میرزا احمد خان فرامرزی) تصویب نموده است.

(۳۹۲) تقدم

مجله تقدم در طهران زیر نظر (احمد و عبدالرحمن فرامرزی) تاسیس و شماره اول آن در ۶۰ صفحه بقطع پستی بضمیمه چهار صفحه ترجمه، در مطبعه سربی (چاپخانه خاور) طبع و در تاریخ شهریور ۱۳۰۶ قمری منتشر شده است. قیمت اشتراك مجله سالیانه ۳ تومان و تك شماره دو ریال است. محل اداره: طهران. كوچه آصف. چهارراه حاجی آقا موسی. قسمتی از مقاله افتتاحی مجله بدین قرار است:

« واضح است كه يك مملكتی تا افرادش سر از خواب جهالت برنداشته و بحقوق و وظائف آدمیت پی نبرند ممكن نیست آن مملكت با بمذارج ترقی گذاشته و بتواند دوش

حرف‌ت بعد از القاف

تقدم

بدوش ممالك راقیه دیگری قدم بزنند (در اینجا بتفصیل از فوائد نامه نگاری و اثر مطبوعات در دو صفحه مجله مطالبی نوشته شده) از روی همین عقیده خالص و نیت پاک با سرمایه اندک و مشکلات بسیار ما قلم را برداشته و بار سنگین نامه نگاری را بدوش گرفتیم و لازم نیست بگوئیم چندان ببرد و محیط هم خوش بین نبودیم ، زیرا محیطی که نتوانست مجله کاوه را نگاهداری نماید در محیطی که مجله بهار با آنهمه رنگ و بوی دلفزانتوانست دوام کند و دستخوش خزان تعطیل گردید ما چگونه امید داشته باشیم که صحیفه کوچک و نحیف ما خودنمایی و دوام کند . ولی از آنجائیکه نباید جوانان مملکت یاس و نومیدی را بغود راه دهند و با یستی همیشه حرکتی ادبی در مملکت موجود باشد تا وقتی که محیط برای قبول مطبوعات علمی و ادبی مستعد گردد ، ما خواستیم مسئله را که مدت‌ها بود در نظر داشتیم به‌مرض عمل گذاریم و بنا بر این بنشر نامه تقدم مبادرت ورزیده می‌خواهیم هر طور هست تا یکسال آنرا ادامه دهیم . پس از یکسال دخل و خرج خود را حساب کنیم اگر تعدادی در میان بود البته بخدمت خود ادامه داده در مقابل اقبال خوانندگان بر مزیت مجله خواهیم افزود . ما در این نامه گذشته از تنویر افکار و وظیفه مهم دیگری را بهمه خواهیم گرفت و آن عبارت از تحریر انشاء صحیح و فصیح فارسی است که در بین دوطبقه در کار معدوم شدن است . [(در اینجا شرح این دو دسته داده شده است)] مسئله دیگری را که ما باز اهمیت می‌دهیم اطلاع از ممالك همسایه شرقی مخصوصا اسلامی است که به‌بقیده ما نباید ایرانیان از آنها بی اطلاع باشند . بنا بر این می‌کوشیم هیچ شماره از مقالاتی را جمع به یکی یا بیشتر از ممالك شرقی خالی نباشد . نیز باید دانست که بترجمه خیلی بیشتر از تحریر اهمیت می‌دهیم زیرا ما هیچ نداریم و دیگران همه چیز دارند و ما غیر از اینکه خوشه چینی دیگران کرده و از این راه خرمی برای خود گرد آوریم چاره نداریم . این است بطور خلاصه رویه‌ای که می‌خواهیم برای خود اتخاذ نمائیم عبدالرحمن فرامرزی)

در حقیقت همانطور که در مقاله افتتاحی مذکور قید شده مندرجات مجله ماهانه تقدم عبارت از مطالب مربوط بآموزش و پرورش و تاریخ و جغرافی و انتقادات ادبی و ترجمه‌های مفید است و من جمله از ترجمه‌های مجله ؛ ترجمه کتاب دستور زندگی تالیف (لورد اوبری) نویسنده انگلیسی است که آن را آقای عبدالرحمن فرامرزی ترجمه کرده و در هر شماره بعنوان ضمیمه در چهار صفحه جداگانه در مجله چاپ شده است . و نیز از مندرجات مجله اشعار است از شعرای قدیم و معاصر . برای نمونه فهرست مندرجات شماره اول را با ذکر اسامی نویسندگان آنها نقل مینمائیم : آغاز . عبدالرحمن فرامرزی داروی رنج . (شعر) رشید یاسمی . قطعه شعر این زمین فریومدی . نسل آینده ایران . رسول نخشی . بزرگترین شعرای فرانسه . تاریخ جغرافی . احمد فرامرزی . تعلیم و تربیت در چین . ولتر . بزرگترین مفکرین در تاریخ . کتابخانه آستانه قدس رضوی . سعید نفیسی نهضت ترکیه . شعرای دیوانه . خلیل اشبهی . لوید جرج . فلسفه حیات . افغانستان . کتابهای مهم . مجتبی مینوی . وقایع ناگوار مصر . کتاب دستور زندگی

تقدّم، تقدیر اخلاق، تکامل

حرف ت بعده القاف

رو به حرفته تقدّم یکی از مجلات خوب زبان فارسیست ولی متأسفانه بیش از ۱۱ شماره از آن منتشر نگردیده و هنوز سال اول آن ختم نشده افول کرده است. در حین انتشار نیز تا شماره پنجم مرتب انتشار یافته ولی پس از شماره ۵ بدون نظم و ترتیب هر چند ماه یک شماره از آن نشر شده به سیمیکه فاصله بین شماره ۵ که در دیماه ۱۳۰۶ انتشار یافته و شماره ۷ که در تیرماه ۱۳۰۷ منتشر شده ۵ ماه طول کشیده است.

روی پشت جلد شماره هشتم مورخ شهریور ۱۳۰۷ بخط درشت وعده داده است که در نظر داریم علاوه بر تقدّم ماهانه یک تقدّم هفتگی نیز منتشر نماییم ولی نگارنده تا کنون اطلاع ندارم که آیا تقدّم هفتگی نیز منتشر شده است یا خیر.

آقای عبدالرحمن فرامرزی - آقای عبدالرحمن فرامرزی از ادبا و نویسندگان معروف ایران بشمار میرود. پس از وقایع شهریور مدیری روزنامه بومیه کیهان را عهده دار گردیده و اغلب سرمقاله های این روزنامه که از لحاظ نویسنده گی و سادگی ارزش خاصی دارد بقلم ایشان نوشته شده است. آقای فرامرزی در دوره پانزدهم نمایندگی مجلس شورای ملی را دارا بود. شرح احوال ایشان و آقای احمد فرامرزی که نامبرده نیز در دوره پانزدهم نماینده مجلس بود؛ درخواست شده ولی چون از هیچکدام پاسخی نرسیده لذا شرح احوال هر دو را بذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران موکول مینمایم.

(۳۹۳) تقدیر اخلاق

در سال ۱۳۰۱ شمسی روزنامه تقدیر اخلاق بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است.

(۳۹۴) تکامل

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۰۸) کتاب دانشمندان آذربایجان) راجع به روزنامه تکامل اینطور مینویسد: «روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سربی به مدیریت میر علی اکبر سراج در ۴۰ - ۱۳۳۹ و نیز در شماره ۴۰ سال دوم روزنامه زبان زنان مورخ ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۹ قمری طلوع روزنامه تکامل را بدین قسم خبر داده است: «شماره اول و دوم روزنامه تکامل بقطع مرغوب از تبریز در این پست باداره رسید. روزنامه مذکور سیاهی، ادبی و اخلاقی است و در تحت مدیریت صاحب امتیاز خود آقای (سید سراج) هفته یکبار چاپ و پخش میگردد. بهای سالیانه آن برای داخله ایران ۴۵ قران و شش ماهه ۲۵ قران و برای ممالك خارجه سالیانه ۵۶ قران و شش ماهه ۳۰ قران.»

(۳۹۵) تمدن

روزنامه تمدن بصاحب امتیازی و نگارندگی (مدیر المالك) در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۱۷ شهر ذی حجه العرام ۱۳۲۴ قمری در مطبعه سربی (خورشید) طبع و توزیع شده است. طرز انتشار روزنامه طبق اخطار مخصوصی که در شماره اول

حرف‌ت بعد‌المیم

تمدن

سال اول چاپ شده در بدو تاسیس تا دوماه هفته يك نوبت و پس از دوماه هر هفته دو نوبت طبع و توزیع گردیده است . وجه اشتراك روزنامه : در دارالخلافة طهران ۱۲ قران سایر ولایات داخله ۱۷ قران، قفقاز و روسیه ۴ منات ؛ هندوستان ۷ روپیه قیمت اعلانات سطری دهشاهی و در صورت تکرار تخفیف داده میشود . قیمت يك نمره صد دینار است . وجه اشتراك پس از سه ماه مطالبه و دریافت خواهد گردید . محل اداره روزنامه در ابتدا مطبعه خورشید و از شمار ۷ بعد (مطبعه مجلسی) و بعداً بخیابان لاله‌زار و در سال چهارم بخیابان ناصریه منتقل شده است . در شماره اول در عنوان روزنامه بالای اسم روزنامه (تمدن) جمله هوا لله حسبی و از شماره دوم (آینه ملی) ثبت شده و نیز در هر شماره در زیر عنوان دو سطر بدین قسم برای معرفی روزنامه چاپ شده است : « این روزنامه که بی‌فرضانه آئینه غیب نمای ملی است مسلك نگارشش ارائه طریق صلاح مملکت و فلاح ملت و استحکام اساس مساوات و حریت و انتشار نکات جالبه توجه و دقت اعضاء محترم مجلس شورای ملی خواهد بود . مقالات عام‌المنفعه پذیرفته و درج خواهد شد » برای اطلاع از سبک نگارش روزنامه قسمتی از مقاله افتتاحی آنرا بعینه نقل مینمایم : « بسم الله الرحمن الرحیم . مقدمه . بر آنانکه از ترقیات دول و ملل مستحضرند مکشوف و مبرهن است که هیچ قومی از حضيض ذلت با وج عزت نائل نشدند جز در سایه علم و اتفاق و تبری از جهل و نفاق و بتجربه رسیده است که حصول این دو را محرکی بایست که لابنقطع اذهان عموم را بطور سهل و ساده بذکر حوادث و شرح وقایع بجانب این دو جلب نماید و این محرک استمراری را امروزه ما جریده مینامیم که همه روزه با همه هفته با بیاناتی شیرین و عبارانی نمکین وقایع حادثه و نصایح مفیده و کیفیت و ثمرات مخترعات جدیده یا مفاسد و مضار عادات ذمیمه را بعرض عموم برساند امروز که بعد از سالیان دراز غفلت و بیخبری از تائیدات غیبی کوکب بخت ایرانیان روی بافق اقبال نهاد و عموم ملت یکدل و یک زبان در پی تحصیل حقوق و اصلاح امور خود برآمدند و شاهنشاه سعید انار الله برهانه با قلبی رؤف که خدایش از این عمل پاداش خیر دهد مستدعیات بی‌فرضانه ملت را پذیرفت و فرمان حریت و آزادی عطا فرمود و اینک پدر تاجدار مهربان ما (محمد علی شاه) که قبل از جاوس برار یکه سلطنت و بعد از آن با کمال رافت و مرحمت بنفس نفیس در استحکام این اساس مقدس اقدامات شاهانه فرمود و از هربابت نکته فروگذار نفرمود »

این بود قسمتی از مقاله افتتاحی روزنامه تمدن . مندرجات روزنامه معمولاً ستون اول و دوم صفحه اول مخصوص درج سرمقاله است که بقلم مدیر روزنامه نوشته شده و تحت عناوین از قبیل (ملت ایران را سعادت یابنده باو . سرمقاله شماره سوم) و (یگدنیا بشارت . سرمقاله شماره پنجم) و (معایب کار نتایج بی علمی است سرمقاله شماره نهم) میباشد . پس از سرمقاله اخبار راجع بمشروطیت و درخواستهای مردم از نمایندگان مجلس و اخبار شهر است . بطور کلی مندرجات روزنامه تمدن مانند سایر جراید آغاز مشروطیت است . از شماره ۹ بآنطرف (مورخ ۱۹ صفر ۱۳۲۵ قمری) طبق وعده که در شماره

حرف ت بعده الميم

تمدن

که در شماره اول داده روزنامه هفته دوبار طبع و توزیع شده ولی سبک و روش روزنامه مانند شماره های سابق است . در شماره اول پس از سرمقاله ، مقاله دیگری تحت عنوان (قابل توجه جناب صنیع الدوله رئیس محترم مجلس) و بعد مقاله تحت عنوان (اشتراك حقوق وادای ذمه) و در آخر صفحه چهار (اخطار مخصوص) چاپ شده است . شماره دوم تمدن در تاریخ ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۴ قمری انتشار یافته و سرمقاله آن بعنوان (روی سخن باوزرای دربار است) میباشد . سال اول تمدن با انتشار شماره ۸۰ مورخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۳ ماه مه ۱۹۰۸ مسیحی خاتمه یافته و در همین شماره اخطاری چاپ شده که سال اول روزنامه ۸۰ نمره است . و نیز در این شماره مقاله بعنوان (محبوسین بیگناه) راجع بگرفتاری حیدر خان و ضیاء السلطان بتهمت بمب انداختن و سوء قصد بشاه ، نوشته و در آن بگرفتاری این دونفر اعتراض کرده است . در سال دوم تمدن چهارده شماره منتشر شده و آخرین شماره آن در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری یعنی ۱۲ روز قبل از نیش آمدن وقایع ۲۳ جمادی الاول و فرار آزادیخواهان از ایران بوده که منتهی بتمطیل روزنامه گردیده است . بنابراین دوره اول تمدن جمعا ۹۴ شماره است . لازم است یادآور شویم که در موقعیکه روزنامه تمدن بطور هفتگی منتشر میشده ، مدیر آن در صدد برآمده است که روزنامه یومیه بهمین نام بسبک جراید فرنگستان تأسیس و منتشر نماید و این مقصود را در نمره ۲۲۷ روزنامه صبح صادق مورخ شنبه ۲۷ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ قمری بصورت اخطار ذکر کرده است . در روزنامه صبح صادق قبل از درج اخطار مقدمه بقلم مدیر صبح صادق نوشته شده که بی مناسبت نیست عین آنرا قبلا نقل نموده و بعد قسمتی از اخطار را ذکر نمائیم : « از ابتدای تأسیس و تشکیل روزنامه مقدسه تمدن علو خیالات و صحت اعمال و افکار جناب مدبر الممالك مدیر محترم آنجریده فریده بر همه معلوم و مفهوم گردیده که این وجود محترم بجه در راه ترقی این ملت و آبادی این مملکت کوشش دارند و بانا کوکی اسباب چه اندازه اقدامات عالیه مینمایند منجمله یکی از خیالات معظم الیه دایر کردن يك روزنامه یومیه صحیحه بود و در این خط کار میفرمود که آن روزنامه مثل روزنامه های خارجه دارای هر گونه اخباری از داخله و خارجه جامع بر مقالات علمیة صحیحه شود در واقع جبران روزنامه های حالیه را بکند لهذا ترتیب ذیل را برای اساس و مسلک آن مرتب نموده و در این روزنامه اخطار نموده چنانچه هر کسی مایل بر شرکت و مایل بر معاونت معارف باشد کتباً و قولاً اعلان فرمایند » پس از این مقدمه در ضمن اخطار چنین مینویسد : « ... لهذا اداره جریده تمدن که از بدو تأسیس هم مترصد چنین ترتیبی بود و کراراً هم در مقام برآمده و خیالات خود را اخطار نموده در این اواخر عازم و جازم گردیده که گذشته از جریده هفتگی تمدن که در سال دوم بطرز واسلوبی عالی انتشار خواهد یافت جریده یومیه با سم تمدن نیز بمعکم ترین شالوده تأسیس نموده عاجزانه بامساعدت سایر هموطنان بدین امر مهم مبادرت جوید » پس از آن شرح قسمتهای مهم روزنامه را بیان کرده و در آخر اخطار نوشته است برای این کار باید شرکتی تأسیس نمود تا شروع بکار نماید . نگارنده تاکنون نمونه از روز

حرف ت بعد الميم

تمدن

نامه تمدن یومیہ بدست نیاورده و گمان نمیکند اصولاً فکر تشکیل شرکت بمرحله عمل وارد شده باشد ولی قدر مسلم این است که چندی روزنامه تمدن هفته دوبار منتشر شده تا هنگامیکه حوادث بمباران مجلس و فرار مدیر تمدن به هندوستان و مصر و اروپا پیش آمده که شرح آن جداگانه ذکر خواهد شد .

چنانکه قبلاً یاد آور شدیم روزنامه تمدن تا هنگام توپ بستن بمجلس برپا بوده و از آن پس مانند سایر جراید تعطیل و مدیر آن از ایران بخارج فرار نموده است . شدت علاقه مرحوم مدبر الممالک با آزادی باعث گردیده که هنگام رسیدن به هندوستان دست بکار نشر روزنامه شود و مجدداً روزنامه را به همین نام در مدت توقف در هندوستان منتشر سازد . ذیلاً بذکر خصوصیات تمدن منتشر در هندوستان میپردازیم .

(۳۹۶) تمدن

روزنامه تمدن منتشر در بمبئی هندوستان روی چهار صفحه بقطع روزنامه (حبل المتین) با چاپ سربی (در مطبع حبل المتین طبع و توزیع گردید) و در غره و رمضان ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است . عبارت داخل پرانتز بعینه از آخر صفحه چهار روزنامه نقل شده و پهلوی آن (سید جلال الدین موبدالاسلام) چاپ شده که میرساند انتشار روزنامه تمدن بکمک و مساعدت و با همکاری مرحوم موبدالاسلام مدیر روزنامه حبل المتین بوده است . از این قسمت که بگذریم سایر خصوصیات این روزنامه که بیش از یک شماره هم منتشر نگردیده بدین قرار است : در عنوان روزنامه اسم روزنامه (تمدن) بخط مستطیق درشت و بالای آن عبارت (ناله ایران) و در زیر آن تاریخ انتشار (غره و رمضان ۱۳۲۶) چاپ شده . در طرف راست (نگارنده . مدبر الممالک هرنندی) و در طرف چپ (داخله يك ارزن جنبش) درج است . آیه (ولا تعصم الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون) در بالای عنوان و جمله (در داخله ایران مطالعه کنندگان ذمه دارند که بعد از ملاحظه بدیگری تقدیم دارند) در زیر عنوان طبع گردیده است .

مندرجات این شماره عبارت است از در صفحه اول (احکام تلگرافی حجج اسلامیه نجف اشرف) که تحت عنوان آیه (ليهلك من هلك عن بينه و يهين من حي عن بينه) چاپ شده و بعد مقاله بعنوان (خلاصی ایران . و کول بفداکاری ایرانیان است) که تمام صفحات ۲ و ۳ و چهار روزنامه را گرفته و در انتهای آن (مدبر الممالک هرنندی) امضاء شده است . این مقاله خیلی تند و بشدت بدستگاه دولت و شخص محمد علیشاه در آن حمله شده منجمله از عبارات این مقاله این است : « ملت ایران امروز باید با تمام قوا استقامت نموده جز خلع محمد علی میرزا از سلطنت خیالی بخاطر خطور ندهند . در دولت و سلطنت مشروطه ملت بدون امضای نمایندگان خود دیناری بدولت دادنی نیست، هیچیک از دول هم بدون امضای نمایندگان آن ملت معاهد . یا قرار دادی با آندولت نتوانند بست . » هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون است ؛ نگارنده همین این شمار . را در دست دارد . پس از مراجعت از هندوستان و مصر هنگامیکه مدبر الممالک در ربیع الثانی ۱۳۲۷ قمری وارد رشت میشود برای بار سوم روزنامه تمدن را آنجا منتشر میسازد .

(۲۹۷) تمدن

روزنامه تمدن منتشر در رشت بمدیری مدبرالممالك • روزنامه تمدن بیش از یکشماره در رشت منتشر نگردیده و این شماره مورخ بتاریخ ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۷ قمری میباشد • پس از تسخیر طهران بدست ملیون در سال ۱۳۲۷ قمری و بازگشت آزادبخوانان ؛ مدبرالممالك بطهران باز گشته و برای بار چهارم روزنامه تمدن را منتشر ساخته است •

(۲۹۸) تمدن

شماره اول این دوره که مطابق سال چهارم تاسیس روزنامه است در تاریخ سه شنبه ۷ شوال ۱۳۲۸ قمری منتشر گردیده و از همین شماره ترجمه کتاب (انقلابات ایران) تالیف ویکتور برار فرانسوی که آنرا (موسوی) ترجمه نموده بعنوان پاورقی در روزنامه چاپ شده و این ترجمه مرتباً تا شماره ۷ روزنامه درج است • آغاز ترجمه کتاب بدین قرار است : « وثایق و حقایق امورات ایران را نمیتوان از اغتشاشات تجزیه کرد و من تنها کسی نیستم که چنین فهمیده باشم اما اذعان دارم که چنین موضوع سیاسی را که با اصول تجربه و استدلال مغربی مقایسه پذیر نیست تاکنون مصادف نشده ام » شماره ۷ روزنامه در تاریخ یکشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۸ و شماره ۲۸ آن در تاریخ جمعه ۲ ذیحجه ۱۳۲۹ قمری مطابق ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی در ۸ صفحه بقطع وزیری بزرگ و با چاپ سریبی (طهران-مطبعه تمدن) طبع و توزیع گردیده است • از دو تاریخ مذکور معلوم میشود روزنامه در سال چهارم بدون ترتیب منتشر شده • محل اداره : طهران خیابان ناصریه معین شده است • انتشار روزنامه تمدن تا سال ۱۳۳۰ قمری ادامه داشته و در سال مذکور تعطیل گردیده است

میرزا رضا خان مدبرالممالك - میرزا رضاخان از اهالی هرنند ؛ از قصبات اصفهان است • مدتی علوم دینی را در مدارس اصفهان فرا گرفته و پس از آمدن بطهران در صف مدیران جراید واقع گردیده و بانوک قام بدفاع از آزادی پرداخته است • اول دفعه که مدبر الممالك مورد بی مهری عمال دولتی واقع شد در زمان صدارت عین الدوله (۱۳۲۳ قمری) و حکومت علاء الدوله در طهران بود که بدستور شخص اخیر شلاق خورد تفصیل این اجمال را در تاریخ بیداری ایران درجائیکه از کارهای خلاف قانون علاء الدوله ذکر نموده بدینقسم نقل کرده است : « سوم بی احترامی بمدبرالممالك مدیر روزنامه تمدن که چرا در وقتی که کالسکه عین الدوله از خیابان عبور کرد سنک بکالسکه خورده و بی احترامی بکالسکه صدر اعظم شد مدبر الممالك جواب داد سنک خوردن بکالسکه چه ربطی بمن دارد در جواب گفت کالسکه مقابل منزل شما که رسیده بود سنک باو زده شد مدبرالممالك گفت پس تقصیر برصاحب خانه یا آنکه بالاخانه را در خیابان بنا کرده میباشد علاء الدوله بغضب رفت که این آخوند جوان با من سؤال و جواب میکند گفت بچه ها - زای این آخوند را بدهید بیچاره مدبرالممالك که در آنوقت (مدیر الشریعه)

حرف ت بعده الیم

تمدن

بود بتقصیر آنکه زبان آوری کرد نزد حاکم شلاق مفصلی نوش جان کرد لیکن بعدها ملتفت شد که تقصیر از زبانش نبود بلکه از عمامه او بود چه سنک زدن بگالاسکه صدر اعظم در آنوقت جز از اهل عمامه دیگر در قوه احدی نبود باین جهت مدیرالشریعه معمم مدبرالمالک مکلا شد و امروز صاحب یک روزنامه بزرگی است و در این انقلاب مشروطیت صدمات و لطامات بسیار باو وارد آمد و در زمان محمد علیشاه بطور مخفی مسافرت بخارج کرد و اگر گرفتار شده بود حتما مثل ملک المتکلمین مقتول میشد .»

در حقیقت اگر مدبرالمالک هنگام بمباران مجلس بخارج ایران نرفته بود یقینا مانند دیگران گرفتار میشد و بقتل میرسید . مدبرالمالک بشرحیکه قبلا نوشتیم پس از خروج از ایران به هندوستان رهسپار و از آنجا از راه ترعه سوتر عازم مصر و پس از آنکه توقفی در این کشور رهسپار اسلامبول گردید . رفیق راه و هم سفر مرحوم مدبرالمالک در این مهاجرت مرحوم میرزا علی آقا لیبب المالک مدیر روزنامه مظفری بوشهر بود . (شرح این روزنامه و مدیر آنرا در محل خود بتفصیل ذکر خواهیم کرد) شرح ورود آندورا بمصر در روزنامه چهره نما ، نمره ۶۱ سال پنجم مورخ ۱۵ ذیقعد ۱۳۲۶ قمری بنظور ذکر کرده است : « بیابا که غم شرح نو دلم خون کرد » هزار لیلی بیچاره را چه مجنون کرد . ۲۹ شوال ۱۳۲۶ قمری دو مهاجر آواره و دو دلداد و دلپاره یگانه بلاکشان راه وطن و مصیبت زدگان وادی محن آقا میرزا علی آقا لیبب المالک شیرازی مدیر روشن ضمیر گرامی نامه نامی (مظفری) که هفت سال اوراق حیات بخشش در بوشهر سحاب تربیت بود و چه قطرات ذیقعت میباشید و آقا میرزا محمد رضا خان مدبرالمالک هرنوی اصفهانی مدیر صائب الدبیر روزنامه (تمدن) که یکسال و اندی صفحات معرفت بخشش نهال آمال ملت بدیخت بود و چه شکوفه های مدنیت بخش میبخشید ساحت مساحت مصر را رونق افزودند و پس از استقبال شایان از طرف حاج میرزا عبدالجواد مشکفی تاجر اصفهانی وارد منزل مشارالیه گردیدند ، جناب مدبرالمالک از طریق اسکندریه رهسپار اسلامبول خواهند شد و جناب لیبب المالک از طریق سویس ، مکه مشرف خواهند گردید » عزیمت مدبرالمالک را از مصر روزنامه حکمت نمره ۹۲۶ مورخ ۱۵ محرم ۱۳۲۷ بدین قسم نقل کرده است « جناب مدبر خوش تحریر جریده تمدن بمصر آمده و چند هفته چشم از دیدارشان روشن و دل از گفتارشان خرم . نخست جناب مدبرالمالک دل دوستانش را از فراق داغدار نموده رو بسوی اسلامبول پویید و جناب مدیر مظفری هم بطرف مکه رهسپار گشت .»

مرحوم کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران (ص ۲۷۷) در باره مدبرالمالک اینطور قضاوت کرده است : « نویسنده تمدن مدبرالمالک بوده و چنانکه از روزنامه اش پیداست آگهیها از حال اروپا و سیاست دولتهای بزرگ میداشته که در آن روز از جدار میبوده ، با اینهمه روزنامه اش سودمند نبوده » مدبرالمالک پس از آنکه تا سال ۱۳۳۰ قمری روزنامه تمدن را منتشر میکرد ؛ در این سال روزنامه تمدن تعطیل و پس از آن روزنامه دیوان عدالت و مدنی هم اداره روزنامه رسمی دولت ایران بعهد او بود . و این

حرفت بهره الميم

تمدن، تمدن اسلام؛ تمدن ايران

روزنامه تا هنگام مرك او يعنى تا نور ۱۳۳۶ قمرى بمديريت وى منتشر ميگردد بد . پس از فوت آن مرحوم اداره روزنامه رسمى دولت ايران ، از طرف دولت بهره فرزند او همد مرحوم مدير الممالك ؛ آقاى شاهرخ فكرى ، واگذار شد و چنانچه در حرف (ر) كتاب هرح خواهيم داد روزنامه مذكور مدتى بمديريت شاهرخ منتشر ميشده است . مرحوم مدير الممالك علاوه برانتشار چند روزنامه مطبوعه اى نيز در طهران بنام (مطبوعه تمدن) تاسيس نموده كه مدتى قسمتى از جرايد مركز در آنجا چاپ ميشده است . مدير الممالك روز دو شنبه ۱۷ شهر صفر ۱۳۳۶ قمرى در طهران ناگهان دار فانى را وداع نمود و روزهاى سه شنبه و چهار شنبه مجلس ترقيم و فاتحه خوانى براى او منعقد كردند حتى روز سه شنبه چون كارگران مطابق طهران در تشييع جنازه آن مرحوم شركت نموده بودند تمام مطابق تعطيل و بهمين جهت روز بعد روزنامه هاى باينخت منتشر نگرديده است .

(۳۹۹) تمدن

در خرداد ۱۳۰۴ شمسى روزنامه در طهران بنام تمدن بمديريت (سيد محمد خان تمدن) تاسيس و منتشر شده . تمدن نامه ايت مستقل الافكار ، علمى ؛ سياسى و تاريخى هفته سه بار چاپ و منتشر ميشده . قسمتى از مقالات شماره هاى ۵ و ۷ آن عبارت است از (زندگاني فرع قدرت است . چند مکتوب تاريخى - زن در ايران)

(۴۰۰) تمدن اسلام

اطلاع نگارنده از روزنامه تمدن اسلام عبارت از تفریظى است كه در پشت جلد شماره ۱۰ و ۱۱ سال دوم مجله عرفان اصفهان مورخ تير ماه ۱۳۰۶ تحت عنوان (جريدتين شريفتين) چاپ شده وعين تفریظ اين است : « جريد تين شريفتين تمدن اسلام و نوروز از افق مطبوعات قزوین طالع وشماره اول آن با اداره عرفان رسيد . و زقرائت آن دونامه گرامى مستفيض گشتيم » كه ميرساند روزنامه اى بنام مذكور در شهر قزوین تاسيس و منتشر شده است .

(۴۰۱) تمدن ايران

پس از آنكه مرحوم سيد نورالدين عراقى ملقب باديب حضور و معروف بهفتش ايران ، مدت بيست و يكسال روزنامه مفتش ايران را در اصفهان منتشر ميساخت بعلى و جهاتى از اصفهان بباراك رخت بربست و در تاريخ ۲۹ تير ماه ۱۳۱۰ شمسى روز نامه مفتش ايران را در شهر اراك بباراك سابق منتشر نموده تا سال ۱۳۱۱ شمسى روز نامه مفتش ايران در شهر اراك منتشر ميشده دراين وقت حدودان و بد اندیشان ذهن اعليه حضرت شاه سابق را نسبت بمدير روزنامه بدبين ساخته و بعلى داشتن نام مفتش ايران اين طور سعایت كردند كه سيد نورالدين بچه حقى در امور كشور بايد نفتيش نمايد و هر روز روز نامه خود را در شهرى منتشر سازد . شهربانى كل كشور بوسيله شهربانى اراك مدير مفتش ايران را بمرکز احضار نمود و پس از وادار نمودن تغيير نام فاميلى به (ابراهيمدار)

حرف ت بعده النون

تمدن ایران ، تنبیه

و تبدیل اسم روزنامه به (تمدن ایران) نامبرده باراك مراجعت و روزنامه را بابت نام (تمدن ایران) برای مدت چند ماه منتشر نمود از روزنامه مفتش ایران و شرح حال مدیر آن بتفصیل در حرف میم کتاب گفتگو خواهیم کرد .

(۵۰۲) تنبیه

روزنامه تنبیه در طهران بمدبری و نگارندگی (معتضدالاطباء) تاسیس و شماره ۷ سال اول آن در تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . روزنامه تنبیه ؛ روزنامه ایست فکاهی ، کاریکاتوری و بسبك روزنامه بهلول صفحه اول و آخر آن مخصوص کاریکاتور و سایر صفحات مشتمل بر مقالات انتقادی تحت عنوان (اوضاع فلکی) میباشد . سرمقاله های روزنامه بقلم مدیر روزنامه است . تنبیه مانند بهلول در دو قسمت چاپ سنگی و سربی طبع شده ، مطالب روزنامه با چاپ سربی در مطبعه (شرقی) و کاریکاتورهای روزنامه در مطبعه سنگی (میرزا علی اصغر) بطبع رسیده . در عنوان روزنامه اسم روزنامه (تنبیه) بخط نسخ درشت نوشته شده . تعداد صفحات هر شماره چهار صفحه و گاهی تاده صفحه نیز رسیده است . از مختصات روزنامه تنبیه اینکه سال انتشار در روزنامه قید نگردیده و مثلاً نمره ۱۲ آن در تاریخ ۵ شنبه ۲۸ شهر ذی قعدة ۱۳۲۸ قمری مطابق اول دسامبر ۱۹۱۰ انتشار یافته بدون اینکه ذکر از چندمین سال انتشار شده باشد (نمره ۱۲ مذکور متعلق بسال سوم روزنامه است) . گفتیم مقاله اساسی روزنامه بقلم مدیر روزنامه میباشد و سرمقاله شماره ۲۰ مورخ بگشبه ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری تحت عنوان این شعر (هراظه بشکلی بت عیار برآید) خطاب بمدیر جریده ایران و در آن شرحی انتقاد آمیز از مدیر جریده مذکور نوشته شده است . علاوه بر سرمقاله در این روزنامه ، مانند (مقویم بهلول) در هر شماره شرحی تحت عنوان (اوضاع ملکی) چاپ شده و فی المثل در شماره ۲۱ چنین است : « اوضاع کواکب در این ماه دلالت دارد بر سبز شدن درخت تارك ، سر بر آوردن جانوران زیر خاک ، تلاش کردن جمعیت دموکرات برای استخدام در ادارات ، ترك شدن مسلك ۴۰۰۰ علاوه بر دو قسمت مذکور که در هر شماره دو سه صفحه روزنامه را فرا گرفته ، در بعضی از شماره ها اشعاری بعنوان (ادبیات) درج است برای نمونه دو شعر از شماره ۲۱ را نقل مینمائیم : « ای که خواندی مرا تو کهنه پرست و چون منی این سخن ضرر نکند . می پرستم من آن خدای قدیم . که جز او خلقت بشر نکند . »

وجه اشتراك سانیانه روزنامه در طهران ۱۲ قران ، سایر ولایات به علاوه اجرت پست ؛ تارك نمره در طهران یکصد دینار در سایر ولایات سه شاهی . عنوان مراسلات : خیابان جلیل آباد . جنب حمام آغا باشی ، کوچه قورخانه کهنه . نمره ۱۸ . روزنامه پس از مدتی انتشار بنحومذکور ، معلوم نیست بجه علتی کلامه درخشان باسم آن اضافه شده و بنام تنبیه درخشان منتشر گردیده است .

(٤٠٣) تنبيه درخشان

نگارنده تاکنون تاریخ قطعی تبدیل نام تنبیه را به (تنبیه درخشان) بدست نیاورده و نمیدانم اولاً به چه علت و ثانیاً از چه تاریخی اسم روزنامه تنبیه بنام تنبیه درخشان تغییر پیدا کرده است ولی قدر محلم این است که تنبیه درخشان دنباله همان روزنامه تنبیه است که بدین نام منتشر گردیده؛ اکنون بذکر خصوصیات روزنامه تنبیه درخشان میپردازیم. تنبیه درخشان بهمدیری (م. م. معتضدالاطباء) در طهران تأسیس و هفته چهار نمره از آن منتشر گردیده شماره ۱۴ سال هشتم آن در تاریخ جمعه ۱۷ ذی حجه ۱۳۳۲ و شماره ۲۳ سال نهم آن (مبدء تأسیس سال ۱۳۲۵ قمری که سال تأسیس تنبیه است حساب شده) در ۸ صفحه بقطع خشتی بزرگ در مطبعه سربی (برادران باقر زاده) طبع و در تاریخ رمضان المبارک ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است. در سال هشتم این شعر (سال هشتم بود که این تنبیه به بیصرالناظرین مضافه) زیر اسم روزنامه چاپ شده.

وجه اشتراك روزنامه در طهران سه تومان، ولایات داخله ۳۵ قران؛ ممالک خارجه ۲۰ قرانك. تك نمره در طهران پنجشاهی؛ سایر ولایات سیصد دینار محل اداره روزنامه طهران. خیابان جلیل آباد. جنب حمام آغا باخی، کوچه قورخانه کهنه. نمره ۱۶ طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و ماهی چهار نمره از آن طبع و نشر میشده، در يك طرف عنوان روزنامه این عبارت: «هر يك از ادبا و فضلا شش مقاله مضحك علمی و یا اخلاقی باین جزیده داده درج شود نام او بعنوان همفلم رسمی ثبت خواهد شد.» و در طرف دیگر جمله «تنبیه درخشان نامه ایست فکاهی و سیاسی و مشتمل بر کاریکاتور» درج است. مندرجات روزنامه عبارت است از مقالات انتقادی و اشعار که قسمتهای انتقادی آن در شماره نمونه تحت عنوان «جنگ الهیات» و قسمتی از آن اینست: «مرحوم علیخان ناظم العلوم خود را کشت.» و یا آنکه بی میل نیستی که بگوئیم استعمال امتعه وطنی از يك جهت موقوف است بتجديد نظر قانون گمرکی و الا. یا مثلاً امتیاز فضلی که یکی از ارکان اربعه مشروطیت است مخالفت دارد با نظامات حزبی که صراحتاً مرقوم شده است باید کلیه اجزاء و وزارت خانه ها از حزب ما باشند ولو آنکه در میان مردمان بی طرف و یا حزب مخالف اشخاص عالم تر از حزب خودمان از گرسنگی بمیرند...»

تنبیه درخشان بگمرتبه بعلت مسافرت مدیر آن بروسیه برای خرید رنگهای الوان برای کاریکاتور و ابتلای به تب نوبه مالاریایی در مراجعت، و زمانی هم در سال ۱۳۹۹ شمسی بعلت يك توقیف طولانی، مدتی منتشر نگردیده است. تا اینکه در سنبله سال مذکور از آن رفع توقیف بعمل آمده و مجدداً منتشر شده است. جراید آنوقت راجع بانشار مجدد روزنامه هر کدام شرحی نوشته و من جمله روزنامه زبان زنان در شماره ۲۶ سال دوم خود مورخ شنبه ۲۶ سنبله ۱۲۹۹ شمسی در این باره چنین می نویسد: «تنبیه درخشان که بانزدهمین سال درخشندگی آن است پس از يك غیبت طولانی مجدداً قدم بعالم مطبوعات طهران گذارده و بهمدیریت آقای میرزا مصطفی خان درخشان با سبك

حرف ت بعده الذون

تنبيه درخشان؛ تنها، توانا

نیکو فروغ افشان شده است • جریده مذکور منقش بکاریکاتور های پرمعانی است و بهای سالیانه آن پنج تومان میباشد •

پس از تاریخ مذکور مجدداً روزنامه تعطیل گردیده و تا سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر نشده است • درحاصل سال مذکور اعلانی ازطرف اداره روزنامه در جریده طوفان مورخ ۱۸ حمل ۱۳۰۲ چاپ شده که میرساند روزنامه عن قریب بهمت و باری جمعی از دانشمندان معارف پرور بایک طرز مطلوب از افق مطبوعات طالع میشود نگارنده تا کنون نمونه بدست نیاورده که روزنامه در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده باشد • معتضدالاطباء - نامبرده مدتی ازطرف دولت حاکم لاهیجان بوده و بواسطه تحریکات مخالفین از کار دولتی برکنار میشود • مدیر روزنامه وطن بعنوان دلسوزی پس از نقل خبر فوق از وزیر داخله درخواست میکنند که حالا که معتضدالاطباء بیکار است قسمی نمایند که اسباب آسایش مشارالیه فراهم گردد •

(۴۰۴) تنبيه الغافلین

مجله تنبيه الغافلین در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران بطور ماهیانه تاسیس شده است •

(۴۰۵) تنها

مجله تنها در سال ۱۳۰۳ شمسی در اصفهان بطور ماهیانه تاسیس شده است •

(۴۰۶) توانا

شورایمالی فرهنگ امتیاز روزنامه توانا را در طهران بمدیری (نصرت الله خان دندانساز) بطور هفتگی در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۴ شمسی تصویب نموده است •

(۴۰۷) نود یا النود

برون در کتاب مطبوعات و شرفارسی (ص ۶۵) شرح زیر را راجع باین روزنامه نوشته است : روزنامه النود بمدیری (شیخ ابونظاره) درپاریس بچهارزبان عربی ؛ فارسی ، ترکی و فرانسه در سال ۱۸۹۱ میلادی مطابق ۱۳۰۸-۹ قمری منتشر شده است ، شیخ ابونظاره یکی از صهربان سیاسی است که بیاریس تبعید شده و قبلاً روزنامه بهمین نام بزبان عربی و کمیک با چاپ سنگی منتشر مینموده است • قسمت فارسی روزنامه بوسیله شیخ محمد حسن سیرجانی ملقب بشیخ الملك تهیه و نوشته شده •

(۴۰۸) توفیق

روزنامه هفتگی توفیق در شهر تبریز بمدیریت (معاون السلطان ومیلانی) تاسیس شده و شماره اول آن با چاپ سری در ۲۵ محرم ۱۳۳۱ قمری منتشر شده است مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان مینویسد : « این روزنامه از تجاعی بجای فکر تاسیس شده است »

(۴۰۹) توفیق

روزنامه توفیق در طهران بهمدیری (حسین توفیق) تاسیس و در سال ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . گرچه مرحوم حسین توفیق مدیر روزنامه توفیق درنامه مورخ نهم فروردین ۱۳۱۸ شمسی که بنکارنده نوشته سال تاسیس روز نامه را سال ۱۲۴۱ ضبط کرده است ولی بشرحیکه ذیلا یاد آور میشویم سال تاسیس مذکور مربوط با آغاز انتشار روزنامه در طهران میباشد والا قبل از این تاریخ یعنی در سال ۱۳۳۱ قمری توفیق در تبریز منتشر گردیده است . آنچه نگارنده را باین مطلب راهنمایی نمود شرحی است که بعنوان (تقریظ) در شماره ششم سال دهم چهره نما مورخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۱ قمری نوشته و آن این است : « نامه نامی توفیق منطبقه تبریز اثر قلم معارف شیم فرزانه ارجمند آقا میرزا حسین خان معاون دیوان میباشد و بتازگی پس از غروب آنهمه کواکب معارف آذربایجان این نجم طلوع کرد » غیر از شرح منقول تاکنون نگارنده نه بنمونه روزنامه توفیق منطبقه تبریز در دسترس پیدا کرده و نه در جای دیگر شرحی در باره آن دیده ام . بخصوص که درنامه آقای توفیق هم اسمی از روزنامه در تبریز برده نشده است . بنا براین آنچه ذیلا یاد آور میشویم راجع بروزنامه توفیق در طهران است .

همانقسم که قبلا ذکر کردیم روزنامه توفیق در سال ۱۳۴۱ قمری تاسیس شده است . این روزنامه در آبان ماه ۱۳۱۲ شمسی وارد سال دوازدهم خود شده و شماره اول سال مذکور که در ۱۸ صفحه بقطع بزرگ منتشر گردیده سالنامه دوازدهمین سال روزنامه را تشکیل میدهد و در تاریخ دو شنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۱۲ شمسی مطابق ۱۶ رجب ۱۳۵۲ قمری انتشار یافته است . شماره مذکور با چاپ سربی در شرکت (چاپخانه فردوسی) واقع در خیابان لاله زار طبع گردیده و مندرجات آن عبارت است از گراور عدیه ای از قبیل ذکاء الماک رئیس الوزراء و داور وزیر عدلیه و رجال دیگر از قبیل پرنس ارفع الدوله و امیر نصرت خواجه نوری و غیره و نیز اشعار فکاهی و ادبی و مقالات گوناگون و قطعات کوچک نشر که نوعا از زبان های خارجی ترجمه شده در این سالنامه درج است . در صفحه سوم این شماره شرحی بعنوان (آغاز سال دوازدهم) نوشته شده که برای مزید اطلاع خوانندگان آن را بعینه نقل میکنیم :

« بسم الله الرحمن الرحيم . من الله التوفیق و علیه التکلان . بنام نامی خداوند توانا و مهربان برارنده زمین و آسمان و بالطاف بیگران پیغمبر آخر الزمان حبیب الله العالمین و شفیع المذنبین و خاتم النبیین و ائمه الطاهرين و المعصومین که در ظل توجهات مخصوص شاهنشاه عظیم الشان رعیت پرور مهربان اعلیحضرت قدر قدرت رضا شاه پهلوی ارواحنا فداه یازدهمین سال توفیق را بپایان رساندیم و قدم بسال دوازدهم میگذاوریم امید است خدمات ملی خود را در ترویج معارف و نشر ادبیات که وظیفه دار آن میباشیم انجام دهیم مقصود ما از نشر این نامه ملی فقط توسعه علم و ادب و تشویق صنایع مستظرفه

حرف ت بعده الواو

توفیق

و بیدار کردن توده ملت نجیب ایران است افتخار ماهمین بس که اولین شماره توفیق با طلوع کوكب درخشنده پهلوی مصادف شده بهمین جهت است که توفیق رفیق ما بوده و تاکنون در این یازده ساله يك نمره آن تعطیل نشده است و حمد میکنم خدا را که تا کنون بهیچوجه وقفه دچار نشدیم و نیز از آقایان مشترکین محترم خود متشکریم که وجه آبونمان خود را مرتب رسانیده اند - توده ملت نجیب ایران ذوق سرشاری بقرائت توفیق دارند این است که روز بروز بر تعداد مشترکین اضافه میشود - خداوند انشاءالله بر همه توفیق دهد و عاقبت همه را بخیر بگرداند - این سالنامه هفت هزار نمره بطبع رسیده است - حسین توفیق -

توفیق روزنامه هفتگی بوده و مرتباً همه هفته روزهای دو شنبه طبع و توزیع میشود - وجه اشتراك آن برای طبقه اول ۵۰ ریال، برای کارگران ۳۰ ریال، تك نمره ۶ شاهی - محل اداره: طهران - ناصریه كوچه اول: روبروی وزارت پست و تلگراف - مندرجات توفیق بطور کلی عبارت است از اشعارنكاهی و اخلاقی و مقالات گوناگون و وقایع داخلی و خارجی يك هفته که بطور اختصار تحت عنوان (يك مشت خبر) درج است - و نیز در صفحه چهارم اعلانات مختلف چاپ شده است - روزنامه توفیق برخلاف سایر جراید تا هنگام فوت مدیر آن (۲۹ بهمن ۱۳۱۸ شمسی) هیچگاه دوچار توقیف نگردیده و تعطیل نشده است - در بعضی از سالهای انتشار آن هر شماره روزنامه در نه هزار نمره طبع و نشر شده است - روزنامه توفیق پس از فوت مدیر آن بفرزندش محمد علی توفیق واگذار گردیده و نامبرده بكمك دوستان پدرش روزنامه را بسبك سابق تا پس از شهریور ۱۳۲۰ منتشر ساخته و پس از شهریور و تاسیس احزاب مختلف سیاسی روزنامه توفیق بجهت جراید چپ منتسب گردید و یکی از روزنامه های انتقادی خوب پایتخت بشمار رفت بسمیکه مورد توجه همگان قرار گرفت - در این دوره روزنامه توفیق برخلاف سابق سبك تملق آمیز را کنار گذاشت و بشدت از اوضاع کشور و دستگاه حاکمه انتقاد نمود و بهمین جهت چند بار از طرف شهربانی توقیف گردید مع ذلك از روش خود دست برنداشت و بطور خلاصه توفیق پس از شهریور يك روزنامه بتمام معنی سیاسی و انتقادی بود و بهیچ قسم قابل مقایسه با درره گذشته خود نبود - از این دوره روزنامه در ذیل کتاب تاریخ جراید باز هم گفتگو خواهیم کرد -

حسین توفیق - با اینکه مرحوم حسین توفیق اطلاعات و معلومات کافیه کسب نکرده بود مع ذلك ذوق طبیعی که بشمر گفتن در نهادش وجود داشت ویرا شاعری حساس و نكته سنج قلمداد میکرد و از این جهت قسمتی از اشعارش مورد توجه قرار میگرفت برای نمونه غزل زیر را از او نقل مینمایم:

طرف کله شکسته بند قبا گشاده

در بزم مادر آمد دوش آن نگار ساده طرف کله شکسته بند قبا گشاده
بر مهر و ماه پهلوی دم زند هر سو بگدست تیغ ابرو يك دست جام با ده

حرف ت بعده الو او

توفیق

از دیدنش شدم چون مست ز پا فتاده
از خوی شده است ابروش چون تیغ آبداده
بر خوشگلان عالم زبید کند افاده

زان خط و روی کلگون زان سرو قد موزون
برد از کف دل و هوش از آن لبان مینوش
رویش چو باغ خرم مویش بلند و پر خم



در پای او فتادم سر در رهش نهادم
همچون گدا ستادم در پیش شاهزاده
غم بر غم فروده تازلف را گشوده
توفیق را نموده چون شیر در قلاعه
مرحوم توفیق پس از هیجده
سال که با عشق و علاقه زیادی هم
خود را در خدمت بمطبوعات گذراند
و بخصوص در دوسه سال اخیر
انتشار توفیق که آنرا بطرز فکاهی
نشر میداد تا برای توده مفید تر
باشد عاقبت در شب عاشورای سال
۱۳۵۸ قمری مطابق ۲۹ بهمن ۱۳۱۸
شمسی در طهران دار فانی را وداع
گفت. هنگام فوت برادری بنام
اسمعیل نجفیان و فرزندی باسم
محمد علی توفیق داشت. در روز
چهارشنبه اول اسفند مجلس ترحیمی
در طهران از طرف برادر و فرزندش
منعقد گردید و نیز مجلس تذکیر
دیگری از طرف هیئت مطبوعات

مرحوم حسین توفیق

پابنتخت در روز یکشنبه پنجم اسفند از ساعت چهار بعد از ظهر در تالار دبیرستان
دارالفنون برپا شد که عموم علاقمندان بمطبوعات و دوستان علم و ادب در آن
هرکت جستند. برای تکمیل شرح حال مرحوم توفیق ذیلا شرحی را که یکی از دوستان
آن مرحوم تحت عنوان (بیاد شادروان حسین توفیق) نوشته از شماره اول سال نوزدهم
توفیق مورخ سوم آبانماه ۱۳۱۹ بعینه نقل مینمائیم:

«شب دوشنبه ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۱۸ عالم مطبوعات یکی از خدمتگذاران با
وفای خود را از دست داد. حسین توفیق مؤسس این نامه فکاهی در چنان شبی زندگانی
را بدرود گفت و قلب هدهه زیادی از دوستان خود را جریحه دار ساخت. این سر
فرهنگ دوست در موقع رحلت شصت سال بیشتر از عمرش نمیکداشت و میتوان گفت که
تقریباً نصف بیشتر از این مدت را صرف ترویج معارف و توسعه ادبیات کرده بود مرحوم
حسین توفیق تقریباً مدت چهار سال یعنی از اواخر سال ۱۲۹۶ تا اواسط سال ۱۳۰۰

حرف ت بعده الواو

تو فیک

شمسی بتوسط آثار قلمی خود روزنامه فکاهی گل زرد و همچنین سایر نامه های هفتگی آنزمان را تحت الشعاع افکار درخشان خود قرار داده بود . لهجه شیرین و سبک دل پسندی که آن مرحوم در سرودن اشعار فکاهی داشت قلوب عده زیادی را مجنوب ساخته و بالاخره استقبال شایان و تشویقات بی پایان مردم او را وادار کرد که سردبیری روزنامه گل زرد خانه داده و خود شخصا بتاسیس روزنامه ادبی واجتماعی قیام نماید بنا براین در سنه ۱۳۰۱ شمسی باخذ امتیاز روزنامه توفیق موفق گردید و از آن بیحد روز بروز در ترویج آن میکوشید و همه هفته سعی مینمود که آنرا با مزایای بیشتری مورد استفاده عموم قرار دهد . در اواسط سال پنجم بداشتن امتیاز کاریکانوری روزنامه توفیق نیز نائل و از آن بیحد تا چندی روزنامه را با کاریکانور بسیار بزرگی زینت میداد پس از مدتی رفته رفته روزنامه خود را از صورت فکاهی خارج و آنرا وسیله ترویج ادبیات قرار داد . در مدت شش سال که روزنامه او ادبی بود همیشه در نشر اشعار سودمند و افکار برجسته شعرای معاصر میکوشید و اکثر اوقات آثار اساتید سخن را مورد استقبال آنان قرار میداد . در اول فروردین ۱۳۱۷ مجددا روزنامه را بصورت فکاهی در آورده و بر آن هد که نکات اخلاقی را با زبان شیرین تری گوشزد عامه نماید . تقریباً مدت دو سال هم بدین ترتیب روزنامه را منتشر نمود تا اواخر سال ۱۳۱۸ در حالیکه روزنامه وابدست یگانه فرزند خود سپرد دار فانی را وداع گفت .

بطور کلی میتوان گفت وجود این مرد جامع صفات حمیده و اخلاق پسندیده بود . بوسیله زبان خوش و خوی دلپذیری که داشت با هر کسی بفراخور حال خود سلوک می کرد و او را فریفته نرفزار و گفتار خویش مینمود . مرحوم حسین توفیق بسیار حلیم و صبور بود و هرگونه پیش آمدی را باخونسردی تلقی میکرد خیلی کم اتفاق می افتاد که در سرموضوعی عصبانی شود . مرحوم توفیق به مثاله ازدواج اهمیت زیاد می داد و اغلب جوانان را بزین گرفتن تشویق و تحریص مینمود . موضوع ازدواج را در بیشتر اشعار خود نیز گوشزد نموده است از قبیل : خوشا کسی که درین روزگار زن دارد . یا ای برادر زن بگیر - هرکس که زن ندارد - بیرهن تن ندارد . چا دلم می خاد زن بگیرم پول ندارم .

همانطور که قبلا یاد آور شدیم پس از فوت حسین توفیق امتیاز روزنامه به فرزندش (محمد علی توفیق) واگذار گردید و از آخر سال ۱۳۱۸ تا حین تحریر این قسمت روزنامه توفیق بمدیری فرزند آن مرحوم بطور فکاهی و کاریکانوری منتشر می گردد مدتی هم سردبیری روزنامه بمهدیه آفای (یوسف خسرو پور) و مدیر داخلی آن آفای (ابوالقاسم حالت) بوده است .

(۴۰۱) زیاتر

روزنامه زیاتر بمصاحب امتیازی و نگارندگی (میرزا رضاخان طباطبائی نائینی) در طهران تاسیس و شماره اول آن ؛ با چاپ سربی (مطبعه فاروس) در چهار صفحه طبع

حرف ت بعدہ الیاء

تیاتر

و در تاریخ سه شنبه چهارم ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری مطابق ۵ مه ماه فرانسہ ۱۹۰۸ منتشر شده است . مرام و مسلک روزنامه چنانچه در ضمن یک سطر در زیر عنوان آن معرفی شده : « آئینه اعمال نیک و بد سابقین و لاحقین است » و مقالات عام المنفعه که مخالف با دین مقدس اسلام نباشد با امضاء پذیرفته و درج میشود . و نیز در باره مسلک روزنامه در ضمن مقدمه مفصلی که مقاله افتتاحی روز نامه

را تشکیل میدهد چنین می نویسد: « پس معلوم شد مسلک این روزنامه تهذیب اخلاقت و کسانی که بتالیفات اروپا نگاهی مینمایند و از وضع و ترتیب تصنیفات آگاهی دارند می دانند که غرض مصنفین سامی از قبیل ولتر و راسین و غیره که تیاتر نوشته اند و مقصود مو لفین نامی مانند الکساندر دوما و امثال او که رمان نگاشته اند برای این است که ترتیب زندگانی اسلاف را برای اخلاف یاد آوری نمایند باری مطالب اینچنینی در هر چه باشد بطریق سؤال و جواب و وضع تیاتر ذکر خواهد شد و مطالب سیاسی را در جراید دیگر که در اداره و شرکت نگارنده است خواهد نکاشت ولی اگر مطلب مهمی باشد یا لایحه ای که نفع عمومی داشته باشد اداره برسد درج خواهد شد »



یک صفحه از روزنامه تیاتر

حرف ت بعده الیاء

تیاتر

مقاله افتتاحی روزنامه عالمانه و معتزانه تدوین شده و با عبارات زیر شروع می گردد : « عقیده عقلای عالم و حکمای بنی آدم در این مسئله مسلم است که تبدیل اوضاع بربریت و تکمیل لوازم تمدن و تربیت در هیچ مملکت ممکن نخواهد شد مگر به ایجاد سه چیز که اصول (سیویلیزاسیون) و ترقی تمدن میباشد و اگر یکی از آنها قصور داشته باشد تمدن ناقص است »

مندرجات روزنامه همانطور که در مقدمه وعده داده شده انتقاد از اوضاع می باشد بصورت تیاتر چنانچه از همان شماره اول پس از ذکر مقاله افتتاحی (تیاتر شیخ علی خان میرزای حاکم ملایر و نویسرکان و عروسی پادشاه بریان مشتمل بر پنج پرده) درج شده ، پرده اول (خلوت شیخعلی میرزا - اجزای اطاق شاهزاده و امنای دربار او) است . دنباله پرده اول شماره دوم و قسمتی از سوم را گرفته و در شماره ۴ بقیه (پرده دوم) و در شماره های ۵ و ۶ پرده سوم چاپ گردیده . از شماره نهم طبق درخواست عده ای وضع سابق روزنامه عوض شده (جهت ندارد این جریده از نصایح سودمند و مقالات دلپسند خالی باشد) و علاوه بر بقیه پرده ششم در پاورقی روز نامه مطالبی بصورت سؤال و جواب طبع شده که بدینقسم شروع میگردد : « شیخ محسن نام جوانی از تربیت شدگان عصر باعلیخان که از شاگردان مدرسه سیاسی است خصوصیتی یکمال دارند امروز در خیابان لاله زار ملاقات میکنند مذاکرات آنها از این قرار است شیخ محسن ، سلام علیکم ، بن ژور مسیو کجا بودی ؟ » طرز انتشار روزنامه هفته دو نمره بوده و هر نوبت در چهار صفحه بقطع ۷ در ۱۱ سانتیمتر منتشر میشده است . محل اداره روزنامه در ابتدا خیابان ناصریه و بعد خیابان ظل السلطان بوده ؛ اسم روزنامه با خط نستعلیق درشت و بالای آن (بسمه تبارک و تعالی) چاپ شده ، وجه اشتراك سالیانه آن : طهران ، ۱۲ قران ، سایر بلاد معروضه ۱۶ قران ، ممالك خارجة ۸ فرانك . قفقاز و روسیه چهار منات تك نمره در طهران يكصد دینار . سایر بلاد ۳ شاهی . قیمت اعلان - طری يك قران است . برون از نمره يك تا چهار روزنامه را در دست داشته (كتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۶۶) و لسی نگارنده تا شماره ۱۲ مورخ يك شنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری آنرا در دست دارم گمان نمیرود که بیش از دوسه شماره بعد از شماره ۱۲ منتشر شده باشد زیرا مصادف با مباران مجلس و تعطیل جراید گردیده که قهرا منتهی بتمطیل این روزنامه نیز شده است . روزنامه تیاتر یکی از بهترین روزنامه های انتقادیست و با سبك جدیدی که در آن بکار برده شده در بین جراید فارسی بی نظیر است .

میرزا رضا خان نائینی

میرزا رضا خان نائینی طباطبائی - در روز ششم بهمن ماه ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۸ ماه رمضان ۱۳۵۰ قمری این فاضل بزرگوار و ادیب عالیمقدار جهان خاك را بدرود گفته در خطیره قدس و نشیمنگاه علوی نخستین جای گزید و بنام نيك زندگانی ابدی یافت . فاضل مبرور فرزند مرحوم میرزا حسنخان متوفی پسر حاجی میرزا

حرف ت بعد الیاء

تیاتر

حسین خان بن میرزا اسید محمد خان بن میرزا معصوم خان است که در زمان سلطنت زنده در حدود نائین و یزد استقلال داشته و هنوز نامه‌های گریه‌خوار زنده‌کا، دوستانه یا نوشته در نزد حضرت ابوالفضل و المکارم آقای حاج میرزا مرتضی قلیخان برادر بزرگتر مرحوم میرزا رضا خان موجود است. مادر وی شاهزاده خانم دختر خالمر میرزای احشام الدوله پسر عباس میرزای نایب السلطنه است، در سنه ۱۲۹۰ هجری آنگاه که پدرش ز حکومت بروجرد معاودت میکرده در قریه حصار از توابع ولایات ثلاث متولد شده علوم ادبی و عربی قدیم را پس از وفات پدر تحت کفالت برادر خود (میرزا مرتضی قلیخان) در اصفهان تحصیل و تکمیل کرده و آنگاه در طهران دوره مدرسه امریکائی را پیموده است.



میرزا رضا خان در راه آزادی و مشروطیت زحمات بسیار کشیده در اوائل مشروطیت عضو انجمن ولایتی اصفهان بوده (شرح مذاکرات او مفصلاً در روزنامه انجمن اصفهان ثبت است مؤلف) پس از آن بطهران آمده روزنامه تیاتر را که یکی از جراید مهم آن زمان است بتاسیس و انتشار پرداخت و در بمباردمان مجلس مرکز روزنامه او خراب و اثاث او بفشارت رفت (محل اداره روزنامه خیابان ظل السلطان بوده که مرکز يك قسمت از حوادث بمباردمان است مؤلف) در مشروطه ثانی از طرف یزد و نائین بوكالت مجلس منتخب و پس از طی دوره وکالت در وزارت عدلیه مستخدم و گاهی بریاست اداره ومدعی العمومی و گاهی معاونت و کفالت وزمانی بکفالت وزارت معارف اشتغال داشت در تشکیلات

میرزا رضا خان نائینی

جدید عدلیه بریاست پار که تمیز منتخب و بالاخره در ۱۸ رمضان ۱۳۵۰ قمری در سن شصت سالگی فرمان دریافتی بچنان جاودان شتافت.

بمقیده ما آقای میرزا رضاخان در علوم ادبیه و ذوق شعر و انتقاد نظم و نثر در طهران بلکه در تمام ایران کم نظیر بود. مرحوم نائینی عشق مفرطی بجمع آوری کتب خطی قدیمی داشت و کتابخانه شخصی وی پس از کتابخانه حاج حسین آقای ملک دوم کتابخانه طهران بحساب می آمد. شعری معاصر برای وی مرانی بسیار ساختند و بهترین مرثیت و ماده تاریخ بمقیده ما مرثیتی است که آقای (عبرت) نائینی بنظم آورد و در ذیل مطلع و مقطع آن طبع میگردد:

دردا حسرتا که برون شد ز دست ما آن گوهری که بود جهانش کمین به
عبرت ز عقل سال وفاتش سوال کرد آهی کشید و گفت صدافسوس از رضا (۱۳۱۰)
(شماره دوم سال سیزدهم مجله ارمغان مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱)

(۴۱۱) تهذيب

روزنامه يادگار انقلاب منطقه طهران در شماره ۱۴ سال اول مورخ دو شنبه ۲۷ شهر شعبان ۱۳۲۷ قمری تحت عنوان (تقریظ) معارف پروران را بشارت از دوروز نامه حیات و تهذيب که بتازگه طبع و نشر شده و عالم مطبوعات را رونق بخشیده اند نام برد . . . ولی از سایر خصوصیات روزنامه تهذيب ذکرى ننموده است . برون نیز در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۶۵) از روز نامه تهذيب که در طهران بطور هفتگی چاپ و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده اسمی ببيان آورده و نوشته است که رابينونه اين روزنامه را دیده و نه آنرا یاد داشت کرده است .

در فهرست جرايد فارسی که در شماره ۴ سال دوم دوره جديد کاوه مورخ غره شعبان ۱۳۳۹ قمری طبع شده نوشته است که روزنامه تهذيب بمديري (ميرزا سليمان خان خسروی) در حدود ربيع الثاني ۱۳۳۸ قمری چاپ و منتشر شده است . در باره محل طبع آن با علامت سؤال شهر طهران (؟) را معين کرده است . در شماره های سال سوم . مجله فلاح و تجارت که در هر شماره روزنامه ها و مجلات واصله را با ذکر شماره و تاريخ آنها ضبط کرده در باره روزنامه تهذيب اينطور مينويسد : « شماره ۲۲ سال دوم روزنامه تهذيب منطقه تهران در برج اسد ۱۲۹۹ شمسی ، شماره ۲۵ سال دوم در برج سنبله ؛ شماره ۳۶ در برج میزان ، شماره های ۲۸ ، ۴۰ در برج قوس ، شماره های ۴۱ ؛ ۴۲ در برج جدی ، شماره های ۴۳ ، ۴۴ در برج دلو ، شماره ۴۵ در برج حوت بادهاره مجله فلاح و تجارت واصل شده است »

(۴۱۲) تهراني ايك

در سال ۱۲۹۹ شمسی در تهران روزنامه به نام تهراني ايك بزبان ارمنی تاسيس و منتشر شده است .

حرف ث

(۴۱۳) ثريا

روزنامه ثريا ابتدا در قاهره مصر و بعد در طهران و سپس در کاشان تاسيس و منتشر شده است و ما بشرح هريك از دوره های آن جدا گانه ميپردازيم .
ثريا در مصر - روزنامه ثريا در قاهره مصر بمديري (ميرزا اعلی محمد خات کاشانی) بزبان فارسی تاسيس و هفته يکبار ر و ز های شنبه طبع و يکشنبه تقسيم ميشده است ، اولين شماره آن روز شنبه ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری مطابق ۱۲۹۹ کتوبر ۱۸۹۸ ميلادی انتشار يافته . اسم روزنامه بخط نستعلیق درشت و روز نامه در عنوان هر شماره بدین قسم معرفي گردیده : « ثريا روزنامه ايست که از هرگونه وقایع پوليטיکی و سياسی و علوم و فنون و صنايع و ادبيات و تجارت و غيره بحث ميکند و نیز مقالاتيکه نافع بحال دولت و ملت باشد کمال ممنونيت طبع و نشر مينمايد . »

حرف ث بعده الراء

ث ر یا

محل اداره ثریا در مصر بشارع عابدين وعنوان مراسلات میرزا علی محمد خان کاشانی صاحب امتیاز و نکارنده روزنامه ثریا در مصر است . قیمت آبونه سالیانه آن



در ممالك محروسه ایران ۳۶ قران . و در سلامبول وسایر بلاد عثمانی ۴ مجیدی ، در قفقاز و سایر شهرهای روسیه ۱۰ منات و در ممالك فرنگستان و آمریکا ۲۵ فرانک ، در هندوستان و چین ۱۲ روپیه ، در مصر و اطراف آن ۴ ریال مصریست . قیمت آبونه در بلاد خارجه مقدم و در ایران در دو قسط گرفته میشود . وجه پست همه جا بعهده اداره ثریا است .

در باره علت نشر روزنامه و تاسیس آن در مصر در مقاله افتتاحی شماره اول پس از ذکر خطبه مشتمل بر سیاس و ستایش خداوند و درود بر پیغمبر و خلفای راشدین شرحی نوشته که ما برای مزید اطلاع خوانندگان عین خطبه و شرح دنباله آن را ذیلا نقل مینمائیم . بخصوص که شماره های ثریا خیلی کمیاب است .

اسم روز نامه

« سیاس و ستایش خدا را که سرحوله جریده آفرینش و افتتاح روز نامه بینش بنام اوست . قدرت بآله زبانش از حسیض ثری تا اوج ثریا را فرو گرفته و حکمت کامله احدیتش از تحت تراب تا فوق افلاک رده کشیده علم و تمدن را زیور و پیرایه انسان قرار داد و بدین صفت بسایر مخلوقاتش عزت بخشید عالم و جاهل و دانشا و کانا بوحدانیت حضرتش معترف و خورد و بزرگ و وضع و شریف بفردانیت جنابش مدعن ز وصف ذات پاکش زبان اهل امکان به (عجز الوصفون عن صفتك) گویا و از معرفت جوهر تابناکش لسان انبیا به (ما عرفناك حق معرفتك) ناطق است . سپس سلام و تعیت بر روان سرور عالم و خلاصه اولاد بنی آدم محمد مصطفی (ص) که پیکر نورانیش بردای (قاب قوسین او ادنی) آراسته و تارک مبارکش بتاج (لولاك لما خلقت الافلاك) پیراسته و برخلفا و زاشدین و ائمه دین مبین اسلام و سلاطین عظام سیما دو پادشاه عادل باذل اسلام که یکی آسمان شهامت را کوبکی است متین و دیگری جهان مددلت را رکنی دعای این دو خسرو تاجدار فریضه مسلمانان است و اطاعتشان فرض اهل ایمان قوام اسلام بسته بدوام این دو دولت است و نبات دین محمدی باتعداد این دو کشور که خداوند همواره جیششان را منصور و اعدائشان را مقهور فرماید و سایر امیران اسلام بخصوص چراغ دودمان خدیویه و حکمران خطه مصریه الامیر المحتشم و الخدیو المعظم (عباس حلمی پاشا) لازالت ایام ملکه و دوانه . « پس از خطبه مذکور را جمع بسبب انتشار ثریا چنین مینویسد : « این بنده علی محمد کاشانی هنگام توقف و تحصیل در علیه سلامبول گاه گاه که با دوستان وطن پرست ملت و دولت ملاقات کرده صحبت از دولت خواهی و ملت پرستی بمیان می آمد جمعی که مدنی در بلدان خارجه مانده و مدنی حب الوطن من الایمان را دانسته و لذت نبرد تمدن و تربیت را چشیده میگفتند امروز موافق شرع انور

حرف بعدہ الراء

ثريا

اطهر ومصالح جمهور ملك و کشور بر هر فردی از افراد ملت واجب و فریضه است که خدمت وطن را اهم عبادات والزم طاعات داند که در دارین اجری عمیم و ثوابی عظیم دارد و از دست هر کس هر چه برآید در خدمت کوتاهی نکند (دست نمیرسد که بچینی گلی ز شاخ بی باری به پای گلبن ایشان گیاه باش) و هم بمضون آیه کریمه (و ذکر فان الذکر تنفع المومنین) امروز برای تنبیه و آگاه نمودن ابنای وطن که غالب روش اجانب ندانند و از سیاست مغربیان که ظاهری چون چهره خوبان آراسته و باطنی چون دل دوزخیان کاسته دارند بیخبر و از مکر و کیدشان غافل اند هیچ بهتر از نصیحت و ذکر نیست (۰۰۰۰۰۰) در این صورت امروز برای ما ایرانیان که طالب خدمت وطن هستیم بشرط قدرت قلم و قوت قدم خدمتی بهتر از نشر روزنامه و همت و اقدام در این امر نیست و همواره مشوق این بنده بی بضاعت بودند که در این کار قدمی پیش گزارد و با قلم شکسته و نطق بسته بانتشار روزنامه پردازد چون ایام تحصیل منقضی نشده بود دویغ می آمدم که تکلیف دوستان را قبول کرده بشکلف کاری کند که از عهده انجام آن بر نیاید و جواب به اهنه و طافره میرفت ۴۰

این بود قسمتی از مقاله افتتاحی ثریا که تحت عنوان (سبب نکارش) درج شده در سال اول ثریا معمولا هر شماره آن در ۱۶ صفحه با چاپ سربی طبع گردیده و با انتشار شماره ۵۰ مورخ پنجشنبه ۸ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۷ قمری سال اول خاتمه پیدا کرده و سال دوم آن با اینکه با شماره ۵۱ شروع میگردد و ولی برای اینکه شماره اول سال دوم با مولود مسعود مطابقت کند از شماره ۵۱ صرف نظر نموده و آنرا بنفع مشترکین جزو سال اول محسوب داشته است. شماره اول سال دوم در تاریخ شنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۱۷ قمری طبع و منتشر گردیده و در این سال قطع صفحات و سبک مطالب بعینه مانند سال اول است جز اینکه در این سال تعداد صفحات هر شماره ۲۰ صفحه میباشد مقاله افتتاحی سال دوم تحت عنوان (سال دوم - خطبه ثریا) نوشته شده و بدین قرار است: «پاکبزه دانای دانایان و خردمند خردمندان را سپاس و ستایش سزااست که قلم دانش آفرید و لوح ینش خاق فرمود و روزنامه هستی را بنام نامی خویش مطرح داشت و خاکبان فرشی را بزور معرفت و ایقان و قوت دانش و عرفان بر ساکنین عرش مزیت بخشود و از ثری تا ثریا و از سمک تا سمک اقتدار ایشان نهاد تا از روی دانش خویش کار کنند و پروردگار پاک را ستایش نمایند. همه موجودات بر هستیش معترف و همه کائنات بر عبودیتش مدعن. عقل خورده بین از درک کنه ذاتش قاصر و قوه ناطقه از وصف صفاتش عاجز این یک به جز خود قائل و آن یک بقصور خود مقرر. پس در و د و تعیت بر روان پاک سیدرسل و هادی سبل و معلم عقل کل هلت آفرینش و معبط انوار فیض و بینش محمد مصطفی (ص) که خداوندش بدانش و بینش و داد و دهش بر فرستادگان خویش همواره برگزید و به پیغمبری بر آفریدگان خود کسبل فرموده تا ایشان را آداب مدنیت و انسانیت بیاموزد و علم معاش و معاد یاد دهد و افتادگان را دستگیری فرماید و کوران را روشنی بخشد و برخلفاء را شدین و ائمه دین مبین و سلاطین عظام مسلمین

حرف ث بعده الراء

ثريا

سپید و خسرو کامکار عادل و دو نیر رخشنده آسمان مجد و اقبال که یکی آفتابیت بر فراز سپهر دانش و بینش درخشنده و دیگری کوکبیت بر برج سعادت و فرخی تابنده و دهای دوام دولت و اقبال این سلطان نامدار و دو شهریار کامکار کلیه مسلمین اقطار عالم را از فرایض است و بر سایر حکمداران و امیران اسلام مخصوص نجم درخشنده عائله خدیویه و فرمانفرمای خطه مصریه الامیر المحتشم والخدمه الفخیم (عباس حلمی) پادشاه ادام الله ایام دولت و ملکه .»

پس از خطبه مذکور شرح جشن قنصلگری ایران که در روز تولد مظفر الدین شاه گرفته، تحت عنوان (مولود محمود) پرداخته است .

بطور کلی مندرجات روزنامه ثریا عبارت است از اخبار و حوادث ایران و مصر و در بعضی از شماره ها اخبار عمومی جهان نیز در آن درج است . اخبار را جمع به ایران بوسیله وکلای روزنامه که در شهرهای داخلی ایران بوده تهیه میشده و غالباً اخبار مربوط بایران مفصل نوشته شده است . مقالات و نامه های شکوایه نیز قسمتی از مندرجات روزنامه را تشکیل میدهد . ثریا با چاپ سربلی طبع شده و لو در هیچیک از شماره ها اسم مطبعه چاپ نگردیده و در انتهای صفحه آخر این عبارت درج است : «در مصر در مطبعه چاپ شود» از شماره ۲۷ سال دوم امور روزنامه ثریا بمطبعه آقا (سید فرج الله تاجر کاشانی مقیم مصر) واگذار شده و همین آقا سید فرج الله است که بعد از روزنامه را در طهران و کاهان برای دفعه دوم و سوم منتشر نموده است . از شماره ۲۷ صاحب امتیاز و نگارنده سید فرج الله کاشانی معرفی شده و نام مشارالیه در عنوان روزنامه بعوض اسم (علیه محمد کاشانی) چاپ گردیده است . در باره این واگذاری و علت آن علاوه بر آنچه بتفصیل در ذیل روزنامه (پرورش) شرح داده ایم و خوانندگان برای اطلاع از آن باید بدانجا مراجعه فرمایند، عین اعلانی را که در صفحات ۹ و ۱۰ شماره ۲۷ چاپ شده نقل مینمایم :

«اعلان . بعوم و کلا و مشترکین روزنامه ثریا اعلان میشود این روزنامه از اول تا حال فیما بین این جانب میرزا علی محمد خان کاشانی و عمده التجار آقا سید فرج الله تاجر کاشانی مقیم مصر مشترک بود باتفاق طرفین فسخ شراکت کرده این جانب جمیع حقوق خود را از بدل آبنه جات و وجوهات سائره که در نزد و کلا و مشترکین محترس باقیمانده است خواه از بابت سال اول و خواه از بابت سنه حاضره باشد بجناب آقا سید فرج الله مصالحه نموده و وجه مصالحه را اخذ و دریافت کردم و باید تمام این وجوهات و محاسبات بجناب آقا سید فرج الله راجع شود این جانب را نه در روزنامه مذکوره و نه در وجوهات و محاسبات مذکوره دخلی و حقی باقی نمانده است مشترکین عظام و وکلای محترم جمیع وجوهات خودشان را باید بجناب آقا سید فرج الله نموده خود را با شخص ایشان طرف حساب بدانند . بتاريخ ۱۹ شهرمایو ۱۹۰۰ مطابق ۲۰ محرم الحرام ۱۳۱۸ علی محمد کاشانی .» با اینکه پس از واگذاری امور روزنامه دیگر آقای علی محمد کاشانی در امور روزنامه ثریا مداخله نکرده ولی چون نامبرده اقدام بتاسیس روزنامه دیگری به

حرف ثبعده الرء

ثريا

نام پرورش کرده و آن را مرتبا تا آخرين ايام حيات منتشر نموده لذا بين آن دو مناقشات قلمی بسيار ردوبدل گردیده و هر کدام در روزنامه خود بدیگری تاخته است . برای اطلاع از چگونگی این مناقشات بعرف پ کتاب (کلمه پرورش) مراجعه شود . روزنامه ثريا تا مادامیکه امور آن بهمه ميرزا عليمحمد کاشانی بوده یکی از روزنامه های مفید و بسيار خوب زبان فارسی بوده است ولی پس از آنکه نامبرده عدم دخالت خود را اعلام داشته بکلی از رونق افتاده است . مرحوم کسروی در کتاب تاريخ مشروطيت ايران درجائیکه از جرايد قبل از مشروطيت گنگو ميکند درباره ثريا اينطور مینويسد : « ثريا نخست نوشتن آن با ميرزا عليمحمد خان کاشانی بود و آوازه گهتار های تند آن بهمه جا ميرسيد ولی سپس او جدا گرديد و خود نامه پرورش را بنياد نهاد و ثريا از ارج افتاد . سال ششم آنرا که در سال ۱۲۸۳ (۱۳۲۲ قمری) در تهران چاپ شده و نوبسنده اش سيد فرج الله کاشانی بوده من دیده ام و روزنامه بسيار پستی است . یکی از زشتیهای این روزنامه کشاکشی است که با حبل المتين پيدا کرده و سخنان سبک و زشت بسياری ، که خود دشنامست ، بدارنده حبل المتين ميشمارد . حبل المتين گاهی سخن از قانون و حکومت مشروعه بميان می آورد این در پاسخ آن مینويسد : در پادشاهی پادشاهی که اسخی از تمام سلاطين سلف و اعدل از ملوک دادگستر جهانست ، خرافات و ترهات سلطنت مشروعه و غير مشروعه چرا ميپا فی و هر آهنگر و عمله و بقال را محق در تدقيقات امور دولت ميشماري ۰۰۰۰ این سخنان مشابه بکلام جن زدگان چه سود بشود ۰۰۰۰ این بوالفضوليهای مردود از سيد جمال ميهود است ، تو سيد جلال بی جمال چه ميگوئی »

از روزنامه ثريا منتشره در مصر نگارنده تا شماره ۳۶ سال دوم مورخ ۲۰ جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری را در دست دارم و ظاهرا در این تاريخ روزنامه ثريا در مصر توقيف گردیده و ديگر منتشر نگردیده و مدير آن سيد فرج الله کاشانی بطهران عزيمت نموده است

(۴۱۴) ثريا

پس از توقف سيد فرج الله در طهران روزنامه ثريا را در این شهر در سال ۱۳۲۱ قمری بهمان سبک سابق منتشر نموده و شماره ۲۱ شمين سال آن (سال ۱۳۲۱ قمری مطابق شمين سال تاسيس روزنامه است) در ۲۲ رجب ۱۳۲۱ قمری منتشر گردیده است ؛ نگارنده از چگونگی وضع ثريا و طرز انتشار آن در طهران تا سال ۱۳۲۷ قمری که برای دفعه سوم در شهر کاشان انتشار یافته اطلاعی در دست ندارم و در جرايد آن ايام نیز اسمی از ثريا نیست ولی معتدل است تا انقلاب مشروطيت ثريا کم و بيش در طهران منتشر شده باعهده در اواخر سال ۱۳۲۷ قمری ثريا به شرحیکه ذیلا خواهيم نگاشت در شهر کاشان منتشر شده است .

(۴۱۵) ثريا

روزنامه ثريا بمديري و دبيري (فرج الله الحسيني) در شهر کاشان تاسيس و شماره

حرفث بعده الرءاء

ثريا

اول آن در چهار صفحه بقطع روزنامه حبل المتین؛ با چاپ سنگی (مطبعه ثریا) طبع و در تاریخ پنجشنبه ۲۵ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۷ قمری مطابق ۲۵ آذرماه جلالی سال تغاقوی میل منتشر شده است. انتشار این شماره مطابق دوازدهمین سال تاسیس ثریا بوده و در عنوان هر شماره این سال، سال دوازدهم و در زیر اسم روزنامه که بخط نستعلیق درشت کوشته شده سال (۱۳۱۶) درج است. سایر خصوصیات روزنامه بدین قرار است: عنوان مراسلات کاشان اداره ثریا. قیمت آ. ب. نه جات سالیانه: کاشان یک تومان سایر ولایات ۱۲ قران نك نمره صد دینار؛ قیمت اعلانات سطری ۵ شاهی. پس از نشر چند شماره ثریا مختصر تغییر در مدیریت و دبیر روزنامه پیدا شده بدین قسم که (فرج الله العسینی) مدیر مسؤل و دبیر روزنامه (فخرالواعظین) گردیده است. ثریا از لحاظ سبک مندرجات و مطالب؛ بدون تفاوت مانند زمانست که در مصر و طهران منتشر میشده جز آنکه در ثریای کاشان بیشتر اخبار کاشان و اخبار اجمن ولایتی این شهر درج گردیده است. راجع بافتقال محل نشر روزنامه از طهران بکاشان و سبک روزنامه شرحی تحت عنوان (ابتدای سخن) در صفحات يك و دو شماره اول آورده که برای مزید اطلاع خوانندگان گرام عین آن را نقل مینمایم: ضمناً این قسمت مقاله افتتاحی روزنامه را نیز تشکیل میدهد.

«ابتدای سخن. الحمد لله امروز انوار تمدن و ترقی از اغلب ممالك شرقی باوج افلاك ساطع و آثارش لامع از جمله آثار آنکه جمعی از غیرتمندان دامن همت برکمر غیرت زده شمع محفل یاران گردیدند و برخی از نوجوانان وطن بهضمون (حب الوطن من الایمان) از مال و جان گذشتند و بهشق دیدار این شاهد مهوش و دلبر دلکش در خون خویش آغشته گشتند که شاید وصال معشوق را در یابند و این بلدان منوی در گلستان مانی بنغمه های ایرانی و نواهای شرقی بنغنی در آمدند و آغاز شور و فتور نمودند و بساط نشاط گسترده و از گلهای معارف و مدنیت با هزاران زحمت و مشقت از بوستان حریت و مشروطیت چیدند و حال با صوتی بلند و ندائی ارجمند خطاب نموده میگویند ای برادران دینی و ای مسلمانان شرقی وقت آنست که توسن سعادت و کمیت همت در میدان مدنیت و بیابان معرفت بجولان درآورید و گوی سبقت از همگان بر بایید چه ظلمت استبداد بروشنی عدل و داد تبدیل گشته و قوه اعتداف و غلبه ظلم و تمدی تذلیل یافته و نعمتی مارا بدست آمده که تا پنجاه سال دیگر منتظر ورودش کمتر نبودیم نعم ماقال (دولت آنست که بی خون دل آید بکنار) خداوند متعال و غنی بلازوال بر ما ملت ایران عموماً و اهالی کاشان خصوصاً نعمتی فوق تصور و ادراك کرامت فرموده و در اندك مدتی لواء مشروطیت را در خاک پاك ایران بر تلال و جبال برافراشت و علم (نصر من الله و فتح قریب) را بقمی عجیب در تمام شهرها برپا نمود. پس در این صورت باید ما ملت ایران قدر این نعمت شایان را بدایم و چون جان گرامی را عزت بداریم بل در ظل آسایش او بیاسائیم و بشکر و ثنای پاك بزدان مهربان لب بگشائیم که از دست تعدی و استبداد ظالمان آدم صورت و ستمکاران وحشی سیرت نجات یافتیم و حالیه

حرف ث بعدہ الراء

ثریا

در ظل رفت و محبت اعلیٰ حضرت قوی شوکت سلطان جوانیغت و پادشاه تاج و تخت غنوده و در سایه بلند پایه مجلس مقدس شورای ملی شیدائے ارکانه که جان ملت و روان مملکت است آرمیده ایم و از خوان نعمتش متنعم طوبی لنا و حسن مآب • چه خوش باشد که بعد از انتظاری - بامیدی رسد امیدواری • نخست بشکرانه این موهبت هیبتی از بزرگان و اعیان کاشان همتی بسزا فرمودند و در نشر جریده ثریا از هر جهت سعی و اقدامی نمودند تا مانند سایر ولایات ایران کاشان هم دارای معارف باشد و بشاطی علم و عرفان رسد و از خوان نعمت معارف پروران بی بهره و نصیب نمانند چه در این مقام اهالی این سامان نسبت بسایر شهرهای ایران در نشر علوم و عرفان از علماء اعلام و ادباء فغام و ارباب فضل و قلم و اصحاب عقل و حکم از بیش و کم عقب نمانند بلکه تقدم جویند لهذا در این ایام هم که ایام انتشار معارف است و بروز آثار صنایع و بدایع و علوم و فنون جمعی از اعیان عظام و آقایان ذوالاحترام اقدام تامی فرمودند که جریده ثریا در کاشان بطبع رسیده آنها را خدمت شایان نماید و عموم از وقایع و حوادث شهری و غیره آگاهی حاصل نمایند تا بر اطلاعات و آگاهی ارباب بصیرت افزاید و سر رشته امور این مات غیور را بواسطه اخبار بدست دهد و تکالیف عموم معلوم گردد

مسلك جریده یاروزنامه . اگرچه روزنامه اسم اخبار یومیه است و اخبارات هفتگی را جریده مینامند با اینکه در معنی يك حکم و رسم دارد ، مسلك این جریده حق گوئی و حق نویسی است بدون ملاحظه شخصی و در اصلاح امور ملت و منافع مملکت سخن میراند از مطالب سیاسی و پولنیکی و مقالات نافع و راجع بعموم ملت و نصایح و مواعظ در هر هفته مرقوم میدارد و در فواید شرکت و تجارت و صنایع و علوم درج خواهد شد و هم چنین از تملقات معموله قدیمی بکلی بری و در کمال حریت و آزادی خلاف را در خلاف و خیر را خیر و شر را شر بدون مضایقت مینگارد و در مقام تنبیه و تنبه بمبارات لبن ملبح و بیانات واضح فصیح اهالی وطن عزیز را آگاه نموده تا بتکالیف خود در امورات لازمه و حرکات پردازند • این است مسلك این جریده »

پس از مقاله مذکور شرحی تحت عنوان (اخطار) راجع بخصوصیات روزنامه نوشته که بی مناسبت نیست آنرا نیز بعینه نقل نماییم : « اخطار - بر ارباب دانش و اصحاب بینش مستور و مخفی نماند که این جریده (ثریا) که سالها در مصر قاهره و زمانی در دارالخلافه ندای مشروطیت را بلند و بهفتم طباق سما رسانید و صدای مدنیت را بکوش هوش هر مستمند کشانید و در انتظار اهل نظر جلوه دیگر داشت و مقاصد خود را بدون تشویش در صفحات ثریا نگاشت • تا در این ایام که باز حماتی تمام احداث مطبعه بنام ثریا در کاشان وطن اصلی نمود و در شهریکه هیچگونه اسباب آسایش فراهم نبود الحمد لله مطبعه دابر گشت و اساسش به حکم شد • چون غیرتمندان این سامان اسباب نشر معارف را آماده و مهیا یافته در فکر انتشار جریده افتادند خصوصا آقای رئیس بلدی به کاشان و اعضای محترم انجمن بلدی بسمی وافی و اقدام کافی مجمعی از اعیان و ارکان جمع فرموده در صدد تشکیل شرکتی برآمدند و اداره جریده را بهمت هیئت محترم فراهم

حرف ثبعده الرء

ثربا، جارچي ملت

نمودند وچنان مقرر شد که حاليه محض آگاهی واطلاعات اهالی هر هفته بدونمره قناعت نماييم که بزبور طبع آراسته گردد و انشاء الله اميدواريم که در اندک زمانی که اهالی این شهر از فوايد معارف بهره مند گردیدند و مقاصد خود را بدست آوردند این جریده روزنامه يومية رسیده مانند ساير ولايات که روزنامجات را از جمله واجبات میدانند و فريضه ذمه خویش شمارند »

در شماره اول پس از مقاله افتتاحی و اخطار مذکور، مقاله بعنوان (ايسر لالسان الا ماسمی) وهمچنين اخبار شهری کاشان و گهنگوهای انجمن بلدی کاشان و واقعه نایب حسین و مطالب دیگر درج است . هر شماره روزنامه چهار صفحه و هر صفحه آن مشتمل بردوستون است . از این روزنامه فعلا تا شماره ۱۲ سال دوازدهم مورخ پنجشنبه ششم شهر صفر ۱۳۲۸ قمری در دست است . و نگارنده اطلاع ندارم که تا چه مدتی پس از این تاریخ ثربا منتشر شده است . از مدیر ثربا (سید فرج الله کاشانی) اسی در حوادث مشروطیت ایران نیست . شرح احوال میرزا علی محمد خان کاشانی در همین مجلد در ذیل روزنامه پرورش نوشته شده خوانندگان بدانجا مراجعه فرمایند .

حرف الحیم

﴿ ۱۶ ﴾ جارچي ملت

روزنامه جارچی ملت در طهران بهمدیری (آقا سید حسین ابراهیم زاده) تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است ، شماره ۱۰ سال اول در چهار صفحه بقطع ۶٫۵ در ۱۲٫۵ ؛ با چاپ سنگی (مطبعه میرزا علی اصغر) طبع و در تاریخ شنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . اسم روزنامه بخط شکسته درشت و در بالای آن (مشروطه بیقانون) و در یکطرف (آزادی . استبداد) و در طرف دیگر (توقیف قانون) و در زیر آن این شعر درج است : « مشروطه نگهدار که مشروطه نکوست * هم لایق دشمن است و هم لایق دوست » در این شماره و همچنین در سایر شماره ها صفحات اول و آخر روزنامه مشتمل بر کاریکاتور میباشد . کاریکاتور شماره ۱۰ بهمنوان (احترام بفراش روزنامه) است که تمفك چی فراش روزنامه را چون روزنامه آورده هدف قرار داده است . کاریکاتور شماره ۱۸ شیخی است که بالای منبر قرار گرفته خطاب بمردان میکويد مگر در این ماه مبارك کاری از پیش ببریم و گرنه وقت دیگر نیست مارا * بجز تمکین و اصلاح و مدارا ؛ در پای منبر جمعی از مردان نشسته و زبان حالشان این است : هرکرا شیخ کبیرش گمره است * کی مریدش را بجنت خود ره است . در این شماره و همچنین در شماره های دیگر اشعاری بعنوان (ادبیات) درج است که قسمتی از اشعار شماره ۱۸ بدین قرار است :

همسایه بما دشمنیش بیخود و بیجاست * خصمیش هویدا است
از چیست که خود دشمنیش بر همه ماست * ایران نه بخار است
.....

حرفی جیم بعدہ الاف

جارچی ملت

این فایده دوستی روس با ایران ✱ ایران شده ویران
 این دوستی او نه زما کشتن تنهاست ✱ نه دشمن داناست
 برده همه سرما به ایران بتجارات ✱ آورد خسارات

کاریکاتور شماره ۲۴ فرار محمد علیشاه بطرف روسیه و از شماره ۲۹ تصویر
 مظفرالدین شاه با سالارالدوله و شماع الدوله است . کاریکاتورهای روزنامه مانند سایر
 کاریکاتورهای روزنامه‌های آن ایام مشروحاً توضیح داده شده و واضح و آشکار است .
 مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی انتقاد از اوضاع و دادخواهی از اولیای
 امور میباشد . و بعلم همین انتقادی بودن آن و مخصوصاً کاریکاتورهای روزنامه ،
 غالباً جارچی ملت توقیف می‌شده و حتی یکبار هم مدیر و روزنامه هردو توقیف شده‌اند .
 شرح این توقیف را مدیر چهره نما در شماره ۵ سال نهم مورخ ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۰
 قمری از قول «خبر خود در طهران اینطور نوشته است : » تقریباً سه ماه قبل یعنی
 ۱۹ ذیحجه روزنامه جارچی ملت را با جناب (آقا سید حسین ابراهیم زاده) مدیر او
 بحکم وزارت داخله توقیف کردند پس از چند روز مدیر را رها کردند که گویا تقصیر
 و گناهی باین یگانه فدائی ملت و معارف ایران وارد نیاروندند مجدداً در ۱۲ صفر تاچند
 روز جناب آقا سید حسین ابراهیم زاده مدیر را توقیف کردند و بعد رها کردند و باز
 معلوم نشد علت گرفتن و رها کردن اگر از مراتب غیرت و حمیت این جوان وطن خواه
 واقعی و خدمات چندین ساله او در راه وطن عزیز اهالی ایران و طهران کاملاً مطلع
 نیستند جناب مدیر چهره نما مسبوقند افسوس که مدار رسیدگی بامور از روی حقیقت نیست »
 جارچی ملت در سال ۱۳۲۷ قمری پس از یکسال تعطیل و توقیف ، در اوایل
 شهر شعبان سال مذکور پامر دولت از توقیف خارج و نولن شماره سال یازدهم آن
 در نیمه شعبان زینت بخش عالم مطبوعات گردیده است .

در شماره اول سال دوم اسم روزنامه (جارچی ملت) در عنوان روزنامه روی
 سینه مردی که دهان باز نموده و بکدست بر بناگوش گذاشته نوشته شده و بجای
 کاریکاتور صفحه اول تصویر میرزا عبدالرزاق خان سرتیپ مهندس علوم ریاضی و جغرافی
 کشیده شده و در ذیل آن شرحی نوشته است . سال اول جارچی ملت با انتشار شماره
 چهارم که روز انتشار در آن قید نگردیده و فقط سال ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ چاپ شده ، خاتمه
 یافته است . از مطالب مندرج در این شماره معلوم میشود مدتی روزنامه تعطیل بوده
 و نیز در همین شماره میرزا علیرضا خان نقاش عهده دار کاریکاتور روزنامه و سلطان -
 الکتاب محرر روزنامه معرفی شده اند . در ذیل کاریکاتورها امضای علیرضا درج است ،
 در شماره ۲۴ سال اول مورخ رمضان ۱۳۲۹ قمری در مقاله اساسی که بعنوان
 (غفلت ملت - بیداری جارچی) نوشته شرحی بعنوان گله از توقیفهای متوالی و بی جهت درج
 نموده که برای اطلاع از تاریخچه روزنامه مناسبست قسمتی از آن را نقل نمایم :
 « متذکرین محترم جارچی ملت را با عجز بیان بهزار زبان از روی ادب و امتنان
 معذرت میخواهیم که جرید . فرید . جارچی ملت در عین نما و نمو و اینمدت از عالم

حرف جیم: هده الالف

جارچی ملت

مطبوعات و اشاعت محروم و ممنوع گردیده بود. یگدفعه خودی نشان داده و سری بیرون آورده و آشکار شد و مثل سپاه اشکر زنکی هجوم آور گردید ولی بمصدق العذر عند کرام الناس مقبول امید است مشترکین محترم جارچی ملت هذر ما را در انسداد و عدم اشاعت وی پذیرفته چرا که اسما مامور بالمجبور معذور مفاد حال ما ست ۰۰۰ و حال آنکه نسخ مطبوعه جریده جارچی از بدو تا کنون که ۲۴ نمره طبع و توزیع شده و اکنون در خدمت مشترکین و عموم ملت موجود و حاضر است احدی از روی عقل و نقل و قانون مملکتی مجال ایراد و اعتراض بر ما نداشته و ندارند خصوصا از شمار ۱۳ جارچی ملت را اگر کسی بغور ببیند و پیش بینی های ما را نسبت بدولت و ملت خودمان نیکو خواهد سنجید ولی تپی داستان قسمت را چه سود از رهبر کامل با این همه خیر خواهی عمومی از روی اجبار جریده جارچی ملت موقت و ممنوع گشته در انسدادش مجبور گشتیم مجبوریست ما بدرجه بود که نسخه دهم مورخه ۱۷ ربیع الثانی که طبع شده بود از اشاعتش محروم شدیم و باشتناری من باب اطلاع مشترکین ماذون نگشتیم ناچار تن بقضا داده دست بروی دست نهادیم تا مدت انسدادش سر آمد و مورد اجرائش در رسید ۰۰۰۰۰

جارچی ملت پس از توقیف و تعطیل یگساله، چنانکه اشاره کردیم سال ۱۱ خود را در ۱۲۹۹ شمسی شروع نموده و در سال مذکور مرتبا هر ماهی سه یا چهار شماره منتشر نموده است چنانچه شماره های ۱۳، ۱۴، ۱۵ سال یازدهم روزنامه در برج اسد و شماره های ۱۷، ۱۸ در برج سنبله و شماره های ۱۹، ۲۰ در برج میزان و شماره های ۲۳ و ۲۴ آن در برج دلو سال ۱۲۹۹ شمسی توزیع گردیده است. شماره اول سال شانزدهم روزنامه در تاریخ سه شنبه ۲۶ ذیحجه مطابق ۱۷ اسد ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده و سرمقاله آن تحت عنوان (شانزدهمین سال) است.

از این پس نیز جارچی ملت کم و بیش منتشر گردیده تا سال ۱۳۰۵ شمسی که در ۲۹ فروردین این سال شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه رادر تهران بآقای (میرزا علیخان ندائی) واگذاشته و از آن پس جارچی ملت بمدیری آقای میرزا علیخان ندائی انتشار یافته و به اشتراك آن سالیانه ۶۰ قران ششماه ۳۵ قران، خارجه ۸۰ قران، ۴۵ قران تك شماره ۶ شاهی پس از يك ماه يك قران است لازم است یادآور شویم با اینکه موسس روزنامه ابراهیم زاده بوده ولی پس از واگذار شدن روزنامه بآقای ندائی همه جا (موسس و مدیر علمی ندائی) نوشته شده است. محل اداره و وجه اشتراك روزنامه در دوره اول از این قرار است: طهران • خیابان ناصری • اداره توزیع کل جراید • طهران ۸ قران سایر بلاد ۱۰ قران، ممالك خارجه ۵ فرانك تك نمره در طهران ۳ شاهی، در سایر بلاد ۴ شاهی • قیمت اعلانات سطرده شاهی • عنوان بعضی از سرمقاله های روزنامه در دوره دوم بدین قرار است: کابینه قدیم و جدید - واقعه روز ۳ شنبه الغاء کابیتولاسیون اصلاح قوه قضائیه - امضای قرارداد تجارته دولتی ایران و روس

• حرف ج بعده الالف

جارچی وطن، جاسوس، جام جم

(۴۱۷) جارچی وطن

روزنامه هفتگی جارچی وطن در سال ۱۳۲۸ قمری در طهران منتشر شده است
(کتاب مطبوعات و نشر فارسی برون ص ۶۸)

(۴۱۸) جاسوسی

روزنامه جاسوس در طهران بمدیری آقا سید حسین ابراهیم زاده تاسیس و شماره اول آن که تنها شماره منتشره از این روزنامه است در اواخر ربیع الاول ۱۳۳۲ قمری طبع گردیده و بلافاصله تمام نمرات آن از طرف رئیس تفتیش کل معارف توقیف و ضبط گردیده است • روزنامه جاسوس بقطع روزنامه دیوان عدالت بوده و از طرف جمعیتی در طهران طبع و منتشر میشده متأسفانه همانقسم که نوشتیم پس از بیرون آمدن شماره اول تمام نمرات آن از طرف رئیس تفتیش کل معارف توقیف و ضبط گردیده و حتی مدیر مطبعه (کلیمیان) را که روزنامه در آن طبع شده بود بنظمیه جلب و خواستند از او التزام بگیرند که دیگر چاپ نکند ولی وی جواب داد چرا بد و مطبوعات در صورت گرفتن اجازه آزادند و مطابع ملزم بدادن التزام نبوده • با چنین گستاخی از طرف یک نفر کلیمی نظمیہ میگوید شما حق اینگونه صحبت ها را ندارید و باید التزامنامه را امضاء کرده بروید •

مطبعه کلیمیان در طهران شرکتی از کلیمیان بود • که هر سهمی از آن يك صد دینار بوده است •

سید حسین ابراهیم زاده همان مدیر روزنامه جارچی ملت است که سابقا نام او را بار آور شده ایم وی برادر عیال مرحوم حاج میرزا حسن رشدیه معروف است • خواهر ابراهیم زاده که عیال رشدیه بوده زنی فاضله و دانشمند و اتفاقا در همان سال تاسیس روزنامه جاسوس یعنی روز جمعه دهم ربیع المولود ۱۳۳۲ قمری در طهران فوت نموده است • این بانوی دانشمند در ۱۳۰۰ بدینیا آمده و در ۱۳۲۴ قمری مدرسه عفاف را در طهران باز کرد و پس از اندکی درجه اشتهار او بجائی رسید که وزارت علوم ۴ مدرسه اناث را (تربیت - حسنات - ناموس - عفاف) تحت نظارت او قرار دادند • پس از فوتش مجلس ترحیم بسیار مفصلی برای او گرفته و وزیر معارف وقت آقای حکیم الملک در آنجا حاضر شدند •

(۴۱۹) جام جم

روزنامه جام جم در طهران بمدیری (حاج سید رضا) از نمایندگان مجلس شورای ملی ، در سال ۱۳۲۵ قمری تاسیس و شماره اول آن در چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است • هر شماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۶٫۴ در ۱۲ سانتیمتر طبع شده و صفحات اول روز نامه مخصوص درج تصاویر پادشاهان سلسله کیان ،

حرف جیم بعد ۱۵ الالف **جام جم ، جام جمشید ، جامع ، جامعه اسلامی**
 ساسانیان میباشد و بهمین مناسبت هم شاید روزنامه بجام جم نام گذاری و در شماره اول تصویر کیومرث چاپ شده است . جام جم با چاپ سنگی طبع شده ، قیمت اشتراك آن بدین قرار است : طهران ۱۲ قران ؛ سایر بلاد ۱۵ قران ؛ روسیه و قفقاز ۳ منات ، فرنگستان ۷ فرانك ؛ برون مینویسد من نمرات از يك تا ده و از ۱۲ تا ۱۸ و از ۲۰ تا ۲۳ و از ۲۶ تا ۲۷ روزنامه را در دست دارم . (کتاب شعرو مطبوعات فارسی ص ۶۸)

(۴۲۰) جام جم

آقای میرزا علیرضا روستائیان روزنامه جام جم را در سال ۱۳۳۳ قمری در شیراز تاسیس و منتشر نموده و بعد هم انتشار آنرا آقای رهبر شیرازی واگذار مینماید

(۴۲۱) جام جمشید

روزنامه هفتگی جام جمشید در شهر بمبئی تاسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری منتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۶۸)

(۴۲۲) جام جهان نما

روزنامه هفتگی جام جهان نما در شهر کلکته هند و ستان تاسیس و در سال ۱۲۶۲ قمری منتشر شده است .

(۴۲۳) جام جهان نما

در ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه جام جهان نما در طهران بمدیری (میرزا محمد خان حنا) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۴۲۴) جامع

روزنامه جامع در اصفهان بمدیری (سید عبدالعجه بلاغی) تاسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . از روزنامه جامع يك طلبیه و یکی دو بیانییه بیشتر منتشر نشده است . آقای بلاغی مدیر آن ابتدا در سلك طلاب علوم دینی بوده در پیش آمد تغییر لباس وی نیز عمامه را بکلاه تبدیل کرد و با گذرانیدن امتحان کلاس ثبت اسناد وارد اداره مذکور گردید و تا این اواخر در این اداره در خدمت دولت میبود .

(۴۲۵) جامعه اسلامی

روزنامه جامعه اسلامی در سال ۱۳۰۱ شمسی در طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۴۲۶) جاوید

در تاریخ ۲۲ ثور ۱۳۰۲ شمسی امتیاز روزنامه جاوید بصاحب امتیازی (غلام - ۱۶۲ -

حرف جیم بعده الراء

جاوید ، جرقه

حسین خان، (از تصویب شورای عالی معارف گذشته است ولی چون تا تاریخ ۲۲ قوس ۱۳۰۲ شمسی از طرف صاحب امتیاز اقدام به نشر روزنامه نشده بوده لذا طبق قانون در تاریخ مذکور اعلان شده که صاحب آن باید اقدام بتجدید امتیاز نماید . نگارنده دیگر اطلاعی ندارد که از طرف صاحب امتیاز اقدام بتجدید امتیاز شده است یا خیر و براین از انتشار و عدم انتشار آن اطلاعی در دست نیست .

(۴۲۷) جرقه

شماره اول سال اول مجله جرقه بصاحب امتیازی و مدیری (م . ت ناصحی) در طهران در ۶۴ صفحه بقطع کوچک ، با چاپ سربی و کاغذ اعلاطبع و در اسفند ۱۳۰۵ شمسی مطابق مارس ۱۹۲۷ میلادی منتشر شده است . در عنوان مجله اسم آن (جرقه) با خط نستعلیق درشت نوشته شده و در زیر آن جمله (مجله اجتماعی . اقتصادی) و روی جلد مجله باز اسم مجله و نام صاحب امتیاز و هم چنین اسم مجله بفرانسه درج است . مقاله افتتاحی مجله بدین قرار است : « مقدمه . حوادث و پیش آمده های اجتماعی و سیاسی و تبدلاتی که در امور اقتصادی و اشکال حکومت ها و افکار بشری تا امروز ظاهر شده و اکنون هم در جلوی چشم ما بکندی و یا تندی بظهور میرسد همه تا بهیچ و نتیجه علل و موجداتی است که در ادوار مقدم با سیر تاریخی در خود جامعه بوجود آمده و می آید . برای فهم این جزئیات و پیش آمده ها نظریه سطحی وقضاوت های ظاهری کافی نیست و ما را بدرک حقیقت نزدیک نمیکند از جمله مسائلی که در حیات اقتصادی این مملکت دخالت دارد موضوع فلاح است و از این جهت این موضوع را یک مجله اقتصادی که منتشر میشود باید در نظر بگیرد و مجله ما مسئله فلاح و اقتصاد روستایی را با همین نظر طرف توجه قرار میدهد . مشرق زمین امروز از یک خواب طولانی بیدار شده و همسایگان ما ترقی زیادی کرده اند و این ترقیات باید جلوی چشم ما باشد و مجله اجتماعی ما باین قسمت نظر دارد با این رویه است مجله ما قدم های اولیه خود را برداشته و امیدوار است که بمساعدت خوانندگان خدمت اجتماعی را که بعهده گرفته انجام دهد . »

پس از مقاله افتتاحی مذکور ، قسمت اجتماعی مجله تحت عنوان (مناسبات شرق و غرب) در قرن حاضر نوشته شده و این مقاله بقلم (ر . پ) و بصفحه ۱۷ مجله خاتمه پیدامیکند . پس از آن مقاله دیگری تحت عنوان (چین) راجع باوضاع اقتصادی کشور چین بقلم (م . انوشه) درج است و بصفحه ۲۸ مجله خاتمه پیدا میکند . بعد از آن مقاله (وزیر معارف کرجستان یک نفر زن است) پس از آن اشعاری بعنوان ادبیات و بیداری شرق درج شده که باین مسطر شروع میکرد : « مژده که دنیای پیراز سر نو شد جوان به جمش اندر دمید صور تکامل روان » پیکر رنجور شرق گرفت تاب و توان » پنجه حق بردرید برده حق نشنوان » کوس حقیقت فکند بر ربع مسکون طنین پس از اشعار قسمت فلاحی مجله بعنوان (اوضاع زراعتی ما در چه حال است -

حرف جیم بعده لراء جریده اسلام، جریده تجارت، جریده الروح

فلاحین مازندران (بقلم (۰۱ رزبان) شروع میشود وبعد مقاله (پیشرفت زراعت و فلاحات در امریک) پس از آن قسمت اقتصادی مجله راجع بوار دات انگلستان بایران در سال ۱۳۰۴ نوشته شده و این مقاله تا صفحه آخر مجله را فرا گرفته است . از مجله جر قه ذولا همین شماره اول در دست است .

(۴۲۸) جریده اسلام

جریده اسلام در طهران در سال ۱۳۰۵ شمسى هفته دو بار تاسیس و منتشر شده است

(۴۲۹) جریده اسلامى

روزنامه هفتگی جریده اسلامى بمديريت و دبیری (ادیب خلوت) در شهر تبریز تاسیس و با چاپ سربی طبع و شماره اول آن در ۸ ربیع الاول ۱۳۳۲ قمری منتشر شده است.

(۴۳۰) جریده تجارت

در سال ۱۲۹۷ قمری روزنامه ای در طهران بنام روزنامه تجارت از طرف دولت تاسیس شده و کفالت آن بمعهده نایب السلطنه بوده است . مندرجات این روز نامه گذارشات مربوط بوضع اقتصادی کشور و امور بازرگانی بوده است . در شماره ۲۷ مجله بانک ملی ص ۴۰۲ خلاصه قسمتی از مقاله مندرج در شماره دو مورخ ششم شعبان ۱۲۹۷ شمسى این روزنامه را نقل کرده است . و نیز در نمره ۵۵ روز نامه فرهنگ اصفهان مورخ ۶ شعبان ۱۲۹۷ قمری راجع بطلوع روزنامه تجارت مینویسد : « طهران در این هفته نمره اول از روزنامه جدیدی که در دارالخلافه طهران باسم جریده تجارت بطبع رسیده بود بداره فرهنگ رسید ، این جریده را حضرت مستطاب اشرف والانایب السلطنه ادام الله اقباله از روی غیرت وطن پرستی کفالت فرموده امیدواریم که منافع عامه از او عاید شود و در توسعه دوایر تجارت و مصالح آنها مشروحات لایقه در آن اندراج یابد . »

نگارنده با کمال کوشش وجد و جهدی که برای بدست آوردن نمونه از این روزنامه بعمل آورده تا کنون نمونه از آنوا بدست نیاورده است . برون نیز در کتاب مطبوعات و شهر فارسی (ص ۶۹) در باره این روزنامه باختصار کوشیده و نوشته است جریده تجارت هفتگی ، با چاپ سنگی و بخط نسخ در سال ۱۲۹۷ قمری در طهران منتشر شده است .

(۴۳۱) جریده الروح

در ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسى شورای عالی فرهنگ امتیاز جریده الروح را در تهران بمدیری (آقا سید هادی روحانی) تصویب نموده و این جریده بطور ماهانه منتشر شده است .

حرف جیم بده الرء جریده صباح ، جریده صبح ، جریده کرمان

(۴۳۲) جریده صباح

جریده صباح در سال ۱۲۹۹ شمسی در شهر کرمانشاه بطور ماهیانه تاسیس و منتشر شده است . روزنامه توفیق در شماره ۴۰ سال چهارم خود مورخ سوم بهمن ۱۳۰۵ شمسی ورود بششمین سال انتشار جریده صباح را تبریک گفته تحت عنوان (جریده صباح) اینطور مینویسد : «اولین شماره ششمین سال جریده صباح منطقه کرمانشاه با اداره واصل موفقیت مدیر و کارکنان آن نامه می. از خداوند خواهانیم و عموم را بقرائت آن دعوت میکنیم »

(۴۳۳) جریده صبح

در سال ۱۳۰۹ شمسی جریده صبح در مشهد تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است

(۴۲۴) جریده طهران

در سال ۱۳۰۲ شمسی جریده طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۴۲۵) جریده کرمان

جریده کرمان بمدیری (میرزا غلامحسین کرمانی) در شهر کرمان تاسیس و شماره اول آن در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . جریده کرمان ماهی سه نمره طبع شده و قیمت اشتراك يكساله آن در کرمان ۲۰ قران ، ولایات داخلك ۲۴ قران ؛ ممالك خارج ۱۵ فرانك ، ششماهه بترتيب ۱۲ قران ، ۱۵ قران ، هشت فرانك . وجه اشتراك بعد از دو ماه دریافت میشود . قیمت اعلانات سطری دهشاهی این روزنامه معمولاً در هشت صفحه بقطع ۲۰ در ۴۴ سانتیمتر در مطبعه سنگی (کرمان) طبع شده و اسم روزنامه (جریده کرمان) بخط نسخ درشت در عنوان روزنامه نوشته شده است . در بالای اسم روزنامه بخط ریز (حریت) و در طرف راست (مساوات) و طرف چپ (اخوت) و در زیر آن بسم الله الرحمن الرحيم طبع گردیده . و نیز در عنوان روزنامه ؛ جریده کرمان ، روزنامه (سیاسی ؛ اسلامی ، اخباری بامسلك دموكرات) معرفی شده ؛ راجع بمرام و مملك و علت انتشار روزنامه در مقاله افتتاحی اینطور شرح داده است : « چون ایالت کرمان با اینهمه وسعت خاك و استعداد طبیعی كه داراست از سایر ایالات و ولایات ایران در كسب ترقیات عصر حاضر عقب افتاده عده از دانشمندان چنین تصویب نمودند كه يك جریده جامعی برای بیداری افكار عامه در كرسی ایالت دایر نموده تا شاید بتوجهات اولیاء اادم عنایات الهیه شامل حال این قطعه تاریك شده انوار ترقی و تمدن در فضاء آن طالع شود و از بدبختی و ذلت جهل و توحش رهائی یابد . بتجربه معلوم شده است كه این قسم امور تا از تنگنای شخصیت خارج نشده و در فضای وسیع جماعت وارد نشود از حوادث روزگار محفوظ نمی ماند ، شخص میمیرد ، نقل مكان میکند ، خسته میشود ، تغییر مملك میدهد ؛ نوع محفوظ و باقی بقاء الله است چنانچه دمه جراید فرنگستان از دو قرن باینطرف باقی و پایدار مانده بناء علیهذا هر كتی باسم

حرف جیم بمده الرء

جریده کرمان

شرکت علمیه کرمان در تحت پروگرام معینی و نظامنامه مخصوص تشکیل و مخارج طبع این جریده را بمده گرفته و بنده جانی (غلامحسین) کرمانی را بعنوان مدیر مسئول منتخب فرموده اند امید است که بتأییدات الهی و همراهی دانشمندان معارفخواه از عهده این مسئولیت بقدر لیاقت برایم و مسلك مستقیم این جریده بقراری است که تلوا نگاشته میشود . ترویج دیانت حقه اسلامی و اتحاد کلمه اسلام ، حفظ حقوق داخلی و خارجی ایران . حمایت فرقه رنجبر و دهقان فلسفه تاریخ و مخصوصا نشر مآثر و مفاخر اشخاص اولیه و دانشمندان بزرگ خصوصا اسلامیان ، پیشنهادهای نافعه راجع باصلاحات ادارات تشویق عامه بر تعلیم عمومی ، اوابج مفیده راجع بتوسعه زراعت و صناعات و تجارت و تکثیر ثروت ؛ اخبار و حوادث مهمه داخلی و خارجی و عمده مقصود این جریده ترقیسات مادی و معنوی ایالت کرمان و رسانیدن ناله های جانسوز این مملکت بشمع اولیای ایران » جریده کرمان ، پس از نشر شماره اول ، بملت نفرستادن پرگرام و مسلك روز نامه برای والی کرمان ، از طرف والی توقیف و پس از ارسال پرگرام شماره دوم در چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری منتشر شده . اینك دستخط والی مبنی بر اجازه انتشار روزنامه : > چون روزنامجات و جراید مفیده اولین وسیله موثره ترویج معارف و اسباب اصلاح و ترقی افکار است و جناب میرزا غلامحسین فاضل کرمانی موافق لایحه که بمقام ایالت پیشنهاد نموده از اشخاص دانشمند عالی مسلك است و معلومات و اطلاعات او لایق استفاده خواهد بود لهذا امتیاز روزنامه موسوم به (جریده کرمان) بموجب اینمرقومه بحسن نیت مشارالیه مهول گردید که بتوفیق خداوندی جریده مزبوره را با رعایت مصالح مملکتی و مقتضیات قانونی اداره نموده بنشر معارف بپردازد . <

مندرجات جریده کرمان بیشتر مربوط بمذاکرات و وقایع انجمن ایالتی کرمان و حوادث شهری و نامه هائیت که بعنوان تظلم و دادخواهی در روزنامه درج است از شماره ۱۲ (جریده کرمان) تغییر اسم پیدا کرده و بنام (کرمان) نامیده شده و بنابراین جریده کرمان با انتشار شماره ۱۱ خاتمه یافته و از آن پس روزنامه بنام کرمان منتشر شده است که از آن در حرف کاف کتاب (کرمان) گفتهگو خواهیم کرد محل اداره روزنامه کرمان ؛ جنب اداره بلدییه بوده است . جریده کرمان یکی از جراید خوب و مفید ولایات است که در يك ناحیه دور افتاده منتشر شده و تظلمات مردم را بگوش اولیای امور رسانیده است .

(۴۳۶) جریده ملی

جریده ملی در شهر تبریز بمدیری (میرزا علی اکبرخان) در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . این روزنامه در بدو تاسیس موسوم به (روزنامه ملی) بوده و پس از نشر چند شماره باین نام باسم جریده ملی موسوم و منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان ص ۴۰۹ راجع باین تغییر اینطور مینویسد که اولین ورقه که در تبریز پس از اعلان مشروطیت نشر شده (روزنامه مجلس ملی تبریز) بوده . این

حرف جیم بعده الرء

جریده ملی، جریده نگارستان، جمالیه

روزنامه روی نیم ورق بمدریت (سید علی اکبر) در غره رمضان ۱۳۲۴ قمری طبع شده ؛ بنا بنوشته تربیت چون کلمه مجلس مناسب نبوده برحسب پیشنهاد ایشان این شماره انتشار نیافته و بجای آن در همان روز شماره دیگری بعنوان روزنامه ملی چاپ و منتشر شده و بعد از اندکی تبدیل اسم داده به (جریده ملی) موسوم گردیده و بعد از مدتی بنام انجمن شروع بانشار نموده است ۴۰ از روزنامه انجمن در جلد اول کتاب تفصیل گفتگو کرده ایم ، از (روزنامه ملی) نیز در محل خود گفتگو خواهیم کرد. اولین شماره روزنامه ملی که بنام (جریده ملی) منتشر گردیده شماره ۳۲ آن روزنامه بوده که در تاریخ چهارم ذی حجه ۱۳۲۴ قمری در چهار صفحه بقطع ۶٫۵ در ۱۲ سانتیمتر ، با چاپ سنگی و خط نسخ انتشار یافته است و آخرین شماره منتشره باین نام شماره ۳۷ میباشد و بنا بر این جمعا جریده ملی شش شماره بیشتر منتشر نگردیده است . وجه اشتراك آن (برای يكصد نمره) در تبریز ده قران ؛ در سایر بلاد ۱۵ قران در روسیه ۳٫۵ منات .

(۳۷) جریده نگارستان

جریده نگارستان در سال ۱۳۰۹ در شهر کرمان بطور ماهیانه تاسیس شده است

(۴۳۸) جمالیه

روزنامه جمالیه که در عنوان آن را (یادگار آفا سید جمال الدین شهید رحمه الله علیه) معرفی نموده در همدان بمدریس مکتوبی (حاج محمد حسن اصفهانی) تاسیس و شماره اول آن در ۸ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سرربی (مطبعه صفایه همدان) طبع و در تاریخ دو شنبه ۲۱ شهر ربیع الثانی ایت نیل ۱۳۲۸ قمری مطابق ۲ مه ماه فرنگی ۱۹۱۰ منتشر شده است . روزنامه جمالیه در ابتدا هفته يك نمره روز های دو شنبه طبع و سه شنبه توزیع و از شماره ۱۹ سال اول هفته دو نمره روز های يك شنبه و چهار شنبه طبع و دو شنبه و پنجشنبه توزیع میشده است . مرکز اداره (قرائت خانه جمالیه اکباتان) ، قیمت اشتراك سالیانه : همدان ۱۲ قران ، سایر بلاد ۱۵ قران قیمت يك نمره صد دینار قیمت اعلانات سطری يك قران و در صورت تکرار تخفیف داده میشود . پس از ادای سه نمره وجه اشتراك دریافت میشود . از شماره دوم صفحات روزنامه به ۱۲ صفحه ترقی کرده ولی وجه اشتراك مانند سابق است و اجم بمندرجات روزنامه در عنوان هر شماره اینطور نوشته است : « در این جریده سیاسی ، اخلاقی و خلاصه اقدامات ادارات و مذاکره انجمن ولایتی و اداره بلدی و مقالات عام المنفعه درج میشود . »

در باره علت تاسیس روزنامه شرحی در مقاله افتتاحی شماره اول تحت عنوان مقدمه (نوشته که خلاصه آن این است : « هفت ماه بود که بواسطه عوایق و موانع جریده عصر انقلاب در همدان منتشر نمیشد . اکنون پس از این مدت باین همت معارف

حرف جمیع بعده المیم

جمالیه، جمعیت طرفداران جامعه ملل

پژوهان و موسسین محترم قرائت خانه جمالیه از معاق تعطیل خارج شده و باسم جمالیه طالع گردید بدین تفصیل که در سه ماه نیل جناب آقای آقا میرزا سید حسین خان مترجم نظام از مسافرت بوطن خویش برگشته با کمک جمعی معارفخواه قرائتخانه تاسیس نموده و بنام یادگار شهید راه ملت آقای آقا سید جمال الدین موسوم نمودند ۱۰ این قرائتخانه از صبح الی یکساعت از شب گذشته باز و در آن انواع کتب و جراید و قوانین یافت میشود و موسسین محترم آن کلیه مخارج آنرا میپردازند و از برکات این اساس مقدس اشاعه این جریده هفتگی است که امتیاز آنرا از وزارت علوم در مرکز تحصیل نموده و از این تاریخ بیست هفته یک شماره طبع و توزیع میشود و از هر قسم مطالب نافه مفیده بحال ملت، وقایع شهری و خلاصه مذاکرات و اقدامات ادارات و انجمن ولایتی و بلدی و تلگرافات مرکز و مهمات سایر بلاد بقدر مقدور درج خواهد شد ۲۰ از مقدمه مذکور معلوم گردید که وجه تسمیه روزنامه به جمالیه بعلت انتساب آن بسید جمال الدین همدانی است و این دومین روزنامه ایست که بنام جمال موسوم گردیده، اولی روزنامه الجمال است که منسوب بسید جمال الدین واعظ اصفهانی بوده و دومی همین جمالیه میباشد که منسوب بسید جمال الدین اسد آبادی همدانی است ۳۰

مندرجات جمالیه همان مطالبیست که در مقدمه وعده داده شده چنانچه در شماره اول ترجمه (فصل نهم از وصیت نامه پطر کبیر) و تلگراف مورخ ۱۰ رجب ثور ۱ از طهران و حوادث شهر همدان تحت عنوان (وقایع شهری) درج است ۴۰ بطور کلی مندرجات روزنامه جمالیه پس از درج مقاله اساسی که بهناوبین مختلف در باره اصلاحات کلی نوشته شده، بیشتر اخبار محلی همدان و تظلمات اهالی از جور مستبدین و تلگرافات راجع بانجمن ولایتی که از طهران و جاهای دیگر مخابره شده؛ میباشد ۵۰ یک قسمت از مندرجات روزنامه عبارت از ذکر وقایعی است که در همدان بین مسلمان و یهود رخ میداده و منجر بکشمکش و نزاع بین این دو قوم و در نتیجه آشوب و فتنه تولید میشده است ۶۰ شماره دوم سال اول روزنامه بهمان سبک و قطع شماره اول منتشر شد ۱۲ صفحه در تاریخ دو شنبه طبع و سه شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است ۷۰ از شماره ۴ بآنطرف صاحب امتیاز (آقا میرزا سید حسینخان مترجم نظام و مدیر (حاج محمد حسن اصفهانی) معرفی شده است ۸۰ از روزنامه جمالیه نگارنده فعلاً تا شماره ۴۱ سال اول مورخ یکشنبه ۱۹ صفر ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۹ فوریه ۱۹۱۰ میلادی را در دست دارد و مقاله اساسی این شماره تحت عنوان (علمی شدن ظلمها یا تجری روسها) میباشد ۹۰

(۴۲۹) جمعیت طرفداران جامعه ملل

مجله جمعیت طرفداران جامعه ملل در طهران بمدیری (عباس موسوی) تاسیس و در سال ۱۳۱۴ شمسی هر سه ماه یکمرتبه طبع و مجاناً توزیع شده است ۱۰ مجله مذکور تا سال ۱۳۱۷ هر نوبت در ۵۰۰ نسخه طبع و منتشر میشده ۲۰ آقای عباس

حرف جیم بعده المیم

جمعیت نسوان وطنخواه ایران

مسعودی مدیر مجله همان مدیر روزنامه اطلاعات و مجله اطلاق تجارت میباشند که در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه اطلاعات از ایشان گفتگو نموده ایم .

(۴۴) جمعیت نسوان وطنخواه ایران

مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (شاهزاده ملوک اسکندری) در طهران تاسیس و شماره اول آن در ۲۶ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سربی (قناعت) طبع و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . اینکه ماه انتشار سال مذکور را معین نکردیم برای این است که در زیر اسم مجله فقط سال (۱۳۰۲) نوشته شده و ماه و روز انتشار معین نگردیده و همین وضع در شماره دوم نیز موجود و اسمی از ماه انتشار در بین نیست ولی شماره سوم در برج جوزای سال ۱۳۰۳ شمسی نشر شده و شماره چهارم سال اول بملت فوت محترم خانم اسکندری یکی از بانوان مؤسس جمعیت نسوان وطنخواه اصلاً منتشر نگردیده و شماره های ۵ و ۶ که یکجا انتشار یافته متعلق به برج اسد و سنبله ۱۳۰۳ است . شماره های ۷ و ۸ نیز بدون تاریخ و فقط سال ۱۳۰۳ زیر اسم مجله چاپ شده است . بدین ترتیب ملاحظه میشود با اینکه روی جلد مجله نوشته شده (که درهر برج یگمرتبه طبع و نشر میشود) هیچ گاه مجله در موعد مقرر منتشر نگردیده و انتشار آن غیر مرتب بوده است . در سال دوم نیز وضع بهین منوال بوده و فی المثل شماره ۹ این سال در ۱۸ تیرماه و شماره ۱۰ در پانزده بهمن ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است .

خصوصیات مجله بدین قرار است : محل اداره ، طهران ، خیابان ارا منه ؛ پل امیر بهادر ، جنب کارخانه چراغ برق ، کوچه اسدالله خان سرهنک نمره ۱۹ . وجه اشتراك : در داخله سالیانه ۱۵ قران شش ماهه ۸ قران ؛ در خارجه سالیانه دو تومان ششماهه ۱۱ قران ، تك شماره ۳۰ شاهی . قیمت اعلانات سطری يك قران بدوشیزگان مدارس در قیمت بطور کلی تخفیف داده میشود .

برای اطلاع از پیدایش و مسلك مجله بهتر آنست قسمتی از مقاله افتتاحیه شماره اول را که تحت عنوان (اولین قدم) نوشته شده بعینه نقل نماییم : « اکنون که بخواست یزدانی و توفیق ربانی اولین شماره مجله ما ازافق مطبوعات طلوع نموده و نخستین قدم را برای ترقی و تمالی نسوان برداشته است امیدواریم که بتوفیق خداوندی با اfdامی ثابت این راه دراز و طوفانی را پیموده ازعهده این مسئولیت مهم بر آییم لذا برای هدیه شماره اول مجله نسوان وطنخواه را تقدیم عامه هموطنان عزیز خاصه خواتین مینماییم . برای اینکه اجمالاً خواطر قارئین محترم را از مسلك و وضع مجله مسبوق نماییم مختصری از ترتیبات آن را از نظر خوانندگان میگذرانیم . اولاً این مجله مرکب زچندین قسمت است که هر يك در موقع خود خالی از اهمیت نیست مخصوصاً قسمت ادبی آن که فوق العاده مهم و جالب توجه است . مقالات عدیده بخصوص راجع بنسوان مشهوره عالم و حالات ادبا و شعراء سلف و غیره از مشاهیر مردمان بزرگ

حرف جیم بعده المیم **جمعیت نسوان وطنخواه ایران**
و نوشتجات و شاهکارهای آنها که علاوه بر جنبه ادبی خود قسمتی تاریخ است که دانستن آن بر هر فردی کم و بیش لازم بل واجب است ۰۰۰۰۰۰۰ خلاصه چون مقصود ما ذکر فهرست مختصری از مسلك و موضوع این مجله است بهمین چند کلمه مختصر ذیل که جزو تذکرات است اکتفا کرده کلام را ختم میکنیم ۰ این مجله غیر از دو قسمت سیاسی و مذهبی هر قسمتی که فایده عمومی خاصه نسوان را مترتب تواند شد ذکر نموده در خانه از خداوند متعال پیشرفت آمال و مقاصد خود را در راه خدمت وطن و نسوان عاجزانه درخواست مینماید ۰ «

مندرجات مجله چنانچه از مقدمه مذکور نیز معلوم میگردد غالباً مطالب مربوط بزنان و تربیت دوشیزگان و اصلاحات اجتماعی این طبقه است ۰ مقالات مجله بیشتر بقلم زنان و دوشیزگان میباشد و با اینکه روی جلد مجله همه جا بعنوان (مجله علمی، ادبی، اجتماعی) معرفی شده ولی همانقسم که یاد آور شدیم مطالب آن مربوط به نسوان و مخصوصاً بیشتر مقالات آن راجع بازدواج است ۰ برای مزید اطلاع فهرست مندرجات چند شماره مجله را نقل مینمائیم ۰ شماره اول: اولین قدم ۰ لزوم تربیت نسوان ۰ اخلاق حفظالصحه ۰ پیشنهاد مفید ۰ اللجنة تحت اقدام الامهات ۰ امراض مسریه شماره ۷ و ۸: زن عهد عتیق و زن عصر جدید ۰ ورزش ۰ انتقاد مد لباس ۰ قرن بیستم مجلس ترحیم ۰ ازدواج در ایران ۰ اندرز ادبی ۰ نساغیات ۰ زن مادر بشر ۰ رقیقه خانم دولت آبادی ۰ زن اقتصادی ۰ طریقه درست کردن بیسکویت ۰ قسمتی از تیاتر ۰

مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران معمولاً در ۳۲ صفحه بقطع کوچک، با چاپ سربی، در مطبعه نهضت شرق طبع شده ۰ از این مجله نهلا تا شماره ۹ سال دوم مورخ ۱۸ تیرماه ۱۳۰۴ شمسی در دست است ۰ بی مناسبت نیست در پایان شرح مختصری راجع به جمعیت نسوان وطنخواه و آغاز تاسیس و اقدامات آن که من جمله انتشار همین مجله است، ذکر نمائیم:

جمعیت نسوان وطنخواه - در روز دهم برج دلو ۱۳۰۱ شمسی بانو محترم خانم اسکندری مدیر مدرسه شماره ۳۵ دولتی از جمعی از بانوان منورالفکر برای حضور در امتحانات شاگردان دعوت نمود و پس از حضور آنان و امتحانات دوشیزگان، بانوی مذکور نطق پر هیجانی راجع بترقیات و اختراعات معیرالعقول اروپا ایراد و بیان نموده و با چشمهای گریان ترقیات نسوان ملل فاضله و حیه دنیا را با نسوان ایران مقایسه کرده و از بی بسی و عدم معارف نسوان خطر آنیکه برای آینده ملت و مملکت در پیش است شرح داد و بانوان محترم را برای ترویج معارف و تشویق بیوشیدن پارچه های وطنی ترغیب کرد ۰ البته این سخنان و احساسات صمیمانه و وطن پرستانه در قلوب آنها کاملاً موثر واقع شد و در همان مجلس دست اتفاق و اتحاد بمحترم خانم اسکندری، داده عهد و پیمان نمودند که برای پیشرفت مقاصد مقدسه ایشان از هیچگونه فداکاری خودداری ننمایند و جمعیت نسوان وطنخواه را تشکیل دادند ۰ از آن پس این جمعیت مشغول فعالیت شد و بخصوص بانو محترم اسکندری در تمام جلسات جمعیت بانوان را بترویج معارف تبلیغ مینمود ۰ متأسفانه این بانوی محترم که در حقیقت بانوی و مؤسس جمعیت بود در تیرماه ۱۳۰۴ شمسی در طهران فوت نمود و از آن پس جمعیت فعالیت سابق خود را از دست داد ۰

(۴۴۱) جنبش

در تاریخ ۲۰ دلو ۱۳۰۳ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه جنبش را در اصفهان بمدیری (آقا سید مهدی نقیب السادات) تصویب نمود. نگارنده طلبه این روزنامه را که در فروردین ۱۳۰۴ شمسی طبع و منتشر شده دیده ولی تا کنون نمونه از خود روزنامه بدست نیاورده ام و شاید در اصفهان بیش از همین طلبه منتشر نشده باشد. در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی جنبشی در میان طلاب جوان و متعدد اصفهان پیدا شده بود که چند تن از آنها را وادار بدخالت در امور اجتماعی و سیاسی نموده و سه چهارم تن از آنها بکار روزنامه نویسی مشغول شدند ولی این کار بملت مخارج زیاد بدست آنها دوامی نکرد و اغلب پس از انتشار طلبه روزنامه و یا یکی دو شماره از آن روزنامه برای همیشه تعطیل میشد. از این قبیل جراید یکی همیت روزنامه جنبش بمدیری نقیب زاده بزدی است و دیگر روزنامه سحاب بمدیری سید ابوالحسن سحاب و همچنین روزنامه هایت که شیخ ابراهیم کرمانی و غلامحسین ابتهاج کرمانی در اصفهان تاسیس نمودند. آخرین کسی که از میان طلاب اصفهان بفکر انتشار روزنامه افتاد آقای سید عبد الحجة بلاغی بود که روزنامه جامع را تاسیس کرد ولی آنهم ظاهراً بیش از یکی دو شماره منتشر نشد و تعطیل گردید. این آقایان علاوه بر نشر طلبه و یکی دو شماره روزنامه در مواقع خاصی نیز بیانیتهایی روزنامه منتشر می ساختند و با گرفتن وجه ناقابل از دسته و یا شخص خاصی تعریف و یا انتقاد میکردند. بهر صورت وضع این جراید بنحویست که اجمالاً اشاره کردیم. آقای نقیب زاده در مدرسه چهارباغ وزمانی هم در مدرسه شمس آباد مسکن داشت و بعد بطهران رفت و شاید یکی دو شماره روزنامه جنبش را نیز در طهران منتشر نموده باشد.

(۴۴۲) جنك

روزنامه چهره نما منظمه مصر در شماره اول سال پنجم مورخ غره جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری بعنوان (مطبوعات جدید ایران) مینویسد روزنامه جنك بمدیری (میرزا فضل الله خان) در طهران منتشر شده است و ما آنرا تبریک میگوییم. نگارنده بیش از این راجع بروزنامه جنك اطلاعی در دست ندارم.

(۴۴۳) جنگل

پس از تشکیل هیئت اتحاد اسلام بریاست میرزا کوچک جنگلی، از طرف این هیئت روزنامه بنام جنگل منتشر شده که مدت چند سال انتشار آن دوام داشته است، این روزنامه ارگان رسمی جنگلیون بوده و تا مادامیکه میرزا کوچک خان مصدوم بود روزنامه جنگل نیز منتشر میشد. پس از رفتن میرزا کوچک خان و همکارانش از شهر رشت روزنامه جنگل نیز تعطیل شد و مدتی پس از آن روزنامه (انقلاب

حرف جیم بهده النون

جنگل، جنگل مولا

سرخ (ارکان اداره سیاسی ارتش سرخ ایران مدتی منتشر شده و آنهم تعطیل گردید ولی روزنامه (کامونیست) طبق معمول در رشت منتشر میگردد . بنا براین قدر مسلم این است که روزنامه جنگل تا اوایل ذیقعد ۱۳۳۸ قمری بانتشار خود ادامه داده است .

بقسمیکه در تواریخ ضبط است مجاهدین جنگل بنام هیئت اتحاد اسلام مدت ۶ سال با میرزا کوچک خان همراه بوده و در تحت فرماندهی او با قزاقهای ایران و سربازان انگلیسی و قزاقان روسی جنگیده اند . میرزا کوچک خان در شب نوزدهم رمضان ۱۳۳۷ قمری هیئت حکومت شوروی جمهوری ایران را تشکیل داد و مدیر آن دوایر جمهوری را انتخاب کرد و اعلان زیر را روز ۱۹ رمضان مطابق ۱۷ جوزا ۱۲۹۹ شمسی منتشر ساخت : « بهموم اهالی محترما اعلان میشود کمیته انقلاب سرخ ایران پس از تشکیل حکومت سویت جمهوری و ابلاغ رسمی آن بتمام اهالی اشخاص ذیل را موقتا برای دوایر مملکتی بکمپری تعیین نمود و معرفی میکند که همو ما در امورات مربوطه بآنها مراجعه کرده و از هر دایره خلاف صحت و قانون مشاهده کنند بدون ملاحظه ابلاغ نمایند : کمیسر داخله ، میر شمس الدین ، کمیسر خارجه سید جعفر ، مالیه میرزا محمد علی پیر بازاری قضائی محمود آقا ، پست و تلگراف و تلفن حاج محمد جعفر ، معارف و اوقاف نصرالله ، فواید عامه میرزا محمد علی خمایی ، تجارت میرزا ابوالقاسم فخرائی ، سر کمیسر و کمیسر جنگ میرزا کوچک ، مورخه ۱۹ شهر صیام مطابق ۱۸ جوزای ۱۳۳۷ ، کمیته انقلاب سرخ ایران »

میرزا محمد انشائی - مدیریت روزنامه جنگل بهده میرزا محمد انشائی

بوده و اینک شرح حال وی بطور اختصار . شادروان میرزا محمد انشائی از مردان خیر خواه و نیکوکار کیلان که در تاریخ ۱۲۵۳ خورشیدی متولد شد در سال ۱۳۲۵ قمری در تاسیس انجمن روحانیون که هدفش بیدار کردن مردم و مبارزه با استبداد بود شرکت جست . در انقلاب مشروطه و در نهضت جنگل با مرحوم میرزا کوچک خان جنگلی همکاری نزدیک میکرد و مدیریت روزنامه جنگل ناشر افکار آزادیخواهان جنگل را نیز بهده داشت . مرحوم انشائی در مجلس موسسان از منتخبین بوده و عقاید وی در این مجلس موجب گردید که پس از استقرار سلطنت کناره گیری کند و با تنگدستی ولی با مناعت زندگی نماید در تاریخ ۱۳۲۰ بسن ۶۷ سالگی پس از یک عمر نیکنامی بدرود زندگی گفت .

(۴۴۴) جنگل مولا

روزنامه جنگل مولا در د و نوبت در طهران تاسیس و منتشر گردید . و ما از هر یک از این دو نوبت جداگانه گفتگو مینماییم نوبت اول جنگل مولا به مدیریت مسؤلی (حسین) تاسیس شده و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سنگی (مطبعه سنگی میرزا علی اصغر) طبع و در تاریخ دوشنبه ۲۰ رجب ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است .

حرف جیم بعده النون

جنگل مولا

جنگل مولا معمولا صفحات اول و چهارم آن مخصوص کاریکاتور (برسم روز نامه جارچی ملت و بهلول و غیره) و صفحات دوم و سوم بدرج مطالب اختصاص دارد کاریکاتور صفحه اول شماره اول انجمنی از حیوانات است . در عنوان روزنامه اسم روزنامه بدین نحو (جنگل لا) در وسط و بالای آن این فرد (بزم ما جنگل مولا ست چه آئی برما) و در زیر این فرد دیگر (با ادب باش که این بیشه غضنفر دارد) درج شده . سایر خصوصیات روزنامه بدین قرار است : اداره جنگل مولا : خیابان ناصریه و بروی دارالفنون . بعد از فرستادن دو نمره باید نصف آبونه را بفرش اداره بپردازند . وجه اشترک سالیانه طهران ۶ قران . سایر ولایات داخله یکتومان . خارجه ۵ فرانک . تک نمره صد دینار . راجع به مندرجات و مرام روزنامه شرحی در زیر عنوان بدین قسم درج است : « این جریده با نقشه های کاریکاتوری ملت را از شئام اخلاق رذیله آگاه مینماید و با قلم قاصری حقیقت نورانی بیداری جمعیت را تعهد نموده از نمایشات سوء غافلانه دعوت بانتهای میکند . »

علاوه براین در باره علت انتشار روزنامه شرحی در صفحه دوم شماره اول تحت عنوان (مقدمه . بنام یزدان پاك و مدد از خواجه لولاك) که در حقیقت مقاله افتتاحی روزنامه را تشکیل میدهد نوشته بخلاصه اینکه این ورقه ناقابل باستمداد از باطن حقیقت با بدایره مطبوعات گذارده و بدون خوف و ترس و به پشتیبانی جوانهای قربانی آزادی در پیشگاه عالم معارف دوستی از ناچیزی خود عذر میخواهد تا میرسد باینجا که : « هوق . همه آفاق شده جنگل مولا . کوشاخ نفیر و نمد و چننه و شولا . جنگل مولای ما از هر يك از جنگلهای ایران که مثل وزارت خانه ها قفسهای حیوانات وحشی و اهلی را دارد بحث خواهد کرد . جنگل مولای ما بی رو در بایستی - بسی رفاقت بازی صفحه خود را گرامافون نیات حسنه وطن پرستان نموده خوب را خوب بد را بد میگوید . این نامه محقر عوامانه خود را ذمه دار حقانیت میدانند مندرجات جنگل مولا علاوه بر مقاله اساسی ؛ مقالات و مطالب انتقادیست که مانند مقویم بهلول تحت عنوان (اخبار آسمانی) و یا (خلاصه در ویش) نوشته . جنگل مولا ما ننسد جراید نظیر خود مطالب جدی را بصورت فکاهی شرح داده است . »

(۴۴۵) جنگل مولا

نوبت دوم جنگل مولا بصاحب امتیازی و مدیری (ابوالقاسم ذوقی) در طهران تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سربی در مطبعه سعادت طبع و در تاریخ سه شنبه دوم جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۹ قوس ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . مقاله افتتاحی روز نامه که تماما بشعر و بعنوان (ا یقلم) نوشته شده باین اشعار شروع میگردد :

« در زبانم نیست چون بارای تقریر ابقلم . میکنم يك شمه از وصف تو تقریر ابقلم از تو باحد هر کسی را قدر و توقیر ابقلم » این اشعار بامضای (ذوقی) و همه صفحه

حرف جیم بعده النون

جنگل مولا، جنات عدن

اول را فرا گرفته است . پس از این مقاله افتتاحی، مقاله دیگری بنویس (طلبه جنگلی) است که بدین قسم شروع میگردد : « در یک چنین موقع دست بستگی و قلم شکستگی که صاحبان ۰۰۰۰۰ خلاصه مقاله این است که جمعی تصور میکنند که ما از اهل جنگل هستیم ولی خیر ما روزنامه را بر سرمایه خودمان اداره میکنیم . پس از این مقاله، مقاله (مخبر شهر پریان) است و در صفحه چهار چند شعری اثر طبع عبرت شاعر معروف، دوج شده که مطلع آنها این است : « بادیده عبرت بنگر تا معشر خربینی . بستان وطن را همه پر از سرخر بینی . » ترجیع بند اشعار مذکور این شعر است :

« هر بی خرد خام ز پستی سوی بالاست . این کشور دار است و یا جنگل مولاست . » همانقسم که خوانندگان ملاحظه میفرمایند جنگل مولا در این دوره ؛ برخلاف دوره اول، هیچگونه کاریکاتور ندارد و در عوض اشعار روزنامه زیاد است . جنگل مولا هفتگی بوده و هفته یک شماره طبع و نشر میشده . محل اداره : طهران . بالاخانه شمس العمارة ، عنوان تلگرافی : جنگل مولا . قیمت اشتراك سالیانه : طبقه اول ۶۰ قران ، طبقه دوم ۴۰ قران . معصلین و کارگران ۲۰ قران . قیمت تک نمره شش شاهی . از روزنامه جنگل مولا فعلا نگارنده تا شماره ۴ سال اول مورخ چهارشنبه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۲ قمری را در دست دارد .

(۴۴۶) جنات عدن

روزنامه جنات عدن در طهران بصاحب امتیازی و مدیر مسؤولی (معین الاسلام حایری) تاسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ ، با چاپ سربی در مطبعه (نهضت شرق) طبع و در تاریخ دو شنبه ۷ شوال المکرم ۱۳۴۲ قمری منتشر شده است . محل اداره : کوچه جارچی باشی نمره ۱۸ قیمت اشتراك سالیانه ۸ تومان ، ششماهه ۴ تومان و نیم ، خارجه ده تومان . نکشماره ۶ شاهی . اعلانات صفحه یک و دو سطری دو قران و ۳۰ شاهی ، صفحه ۳ سطری ۳۰ شاهی ؛ صفحه ۴ سطری یک قران . اسم روزنامه (جنات عدن) بخط نسخ درشت چاپ شده و بالای آن طرز انتشار روزنامه (بومیه) قید گردیده است . مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (جنات عدن) بدین قسم شروع میگردد : « خداوند تبارک و تعالی در قران مجید جنات عدن را قرارگاه متقین قرارداده و بلسان پیغمبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله همان پیغمبری که حضرت باری عز اسمه در باره او ماینطق عن الهوی ان هو الاوحی یوحی فرموده بتقین (پرهیزگاران) جنات عدن را وعده داده است ۰۰۰۰۰ در شماره اول پس از مقاله افتتاحی مذکور ، شکایتی که قضات از معاضد السلطه وزیر عدلیه وقت نموده چاپ شده (این شکایت راجع باحضار رئیس عدلیه خوزستانست که بدون جهت صورت نگرفته) پس از آن چند تلگراف و یک پرسش از معاون وزارت عدلیه میباشد . در شماره نمونه جنات عدن هیچگونه اخبار داخله و خارجه دیده نمیشود . هر صفحه روزنامه مشتمل بر ۵ ستون است .

(۴۴۷) جنت

روزنامه جنت در طهران بمدیری و نویسندگی آقای (حسین کسرائی) تاسیس و شماره اول آن در اواخر برج جدی ۱۲۹۹ شمسی مطابق سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است (سال تاسیس ۱۳۳۹ هـ.ج. در زیر اسم روزنامه چاپ شده است ۴۰ روزنامه جنت هفته یکمرتبه طبع و توزیع شده و شماره های ۳، ۴، ۵، ۶ سال اول آن در برج دلو ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته است. شماره ۲۹ سال دوم آن در چهار صفحه بقطع متوسط، با چاپ سربی؛ در مطبعه مرکزی طهران طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۱۵ سنبله ۱۳۰۱ مطابق ۱۴ محرم ۱۳۴۱ قمری منتشر گردید. در این شماره، در صفحه اول (مکتوب از کرمان) مبنی بر تقدیر از خدمات مجلل السلطنه، کارگذار کرمان و تصویر نامبرده طبع گردیده؛ پس از آن مقاله اساسی روزنامه تحت عنوان (مقصر کیست) و بعد اخبار داخله تحت عنوان (تازگیها) و در صفحه چهارم (اخبار ولایات) درج است. علاوه بر این مطالب چند اخطار و اعلان نیز چاپ شده است. در اغلب شماره های روزنامه، در صفحه اول، عکس یکی از بزرگان بعنوان قدردانی؛ چاپ شده؛ در شماره ۴۱ سال دوم تصویر امیر امان الله خان پادشاه افغان و در شماره ۴۴ تصویر دکتر فخرالاطباء طبع گردیده است.

محل اداره روزنامه: خیابان ناصریه. وجه اشتراك: طهران سالیانه ۵۰ قران ولایات سالیانه ۶۰ قران، تك نمره ۵ شاهی. مندرجات روزنامه جنت بطور کلی تعریف و یا بد گوئی از اشخاص و اخبار داخله است و كمتر اخبار خارجه و مقالات عمده اساسی در آن دیده میشود. جنت پس از دو سه سال انتشار برای مدتی تعطیل و مجدداً در اردیبهشت سال ۱۳۰۶ شمسی که مطابق با سال هفتم تاسیس روزنامه بوده با بدایر انتشار گذاشته است. این مرتبه نیز جنت هفتگی بوده و شماره اول آن یعنی در حقیقت شماره اول سال هفتم آن در چهار صفحه بقطع بزرگ، با چاپ سربی؛ در مطبعه تشون طبع و در تاریخ یکشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی مطابق ۲۱ شوال و ۲۴ آوریل منتشر شده است. وجه اشتراك این مرتبه یکساله ۶۰ قران؛ ۶ ماهه ۳۰ قران خارجه ۸۰ قران تك شماره ۴ شاهی معین گردیده است.

مقاله افتتاحی این بار تحت عنوان (مرام ما) نوشته شده و بدین قرار است: «کارکنان روزنامه جنت بهد از مدتها کناره گیری مجدداً بخیال تجدید طبع جنت برآمده این است. با تفضلات الهی نیت خودشان را انجام میدهند چون این مسئله محسوس شده است که قارئین محترم جراید تا اندازه اظهار خستگی از مطالب مکرره دارند لذا برای جبران این قضیه جریده جنت با کاریکاتور انتشار مییابد. از آقایان اساتید علم و ادب تمنا میشود که نقایص مندرجات جنت را اصلاح فرموده و با رسال مقالات عام المنفعه ما را ممنون فرمایند.»

همانطور که در مقاله مذکور یاد آور شده در این دوره صفحه چهارم روزنامه

حرف جیم بعده النون

جنت، جنوب

جنت مخصوص درج کاریکاتور است . بطور کلی مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی ، مقالات مختلف ؛ از قبیل مقاله (مخبر غیبی) و غیره چاپ شده و ما نفع سابق اخبار داخله در آن زیاد است . از روزنامه جنت فعلا تا شماره ۷ سال نهم مورخ چهارشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۳۰ محرم ۱۳۴۶ قمری در دست است .

حسین کسرائی - آقای حسین کسرائی علاوه بر روزنامه جنت در سال ۱۳۰۰ شمسی بکمال (ش - افشار) روزنامه زنبور را تاسیس و منتشر نموده و بهمین مناسبت در حرف ز کتاب مجددا در باره ایشان گفتگو خواهیم کرد . فعلا در شرح حال ایشان آنچه را در تقویم ۱۳۰۷ پارس نوشته بعینه نقل مینمائیم : « آقای میرزا حسین خان کسرائی مدیر روزنامه جنت در سنه ۱۲۷۱ شمسی در ناحیه ۸ طهران متولد و پس از تحصیلات مقدماتی جدید و قدیمه که در آنصغر معمول بوده وارد بازار کسب و تجارت گردیده در ضمن برای نهایت علاقه که بخدمت گزاری نسبت به حکومت وقت داشته وارد حزب دموکرات شده و نیز برای پیشرفت امور اقتصادی که پس از سالها فکر آن در جامعه ایجاد شد روزنامه جنت را با ادامه رشته کسب و تجارت برای امرار معاش خود تاسیس و تا کنون موفق بانجام خدمت منظوره گردیده است . »

(۴۴۸) جنوب

روزنامه هفتگی جنوب بمدیری (تنکستانی) و نویسندگی (سید یعقوب شیرازی) در طهران تاسیس و شماره اول آن در شوال ۱۲۲۸ قمری منتشر شده است . این روزنامه ارگان (حزب ترقیخواهان) و اعضای همد آن نمایندگان دوره دوم مجلس شورای ملی و منظور شایسته ترقی و پیشرفت اوضاع فارس بوده است . شماره سوم این روزنامه در تاریخ پنجم محرم ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته ؛ هر نمره آن در هشت صفحه بقطع ۸٫۵ در ۱۴٫۵ سانتیمتر و وجه اشتراك آن بدین قرار است : سالیانه در طهران ۱۸ قران سایر بلاد ۲۰ قران ؛ ممالك خارجه ۲۲ قران .

روزنامه جنوب پس از یکسال که از نشر آن گذشته دوچار توقیف گردیده است روزنامه انجمن اصفهان در شماره ۸ سال پنجم خود مورخ ۵ شنبه ۳ شهر ذیحده ۱۳۲۹ قمری شرحی بدین قسم در باره درخواست رفع توقیف روزنامه نوشته است : « جریده فریده جنوب که مدتی است در دارالخلافه طبع و ارگان فرقه ترقیخواهان ایران است و بیفرضانه پیشنهاد ها و صلاح اندیشیها و خدمات خود را بتمام عالم آشکار و هویدا ساخته است چندبست بدبختانه توقیف شده و از علت این فقره مستحضر نیستیم . امیدواریم حضرت ریاست وزراء آقای مصمم السلطنه که مجسمه خیر خواهی و بی غرضی است درخواست مینمائیم که این قلم آزادی را آزاد فرموده و تنقیدات و ایراد بنظر خیر خواهی نگریسته و خورده نگیرند . » نگارنده تاکنون نمونه که روزنامه جنوب پس از توقیف باز مجددا منتشر شده باشد بدست نیآورده ام قدر مسلم این است که روزنامه جنوب در سال ۱۳۰۲ شمسی بشرحیکه ذیلا خواهیم نگاشت دو مرتبه انتشار یافته است .

(۴۴۹) جنوب

روزنامه جنوب بصاحب امتیازی و مدیر مسؤولی (عبدالله عتیق الحسینی) تاسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع متوسط ، با چاپ سربی ، در مطبعه (برادوان باقر زاده) طبع و در تاریخ سه شنبه ۸ جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۴ جدی ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است .

با اینکه در زیر اسم روزنامه (شوال ۱۳۲۸) که سال تاسیس روزنامه جنوب است قید گردیده ولی روزنامه جنوب در این نوبت هیچگونه ارتباطی بادیوره اول نداشته و حتی ظاهراً محل طبع آن نیز شهر قم بوده است . در سایر خصوصیات نیز باروز نامه جنوب سابق تفاوت کلی دارد . در بالای اسم روزنامه جمله (افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد) چاپ شده . محل اداره : بازار آهنگرها کوچه محمد صراف خانه نمره ۲ . آبونه سالیانه : داخله ۵۰ قران ، خارجه ۶۰ قران ، شش ماهه ۳۰ قران ۳۵ قران ماهیانه : ۵ قران ، ۶ قران . تك شماره ۶ شاهی . روزنامه جنوب بعنوان يك (روزنامه دینی) معرفی شده و مقاله افتتاحی آن که تمام چهار صفحه شماره اول را فرا گرفته عبارت از تحریک مردم وبخصوص اهالی جنوب بر علیه سیاست انگلستان و اجتناب از آنان میباشد . مقاله افتتاحی جنوب باین جملات شروع میگردد : بسم الله الرحمن الرحیم : یا قومی اجیبوا داعی الله . حمد و سپاس خداوند بر اجل ذکره که برای ارتقاء بندگان خود ارسال رسال ' و انزال کتب فرموده ۰۰۰۰

(۴۵۰) جوانان ایران

مجله جوانان ایران در طهران بصاحب امتیازی (محمد حسین میرزای فرهی) تاسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است . شورای عالی فرهنگ در ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی امتیاز مجله جوانان ایران را بنام محمد حسین میرزای فرهی تصویب نموده ولی مجله مذکور از نشریات کالج البرز طهران بوده و بدو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است . معمولاً مجله دوده صفحه بقطع متوسط و با چاپ سربی مطبعه فادوس طبع شده و چهار صفحه آن بزبان فارسی و ۶ صفحه دیگر بزبان انگلیسی است . مطالب فارسی و انگلیسی هر دو یکی است و نوا بقلم محصلین کالج و مربوط بوقایع و اتفاقات این مدرسه نزول شبانه روزی است .

طرز انتشار مجله غیر مرتب بوده و هرچندی یکبار منتشر میشده چنانچه در عنوان آن از طرز انتشار چیزی نوشته نشده است . شماره ۱۰ و ۱۱ سال یازدهم مجله دوده صفحه بدو زبان فارسی و انگلیسی در تاریخ پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۶ شمسی مطابق ۱۴ مه ۱۹۳۶ میلادی انتشار یافته . در این شماره صاحب امتیاز (فرهی) و مدیر قسمت فارسی (گودرزی) معرفی شده . مندرجات این شماره عبارت است از (روز والدین - روزیست که اولیاء محصلین در سال بمدرسه می آیند - تاریخ کالج و عکسهای مربوط

حرف جیم بعده الواو جوانان ایران، جودت، جو قای لر بر

بانجمن روابط بین الملل و شاگردان شبانه روزی وانجمن ادبی فردوسی (قسمت انگلیسی آن نیز همین مطالب است) بضمیمه عکسی از والا حضرت ولایتعهد و آقای حکمت وزیر معارف وقت و مستر چوردن امریکائی . محل اداره : کالج البرز . نمره تلفن ۱۳۱۴ وجه اشتراك برای یکساله مدرسه در داخله ۶ ریال و خارجه ۱۰ ریال . هر صفحه روز نامه مشتمل بر سه ستون است .

کالج طهران - همانقسم که استیورت موریل در اصفهان و کرمان مدارس شبانه روزی تاسیس نموده ، مبلغین امریکائی نیز در طهران کالج وسیع و بزرگی تاسیس نمود . اند که تا کنون دایر و از مدارس مهم طهرانست . تا این تاریخ عده زیادی از این آموزشگاه فارغ التحصیل شده و هر کدام چه در داخل و چه در خارج ایران مشاغل مهمی را عهده دارند . عمارت کالج در خیابان شاهرضای طهران و دارای زمین های ورزشی و قسمت های مختلف شبانه روزی و لابراتوارهای متعدد است . از کار های مفید کالج یکی همین انتشار مجله جوانان ایران است . این مجله پس از شهریور ۱۳۲۰ دیگر منتشر نگردیده است .

(۴۵۱) جودت

در تاریخ سوم خرداد ۱۳۰۶ شمسی شورایعالی فرهنگ امتیاز روزنامه جودت را در اردبیل بنام آقای (حسن آقا فرزند حاج محمد حسین تاجر اردبیلی) تصویب نموده و شماره اول این روزنامه در مرداد ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . روزنامه جودت تا سال ۱۳۱۷ شمسی هفته دو بار ، هر نوبت در ۴۵۰ نسخه منتشر گردیده و قیمت هر شماره آن ۳۰ دینار است . در سالنامه ۱۳۰۹ پارس در باره آقای حسن جودت مدیر این روز نامه مینویسد : « ایشان قبلا برای حاضر کردن تمایل عوام بوسایل جدید زندگانی و تاسیس قرائتخانه و کاپونمایش و خرید و وارد کردن مطبوعات سربیش خدمات قابل تقدیری نموده اند »

(۴۵۲) جو قایی لر بر

روزنامه جو قایی لر بر (جلفای با هوش) بزبان ارمنی در جلفای اصفهان بمدیری (بکرادوار) تاسیس و منتشر شده . این شخص اهل نزارستان و نماینده ارامنه بوده است . شرح مذکور را راجع باین روزنامه برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۷۲) نوشته و اضافه میکند که من نمونه این روز نامه را در دست ندارم . با احتمال قوی تاسیس این روزنامه باید قبل از مشروطیت باشد .

(۴۵۳) جهاد اکبر

روزنامه جهاد اکبر در اصفهان بمدیری (میرزا علی آقا خراسانی) و از شماره ۲۶ سال اول بمدیری نامبرده و نویسنده گی (میرزا محمد علی علم) تاسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . روزنامه جهاد اکبر معولا در هشت صفحه بقطع روز ۴۰ های تربیت و الجناب و غیره ، با چاپ سنگی (دارالطباعة عباسخان) و خط نستعلیق

حرف جیم بعده الهاء

جهاد اکبر

روی کاغذ مرغوب چاپ شده و شماره اول آن در ششم محرم ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته است. شماره سوم سال اول با خصوصیات مذکور در تاریخ پنجشنبه ۲۲ محرم منتشر گردیده. این روزنامه هفتگی بوده و سال تاسیس آن به خط نستعلیق درشت در زیر اسم روزنامه در عنوان آن چاپ شده. محل طبع و انتشار آن اصفهان معین گردیده آئونه روزنامه بدین قرار است: سالیانه اصفهان ۲۵ قران. ششماهه ۱۵ قران، سایر ولایات داخله باضافه قیمت پست. وجه آئونه از هر جا بعد از کسب سه نمره گرفته میشود. اعلانات نافعه بحال دولت و ملت مجا با درج میشود.

در هر شماره در زیر عنوان در ضمن دو سطر روزنامه بدین قسم معرفی شده: «جریده ایست مطلق و آزاد محرک سلسله حمیت و اتحاد مہذب اخلاق و معذرا از نفاق در مواقع لازمه بیانات نافعه علمیه و مقالات ادبیه و سیاسیه نیز مندرج خواهد شد» هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و فهرست مندرجات هر شماره در ابتدای ستون اول صفحه اول درج است. مندرجات جهاد اکبر مانند سایر جراید آغاز مشروطیت پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار شهری و حوادث و اتفاقات اطراف شهر و وقایع کلی مملکت و مقالات مشتمل بر نظم و دادخواهی از حکام مستبد و طرفداران استبداد. برای اطلاع بیشتری از مندرجات روزنامه فهرست بعضی از شماره های آنرا نقل مینمائیم: «شماره سوم. خیال مجسم با واقع مسلم. بقیه الفضل للمقدم. تمنا کثرت تلفون در امریکا. بقیه مقایسه حال با قرون سابق. بانک ملی. بقیه روایت امین و مامون. بشارت. شماره ۴: «تاسف و شکایت. منظره هولناک. اطلاع قم. بقیه روایت امین و مامون. شماره ۹: «قابل توجه معلمین مدارس. بقیه تیول مکتوب از اسلامبول بطهران و از طهران بآذربایجان. اخبار از بوشهر. بقیه روایت امین و مامون. شماره ۲۷: «رفع تردید. فتوت بین جوانمردی نگر غیرت تماشا کثرت انجمن مقدس. اخبار راجع باغتشاش طرق و شوارع. مکتوب یکی از علمای جلیل قزوین. جهاد اکبر. ایضا انجمن مقدس. جهاد اکبر یکی از جراید خوب و مهم آغاز مشروطیت بوده و در طول مدت انتشار از حیث طبع و کاغذ و قطع شماره اول با آخر تفاوتی ندارد. این روزنامه یکی از جراید سرسخت علیه محمد علیشاه و دربار بوده و از این جهت پس از فرار محمد علیشاه شادبها نموده و مقالات مفصلی در این زمینه نوشته است. منجمه در شماره ۲۲ سال دوم مورخ شنبه ۶ رجب المرجب ۱۳۲۷ قمری که آخرین شماره این روزنامه است که نگارنده در دست دارد تحت عنوان تشکر و امتنان (اینطور مینویسد: «از دست و زبان که برآید بکتر عهده شکرش بدو آید پوشیده نیست که در این موقع باریک تمام سیاسیون عالم متوجه بطرف ایران بودند که پس از این زحمات و جانفشانیهای ملت در راه آزادی و حریت آیا نتیجه خواهند گرفت یا آنکه بدست خود وطن عزیزشان را بمغاطره عظیم خواهند انداخت...» پس از مقاله مذکور چند نفر را برای نمایندگی مجلس معرفی مینماید.

میرزا علی آقا خراسانی معروف به جهاد اکبر — میرزا علی آقا خراسانی

حرف جیم بعده الهاء

جهاد اکبر، جهان آراء، جهان دانش

که بعلمت انتشار روزنامه معروف به جهاد اکبر بود از خاندان فضل و دانش و اعمام او همه از فضلا و دانشمندان اصفهان بشمارند . مخصوصا حضرت آقای حاج آقا رضا خراسانی عمو زاده آن مرحوم از علمای معروف اصفهان و مدرس مدرسه سلطانی میباشد جهاد اکبر مدت ها در وزارت دادگستری مدعی العمومی عدلیه اصفهان و زمانی هم رئیس دادگستری بود بوده نامبرده در دوسه سال آخری عمر خود با دوشیزه ازدواج کرد و لی از وی فرزندی باقی نماند تا آنکه در تاریخ شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۲۵ قمری ، پس از يك كسالت چند روزه ، در اصفهان وفات نمود و جنازه او را با تجلیل و احترام لازم بنخته فولاد حمل و در تکیه مرحوم کازرونی بخاک سپردند .

چند تن از شعرا در رثاء مرحوم جهاد اکبر اشعاری سروده و منجمه قطعه ایست مشتمل بر ماده تاریخ فوت آن مرحوم که آقای عبدالحسین آیتی مدیر مجله ادبی نمکدان سروده و آن اینست :

کس در جهان نیامده کز این جهان نرفت
کس خانمان نساخت کز آن خانمان نرفت
جز مرد نیکنام که چون رفت از کنار
نامش ز خاطر و اثرش از میات نرفت
يك تن جهاد اکبر از آن راد مرد مات
رفت از جهان و هیچش نسام و نشان نرفت
تنها جهاد اکبر از این جا سفر نکرد
کی بود آن که همراه این کاروان نرفت
سال وفات خواستمش پیر عقل گفت

جز با جهاد اکبر کس بر جهان نرفت ۱۳۶۴
و اما میرزا محمد علی علم که مدتی نویسنده کی روزنامه را عهد دار بوده
فرزند مرحوم آخوند ملا علی اکبر فشارکی و برادر حاج امین الشریعه اشرافی است وی
نیز چند سالست فوت نموده ، مرد فاضل و دانشمندی بود .

(۴۵۴) جهان آراء

روزنامه جهان آراء در طهران ؛ با چاپ سنگی به مدیریت آقایان (میرزا عباس خان و میرزا سلیمان خان) تاسیس و منتشر شده است . این روزنامه هفتگی بوده و شماره اول آن در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۷۱)

(۴۵۵) جهان دانش

مجله جهان دانش در تهران به مدیریت (آقا محمد مهدی اذر) تاسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار آن ماهانه بوده و در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۰۴ امتیاز آن از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۴۵۶) جهان زنان

مجله جهان زنان ابتدا در مشهد و بعد در طهران بشرح زیر تاسیس و منتشر شده است .

جهان زنان در مشهد — مجله زنان در مشهد بموسسی و نگارندگی (فرخ دین بهارسا) و تحت مسؤولیت (هف . پ بدینی فخر آفاق بهارسا) تاسیس گردیده و شماره اول آن در ۲۴ هفغه بقطع كوچك در مطبعه سربی (مشهد مقدس . مطبعه طوس) طبع و در تاریخ ۱۵ دلو ۱۲۹۹ شمسی مطابق ۲۵ جمادی الاولی ۱۳۳۹ قمری و ۴ فوریه ۱۹۲۱ میلادی منتشر شده است . محل اداره : مشهد . بازارچه سراب . عنوان تلگرافی (مشهد . جهان زنان) قیمت اشتراك داخله سالیانه ۳۰ قران ، شش ماهه ۱۸ قران ، خارجه سالیانه ۴۰ قران ؛ قیمت تك نمره دو قران . اعلانات سطری دو قران . مجله جهان زنان در هرماه شمسی دو نمره منتشر میشود و چنانچه روی جلد هر شماره معرفی شده مندرجات آن بیشتر امور مربوط بزنان و تربیت انسان بوده است . « فقط راجع بامور زندگانی و لزوم تعلیم زنان نگارش مییابد » فهرست مندرجات هر شماره در ابتدای هفغه اول چاپ شده و فهرست شماره اول بدین قرار است :

عمل و امل زنان جهان . لزوم تعلیم زنان . بچه پروردن . زنان نامی ، بخت و بیز . مفاخر زنان . اشعار . مطایبه . سپاسگزاری . اطلاع . او لیسن خدمت . « شماره دوم مجله در ۱۵ حوت ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده ، فهرست مندرجات آن بدین قرار است : « والا مقامی زنت . زنان جهان . لزوم تعلیم زنان . زنان نامی . بچه پروردن . اشعار . مفاخر زنان . شیرینی پزی . گوناگون . »

در باره پیدایش مجله وسبك وروش آن ؛ مدیر مجله در طلیعه مجله که نگارنده فعلا بآن دسترسی ندارم شرح مفصلی نگاشته و این موضوع را اجمالا در مقاله افتتاحیه شماره اول تحت عنوان (عمل و امل) نیز آورده که قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم « بیاری خداو به پشتیبانی ختم رسل (ص) افکار بی آرایش و منویات بی غل و غش خود را که پرورش یافته در مملکت اسلامی و آبیاری شده از شرایع و قوا ین حضرت خاتم النبیین است در عناصر چهارگانه حواس خمسہ خود بجریان طبیعی انداخته ؛ ها قبت از دماغ بقلب و از قلب بحس لامه و باصره منتقل و بالاخره با یگوسیلہ خارجی همان منویات و افکار را بر روی کاغذ آورده مجددا آنها را هکس عمل داده با واسطه قوه باصره بقلب و دماغ قارئین خود منعکس و انتقال میدهیم چون در طلیعه خود آنچه باید از سیاق نگارش و طرز اداری جهان زنان اشاره کرده ایم در این جا تکرار را لازم ندیده و تذکار میکنیم که عمل و امل ما تنها از روی شرایع نبوی و دین حقہ اسلام است و آنچه میخواهیم از همان اوامر حضرت حق طلب میکنیم اکنون شروع و باز خدا را بیاری طلبیده و بخودش پناه میبریم که ما را از قرب بمسائلی غیر از آنچه او گفته باز واز شرح سود و عنود مصون و محفوظمان دارد . « در شماره اول پس از

حرف جیم بده الها

جهان زنان

مقاله مذکور ، مقاله دیگری تحت عنوان (زنان جهان) نوشته شده . این مقاله راجع بزین قبل از اسلام و صدر اسلام و قرون دوم تا چهارم هجری و تا قرون اخیر اسلام است . شعار مجله که روی جلد چاپ شده عبارت از دستی است که با دو انگشت خود صفحه ایرا گرفته و روی صفحه در شماره اول اسم مجله (جهان زنان) و از شمار دوم کلمه (مشهد) نیز اضافه شده است .

پس از انتشار شماره چهارم مورخ ۱۷ شعبان ۱۳۳۹ قمری ، چون مدیر مجله (فرخ دین پارسا) بطهران منتقل شده اداره مجله نیز بطهران انتقال یافته و بنا بر این دوبهمرفته چهار شماره از مجله جهان زنان در مشهد منتشر شده و از شماره پنجم بشرحیکه بعدا خواهیم نوشت در طهران انتشار یافته است . در باره این انتقال در شماره چهارم تحت عنوان (خدا نگهدار) شرحی بقلم و امضای (فخر آفاق . پارسا) مدیر مجله و همسر آقای فرخ دین پارسا ، آورده شده که آنرا عینا نقل مینمایم : « چون همسر محترم من برای درك فیض رئیس حقیقی خود حضرت آقای رئیس الوزراء عازم طهران است و منهم باید با او بروم لذا این شماره به عنوان خدا حافظی زود تر از موقع خود منتشر شده و امیدوارم جبران کسوریکه مجله از حیث نفاست طبع و مطالب مفیده در مشهد داشت در طهران جبران شود . » در همین شماره روی طرف دیگر جلد به عنوان (اخطار لازم) اینطور نوشته است : « مجله نوزاد جهان زنان بیاری خدا امیدوار است که خدمات خود را در طهران ادامه دهد و نمرات منتشره را مرتبا از طهران برای مشترکین محترم خواهد فرستاد . »

فرخ دین پارسا - نامبرده از خدمتگزاران قدیمی مطبوعات فارسی و قسمت عمده عمر خود را در ولایات و در پایتخت بخدمات دواتی گذرانیده است . بر حسب درخواست نگارنده شرح احوال خود را مفصلا مرقوم داشته که در حرف عین کتاب کلمه (مصر حدید) بنقل آت میپردازیم ، آنچه را راجع بدورات خدمت ایشان در مشهد و تاسیس مجله جهان زنان میباشد فعلا در اینجا نقل مینمایم : « در سال ۱۲۹۲ شمسی از حال تجرد خارج و با خانم فعلی خود (فخر آفاق پارسا) که آموزگار بود ازدواج کرد . در این اوان آقای ملک الشعراء بهار مدیر روزنامه (نوبهار) با سمت نمایندگی در جز بطهران وارد و برای اداره کردن نوبهار که در طهران منتشر گردید بکمک ایشان شتافته و امور داخلی روزنامه را اداره مینمود ولی پس از چندی نمیدانند بر اثر کثرت کار یا ضعف مزاج مبتلا بنوراستنی و مالیخولیا گردید - پس از دو سال که این مرض (بیم از ابتلای بکلرا) مرا رنجور ساخت مسافرتی با سمت معاونت شهربانی باراک کرد ولی بمناسبت سقوط از محل مرتفعی موفق باشغال پست نشده و مرض مالیخولیا در بستر بیماری رفع شد - پس از دو ماهی از بستر بیماری برخاست به تهران آمد و در این موقع دارای دو طفل شده بودم که چون در آمد از محل تاسیس روز نامه اخلاق با ادارات جراید تکافوی اعاشه ما را نمینمود با سمت تعویلداری اداره تذکره خراسان بمشهد مسافرت کرد (سال ۱۲۹۵ شمسی) قبول این خدمت که بواسطه تامین معاش

حرف جیم بعده الهاء

جهان زنان

بود شوق مرا نسبت بخدمت مطبوعات تقلیل نداد بلکه تکثیر نمود در مشهد مقالاتی در روزنامه (چمن) مینوشت و علاوه خبر نگاری رسمی روزنامه رعد را در آنجا عهد دار و بتاسیس مجله جهان زنان به مدیریت خانم خود پرداخت . در اوایل سال ۱۲۹۹ با سمت معاونت میهماندار سفیر افغانستان به تهران آمد و پس از دو ماهی بمشهد معاودت و در اوایل سال ۱۳۰۰ بدستور جناب آقای آقا سید ضیاءالدین رئیس الوزرا با سمت مدیریت مطبوعات وزارت داخله مشهد را ترک و دو باره به تهران آمد ولی این ماموریت ماهی بیش طول نکشید که بواسطه برهم خوردن سازمان وزارت داخله و استعفای جناب آقای آقا سید ضیاءالدین شخصا بی تکلیف ماند .

این بود قسمتی از نامه آقای فرخ دین پارسا راجع باقامت ایشان با خا نشان در مشهد . همانطور که خوانندگان در این نامه و در اخباریکه روی جلد شماره چهارم مجله ملاحظه فرمودند از این پس محل اقامت آقای فرخ دین پارسا در طهران بوده و مجله نیز در طهران منتشر شده است بنابراین بشرح مجله منتشره در طهران میپردازیم **جهان زنان در طهران** - قریب شش ماه انتشار محله از موعد مقرر بتاخیر می افتد چه جهان زنان قرار بوده است که در برج سنبله ۱۳۰۰ شمسی منتشر گردد ولی پیش آمد توقیف بی جهت و بدون فهم علت آن و از طرفی مسافرت موسس مجله (آقای فرخ دین پارسا) بسمنان که بمنظور تحقیق در معادن سمنان بوده بالاخره انتشار مجله را تا برج میزان سال مذکور بتاخیر انداخته است . از این رو شماره پنجم سال اول جهان زنان در طهران در برج میزان ۱۳۰۰ شمسی مطابق محرم ۱۳۴۰ قمری در ۳۲ صفحه بقطع کوچک خشتی و با چاپ سربی (مطبوعه برادران باقر زاده) طبع و توزیع گردیده است . در این شماره موسس فرخ دین پارسا و تحت مسئولیت (فخر آفاق پارسا) معرفی شده و وجه اشتراك و سایر خصوصیات مانند سابق است . محل اداره : طهران . خیابان ناصریه . عنوان تلگرافی : جهان زنان . خلاصه مقاله افتتاحی این شماره که تحت عنوان (بعد از فترت) نوشته شده این است که قریب شش ماه برای انتشار مجله فترتی پیش آمد و این فترت اول اختیاری بود و بعد اجباری شد . اکنون به پشتیبانی دستورات واحکام الهی دومرتبه انتشار آن شروع شد . جهان زنان در تعهدات و مطالب خویش بهیچ وجه تنبیری نداده و همان مرامی را که در طلیعه خود گوشزد نموده است تعقیب خواهد کرد .

انتشار جهان زنان در طهران غوغائی برپا کرد و مندرجات آنرا جمعی مغالطه دین دانسته و خواهان مجازات موسس و ناشر مجله گردیدند و بالاخره منتهی بتبعید آقای فرخ دین پارسا و همسرشان باراك گردید . تفصیل این واقعه را از نامه آقای فرخ دین پارسا ذیلا برای خوانندگان نقل مینمایم : « در مراجعت بنا باصرا و خانم خود که وعده داده بود مجله جهان زنان را در تهران منتشر نماید بتجدید انتشار مجله در تهران شروع و اولین شماره منتشره در تهران مصادف شد با سیاست مغالطه نسبت بکاینه جناب آقای قوام السلطنه و این مجله که مندرجاتی جز لزوم تربیت و تعلیم

حرف جیم بعده الهاء

جهان زنان

زنان نداشت پیراهن عثمان شده و با تحریک بازاریها بر کابینه تاختند بالاخره رئیس الوزراء وسایل استرضای مخالفین را فراهم و برای اسكات تحریک شدگان بازاری مال الصلح تبعید من و خانم از تهران تعیین و عملی گردید . من و خانم باراك تبعید شدیم و وقتی بقم وارد شدیم احساس کردیم که عزیمت ما بهراق یا اراك خطرناکست زیرا گفتگوهای تهران در مجالس و منابر دال بر تکفیر خانم من در قم هم منعکس و شخصا در معرکه ای که در قبرستان قم گرفته بودند شنیدیم که مدیره جهان زنان را در ردیف دشمنان خانواده رسول سب مینمایند . و چون در اراك هم چند نفری را به اسم بهائی و سوزاندن قران مقتول ساخته بودند از رفتن باراك منصرف و در . . . قم که دور از جنجال بود اقامت گزیدیم و پس از چندی با سمت مفتش راه شوسه تهران - اراك دو باره وارد خدمت دولت گردیدیم .

مدیره جهان زنان ، پس از یاس از آزادی خود و مجله جهان زنان اعلانی بدین قسم از قم به (مشترکین جهان زنان) نموده ؛ این اعلان در روزنامه یرات مورخ ۲۲ قوس ۱۳۰۱ درج است ؛ « مشترکین » محترم عاقبت بما که آزادی تعلیم داده شد . متأسفانه آزادی تحریر و بحث و انتقاد از مردان هم سلب گردید با این حال در انتظار بروز خوش نشستن از کم خردی است و شاید من بالاخره در انتظار از جهان بگذرم ، در حالتی که دین نقدی مشترکین جهان زنان را بگردن داشته باشم ، این است که پس از نومیادی از آزادی تحریر برای ایفای عهد نسبت به مشترکین حاضر و با تحمل بیش از پانصد تومان خسارت مجله بتنهائی میخواهیم دین خود را ادا نمایم . چون اوراق و دفاتر جهان زنان هجالتا در دسترس من نیست و مشترکین طلبکار خود را نمیشناسم و بر فرض شناسائی ارسال مبالغ جزئی که از هشت تا شانزده قران می شود باشکال مصادف خواهد شد لهذا از مشترکین وفاداری که از اداره من طلبکار هستند تمنا دارم تا آخر حمل هذه السنه قبوض اشتراك خود را بآدرس کمیته در قم ارسال و تمایل خودشان را بقرائت هریک از مجلات زنانه زبان زنان یا عالم نسوان منطبقه طهران دارند مرقوم فرمایند تا یکی از مجلات مذکوره بنام آنها خواسته شود باین وسیله من ادای دین کرده مشترکین هم باستیفای حقوق خویش موفق و هم بقرائت مجله زنانه نایل گردیده بالاخره وداع عزلت گزینی را با آن وفا داران کرده در حال یاس از خدمت مستقیم بانتظار يك انقلاب مفید اساسی که مرا هم شاید در آتش خوب کباب کند مینشینم . مظلومه مهجوره بقم . فخر آفاق پارسا . »

جهان زنان پس از آن دیگر منتشر نشده تا شهریور ۱۳۰۹ شمسی که درصدد انتشار مجدد آن برآمده اند ولی صورت عمل بخود نگرفته است .

شرح راجع بمجله جهان زنان قدری بطول انجامید ولی چون فخر آفاق پارسا اول زنیست در ایران که بنام مطبوعات دو چار تبعید و مجله او توقیف گردیده لذا جای آنرا داشت که بتفصیل از آن گفتگو نمایم . برای تکمیل این قسمت مختصر شرح احوال این بانوی روشن فکر را نیز بضمیمه تصویر نامبرده درج مینمایم . شرح

حرف جیم بعده الهاء

جهان زنان

زیر از نامه آقای فرخ دین پارسا شوهر بانوی محترم استخراج شده است : خانم من هم مانند سایر خانها سرگذشتی ندارند .

تحصیلات ایشان دوره متوسطه و از آغاز زناشویی روح آزادی طلبی و آزاد منشی داشته حجاب را مانع ترقی اجتماع میشناخته است .

مشارالیهها مخصوصا مادر خوبی برای پرورش اطفالش بوده و پنج طفل مرا با آنکه اکثر خانه بدوش بوده ایم با آبرومندی بشمار رساند .

(۴۵۷) جهان نما



روزنامه جهان نما در شیراز بصاحب امتیازی و مدیر مسؤلی (میرزا محمد حسین نوری زاده و بعدا معروف بجهان نما) تاسیس و در اواخر سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است . شورای هالی فرهنگ امتیاز این روزنامه را در تاریخ ۲۰ دلو ۱۳۰۲ تصویب نموده و جهان نما در انتهای

بانو فخر آفاق پارسا

همین سال انتشار یافته ولی بعد از سه ماه تعطیل گردیده است . مدت بیست و دو سال روزنامه زمانی تعطیل و گاهی چند شماره از آن منتشر شده تا اینکه شماره اول سال بیست و دوم آن در تاریخ شنبه هفدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (جهان نما) طبع و توزیع گردیده . مقاله افتتاحی این شماره تحت عنوان (بنام خداوند متعال - آغاز سال بیست و دوم) نوشته شده قسمتی از آن این است : « روزنامه جهان نما با این شماره قدم در مرحله بیست و دومین سال انتشار خود میگذارد . ما از بیست و دو سال پیش که خدمت خود را باین آب و خاک آغاز کردیم بدون اینکه تغییر مساک و عقیده داده و یا خدای نخواستہ صفحات روزنامه را آلت سوء استفاده قرار دهیم همواره با عوامل نکبت و بدبختی در مبارزه بودیم . هیچ عامل و هیچ قدرت و هیچ ثروتی تا کنون نتوانسته است در ماراه یامه و از ادامه روش قطعی منحرفمان سازد . نهایتا چندی که جربان حکومت را بر خلاف مرام خود و مصالح جامعه دیدیم نتوانستیم این راه را طی کنیم بوسیله طبع و نشر آثار و کتب سودمند اخلاقی و اجتماعی وظیفه خود را انجام و تنها تکیه گاه ما اول خدای بزرگ سپس پشتیبانی هم میهنان عزیز بوده . ما در راه این وظیفه با این که با تضییقات و فشار های غیر قابل تحمل و ضرر های هنگفتی مواجه بوده ایم مع الوصف چون بسلاح صبر و شکیبائی مجهز بوده و نیز هدفی جز نشر حقایق و دفاع از حق و حقیقت و بالنتیجه خدمت بخلق و تنویر فکر عامه نداشته و نداریم که ترین رخوت و سستی در خود احساس نکرده و از این پس هم تا آخرین قطره خونی که در شراین ما جربان دارد از مجاهدت خود دست بردار نخواهیم بود . »

حرف جیم جده الها

جهان نما، جهان نو

مندرجات جهان نما پس از درج مقاله اساسی عبارت از مقالات مختلف و گاهی حکایات تاریخی و اخبار معلی شیراز و فارس و اخبار عمومی کشور و خبرهای خارجه و اعلانات مختلف میباشد • محل اداره روزنامه در سنوات اخیر شیراز • رو بروی دارائی • بهای اشتراك : سالیانه ۳۰۰ ریال ، ششماهه ۱۶۰ ریال • تك شماره دو ریال • طرز انتشار روزنامه هفتگی است •

(۴۵۸) جهان نما

در سالنامه معارف فارس (سال ۱۴-۱۳۱۵) مینویسد در سال ۱۳۰۴ شمسی مجله جهان نما بتوسط آقای میرزا هیدالله خان ضرابی در شیراز انتشار یافته است • نگارنده راجع بمجله جهان نما بیش از این اطلاعی ندارد •

(۴۵۹) جهان نو

مجله جهان نو در شهر برلین پایتخت آلمان بسر دبیری (ش • ك • شاهرخ) بزبان فارسی ماهی یگبار منتشر شده است • این مجله هر نوبت با کاغذی مرغوب و طبعی زیبا در ۲۴ تا ۲۸ صفحه بقطع پستی طبع و شماره دوم وسوم سال دوم آن درخرداد و تیر ۱۳۱۹ شمسی منتشر گردیده • بیشتر مندرجات جهان نو جنبه تبلیغاتی دارد و برای آگاهی ایرانیان از ترقیات سریع و معجزه القول ملت آلمان و فتوحاتی که نصیب لشکریان این کشور در جنگ جهانگیر دوم شده است ، میباشد • علاوه بر این در هر شماره تصاویر متعددی از مناظر مختلف جنگ در آن درج است • تصویر پشت جلد شماره دوم (سربازان انگلیسی در اسارت آلمانها) و از شماره سوم (نیروی آلمان در پاریس) است • برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات شماره دوم و سوم را نقل مینمائیم : > جبهه باختر • اهمیت خاور نزدیک (بقیه از شماره قبل) چگونه رزم ناو آلمانی بلوخر در خلیج اسلو غرق گردید • نمو و توسعه هوا پیمائی • ارنست هانیکل (از بزرگان آلمان) دانشگاههای آلمان در جنگ • زندگی نبرد لیاقت است • (بقیه شماره قبل) اشتوگا ، در کارخانه نارنجك سازی • كوشش آلمان برای تهیه مواد چربی در داخله کشور خود • اختراع مهم علمی • «

مندرجات شماره سوم : « فرانسه پیشنهاد صلح کرد • دهكده بلژیکی • سیاست اجتماعی بیزمارك • زندگی نبرد لیاقت است (بقیه از شماره قبل) در كودكستان • لودندرف • ارتش ایتالیا • چتربازان • چگونه دو كشتی انگلیسی را غرق كردم • « جایگاه و نشانی مجله بآلهانی بدین قسم نوشته شده :

Die schniftleitung •

Diehane • nQw

Berlin-charlQttensburg•2•

بهای اشتراك در سال برای ایران ۴۰ ریال ، برای افغانستان ۲۵ افغانی - بهای يك

حرف چ

چابك، چمن

شماره در ایران ۳۵ ریال، در افغانستان ۲۵ افغانی •
 سردیر مجله (ش.ک. شاهرخ) فرزند ارباب کیخسرو که پدرش چند دوره نمایندگی
 مجلس شورای ملی را از طرف زردشتیان داشت. نامبرده همان کیست که در طول جنگ
 جهانی دوم قسمت فارسی رادیوی آلمان را عهده دار بود و هر شب با سخن مؤثری فتوحات
 آلمان را شرح میداد. آقای شاهرخ بعد از جنگ بایران مراجعت نمود و اکنون رئیس
 کل تبلیغات است. مجله جهان نو چون جنبه تبلیغاتی داشت متعین مانع بودند که آزادانه
 وارد ایران گردد و در ایران منتشر شود و لذا انتشار آن خیلی محرمانه و سری انجام
 می گرفت و همه کس نمیتوانست نسخه های آن را بدست آورد. این مجله بیش از دو
 سال منتشر نگردیده و با ضعف آلمان ها در جنگ تعطیل گردیده است •

حرف چ

(۴۶۰) چابك

روزنامه هفتگی چابك در بمبئی هندوستان در سال ۱۲۶۲ قمری مطابق ۱۸۴۶
 میلادی بزبان فارسی منتشر شده است • (مطبوعات و شعر فارسی ص ۷۲)

(۴۶۱) چمن

روزنامه چمن بمبیری آقای (شمس المالی دادستان) در مشهد مقدس تاسیس
 و در سال ۱۲۹۳ شمسی هفته دومرتبه منتشر شده است • در اسد ۱۲۹۹ شمسی پس از
 چندی که روزنامه توقیف بوده از توقیف خارج و وفق مطبوعات خراسان را روشن
 نموده است • روزنامه چمن پس از مدتی تعطیل در سال ۱۳۱۰ شمسی تجدید انتشار
 نموده و بمبیری آقای دادستان قدم بعرضه انتشار گذاشته است • چمن در سالهای اولیه
 انتشار خود مرتباً منتشر شده چنانچه اداره مجله فلاح و وصول شماره های سال پنجم
 روزنامه را بدین نحو یاد آور شده است: شماره های ۱۵؛ ۱۶، ۱۷، ۱۹، از سال
 پنجم روزنامه در برج اسد و شماره های ۲۲، ۲۳؛ ۲۴، ۲۵، از سال پنجم روزنامه
 در برج سنبله و شماره های ۲۷، ۲۸ در برج میزان، شماره ۳۲ در برج عقرب و شماره
 های ۳۴، ۳۶؛ ۳۷، ۳۸، ۳۹؛ ۴۰، ۴۲، ۴۳، در برج جری و شماره های ۴۴
 ۴۵، ۴۶، ۴۷؛ ۴۸، ۴۹؛ ۵۰؛ در برج دلو و شماره های ۵۱، ۵۲، ۵۳ در برج حوت
 ۱۲۹۹ شمسی با اداره مجله واصل شده است • شماره ۴ سال هجدهم چمن بمبیه صاحب
 امتیازی (دادستان) در چهار صفحه با چاپ سربی (مطبوعه طوس) طبع و در تاریخ ۳۰
 آبان ۱۳۱۰ شمسی منتشر شده است • محل اداره: مشهد، خیابان خسرو، قیمت
 اشترک همه جا سالانه ۲۰ قران، ششماهه ده قران، تك فروشی چهار شاهی، اغلانات
 سطردهشاهی مندرجات چمن پس از درج سرمقاله، عبارت از اخبار بست تحت عنوان
 (آثار املاك) و اشعار جدی و فکاهی و اغلانات • سرمقاله شماره مذکور بعنوان (تازه
 چی داری؛ قابل عرض هیچ) نوشته شده و اشعار آن؛ مخمس اشعار جلال الملك ایرج

حرف چ بعده المیم

چمن

میباشد که میرزا محمد حسین ادیب آزاد آنها را تخریب کرده است . قسمت آثار افلاک آن اینطور شروع میگردد « اوضاع آسمان درماه آبان دلاله دارد بر باریدن باران و رفتن یکی از منجمین هند بر مناره اصفهان عبور ملک الموت از شیروان ۷۰۰ » در این شماره داستانی بعنوان (دسته بنفشه) در باورقی صفحه دوم و سوم درج است .

سالنامه چمن - بمناسبت اختتام بیستمین سال روزنامه چمن و آغاز بیست و یکمین سال این روزنامه ، سالنامه در ۷۲ صفحه بقطع کوچک بنام (سالنامه چمن) بصاحب امتیازی (دادستان) و مدیری و سردبیری (علینقی سامی کرمانی) در مطبعه (آزادی خراسان) طبع و توزیع شده است . متأسفانه این سالنامه تاریخ انتشار ندارد ولی روی جلد آن (بیستمین سال انتشار روزنامه چمن ۷۰ هزارمین سال تولد حکیم ابوالقاسم فردوسی) نوشته شده و میرساند سال انتشار با سال ۱۳۱۳ یعنی سال جشن هزاره فردوسی مطابق بوده است . در مقدمه سالنامه مذکور چنین نوشته است : « پیاری خدای متعال اداء تشکرات و سپاس بی قیاس از یزدان مهربان که توانستیم با تقدیم این سالنامه بیستمین سال جریده چمن را انجام و بیست و یکمین سال انتشار آن را آغاز کنیم اگرچه با همه توانائی و گرفتاریهای شخصی از موقعیکه آقای سامی سردبیر این نامه مدیریت آن را عهده دار گردیدند از هیچگونه بذل مساعی در ادامه انتشار و تزیین آن بیترین مطالب پرمغز و جلب توجه قارئین خودداری ننموده و برای اولین مرتبه با شهادت صفحات متنوع و کثرت انتشار این سالنامه که بالغ بر ۹ هزار نسخه طبع و نشر شده است نتیجه و نیات مترقبه مدیر ضمیمه خود را چون آفتاب درخشان در نظره عموم افراد ملت ایران روشن و مبرهن نمودند لهذا ناگزیریم تذکر دهیم گذشته از سوابق روشن این نامه که در تحت مدیریت آقای شمس المعالی (دادستان) نوزده سال مراحل سیاسی و اداری و در ابتدای سال بیستم با انتشار در حدود ۱۸ شماره از طرف آقای رحمانیان مدیر کتابخانه رحمانیان غالباً مواجه بتأخیر در انتشار و اکثر پیش آمدهای اقتصادی و بهران غیرعادی گردید که مشترکین محترم در بعضی نمرات بحقیقت مطالب مطلع گردیدند . مدیر مزبور سزاوار ندانسته که با زحمات طاقت فرسا در نشر آن قصوری شود لذا با کمال ایستادگی و با فشاری متحمل انتشار گردیده و توانستند مقصود بدون غرض و غیر مادی را در مراحل نامه نگاری و خدمت بیجامه بدین وسیله اعلام نمایند . »

خلاصه این تاریخچه آنکه روزنامه چمن مدت نوزده سال بمدیریت و صاحب امتیازی آقای شمس المعالی کم و بیش نشر شده و در سال نوزده انتشار آن بمعهده آقای رحمانیان مدیر کتابخانه رحمانیان واگذار گردیده و در این سال ۱۸ شماره از آن نشر شده تا در این سال که آغاز بیست و یکمین سال انتشار می باشد مدیریت روزنامه بمعهده علی قی سامی واگذار گردیده است . در سالنامه چمن پس از مقاله افتتاحی ، مقاله دیگری بعنوان (عالم مطبوعات) چاپ شده و در آن اسامی تمام جراید و مجلاتی که در آن تاریخ نشر میشده گنجانیده است .

شمس المعالی دادستان - آقای عبدالقدیر آزاد مدیر روزنامه آزاد منظمه

حرف چ: عده المیم

چمن ، چته پا برهنه

خراسان در شماره ۲۱ این روزنامه مورخ ۵ قوس ۱۳۰۳ در ضمن اخبار داخله شرحی بدین قسم راجع بکنک خوردن مدیر روزنامه چمن نوشته اند که برای ضبط در تاریخ جر اید فرا بعینه نقل مینمایم : « عصر پنجشنبه با آقای شمس المعالی مدیر روزنامه چمن در میدان ارك راه میرفتم در این بین آقای دکتر سلطان حسین خان طبیب نظام سر رسید از آقای شمس المعالی سوال کرد که شما مرا ادیب السلطان فرض کرده اید . آقای مدیر چمن جواب داد البته شما از او برتری ندارید همه تان مثل هم هستید آقای سلطان حسن خان گفت چه ... میخورید . آقای شمس المعالی همان جواب را باو پس داد بگمرتبه آقای سلطان حسین خان بنا کرد بکنک زدن آقای شمس المعالی و بیچاره پیر مرد را چند سیلی و لگد زد و من هر قدر خواستم که مانع شوم نتوانستم بالاخره جمعیت زیادی جمع شده آنها را سوا کردند بعد از کنک زدن بیك نفر قزاق امر کرد که او را ببرند بگارد نظامی توقیف کنند چند نفر آقای شمس المعالی را از دست قزاق گرفتند و بعد از آقای شمس المعالی سابقه را پرسیدم گفت آبونه دو سال روزنامه چمن را فراش متجاوز از سه ماه است که همه روزه مطالبه کرده و جواب نداده در دو روز قبل کاغذی نوشتم و مطالبه کردم باو بر خورده است . »

منظور از نقل این قسمت این بود که خوانندگان متوجه شوند که مدیران جراید در مملکت ما با چه مصائب و مشکلات و اهانتهائی روبرو میشوند . با وجود این همه را قبول کرده بشغل مقدس نامه نگاری ادامه میداده اند .

(۴۶۴) چته پا برهنه

روزنامه مصور هفتگی چته پا برهنه در طهران بمدیری (میرزا محمود خان افشار) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . در شماره های اولیه روزنامه اسم مدیر مسئول و محل و تاریخ انتشار روزنامه درج نگردیده و بعضی ذکر این خصوصیات اینطور نوشته است : « اداره مراسلات همانجا بمدير مسئول همان . » نگارنده تا کنون شماره اول این روزنامه را بدست نیاورده و چون در مجموعه ای شماره دوم و سوم آن پهلوی شماره اول روزنامه جنگل مولا گذاشته شده احتمال می رود که شماره این روزنامه اول بنام جنگل مولا منتشر شده باشد . و بنابراین خصوصیات که از روزنامه ذیلا ذکر میشود مربوط باز شماره دوم میباشد :

همانقسم که یاد آور شدیم در شماره دوم و سوم ذکر می از مدیر مسئول و تاریخ انتشار روزنامه در بین نیست ولی در شماره های ۲۵ و ۲۶ سال اول که در دست است در انتهای صفحه چهار نام مدیر مسئول (محمود پا برهنه) چاپ شده . چته پا برهنه در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ ، با چاپ سنگی و خط نستعلیق ریز چاپ شده و صفحه چهارم آن مخصوص کاریکاتور است . کاریکاتور های روزنامه بقلم (علیرضا) ترسیم شده و قسمتی از کاریکاتور های شماره دوم و سوم مذاکره (گل شعبان) با (بابا احمد) است . مندرجات روزنامه عبارت از مقالات فکاهیست که بصورت قصه و حکایت

حرف چ بعده النون

چنته پابره نه

نوشته شده و نیز اشعاری که بعنوان (ادبیات بابا احمد) درج است . برای نمونه قسمتی از مقاله افتتاحی شماره دوم و شماره ۲۶ سال اول آنرا نقل مینمائیم : « هر کس بفکر خویشه ، تو هم بفکر خود باش . در چند سال قبل يك درویش پا برهنه نه تراشیده نغراشیده گیسوانش چون خار خارپشت يك چنار بلند در مشت سنك قناعت برشکم کدوی بزرگی اونك بانگشت تسبیح هزار دانه در گردن پوست پلنگی درپشت پیراهن سفید در بر میگفت بآهنك دراست هو هر کس بفکر خویشه توهم بفکر خود باش . آمد در دکان من لابد با هزار ترس و لرز مبادا با چماق دستش نرم کند فوراً یکپول سیاه باو دادم خود بخود گفتم اینهم سرجمع رفته ها ۰۰۰۰ » و اما سرمقاله شماره ۲۶ بدین قسم شروع میگردد : « تاریخ خیالی یا تنبلازرا شرح حال . راستی راستی اعیان خیال کرده اند ما پا برهنه ها از هیچ جای دنیا خبر نداریم ، از تاریخ دنیا بی اطلاعیم یا جغرافیای دنیا را بلد نیستیم یا از جفك گفتن سر رشته نداریم یا حالا که گفتند چیزی در روزنامه از قبیل سیاسی ، دینی یا عیب جویی از ادارات نباید نوشته شود ما دیگر قلم خودمانرا کنار میگذاریم منتهی سیاسی دینی نمینویسیم تاریخ خیالی که نموده مایه روزنامه چنته تمام شدنی نیست ۰۰۰ » شماره ۲۶ نیز بدون تاریخ است و در صفحه چهارم آن اشعاریست که باین شعر ختم میشود : چنته سخن بیو ده کی گفته است جز که در از نیش قلم سفته است ۰ در شماره دوم قیمت اشتراك بدین قرار است : سالیانه بدون فراش سه قران ؛ سایر ولایات هر چه فرستادند ۰ تك نمره پنجاه دینار . شماره ۲۵ سال اول بهمان قطع سابق در چهار صفحه در (مطبعه عالیجناب مشهدی خداداد) بطبع رسیده و در تاریخ چهارشنبه ۲۳ رجب ۱۳۲۹ قمری منتشر شده . در این شماره نام مدیر مسئول (محمود افشار) و محل اداره : طهران . خیابان چراغ برق و قیمت اشتراك سالیانه داخله ۵ قران ، خارجه ۸ قران ، تهران سه قران شش ماهه بترتیب ۵۰ شاهی و ۸۰ شاهی و ۳۰ شاهی و تك نمره طهران يك شاهی ، سایر شهرها دو شاهی معین گردیده است . مندرجات شماره ۲۵ مقاله ایست بعنوان (آدم بی ارز و جماد است) که صفحات اول و دوم و سوم روزنامه را فرا گرفته و نیمی از صفحه چهار تصویر (جعفر قلی اصائلو) است که بر عایا حمله نموده ؛ در زیر این کاریکاتور اشعاریست که بدین قسم شروع میگردد : گویم حکایتی ز سخنهاي معنوی . گر گوش جان گشائی این نکته بشنوی . از دل برون کنی اگر اغراض دنیوی . خوش تر پسندیش ز غزلهای پهلوی . تا چند کرد این مجوزه پتیاره میدوی .

(۴۶۴) چهره نما

دوران انتشار روزنامه چهره نما در مصر بدو دوره قسمت میشود ، دوره اول چهره نما در اسکندریه و دوره دوم که تا کنون هم امتداد دارد در قاهره مصر است و ما ز هريك از این دو دوره جداگانه گفتگو مینمائیم .
روزنامه مصور چهره نما در اسکندریه مصر بمدیری (ع . م .) عبدالحمید

حرف چ بعده الهاء

چهره نما

ایرانی ملقب بمودب السلطان تاسیس و شماره اول آن در ۱۶ صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی (مطبعه شرکت المکارم بالاسکندریه) طبع و در سلخ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲ قمری مطابق ۱۵ ابریل ۱۹۰۴ میلادی منتشر شده است. عنوان مراسلات اسکندریه، اداره چهره نما. نمره ۵۳۳. قیمت آبونه سالیانه: اسکندریه و قطر مصر سه ریال. ممالك دولت علیه ایران چهار تومان. بلاد معروسه عثمانی چهارمجدی انگلند هندوستان ده روپیه قفقازیه ترکستان هشت منات. ارو پاچین بیست فرانک. اعلان سطری دو فرانک در تکرار باداره رجوع شود. قیمت پیشکی است در صورت نخواستن نسخه اول را مرجوع دارند.

در زیر عنوان چهره نما «روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب» و طرز انتشار آن «موقتا ماهی دو بار و بعد هفتگی» معرفی شده است. مقاله افتتاحی روزنامه که در شماره اول پس از فهرست مندرجات آورده شده بدین قرار است: «بسم الله الرحمن الرحیم. ستایش. چگونه با خامه شکسته و زبان بسته توانیم نامه را آرایش ازستایش پروردگار دهم که انواع بدایع مکنونه و اقسام نفایس مغزونه در ضمیر بنی نوع انسان ودایع گذاشته و شرافت دانش و فضیلت بینش که رموز (کنت کنزا مغفیا است) باین جنس آدمی که يك از چند هزار مخلوق است بمقاد لقد کرما بنی آدم و حملنا هم فی البر والبحر و رزقنا هم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیرا ممن خلقنا تفضیلا بخشایش داشته ما را چه قوه و تواناییست که بوصف او قلمی یا رقمی زینم و رعبت بیان و بنات را چون سایر جنبدگان فضای لایتناهی عالم توصیف ازیاوه سرانی بهم شکنیم جلت عظمت و تعالی شانه مکمل قدرتی و معظم خلقتی باسم بشر آفریده و موهبتی از فضل و ازده الوهیت خود باو بخشیده که مقصد انا عرضنا الامانه ۰۰۰۰ (در اینجا يك صفحه ر و ز نامه درباره نعمت خدا و درود بر پیغمبر و خلفای راشدین است. تا میرسد به مقصود از احداث روزنامه که بدین قسم درج است) پس ما را مقصود از احداث و نشر این جریده با احساس مخاطرات شدید و رحمت و خسارت های عذیده بجز در مقام انسانیت و اقتضای بشریت و صلاح اسلامیت و خدمت بدولت و ملت چیزی منظور نیست و حب وطن مقدس و اهالی آن خاک پاک و آن گهر گرانمایه تابناک که وظیفه ما هر نوع فداکاری و جان نثاری در حفظ و حراست و استقرار در استقلالیت اوسع و ادا نمود و ذوق و اشتیاق و التهاب عصبت افزود که جلای وطن گرام گفته و از پی حفظ حقوق وطن و مصالح ملی شبها نخفته و اوراقی آرایش و از بسط مقال و مقصد و خیال شرحی گزارش دهم و در مطرح فوز و فلاح و مورد صلح و صلاح نامی نیک و کلامی بحقیقت نزدیک نهم الهاملکا معبودا بتو پناهانده و از حضرت استقامت جوینده و راه رضایت را پوینده، شاهد حال و گواه بر صدق مقال توئی و اف بطون و کاشف فزون توئی پاداش دهنده خوب و بد و قبول کننده نیک از رد بهر حال و خیال تو دانی و عقاب خطا کارانرا مقتدر و توانائی و جزای مخلصان و پرهیزکاران را تو بخشائی فرعون تبه کار را تو فرق کننده و موسی بلاکش را رحمت بخشنده توئی نمود شقاوت پیشه را جزا دهنده و خلیل سعادت اندیشه را رهاننده توئی مکرمت و احسانت کامل و عقوبت

حرف چ: بده الهاء

چهره نما

وجزابت غافل از لطف عامه ات توفیقی عطا و سعادتى در این نیت بدرقه فرما که خدمتی از صدق و صفا و حقیقت مهر و وفانامیم و در ظل رعیت پروری و عدالت گستری شاهنشاه اسلام پناه محارف خواه اعلی حضرت مظفرالدین شاه باین افتخار ملی سالهای فراوان بیابیم و از عهده خدمتگزاری بابناء وطن مقدس عزیز عاجزانه بقسمی که شاید و باید بدرآیم بار کردگار را داورا تو رموز نیات و خیالات را میدانی و مغرضان را بسم منزل آمال نمیرسانی اللهم حصل مقاصدنا و بسر مطالبنا ۰»

در شماره اول اخطاری درج شده که خلاصه آن این است که چون اعضاء چاپخانه و حروفچین های اسکندریه و مصر همه عرب هستند و فارسی دان یافت نمیشود لذا کار طبع مشکل است و ما روزنامه را موقتا ماهی دو بار قرار دادیم تا بتدریج همه هفته طبع شود و بهمین جهت در نظر داشتیم شماره اول را غره محرم ۱۳۲۲ قمری نشر دهیم ولی موانع آنرا بتأخیر انداخت ۰ شماره دوم در ۱۵ شهر صفر ۱۳۲۲ انتشار یافته و بعینه مانند شماره اول است ۰ سال اول چهره نما با انتشار شماره ۲۴ مورخ غره جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری پایان یافته و شماره اول سال دوم که نمره ۲۵ میباشد در ۱۵ جمادی الاول انتشار یافته است، در سال دوم وضع روزنامه چهره نما از حیث چاپ و قطع صفحات و طرز انتشار و سایر خصوصیات مانند سال اول بوده است ۰ چهره نما تا شماره دو سال دوم مورخ غره جمادی الثانی ۱۳۲۳ قمری در اسکندریه انتشار یافته و باین شماره دوره چهره نما منتشر در اسکندریه خاتمه پیدا میکند و از آن پس یعنی از شماره سوم سال دوم در قاهره منتشر میگردد ۰

مندرجات چهره نما پس از درج فهرست هر شماره و چاپ سر مقاله عبارت از اخبار راجع بایران و اخبار جهان و مقالات مختلف میباشد ۰ فهرست مندرجات شماره اول بدین قرار است : « ستایش - مقصود از احداث روزنامه - سیاسی - سلوك ملوك - مقاله موانع - اسکندریه - اجمل السواربغ ایران - تجارت - تلکرافات - اخطار اعلان اعتذار - اعلان ثانی ۰ » فهرست مندرجات شماره اول سال دوم : « اسکندریه در ایستگاه راه آهن شهر - سبا سگزاری - انزلی - جلفا - چهره نما - قابل توجه وزارت گمرک - مقاله تجارت - موسیو بالونی امریکائی - سرود وطنی - سبب ترقی ژاپون - اصفهان چهره نما - ترجمه از روزنامه المقتطف - بار فروش - مکتوب یکی از ادبای نامی - قند پاریسی - کازرون - باطوم - تلکرافات عمومی - اعلان ۰ چرخ خود نویس ۰ »

با اینکه روزنامه چهره نما را اغاب خوانندگان دیده اند با وجود این برای مزید اطلاع نمونه از اخبار راجع بایران این روزنامه را از شماره دو سال دوم آن نقل می نمایم خبریکه نقل میکنیم تحت عنوان (موكب اعلی حضرت همایونی) نوشته شده است : « از اخبار متواتره جراید اروپ چنین مستفاد میشود که بحمد الله والمنة ابهای معدنی حمامهای (کوتروکسویل) بمزاج ملکوتی امتزاج ذات اقدس اعلی حضرت ظل الهی زباده بر آنچه متصور است مفید واقع شده که موجب تشکرات صمیمانه کافه ایرانیان شاه پرست میباشد در این ۲۱ روز توقف شاهانه اثری از علائم تقاهت باقی نمانده (فحمد الله ثم حمدا له) پس از فراغت از آبهای معدنی بر حسب دعوت مخصوص

حرف چ بعدالهاء

چهره نما

جناب مسیو لوبه رئیس جمهوری فرانسه اعلی حضرت ظل اللهی بخطه پاریس را ر شک فردوس عدن فرموده از جانب دولت فرانسه حکم باردوی پیاده نظام وسواره نظام پنجم هده بود که از ایستگاه راه آهن تا قصر الیزه که از اولین ابنیه عالیه دولت فرانسه است و محل نزول اعلی حضرت ظل اللهی است در دوطرف صف آرائی نمایند و موزیک چیان پارسی بنوای پارسی مترنم کردند سپس اعلی حضرت شهریارى با عرابه مخصوص دولتی تشریف فرما میشوند زمان ورود جناب مسیو لوبه رئیس جمهوری باقرینه خود و سایر وزراء و امراء کشوری و لشگری باستقبال اعلی حضرت شهریارى شتافته و پس از دست دادن و اظهار وداد بقصر تشریف فرما میشوند از جانب رئیس جمهور ضیافت شایانی شده توقف با اعلی حضرت شهریارى در پاریس و اراده ملوکانه بگردش و سیر دنیا و بین دولت فرانسه در حقیقت عالم استقبال ملت و مملکت ایران را یگمالم بشارت است چنانچه تمامی جراید اروپ مکنونات اعلی حضرت ظل اللهی را در این سفر جلوه مخصوصی داده علاوه از آنکه میگویند اراده ملوکانه تملق بخیریداری چند فروند کشتی جنگی و کار خانجات نساجی و توپ و تفنگ ریزی است که بهترین تحفه این سفر مبارک اثر است و مراجعت در ایران اثرات نافع پدید خواهد شد *

تا اینجا آنچه درباره خصوصیات روزنامه چهره نما منتشر در اسکندریه لازم بود باطلاع خوانندگان گرام رساندیم • قبل از آنکه این قسمت را خاتمه دهیم و بند کر خصوصیات چهره نما منتشر در قاهره و علت انتقال اداره روزنامه بآن شهر پردازیم از دو پیش آمد اسف انگیز برای اداره روزنامه بغیر از واقعه حریق مطبعه روزنامه گفتگو نموده و مطلب را تمام میکنیم •

واقعه اول پیش آمد و بای عمومی در ایران است که مصادف با اوبل طلوع چهره نما در اسکندریه گردیده و باداره روزنامه خسارت هنگفتی وارد نموده است موضوع دوم توقیف چهره نما در سرحدات ایران و ممانعت از ورود آن بخاک ایران بدستور عین الدوله بوده و اتفاقا این پیش آمد هم در اواسط همان سال یعنی سال ۱۳۲۲ قمری رخ داده • توقیف چهره نما در سرحدات نیز خسارت هنگفتی باداره روزنامه وارد نمود و بالاخره با وساطت مرحوم رشديه نزد عین الدوله روزنامه آزاد شده است •

مدیر چهره نما در باره این توقیف و رفع آن مینویسد که چون والا حضرت اقدس شاهزاده عین الدوله که صدر اعظم شاهنشاه کبیر (مظفرالدین شاه) بودند از مسلک و مقصد نگارنده چهره نما آگهی یافتند بموجب دستخطی آنرا آزاد ساختند • امادستخطی که چهره نما بدان اشاره کرده وسواد آن را در شماره ۱۴ سال اول روزنامه مورخ ۱۵ رمضان ۱۳۲۲ قمری چاپ کرده بدین قرار است : « جناب فضایل و معاهد نصاب آقا میرزا حسن مدیر مدرسه رشديه زید افضاله - شرحی که در باب روزنامه چهره نما نوشته بودید ملاحظه شد چون جناب عالی را بیغرض و صحیح القول میدانیم در این مسئله مهم تعهد جنابعالی را تصدیق میکنیم • حالا که نوشته اید روزنامه مزبوره از تکالیف خودش خارج نمیشود البته در این صورت ورودش بخاک ایران ضرری ندارد • بدیهی است هر قدر

حرف چ بعده الهاء

چهره نما

وسایل دانش و معرفت منتشر شود ثمراتش برای دولت و ملت بیشتر است پس بر حسب تعهد شما سفارش لازم شد روزنامه چهره نما را از توقیف خارج و در ورود بھاك ایران بدون ممانعت قبول نمایند ۸۰ رجب ۱۳۲۲ • سلطان عبدالمجید ۴۰

و اما در باره حریق مطبعه روزنامه چنانچه بعدا باز در باره آن گفتگو خواهیم کرد بدین قرار بوده که در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۲۳ قمری حریق در مطبعه چهره نما رخ میدهد و تمام حروف مطبعه و اثاثیه آن آتش میگیرد • مدیر روزنامه حکمت منطبعه قاهره مصر خبر این حریق را تحت عنوان (بدبختی معارف پژوهان) در شماره ۸۶۰ سال سیزدهم حکمت مورخ اول شعبان ۱۳۲۳ اینطور نوشته است : « مطبعه که جریده گرامی چهره نما در اسکندریه در آن منطبع میشد ده روز قبل از آه شردپاش مدیر آن جناب حاجی میرزا عبدالحمید آتش گرفته حروف جریده که ملك خاص مدیر آن بود چون دل وطن پرستان بگداخت • جناب مدیر را هم که از چند روز قبل بیمار بود از تاثیر این حریق حروف گداز بر تاب و تب افزوده گشت و بنا براین طبع و نشر جریده تا فراهم کردن حروف و اسباب طبع معوق گردید ۴۰

پیش آمد حریق و نبودن وسایل طبع در اسکندریه سبب نقل اداره روزنامه بقاهره گشت و دوره روزنامه نگاری مدیر چهره نما در آن شهر شروع گردید که تا این تاریخ نیز ادامه دارد • اکنون از چهره نما منطبعه قاهره مصر گفتگو مینمائیم •

(۴۶۴) چهره نما

روزنامه مصور چهره نما در قاهره مصر بمدبری (حاج مرزا عبدالحمید) و پس از فوت نامبرده بمدبری فرزندش مودب زاده ایرانی تاسیس و در سال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است • اولین شماره منتشره در قاهره بقمه یکه قبلا نیز یاد آور شد بم در تاریخ دهم رمضان ۱۳۲۳ قمری مطابق ۷ اکتبر ۱۹۰۵ میلادست • و این شماره مطابق شماره سوم سال دوم و شماره مسلسل ۲۷ روزنامه میباشد • شماره مذکور در ۱۶ صفحه بقطع خشتی و با چاپ سربی طبع شده و بوضع سابق انتشار یافته است • راجع بانقال اداره روزنامه از اسکندریه بقاهره در صفحه اول همین شماره • پس از ذکر فهرست مندوجات چنین نوشته است : « سبب تاخیر چهره نما یا نقل اداره از اسکندریه بمصر • اذا جاء القضاء عمی البصر • قضا چون زگردون فروریخت بر همه عاقلان کور گردند و کور • اگر چه از آغاز این نامه بر ترادف بلیات و تصادف درزبات زیاد دوچار گشتم ولی با از دایره تمکن و استقامت بیرون نهشتم و بابتلاآت گوناگون و حادثات از حد احصای بیرون این مقصد مقدس را پیمودم و اظهار کسالت ننمودم اما این حریق ناگهانی که چون بلای آسمانی غفلتا شعله خانما نسوزانه بر افراخت و اساس مطبعه را یکباره سوخت • که در خانه مور شبمنی طوفان است • از اثر التهاب در تب و تابم انداخت و کالبد مرا بگداخت و بدر اقبال از نهوشتش باریک و چرخ امالم از شراره اش تاریک گردید و ابر امید بر احوال زارزار بگریید لایمنع لعکمه و لامرد لقضائه لیقضی الله امرای کان مفعولا • دوروز حذر

حرف چ بعد الهاء

چهره نما

کردن از مرك روا نیست ✽ روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست • کشان کشان این قضیه غمناک به بستم کشاند و در سرا پایم قوتی باقی نماند پرستارم اندوه و الم و غمخو رم غصه و غم بود (غم غم مونس غم همدم غم •) گفتم اگر لشکر قوت شهرستان تنم را از ترک تازی تیمار پاک نمود و چهره نعمت پرده عافیت گشود ، اوراق هدیا ن نویسم بسوزم و چشم را جابر احدی ندوزم بهتر خوابموشی و گوشه فراموشی و از همه چشم پوشی که در این ایام شوم نعل مراد حنظل استبداد دهد و نخل امید جدول سعید نهد با این سیل بلایا و محن و خیل رزایا و فتن قدر ارباب خدمت مجهول و جانفشانیان در راه دولت و ملت غیر مقبول نسبه هدف و عمر تلف کردن کار عاقل ارجمند و بیشه خردمند نیست • (روم سخرگی پیشه کن و مطربی آموز ✽ تا داد خود از که ترو بهتر بستانی) سرها از صفوف و صفا و سینه ها از محبت و وفا خالی و همه فراش اش باقالی •••• و غرق بحر بیعالی از معارف و وطن عزیز اسمی خوانند و نسبت باهل معارف (سیما ما) آشنائی ندارند الله الله نه در نوع دوستان فضیلتی و نه در یاران هلاک نیکی و مروتی • نه در دشمنان مدارا و فتوتی « منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا • زین هردو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا » که ناگهیم پیک عافیت بشارت داد و قاصد خجسته پی از در در آمد و برای جان خسته دل شکسته ام روحی تازه و التیامی بی اندازه آورد جناب استاد معظم و بزرگ معلم کامل فاضل اعظم میرزا محمد مهدی خان زعیم الدوله مدیر روزنامه حکمت « این شخص همان کسیست که خبر حریق مطبعه چهره نما را با عباراتی دلنشین داد • بود و ما آن را نقل کردیم • مولف « از اندوزهای حکیمانه و فرمایشات روح پرورانه زنك کدر و غبار الم از قلبم ربود و حیاتی از نو بخشود و بتجدید نشر چهره نما ایم تاکید فرمود و بطرف خویشش خواند (نوشته بود بمن کی غریق حب و وطن ✽ چه بر شد است که ناید ز تو دگر آوای • کنون نه گاه کسالت نه وقت خاموشی است ✽ چه بلبل سعری بر وطن تو نغمه سرای •) آنبود برائش از جای چیدم و مجد د به نشر این نامه بیغرض آغازیدم • بر همه عالمیان مشهود است که ترقیات معبر العقول دول و ملل عالم بسته باز دیاد انتشار جراید است و ما را از این مقصد مقدس حق گواه است کسب نفع ذاتی و جلب فایده شخصی نبوده و همه مقصود معتاد گردانیدن ابناء و وطن بخواندن روزنامه است چنانچه از ابتدا انتشار نموده ایم که موقتا ماهی دوبار یعنی بعد زیاد خواهد شد کنون مینویسیم ماهی سه بار لیکن قیمت اشتراك همیشه بیک قرار است که زیاد نخواهد شد اما فرق مصارف و مخارج او از قبیل نقل اداره کردن بمصروف مصارف فوق الطاقه متحمل شدن که شرحش را خدا داناست باشد • امیدواریم که ماهی چهار و پنج بار به نشر چهره نما موفق شویم و قیمت اشتراك همیشه بهمین میزان حالیه بگذاریم تا همه بهره مند و ما توفیقی الا بالله •

این بود مقاله افتتاحی چهره نما منتشره در قاهره مصر • از حیث مندرجات چهره نما در قاهره نیز مانند اسکندریه بوده و مقاله اساسی آن تحت عنوان (سیاسی) نوشته شده و بقیه مطالب آن عبارت از اخبار ایران و خارجه و ترجمه های خبر گزاریهای خارجی

حرف ج بعده الهاء

چهره ها

و اوضاع جهان است • برای آشنا شدن خوانندگان بسبك انشای مقالات اساسی و ز نامه قسمتی از یکی از سرمقاله های آن را نقل مینمائیم : « سیاسی • افق آسمان سیاسی که از تطاؤل و اعتساف جمعی متدنین حرف وحشت و مخربین عالم مد نیت چهره نیلگون ازخون بیگناهان شرق انصی کلگون کرده بود هنوز فراغت از شستن و تسیل نمودن نکرد و غبار خجلت که از تغاطر فرقه انسان نمایان دیو سیرت بر جبهه سیمگونش نشسته تا حال نرفته و تجلیاتی نداده که دو باره علائم انقلابات عظیمه و مخاطرات مخیفه که نتایج حرص جهانگیرانه و فوائد طمع وحشیانه دول اروپاست در شرق ادنی بل تمام دنیا میخواهد بغون هزاران هزار از جنس انسانی بیالاید و صفحه رخساره مینائی خود را چنان حمرائی سازد که اثرش قرنها بماند و سالها تحقیقی رنگ از اثر این عصر تمدن حصر بر ابد آن بغون آغشته و اجساد از حیات عاریت گذشته خیل خیل شرقی و گروه گروه غربی و اروپائی و آسیائی و معدی و عیوی متابد - و از سیر مذابج بی باکانه و مقاتل وحشیانه ابناء بشر کف الخضیب و اردرگاه احکم الحاکمین بنالد و قطع نسل انسانی را از کره خاك و این ظلمتکده خوفناک بخواهد ۰۰۰۰ (شماره ۵ سال دوم مورخ غره شوال ۱۳۲۳ قمری) »

چهره نما در سایه عزم و همت مدیر دانشمند آن مدت سی و دو سال منتشر میشد و پس از فوت مدیر آن بشرحیکه بعدا خواهیم نگاشت ، اداره روزنامه بعده فرزند آن مرحوم مودب زاده ایرانی و اکنار کردید و این فرزند خلف نیز بسیره پدر بزرگوار خود چهره نما را تا این تاریخ بهمان سبك و روش انتشار داده است • دور • چهل و چند ساله روزنامه چهره نما تاریخ جامع و مفصل نزدیک بنیم قرن ایران و جهان است و برای کسیکه دوره این روزنامه را داشته باشد ، از خیلی از مدارك مربوط بتاریخ نیم قرن اخیر بی نیاز خواهد شد • بخصوص چون چهره نما روزنامه مصریست ، عکسهای مختلط از رجال ایرانی و غیر ایرانی و هم چنین از ابنیه مختلف ، در آن جمیع است که بزیبائی روزنامه میافزاید • از مزایای چهره نما یکی این است که در دورانی که به ملت مخالفت محمد علیشاه با آزادیخواهان وضع مطبوعات خیلی ناگوار و احدی جرئت نوشتن حقایق را نداشت ؛ چهره نما آزادانه از آزادیخواهان ستایش مینمود و از مستبدین بد گوئی میکرد و حقایق را بسمع هم میهنان خویش میرسانید • فهرست مندرجات چند شماره از این دوره روزنامه مطلب را آشکار میسازد • فهرست مندرجات شمار • د • سال ششم مورخ اول رمضان ۱۳۲۷ قمری : « تاخیر روزنامه چهره نما با مسافرت نگارنده باروبا - عکس اعلیحضرت سلطان احمد شاه - جهان جهان سیاسگزاری • مواجب عبدالحمید و محمد علی دو سلطان مخلوع - چهره نما اراروپا چه آورده - مصاحبت دو شاهزاده مقیم و مسافر ایرانی - اصفهان - ضامن استقلال ایران و بقای ایرانیان چه کسانی - عکس حضرت آیت الله آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی - و کیل چه صفت باید داشته باشد - عکس حضرت آیت الله آخوند حاج ملا عبدالله مازندرانی - توضیح و تمنا - اسلامبول - حیات اندرونی و سیاسی عبدالحمید سلطان مخلوع عثمانی - پیشه شیر

حرف چ بعد الهاء

چهره نما

اخبارات مختصره اخيره ايران و ايرانيان - مكالمه زار عوض تنگستاني - بازار غرض دشتستاني - عكس هيت علماء نجف و آقاى تقي الاسلام ميرزا محمد رحيم بادكوبه كه بائر يابك دست اتحاد داده اند خلاصه تلگرافات مهمه ايران - طهران ۴۰ تا ۱ پنجشنبه شرح راجع بروزنامه چهره نما خانه پيدا ميكند و ذيلاً بشرح احوال مرحوم چهره نما و فرزندش مودب زاده ميپردازيم :

عبدالمحمد ايراني مدير چهره نما

عبدالمحمد ايراني از مردم اصفهان و در حدود سال ۱۲۵۰ شمسي متولد شده و پدرش بنام علي زاده معروف بوده است . در سن هفت سالگي پدرش وفات نموده و وي در چهره تجارتي برادران خود بعنوان شاگردى بسر ميبرده تا اينكه در اثر بد رفتارى برادران چهره آنان را ترك كرده و نزد تاجر ديگر ميرود و ضمناً در مدارس قديم اصفهان بتحصيل ميپردازد . ميرزا عبدالمحمد خان بد ين نحو تا سن ۱۷ را در اصفهان ميگذرانند در اين سال عازم شيراز شده و از آنجا بپوشهر ميرود و پس از يك سال توقف در پوشهر بهتبات مسافرت و از آنجا باصفهان مراجعت ميكند . در اصفهان تا اهل اختيار نموده و آنگاه بنمايندگي از شركت اسلاميه كه در آن تاريخ براي ترويج صنايع وطني در اصفهان تاسيس شده بود ؛ عازم باد كوبه ميگردد . پس از چند سال توقف در بادكوبه كه ضمناً در اين مدت پاره از شهرهاي روسيه را نيز ديده مينمايد بالاخره در سال ۱۳۲۲ قمرى رهسپار مصر شده ابتدا در اسكندريه و بعد در شهر قاهره بشرحيكه قبلاً نوشتيم اقدام بتاسيس روزنامه چهره نما مينمايد .

مرحوم عبدالمحمد ايراني از اين تاريخ تا هنگام فوت يعنى تا ابان ۱۳۱۴ شمسي در مصر متوقف بوده و مرتباً روزنامه چهره نما را منتشر ساخته . در طول مدت مذكور چند مرتبه بايران و اروپا سفر كرده و شرح مسافرت هاي خود را مشروحاً در صفحات چهره نما نگاشته است . اولين سفر او باروپا در سال ۱۳۱۷ قمرى است كه شرح آنرا در شماره هاي سال ششم چهره نما نوشته و آخرين سفر او بايران در سال ۱۳۰۹ شمسي است كه در تيرماه سال مذكور بطهران وارد شد و پس از چندي باذربايجان و سپس باصفهان و دو باره بمصر معاودت نمود . پس از مسافرت اخير بقيه عمر را در قاهره بسر ميبرد و پس از يك كسالت قلبي و فشار خون كه تقريباً بيست ماه دوام داشت در شب سه شنبه پنجم آبانماه ۱۳۱۴ شمسي جهان خاك را بدرود گفت و بآرامگاه ابدى رخت بربست . جنازه آن مرحوم با كمال احترام روز چهار شنبه ششم آبانماه برداشته شد و بپاس خدمات وي وزير مختار دولت ايران ، آقاى احمد راد وساير ايرانيان مقيم مصر رسم مشايت بعمل آوردند .

چهره نما در زمره كسانيت كه مانند مدير جيل المتين در خارج ايران خدمات گرانبهائي بآزادي و مشروطيت ايران نموده و هميشه با نوشته هاي خود در تحريك ايرانيان بمطالبه آزادي گامهاي بلندي در اينراه بر داشته است .
مرحوم چهره نما با همه محروم و مېتهائي كه در دوران روزنامه نگاري داشته و

حرفچ بعده انهاء

چهره نما

يكبار هم مطبعه كه تنها سرمايه او بشمار ميرفته سوخته است ؛ مع ذلك بملت ايمان و پشتكاري كه در او وجود داشته از روزنامه نگاري و خدمت بپيهن دست برنداشته است



در يكي از شماره هاي چهره نما ؛ از وضع پريش خود مختصر كله نموده و پس از خطبه كه بمناسبت آغاز سال روز نامه آورده مینویسد : « پس از سپاس و ستايش پنهان نيست كه سال نهم روزنامه چهره نما گذشت و از اين شماره سال دهم آغاز خواهد شد . با آنكه سال رفته بسا زبانها ديده و بي اندازه رنجهاي تني بسوه (سبب) نبودن يار و ياورى كشيده با همه اينها دست از خامه گرفتن و نامه پرداختن و با بيازان فرستادن نكشيدم و از پاك بزدان بي انباز نيازمنديم كه تا واپسين دم ما را موفق فرمايد . » (شماره اول سال دهم مورخ غره ربيع الاول ۱۳۳۱) مرحوم چهره نما بملت علاقه وافري كه بوطن خود ايران داشته نام فاميلي خود را هم كچه ايراني انتخاب نموده و از اين راه اسم ميهن را پهلوي اسم خريش قرار داده است .

مرحوم چهره نما

مرحوم عبدالمحمد خان از نويسندگان پر كار و باشور و علاقه ايست كه از كار نويسندگي هرگز خسته نشده است . نام برده علاوه بر انتشار ۳۲ سال مرتب روزنامه چهره نما كه هر سال آن كتاب مفصل و مستقل است ؛ تاليفات ديگري نيز دارد كه اهم آن ها عبارت است از ۱ كتاب خط و خطاطان در شرح انواع خط و خطاطان معروف . اين كتاب در ۲۶۴ صفحه بقطع وزيري و با كاغذ خوب و چاپ مرغوب بطبع رسيده است . ۲- كتاب زرتشت باستاني ۳ تاريخ مفصل افغان . دو كتاب اخبر نيز چاپ شده و قابل استفاده فضلا و دانشمندان است . در سال ۱۳۳۲ قمری رساله كوچكي در ۱۶ صفحه بنام احقاق الحق در بيمني چاپ شده . نويسنده اين رساله در رساله خود برد اعتراضاتي كه (محمد رحيم يادكوبه) مدير چهره نما وارد ساخته ، پرداخته است . اين محمدرحيم يادكوبه زماني كه در بيمني بوده در رساله بنام (اخوت) بدگوئيهايي از چهره نما نموده و صاحب رساله احقاق الحق بردان اعتراضات قيام کرده و من جمله مینویسد : « مدير چهره نما اول کسی است كه در بهجوجه استبداد كه ايرانيان در شكنجه و عذاب ملوك پيرحم قاجار گرفتار بودند شغل تجارت و كسب حلال خود را براي خدمت بعالم اسلام و ايران از كف بداد و هرچه داشت در اين راه صرف كرد در اين مدت مديد (سي سال) چه زحماتي را متحمل شد ۴۰۰۰ بشير از فرزند آن مرحوم كه در قاهره بانتشار روزنامه مشغول است ساير بستگان و خويشان او هم در اصفهان و بشفل بازرگاني مشغولند .

گفتيم پس از مرگ مدير چهره نما فرزندش (م . مودب زاده) بادامه انتشار

حرف چ: هده الهاء

چهره نما

روز نامه بهمان نام چهره نما اقدام نمود و تاکنون نیز این روزنامه منتشر میگردد .
آقای منوچهر مودب زاده پس از فوت پدر همان وظایف سنگین پدر را بهعهده گرفت
و با ادامه نشر روزنامه بمیدان کارزار وارد شد . نامبرده علاوه بر کار روزنامه برای
داره امور شخصی در دانشگاه امریکائی قاهره بتدریس ریاضیات مشغول است .

حرف الحاء

(۲۱۵) حافظ استقلال

روز نامه حافظ استقلال در شهر شیراز بمدیری (دکتر ابوالحسن خان) تاسیس
و در اوایل سال ۱۳۳۴ قمری منتشر شده است . این روزنامه بوسیله کمیته (حافظ
استقلال) طبع و نشر شده و چون بشرحیکه ذیلا خواهیم نگاشت کمیته مذکور بیش از
دو سه ماه کزوفری نداشته بنابراین روزنامه حافظ استقلال نیز بیش از چند شماره نشر
نشده است .

کمیته حافظ استقلال - پس از عزل مخبر السلطنه از حکومت فارس و تعیین شاه
زاده نصرت السلطنه بفرمانفرمائی آنخطه ؛ قبل از آنکه نامبرده بمحل حکومت خود
برسد ، در روز دوم محرم ۱۳۳۴ قمری چند نفر صاحب منصب ژاندارمری در شیراز
سیمهای تلگراف را قطع کرده و بانك و ذخایر دولتی را تصرف نموده و عده ایرادستگیر
کردند . منظور عده آنها که بنا بر معروف بتحریر قونسول آلمان در فارس بوده
خدیت و مخالفت باقوام الملك بوده است . محرکین برای بیش بردن مقصود کمیته بنام
کمیته حافظ استقلال تشکیل داده که خود را وابسته بکمیته دموکرات میدانستند . بانشر روز
نامه حافظ استقلال و بیانیه ها و اعلانات هر روز حملاتی بقوام الملك نموده و نسبت بوی
هرزه درائی مینوشتند . طرفین در شیراز سنگر بندی نموده و از روز دوازدهم صفر
بنای جنگ را گذاشتند . عاقبت توپخانه دولتی بدست ژاندارمها افتاد و با اینکه جمعی
خواستند بین قوام و قونسول آلمان را صلح دهند موفق نشدند و قوام الملك ناچار بفرار
از شیراز و رهپار شدن ببوشهر گردید . پس از خارج شدن او تمام خانه های وی
و سنگانش مورد نهب و غارت قرار گرفت و آنچه اشیاء نفیسه داشت بغارت رفت کمیته
حافظ استقلال پس از رفتن قوام بجمع کردن اعانه پرداخت و بعنوانین مختلف از مردم
پول میگرفت و این وضع ادامه داشت تا بالاخره قوام الملك از بوشهر اوضاع را بدولت
مرکزی اطلاع داد و از طرف دولت بهمراهی سردار عشایر ابلغانی مامور سرکوبی
روسای ژاندارم و اعضاء کمیته حافظ استقلال گردید . و چون افراد ژاندارم بگریز
شدن خود یقین کردند جمعی فرار و عده خود را با تیر بقتل رساندند . پس از گرفتار
شدن روسای ژاندارم صریحا اعتراف نمودند که از اعضای کمیته حافظ استقلال بوده و
رئیس سوئی آنها فرمان جنگ را امضا کرده است . بهر حال عموما محکوم میشوند .
در همین اثنا قوام الملك نیز در شکار دست اسبش بسوراخی فرو میرود و پس از چند روز
رحلت مینماید و از طرفه نواتان قوام الملكی بفرزندش میرزا ابراهیم خان اعطا میگردد

حرف الحاء

حافظ استقلال؛ حافظ ایران

از کارهای اعضای کمیته یکی این بوده که به صورت‌هایشان ماسک می‌کنداشتند و اهالی شیراز را احضار نموده و روی کاغذ مینوشتند که تو -قصری باید تیرباران شوی، بیچاره اهالی بکریه و زاری در آمده و خود را بمبلغ گزافی خریداری میکردند. (کتاب دبستان الفرصه چاپ بهمنی ص ۵۴۸) در کتاب فارس و جنگ بین الملل بکلی نوشته‌های مرحوم فرصت را تکذیب نموده و آنها را خالی از حقیقت میداند. چون گفتگوی در این قسمت از موضوع کتاب مآخارج است خوانندگان برای اطلاع از آن میتوانند باصل کتاب (ص ۳۷۷) رجوع فرمایند.

(۴۶۶) حافظ ایران

روزنامه حافظ ایران در سال ۱۳۰۷ شمسی در مشهد بطور روزانه تاسیس و منتشر شده است.

(۴۶۷) جبل‌المتین

یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و مفید زبان فارسی که نزد يك چهل سال در خارج ایران منتشر میشده روزنامه معروف و مشهور جبل‌المتین است. شهرت این روزنامه و خدماتی که مدیر آن بوسیله نشر این نامه سودمند با آزادی ایرانیان نمود. ما را بی نیاز از شرح و بسط زیاد در باره آن مینماید همین قدر یاد آور میشویم که با انتشار جبل‌المتین مرحوم مویده‌الاسلام بزرگترین خدمت را بپیرقراری اساس مشروطیت و آزادی ایران نموده است. جبل‌المتین چون در خارج ایران منتشر میشد آزادانه میتوانست بحال جور و ستم و درباریان ایران حمله نماید و معاصد و محبوب را بی پروا شرح دهد. روزنامه جبل‌المتین بشرحیکه بعداً در جاییکه از شرح احوال مرحوم مویده‌الاسلام گفتگو میکنیم ذکر خواهیم کرد بهمین منظور یعنی برای بیدار کردن ایرانیان تاسیس شده. پس از ملاقاتی که بین مدیر جبل‌المتین و مرحوم سید جمال اسد آبادی در بندر عباس رخداد و سید از راه شیراز باصفهان آمد و مرحوم مویده بعائنات و از آنجا به هندوستان رهسپار شد بفرمان بیدار نمودن ایرانیان از طریق روزنامه نگاری افتاد و لذا در سال ۱۳۱۱ قمری که سید جمال‌الدین در انگلستان و پرنس ملکم خان وزیر مختار ایران در لندن و مویده‌الاسلام در هندوستان بود، در نتیجه مکاتبات متوالی بین این سه نفر چنین معتقد شدند که ایرانیان احتیاج شدیدی بانقلاب فکری دارند و این انقلاب جز از راه جرأید آزاد طریق دیگری ندارد و تنها جرابندند که میتوانند زمینه انقلاب فکری را آماده و مهیا سازند. این هم آهنگی بین سه نفر آزادیخواه باعث انتشار روزنامه قانون، بمدری ملکم خان در لندن و جبل‌المتین بمدری مویده‌الاسلام در کلکته گردید.

طلوع جبل‌المتین - روزنامه جبل‌المتین بمدری سید جلال‌الدین الحسینی ملقب بمویده‌الاسلام در شهر کلکته بزبان فارسی تاسیس و شماره اول آن در تاریخ دهم جمادی الثانی ۱۳۱۱ قمری چاپ و توزیع گردیده است. جبل‌المتین ممولاً در ۲۴ صفحه بقطع

حرف ح بعده الباء

حبل المتین

وزیری بزرگ، با چاپ سریبی در (مطبوعه حبل المتین) طبع و هفته یکبار روزهای دو شنبه چاپ و سه شنبه توزیع میشده است. خصوصیات روزنامه در هر شماره در عنوان آن چاپ شده، اسم روزنامه بخط نسخ درشت و بالای آن (نامه مقدسه) و در زیر سال تاسیس (سنه ۱۳۱۱) و در یک طرف قیمت اشتراك و در طرف دیگر سایر خصوصیات از قبیل (کلیه امور اداره با مدیر کل مویدالاسلام است) و «مد یکل کالج استریت نمبر ۴» و غیره است. قیمت اشتراك: سالانه: هندی و برمه ۱۲ روپیه. شش ماهه ۷ روپیه. ایران و افغانستان ۴۰ قران، ۲۵ قران؛ عثمانی و مصر ۵ مجیدی، سه مجیدی اروپا و چین ۳۰ فرانك؛ ۱۶ فرانك. روس و تركستان ۱۰ منات؛ ۶ منات. مندرجات حبل المتین پس از درج مقاله اساسی عبارت از وقایع و حوادث ایران بتفصیل و کشورهای مصر و عراق و عثمانی و غیره و ترجمه تلگرافات خارجی و مقالات مختلف میباشد. حبل المتین چون در ممالك ایران، هندوستان، مصر، روسیه نماینده داشته لذا اخبار این کشورها را به تفصیل چاپ میکرده بخصوص نسبت بایران که از اغلب شهرهای مهم برای اداره روزنامه اخبار و مقاله میفرستاده اند. همین جامعیت و تفصیل اخبار روزنامه بوده که باعث گردیده حبل المتین در ایران رواج و نفوذ زیادی پیدا کند و در میان عموم طبقات خواننده داشته باشد. موضوع دیگری که بشرف فوق العاده روزنامه کمک میکرده مجانی بودن روزنامه بوده که مدت ده سال متوالی هر هفته پنج هزار نسخه از آن مجانی بین روحانیون نجف و علمای ایران و سایر روشنفکران توزیع میگردد به قسمیکه در اوایل مشروطیت هر نوبت سی و پنج هزار نمره از آن طبع و منتشر میگشته است.

و باز بعلت همین نفوذ زیاد و بی پروائی در نوشتن بوده که ناگهان انا بك را متوجه خطر عظیم روزنامه نمود و برای بار اول مدت چهار سال و دو روزنامه و با ایران غدغن کرد. بعضی علت جلوگیری انا بك از روزنامه را مقالات تند این روزنامه بر علیه روسها در قضیه وام از آن کشور دانسته اند. کسروی در بخش اول تاریخ مشروطیت ایران شرحی در باره روزنامه حبل المتین نوشته که بی مناسبت نیست قسمتی از آنرا عینا نقل نمایم. نامبرده در کتاب مذکور تحت عنوان (حبل المتین کلکته) اینطور مینویسد: «این نامه هفتگی از همه روزنامه های آن زمان بزرگتر و بنام ترمی بود. در هندوستان چاپ شده و آزادی برای سخن راندن میداشت (با همه این آزادی چنانچه بعدا خواهیم نگاشت چند بار از طرف دولت هندوستان توقیف شد. مولف) یکی از چیزهایی که مایه رواج آن گردید این بود که حاجی زین العابدین قیوف پول بسیاری فرستاد که روزنامه بعلمای نجف و دیگر جاها بی پول فرستاده شود. از اینجا پیوستگی میان روزنامه و علما پدید آمد و هادروان شیخ حسن مقانی که این زمان با فاضل شریانی، دو تن مرجع تقلید میبودند، بستایش حبل المتین برخاست و مردم را بخواندن آن برانگیخت. این روزنامه گفتارها در باره گرفتاریهای سیاسی ایران مینوشت و دل-وزیها و راهنماییهای بسیار میکرد در پیش آمد و ام از روس گفتارهای تندی بچاپ رسانید. (همین انگیزه چهار سال از آمدن آن بایران جلوگیری شده) و بارها پیشنهاد قانون و حکومت مشروطه با مشروعه نمود و مردم دلبستگی بسیار باین روزنامه

حرف ج بعده الباء

حبل المتین

پیدا کردند و نویسنده آن سید جلال الدین کاشانی « موبدالاسلام » بنیکی شناخته می بود وای راستی از سود جویان بوده و هر کجا سودی برای خود می داشته کوشش بنیکی توده و کشور را فراوش می کرده . پس از این قسمت کسرو - موادی را ذکر می کند که مدیر حبل المتین از « نوزد وزیر گمرکات » و « مظفرالدین شاه و محمد علی میرزا تعریف کرده . در پایان مینویسد حبل المتین جز از امین السلطان که زبان بحبل المتین زده بود از دیگران هر کسی وزیر شده چه پیش از مشروطه و چه در زمان استبداد صغیر و چه در زمان التمام روس و مسته بودن دارالشوری ، اورا ستوده و چاپلوسیها گفته . ما با این قسمت از گفتار مرحوم کسروی درباره مدیر حبل المتین موافق نیستیم و مرحوم موبدالاسلام را مردی وطن دوست و خدمت گزار بیمه و آزاد بخواه می شناسیم و اگر از کسانی هم بگفته کسروی در روزنامه تعریف کرده باشد مصلحت وقت بوده و یا بطلت کارهای نهکی بوده که از آنها سر زده است . چه اگر مدیر حبل المتین مردی سود پرست و بقول کسروی از سود جویان بود باید پس سی و اند سال نامه نگاری لااقل ثروتی بدست آورده باشد در صورتیکه پس از فوت آن مرحوم غیر از « طلبه که روزنامه و آن چاپ مهشده ، چیز دیگری از وی باقی نمانده است . خدا رحمت کند مرحوم کسروی را ؛ نگارنده در طول مدت سه سال که نزد وی تاریخ ایران تلمذ می کردم هرگز تشنیدم که کسی را ستایش و تعریف نماید بلکه همیشه سعی داشت نقاط ضعف مردان بزرگ را بیان نماید . منجمله روزی در اثنای درس سخن از خواجه نصیرالدین طوسی بیان آمد و طبق معمول کسروی از این دانشمند بزرگ بدگویی آغاز کرد و ویرایشیک در اعمال زشت هلاکو عمرد و مدعی بود که وی بانفوذی که در دربار خان مغول داشت میتوانست از قتل عام بغداد جلوگیری نماید .

• مرحوم کسروی در بین تمام سلاطین و امرا و فرماندهان و فضلا و دانشمندان فقط نادر شاه افشار را می ستود و گاه و بیگاه از تعریف او خودداری نمی کرد . گفته های این مورخ درباره همخیم و سندی و حافظ محتاج بنقل نیست و خوانندگان کم و بیش آنها را شنیده اند . قدری از مطلب دور شدیم ولی ذکر این قسمت لازم بود زیرا برای رفع اشتباه خوانندگان که مبدا تصور فرمایند نگارنده با گفتار مرحوم کسروی در باره مدیر حبل المتین موافقت دارم ، توضیح موضوع بالا لازم و حتمی بود . برگردیم باصل مطلب : کسروی در همین بخش از تاریخ مشروطه ایران درباره علت جلوگیری اتابك هوزمان مظفرالدین شاه از ورود روزنامه های فارسی بایران شرح نوشته که نقل آن برای روشن شدن این قسمت از تاریخچه روزنامه حبل المتین بی مناسبت نیست . وی بنقل از تاریخ پیداری چنین مینویسد : « شیخ یحیی کاشانی گفتاری درباره نادرستیهای انجمن معارف و بد خواهیهای اتابك نوشته (انجمن معارف و اتابك كمك خرج ده تان و رشديه را که شیخ یحیی آموزگار آن بوده موقوف کرده بودند . مولف) و برای چاپ شدن پروژنامه حبل المتین فرستاد و چون آن چاپ شد و بایران آمد ، انجمن سری که برای بر انداختن اتابك تشکیل شده بود شیخ یحیی را خواست و بازه قالاتی نوشت و بحبل المتین

حرف بعدہ الباء

حبل المتین

فرستاد و کم کم روزنامه ثریا نیز بزبان آمد و اوهم مطالبی نوشت . در نتیجه اینها اتابک از آمدن روزنامه های فارسی بایران جلو گرفت . ۴۰ ص ۲۴ جلد اول تاریخ مشروطه ایران .

اما اعضای انجمن سری و شیخ بھی که خود عضو انجمن سری بودند دیگر نه نشستند و نامبرده با اتفاق سید حسن کاشانی و چند نفر دیگر (از شیخ بھی کاشانی بتفصیل در جلد اول کتاب گفتگو نموده و عکس نامبرده را چاپ کرده ایم . از سید حسن کاشانی نیز در صفحات بعد همین کتاب گفتگو خواهیم کرد .) شبنامه نوشته و در اطلاق مظفر الدین شاه می گذاشتند . در یکی از شبنامه ها که در آن از قرضه ایران از روس بد گوئی شده و اشعار زیر را فخر الواعظین کاشانی در ذم اتابک سروده و در آن نوشته شده بود ؛ وقتی موقر السلطنه ، در نیاوران ، خواست روی میز شاه بگذارد ، شاه ملتفت شد و موقر السلطنه را گرفته بچوب بستند تا اینکه اعضای انجمن سری ونویسند . شب نامه ها را اظهار داشت . چند شعر از اشعار فخر الواعظین بدین قرار است :

ارمنی زاده میازا ر مسلمانان را	بکف کفر مده سلطنت ایمان را
عاقبت خانه ظلم تو کند شاه خراب	پس چه حاجت که با فلاک کشی ایوانرا
داس غیرت چه شود در کف ملت ظاهر	پاک از لوث وجود تو کند بستانرا

شیخ بھیی کاشانی نویسنده شبنامه ها را دست بسته باسبی نشاندند و بسار دلیل فرستادند . سید حسن کاشانی را بیاس برادرش و بیانیگیری عین الدوله که حکمران تهران بود بده او مبارک آباد روانه گردانیدند . حاج میرزا حسن رهنده بخانه شیخ هادی نجم آبادی پناه برد و از گزند آسوده ماند و اگر نرهدلی مظفر الدین شاه نبود کمتر یکی از اینان زنده میماند . این واقعه در جمادی الاول ۱۳۱۹ قمری بوده است (صفحات ۳۵ و ۳۶ بخش اول تاریخ مشروطه ایران بطور اختصار)

ذکر سرگذشت شیخ بھیی کاشانی و سید حسن کاشانی و حاج میرزا حسن رهنده بدان مناسبت بود که این هر سه نفر بعد از روزنامه منتشر نموده اند .

روزنامه حبل المتین بدستور اتابک مدت چهار سال از ورود بخاک ایران ممنوع گردید . در کتابخانه مدرسه صرمیه اصفهان دو جلد روزنامه حبل المتین موجود است که هر دو را اکبر میرزا مسعود (صارم الدوله) پسر ظل السلطان در ضمن کتاب های دیگر واقف بر دبیرستان نموده . در پشت جلد اول نوشته : « روزنامه حبل المتین دو شنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۸ الی دو شنبه ۴ ذیعبه ۱۳۱۸ از نمره ۱ الی نمره ۲۴ از وقتی که توقیف شده و بایران نیامده » در پشت جلد دوم نوشته : « روزنامه حبل المتین از دو شنبه ۱۱ ذیعبه ۱۳۱۸ الی دو شنبه ۹ جمادی الثانی ۱۳۱۹ . از نمره ۲۵ الی نمره ۴۸ تمه زمان توقیف است که بایران نیامده تا زمانی که مجددا مازون و آزاد گردیده » این دو مجلد متعلق بسال هشتم روزنامه میباشد و نمره اول آن که نمره اول سال هشتم است در تاریخ دو شنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۸ قمری طبع و در ۲۴ صفحه به نفع معمول روزنامه منتشر شده است . مقاله افتتاحی این سال ، بر از ذکر فهرست

حرف بده الباء

حبل المتین

مندرجات بدین قسم شروع میگردد: «شکر و توفیق - ای شکر تو شکر دهانم» شکر تو کی توانم • اگر چه در سه ماضیه یعنی از آغاز هفتمین سال حبل المتین که دهم جمادی الثانیه سنه ۱۳۱۷ تا انجام آن که نهم جمادی الاخری سنه ۱۳۱۸ است این اداره اسلامی و خادم حقیقی وطن دزب و خیرخواه ملت و دولت اسلامی خدنگ هزاران گونه صدمات و لطومات خارجی و محیط نزول صدها قسم بلیات داخلی واقع بوده • در همین نمره مقاله مفصلی تحت عنوان (تبریک عید مولود مسعود علیه حضرت اقدس شاهنشاه خلد الله ملکه) نوشته است •

پس از توقیف مذکور؛ یکمرتبه هم حبل المتین برای مدت هشت سال از طرف دولت هندوستان از انتشار آن جلوگیری شد • آغاز این توقیف ظاهراً سال ۱۲۹۵ شمسی بوده و در اوایل سال ۱۳۰۳ شمسی از توقیف خارج و مجدداً منتشر گردیده است در روزنامه ایران مورخ اول اسد ۱۳۰۳ شمسی راجع بانشار مجدد حبل المتین تحت عنوان «بشارت» اینطور مینویسد: «روزنامه کهن سال حبل المتین کلکته که قدیم ترین جراید پارسی و خدمات بی پایانش بملت و مملکت و مشروطیت ایران اظهر من الشمس است بعد از هفت هشت سال تعطیل اجباری اینک شروع بطبع و نشر شده و اولین شماره سال سی و دوم آن باداره ما رسیده و حاوی بهترین مقالات و اخبار است» از آن پس تا هنگام فوت موبد الاسلام یعنی تا آخر ۱۳۰۹ حبل المتین منتشر میگردد و در سنوات اخیر بعلت

ضعف باصره که برای آن مرحوم پیش آمده بود؛ امور اداره روزنامه بمده دختر دوم او فرخ سلطان میبود و چند سال اسم نامبرده در عنوان روزنامه بسمت دبیر ثانی قید گردیده است • قبل از آن که بشرح احوال مرحوم موبد الاسلام بپردازیم قسمتی از قصیده ایرا که مرحوم وحید دستگردی در ستایش حبل المتین سروده نقل مینمائیم • تمام این قصیده در شماره های ۵ و ۶ ارمان مورخ مرداد و شهریور ۱۳۰۸ چاپ شده و قبل از شروع بآن چند سطر مقدمه آنرا نیز نقل مینمائیم اینک مقدمه و قسمتی از قصیده:

«خدمت چهل ساله مدیر نامه مقدس حبل المتین کلکته سید جلال الدین کاشانی (موبد الاسلام) سیاست و سعادت و استقلال مملکت ایران برهیچکس پوشیده نیست و تا قیامت در نظر ایرانیان فراموش نخواهد شد •

بعد از جنگ عمومی هنگامیکه این نامه مقدس بجرم دوستی ایران از طرف دشمن دچار تعطیل



مرحوم موبد الاسلام

حرف بعد الباء

حبل المتین

و توقیف بود نگارنده ارمغان بنام قهر شناسی و یاس خدمات ملی قصیده راجع بخدمات و زحمات مدیر نامه مقدس انشاء و با بست ارمغان خدمت آنمدیر مرحوم داشته .

✽ قصیده ✽

زهی دبیر هنر پرور خرد فرجام	امیر ملک سیاست خدیو مصر کلام
مدیر نامه جبل المتین کسکسته	جلال مملکت جم مویس الاسلام
حکایت قلم حق نویس و نامه او	بشرح نایب اشجار اگر شوند اعلام
تمام گشته بدو نشر پارسی امروز	چو شعر تازی بر بو فراس و بو تمام
سروش عرش مساوات پیک آزادی	رسول شرح مواسات امام پاک همام
کره گشای سیاست بناخن تدبیر	مسئل بند حوادث بیازوی اقدام
.....	

✽ نامه جبل المتین ✽

در آنزمان که نبود از جریده نام و نشان	شیم این گل نشینده بود هیچ مشام
ز نامه نامی اگر بر زبان کس رفتن	چو خامه گردن دادی بتیغ خون آشام
دمید نفخه صور و همه عظام رمیم	شدند زنده و گشتند سروران عظام
نبود نامه جبل المتین اگر در هند	نه از جریده در ایران نشانه بودونه نام
بلی نبود بزاولستان اگر رستم	نه کیو بودونه گودرز بودونه رهام
.....	
اگر دوروزی توقیف کرد نامه تو	یکام سرور و طرفان کسی نیست لکام
دوباره صیقلی آید برون بکشتن خصم	دو روزی از بغلافت دوسترا صدمام
بگو عدوی ز جبل المتین بدارد دست	که مرچه نقض کنی بیشتر شود ابرام
ترا سپاس و سلام ارمغانی از ره دور	درین چکامه کند و السلام خیر ختام

شرح احوال مؤید الاسلام — جامع ترین و مفیدترین شرح حالی که از مرحوم موبد الاسلام نوشته شده شرح است که آقای ایرانپرست فرزند آقای داعی الاسلام در شماره های ۵ و ۶ سال دهم مجله ارمغان طبع کرده . آقای ایرانپرست چون در هندوستان یزندگان موبد کاملاً آشنا و بلکه معاشر بوده لذا شرح مذکور را از روی کمال دقت و صحت ضبط کرده است . لازم است یاد آور شویم که نامبرده نیز قسمت عمده این شرح حال را از روی یادداشت های فرخ سلطان موبد زاده دختر موبد الاسلام جمع و تدوین کرده است . اینک شرح حال : **دجلال الدین العسینی** مویس الاسلام در شنبه ۱۳ رجب ۱۲۸۰ هجری در کاشان محله کلهر از بطن خانم سلطان دختر آقامیرمحمد حلی شیخ الاسلام بدنیا آمد . پدر او مرحوم سید محمد رضا مجتهد کاشانی است . خاندان وی پدر بر پدر اهل علم و اجتهاد بوده اند . برا در کوچک آقای موبد میر سید حسن کاشانی مدیر روزنامه بومیه جبل المتین در تهران و در مشروطیت ایران خدمات مهمی کرده است . برادر بزرگ آقای موبد حاجی سید محمد علی معروف بآقا بزرگ بوده است . خواهر او فرخ سلطان که قبل از عروسی فوت کرده است و

حرف بعده الباء

حبل المتین

ملك خانم که در حیات میباشد • همشیره زاده او آ میرزا خلیل الله اکنون مجتهد معصم کاشان است •

آقای موبد تحصیلات ابتدائی یعنی فارسی و مقدمات عربی را در کاشان نمود • پس از فوت پدر با برادر بزرگ خود برای تکمیل تحصیلات باصفهان رفت • بدوا در مدرسه حکیم خدمت حجة الاسلام مرحوم عبدالعالی بتعالیم سطوح پرداخت سپس در مدرسه صدر در درس آخوند ملا محمد کاشی و آیه الله شریعت حاضر شد پس از پنج سال توقف در اصفهان بکاشان بازگشت و از آنجا بتهران و خراسان مسافرت کرد • از خراسان بعراق عرب رفت و در سامره خدمت آیت الله حاجی میرزا محمد حسن شیرازی بدروس خارج پرداخت • در سال ۱۳۰۵ با اجازه مرحوم میرزا بیندو عباس رفت مدت چهل و پنج روز توقف خود در بندر عباس با سید جمال الدین اسد آبادی بوده سید جمال الدین از بندر عباس روانه شیراز و اصفهان و تهران گردید؛ آقای موبد بهمانات رفت آن ایام حکومت عمانات با سید ترکی پسر سید سید بود از ملاحظه وضع عمانات متأثر شد • مکتوبی بمیرزا علی اصغر خان امین السلطان که آن اوقات در دربار ناصرالدین شاه شخص اول بود فرستاد و توضیح داد که هنوز امام مسقط کامل تحت نفوذ انگلستان نیامده است اگر دولت ایران اندک توجهی نماید ممکن است آب رفته بجوی باز آید اما به پیشنهاد وی ترتیب اثری داده نشده پس از یکسال و نیم توقف از عمانات و سیاحت کامل آن نقاط آقای موبد بجانب هندوستان حرکت کرد و در سال ۱۳۰۸ قمری وارد بمبئی شد • علت آمدن بهند بیماری بود که بواسطه هوای صفتات جنوب عارض او شد و چون در بمبئی صحت کامل یافت بطرف مشرق هند حرکت کرده و پس از سیاحت مدرس رنگون سنگاپور، پنانگ وارد کلکته گردید • از کلکته برای دیدن شهرهای معروف شمالی هند بازگشت و برای تحصیل معاش شروع بتجارت کرد •

طلوع حبل المتین - آن اوقات یعنی سال ۱۳۱۱ سید جمال الدین اسد آبادی در انگلستان و پرنس ملکم خان وزیر مختار دولت علیه در لندن بوده در نتیجه مکاتبات متوالی بین سید جمال الدین و پرنس ملکم و آقای موبد چنین رای قائم شده بود که انقلاب فکری که ایران احتیاج هدید بآن داشت فقط بایستی در سایه جراید تولید شود بدین طریق که جراید مسلک واحد را پیوسته تعقیب و افکار ایرانیان را مهیای انقلاب نمایند - روزنامه قانون از لندن منتشر شد و حبل المتین در کلکته بتاریخ دهم جمادی الثانی ۱۳۱۱ هجری چاپ و توزیع شد • حبل المتین در برقرار کردن مشروطیت و تنویر افکار ایرانیان و برانداختن خاندان قاجار عضو مهم است - برای آشنا شدن علماء و روحانیون تاده سال متوالی هر هفته پنجهزار نمره حبل المتین مجاناً در میان روحانیان منتشر میشد • حبل المتین در ایران هند عراق مصر و ترکیه و روسیه نماینده داشته است و در اوائل مشروطیت هر هفته قریب سی و پنج هزار نمره چاپ میشد با وجود همه این ها شماره اداره حبل المتین زیر بار قرض بوده است •

زیرا که منظور مدیر آن خدمت بوطن بوده است نه جلب فایده مادی و اینک

حرف بعدہ الباء

حبل المتین

نیز کہ انتشار آن منحصر به دو سه هزار نمره می باشد وضعیت اقتصادی آن خوب نیست و مدیر آن با وجود پیری دارای افکار اولیه و جوش ایران پرستی است و تمام امور روزنامه را شخصا اداره مینماید . حبل المتین در این سی و هفت سال انتشار چهل و سه بار توقیف شده است بطور ناآمن و کامل توقیف کامل ممنوع شدن آن از طرف حکومت هند بوده و از ورود بایران و عراق و افغان و ترکیه چندین بار ممنوع گردیده است . ده نوبت حکومت هند آقای موبد را که عازم حرکت از هندوستان بوده است مجبور ساختا است چند بار حکم تبعید وی از طرف حکومت هند صادر شده است و از این طریق خسارت بزرگ با و وارد گردیده است . آقای موبد در این مدت تنها به انتشار نامه حبل المتین اکتفا ننموده است در سال ۱۳۱۵ مجله هفتگی مفتاح الظفر را که علمی و دارای چند مقاله سیاسی نیز بود منتشر کرد . در سال ۱۳۱۶ (آزاد) را چاپ کرد که يك مجله هفتگی سیاسی بود و تا مدتی منتشر میشد در همان سال روزنامه یومیه (کلکته) را بزبان اردو منتشر کرد برای این که مسلمانان هند را با خیالات خود آشنا سازد . در سال ۱۳۲۱ مجله هفتگی (ملك و ملت) بزبان انگلیسی منتشر شد . بواسطه انتشار این دو مجله انگلیسی وارد و دانشمندان هند از سیاست عالم اسلام مطلع میشدند در سال ۱۹۱۳ میلادی بمناسبت جنك طرابلس غرب تا مدتی دو روزنامه با اسم حبل المتین بزبان اردو و زبان بنگالی اشاعه کرد و بهین وسیله متجاوز از نهصد هزار روپیه اعانه برای صلیب احمر ترك جمع آوری و باسلامبول فرستاده است . در سال ۱۹۱۵ میلادی حبل المتین انگلیسی هفتگی را چاپ و توزیع کرد و در ایام جنك جهان کبر این جریده خدمت بزرگ به هندوستان کرد - تمام این جراید اساسا بروی افکار افای موبد اشاعه یافته و بسرمايه وی بوده است و همه نیز ادامه یافته اند تا این که حکومت آنها را موقوف کرده است .

زندگانی عمومی - آقای موبد علاوه بر ققه و اصول حکمت و ریاضیات نیز تحصیل کرده است در تحریر سبك مخصوصی دارد استعارات و کنایات در نوشته های خود استعمال می کند . آقای موبد هم خود را در سیاست گفرانده و با ادبیات و شعر زیاد مربوط نبوده است ولی بر حسب اقتضاء ذوق بشعر دارد و در ایام جوانی اشعار ی گفته است که اشعار ذیل نمونه آنست :

حضرت داود ای مفتاح هوش	از موبد پند کن آویز گوش
در سیاست اقتضای وقت بین	مسلک پیغمبران را بر گزین
.....	

ماننی خواهیم آخوند و قجر در سیاست قطع ید کن زین دوسر
 حیات شخصی - آقای موبد متوسط القامه دارای ریش کم و چهره نمکین میباشد این ایام بواسطه پیری و زحمت خیلی لاغر شده است چشمهای او در ده سال قبل کور شده است و برای خواندن جراید و نویسندگان مقالات محتاج به عاونت دیگری میباشد وضع زندگانی وی بسیار ساده است لباسش همیشه سرمه رنگ خورا کش مختصر و

حرف بعد الباء

حبل المتین

بیشتر لبنیات است مدتی ترك گوشتخواری را کرده بود و بیشتر امراض خود را بروزه گرفتن دفع مینماید آقای موید بسیار شوخ و مزاح است حتی در این پیری در شوخی و کنایه کوتی از جوانان عقب نمی ماند کم میخندد • از دروغ بسیار تنفر دارد • طبعاً حساس و جواد است • جسارت اخلاقی دارد - مایل بمجالست و صحبت جوانان حساس و پرجوش است تکبر ندارد - آقای موید در کلکته متاهل شد دارای پنج دختر و يك پسر میباشد دختران او همه تحصیل کرده و سه نفر آنها شوهر کرده اند دختر دوم او خانم فرخ سلطان چند سال دیر تانی حبل المتین بود و اخیراً بيك نفر مسلمان هندی که رتبه قضاوت دارد شوهر نموده و دو دختر دیگر او اکنون مشغول تحصیل هستند پسر آقای موید سید جمال اکنون دوازده ساله و مشغول تحصیل میباشد آقای موید که حامی و خادم اسلام است متعصب در تشیع نیست و در نظر او شیعه و سنی برابرند • آقای موید با وجود پیری و نایبانی خیلی جدی و زحمت کش است - خواب او شبانه روزی پنج ساعت بیشتر نیست و آثار شکستگی از او ظاهر نمیشود تا سالهای دراز دیگر خدمت بایران خواهد کرد •

تا اینجا شرح حال مرحوم موید الاسلام بقلم آقای (ن ایرا نیر ست) پنا یا ت یافت کار زیاد و مشقات غرق الشاقه مدت نزديك به چهل سال روزنامه نگاری عاقبت اثر خود را بخشانید و ظهر روز ۱۹ آذر ماه ۱۳۰۹ شمسی در حالیکه موید الاسلام در دفتر کار خود در شهر کلکته نشسته بود دوچار حمله قلبی گردید و شب ۲۴ آذر بعد از آنکه معالجات بزرگترین اطباء هندوستان سودی نبخشید داعی حق را لیک گفت و جان را بجان آفرین تسلیم نمود • و بدین نحو یکی از بزرگترین خدمتگزاران به مملکت برای همیشه رخت از جهان بر بست • پس از یکسال طبق وصیت آن مرحوم جسدش را بایران حمل نموده و در مشهد مقدس دفن کردند • روز ۲۴ آذر ۱۳۱۰ شمسی جنازه را وارد مشهد مقدس و در ایوان عباسی دفن کردند • روز بعد از طرف والی خراسان مجلس ترجمه که وجوه اهالی خراسان در آن شرکت داشته تشکیل داده شد و آقای حاج محقق که از محدثین فاضل و برجسته مشهد هستند منبر رفته و شرح مبسوطی در اطراف خدمات آن مرحوم ایراد و مجلس در حدود غروب ختم گردید •

(۴۸) حبل المتین

روزنامه حبل المتین در طهران به مدیریت (میرزا سید حسن کاشانی) تا سرس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع همان حبل المتین کلکته ، در مطبعه سربی (مطبعه فلروس) طبع و در تاریخ دو شنبه پانزدهم ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۹ ردي بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است • در عنوان روز نامه مدیر کل جلال الدین الحسینی موید الاسلام (صاحب امتیاز روزنامه هفتگی و یومیه حبل المتین) و عنوان مراسلات (طهران • خیابان لاله زار • نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی) معرفی شده ولی بهر صورت امور اداره روزنامه یومیه حبل المتین طهران بعد

حرف بعده الباء

جل المتین

میرزا سید حسن کاشانی، برادر کوچک موبد الاسلام بوده است. این روزنامه را مرحوم سید حسن کاشانی برادر موبد الاسلام تأسیس نمود. و شاخه از جل المتین کلکته بشمار میرفته است مرحوم کسروی در باره این روزنامه می نویسد: «جل المتین طهران چون نخستین روزنامه روزانه در ایران میبود و با کفایت و حروف خوب بچاپ میرسید و آنکه گفتارهای آنرا شیخ بهی کاشانی که هم نویسنده خوب و هم آگاهی بیشتر از دیگران مباحث مینوشت ارجی در میان مردم پیدا کرد و تا زمان توپ بستن مجلس هم چنان پیش میرفت» کسروی در باره این که چطور شد با وجود جل المتین در بهی می مع ذلك این روزنامه در طهران تأسیس شد می نویسد «جل المتین هفتگی کلکته هم چنان بیرون می آمد ولی پیدا است که این زمان ارج پیشین را نداشت زیرا این زمان روزنامه های دیگری پیدا شده و نیاز مردم را به خواندن آن کمتر گردانیده بود بویژه که آن برای رسیدن به تهران یکماه بیشتر زمان میخواست و نوشته ها از بها میافتاد» این بود که این را بنام يك شاخه ای از آن در تهران بنیاد نهادند. در داستان (پیمان انگلیس و روس) و همچنین در برخی پیش آمدهای دیگر این روزنامه گفتارهای مغز دار خوبی نوشت. میتوان گفت سید حسن پس از آن بدخواهی ها که با جنبش مشروطه خواهی کرده و بهواداری از عین الدوله آن دشمنی هارا با کوشش های دوسید نموده بود این زمان بیکگی هابرخواست و شکست را بدینسان بست «بخش اول تاریخ مشروطه ایران ص ۳۸۱»

در عنوان روزنامه جل المتین بومیه معرفی شده و در زیر اسم روزنامه سال تأسیس (۱۳۱۱) و همچنین محل طبع (طهران) درج گردیده. و نیز در آخر ستون صفحه چهار امضای (حسن العسینی الکاشانی) چاپ شده. آن درباره مدت رجات جل المتین (روزنامه بومیه ملی ازاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه با امضا قبول و در انتشارش اداره ازاد است) معرفی شده است. قیمت اشتراك بدین قرار است سالیانه طهران ۴۰ قران؛ سایر بلاد داخله ۴۵ قران. روسیه و قفقاز ۱۲ منات سایر ممالك خارجه ۳۰ فرانك. قیمت يك نسخه طهران يكصد دینار، سایر بلاد ایران سه شاهی. قیمت اعلان مطبوعی دو قران است.

قطع صفحات و سبك مطالب و نوع مقالات جل المتین طهران بعینه مانند جل المتین کلکته میباشد فقط تفاوت اندو تعداد صفحات و طرز انتشار است که اولی معمولاً در چهار صفحه و دومی در ۱۶ صفحه و نیز اولی بومیه و دیگری هفتگی است. قسمتی از مقاله افتتاحی روزنامه باین قرار است:

«ربنا اتنا من لدنك رحمه و هیئتی لئامن امرنا رشد» بار خدایا قلوب ما را بنور معرفت روشنائی بخش و نیات ما را در این خدمت بزرگ مقدس و خالص گردان تا که باید و شاید از عهده وظایف و تکالیف مقرر خود بر ائیم ملك و ملت را خدمتی شایان توانیم. (پس از این قسمت شرحی در باره اینکه منظوری جز حق نویسی و راه نمائی ملت و دولت ندارد نوشته تا میرسد باینجا که) و بالجملة مملك و شیوه

حرف بعده الباء

حبل المتین

ما در این روزنامه یومیه همان مسلك و منهج روزنامه هفتگی حبل المتین است که در عرض چهارده سال يك مرام و منظور را در نظر داشته و قوم را بسمت آن متوجه مسی ساختیم . . . هر کس بدیده انصاف بنگرد حکم قطعی خواهد کرد که عمده اسباب حصول این خوشبختی و سعادت (منظور اعطای مشروطیت است) فیادها و ناله های چهارده ساله حبل المتین است اکنون نیز از طبع و نشر این روزنامه در مرکز مملکت و پایتخت ایران جز اختتام این مأموریت الهیه و تکمیل مقاصد سابقه در نظر ندارد . .

مندرجات حبل المتین پس از درج مقاله اساسی عبارت از اخبار داخله و خارجه میباشد و بخصوص بعلت وابستگی این روزنامه با حبل المتین کلکته اخبار خارجه زیاد تر در آن درج شده و علاوه بر این مذاکرات مجلس شورایی و تلمکرافات داخله و خارجه در آن درج است . پس از انتشار حبل المتین در تهران بعضی تصور کردند که اداره روزنامه حبل المتین از کلکته بطهران انتقال یافته است برای رفع این اشتباه خطاری در شماره سوم چاپ شده مبنی بر اینکه مشترکین گمان نمایند اداره کل از کلکته بطهران انتقال یافته است . محل اداره روزنامه (خیابان لاله زار جنب مطبعه فاروس) بوده است . از شماره ۲۰ سال اول بآنطرف زیر اسم نایب مدیر (میرزا سید حسن کاشانی) دبیر (آقا شیخ یحیی کاشانی) اضافه شده است . این شیخ یحیی همان کسیست که مادر جلد اول کتبات شرح حال و تصویر ی از او چاپ کرده ایم و نیز مرحوم کسروی اهمیت حبل المتین را وابسته بمقالات ایشان دانسته است . شیخ یحیی کاشانی از نویسندگان است که تا هنگام مرگ از خدمات مطبوعاتی خود دست بر نداشته و در سالهای اخیر زندگانی نیز ریاست هیئت تحریریه روزنامه ایران داشته است (جلد اول کتاب روزنامه ایران امروز ص ۳۲۴) شماره ۱۹۴ سال اول حبل المتین در تاریخ سه شنبه ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵ قمری و شماره ۳۶ سال دوم آن در تا ریخ ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . شماره اخیر گرچه آخرین شماره منشره روز نامه نیست ولی چون این روزنامه تا هنگام بتوپ بستن مجلس (۲۶ جمادى، الثانی ۱۳۲۶) بیشتر دوام نداشته بنابراین بعد از تاریخ مذکور بیش از یکماه ونیم انتشار نیافته است .

توقیف و تعطیل حبل المتین

پس از وقایع مجلس و حوادث باغشاه بشرحیکه بعدا در ذیل احوال مدیر حبل المتین ذکر خواهیم کرد ، بدستور محمد علی شاه پنج نفر از تهران بخارج ایران تبعید گردید من جمله از این پنج نفر میرزا سید حسن کاشانی مدیر حبل المتین بود . نامبرده پس از خروج از تهران و توقف چند ماهی در رشت ؛ و انتشار چند شماره روزنامه در آنجا ؛ مجددا در اواسط سال ۱۳۲۷ قمری ، هنگامیکه محمد علیشاه از طهران اخراج شد بطهران بازگشت و برای بار دوم روزنامه حبل المتین را در آنجا طبع و توزیع نمود . انتشار مجدد حبل المتین مصادف با آغاز سال سوم روزنامه بوده و ظاهرا در ماه جمادی الثانی شروع گردیده است . پس از انتشار شماره ششم این سال که در رجب ۱۳۲۷ قمری برده بمناسبت مقاله که در آن تحت عنوان (اذا فسد العالم فسد العالم) چاپ شده

حرف بعده الباء

حبل المتین

غوغا و هیاهویی در طهران بر علیه روزنامه و مدیر آن برپا شد و نشر این مقاله را برخلاف قانون مطبوعات که در آن صریحا از انتشار مقالات مضربه بدین اسلام ممانعت شده ؛ دانستند . وزارت معارف از وزارت عدلیه تقاضای محاکمه مدیر حبل المتین و توقیف روزنامه را نمود . محکمه جزا بهضوبت آقایان معاون حضر ، صدر الاشراف ؛ مشاورالملک و آقا شیخ هادی تشکیل گردید و حکم زیر را صادر نمود : « صورت حکم محکمه جزا درخصوص حبل المتین یومیه منطبه طهران نمره ۶ . بموجب عریضه حضرات اصناف دارالخلافه طهران و اظهار وزارت جلیله علوم و نظر بمقاله در تحت عنوان (اذا فسد العالم فسد العالم) که در شماره ششم یومیه حبل المتین طهران منتشر شده در حضور هیئتی از نمایندگان علمای دارالخلافه و هیئت منصفه جناب میرزا مصطفی خان منصور السلطنه که بتصویب وزیر عدایه بسمت مدعی العمومی انتخاب شده اند (۱) بر میرزا سید حسن کاشانی نایب مدیر روزنامه حبل المتین طهران اقامه دعوی نمود پس از استنطاقات که در مجلس هدیده بعمل آمد روز بیست و یکم شهر رجب مجلس محاکمه منعقد گردید میرزا سید حسن کاشانی در مجلس استنطاق و محاکمه سلب مسئولیت مدیری را از خود نموده جناب آقا سید جلال الدین موبدالاسلام که سمت مدیر کل روزنامه را دارد واگزار میکرده علاوه متذکر میشد که وزارت علوم پس از انتشار نمره ۶ روزنامه از مشارالیه سند گرفته و او را مسئول روزنامه قرار داده است و نیز اظهار میگرد که نویسنده مقاله (اذا فسد العالم فسد العالم) شخصی دیگر بود . بهیچوجه مسئولیتی که از این مقاله منتج میشود بر من وارد نیست . علاوه در باب عبارات روز نامه نمره شش (لیکن بدترین موقعیکه قومیت واستقلال ایران را مضطرب و نابود ساخت الی آخر) توضیحاتی داد که بموجب آن توضیحات معلوم میشود این عبارات منافاتی با مذهب جامعیه اسلامیه ندارد و اظهار کرد که عقیده من هم همین است چون بموجب عنوان صدر و امضای ذیل روزنامه حبل المتین سمت نیابت مدیری میرزا سید حسن کاشانی ثابت وجناب آقا سید جلال الدین موبدالاسلام که از طهران غایب هستند و او علنا نمی تواند در مندرجات روزنامه رسیدگی نماید تکالیف و مسئولیت های منسوب عنه بعهد نایب مدیر وارد است و چون بموجب ماده (۲۸) قانون مطبوعات اقدام کنندگان بطبع و مدیر آن روزنامه و دبیران آن و همچنین رئیس مطبعه و فروشندگان و نشر دهنده مسئول است و چون بموجب ماده هشتم قانون مزبور مدیر روز نامه مکلف است که قبل از طبع و انتشار روزنامه مسئولیت خود را با توضیحات دیگر که در مساعده مزبور مندرج است بداره انطباعات کتبا اطلاع دهد نه اینکه اداره انطباعات او را وادار باقدام این امر نماید چون بموجب ماده (۱۳) قانون مطبوعات در مقالات با امضاء وقتی مدیر یا نیابت او هم مسئول نیست که از منتهیات واضحه چیزی در مقاله آن

(۱) آقای منصور السلطنه پس از وقایع شهریور چند بار بوزارت رسیده و اکنون هم در کابینه آقای ساعد بسمت وزیر مشاور مشغول کار میباشد . آقای صدر الاشراف نیز که عضو محکمه بوده پس از چند مرتبه وزارت اکنون استاندار خراسان میباشد

حرف ح بعده الباء

حبل المتین

مندرج نباشد و چون مقاله نمره شش (اذا فسد العالم فسد العالم) محتوی منہیات واضعہ است و اثبات آنکہ خود میرزا سید حسن کاشانی نویسنده آن مقالہ نیست و توضیحاتی کہ در باب عبارات روزنامہ داده است مسئولیت مدیری مشارالیه را سلب و ساقط نمی کند علی هذا بنابدلایل مذکورہ فوق ہیئت محکمہ جزا باتفاق آراء میرزا سید حسن کاشانی را برای طبع و نشر مقالہ (اذا فسد العالم اذا فسد العالم) کہ مخالفت صریحہ با نص مادہ (۳۳) قانون مطبوعات دارد بمجازات ذیل کہ در مادہ مذکور مصرح است محکوم می نماید .

تادیه مبلغ دوست و پنجاه تومان مجانا و بلا عوض ۲۳ ماه حبس و ۲۳ ماه توقیف روزنامہ حبل المتین . توضیح این کہ ابتدای مدت حبس و توقیف روزنامہ از روز یک شنبہ چهاردم شهر رجب است ۱۲۲۷ محل مهر معاون حضرت . محل مهر محکمہ جزا صدر الاشراف . مشاور الملک . آقا شیخ ہادی .

این بود متن حکم در بارہ توقیف روزنامہ حبل المتین و رئیس آن . با این کہ حکم مذکور خیلی شدید و سخت است مع ذلک زیرا در آن ایام مورد ابراد واقع نگردیدہ و فقط روزنامہ حکمت منطبعہ مصر شدیداً آن را مورد حملہ و انتقاد قرار دادہ است . این روزنامہ در ضمن مقالہ تحت عنوان (پاداش خدمات ہجده سالہ حبل المتین) ایرادات متعدد بر حکم . محکمہ وارد نمودہ و از پنج جہت حکم را مخدوش و باطل دانستہ است . منجملہ مینویسد : « خوب گرفتیم کہ صاحب روزنامہ مستحق الجزا بودہ است و قوانین ارضیہ و سماویہ از جہات ستہ ہم مصدق این حکم بودہ است آیا برای یک نفر متہم سہ مجازات در یک جزا در یک تہمت مجوز و مسوغ کدام قانون ارضی و سماوی است . » در پایان مقالہ مینویسد : « لہذا چنین مستفاد بل محقق می شود کہ جناب نایب مدیر جریدہ حبل المتین وجہ المصلحہ وافع گشتہ وهدف انتقام مقالات د و سال پیش در تہران و مقالات متوالیہ در حبل المتین کلکنہ گشتہ . » باری بدین نحو حبل المتین برای ہمیشہ توقیف و تعطیل می گردد و دیگر از آن پس منتشر نمی شود . حکم محکمہ بمورد اجرا گذاشتہ شد و مرحوم میرسید حسن کاشانی را در ہمارت پشت شمس العمارہ کہ راہ ورود آن از انبار دولتی کہ محبس آن زمان بود توقیف کردند ولی هموم آزادبخواہان حق ملاقات با او را داشتند . در آن زمان وزارت عدلیہ با مرحوم مشیرالدولہ پیرنیا کہ از وزرای صالح و آزادبخواہ بود ، می بود و نامبرودہ می دانست کہ حکم مذکور برخلاف حقیقت و باید ہرچہ زودتر فسخ گردد ولی از طرفی عدلیہ دارای دیوان تمیز نبود و لذا آنرا بتشکیل دیوان تمیز داد و حکم حبس میرسید حسن فسخ گردید و نامبرودہ بمنزل شخصی خود آمد . اما بواسطہ کسالت دیگر اقدام بانشار روزنامہ ننمود تا در طہران وفات کرد .

و اما مقالہ کہ باعث اینہمہ زحمت برای مدیر حبل المتین گردید ، چنانچہ گذشت تحت عنوان (اذا فسد العالم فسد العالم) و تقریباً برضد دیانت نوشنہ شدہ بود و عبارات زنندہ داشت . مقالہ مذکور بقلم سید نورالدین پسر سیداسداللہ خرقانی است .

حرف ح بعده الباء

حبل المتین

میرزا سید حسن کاشانی - از حوادث زندگی صاحب ترجمه یکی توقیف و تبعید مشارالیه است از ایران بکلکته قبل از اوان مشروطیت ، بدین نحو که چوت میرزا علی اصغر خان اتابک با مرحوم مویدالاسلام دشمنی خاصی داشت ، دستور داد بغانه میر سید حسن ؛ برادر آن مرحوم ریخته و او را بغانه عین الدوله حکمران تهرات بردند . از آنجا عین الدوله میرسید حسن را یکسال در یکی از دهات خود موسوم به (مبارک آباد) روانه گردانید و در حقیقت نامبرده مدت یکسال در آنجا توقیف بود . ولی عاقبت بکلکته نزد برادرش تبعید شد و پس از دوسال تبعید بایران مراجعت کرد . مرحوم مویدالاسلام بنا بگفته کسروی هوادار و ستایشگر عین الدوله بوده و لذا رفتار او با میر سید حسن زیاد زننده و تند نبوده و بلکه از او طرفداری میکرد است . در وقایع مشروطیت نیز بشرحی که در تاریخ مشروطه ایران ضبط است پس از بمباران مجلس جمعی از آزادی خواهان از قبیل سید حسن نقی زاده ، سید محمد رضا مساوات و ملک انتم کلین و چند تن دیگر ، پس از خروج از مجلس و رفتن بغانه عین الدوله و توقف نکردن در آنجا چون خانه میرسید حسن نزدیک خانه عین الدوله بوده بدانجا پناه میبرد ولی چون زن و فرزند میرسید حسن از ترس گرفتار شدن بدست قزاقان شروع بگریه و شیون می نمایند لذا آنان حاضر بتوقیف نکردیده و بیرون می آیند و بلافاصله بدست قزاقان گرفتار می شوند . خود میرسید حسن در آب انبار خانه مخفی می شود و فردا یا همان شب خود را بسفارت انگلیس می رساند . مسلم است که اگر سفارت آن مرحوم و تقی زاده و دیگران را راه نمی داد بسرنوشت میرزا جهانگیر خان و ملک گرفتار می شدند . این پناهنده شدن میرسید حسن را از قتل نجات داد ولی بالاخره باتفاق چهار نفر دیگر از طرف محمد علی شاه بققاز تبعید گردیدند و بشرحی که قبلا یاد آور شدیم پس از رسیدن برشت ، چندی در آنجا توقف نمود و روزنامه حبل المتین را منتشر ساخته تا زمانی که مجاهدین از رشت و قزوین بسررداری محمد ولی خان سردار سپه و سردار مهی بطهران حمله کردند ، میرسید حسن نیز با آنها بطهران وارد شد و روزنامه را دو مرتبه دایر و منتشر ساخت و بشرحی که قبلا نوشتیم موفق بنشر شش شماره روزنامه گردید که روزنامه دوچار توقیف و برای همیشه تعطیل گردید .

(۴۶۹) حبل المتین

روزنامه حبل المتین در شهر رشت بمدبری آقا میرزا سید حسن کاشانی تاسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است این روزنامه بشرحی که قبلا نوشتیم هنگام تبعید مدیر آن در شهر رشت تاسیس شده و شماره اول آن در محرم سال مذکور منتشر گردیده . نگارنده تا کنون نمونه از آن بدست نیاورده ولی بنابر آنچه برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۷۵) نوشته این روزنامه مدت سه چهار ماه انتشار یافته است . گفتار برون باید نزدیک به حقیقت باشد زیرا دوران تبعید مرحوم کاشانی بیش از چند ماهی طول نکشیده و دو مرتبه بطهران باز گشته است .

حرف ح بعده الذال والراء حذاقت ، حرف حق ، حریف

(۴۷۰) حذاقت

در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی امتیاز روزنامه حذاقت در شیراز بمدیری (میرزا علی حکیم زاده شیرازی) از تصویب شورای عالی معارف گذشته و روز نامه مذکور در سال ۱۳۰۵ شمسی چند ماهی منتشر شده است .

(۴۷۱) حرف حق

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان ص ۴۰۹ می نویسد : « روز نامه هفتگی حرف حق منتشر در تبریز با چاپ سربی بمدیریت سید نعمت الله در اواخر ۱۳۲۵ قمری » برون که شماره دوم این روزنامه را فقط در دست داشته در باره خصوصیات آن می نویسد این شماره در تاریخ پنجم ذیحجه ۱۳۲۵ در چهار صفحه بقطع ۶ در ۱۱٫۵ طبع و منتشر گردیده . قیمت اشتراك سالیانه آن در تبریز ۱۰ قران در سایر بلاد ۱۵ قران ؛ در خارج ایران ۲۰ قران . ضمنا برون سید نعمت الله را اصفهانی ضبط کرده و روزنامه را سیاسی ، محافظه کار ؛ اعتدالی دانسته است . (ص ۷۶ کتاب برون)

(۴۷۲) حریف

روزنامه حریف در شهر شیراز بمدیری و صاحب امتیازی (سید نورالدین گلستانه) تاسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سنگی در مطبعه (سعادت شیراز) طبع و در تاریخ دو شنبه ۲۷ ذیحجه الحرام ۱۳۴۵ قمری مطابق ۵ تیر ماه ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . شمار روزنامه عبارت از حیوان شاختاری است که (حریف) را بدوش گرفته و آماده برای مبارزه است . محل اداره : میدان شاه منزل شخصی مدیر . قانون اشتراك : شیراز ۲۵ قران . داخله ۳۰ قران . خارجه ۳۵ قران . تك شماره ۴ شاهی . حریف چنانچه در عنوان آن معرفی شده : « جریده ایست فکاهی ، کاریکاتوری ، ادبی ، اجتماعی ، اقتصادی » و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی ، عبارت از اخبار شیراز است که بطرز فکاهی نوشته شده : صفحه چهارم روزنامه مخصوص کاریکاتور می باشد و کاریکاتور شماره اول يك قسمت (دست بگردن شدن حریف و خاریف) و قسمت دیگر راجع بدزدهای ضعیف و دزدهای قانونی است . مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (حریف هم بمیدان آمد) نوشته شده و بدین قسم شروع می گردد : « حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد به علی العاصی که پیرایه ای بر او بستند . تو بمیری این مرتبه دیگر حریف سفت تر است اینك حریف است که با قیافه خرامان و طناز پس محبوب و دلربا و صورتی زیبا و طربناك برای خدمت گزاری و نوکری ملت قبا پاره و مردم کلاه نمیدی و تشویق خدمتگزاران این جامه مظلوم و بدبخت بمیدان می آید . و در عین حال همین حریف با قیافه ای پس مغوف و وهشتناك و با صورتی موحش و خشن و چهره ای خشمگین و برافروخته مسلح به

حریف ؛ حام

حرف ح بعده الراء ؛ لسين

اسلحه بی باکی و بی پروائی ، شجاعت ، خشونت و نترسی و مجهز بتجهیزات حقیقت گوئی ، راستی ، مجازات و کیفر ؛ دزد بگیری و از این قبیل مردوار بر اسب تند خوئی و مرکب شهامت سوار مردانه قدم بدین میدان پر از آشوب و جنجال گذاشته . « مقاله مذکور دو صفحه روزنامه را فرا گرفته و باین سطور ختم میگردد : « حریف را مرتب منتشر کرده و چهره خود را هفته یکمرتبه بطالبین حق و حقیقت نشان دهم واقعا حریف هم هفته يك مرتبه خود را بهر یفان نشان دهد کافی است برای اینکه توبه کنند و دیگر حریف نروند و اگر لازم شد و ضرورتی ایجاب کرد مطلبی ندارد هفته ای دو مرتبه تشریف آورده و قیافه مهیب خود را بهر یفان نشان میدهد . پس از نشر این شماره اگر اقبال عمومی را بدرجه کافی و وافی دیدم بیشتر برای خدمتگزاری حاضر خواهیم بود فعلا لنگ خدمت را بکمر بسته وارد گود میشویم . مخلص خاص خالص عموم مردم قبا پازه عمو حریف . »

طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و هر صفحه روزنامه مشتمل بر سه ستون است و اما نمونه اخبار روزنامه بنقل از همین شماره اول بدین قرار است : « اخبار شیراز اهی دزد - اهی دزد . چند روز گذشته بکنفر ولگرد درب دکان کریم آقا صراف نزدیک غروب که صراف پولها را می شمرد و نوتها را دسته می کرده است کلاه خود را چپانیده و پاشنه ملکی را کشیده ، عبا را زیر بغل زده . . . » روزنامه حریف پیش از چند ماهی انتشار نیافته و تعطیل گردیده است .

(۴۷۳) حام

در سال ۱۳۰۴ شمسی روزنامه حام بطور هفتگی در طهران تاسیس و منتشر شده است . امتیاز این روزنامه بمدیری (میرزا حسین خان ابصری) در تاریخ هشتم خرداد ۱۳۰۴ از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۴۷۴) حشرات الارض

روزنامه حشرات الارض روزنامه ایست مصور و بقطع متوسط . با چاپ سربی در چهار صفحه در تبریز طبع و منتشر شده . شماره اول این روزنامه در تاریخ ۱۸ صفر و شماره دوم آن در تاریخ ۲۵ صفر المظفر ۱۳۲۶ قمری طبع و توزیع گردیده . حشرات الارض بهمت و دستیاری (شرکت معارف) تاسیس یافته ولی در حقیقت موسس آن « حاج میرزا آقابلووری » و نویسنده آن « میرزا آقا ملقب بناله ملت » میباشد . محل اداره روزنامه : تبریز تیمچه حسینی ، اداره شرکت معارف است . قیمت اشتراك آن در تبریز ۱۲ قران ، ممالك داخله ایران ۱۶ قران ؛ ممالك خارجه ۱۰ فرانك .

حشرات الارض روزنامه ایست فکاهی و مصور و صفحه اول و چهارم آن مخصوص رسم کاریکاتور ها میست که اغلب راجع باوضاع مشروطیت ایران است چنانچه در شماره دوم دو کاریکاتور کشیده شده در یکی ، بکنفر بنام « مسلمان خالص » اړه در دست

حرف بعد الشين

حشرات الارض

گرفته و درختی را که با اسم روزنامه مساوات است قطع میکنند « این کاریکاتور به مناسبت توقیف شماره ۲۲ روزنامه مساوات است » مولف « در کاریکاتور دیگر دو خروس جنگی با یکدیگر مشغول نبردند و دو نفر در باره این دو خروس جنگی گفتگو می کنند » در عنوان روزنامه اسم روزنامه « حشرات الارض » بخط درشت نوشته شده و در زیر آن این عبارت درج است « قیمت در همه جا پیشگی است »

حشرات الارض روزنامه ایست هفتگی و سالیانه ۴۸ شماره از آن نشر می شود . در عنوان صفحه دوم مرام و مسلک و طرز انتشار روزنامه بدین قسم معرفی شده : « روزنامه ایست مصور و مفید که در سیاست عالم حیوانات سخن میگوید . ماهی غیر از ایام هفته عجالتا چهار نسخه طبع و توقیف خواهد شد . مقالات مختصر بامضاء معروف قبول و درج میشود . قیمت يك نسخه در تبریز يك عباسی ، داخله ایران ۵ شاهی »

حشرات الارض اولین روزنامه ایست در مطبوعات فارسی که دارای تصویر و سبک فکاهی چاپ شده و نظیر ملا نصرالدین ققاز گفتارهایش را از زبان « غفار و کبل » که يك دیوانه بازار گر بنامی در تبریز بوده نوشته است . در شماره اول روزنامه « غفار و کبل » منشی اول اداره معرفی شده در باره او اینطور مینویسد : « چند روزیست که دوستان ما منتظر دیدار روزنامه حشرات الارض بوده و بغیر از خودشان که غفار و کبل منشی اول اداره ، به عالم مطبوعات چه تحفه خواهد آورد و با برای مشترکین باندان های خود از هوا گنجشك شكور خواهد و یا آنکه سر کچل آنها دوائی خواهد ما لید نه خیر هیچك از اینها نیست : كل اكر طیب بودی . سر خود دوا نمودی . غفار و کبل اگر تا این درجه ها مدبر و کاردان بود تا حال بجهت خود فکری میکرد . »

سبك مطبوع و دلنشین و تصاویر رنگی حشرات الارض ، روزنامه را پس از انتشار مورد توجه قرار داده و چرابد آنوقت بتاریف آن پرداخته اند . من جمله روزنامه صور اسرافیل در شماره ۳۱ سال اول خود ؛ مورخ پنجشنبه ۱۱ جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری در باره این روزنامه چنین مینویسد : « مشترکین عظام را بطالموع کویکی سعد از افق آذربایجان بنام روزنامه حشرات الارض مؤده میدهم و اقبال باین بخت مقبل را بهمه هواداران صور نام دل توصیه مینمائیم چه این روزنامه که اینك هفته يك بار طبع می شود یکی از تحفه های دوره جدید تاریخ ما و بهترین زمینه و محرک صفات حسنه و اخلاق نیک است . کمتر روزنامه تا بحال از حیث نظم و نشر دارای اینقدر از عذوبت کلام و شیرینی ادا بوده . گذشته از اینکه روزنامه مزبور حاوی خیلی از دقایق و شامل بسی از حقایق است بصورت های رنگین مصور می باشد و در تصویر همین صور آت ذوق و سلیقه بکار می رود که در نظم و نشر آن بعمل می آید . »

منتوجات روزنامه حشرات الارض همانقسم که یاد آور شدیم عبارت از انتقاد از اوضاع است بصورت فکاهی و بزبان غفار و کبل . برای آشنا شدن بسبك عبارات روزنامه قسمتی از سرمقاله شماره دوم را نقل می نمایم : « تبریک . امروز که ایرانیان

حرف ح بعده الشين

حشرات الارض

بهین روز و ملت اسلام را مباحث فیروز اعضاء این اداره محقر که تازه قدم بعالم مطبوعات نهاده تبریکات صمیمانه و تشکرات خالصانه خود را بواسطه این نامه ناچیز به خاکبای مبارک عموم جالسین مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه خصوص و کلای محترم ایالت آذربایجان و قاطبه خدام نوع بشر و مروجین مذهب اسلام عرضه و از خداوند منان با زبان قاصر مسئلت مینماید که وجرد سعادت نمودشان را از سوانح ایام مصون و مرا نان را بتکالیف موظفه خود موفق فرماید. پس از این قسمت اشعار زیر بعنوان ادبیات درج شده :

ایفکرت توناشر هر حکمت اکبلای وی قامت توقابل هر خدمت اکبلای
شوخیست بلامسخره است افت اکبلای دریاب یکی پیشه ویک صنعت اکبلای
از خصوصیات روزنامه حشرات الارض اینست که در هیچ کجای آن نام مدیر و مؤسس و نویسنده روزنامه و اسم مطبعه قید نگردیده و در صفحه دوم در زیر عنوان این کلمات بخط ریز نوشته شده است : (کسالت - عداوت - نفاق - بیعاری) . حشرات الارض تا آغاز جنگ و شورش تبریز منتشر شده و ظاهراً پیش از یازده شماره از آن نشر نگردیده . شماره ۱۱ که اکنون در دست مییابد مورخ بتاریخ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمریست . این روزنامه پس از انقلابات تبریز باز طبع و منتشر گردیده و شماره ۱۵ سال سوم که مطلق به بد از انقلاب مییابد در تاریخ دوشنبه ۲۱ محرم ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته . در این دوره روزنامه با چاپ سنگی (مطبعه اسکندانی) طبع شده و صفحه اول و چهارم آن دارای کاریکاتور رنگیست .

(۴۷۵) حصار عدل

روزنامه حصار عدل در طهران به مدیریت و موسسی (حسن زاده) و سر دبیری (ابوالقاسم ذوقی) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری (مطبعه باقرزاده) طبع و در تاریخ سه شنبه ۱۸ جدی ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۲۵ جمادی الاول ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در ابتدا روزهای سه شنبه و بعد روزهای چهارشنبه توزیع میگرددیده . حصار عدل روزنامه ایست مصور و در شماره های اولیه تصویر یکی از بزرگان ایران در صفحه اول چاپ شده ، در شماره اول تصویر آقای رضا خان سردار سپه چاپ شده و مقاله افتتاحی آن بدین قسم شروع میگردد : « یاس خدمت . جریده حصار عدل در اولین شماره خود بانهایت افتخار تمثال یگنفر سر باز جان باز فدائی حقیقی وطن مجاهد و اتمی اسلام بنام آقای رضا خان سردار سپه و وزیر جنگ را گراور نموده و افتخار باین گراور مینماید زیرا خدمات بزرگ این مرد فوق العاده بوده » در زیر تصویر آقای سردار سپه این شعر درج است : کوه و قار و بحر هنر رامین نهنگ به سردار بی نظیر رضا خان وزیر جنگ . مطلع قسمتی از اشعار این شماره بدین قرار است : گفت چنین دختر یک چاقوساز - بازن لوطی صد حقه باز .

حرف بده الصاد

حصار عدل

جز بکه ابراز کنم با تو راز ✽ فکری بحالم کن ویک چاره ساز ✽ نه خوشکلم
نه اینکه دارم جهاز . در شماره ۴ تصویر محمد حسن میرزا ولیعهد و در شماره ششم
تصویر میرزا حسن خان مشیرالدوله و در شماره ۲۳ علاوه بر تصویر سردار سپه ، دو صفحه
چهار و پنج روزنامه مخصوص کاریکاتور میباشد و در آن وضع نظام امروز را بادیروز
مقایسه کرده است . محل اداره روزنامه : طهران . خیابان ناصریه . وجه اشتراك :
طهران سالیانه ۵۰ قران ، ولایات ۶۰ قران .

حصار عدل روزنامه (مصور ، فکاهی ، ادبی ، اجتماعی) معرفی شده و در
سالهای اول اغلب مندرجات آن اشعار فکاهی و غیر فکاهیست که شعرای مختلف از قبیل
ذوقی ، سید علی آقا عظامی و توفیق سمسار و دیگران سروده اند . از شماره ۱۳ به
آنطرف آقای ابوالقاسم ذوقی دیگر دخالتی در روزنامه نداشته و تهیه اشعار روز نامه
بعده جوانان دیگر واگذار شده و تنها نام مدیر و مؤسس (حسن زاده کسرا ئی) در
عنوان روزنامه درج است . مندرجات حصار عدل عبارت است از مقالات مختلف نظم و نثر و اخبار
داخلی و خارجی منجمه سرمقاله شماره ۲۰ سال اول آن مورخ ۱۲ شوال ۱۳۴۱ قمری
تحت عنوان (انقلاب باید کرد) بشعر نوشته شده و باین اشعار شروع میگردد :

مگو بخطه ری انقلاب باید کرد	برای غارت مردم شتاب باید کرد
بدست و گردن اشخاص بلشویک مآب	برای عبرت مردم طناب باید کرد
بگو بآنکه بود بلشویک را حامی	ترا چه مرغ بر آتش کباب باید کرد
مگر که واقعه رشت رفته از نظرت	چه غافل تو تورا سر حساب باید کرد
اگر بآمدن آن گروه منتظری	تورا بدار سیاست عذاب باید کرد
.	

کنون که کار وکالت زنانه باز یشد
پیرش چشم امیدای حسام زین شوری
در همین شماره اشعاری بعنوان (ادبیات) از ذبیح الله متخلص بصافی و اشعاری
بنوان (دری وری) از مسکین چاپ شده . قسمت اول باین شعر : > بعد از این ایران
گلستان میشود . کی میشود .

و بند اول اشعار دری وری اینطور شروع میگردد : دختر آمشدی احمد . گفت
بزن حاجی صد . که شام تارم را ببین . این روزگارم را ببین . بخانه پیر گشته ام .
ز عمر سیر گشته ام . قدم شده چنین دراز . چه شمع در سوز و گداز . نه مادر و پدر
دارم . نه یآوری پیر دارم .

در سال اول حصار عدل چند ماه توقیف گردیده و اولین شماره بعد از توقیف
شماره ۲۳ آنست که در صفحه اول آن هکس سردار سپه (اعلیحضرت رضا شاه فقید)
و اشعاری بعنوان (باسردار سپه در ملک صاحب اختیار) چاپ شده است .

حصار عدل مدتی بطور یومیه طبع و منتشر گردیده و در صفحه چهارم آن اخبار
ایران بزبان فرانسه و مدتی هم بزبان روسی چاپ شده است . روزنامه آینده

حرف بعدہ الصاد

حصہ اول عدل

ایران درباره این دوره از روزنامه حصار عدل مینویسد: «روزنامه حصار عدل که یگانه روزنامه قضائی و طرفدار جدی مودت ایران با روسیه میباشد امروز یازدهمین سال خدمت گزاری را خاتمه داده فردا وارد دوازدهمین سال عمر سیاسی میشود. حصار عدل اول روزنامه است که در صفحه چهارم اخبار ایران را بزبان فرانسه منتشر مینمود و اکنون برای جلب دوستی روسیه نسبت بملکت ماصفحه چهارم را بزبان روسی طبع میکند.»

آقای میرزا حسینخان کسرانی — آقای میرزا حسینخان کسرانی علاوه بر روزنامه حصار عدل بتاسیس روزنامه های زنور و جنت نیز پرداخته ومدتی این دوروزنامه را منتشر ساخته است وبهین مناسبت ما در ذیل روزنامه جنت شرح احوال ایشان را نوشتیم و خوانندگان میتوانند بدانجا مراجعه نمایند. در اینجا آنچه را درباره ایشان در شماره ۴۴ روزنامه آینده ایران مورخ ۲۰ آذر ۱۳۱۰ شمس نوشته، اضافه مینمائیم و آن این است: «آقای میرزا حسینخان کسرانی صاحب امتیاز و مدیر روزنامه یومیه حصار عدل ناشر مسائل قضائی و طرفدار تشکیل کنگره مطبوعات که با جدیت بی نظیری دوازده سالست در تیپ مطبوعات وارد شده و با طرز مفیدی مشغول انجام وظیفه هستند.»

(۴۷۱) حفظ الصحه

نمره اول از سال اول مجله حفظ الصحه بصاحب امتیازی (مودب الدوله) در طهران تاسیس و در شهر صفر ۱۳۲۴ قمری با کاغذ و خط نستعلیق بسیار خوب در ۲۷ صفحه بقطع کوچک خشتی انتشار یافته است. مجله حفظ الصحه با چاپ سنگی در مطبعه (استاد الماهر لهذا الفن الشریف آقامیرزا علی اصغر، بدستکاری آقا میرزا حسین منطبع گردید ۱۳۲۴) چاپ شده، بالای اسم مجله (حفظ الصحه) ابتدا جمله (هو الشافی) و در زیر (بسم الله الرحمن الرحیم) طبع گردیده، قیمت اشتراك سالیانه در طهران ۱۵ قران، در ولایات ایران ۱۶ قران، در روسیه ۴ منات، در فرانک در هندوستان سه رویه. قیمت يك نمره سی شاهی. خصوصیات دیگر مجله که در عنوان آن ضبط شده بدین قرار است: این جریده ماهی یک نمره در دار الخلافه بطبع میرسد. محل توزیع کوچه ناظم الاطبای در خیابان چراغ گاز (این کوچه در خیابان مذکور به همین نام هنوز باقیست. مولف) مدیر کل جلیل الاطباء در این مجله علمی اسامی و القاب با کمال اختصار نگاشته میشود، هر يك از دانشمندان و اطبای محترم که مطلب علمی سودمندی ارسال فرمایند در این مجله بطبع میرسد، نوشته که فرستاده شد و مندرج نگردید بصاحبش رد میشود. علاوه بر این خصوصیات فهرست مندرجات هر شماره روی جلد درج است.

مندرجات مجله حفظ الصحه چنانچه از اسم آن نیز پیدا است عبارت از مطالب بهداشتی و طبی است. نقل فهرست مندرجات آن بخوبی این مطلب را ثابت مینماید. فهرست شماره اول: «حفظ الصحه — تحقیقات طبی — معالجات — نسخ مفیده — حفظ الصحه عامه — تاریخ سقراط.»

مقاله افتتاحی مجله که تحت عنوان (حفظ الصحه) نوشته شده از این قرار است: «از آنجائیکه در این عصر کلیه اطلاعات مردم تربیت شده از کتب و جراید است و بحمد الله تعالی در زیر سایه امام عصر عجل الله فرجه و نظر بتاییدات ملوکانه شاهنشاه دانش دوست، دانش

حرف بعد الفاء

حفظ الصحة

پرور، مروج علوم و صنایع بندگان اعلی حضرت قدر قدرت ملک بازیب و فرمظفر التبت شاه قاجار خلد الله ملكه و سلطنة و توجهات كامله حضرت مستطاب اشرف ارفع اسعد امنع والا عين الدوله اتابك اعظم مد ظله العالی مطبعه های متعددی در پایتخت و سایر ولایات تاسیس شده و بدین واسطه هر روز کتاب تازه و روزنامه جدیدی بطبع میرسد و اسباب دانش و بینش ابنای وطن میگردد. این بنده شرمند که سالهای دراز برنج سفرهای علمی در فرك و زحمت مسافرت های ولایات ایران گرفتار و مبتلا بودم، اینك چندی سر آن دارم که از مولد عزیز هجرت نکم و بقدر قوه وجود با کمی علم و اطلاع در انتشار مطالب علمی خاصه علمیات طبی که اثر نیاکان این بنده است بکوشم اینست که بفکر ایجاد روزنامه علمی و طبی (۱) افتاده این مجله را بطبع میرسانم و از دانشمندان محترم تمنا دارم هر گاه مطلب علمی مفیدی داشته باشند اظهار فرمایند تا در اینجا مندرج شده عموم طالبان علم و هنر در این گرمی وطن از آن منتفع گردند.

در شماره اول پس از مقاله افتتاحی مذکور که يك صفحه مجله را فرا گرفته شرحی راجع (بیاطولوی) تحت عنوان (تحقیقات طبی) چاپ کرده این مقاله و سایر مقاله های شماره اول بقلم مدیر مجله است. مجله حفظ الصحة اولین مجله ایست که در زبان فارسی باین منظور تاسیس شده و به خارج آنرا تماماً مدیر مجله عهد دار بوده است. عدم آشنایی ایرانیان بموضوعات بهداشتی و استقبال نکردن از این مجله سبب گردید که پس از نشر شش شماره مجله تعطیل گردد و دیگر انتشار نیابد و تا پس از یازده سال بعد کسی بفکر نشر مجله بهداشتی نیفتد. بعد از یازده سال مرحوم مزین السلطان موفق بنوشتن مجله ماهیانه طب مصور گردید که آنهم بواسطه نامساعدتی اهالی تعطیل شد.

پس از انتشار مجله حفظ الصحة، به علت اهمیت آن، جراید وقت تقاریر غمناک و مددی درباره آن نوشته که ما برای نمونه و برای پی بردن با اهمیت مجله دوتای آنرا ذیلاً نقل مینمایم. روزنامه ادب در شماره ۱۸۵ سال پنجم مورخ ۱۱ شهریور سال ۱۳۲۴ قمری راجع بطلوع و انتشار مجله پس از بیان اهمیت حفظ الصحة اینطور مینویسد: «در ممالك متعدده چندین روزنامه باسم حفظ الصحة یا روزنامه طبی نگاشته میشود ولی در مملکت ما تا کنون کسی اقدام باین امر خیر ننموده بود مگر مجلس حفظ الصحة آنهم در کلیات بحث میکرد نه جزئیات ولی این اوقات روزنامه باسم حفظ الصحة بهست و قلم جناب اجل افضل آقای مودب الدوله یگانه فرزند فاضل دانشمند و فرزانه عالم ارجمند اجل افخم آقا میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء کرمانی طیب حضور اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی صاحب تصنیفات فائده مجله رساله حفظ الصحة از مآثر جلیله عهد همایونی ریخته قلم مودب الدوله است و مشتمل است بر اصول حفظ الصحة و اصول نسخه نویسی که هم بکار عموم بزرگان بلکه تمام مردم میخورد و هم شخص طیب مبلنی فایده از آن میبرد و هم مشتمل بر تاریخ طب و اطباء قدیم است، با خط نستعلیق مطلوب و اسلوب مرغوب و علی المعجزة ماهی یکنسخه طبع و نشر میشود.»

(۱) در اوایل قبل از مشروطیت و چندی پس از آن آنچه را امروز ما مجله مینامیم باسم روزنامه میخوانده اند مثلاً روزنامه چهره نما، روزنامه حکمت و همچنین امثال اینها.

حرف ح بعده الثاء

حفظ الصحه

روزنامه تربیت در شماره ۴۰۳ مورخ ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری با عبارات دلکش و شیرین خردتحت عنوان (مجله طبی) چنین مینویسد: «جناب معالی نصاب مودب الدوله از مشاهیر اطباءى حاذق که بوصف حسن استعداد هر گونه شایستگی ممتاز باشد این اوقات بامتياز مجله طبی یا علمى موسوم به (حفظ الصحه) اختصاص و اعزاز یافته فی الحقیقه هر ماه رساله مفید و گنجینه نافع شامل اخبار و تحقیقات تازه طبی و تراجم احوال حکما و اطباءى بزرگ و کلمات حکیمانه و سایر فواید و منافع که مدد و کمک کار و حال و معلومات طالبان علوم و معارف است منتشر مینماید و جهان درایت و روایت را بآن اطلاعات جدید و کشفیات باره می آراند. و درین فتحباب خبرت و دانش و افتتاح انجمن بصیرت و بینش انتشار این اوراق معالی نطق از غنایم بارده بشمار می آید و بصیقل کشفیات عدیده و کدورت و تورنگ قلوب و اذهان رامیزداید و مخصوصا برای اطباءى که بالسنه علمیه حالبه آشنایستند مقالات و مسطورات این مجله شریفه از نعم غیر مترقبه و قسمی تحصیل و تکمیل باشد و آنها را با اصطلاحات و ترتیبات وقت مربوط و مسبوق میسازد. • یکی از برتریهای مجله مسطور و تحریر و خط آن است که بقلم مشکین رقم جذاب فضایل و محامد نصاب سلاله العلماء و المجتهدین آقای آقامرتضی عجم آبادی سلمه الله تعالی از اماجد خوشنویسان عصر و زمان می باشد و مشارالیه مفهم رساله نخبه را با ذوقی سلیم و سلیقه مستقیم می طراز دو جلوه گر میسازد. اخرا الامر این مجله طبی فیضی عظیم و فوزی جسیم است که باید قدر آنرا دانست و بنرخ جان خرید قیمت آن در دادر الخلافه طهران سالی پانزده قران و محل توزیع در خیابان چراغ گاز کوچه ناظم الاطباء و مدیر کل نواب اشرف و الاجلیل الاطباء صاحب القاب شامخه می باشد» گمان میکنم برای تعریف و شناساندن مجله همین سطور روزنامه تربیت کافی باشد. اکنون بذکر مختصر شرح حالی از مدیر مجله میپردازیم:

دکتر مودب الدوله نفیسی

دکتر علی اصغر مودب الدوله نفیسی فرزند ارشد مرحوم دکتر علی اکبر نفیسی ناظم الاطباء، از خاندان معروف نفیسی که در کرمان و طهران ساکن بوده و اغلب افراد آن ادیب، مورخ، طبیب و صاحب فضل و کمالات زیاد بوده اند. • پدر صاحب ترجمه از اطباء معروف کشور و دارای تالیفات بسیار که از همه مهمتر فرهنگ نفیسی است که چهار مجلد آن تا کنون طبع شده. دکتر مودب الدوله نفیسی در سال ۱۲۹۱ قمری در طهران متولد و پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی در مدارس طهران برای تکمیل تحصیلات پزشکی عازم اروپا گردید و در شهرهای بروکسل و لیون با دامه تحصیلات پزشکی پرداخت و پس از خاتمه تحصیل بایران مراجعت نمود و بخدمات پزشکی و فرهنگی مشغول شد. و روده مشارالیه بایران مصادف با آغاز نهضت فرهنگی جدید بود و بهمین جهت وی وارد خدمات فرهنگی گردید و در مدرسه علمیه طهران که نخستین مدرسه ملی بود بتدریس فرانسه شروع نموده پس از آن در دارالفنون در رشته پزشکی معلم تشریح بود تا اینکه در صدر مشروطیت از طرف اهالی طهران جزو وکلای انجمن بلدیة انتخاب گشت و در دوره دوم مجلس شورای ملی از طرف اهالی کرمان

حرف بعدہ القاف

حقایق

بنابندگی انتخاب گردید . مرحوم دکتر مودب الدوله نفیسی اول کسیت که در ایران بوزارت بهداری رسید و نخستین وزارتخانه ای را که بضران (وزارت صحتیه و امور خیریه) تشکیل شده او تاسیس نموده است .

هنگامیکه اعلیحضرت فعلی ، در زمان ولیعهدی ، درسویس مشغول تحصیل بودند دکتر بعنوان پیشکاری والا حضرت درسویس بود و ناموقع مراجعت بایران ، نامبرده نیز درسویس بسر میبرد ، پس از ورود بایران نیز مدتی پیشکاری علیا حضرت ملکه سابقه را داشت . روابط دکتر با دربار سلطنتی سبب شده بود که اعلیحضرت محمد رضا شاه نسبت بوی لطف مخصوصی داشته و در موقع بیماری که منتهی بمرگ او شد پیوسته از احوالش تفقد میکردند حتی یکمرتبه هم در روز چهارشنبه چهارم خرداد ماه ۱۳۲۸ بضران عیادت بنزل او رفتند و این کار البته جز در مورد ایشان در مملکت سابقه نداشته است . دکتر پس از یک عمر خدمت بخلق و احسان بقرا و ستمدیدگان عاقبت روزشنبه چهارم تیر ماه سال ۱۳۲۸ شمسی دنیارا وداع نمود و داعی حق را لبیک گفت . از طرف دربار شاهنشاهی در روز بعد مجلس ترحیمی در مسجد سپهسالار منعقد گردید . خاندان نفیسی در ایران شهرت بسزائی دارند ؛ آقایان سعید نفیسی نویسنده معروف ، دکتر حسن مشرف نفیسی و حسین نفیسی و مهندس فتح الله نفیسی برادران آن مرحومند و آقایان دکتر عباس نفیسی ، دکتر ابوالقاسم نفیسی و مهندس حبیب نفیسی پسران فاضل و دانشمند آن مرحوم بشمارند .

(۴۷۷) حقایق

روزنامه مصور و هفتگی حقایق در شهر بادکوبه بمدیری (میرزا علی محمد خان اویسی) تاسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در تاریخ هفتم صفر سال مذکور منتشر شده و جمعا از این روزنامه هشت شماره انتشار یافته است . آقای میرزا علی محمد خان اویسی اهل اصنهان ادیبی فاضل و دانشمند و عالمی سیاسی و خردمند میباشد . هنگامیکه روزنامه حقایق را منتشر میساخته در بادکوبه نایب کنسول ایران بوده است . وی علاوه بر روزنامه حقایق کتابی بزبان فارسی بنام (سرگشت پرویز) تالیف و در اسلامبول بطبع رسانیده است . این کتاب حاوی دو پرده نمایش تاریخی است که در کمال سادگی و خلوت یگرشته از اوضاع تاریخی دربار خسرو پرویز را بنظم درآورده و در پایان آن تمثال (زردشت ، خسرو پرویز ، شیرویه و تجلی زردشت) را بچاپ رسانیده است

(۴۷۸) حقایق

در تاریخ ششم مهرماه ۱۳۰۴ شمسی شورابعلی معارف امتیاز روزنامه حقایق را بمدیری (میرزا محمدی انشائی) در شهر رشت تصویب نمود . روزنامه حقایق بعد از استقرار سلطنت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی بطلت گوشه گیری مدیران ، مرحوم انشائی

حرف ح بعده القاف

حقایق؛ حق، حقوق

دیگر منتشر نشده است. نگارنده تا کنون نمونه از این روزنامه بدست نیاورده ام. و لذا ذیلا فقط بذکر شرح حال شاد روان میرزا محمدی انشائی میپردازیم. این شرح جینه از شماره ۳۱۱ سال بیستم دوره سوم روزنامه فکر جران منطبقه رشت مورخ ۷ فروردین ۱۳۲۳ شمس قمری میگردد:

«شادروان محمدی انشائی از مردان نیکوکار گیلان بوده که از غفران جوانی با شور و حرارت تمام اوقات خود را وقف مصالح کشور و آسایش مردم مینمود قبیضه بور یکی از بانیان انجمن روحانیان بوده که در تاریخ ۱۳۲۵ قمری برای اعلاء کلمه آزادی و نشر حقایق ملی اقدام و با فشارها و تضییقات مستبدین مقابله میکرد در انقلاب مشروطه ایران بیشتر موارد با مرحوم کوچک خان که اونیز از موسسین دستگاه آزادی گیلان بوده تماس و در ایام فترت نیز از حقوق ایران و ایرانیان و بنان دفاع مینمود پس از تاسیس اساس جنگل هم باهمه سخت گیریها زمامداران خود را با مرحوم کوچک خان رسانیده و در پیشرفت عقاید طرف شور قرار گرفته و چندگاهی نیز مدیریت روزنامه جنگل را برعهده گرفته پس از شهادت مرحوم کوچک خان و استقرار حکومت سردار سپه باز یکبار تنشسته و بابت دست آوردن امتیاز روزنامه حقایق و انتشار آن با پلیس های ایام ستیزه میکرد. قید نامی از جمله منتخبین مجلس موسسان ایران بود عقاید و نظریات وی در مجلس مزبور موجب شد که بعد از استقرار سلطنت چندی گوشه گیری کرده و از نشر نامه حقایق خودداری نماید و از آن پس باهمه سختیها و تنگدستیها مناعت روحی و عزت نفس خویش را حفظ نمود. مرحوم انشائی مردی دانا خوش قریحه سخن سنج ظریف و بذله گو بود. از حیث اطلاعات با شعاع و قصاید و امثله و حکایات محلی میتوان گفت دیوان یاتذکره و جزک زنده ای بود که بیدریغ به مستمعین افاضه میداد انشائی در تاریخ یکشنبه ۲۰/۱۲/۱۷ در سن شصت و هفت سالگی بمرای باقی شتافت. مرحوم انشائی ییاکی زیست ییاکی از دنیا رفت و قلوب عموم گیلانیان و آزادبغرها ن ایران را داغدار ساخت.»

(۴۷۹) حق

در بیستم خرداد ۱۳۰۴ شمس امتیاز روزنامه حق در طهران بمدری آقای (سهراب زاده) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است. آقای بدرالملک سهرابزاده این روزنامه را هفته سه بار منتشر کرده است.

(۴۸۰) حقیق

روزنامه هفتگی حقیق بمدری و نویسنده کی (سلیمان میرزا اسکندری و برادرش حبیب میرزا و میرزا محمد خراسانی) در طهران تاسیس و در اواخر سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. شماره دوم سال اول روزنامه در ۸ صفحه بقطع ۶/۵ × ۱۱/۵ سانتیمتر طبع و در تاریخ ۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری منتشر شده. وجه اشتراك آن در طهران ۱۵ قران

حرف بعدہ القاف

حقوق ، حقیقت

در سایر شهرها ۱۷ قران ، در خارج ایران ۱۵ فرانک
روزنامه حقوق پس از آنکه مدتی تعطیل بوده مجددا در سال ۱۳۳۹ قمری به
مدیری (آقای تقیب زاده) از افاق مطبوعات طهران طلوع نموده و منتشر شده است .
دو شماره ۴ سال اول مجله علم و اخلاق مورخ ثور ۱۳۰۰ مطابق رمضان ۱۳۳۹ قمری
شرحی بعنوان تفریظ درباره این روزنامه بدینقسم نوشته است :
«وهم در این سال مجله حقوق که لیاقت و فضائل متنازه موسس آن مشهود خاص
و عام است زینت بخش مطبوعات ایران گردید.»

سلیمان میرزا اسکندی - مرحوم سلیمان میرزا فرزند محسن میرزای کفیل الدوله
پسراج محمد ظاهر میرزا مترجم معروف پسر جهانگیر میرزا پسر عباس میرزای نایب
السلطنه فرزند فتحعلیشاه دودوره دوم مجلس شورای ملی بوکالت انتخاب شد و در
دوره سوم بنمایندهگی اصفهان انتخاب گردید . مدتی نیز سمت وزارت فرهنگ را داشت
قبل از دوره پهلوی ریاست حزب دموکرات و بعد از آن پیشوائی حزب توده را بر عهده
گرفت و تا هنگام فوت باین سمت باقی بود . نامبرده در روز شنبه ۱۷ دیماه ۱۳۲۲
شمسی در طهران وفات نمود و جنازه او پس از تشریفات لازم حمل بامزاده عبد الله
گردید .

(۴۸۱) حقیقت

روزنامه حقیقت ابتدا در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران تاسیس و منتشر شده و
بیرون نام این روزنامه را در کتاب خود (ص ۷۸ کتاب برون) ذکر کرده ولی نگارنده
تا کنون نمونه از آن بدست نیاورده ام . برون نیز در ذیل اسم روزنامه یاد آور می
شود که نمونه آنرا بدست ندارد و ندیده است . بنابراین از این روزنامه هیچگونه
اطلاعی بدست نیست و اما روزنامه دیگری بهین نام (حقیقت) در سال ۱۳۰۰ شمسی
در طهران منتشر شده که بذکر خصوصیات آن میپردازیم روزنامه حقیقت در طهران به
صاحب امتیازی (ع . بهبهانی) و مدیر مسؤلی (س . م) تاسیس و شماره اول آن دروی
یک ورق بزرگ ، با چاپ سری ، در مطبعه ایران طبع و در تاریخ ۹ جدی ۱۳۰۰ شمسی
منتشر شده است . این روزنامه خود را « اجتماع و طرفدار رنجبران و اتحادیه های
کارگران » معرفی نموده و شعار روزنامه جمله « رنجبر روی زمین اتحاد » میباشد
که بالای اسم روزنامه چاپ شده . محل اداره : طهران خیابان پستخانه . قیمت روزنامه
یکساله داخله ۵۰ قران ، خارجه ۶۰ قران . شماره ۳۰ و ۳۵ قران . طرز انتشار روز
نامه هفته دوبار بوده و روزهای ۳ شنبه و پنجشنبه منتشر میشده است . در عنوان روز
نامه علاوه بر خصوصیات مذکور این رباعی درج است : « ای آنکه بزور ثروت خود
مستی با دانی که بود پس بلندی بستی . گر کارگر امروز شود خوش باتو فردا
که انتقام این هستی . »

مقاله افتتاحی روزنامه باین عبارات شروع میگردد : « حقیقت . راستی میتوان این
کلمه قشنگ این ارمان و این ایده آل تمام بزرگان و متفکرین دین را موضوع مقصود قرار

حرف به ده القای

حقیقت

داد ۰۰۰۴: در شماره اول پس از سرمقاله مذکور، مقاله تحت عنوان (سیاست اقتصادی جدید روسیه یا افلاس مسلک که ونیزم) و بعد اخبار داخله و حوادث خارجی و در پاورقی روزنامه ترجمه کتاب (پرگرام ابرفوزن تالیف کارل کائوتسکی) چاپ شده است، روزنامه حقیقت پس از مدتی هفته پنج شماره در چهار صفحه به قطع بزرگ طبع و توزیع گردیده، از این روزنامه نگارنده فعلاً تا شماره ۱۰۴ مورخ جمعه دوم سرطان ۱۳۰۱ مطابق ۲۲ ژوئن ۱۹۲۲ در دست دارد.

در روزنامه تهران مصور شماره ۱۶۳ مورخ جمعه ۴ مرداد ۱۳۲۵ شمسی درجاتی که زندگانی پیشه وری را می نویسد از کارهای نامبرده یکی تاسیس روزنامه را بنام حقیقت ذکر میکند بدین قسم که: «آقای جعفر جوادزاده (نام فامیلی سابق پیشه وری) در اوایل سلطنت اعلیحضرت قاید حزب کار را تشکیل داده و روزنامه بنام حقیقت در تهران منتشر کرده و فعالیت های تبلیغاتی دیگری نیز مبادرت نمود ولی در این بین اسنادی از جاسوسی های او را که بنفع یک دولت بیگانه بود شهربانی کشف نموده و او را دستگیر و در زندان قصر محبوس گردید»

اگر منظور از روزنامه حقیقت که ارگان اتحادیه کار بوده همین روزنامه است که ماسرح آنرا نوشتیم که این روزنامه خیلی جلوتر از اوایل سلطنت اعلیحضرت قاید تاسیس و منتشر شده و اگر روزنامه دیگریست که نگارنده از آن اطلاعی ندارم و نمونه از آن بدست نیاورده ام. ونیز (س.م) که در عنوان روزنامه مدیر مسئول معرفی شده تاکنون برنگارنده مجهول است. در روزنامه طوفان شماره ۲۷ سال دوم مورخ ۱۸ ثمر ۱۳۰۱ شمسی بعنوان اعتراض بر توقیف مجدد روزنامه حقیقت اینطور می نویسد: «بقرار اطلاعی که بداره رسیده است جریده حقیقت دیشب در حین طبع توقیف شد. پس از انتشار بیانه ۳۱ جوزا و توقیف جراید و آزادی آنها بموجب بیانه ۱۷ محرم آیا این توقیف ثانوی قصاص قبل از جنایت نیست» خبر مذکور می رساند که روزنامه حقیقت چند بار توقیف شده است.

(۴۸۲) حقیقت

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۷۸) از این روزنامه نامبرده و می نویسد: «اژلاتین بطور هفتگی در شهر رشت طبع شده و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. برون اضافه میکند که این روزنامه از طرف انجمن حقیقت رشت منتشر می شده و مقاصد این انجمن را طبع می کرده است.

(۴۸۲) حقیقت

مجله حقیقت در اصفهان بمدیری (میرزا محمد رضا حسن زاده عبرت گیلانی) تاسیس و در اواخر سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. شماره ششم سال اول مجله در ۲۱ صفحه به قطع کوچک خشتی طبع و در تاریخ ۵ شعبان ۱۹ صفر ۱۳۳۸ قمری مطابقت ۲۰ ثمر

حرف بعده القاف

حقیقت

۱۲۹۸ شمسی منتشر شده است. محل اداره: اصفهان. خیابان خوش. تلگرافی. اصفهان. مجله حقیقت. بهای مجله یکساله ۱۲ تومان است. طرز انتشار مجله در سال اول ماهی دومره بوده ولی در سال دوم هفته یک نمره طبع و توزیع شده. حقیقت مجله (سیاسی، اخلاقی، علمی، ادبی، تاریخی، اقتصادی) معرفی شده و مندرجات آن بیشتر همین مطالب است. فهرست مندرجات در سال اول پشت جلد مجله چاپ شده و مندرجات شماره شش بدین قرار است: «اسپهان بریچاگی خود ناله کن — غزل — شه از مهاجرت یا بیان حقیقت — رباعیات — تودیع — صنوق پست — تشکر — قابل توجه اداره معارف اصفهان» در سال دوم قطع مجله بزرگتر شده و در عوض از صفحات آن کاسته گردیده و در بهای آن تخفیف داده شده است. بهای مجله در این سال یکساله ۷۰ قران، ششماهه ۴۰ قران، تک شماره دهشاهی معین شده. بالای اسم مجله که بخط نستعلیق درشت چاپ گردیده این شیر بعنوان شعار درج است: «جنک هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند» در زیر اسم روزنامه سال (۱۳۲۷) و در بالای آن جمله (هوالمالم الحقیقه) چاپ شده.

شماره اول سال دوم در هشت صفحه بطح و زیری بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (جبل‌المتین) طبع و در تاریخ ۳ شنبه ۲۰ رمضان ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۸ جوزای ۱۲۹۹ شمسی توزیع گردیده. مقاله افتتاحی این سال تحت عنوان (این الوقت — این السبیل) یک صفحه روزنامه را گرفته و پس از آن راجع بانتخابات اصفهان و بعد مقاله راجع بقسمتی از مطالب روزنامه صدای طهران، و نیز اشعاری تحت عنوان (مطایبه) در روزنامه چاپ شده. از همین شماره باورقی روزنامه بعنوان (سانحه علیراد تالیف میرزا محمد رضا عبرت) شروع گردیده و تا چند شماره از سال سوم ادامه پیدا کرده است. و نیز از همین شماره ترجمه کتاب (یادگارهای یک دیوانه تالیف کنت لئوتولستوی) در صفحه آخر روزنامه چاپ شده. این ترجمه بقلم آقای مصطفی خان فاتح فرزند آقای حاج فاتح‌الملک می‌باشد و قبل از شروع ترجمه شرحی از مقامات فضلی ایشان درج شده است. این ترجمه با این ارات شروع میگردد: «امروز صبح در اطاق مشورتی حکومت من یک امتحان طبعی را گفتراندم. عقاید دکترا مختلف بود ۴۰۰۰»

حقیقت گرچه در سال دوم عنوان هفتگی داشته ولی رو بهمرفته در سال دوم بیش از ۱۲ شماره منتشر نگردیده و شماره ۱۲ آن در تاریخ ۵ شنبه ۵ رجب ۱۳۳۹ قمری مطابق ۲۵ حوت ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته و از آن پس سال سوم مجله شروع میگردد. شماره سوم سال سوم حقیقت در ۸ صفحه بهمان قطع سال دوم با چاپ سربی طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۲۶ رجب ۱۳۳۹ مطابق ۱۶ حمل ۱۳۰۰ منتشر گردیده است. از مجله حقیقت نگارنده تا شماره ۴ سال سوم مورخ ۳ شنبه ۳ شعبان ۱۳۳۹ قمری را در دست دارد. مندرجات مجله پس از درج مقاله اساسی، عبارت از یکی دوه‌قاله و اخبار شهری و اخبار طهران است. کتاب (سانحه علیراد) و (یادگارهای یک دیوانه) نیز در اغلب شماره‌ها چاپ گردیده. لازم است یاد آور شویم که اینکه حقیقت را مجله

حرف بعد الكاف

حکایت جانگداز وقایع از یزد الی شیراز

ضبط کردیم به پیروی از آنچه در عنوان آن نوشته شده میباشد و اگر نه در سال دوم و سوم حقیقت روزنامه است نه مجله و اگر این نام برای سال اول درست باشد بطور قطع در سال دوم و سوم صادق نیست نا گفته نماند که برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۷۸) از روزنامه حقیقت بهدیری سید احمد نور بخش ذکر نموده که در سال ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته ولی برون نام روزنامه را اشتباه کرده و اسم این روزنامه (نامه حقیقت) میباشد و ما در حرف نون کتاب بتفصیل از آن گفتگو خواهیم کرد.

(۴۸۴) حکایت جانگداز وقایع از یزد الی شیراز

روزنامه حکایت جانگداز وقایع از یزد الی شیراز، در شهر شیراز در مطبعه سنگی (مطبعه ایالتی) طبع و در ده صفحه بقطع وزیری منتشر شده است. انتشار دهنده این روزنامه چنانچه در عنوان روزنامه معرفی شده (حاجی فتح الله المتخلص بمفتون ابن مرحوم آقا عبدالرحیم یزدی معروف بنجفی ساکن عربستان ایران) میباشد و منظور از انتشار روزنامه بقسمیکه در ضمن ۳ سطر در زیر عنوان نوشته است: «محض استحضار نمودن دوستان و برادران وطنی خود این مختصر شرح مسافرت خودمان را از یزد الی شیراز خیلی بطور اختصار عرض میکنم که از حال ما فلک زدگان اسیر سر پنجه ظلم و ستم این غداران بدتر از وحشیان آدم خوار خبر گشته بدانند که بیچاره که از شهری بشهری مجبور مسافرت است بچه مصائبی باید گرفتار شود شاید بگنفر صاحب غیرت بی غرضی پیدا شود که درد ما بیچارگان را علاج کند. ورنه آن ها که تو بینی همه صاحب غرضند.»

با اینکه مطالب زیادی در عنوان روزنامه نوشته شده و ما ذیلاً بنقل آنها میپردازیم ولی تاریخ انتشار روزنامه هیچ کجا قید نگردیده و از اینرو تحقیق نمیتوان تاریخ روز و ماه و سال انتشار روزنامه را معین نماییم قدر مسلم این است که روزنامه در سال ۱۳۲۹ قمری و شاید در ماه شوال سال مذکور طبع و توزیع گردیده باشد زیرا نویسنده روزنامه در ۱۱ رمضان سال ۱۳۲۹ از یزد خارج شده و در هفدهم شوال بشیراز رسیده و چون از طرفی بیش از چند روزی بنا نبوده در شیراز بماند لذا سال ۱۳۲۹ قمری سال قطعی انتشار روزنامه است. و اما سایر خصوصیات روزنامه بدین قرار است: «در زیر اسم روزنامه این جمله: «شاید صاحب غیرت بی غرضی پیدا شود که علاج دردی کند.» و در طرف راست عنوان: «نزل شیراز بازار مرغ سرای دقاها هر کس طالب این ورقه باشد یا مقاله عام المنفعه داشته باشد.» و در طرف چپ: «زودتر رجوع کنید که همین دوسه روز عازم بوشهر هستم و قایمات شی از را انشاء الله از بوشهر انتشار خواهم داد.» درج گردیده. در بالای اسم روزنامه جمله: «پس از قرائت بدیگری دهند.» چاپ شده و نیز در عنوان روزنامه وجه اشتراك اینطور معین گردیده: «بدل اشتراك ترك نفاق و پیچیدن راه اتحاد و وفات و عزت وطن پرستی مطلوبست.» از خصوصیات روزنامه این که تمام صفحات آن با حاشیه سیاه چاپ شده و شاید این عمل برای جلب توجه و استرحام خوانندگان بوده که حوادث وارده بکشور را بمنزله سوگواری مهمی برای مملکت تلقی نمایند.

حرف بده الکافی

حکمت

مندرجات روزنامه چنانچه از اسم آن و از سطر یک به سابقا نقل کردیم معلوم میشود عبارت از بیان وقایع جانگداز است که از یزد تا شیراز برای نویسنده رخ داده . برای مزید اطلاع چند سطر از اول و آخر روزنامه را نقل مینمائیم . توضیح آنکه تمام ده صفحه روزنامه بیش از یک سرگذشت نیست . آغاز حکایت چنین است : « شب یازدهم صیام ۱۳۲۹ قافله مرکب از حاج و زوار و جماعتی از پارسیان (زردشنی) بتوسط حسین خان جلودار سیوندی از یزد حرکت کرده اول منزل را تفت قرار دادند از یزد بتفت پنج فرسخ است . جلودار شهر است قافله در تفت معطل مکاریان میگویند جماعتی از تجار یزدی که معروفند برب نیامده اند انشاء الله برود آنها حرکت میکنند . چهاردهم اعراب آمدند حالا دیگر میگویند که باید حسین خان جلودار بیاید و برویم (نویسنده پس از تحمل زحمات و مشقات فراوان یک ساعت از ظهر گذشته روز هفدهم شهر شوال المکرم وارد شیراز میشود . « پایان حکایت باشعاری که تحت عنوان (ساقینامه راجع باکابر ایران) درج شده ختم میگردد . چند شعر از ساقی نامه این است : مغنی بیاکامد ایام عید ❖ بی خوارگان وقت شادی رسید . بگل بلبل آمد سخنگو بیایغ ❖ تو بی باده از چستی در فراغ کجا رفت نادر شاه ارجمنده ❖ کجایند شاهان همت بلند . با اینکه نویسنده حکایت وعده داده که (وقایعات شیراز را انشاء الله از بوشهر انتشار خواهم داد) ولی ظاهراً موفق نگردیده و نگارنده روزنامه دیگری باین سبک غیر از همین شماره ندیده ام و بنابراین از روزنامه حکایت جانگداز وقایع از یزد الی شیراز . شماره دیگری منتشر نشده است . روزنامه بخل نستعلیق ریز با چاپ سنگی روی کاغذ کاهی چاپ شده است .

(۲۸۵) حکمت

روزنامه حکمت در شهر قاهره مصر بزبان فارسی بمدیری (میرزا مهدی خان زعیم الدوله) تاسیس و با چاپ سری در سال ۱۳۱۰ قمری منتشر شده است . حکمت یکی از روزنامه های بسیار مفید و خوب زبان فارسی است که تقریباً در حدود بیست سال در خارج ایران هر ده روز یکمرتبه در ۸ صفحه بقطع خشتی ۹×۱۴ سانتیمتر انتشار یافته آنچه نگارنده از روزنامه حکمت دیده تا اواسط سال نوزدهم روزنامه است و بنا بر این شرحیکه مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۰۹) کتاب دانشمندان آذربایجان (راجع باین روزنامه نوشته و انتشار آنرا تا اوایل اعلان مشروطه ضبط کرده غلط و اشتباه است . مجموعه از چند سال روزنامه حکمت در کتابخانه شهرداری اصفهان موجود است و منجمله در این مجموعه در شماره آخر سال هیجدهم مورج رجب ۱۳۲۸ قمری درباره پایان سال هیجدهم اینطور مینویسد : « امروز فیروز فرجامین روز از چهل و دومین سالست که یاری خدا خدمت بدین و ملت نموده . بویژه تاسیس و نشر جریده حکمت که این فرخنده روز پایان سال هیجدهم و شماره آینده آغاز سال نوزدهم آن بوده است . « و باتصريح مرحوم تربیت باینکه روزنامه در سال ۱۳۱۰ قمری تاسیس

حرف بعده الکاف

حکمت

شده ، پایان آنرا اوائل اعلان مشروطه دانستن اشتباه محض است . وجه اشتراك سالیانه روزنامه در ایران ۴۰ قران ، روسیه و قفقاز ۱۰ مناط ، هندوستان ۱۵ روپيه . مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی عبارت از اخبار ایران و اخبار مصر و حوادث جهان و مقالات گوناگون است که بخصوص اخبار راجع بایران آن خیلی مهم و برای مورخین مدرك قابل اعتماد است .

مرحوم کسروی در تاریخ مشروطه ایران درباره روزنامه حکمت و مدیر آن اینطور مینویسد : « نویسنده حکمت میرزا مهدی خان تبریزی از نیکانست . روزنامه او را کم دیده ام ولی از نیکیش آگاه میباشم این مرد دانشمند میبود و کتابها نیز نوشته و شعرهای وطنی نیز میسروده (مرحوم چهره نما مدیر روزنامه چهره نما منطبقه مصر وجود تالیفات و تصنیفات را برای زعيم الدوله انکار نموده و مینویسد مشارالیه همیشه ادعا میکرد ولی مع الاسف پس از مرگش سطری از آنها در اوراق باقیمانده اش دیده نشد (مولف) در سال ۱۲۷۹ گویا بتهران آمده و اتابك با او بذیرائی و مهربانی دریغ نگفته و لقب زعيم الدوله و سالانه سیصد تومان برایش از شاه گرفته ولی تا آنجا که ما میدانیم اینها او را از راه نبرده است » آنچه را مرحوم کسروی راجع باعطاء لقب زعيم الدوله بمدیر روزنامه حکمت نوشته ، در روزنامه ایران نمره ۱۰۰۴ مورخ ۲۳ رجب ۱۳۱۹ قمری ، نیز خبر آنرا بدینقسم درج کرده است : « حاجی میرزا مهدی خان دکتر تبریزی دیر و مدیر روزنامه گرامی حکمت که از چهل سال قبل تاکنون در کسب علوم و نشر فضایل از افق مصر لامع و با سرمایه دانش همواره مشغول خدمت دین و دولت است تقریباً از یکسال قبل تاکنون که بدربار همایون آمده کرارا مورد مراحم شهرباری گردیده و در این ایام محض مزید افتخار او بتصویب جناب اتابك اعظم او را بلقب زعيم الدوله ملقب و سرافراز فرمودند » مرحوم زعيم الدوله با لحن برهشتاد سال عمر نمود و از این هشتاد سال قریب شصت سال آنرا در مصر توقف داشت و اول کسی بود که در مصر روزنامه بزبان فارسی منتشر کرد . عاقبت پس از سه سال که در بستری بیماری جایگیر شده بود در روز دوشنبه ۴ محرم سال ۱۳۳۳ قمری در مصر رخت از جهان فانی بربست و برای جاودان شتافت . مدیر چهره نما در شماره ۲۰ سال ۱۱ روزنامه خود تحت عنوان (فقدان یکی از ارکان معارف یا وفات زعيم الدوله) مینویسد : « بازافق معارف و مطبوعات ایران از فقدان درخشان آفتابی عوارف افروز تیره و تاریک و بدر آسمان ادبیات ایران زمین نزار و باریک گردید و در روز دوشنبه چهارم محرم یگانه زمیل مکرم و هم عصر مخم ما (دکتر میرزا مهدیخان زعيم الدوله و رئیس الحکما حکیم تبریزی مدیر روزنامه نامی حکمت فارسی منطبقه مصر) پس از سه سال کشیدن امراض گوناگون ندای یا ايتها النفس المطمئنه ارجی الی ربك را لبیک اجابت گفت و از این دارفانی بسرای جاودانی شتافت » مدیر چهره نما در پایان این شرح راجع بتالیفات مدیر حکمت مینویسد زعيم الدوله قولاً و قلماً مدعی بسا تالیفات و تصنیفات بود که مع الاسف سطری از آنها در اوراق باقیمانده اش دیده نشد و معلوم شد از کتم عدم با بر صه شهود بالمره نگذاشته بوده . »

حرف بعده الام

حلاج

نگارنده تا کنون از تالیفات زعیم الدوله کتابی ندیده ام و بنا بر این نمیدانم تا چه اندازه اتهام مدیر چهره نما وارد است ولی آنچه اطلاع دارم اعلانی است که مدیر روزنامه حکمت در شماره ۲۳ سال دوم روزنامه ثریا مطبعه مصر درباره دو کتاب تا لیفی خود نموده . طبق این اعلان دو کتاب مذکور یکی (فرهنگ مهدی) است که بزبان فارسی و عربی نوشته شده و دارای چهل هزار کلمه فارسی و چهل هزار کلمه عربی بنا شواهد و امثله بیشتر است . این کتاب بطرز قاموس های فرنگی و درسه مجلد که حجم هر جلد باندازه شاهنامه فردوسی و قیمت سه مجلد ۱۸۰ قران است . دوم جهان نمای مهدی یا تقویم پنج هزار ساله . طبق اعلان مولف برای این کتاب ۱۲ سال زحمت کشیده و هر دوی این کتاب تحت طبع واولی پس از ۱۸ ماه و دومی پس از ۳۰ ماه از طبع خارج میگردد این بود خلاصه از اعلان مدیر حکمت ولی هما قسم که یاد آور شدیم نگارنده هیچک از دو کتاب را تا کنون ندیده ام .

(۴۸۶) حلاج

روزنامه حلاج در طهران بمدیری (حسن حلاج) تاسیس و در سال ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده است . حلاج در سال اول و دوم مرتباً هفته یک شماره منتشر شده تا کودتای نود و روزه سید ضیاء الدین که اغلب جراید دوچار توقیف گردیده حلاج نیز مدت سه ماه توقیف بوده و پس از آن مجدداً منتشر شده است ، در طول مدت انتشار دو سال هفته دو شماره و بقیه را هفته یک شماره انتشار داده است . اداره مجله فلاحت مرتباً شماره های سال دوم حلاج را بدین ترتیب اعلام بوصول نموده : شماره سوم از سال دوم در برج سنبله شماره ۴ ، ۵ در برج میزان شماره ۶ در برج عقرب ، شماره های ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ در برج قوس ، شماره های ۱۳ ؛ ۱۴ ؛ ۱۵ ؛ ۱۶ در برج جدی ، شماره های ۱۷ ؛ ۱۸ ؛ ۱۹ ؛ ۲۰ در برج دلو سال ۱۲۹۹ شمسی با اداره مجله رسیده است . شماره ۷ سال چهارم هم روزنامه در ۸ صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (بوسفور) طبع و در تاریخ ۳ شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۶ دیحجه ۱۳۴۹ قمری منتشر شده محل اداره روزنامه : طهران ، خیابان ناصریه . آبونمان روزنامه : یکساله در داخله ۵۰ قران ؛ ششماه ۲۵ قران ؛ خارجه یک لیره انگلیسی . تک شماره ۸ شاهی . سر لوحه روزنامه عبارت از مرد حلاجیست بالاس قدیم که یک دست کمان حلاجی و بادست دیگر مشته حلاجی را گرفته و مشغول حلاجیست . از زیر دست او پنبه های حلاجی شده که روی آن ها یک ورقه روزنامه (حلاج) است بیرون می آید . در این سر لوحه هواپیمائی در هوا پرواز میکند و نیز واگنی روی خط آهن از تونل بیرون می آید و دود آن هوا را پر کرده و در مقابل آن آهومی در حرکت است . بالای این سر لوحه جمله (حول حالنا الی احسن الحال) و در زیر آن کلمات : (سیاسی ؛ اجتماعی ، اقتصادی ، تکلمی) نوشته شده است .

روزنامه حلاج بعد از شهریور ۱۳۲۰ دوره سوم خود را شروع نموده و اولین

حرف بهاره اللام

حلاج

شماره این دوره در تاریخ شنبه ۲۸ شهریور ماه ۱۳۲۱ منتشر شده است. در این شماره که در ۸ صفحه انتشار یافته، در مقاله افتتاحی تحت عنوان (تجدید روزنامه حلاج برای چیست؟) اشاره بادوار سه گانه روزنامه نموده و بذکر دوره های مختلف آن پرداخته است. منجمله در باره دوره اول مینویسد: «آغاز چاپ و انتشار نامه حلاج در سال ۱۲۹۸ خورشیدی دوهنگامی شروع شد که در نتیجه جنگ بین الملل ۱۹۱۴ - تا ۱۹۱۸ میلادی و عبور و مرور لشکرها ی یگانه در قسّت و سیمی از کشور و دخالت یگانگان در امور سیاسی و اقتصادی بویژه ایجاد پلیس جنوب در فارس و کرمان و اثرات میثوم قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران و ادامه قحطی و گرسنگی مردم بواسطه خرابی های وارده از قشونکشی اجانب و پیدایش انقلاب گره نسکی در روسیه و عقب نشینی نا منظم قشون تزاری در خاک وطن و ضعیف شدن کشور باندازه وخیم شده بود که در ظاهر آثار بهبودی و اصلاح ناپیدا و بیشتر دانایان با چشم بدینی باوضاع نگرسته و آینده آنروزی را بسیار تیره و خطرناک میدانستند دریک چنین هنگامه پرخطر که یک از هزار گفتیم کارکنان نامه حلاج دامن مردانگی را بکمر زده ۴۰۰۰» در این شماره در پایان سرمقاله مذکور در باره خط مشی روزنامه اینطور مینویسد: «سعی در وضع قوانین حفظ حقوق کارگران و ارباب و رعیت و بسط دایره تعلیمات ابتدائی، کوشش در ایجاد انجمنهای ایالتی و ولایتی و توسعه اختیارات شهرداریها از طرفی و تهییج برادران ایرانی خود برای پشتیبانی از استقلال کامل کشور و حفظ کیان ملی خواهد بود. تا خدا چه خواهد؟» در دوره سوم یعنی دوره روزنامه بعد از شهریور ۲۰ علاوه بر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول (حسن حلاج) آقای (علی جعفری) بعنوان مدیر داخلی و ناشر معرفی شده است. حلاج بعد از شهریور نیز مانند دوره دوم بدون ترتیب و هرچندی یگبار منتشر شده و در حین تحریر این قسمت مدتیست انتشار نیافته است.

(۴۸۷) حلاج

آقای حسن حلاج علاوه بر روزنامه حلاج که شرح آن گذشت مجله هفتگی و فکاهی و کاریکانوری بنام مجله حلاج تاسیس و منتشر ساخته است. امتیاز مجله حلاج در طهران در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته ولی پس از دو سال یعنی در مهر ۱۳۰۶ شمسی منتشر گردیده. محل اداره مجله دفتر نامه ملی حلاج خیابان ناصریه معین شده و در عنوان مجله حلاج مجله ادبی، مصور، فکاهی و اقتصادی معرفی گردیده است. سبک مجله حلاج تا اندازه شبیه بروزنامه ناهید می باشد. برای آشنا شدن خوانندگان بسبک مطالب این مجله قسمتی از مندرجات شماره دوم آنرا ذیلا نقل مینمائیم. یکی از مقالات این شماره تحت عنوان (کار کردن خر و خوردن یابو) نوشته شده و بدین قسم شروع میگردد: «آقای مدبر درست وضعیت زندگی ما توده بدبخت همان وضع کار کردن خراست و خوردن یابو. خر بیچاره از سفیده صبح تا چند ساعت هم از شب رفته مشغول سیخو خوردن و کثیدن بارهای سنگین

حرف بعد الام

حلاج؛ حوادث

و زجرهای فراوان است و در مقابل چه داردهمان چند مشت کاه...» از مندرجات مجله حلاج (تفسیر لغات) و (تلفون) و (قاموس حلاج) است. منجمه از لغاتی که در شماره دوم تفسیر شده لغات متحد المال، صادرات، جنایت. اجتماع است. در تفسیر لغت متحد المال مینویسد: «کاذبیکه بعد از خواندن نباید بآن عمل نمود». درباره انتشار حلاج نکاهی این قطعه سروده شده است:

افتتاح نامه حلاج شد	بر مجلات زمانه تاج شد
جامع از علم فنون و اطلاع	فی المثل چون بحر امواج شد
از عبار آتش تمدن آشکار	از سیاسیات استخراج شد
زرد چون شد جمله اشجار علوم	این مجله سبز همچون تاج شد
در مجلات جهان چون بکریم	در میان جمله چون منہاج شد
ای مکنون اب فرو بند از سخن	پیش تیر مفسّدین آماج شد

همانقسم که یاد آور شدیم مجله حلاج مصور بوده و منجمه از تصاویر و کاریکاتورهای آن کاریکاتور مقایسه فرزندان ترا که در گذشته و حال است که جمعی از آنها بحضور اعلی حضرت شاه قید رسیده اند.

آقای حسن حلاج — آقای حلاج در پاسخ نامه نگارنده شرح زیر را مرقوم داشته اند: «دوست دانشمند حضرت آقای محمد صدر هاشمی نامه سرکار را خواندم و بر همت شما آفرین گفتم که عازم شده اید برای نیکنامی تاریخی خود (!) بگفته شاد روان فردوسی آثاری باقی بگذارید که از گزند آفتاب و باران اقلاتا چند قرن مصون و محفوظ باشد. ۱ — چنانکه میدانید این رهی در هیچ يك از آثارم اعم از روزنامه حلاج یا تاریخ نهضت ایران یا نمایشنامه دسته گل سعدی یا تاریخچه فرهنگ و نظایر آنها تصویری از خود نگذاشته ام فقط در بیست سال پیش آقای جاهد تصویر این جانب را در ردیف برخی از روزنامه نگاران دیگر تهران بچاپ رسانیده اند و بس. ۲ — در موضوع شرح حال البته میدانید که ارادت مند از مقام حلاجی تا معاشرت با اعلی حضرت فقید رضاشاه را طی کرده ام یعنی این حقیر نخستین کارگری میباشم که در حدود سی سال اعم از متوالی یا متناوب روزانه با سالانه عهده دار اوراق مختلف سیاسی و جدی و فکاهی نامه ملی حلاج بوده و با تمام تحولاتیکه در این کشور روی داده است بکار خود ادامه داده و فعلاً بواسطه ناسازگاری مزاج در اداره کل نگارش وزارت فرهنگ بسمت بررسی جراید و کتب یا کارشناس مطبوعات بخدمات مطبوعاتی ادامه میدهم یعنی کار میکنیم و نان میخورم و خیلی از خداوند توانا راضی هستم که راحتی الامکان از خطاهای طماعانه محفوظ داشته است در هر صورت موفقیت آن جوان با قریحه را از خداوند متعال خواهانم. با تقدیم احترامات فائقه. حسن حلاج» نامه مذکور مورخ به تاریخ ۸ مرداد ۱۳۲۸ شمسی است.

(۴۸۸) حوادث

روزنامه حوادث در سال ۱۳۰۷ شمسی در طهران تاسیس و هفته دو شماره منتشر شده است.

(۴۸۹) حیات

روزنامه هفتگی حیات در سال ۱۳۲۸ قمری در طهران منتشر شده است. این شرح را برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۷۹) درباره روزنامه حیات نوشته ولی در شماره ۱۴ سال اول روزنامه یادگار انقلاب منطبقه طهران مورخ دوشنبه ۲۷ شهر شعبان ۱۳۲۷ قمری بعنوان تخریض راجع بدو روزنامه حیات و تهذیب مینویسد این دو روزنامه تازگی طبع و نشر شده و عالم مطبوعات را رونق بخشیده است. از شرح مذکور معلوم میشود حیات در سال ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته و سال ۱۳۲۸ که برون ضبط کرده اشتباه است. بخصوص که برون نمونه این روزنامه را در دست نداشته است. در طهران روزنامه دیگری بنام حیات تاسیس و منتشر شده که عن قریب از آن گفتگو خواهیم کرد.

(۴۹۰) حیات

روزنامه حیات در شهر شیراز بدیری (شیخ محمد حسین حیات) در سال ۱۳۲۸ قمری تاسیس و منتشر شده است. بنا بذوشته سالنامه معارف فارس بعضی از مقالات این روزنامه بقلم مرحوم ایا صوفی امیر شاه مشهور به (آقا صوفی) است. روزنامه حیات ارگان حزب دموکرات فارس بوده و در قضایا و حوادث انقلابات فارس در سنوات ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ قمری نقش عمده داشته است. برای اطلاع از این حوادث بکتاب فارس و جنگ بین الملل تألیف رکن زاده آدمیت رجوع شود و نیز ما در همین کتاب در ذیل روزنامه حافظ استقلال مختصراً اشاره باین حوادث نموده ایم. در کتاب مذکور یعنی فارس و جنگ بین الملل مقالات مختلفی از روزنامه حیات نقل نموده من جمله در صفحه ۱۸۴ مکتوب قوام الملک را بقائیدین انقلاب فارس که در تلگرافخانه بودند از شماره ۲۰ روزنامه مورخ ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری نقل نموده و نیز در صفحات ۲۸۴ و ۲۸۵ تحت عنوان (نظری بجراید زمان) مقاله از شماره ۵۴ روزنامه مورخ ۲۸ ربيع الاول ۱۳۳۴ قمری نقل نموده. قسمت اول این مقاله بدین قرار است: «يك نظر باوضاع فارس - اگر چه صفحه جنوب بالنسبه بنقاط شمالی ایران کمتر در زیر فشار خارجه و تحکیم یگانه بوده ولی در داخل وقایع و اتفاقاتش شایدان اهمیت و قابل نظر است خطه فارس عقب ترین نقاط ایران است که با قافله مشروطیت و دوره تجدد ایران براه افتاده اولین کسی که خواست ترتیبات اداری و قانونی را در فارس طراحی و مهندسی کند سهام الدوله بود که بایک عجله و شتاب فوق العاده بنای تاسیس عمارات قانونی را نهاد ولی چون شالوده خراب بود و قوائم آن بنا به بیداری ملت مستحکم نشده بود آن عمارات از هم ریخت و دیر نباید بهر حال یادگار بیهای اوضاع تجدد را از خود بیادگار گذاشت و رهسپار طهران شد...» علاوه بر آنها مقالات دیگری از روزنامه حیات نقل شده است. بنابراین قدر مسلم این است که حیات تا سال ۱۳۳۴ قمری در شیراز منتشر شده و لذا آنچه در سالنامه فارس نوشته و انتشار روزنامه را تا سال ۱۳۳۲ قمری دانسته اشتباه محض است. روز

حرف بده الیاء

حیات

نامه حیات معمولاً در چهار صفحه بقطع ۶/۵×۱۲ سانتیمتر، با چاپ سنگی و خط نستعلیق بسیار خوب چاپ شده و وجه اشتراك سالیانه آن ده تومان است.

شیخ محمد حسین حیات - در کتاب فارس و جنگ بین الملل در جائیکه اسامی چند از احرار و پیشقدمان آزادی فارس را نوشته شرح حال شیخ محمد حسین مدیر روزنامه حیات را اینطور مینویسد: «مرحوم شیخ محمد حسین حیات مدیر و نویسنده روزنامه حیات و مدیر مدرسه شریعت از پیشقدمان آزادی و پیشوایان مملکت دموکراسی بود که جز راه راستی و طریق وطن پرستی نمیپیمود و در این راه رنجها برد و نسبت بمعارف فارس خدمات گرانها انجام داد تا در اواخر عمر سمت ریاست معارف فارس را داشت و در سال ۱۳۴۶ قمری برای دیگر رخت بست و قلوب احرار را از فقدان خود داغدار نمود». ص ۱۱۶ کتاب ۴۰ در قسمت دیگر همین کتاب (ص ۲۹۵) در جائیکه از گرفتار شدن آزادی خواهان و دموکراتها در حادثه فارس گفتگو میکند راجع بگرفتار شدن شیخ محمد حسین حیات چنین مینویسد: «۰۰- از دموکراتها هر که را میدیدند کتک زده عبا از دوش و کلاه از سرش میربودند و با سرو پای برهنه، برگل و سنگ فرش زمین کشیده می آوردند. شیخ محمد حسین حیات را از مدرسه شریعت سرو پای برهنه بهمان نحو مذکور بیرون کشید، و کتک زیادی زده سرش را بضرب سنگ شکسته و بنظمیه آوردند. طیب نظمیه سر شکسته او را بسته و تا شب در نظمیه توقیف بود و نیمه شب رها شد».

اگر بخواهیم واقعه فارس را بطور خلاصه بنویسیم باید بگوئیم انقلاب فارس نهضتی بود که جمعی از علاقمندان بآزادی و مبین بر علیه نفوذ انگلستان در صفحات جنوب در سال ۱۳۳۳ قمری بر پا نمودند و این انقلاب گرچه موقتاً بدست قوایان خاموش گشته ولی دنباله آن تا پایان جنگ بین الملل اول طول کشید و حوادث دشتی و برازجان و بوشهر را پیش آورد. شیخ محمد حسین حیات نیز در این نهضت شریک و همکار آزادیخواهان بود.

(۲۱۱) حیات

روزنامه حیات در طهران بصاحب امتیازی و مؤسسی (فلسفی) و مدیر مؤسسی (هدایت افه دآوری) تاسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ طبع و در تاریخ دوشنبه ۲۷ رجب ۱۳۴۰ قمری مطابق ۶ حمل ۱۳۰۱ شمسی توزیع شده است. محل اداره روزنامه: طهران. خیابان باب همایون. قیمت اشتراك سالیانه داخه ۵۰ قران شش ماهه ۳۰ قران، خارجه اجرت پست علاوه میشود. تك نمره شش شاهی. درخیزان روزنامه حیات (مروج معارف و طرفدار حقوق عوام) معرفی شده، مقاله افتتاحی یا سر مقاله شماره اول تحت عنوان (حقوق ملت - مساوات - آزادی) تدوین یافته و در صفحات سوم و چهارم روزنامه مقاله بقلم فرخی مدیر طوفان تحت عنوان (علت تحصن من رفقا! برای اینکه) که خلاصه آن فرخی علت تحصن خود را در مجلس ذکر کرده، چاپ شده است در شماره دوم طرز انتشار روزنامه را هفته سه شماره نوشته و وعده داده است که بعداً یومیه خواهد شد. شماره ۸ سال اول حیات در تاریخ ۲۹ سنبله ۱۳۰۱ و شماره اول

حرف بعده الیاء

حیات ، حیات ایران

سال دوم با قطع بزرگ بمؤسسی و مدیر مسئولی فلسفی در تاریخ یکشنبه ۴ ذیقعد مطابقی ۱۹ جوزای ۱۳۰۳ شمسی طبع و توزیع شده . فاصله زیاد بین نشر سال اول و دوم روزنامه سبب گردیده که مدیر آن سرمقاله شماره اول سال دوم را برای توضیح این مطلب اختصاص دهد و آنرا تحت عنوان (پس از پانزده ماه تعطیل) بنویسد . سرمقاله مذکور میرساند که روزنامه پانزده ماه تعطیل بوده است . در این سال محل اداره : طهران . خیابان چراغ برق ، کوچه مسجد سراج الملك و طرز انتشار روزنامه هفته سه بار معین شده است .

چیزیکه در این شماره یعنی شماره اول سال دوم حیات خیلی تازه گوی دارد آنست که صفحه سوم این روزنامه بنام روزنامه (اصلاح) طبع شده . در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه اصلاح خصصیات این روزنامه ذکر شده مع ذلك بطور اجمال باز یادآور می شویم که صفحات سه و چهار روزنامه حیات بنام اصلاح طبع و توزیع شده و دو حقیقت این دو صفحه روزنامه ، مستقل و جداگانه بوده چنانچه شماره های هر کدام نیز بایکدیگر فرق دارد مثلا شماره ۴ حیات ؛ شماره ۱۰ اصلاح است . همچنین صاحب امتیاز و مدیر مسئول اصلاح میرزا محمد رضای بوشهری . معرفی شده ولی قیمت روزنامه همانست که در عنوان روزنامه حیات نوشته شده است . مندرجات این دو روزنامه بایکدیگر فرق دارد و هر کدام دارای سرمقاله علیحده و اخبار مختلف و جداگانه است . سرمقاله اصلاح در شماره اول سال دوم حیات تحت عنوان (نظری در کتب تعلیمیه) میباشد .

حیات ایران (۴۹۲)

روزنامه حیات ایران در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (ناصر سیف) تاسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی در مطبعه (برادران باقرزاده) طبع شده و در تاریخ پنجشنبه ۱۸ شوال ۱۳۴۰ قمری مطابق ۲۰ جوزای ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . حیات ایران در سال اول تحت نظر هیئت تحریریه منتشر میشده ولی در سنوات بعد اسمی از هیئت تحریریه در بین نیست . محل اداره روزنامه در سال اول خیابان صیقلی شاه و بعدا در خیابان ناصریه بوده ، آدرس تلگرافی : حیات ایران وجه اشتراك طهران سالیانه ۶۰ قران ، ششماهه ۳۰ قران ، ولایات بترتیب ۷۰ قران ، ۴۰ قران ، ۲۵ قران . خارجه باضافه قیمت پست . تك نمره ۸ شاهی . در عنوان ؛ بالای اسم روزنامه (حیات ایران) جمله به نستعلیق در زیر آن عبارت (حیات ایران در قیام ملی است) چاپ شده . مقاله افتتاحی روزنامه بعنوان (مملك حیات ایران) است و بدین قسم شروع میگردد : « هموطنان . یگبار دیگر تقدیر ما را و امیدارد قلم بردست گرفته در مقابل مشکلات لاتحصی امروزه قسمتی از وظایف نا تمام خود را ایفا نمائیم و آنچه را که دیروز در صفحات نجات ایران از معلومات دوره مشروطیت در معرض افکار میگذرانیدیم امروز نیز در ستونهای حیات ایران بارعایت کمال انصاف بگذرانیم ... » در این مقاله پس از آنکه شرح مفصلی از مزایای روزنامه حیات ایران نوشته در پایان اینطور مینویسد

حرف بعدہ الیاء

حیات ایران

« جریده حیات ایران بهم فکری جمعی از محترمین و آزمودگان فرقه مقدس دموکرات طهران و قلم نویسندگان مطلع و بصیر و مجرب منتشر میشود . »
در شماره اول پس از سرمقاله مذکور يك اعلامیه و بعد مقله (ما و جراید مرکز) و اخبار داخله و خلاصه اخبار دارالشورای ملی و اخبار خارجه چاپ شده . اعلامیه مذکور عبارت از (قطعنامه کمیته قیام ملی طهران) است . سرمقاله شماره دوم بعنوان (ما و انگلیسها) است و این سرمقاله تا شماره ششم روزنامه ادامه دارد . در شماره ششم فقط عنوان سرمقاله (ما و انگلیسها) چاپ شده و جای سرمقاله سفید است . درباره چاپ نشدن سرمقاله در این شماره مینویسد پس از نشر مقالات ما و انگلیسها رئیس الوزرا مدیر ما را خواست و گفت انتشار این مقالات با تشدید روابط منافات دارد ولذا ما دیگر آنرا چاپ نکردیم . در روزنامه حیات ایران مقالات مسلسلی تحت عنوان (راجع بطبرستان) نوشته شده . طرز انتشار روزنامه هفته دوشماره بوده و روزهای دوشنبه و پنجشنبه منتشر میشود است .

شماره ۹۲ سال دوم و شماره ۹۳ این سال بترتیب در پنجشنبه ۴ جمادی الاول و دو شنبه ۸ جمادی الاول مطابق ۲۱ قوس و ۲۵ قوس ۱۳۰۲ شمسی ، هر دو روی يك ورق بزرگ با چاپ سری در مطبعه برادران باقرزاده طبع و توزیع شده است . در سال دوم نیز حیات ایران يك روزنامه سیاسی اجتماعیست و علاوه بر سرمقاله و مقالات مختلف اخبار داخله و خارجه و اخبار ولایات در آن درج است .

در اواخر این سال یعنی در جدی ۱۳۰۲ شمسی آقای ناصر سیف ؛ صاحب امتیاز و مدیر روزنامه ، از اردیل بوکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردیده و از این جهت در شماره ۱۱۷ حیات ایران مورخ دلو ۱۳۰۲ اعلانی ؛ این مضمون نموده که چون من تمام اوقاتم در مجلس میگذرد دیگر بکار روزنامه نبرسم مسئولیت امور روزنامه را بعهده آقای میرزا حسن خان منشی زاده واگذار مینمایم . بدین ترتیب آقای ناصر سیف از کار روزنامه کناره گیری نموده و از شماره ۱۲۱ سال دوم مدیر و سردیر مسئول (منشی زاده تبریزی) معرفی شده و اسم ناصر سیف بعنوان صاحب امتیاز چاپ گردیده است . از این پس حیات ایران يك روزنامه انتقادی و طرفدار سردار سپه و حکومت جمهوریست . در سال سوم بعلت گرفتاری های ناصر سیف و همچنین منشی زاده (نامبرده نیز در دوره پنجم مجلس نماینده بوده است) حیات ایران مدتی تعطیل بوده و این تعطیل از پنجم سنبله تا برج جدی طول کشیده و بالاخره شماره ۱۳۱ سال سوم پس از يك تعطیل متددر تاریخ سه شنبه ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۴۳ شمسی منتشر شده و در همین شماره شرحی بعنوان تمجید و تحریف از کارهای سردار سپه نوشته است . ظاهراً این دفعه هم روزنامه دوچار تعطیل گردیده و برای بار دیگر در سال ۱۳۰۴ شمسی مجدداً منتشر شد . ولی این مرتبه نیز دوامی نکرده است .

آسید میرزا آقای فلسفی — آقای میرزا آقای فلسفی مدیر روزنامه حیات ایران و حیات جاوید از اهل اصفهان و از پیشقدمان آزادیست . وی قبل از شروطیت

حرف ح بعده الیاء

حیات ایران

پس از ورود از اسلامبول بطهران ، بدستور عین الدوله ، باتفاق مجدالاسلام و مرحوم رشديه شبانه دستگیر و پس از روانه نمودن آنان بکهریزك ، از آنجا بکلات نادوی تبعید گردیدند . تفصیل این تبعید را ما در ذیل روزنامه ندای وطن در شرح احوال مجدالاسلام ذکر خواهیم کرد . در اینجا آنچه از زندگانی فلسفی مربوط بنمایندگی او از تبریز و حوادثیکه در این شهر برای او پیش آمده است شرح میدهیم . مرحوم کسروی در بخش دوم تاریخ مشروطه (ص ۹۶) درباره رفتار مردم تبریز با میرزا آقا اصفهانی اینطور می نویسد : « در همان روزها (منظور سه شنبه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری است) يك كار ناستوده از تبریزیان سرزد و آن آوردن میرزا آقا اسپهانی به تبریز بود که اینزمان از استامبول بیرونش کرده بودند . تبریزیان نام میرزا آقا را در میان یشنگامان مشروطه خواهی شنیده و داستان بیرون راندن او از طهران و فرستادنش را بکلات در صدر اعظمی عین الدوله کم یا بیش دانسته بودند و از اینرو ارج بسیار باو مینهادند و چون گفته میشد انگیزه بیرون کردن او را از استامبول میرزا رضا خان ارفع الدوله سفیر ایران فراهم آورده در سایه دشمنی که همگی آزادخواهان با ارفع الدوله میداشتند و او را هوا خوا . روس و بدخواه ایران میشناختند با رج و جایگاه میرزا آقا افزودند و پیش خود او را یکی از گردان جهان آزادخواهی پنداشتند و از اینرو در پاس و پذیرائی با او از انداز بسیار دور افتادند و روزیکه اوزراه مرند و صوفیان تبریز میرسید . نمایندگان و سران آزادی و انبوه آزادخواهان و دسته های مردم تا پل آجی به پیشواز شتافتند و او را باشکوه بسیار بزرگی شهر آوردند و باین بس نکرده يك کس ناآزموده و ناشناخته ابراهیم خود گردانیده در انجمن جا دادند و همگی گوش بچربزبانیهای او تیز کردند و خواهیم دید که چگونه از این رفتار خود پشیمان گردیدند . » از کارهای دیگر آسید میرزا آقا رفتن او نزد اقبال السلطان است . که ویرا متهم بگرفتن پول و علیه مشروطه خواهان نمود . اقبال السلطان در ابتدا خود را مطیع انجمن و آزادخواهان قلمداد میکرد و لی پس از آنکه محمد علی شاه برای سرکوبی آزادخواهان تبریز لشکر بدانجا کشید اقبال السلطان نیز بكمه اوقشونی بتبریز فرستاد . اینك شرح رفتن میرزا آقا را نزد اقبال السلطان از بخش دوم کتاب مشروطه ایران (ص ۲۵۷) نقل مینمائیم : « از کارهای میرزا آقا یکی این است که پس از انتخاب شدن از تبریز با اینکه نمایندگان بتهران رفته وی هنوز بخواش مردم در تبریز بود . روزی در انجمن از خرابی اوضاع خوی سته بودن بازار آنجا سخن بمیان آمده ، میرزا آقا داوطلب میشود بخوی برود و اوضاع آنجا را مرتب کند لهذا بهراهی میرزا غفار زنوزی و یعقوب مجاهد (در بان انجمن) روانه گردید و چون بخوی رسید که گفتگوی آشتی در چورس پیش رفته بود لذا با کمی نصیحت مردم را بیاز کردن بازار واداشت و این يك هنری از او شمرده شد و طرفدارانش در تبریز بمدح او پرداختند بعد میرزا تنها با کو روانه شد که اقبال السلطان را به بیند و در این رفتن بود که سرزبانها افتاد از اقبال السلطان پولی گرفت . » کسروی درباره رفتار انجمن تبریز و عاقبت کار نمایندگی آسید میرزا آقا در جای

حرف بعده الیاء

حیات ایران ؛ حیات جاوید

دیگر بخش دوم کتاب اینطور مینویسد: « یکی دیگر از نمایندگان تبریز میرزا آقا اسبانی میبود که تبریزیان فریض را خوردند و با پذیرائیها نگاهش داشته سپس نیز نمایندگی بمجلس فرستادند لیکن کمی نگذشت که دانسته شد درماکو از اقبال السلطان پولی گرفته و از اینسو چون تهران رسید درنهمان بادر بار بستگی یافت و بزبانها افتاد که محمد علی میرزا را بیر انداختن مجلس دلیر تر میکرداند . کار سرائی این مرد بجائی رسید که در روزنامه پول گرفتنش را نوشتند و شعر چاپلوسانه ای که درستایش ارفع الدوله سروده بود بچاپ رسانیدند و سر انجام انجمن ایالتی تلگرافی بدار الشوری فرستاده از نمایندگی او از سوی آذربایجان یزازی نشان داد ، (ص ۳۸۷ کتاب). » این بود قسمتی از زندگانی آقا سید میرزا آقا فلسفی اصفهانی مدیر روزنامه حیات ایران نامبرده قبل از تاسیس روزنامه حیات ایران ، روزنامه دیگری در طهران بنام حیات جاوید منتشر ساخته که ذیلا بذکر خصوصیات آن میپردازیم .

(۴۹۴) حیات جاوید

قبل از آنکه بذکر خصوصیات این روزنامه بپردازیم لازمست یادآور شویم که در اصل روزنامه ، حیات ایران ، با واو (حیوة ایران) نوشته شده ولی چون در زبان فارسی همه جا حیات بدون واو است لذا مانیز به پیروی از این اصل آنرا بدون واو نوشتیم . روزنامه حیات جاوید در طهران بمدیری و سردیری (فلسفی) تاسیس و در سال ۱۳۳۷ قمری منتشر شده است . شماره های سال دوم آن بدین ترتیب انتشار یافته : شماره اول در برج جدی و شماره های ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ در برج دلو و شماره ۶ در برج حوت ۱۲۹۹ شمسی . شماره ۱۰ سال سوم روزنامه که دارای شماره مسلسل ۴۰ میباشد در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی (مطبعه ایران) طبع و در تاریخ ۳ شنبه ۲ جمادی الثانی ۱۳۴۰ قمری مطابق ۱۱ دلو ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . محل اداره روزنامه ، طهران خیابان باب همایون . عنوان تلگرافی : حیوة جاوید . نمره تلفون ۱۱۰ قیمت اشتراك سالیانه داخله ایران ۵۰ قران ؛ ۶ ماهه ۳۰ قران ؛ خارجه اجرت پست علاوه میشود . وجه آبنونه پس از ارسال يك شماره دریافت میشود . تك نمره ۶ شاهی . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و هر نوبت در هزار نسخه منتشر میشود . سیاق مطالب حیات جاوید بیشتر جنبه ادبی دارد و گرچه سرمقاله های آن اغلب راجع باوضاع سیاسی است ولی سایر مطالب آن جنبه ادبی ؛ اخلاقی و تاریخی دارد . در عین حال مقالات و مطالب انتقادی از وضع دولت و مجلس در آن دیده میشود و بهمین مناسبت هم چند بار دوچار توقیف گردیده منجمله یگمربته در قوس ۱۲۹۹ شمسی است که بنا بر نوشته روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان (مورخ ۷ دلو ۱۲۹۹) بجرم حق نویسی مدت دو ماه تعطیل بوده و مدیر محترم مش آقای فلسفی همه گونه خسارت عمده را متحمل گردیده است . باردیگر هم در سال ۱۳۰۰ شمسی توقیف شده و سرمقاله اولین شماره پس از توقیف تحت عنوان (توقیف این جریده یا اظهار حقایق تاریخی) نوشته شده . این شماره

حرف بعدہ الیاء

حیات جاوید، حیات عدل؛ حیات کارگر

در تاریخ شنبه ۳ ذیقعدہ ۱۳۳۹ قمری مطابق ۱۸ سرطان ۱۳۰۰ شمسی نشر یافته .
روزنامه حیات جاوید علاوه بر مقالات مختلف اخبار مرکز و ولایات را نیز گاهی درج کرده منجمله در یکی از شماره ها از قول مخبر خود از اصفهان مینویسد : « موسس نمایش آهنگی اوپرا و اوپرت آقای عشقی رئیس بلدیہ اصفهان شدہ اند از عامہ طبقات راجع باین خصوص اظهار عدم تمکین شدہ و میشود سابقا عمل را سابقہ اداری میگفتند حالا شعر را ریاست بلدیہ تصور کرده اند و دولت ہم تصور فرمودہ مردم اصفهان شعور ندارند . ما بلدیہ قانونی میخواہیم کہ مات آنرا انتخاب کند دولت ہر وقت خواست این قبیل مطالب را انجام دہد بابودن مجلس ملی مورد ندارد حالا یگانہ ادیب دانشمند آقای عشقی وارد بلدیہ اصفهان شدند چہ کردہ و چہ خواہند کرد . » تو ضیح آنکہ مرحوم عشقی در سال ۱۳۰۰ شمسی سفری با اصفهان نمود و نمایش دربار مداین را در معرض تماشا گذاشت . چندی پس از این نمایش از طرف دولت بریاست بلدیہ اصفهان انتخاب گردید .

روزنامہ حیات جاوید تا پایان سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر گردیدہ و پس از آن یعنی در حمل ۱۳۰۱ شمسی بنام حیات ایران انتشار یافتہ است برای اطلاع از حیات ایران بصفحات قبل کتاب مراجعہ شود . و چون مدیر این دو روزنامہ یکی بودہ لذا آقای فلسفی مدیر حیات جاوید همان آقا سید میرزا آقای فلسفی اصفہانیست .

(۴۹۴) حیات عدل

در سال ۱۳۰۲ شمسی روزنامہ حیات عدل در طهران تاسیس و بطور روزانہ منتشر شدہ است .

(۴۹۵) حیات کارگر

روزنامہ حیات کارگر در شهر شیراز بمدير مسئولی (علی آقای نجار) و موسسی و نگارندگی (عز می آتش فشان) تاسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شدہ است . امتیاز این روزنامہ بمديري (آقا علی نجار شیرازی) در تاریخ ششم آذر ۱۳۰۴ از تصویب شورای عالی معارف گذشتہ و در همان سال بجای روزنامہ آتش فشان انتشار یافته است . (برای اطلاع از شرح روزنامہ آتش فشان بجلد اول کتاب مراجعہ شود) ولذا در عنوان ہر شماره (بجای آتش فشان) درج است . حیات کارگر با چاپ سنگی (مطبعہ محمدی) معمولا در چهار صفحہ بزرگ کہ ہر صفحہ آن مشتمل بر چهار ستون است منتشر شدہ . سال اول روزنامہ (۱۳۰۴ شمسی مطابق ۱۳۴۴ قمری) بالای اسم روزنامہ قید گردیدہ . عنوان تلگرافی ، کتبی (حیات کارگر) بہای روزنامہ شیراز ۴۵ داخلہ ۵۰ ، خارجہ ۶۰ قران است . اعلانات صفحہ اول سطری ۳ ، دوم ۲ سوم و چهارم یک قران . پس از سہ شمارہ آہونہ دریافت میشود .

شمارہ ۹۰ سال چهارم روزنامہ با خصوصیات مذکور در تاریخ چهار شنبہ ۱۷

حرف الخاء

خار نامه ، خاور

ذیجدة الحرام ۱۳۴۶ قمری مطابق ۱۶ خرداد ۱۳۰۷ شمسی طبع و توزیع گردیده .
مندرجات حیات کارگر پس از درج مقاله اساسی، عبارت از اخبار فارس و اخبار شهری شیراز و گاهی آثار انجمن ادب فارس نیز درج است .

حرف الخاء

(۴۹۶) خار نامه

در سال ۱۳۰۹ شمسی در طهران مجله خار نامه بطور ماهیانه تاسیس و منتشر شده است.

(۴۹۷) خاور

مجله خاور در شیراز بمدیرى و سردیرى (محمود عرفان) تاسیس و در سال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است . شماره اول این مجله در چهل صفحه اصلی و هشت صفحه ضمیمه که مجموعاً چهل و هشت است با چاپ سنگی بقطع کوچک خشتی طبع و در برج اسد ۱۲۹۹ شمسی مطابق ۶ ذیجدة الحرام ۱۳۳۸ قمری منتشر گردیده . در همین شماره مدیر مجله از اینکه مجله با چاپ سنگی طبع شده عذر خواهی کرده و مینویسد در شیراز بیش از دو مطبعه سربى وجود ندارد و این دوهم چون کارشان زیاد است لذا مجله خاور با چاپ سنگی چاپ شده است . هشت صفحه ضمیمه مجله ترجمه کتاب (مسافرت بهاء تالیف ژول ورن) است که آنرا آقای لطفعلی صورتگر ترجمه نموده اند.

مجله خاور بعنوان مجله (علمی ، ادبی ، تاریخی) که در اول هر ماه شمسی نشر میشود (معرفی شده ، وجه اشتراك آن در همه جای ایران سالیانه سه تومان و پس از توزیع شماره اول دریافت میشود ، عنوان مراسلات : شیراز قرائتخانه معارف ؛ تمام مراسلات باید بعنوان مدیر باشد . مقاله افتتاحی مجله که صفحات اول و دوم شماره اول را گرفته تحت عنوان (مقصد و مقصود) و بدین قرار است : « بنام خدا . هنگامیکه سراسر جهان در اثر فرسودگیهای دیرینه دچار تشنج واضطراب و برای قبول تبدل در حال آشفتهکی و انقلاب است ؛ زمانیکه افکار ساکنین کره خاک میرود نشاء جدید آغاز نماید مجموعه خاور قدم بهالم مطبوعات میگذارد . مطبوعاتیکه مایه فلاح جمعیت و نماینده ارتقاء و تکامل امت است مجموعه خاور مجله ایست علمی ادبی تاریخی که در اول هر ماه شمسی در چهل و هشت صفحه انتشار مییابد بطوریکه در آخر هر شماره آن هشت صفحه برای ترجمه يك كتلب نافع علمی اختصاص یافته است مجله خاور در ترجمه موضوعات علمی و شرح زندگانی مشاهیر و رجال علمی و اصلاح خصوصیات مشاهیر مشرق زمین که بهتر در حالات روحی مردمان ایران ذی علاقه و با نفوذ است خوانندگان خود را حاضر میکند و در شخصیات و مدار بلیتیک دخالت نمینماید مجله خاور در مقالات وارد کرده اگر موافق با مندرجات آن بوده باشد قبول و بامضاء نگارندگان آنها درج میکند و اداره در اصلاح و درج آنها آزاد است . »

در هر شماره فهرست مندرجات آن در پشت جلد چاپ شده و فهرست مندرجات

حرف الخاء

خاور

شماره اول بدین قرار است : مقصد و مقصود - اختلاف نژاد بشری و سبب آن - چتر - در میان هیاهوی جنگ بقلم لطفعلی صورتگر - علم ارواح بقلم آقای اعتمادالتولیه دست غیب - دکتر کرنیوس فاندیک - اشتغال بدن انسان بذاته - استحمام - مسافرت بماء - شماره دوم مجله خاور در اول سنبله ۱۲۹۹ توزیع گردیده برخلاف آنچه در سالنامه فارس ضبط کرده که از مجله خاور چهار شماره منتشر شده و بعد تعطیل شده است نگارنده شماره پنجم این مجله مورخ اول قوس ۱۲۹۹ مطابق ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۹ قمری را در دست دارم تعداد صفحات ۵ شماره جمعا ۲۰۰ صفحه و چهل صفحه هم زمان مسافرت بماء است . قدر مسلم این است که پس از نشر شماره پنجم مجله خاور برای همیشه تعطیل گردیده است . از آقای محمود عرفان مدیر مجله خاور در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بتفصیل گفتگو کرده ایم و در اینجا اضافه مینمائیم که نامبرده در حین تحریر این سطور مستشار دیوان کشور میباشد که از مناصب عالی وزارت دادگستری است .

(۴۹۸) خاور

مجله خاور بصاحب امتیازی و مدیری (سید حسن شمس) در اسلامبول بزبان فارسی تاسیس و شماره اول آن در ۴۴ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (استانبول - مطبعه شمس) طبع و در محرم ۱۳۴۳ قمری منتشر شده است . قیمت اشتراك مجله : در ترکیه سالیانه دولیره ، در ایران ۱۵ قران ؛ در فرانك ۲۵ فرانك . برای آموزگاران و شاگردان مدارس و مكاتب بشرط فرستادن وجه پیشکی نصف قیمت . مجله خاور در سرلوحه آن بدین قسم معرفی شده : « مجله ایست علمی ؛ ادبی ، اقتصادی که عجا لاتا ماهی یگبار نشر میشود . » مدیر مسئول مجله در آخر صفحه چهل و چهارم (س . م . توفیق) و محل فروش مجله ، (مغازه خررشد در جاده بابعالی) و قیمت تك نمره ۱۵ قروش معین گردیده است . در هر شماره فهرست مندرجات روی جلد چاپ شده ، و فهرست مندرجات شماره اول واسامی نویسندگان آن بدین قرار است : آغاز سخن - (حسین دانش) - وضع امروزی ما - ظلمات و خطر . گمراهی (حسین دانش) - ایران و همسایگانش - سایکس و ایران (س . م . توفیق) . ایران قرون وسطایی در این عصر (سرپرسی سایکس) مصطفی کهال پاشای غازی « س . م . توفیق » فوت سیاهوش « ع . ب » - اختلافات دولت و پارلمان - شیخ خزعل و خوزستان -

فهرست مذکور تا اندازه خوانندگان را بنوع مندرجات مجله آشنا میسازد و برای اینکه بعلت تاسیس مجله آگهی حاصل کنند مقاله افتتاحی مجله را نیز بعینه نقل مینمائیم : « آغاز سخن - گرچه خاور مدتی تعطیل شد به مهلتی بایست تاخون شیر شد به تا نزاید بغت تو فرزند نو به خون نگردد شیر شیرین خوش شو . مدت هاست که زبان بسته بودیم و قلم شکسته و در کنجی نشسته ، نگران صحنه حادثات بودیم و جست و خیزهای کشتی سیاستمان را میان خیز آبهای دریای واقعات از دور تماشا مینمودیم و چون سکان

حرف الخاء

خاور؛ خاورستان

کشتی را در دست ناخدا نمی‌گردد و توانا میدیدیم از اینراه خوشوقت و خوشبخت بودیم یعنی تا این اوان اخیر چون کارها را بیدخالت این و آن درمجرای راست و روش چرخ امور را کمایش بی عیب و کاست میدیدیم از گفتن سخن بی سود یا از سرودن هجا و درود میپرهیزیدیم و مانند هر آدم درست اندیش و با انصاف جریان مصالح را بگذارش طبیعی و صاف خویش تن رها کرده بودیم. اما اکنون چون می‌بینیم که افاق افکار هم وطنان را در دهای تشویش فرا گرفته و دل دوستان با خیالهای بیجا و اندیشه‌های بی پروا آشفته است ... (این مقاله دو صفحه و نیم مجله را فرا گرفته تا میرسد باینجا که) چون میبینیم که هیچ ندای حق‌گوی که بتواند اندیشه‌های ایرانیان این نقطه کره را بگوش مرکز برساند و نگاهبانی بر حقوق و شئون ایشان بکند بر ذمه خود واجب می‌دانیم که اندیشه‌های خود را باز از دم (خاور) که ترجمان افکار ایرانیان ترکیه‌نشین است فاش و منتشر کنیم که مجدداً حکایت نا بینا و چاهست و پس از این خاموش نشستن ما گناهست. سردیر خاور. حسین دانش.

لازم است یاد آور شویم که گرچه شماره مذکور شماره اول سال اول مجله خاور قید گردیده ولی از شعر اول مقاله (گرچه خاور مدتی تعطیل شد) و همچنین خود مقاله معلوم میگردد که مجله خاور قبل از این تاریخ نیز منتشر میشده و فعلاً مدتی بوده که تعطیل بوده است. موبد این مطلب آنکه مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان ضمیمه کتاب دانشمندان آذربایجان (ص ۴۰۹ کتاب) از روزنامه خاور که در استانبول چاپ و منتشر شده نام میبرد وی اضافه میکند که این روزنامه بمدریت (سید حسن تبریزی) در ۲۳ شوال ۱۳۳۲ قمری انتشار یافته است. آنچه مرحوم تربیت در این باره نوشته صریحاً می‌رساند که خاور در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده و شاید علت آن که خاور عزیزان شده در این صفحه شمار ما اول ضبط شده این باشد که این دفعه خاور مجله بوده و دفعه قبل بصورت روزنامه منتشر شده است. بنابراین میتوان گفت روزنامه خاور در شوال ۱۳۳۲ و مجله خاور در محرم ۱۳۴۳ منتشر گردیده است. متأسفانه نگارنده نمونه روزنامه خاور را در دست ندارد تا بتواند در این باره قضاوت قطعی نماید ولی چون نوشته‌های مرحوم تربیت صحیح و معتبر است لذا باید بنحو مذکور ایندو را با هم جمع نمود. مجله خاور از حیث طبع و کاغذ و پشت جلد بسیار زیبا و قشنگ و مطالب آن نیز مفید و جالب است. از مندرجات خاور چنین مفهوم میگردد که نویسندگان آن از طرف داران جدی اعلیحضرت رضا شاه قید شده و شاید به همین منظور خاور مجدداً منتشر شده است. برای اطلاع از این قسمت خوانندگان بمقاله شیخ خزعل و خوزستان مجله مراجعه فرمایند. آقای سید حسن تبریزی و هم چنین مدیر مسئول مجله خاور سید محمد توفیق هردو مدتی روزنامه شمس را در استانبول تاسیس و منتشر نموده اند و ما در حرف شین کتاب کلمه (شمس) بتفصیل از این روزنامه گفتگو خواهیم کرد.

(۴۹۹) خاورستان

روزنامه خاورستان در طهران بمدری (مرتضی خان اعتضادالملة) تاسیس و شماره

حرف خ بعده الباء والدال والراء

خبر ، خدر ، خراسان

و شماره اول آن در تاریخ ۲۰ شوال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. هر شماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۱۱ يك چهارم ۶× سه چهارم سانتیمتر طبع گردیده، وجه اشتراك سالیانه آن در طهران ۳۵ قران، در سایر ولایات ۴۰ قران، در مالک خارجه ۴۵ قران برون مینویسد من شماره يك و دو این روزنامه را در دست دارم. (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۸۰)

(۵۰۰) خبر

روزنامه خبر در طهران بمدیری (سید حسینخان) تاسیس و شماره پنجم آن در تاریخ پنجم شوال ۱۳۲۸ قمری طبع و توزیع شده است. این سید حسینخان سابقا روز نامه های الحديد و عدالت وصحت را تاسیس و منتشر نموده و برای اطلاع از شرح حال بروزنامه الحديد جلد اول کتاب مراجعه شود.

(۵۰۱) خدر

در شماره چهار سال دوم دوره جدید روزنامه کاوه فهرستی از بعضی از جراید و مجلات فارسی تنظیم نموده در آنجا مجله بنام (خدر) ذکر میکند که بمدیری (عفیة خانم) منتشر شده است. در روزنامه کاوه بیش از این توضیحی نداده و نگارنده هم زیاده بر این از آن اطلاعی ندارم. در فهرست مذکور حتی در مقابل محل و سال انتشار علامت اقوی نهاده ولی اسم مجله را بکسر خ و سکون دال اعراب گذاشته است.

(۵۰۲) خراسان

روزنامه خراسان در شهر مشهد بمدیری (سید حسین اردبیلی) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۲۵ صفر ۱۳۲۷ قمری طبع و توزیع گردیده. شماره دوم روز نامه در تاریخ سوم ربیع الاول و شماره ۲۴ آن که آخرین شماره منتشره از این روزنامه است در تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته است. هر شماره خراسان در چهار صفحه بقطع ۱۳×۶/۵ سانتیمتر طبع شده، وجه اشتراك سالیانه آن: ۱۲ قران در مشهد ۱۵ قران سایر شهرهای ایران، ۱۸ قران در مالک خارجه، چون مرحوم سید حسین اردبیلی مدیر روزنامه خراسان مدتی هم مدیر داخلی و نویسنده روزنامه ایران بوده، جای آنرا دارد که شرح حال او را بتفصیل نقل نمایم. اینک شرح احوال او بنقل از شماره ۱۰۵ روزنامه ایران نو مورخ ۲۱ ذیحجة الحرام ۱۳۲۷ قمری. ضمنا در این شرح حال اشاره بعلت تاسیس روزنامه خراسان نیز شده است:

مرحوم آقا سید حسین اردبیلی — آقا سید حسین اردبیلی وکیل خراسان در سنه ۱۲۹۷ در اردبیل متولد شده و از سن هفت سالگی شروع بتحصیل نموده تا ۲۰ سالگی مشغول تحصیل مقدمات علمی بوده و در فنون عربیه از قبیل نحو و صرف و علوم بلاغت و منطق و تاریخ معلومات کافی تحصیل کرده پس از آن بتحصیل علوم ریاضی از

حرف خ بعده الراء

خراسان

قبیل حساب و هیئت و هندسه و جبر و مقابله همت گماشته و برای تکمیل آنها سفری به رشت و از آنجا بیلاذ قفقاز و از قفقاز بخراسان رفته . در مشهد قریب شش سال مشغول تحصیل فقه و اصول و کلام و حکمت و تدریس علوم عربیه و ریاضیه بوده مغصود صاحب در ادبیات زبان ترکی و فارسی و عربی دارای مقام بلند می باشد . جناب ادیب اردبیلی چون از زمان رشد اشتیاق مفرط بمطالعه مطبوعات جدید و جراید فارسیه و ترکیه و عربیه داشتند در اوضاع تمدن حاضر و وسائل ترقی ملل و امم و مقتضیات عصر جدید بصیرتی بسزا حاصل کرده و در مجالس تدریس خود جماعت طلاب را بمطالعه تواریخ و روزنامهجات تشویق مینمودند . مقارن صدور دستخط مشروطیت عزیمت طهران نموده در هنگام تحصیل اهالی درسفارتخانه انگلیس افکار حریت خواهانه بوسیله لوائج و نطقهای موثر در میان متحصنین انتشار میداد ؛ در ضمن این مسافرت اطلاعات حقوق و قروت و جغرافیا تحصیل نموده ؛ باوضاع مدارس جدید تهران نیز دقت کامل مبذول داشت در همان سال سفری به اردبیل و از آنجا بفاصله سه ماه از راه روسیه بمشهد مراجعت نموده بهیئت مؤسسين انجمن خیریه سعادت شامل و در آن انجمن خدمات شایان بمعارف خراسان نموده . اگر چه از انجمن سعادت اسماعیلست مدیریت اتحادیه سعادت تعیین شد ولی رسماً و معنایاً بسایر مدارس خیریه سعادت نیز خدمات عمده انجام داد . بعد از ثلثه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ که فشار استبداد صغیر در خراسان مجال نفس کشیدن برای احدی باقی نگذاشته بود ادیب اردبیلی بایک همت فداکارانه شب و روز بوسیله مکتوبات و انتباه نامه ها و لوائج چاپی و ژلاتینی احساسات حقوق طلبی و مشروطه خواهی را در کل بلاد خراسان اتصالاً تحریک می کرد و بواسطه نشر احکام حجج اسلام و بیان نامه های مهیج و مؤثر توجه عموم خراسانیان را بحفظ حقوق مشروعه خود متوجه می ساخت و در تشکیل کمیته های مجاهدین فداکاری های عمده مبتول می داشت .

در ماه صفر ۱۳۱۷ که متعاقب صدای مهیب بمب انجمن ایالتی خراسان تشکیل یافت ادیب موصوف جریده فریده خراسان را برای رسمیت دادن به مشروطیت خراسان و قوت قلب عموم مشروطیین ایران انتشار داد : این جریده که تا اوایل شعبان ۲۵ شماره اشاعت یافت (صحیح همان ۲۴ شماره است که قبلانوشته ایم . مولف) با مقالات آزاد و عالی خدمات بزرگ بعیشیت مشروطیت خراسان بلکه عموم ایران بروز داد و میتوان گفت که ادیب اردبیلی یکی از بزرگترین قوای فعاله خراسان بودند که برای پیشرفت مقاصد ملیه در یک مدت طولانی با خون خود بازی میکردند تا اینکه در مرقع انتخابات وکلای خراسان در درجه اول با کثرت نسبی ۱۸۲ رای و درجه دوم با کثرت تام ۱۵ رای در ۲۵ رای منتخب و عازم تهران گردیدند . الحق میتوانیم بگوئیم که زنده و روشنی بخش وکلای خراسان هستند .

در تاریخ مختصر مجلس (ص ۵۶) راجع ب اردبیلی مینویسد : « سید حسین اردبیلی در دوره دوم مجلس شورای ملی از طرف خراسان وکیل بود و مسلک دموکرات داشت و در سال ۱۳۳۶ قمری وفات نمود . دوره دوم مجلس از دوم ذیقعد ۱۳۲۷

حرفخ بعده الراء

خراسان، خرم

تا سوم محرم ۱۳۳۰ قمری طول کشیده است . مرحوم اردبیلی روز بیستم ماه رمضان ۱۳۳۶ قمری بعلت بیماری (کلرین) در طهران دارفانی را وداع نمود . فوت این نویسنده بزرگ فقدان ادبی عظیمی بود که لطمه برپیکر ادبیات وارد ساخت . خدمات و مجاهدات مرحوم اردبیلی درعالم مطبوعات فراموش نشدنی است و نگارشات سیاسی و آثار قلمی این فقیه بزرگ در کلیه جراید از نظر ارباب ادب محو نمیگردد بخصوص مکتوبات سنوات اخیر عمر آن مرحوم که مدیر و منبر روزنامه ایران بود شایان توجه است .

(۵۰۳) خراسان

روزنامه خراسان در شهر مشهد بمدیری (میرزا سید محمد طباطبائی) تاسیس و در نور ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . این روزنامه هفتگی بوده و مدت چهار سال تا هنگام انقلاب خراسان و قیام مرحوم کلنل محمد تقیخان انتشار یافته است . در سال ۱۳۰۴ شمسی پس از چند مرتبه گرفتاری و تبعید آقای طباطبائی بطهران رفت و در آنجا قریب یکسال روزنامه فریاد را منتشر نمود . برای اطلاع از شرح احوال آقای طباطبائی رجوع شود بحرفت کتاب کلمه (تجدید ایران)

(۵۰۴) خرم

روزنامه خرم در طهران بمدیری (حاج میر حسین) تاسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره دوم خرم در چهار صفحه بقطع ۶ سه چهارم $\times ۱۱/۵$ سانتیمتر طبع و در تاریخ ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته . وجه اشتراك سالیانه در طهران ۱۵ قران ، در سایر شهرهای ایران ۲۴ قران . طرز انتشار روزنامه هر پانزده روز یکبار بوده است .

(۵۰۵) خلاصة الحوادث

اول روزنامه که بزبان فارسی بطور یومیه منتشر شده روز نامه خلاصة الحوادث است که وزارت انطباعات آنرا مرتباً هفته پنج روز یعنی بغیر از ایام یکشنبه و جمعه مدت پنجسال منتشر نموده است . این روزنامه در طهران و روی يك ورق بقطع متوسط با چاپ سربی در حالیکه يك روی ورق سفید است طبع و توزیع گردیده . نمره اول خلاصة الحوادث روز دو شنبه چهاردهم جمادی الاخره ۱۳۱۶ قمری مطابق ۳۱ اکتبر ماه فرانسه ۱۸۹۸ میلادی انتشار یافته است .

در شماره اول شرحی بعنوان (مقدمه) ذکر کرده که خوانندگان را بهلت پیدایش روزنامه آگاه مینماید ، این مقدمه این است : > بسمه تبارك و تعالی . مقدمه . چون در این عصر اطلاع و آگاهی از اوضاع و احوال عالم برای هرفردی از افراد کمال اهمیت هم رسانیده و امروز روزی نیست که مردم با چشم و گوش بسته آسوده و خاموش نشسته غفلت و هوشیاری و خواب و بیداری و عقل و جهل و باخبری و بیخبری را یگسان تصور

حرف خ بعده اللام

خلاصه الحوادث

نمایند و وسیله برای این آگاهی جز روزنامهجات عالم نیست و از آنطرف مشتری روزنامهجات عمده شدن برای همه کس مقدور نمیباشد و گذشته از این روزنامهجات تا بدست شخص میرسد مطالب عمده مفیده آن غالباً کهنه است لذا اداره انطباعات ایران محض خدمت بعموم ابناء وطن عزیز خود این جریده مختصر یومیه را که حاوی خلاصه اخبار مهمه یومیه تمام عالم و هم مختصری از وقایع عمده داخله مملکت میباشد، بنایت ویاری الله و توجهات خاطر خطیر همایون شاهنشاه جهان پناه خلدالله سلیمانہ احداث و ایجاد نمود و از امروز که روز میلاد سمادت بنیاد اعلیحضرت قویشوکت همایون شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار روحنا فداء و اسعد تمام ایام است بمبارکی و میمنت افتتاح و شروع بروزنامه خلاصه الحوادث شد امید یاری خدای ذوالنن و مدد کاری یاران و ابناء وطن که همواره پاینده و فزاینده باشد. در نمره اول پس از ذکر مقدمه فوق تحت عنوان (داخله) چنین مینویسد: « چون امروز روز مولود همایون شاهنشاه است اجمالاً معروض میداریم اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه هشتمین تاجدار و شهریار با اقتدار ازدود مان جلیل الشان قاجار روز جمعه ۱۴ شهر جمادی الاخر ۱۲۶۹ متولد شده ... مندرجات شماره اول با ذکر خبر مذکور که خلاصه آن شرح شرفیابی و سلام عام است، پایان یافته و شماره دوم با اعلان قطع شماره اول روز سه شنبه ۱۵ جمادی الاخره ۱۳۱۶ قمری منتشر شده است. مندرجات شماره دوم از دو قسمت (داخله) و (تلگرافهای خارجه) تشکیل گردیده و نصف بیشتر آن مربوط بوقایع خارجیت .

همانقسم که یاد آور شدیم روزنامه خلاصه الحوادث از انتشارات اداره انطباعات بوده و بنابراین روزنامه دولتی است و بهمین مناسبت در عنوان هر شماره (شیروخورشید که علامت دولتی بودن آنست چاپ شده گرچه در هیچ کجای روزنامه از مطبعه و موسس و مدیر مسئول روزنامه نامی برده نشده ولی چون در آن تاریخ محمد باقرخان اعتمادالسلطنه رئیس اداره انطباعات بوده قهراً اداره امور روزنامه نیز با اشارتیه بوده است در مجموعه که از روزنامه خلاصه الحوادث در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است در پشت نمره دوم آن شرح مفصلی از جشن تولد مظفرالدین شاه بامضای (سپهر اعظم وزیر تالیفات) نوشته و اضافه میکند که من (یعنی وزیر تالیفات) در این جشن حضور داشتم مرحوم محمد باقرخان اعتمادالسلطنه از اوراق نمره اول خلاصه الحوادث آورد و بین حاضرین قسمت کرد و این نمره موجود بمن رسید .

خلاصه الحوادث مدت پنجمسال بلا انقطاع انتشار یافته و مثلاً نمره ۲۷۶ آن باهمان سرلوحه نمره اول در تاریخ پنجشنبه ۱۸ رجب ۱۳۱۷ قمری و نمره ۴۲۳ آن در تاریخ دو شنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۸ قمری منتشر گردیده است . در سنوات آخر انتشار روزنامه تغییراتی در عنوان روزنامه داده و مطالب زیر بدان افزوده شده است: محل فروش (چاپخانه فرانکوپرسان) در خیابان علاءالدوله . علاوه بر این شماره روزنامه بفارسی و فرانسه هردو نوشته شده و نیز روزنامه از مجانی بودن خارج گردیده و قیمت آبونه ماهی سه قران معین شده و همچنین این سطر زیر عنوان روزنامه افزوده گردیده است: « هر گونه

حرف خ بعده اللام

خلاصة الحوادث؛ خلافت

مقاله مفیده و اعلانی که منافعی بصلاح دولت و ملت نباشد بداره روزنامه خلاصة الحوادث بفرستند بکمال امتنان طبع و نشر خواهد شد. « خلاصة الحوادث بانمره ردیف ۹۵۲ تا تاریخ پنجشنبه ۲۶ شعبان ۱۳۲۰ قمری و از آن پس تا نمره ۴۳ مورخ سه شنبه دوم شهر شوال المکرم ۱۳۲۱ قمری انتشار یافته که جمعا ۹۹۵ نمره میباشد.

مندرجات خلاصة الحوادث از دو قسمت اخبار داخله و خارجه تشکیل شده و اخبار خارجه آن عبارت از تلگرافهایی بوده که از شرکت هند و اروپا بوسیله خبر نگاری رویتزرسیده و در روزنامه طبع شده است. نمونه از اخبار خارجه روزنامه بنقل از نمره ۸۷۴ : « افغانستان - روزنامه های انگلیس هندوستان چنین مینگارند که نواب امیر جدید افغانستان در مواظبت و مراقبت در انتظام امور عسکریه میکوشد قشون حاضر را کاب افغانستان در زمان صلح مرکب از هشتاد هزار نفر و امیر معظم مترصد است که قشون حاضر را از تفنگهای پنج تیر سبک مسلح نماید. « انتیل : « يك رشته زلزله مجددا در حدود انتیل اتفاق افتاده و آنچه از ابنیه و عمارات جزیره سن و سن باقی مانده بود از این حادثه جدید منقرض و معدوم گردید در حین یکی از حملات زلزله آب دریا خود را از ساحل قریب یکصد ذرع گذار کشیده مانند دیواری در میان دریا توقف نموده بعد از چند لحظه بعمل خود مراجعت نموده و موافق حدس علماء طبیعی چنین تصور میشود که وقوع این حادثه بواسطه ایجاد دهانه آتش فشان تحت البعری میباشد. »

(۵۰۶) خلافت

روزنامه خلافت بزبانهای فارسی و عربی و ترکی در شهر لندن بایخت انگلستان تاسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است. خلافت بمدیری (حاج شیخ حسن تبریزی و بهمکاری (نجیب هندیا) و (امین هندیا) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۹ جمادی الاول ۱۳۲۴ قمری انتشار یافته است. برون که نمونه های این روزنامه را در دست داشته مینویسد من از نمره يك تا ۱۳ آنرا دارم که اولی در اول ماه ژو لی ۱۹۰۶ و آخری در پانزدهم فبریه ۱۹۰۷ میلادی منتشر گردیده است. بنا بر رشته برون (ص ۸۱ کتاب مطبوعات و شعر فارسی) هر شماره روزنامه در چهار صفحه بتطبع ۸/۵ × ۱۴ سانتیمتر و وجه اشتراك سالیانه آن بدین قرار است : در انگلستان هشت شلینگ در ایران ۲۰ قران ؛ ترکیه و مصر ۵۰ مجیدی. در روسیه ۴ منات ، در اروپا و چین ۱۰ فرانك. لازم است یاد آور شویم که این روزنامه خلافت غیر از روزنامه (الخلافة) است که آنهم در شهر لندن بزبان عربی تاسیس و منتشر گردیده. الخلافة بمدیری دکتر لويس صابونجی در سوم کانون الثانی سال ۱۸۸۱ میلادی تاسیس شده است. این روزنامه تاثیر مهمی در سیاست ملل شرق عظمی و ملل اسلامی خصوصا داشته و بنام کشور های جهان فرستاده میشده است. شرح این روزنامه و بیان احوال مدیر آن در جلد چهارم تاریخ الصحافة العربیه بتفصیل ذکر شده است.

(۵۰۷) خلد برین

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه خلد برین می نویسد:

« روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بمیدیریت محمد حسین در ۱۳۳۶ قمری »

(۵۰۸) خلقی

روزنامه خلق در طهران بمیدیر مستولی (میرزا مهدی علوی زاده) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . شماره هشتم سال اول این روزنامه در ۸ صفحه بقطع خشتی بزرگ ؛ با چاپ سری در مطبعه (ایران شرکت رفقا) طبع و در تاریخ سه شنبه ۳۰ عرق ۱۳۰۰ مطابق ۲۱ ربیع الاول ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است . در شماره نمونه سرمقاله آن عبارت از منن (بیانیه وزارت جنگ) مورخ ۱۴ عرق ۱۳۰۰ است که در آن وزارت جنگ درخواست کمک و اعانه برای قحطی زدگان روسیه نموده است . بیانیه با این عبارات شروع می گردد : « هموطنان عزیز . البته همه شما از فجایی که بواسطه قحطی و گرسنگی متوجه ملت همسایه ما - روسیه - شده است مطلع هستید ملت ایران و ملت روس همیشه دارای روابط صمیمی و برادرانه و حسن جوار بوده ... » بیانیه بامضای رئیس کسیرین جمع آوری اعانه برای قحطی زدگان روسیه ، وزیر جنگ رضا است . پس از این بیانیه اشعاری از (صادق بروجردی) تحت عنوان (حکایت منظوم) چاپ شده . در صفحه چهار و پنج روزنامه حکایتی بصورت پاورقی و در صفحات شش و هفت سرگذشتی بنام (طرمار عمر من) طبع گردیده است . اخبار خارجه بطور اختصار در صفحات ۶ و ۷ درج شده و صفحه ۸ روزنامه مخصوص نقل مطالب از جراید است . روزنامه خلق یکی از روزنامه های متنوع و از حیث مسائل متماثل بسیارست همسایه شمالی است . طرز انتشار آن هفتگی بوده و روزهای یکشنبه چاپ میشده است . اسم روزنامه (خلق) بخط نستعلیق درشت در گوشه راست عنوان روزنامه نوشته شده و این سطر در عنوان روزنامه درج است : « تنها مقالاتی درج میشود که بزبان عوام نوشته شود و برای خلق مفید باشد . » آیه سالیانه روزنامه همه جا دوتومان . تک نمره ۷ شاهی . عنوان مراسلات : طهران . خیابان پستخانه اداره خلق .

روزنامه خلق مدتی بجای روزنامه افلاک منتشر شده و چون در طول مدت انتشار خلق بجای افلاک از هر جهت با سابق فرق کرده لذا برای آن عنوان علیحده قرارداد و از آن جداگانه گفتگو مینمائیم .

(۵۰۹) خلقی

در جلد اول کتاب در ذیل کلمه (افلاک) بتفصیل از روزنامه خلق گفتگو نموده و شرح آنرا مفصلاً یاد آور شده ایم . روزنامه افلاک چون اجازه طبع تصویر نداشته بدستور وزارت فرهنگ توقیف گردیده و بجای آن روزنامه خلق که صاحب امتیاز آن (علوی

حرف خ بعده اللام

خلق

زاده) بوده منتشر شده و ما ذیلاً از خلق بجای افلاك بحث مینمائیم .
 اولین شماره روزنامه خلق که بجای افلاك در طهران منتشر شده در تاریخ ۳ شنبه ۱۲ صفر ۱۳۴۴ قمری مطابق ۱۰ شهریور ۱۳۰۴ شمسی بوده است . در عنوان روز نامه خلق مرسس و صاحب و سردبیر (میرزا ابراهیم خان ناهید) یعنی همان مدیر افلاك نوشته شده و سرلوحه روزنامه مانند افلاك است . لازمست خوانندگان را بخاطر آوریم که روزنامه افلاك پس از توقیف (ستاره صبح) و این روز نامه پس از توقیف ناهید منتشر شده و بنابراین افلاك ، ستاره صبح ، خلق همه از حیث مطلب و کاریکاتورو سرلوحه نظیر روزنامه ناهید است . طرز انتشار و وجه اشتراك نیز با روز نامه ناهید تفاوتی ندارد . چنانچه وجه اشتراك خلق مانند ناهید سالیانه ۶۰ قران ، ششماهه ۳۰ قران تك نمره ۱۲ شاهی و اعلان صفحه آخر سطر یك قران معین شده است . خلق روز نامه ایست اخلاقی ، فکاهی ؛ کاریکاتوری و هفته دو شماره روزهای شنبه و سه شنبه منتشر شده . این روزنامه مانند افلاك و ناهید در هشت صفحه بقطع و زبری بزرگ در مطبعه سربی (تمدن . طهران) طبع گردیده . راجع بتوقیف افلاك و انتشار خلق بجای آن در مقاله اساسی شماره اول (شماره اول خلق ، شماره ۱۵ افلاك و مطابق سال پنجم روز نامه نگاری مدیر آن . ت .) تحت عنوان (مانع قانونی) اینطور مینویسد : « بموجب مرقومه وزارت جلیله معارف و اوقاف و روزنامه افلاك بواسطه عدم جواب تصویب طبع نشد و روزنامه خلق بجای افلاك منتشر میشود . دیده میخواستیم که باشد شه شناس تا شناسد شاه را در هر لباس » در شماره اول پس از شرح مذکور تحت عنوان (فاجعه مدینه منوره) شرحی از شورش عمومی و تعطیل مجلس شورای ملی ایران و اینکه امروز بواسطه اهانت و هابی ها بحرم مدینه و قبر خدیجه عزاداری و سوگواری عمومی می باشد چاپ شده . بطور خلاصه مندرجات خلق مانند ناهید عبارت از تنقید اوضاع حاضر و طرفداری از جمهوریت ایران با همان زبان انتقادی معمول روزنامه ناهید است خلق نیز دارای دو صفحه کاریکاتور میباشد . میتوان گفت آقای میرزا ابراهیم خان مدیر ناهید و خلق در اختراع و ابتکار مطالب و انتقاد از اوضاع بطرق مختلف کمتر در بین مدیران جراید و نویسندگان نظیر و مانند دارد . در روزنامه خلق دنباله رمان (گل آقا و گل تاج) که در روزنامه ناهید بعنوان پاورقی چاپ شده ، طبع گردیده است . این رمان بسیار دلکش و شیرین و روان و وضع زمان استبداد را بخوبی نشان میدهد .

از شماره ۲۴ مورخ ۳ شنبه ۴ جمادی الاولی ۱۳۴۴ قمری مطابق ۳۰ آبان ۱۳۰۴ شمسی در سرلوحه روزنامه کلمه (خلق) خیالی ریز نوشته شده و بجای آن سال پنجم نوشته شده است . بدین ترتیب مدیر ناهید بخوانندگان و مشترکین میخواست اینطور وانمود کند که این روزنامه همان ناهید است . و بعلت توقیف بودن آن ناچار است در صفحه اول اسم (خلق) را در عنوان روزنامه بنویسد . تا شماره ۷۳ که آخرین شماره سال پنجم میباشد روزنامه به همین وضع منتشر شده یعنی در سرلوحه « خلق » نوشته شده ولی در حقیقت همان روزنامه ناهید است . شماره آخر سال پنجم در تاریخ

حرف خنده‌الام

خلق، خلیج ایران

شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده و مقاله در آن تحت عنوان (هر چه در میاد از مطبعه درمیاد) بقلم مدیر روزنامه راجع به ختام سال ۵ و جشن گرفتن در گراند هتل بدین مناسبت ، چاپ شده و ظاهراً بهین شماره روزنامه خلق خاتمه پیدا کرده و مجدداً روزنامه بنام ناهید منتشر شده است .

(۵۱۰) خلیج ایران

روزنامه خلیج ایران در شهر بوشهر بدیری (یوسف اخوت) تاسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است اولین شماره روزنامه در آذر ماه سال مذکور طبع و انتشار یافته ، در ابتدا طرز انتشار آن هفتگی بوده و از سال ۱۳۱۷ شمسی هفته دو شماره و بعداً بطور یومیه منتشر گردیده است . خلیج ایران معمولاً روی چهار صفحه بقطع کوچک با چاپ سربی طبع شده و ابتدا در مطبعه سربی (مظفری بوشهر) و در سال چهارم تاسیس روزنامه که مدیر آن موفق بتاسیس چاپخانه (خلیج اخوت) گردیده ، روزنامه در این چاپخانه طبع شده است . مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار محلی و مختصری از اخبار خارجی و گاهی مقالات کوچک و اعلانات مختلف نیز در روزنامه طبع گردیده است . پس از تاسیس ثبت عمومی در نواحی خلیج و بوشهر یکی دو صفحه روزنامه اختصاص با اعلانات ثبتی داده شده است . روی هم رفته خلیج ایران یکی از روزنامه های محلی است که بیشتر بهات اشتمال بر وقایع محلی شایان اهمیت است . آئونه روزنامه داخله ۳۰ ریال ؛ خارجه ۴۰ ریال سال تاسیس روزنامه ۱۳۰۸ در داخل اسم روزنامه که بخط شکسته نوشته شده درجست آقای یوسف اخوت - در سال ۱۳۱۸ شمسی نگارنده نامه مشتمل بر درخواست شرح حال از زنجان با آقای یوسف اخوت مدیر خلیج ایران نوشتم و شرحی که ذیلا ثبت میگردد خلاصه ایست از پاسخ که ایشان بنامه نگارنده مرقوم داشته اند : « تولدم در شهر بوشهر بسال ۱۳۰۵ قمری واقع گردیده و دوران کودکی ابتدا در مکتبخانه ها و بعداً نزد این و آن بتحصیل پرداخته و با نبودن دبستان در آن زمان وعدم رواج علوم جدید از هر کس در علوم جدید اطلاعی داشت تعلیمی گرفته از هر خرمین خوشه فراهم آورده . در یستین سال زندگانی برای اینکه مشغولیتی بدست آورده باشم بشغل خرازی اشتغال جست و آنده اندك پس از چهار سال در رشته تجارت داخل و روابط بازرگانی ابتدا بانبادر و عربستان و بعداً در اثر توسعه با سایر نقاط نیز روابطی ایجاد و رسماً بامر تجارت پرداختم . در سال ۱۳۲۴ که ملت ایران حکومت ملی را خواستار و اصلاح طلبان از هر گوشه و کنار بجوش و آتیا ض آمدند این بنده نیز بتحریر احساسات میهن جزواصلاح طلبان صادق گردیده و از این راه صمیمانه ابراز وظیفه ملیت را مینمودم . در سال ۱۳۳۳ (اوائل جنگ عالمی بین المللی) مباح هنگفتی از راه تجارت متضرر شدم . در سال ۱۳۳۶ نزد یکی از تجار با ماهی ۳۶۰ ریال قبول منشی گری نموده و خرد خرد در معاملات جزئی نیز داخل شده و دیری نگذشت که سرمایه را بیست و پنج هزار ریال رسانیده و کم

حرف خ بعده اللام

خلیج فارس، خنده، خورشید

داد و ستد را توسعه داده طرف رجوع و معامله اشخاص و اطراف واقع شدم ولی متأسفانه پس از دو سال دیگر از تجار شیراز و کازرون که رابطه داد و ستد با آنان داشتم و رشکست نموده مبلغ سه هزار و پانصد تومان از این راه متضرر شدم. مدتی بدین منوال نیز گذشت تا کودتای حیات بخش سوم اسفند فرا رسید و روانی تازه بکالبد ایران و ایرانی دمید در این هنگام وظیفه خویش را نستیم که در آن جنبش اشتراکی جویم لذا بتشکیل انجمنی بنام (انجمن اخوت بوشهر) همت گماشته : شعبات انجمن را در بذاذر (دیلم) ، برازجان ، کناده ، بندرریک ؛ (لنگه) تاسیس نمودم از اقدامات انجمن دبستانی است بنام (اخوت) در هشت کیلومتری بوشهر و اکنون این دبستان بنام سابق خود (دبستان اخوت) باقیست . و چون سال ۱۳۰۴ فرا رسید و کشور بطور معین و مسلم دارای صاحبی مقتدر گردید این انجمن نیز برچیده شد. در سال ۱۳۰۷ درخواست امتیاز نامه خلیج ایران نموده پس از اجراء تشریفات قانونی در سال ۱۳۰۸ بدریافت امتیاز کامیاب و نخستین شماره را با قطع کوچک در آذر ماه همین سال منتشر ساختم . پس از انتشار روزنامه باز دوچار مشکلاتی شده ولی خوشبختانه با هر زحمت و استقامتی که بود . توانسته ام هر سال قدمی فراتر گذارده و گامی بسوی تکامل برداریم .

(۵۱۱) خلیج فارس

در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه خلیج فارس در شیراز بدیری (میرزا علی دشتی) از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته است ولی نگارنده تا کنون نمونه از این روزنامه بدست نیاورده و بنا براین اطلاع قطعی از انتشار آن ندارم .

(۵۱۲) خنده

روزنامه خنده در طهران بطور هفتگی و فکاهی تاسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منشر شده است این روزنامه روزهای دوشنبه منتشر میشده و تا اوایل خرداد سال مذکور نشر یافته است .

(۵۱۳) خورشید

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۸۱) از روزنامه بنام خورشید نامبرده . که در طهران منتشر شده و از انتشارات دارالفنون بوده ولی از خصوصیات آن چیزی ننوشته است .

(۵۱۴) خورشید

روزنامه خورشید در شهر مشهد بصاحب امتیازی و نگارندگی (محمد صادقی تبریزی) تاسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است : شماره اول این روزنامه در تاریخ ۲۱ محرم ۱۳۲۵ قمری طبع و منتشر گردید، و در عنوان آن تصویر خورشید و در زیر تصویر اسم روزنامه و پائین تر آن سال انتشار و در زیر سال انتشار این

حرف خ بعدہ الواو

خورشید

جمله (در ظل حمایت اعلیٰ حضرت شمس الشموس ارواحنا فداء هر هفته یکمرتبه توزیع میشود) درج است . خورشید معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری 12×7 سانتیمتر در مطبعه سری (دارالمبایع طوس . میر مرتضی الموسوی) (۱) طبع و توزیع گردیده . درست راست سرلوحه روزنامه پس از ذکر نام صاحب امتیاز و نگارنده این عبارت نوشته شده : « پس از قبول چهار نمره اسامی مشترکین در دفتر ثبت و وجه اشتراک سالیانه در ماه دوم دریافت میشود . » و درست چپ سرلوحه وجه اشتراک بدین قرار معین گردیده است : « در مشهد دو تومان ، سایر بلاد ایران ۲۲ قران . ترکستان و قفقاز ۶ منات . سایر بلاد خارجه ۱۴ فرانک . قیمت اعلان سطردهشاهی . قیمت یک نسخه در مشهد سیصد دینار . » در باره مندرجات و مرام و مصلک روزنامه بدین قرار در زیر عنوان شرح داده شده است ، « این روزنامه در آنچه راجع بترقی و تربیت ملت و منافع دولت باشد بحث میکند و هرگونه لایحه که منافی با دین و دولت نباشد قبول و درج خواهد شد ، »

روزنامه خورشید از حیث مندرجات و نوع مطالب مانند سایر روزنامه های محلیست که در آغاز مشروطیت در ایران پدید آمده و بطور کلی پس از درج مقاله اساسی اخبار شهری و حوادث نواحی مجاور و مقالاتی که اغلب متضمن دادخواهی متظلمین نسبت به حکام و مستبدین است در آن دیده میشود ؛ در روزنامه خورشید مانند جراید دیگر در ابتدای ستون اول صفحه اول فهرست مندرجات هر شماره چاپ شده ، برای مزید اطلاع خوانندگان بنقل فهرست مندرجات شماره های ۹ و ۱۱ سال اول روزنامه میردازیم . شماره ۹ : « از اینجا رانده از آنجا مانده . نگارنده از طهران مینویسد . سیستان . سبزوار . بقیه مصالح اتفاق . بانک ملی ایران . رساله علم اقتصاد و سیاسی (این رساله در پاورقی روزنامه چاپ شده » شماره ۱۱ « اعتذار . قرائتخانه سعادت . تنبیه للغانفلین . تلگراف طهران بجنات . جواب از عتبات عالیات استرآباد . بقیه وقایع درجز وقایع بیرجند . رساله علم اقتصاد و سیاسی » شماره ۲۲ سال اول در تاریخ ۹ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری و شماره ۱۰۴ یعنی آخرین شماره سال اول در تاریخ ۲۵ ذوالحجه سال مذکور منتشر گردیده . نمره ۱۳۹ متعلق بسال دوم در تاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۶ و نمره دوم سال سوم در تاریخ ۲۴ رجب ۱۳۲۷ قمری و نمره ۲۶ از سال چهارم در تاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۸ قمری و نمره ۶۸ این سال در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته است . طبق نمونه های موجود در سال سوم تصویر خویش از سرلوحه روزنامه برداشته شده و در عوض میان حروف اسم روزنامه « خورشید » کلمات « اتفاق عدالت ؛ ترقی » چاپ گردیده و علاوه در بالای آن این عبارت : « در ظل حمایت اعلیٰ حضرت نامن الاثمه شمس الشموس ارواحنا فداء » درج شده است . تغییرات دیگری که در این سنوات در روزنامه پیدا شده یکی در باره طرز انتشار آن است که هفته دوبار گردیده

۱ - این آقای میر مرتضی بعد از روزنامه بنام طوس در مشهد تاسیس نموده و ماز آن در حرف ط کتاب گفتگر خواهیم کرد .

حرف بعد ه الواو

خورشید

و نیز تعداد صفحات که بچهار صفحه تقلیل یافته است . مطبعه روزنامه نیز تغییر کرد . و روزنامه در مطبعه سنکی (محمد زاده) طبع شده است .

روزنامه پلیس ایران در شماره ۳۸ سال اول خود مورخ شنبه سوم محرم ۱۳۲۸ قمری مختصر تاریخچه روزنامه خورشید را تحت عنوان (وعده وصل میدهم گردش آسان مرا) اینطور مینویسد : « جریده فریده خورشید که در دوره مشروطیت صغیر نوربخش خطه خراسان و سیستان بود قریب با انفصال پارلمان و غلبه استبدادبان بواسطه هوای نفس جمعی از ... نمایان خراسان توقیف و معطل مانده بود که چرا حق گفتمی ؟ چرا سیاست اعمال ماملت بی علم را روی دایره میریزی . تا اینکه مقارن انفصال د و باره مؤده افتتاح رسید تا گوشها را باز نمودیم و چشمها را مالیدیم و بانتظار آن خورشید بودیم که یکباره بساط معارف طلبان برچیده و با اصطلاح عوام درب و تخت بهم خورد هر یک از ارباب جراید راه فراری گرفته بطرفی در رفته شفیق ما مدیر محترم جیده خورشید نیز بزایوه پناه برده و سری زیر آب کرد تا این تاریخ که بحمد الله بساط معارف گشوده شده خورشید ما از مشرق خراسان در کمال زیندگی و درخشندگی طلوع نمود و بزبارتش موفق شدیم ، و کالت جریده خورشید با کارکنان جریده پلیس ایران است . » و نیز در شماره ۲۱ سال اول روزنامه ندای وطن مورخ ۳ شنبه ۵ صفر ۱۳۲۵ قمری بعنوان تقریظ جراید شرحی بدینقسم راجع بروزنامه خورشید نوشته است : « روز نامه دیگر در ارض اقدس موسوم بخورشید ریخته قلم جناب معتمد السلطان آقا میرزا محمد صادق خان تبریزی ، وکیل جراید اسلامی که در خراسان بفضل وادب و صحت و امانت معروف است و از قدیم وجود خود را صرف خدمت بملت و وقف ترویج معارف نموده و اینک قرائتخانه و کتابخانه باسم اتحاد در ارض اقدس افتتاح و روزنامه ایجاد فرموده و شماره اول و دوم آن روزنامه باین اداره رسیده و الحق از هر جهت قایم بل تمجید و ستایش است . »

شرح مذکور تا اندازه میرزا محمد صادق خان تبریزی را نیز معرفی مینماید . سابقا یعنی در جلد اول کتاب در ذیل روزنامه ادب ما ایشان را نیز بعنوان همکار مرحوم ادیب الممالک در نشر روزنامه ادب معرفی نموده ایم . در اخطاریکه در شماره اول سال اول روزنامه ادب شده درباره میرزا صادق تبریزی اینطور مینویسد : « چون آقا میرزا صادق خان تبریزی ناظم سابق پستخانه مبارکه خراسان در این امر مقدس شریک و سهیم بالسویه است از این تاریخ ایشان را معاون اداره دانسته و امیدواریم که انشاء الله با دستبازی چنین معاون محترم غیرتمندی از عهده خدمات شایسته وطن بر آوریم . » روزنامه خورشید تا اواسط سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است .

(۵۱۵) خورشید

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان از روزنامه ای بنام خورشید اسم می برد که در شهر تبریز منتشر شده و پس از نشر ۳ شماره تعطیل گردیده است . شرحی

حرف خ بده الو او

خورشید

که تربیت نوشته بدین قرار است : « روزنامه هفتگی خورشید در تبریز با چاپ سری
بمدیریت الکسندر درواریانیا در ۱۳۳۲ بجای مطلق . روزنامه ارتجاعی است .
در شماره ۳ توقیف شده . »

(۵۱۶) خورشید

در ذیقعد ۱۳۳۵ قمری روزنامه خورشید در طهران تاسیس و منتشر شده . طلوع
این روزنامه بقراریکه در شماره ۶ سال نهم روزنامه وطن مورخ دوشنبه ۱۱ شوال
۱۳۳۵ قمری نوشته درماه مذکور انتشار یافته است . در روزنامه وطن اینطور می
نویسد : « طلوع روزنامه خورشید - طلوع جریده شریفه خورشید این دو روزه باده
رسیده وما را بشارت طلوع این نیر اعظم یادآوری مینماید . امیدواریم که این جریده
آزاد ملی عالم مطبوعات مرکزی را تجلی تازه بخشد . » در ذیقعد سال ۱۳۳۵ قمری
پس از نشر دو شماره از روزنامه بجهت غیر معلومی خورشید توقیف میشود و باز بر
حسب اجازه هیئت دولت رفع توقیف از آن بعمل آمده و منتشر میگردد . نگارنده تا
کنون نمونه از این روزنامه خورشید بدست نیاورده است .

(۵۱۷) خورشید

در سرطان ۱۳۰۱ شمسی مجله خورشید مشتمل بر مطالب اجتماعی ، علمی اخلاقی
و ادبی بطور ماهیانه از افق مطبوعات طهران طالع و منتشر شده است . وجه اشتراك
مجله در طهران سالیانه چهار تومان و در ولایات پنج تومان است . مجله خورشید ظاهرا
تا سال ۱۳۰۶ بطور غیر مرتب منتشر شده چه در شماره ۱۵ سال بیستم روزنامه جارچی
ملت مورخ ۱۳ مهر ۱۳۰۶ شمسی درباره سال سوم مجله اینطور مینویسد : « سال سوم
مجله خورشید در آتیه نزدیکی منتشر خواهد شد . » از این مجله نیز نگارنده نمونه
در دست ندارد .

(۵۱۸) خورشید

روزنامه خورشید در شهر مشهد بمدیری (شاهزاده مرتضی میرزا) تاسیس و در
اوائل سال ۱۳۴۲ قمری منتشر شده است . در کتاب شرح حال کلنل محمد تقیخان ؛
منطبقه برلین شرحی راجع بچهاردهمین سال قتل کلنل از شماره (۴۸ - ۸۹) روزنامه
خورشید مورخ پنجشنبه ۲۵ صفر ۱۳۴۳ و نیز در صفحه ۸۲ همان کتاب شرح دیگری
از شماره اول سال دوم روزنامه مورخ ۶ ربیع الاول ۱۳۴۳ قمری نقل نموده که می
رساند لااقل روزنامه خورشید تا شماره ۸۹ منتشر شده است . با اینکه نمونه از این
روزنامه خورشید در دست ندارم که اطلاعات مفصل تری راجع بآن بنویسم و حتی نمیدانم
تا چه سالی منتشر گردیده ولی در عوض لازم میدانم شرح حال مرحوم شاهزاده حاج
مرتضی میرزا که از مدافین آزادی و تجدد میباشد در این کتاب درج نمایم :

حرف خنده الواء

خورشید؛ خورشید ایران

«مرحوم شاهزاده حاج مرتضی میرزا قهرمان متخلص بشکسته در تاریخ ۱۲۹۸ هجری قمری ۱۰ و تا ۱۳۱۴ که سن پانزده سالگی ایشان بوده در حجر تربیت بهر بزرگوارش نزد معلمین که در خانه تدریس میکردند مشغول تحصیلات مقدماتی و ابتدائی بود و از سال ۱۳۱۴ برای تحصیلات عالیّه جزو طلاب شبانه روزی در مدرسه جفریه متوقف و بتحصیل علوم دینیّه و معقول و منقول مشغول و ضمناً در محضر مرحوم حاجی فاضل بتحصیل حکمت هم مشغول بود و در سنه ۱۳۱۹ قمری مصادف با حج اکبر بسکه سالنامه مشرف پس از مراجعت دوسه سال مشغول کارهای کشاورزی و آبادی دهات و مزارع بود در سال ۱۳۲۲ خالصه سرخس و سنکسر و دولت آباد را از دولت اجاره کرده یک چند در سرخس با امر کشاورزی و خدمت سرحداری مشغول بود و ضمن خدمات سرحداری هروقت بهشهادت می آمد جزء آزادبغراهایی که بر علیه استبداد یون زمان و خدمت در راه آزادی و مشروطه طلبی کار میکردند داخل و خدمات برجسته و گران بهائی انجام میداد و در عین اشتغال بکارهای کشاورزی و سیاسی از تحصیل علم و ادب هم غفلت نکرده غالباً از معنر ادیب نیشابوری استفاده نموده بتکمیل ادبیات مشغول و از سال ۱۳۲۴ بپسند اشعار گرانبهائی در ادبیات و سیاست سروده . در سال ۱۳۳۲ بواسطه آزادیخواهی مفرط و صراحت لهجه که در نهاد آن مرحوم بود مورد بی مهری ما مورین مستبد و غارتگران عصر قرار گرفته چندی در مشهد متوقف و مشغول خدمات فرهنگی شده و ضمناً بنای مقبره نادری را از صورت غیر مطبوع قبلی در آورده ساختمان فعلی آنرا موسس گردید . اولین دبستان دخترانه مشهد بنام دبستان فروغ بهمت آن مرحوم تاسیس و سپس امتیاز روزنامه بنام خورشید گرفته و مطبعه خراسان را خرید و برای طبع روزنامه دایر و چندی مشغول انتشار افکار آزادی خواهانه خود بوسیله آن روزنامه بود مجدداً وارد کارهای دولتی شده چندی متصدی شغل شهرداری مشهد و بعد بحکومت گناباد ، سرخس درجری یکی پس از دیگری منصوب و یکی دومرتبه هم از طرف دولت نمایندگی در کمیسیون سرحدی برای رفع اختلاف بین دولت ایران و شوروی تعیین و خدمت خود را بهتربین وجهی انجام داده و بالاخره در سال ۱۳۰۶ مامور تشکیل اداره آمار خراسان شد . عاقبت پس از طی خدمات مختلف دولتی در تاریخ نوزدهم شهریور ۱۳۲۳ شمسی داعی حق را لبیک اجابت گفت . نقل از شماره ۷۵ روزنامه دادگستران خراسان مورخ یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۳۲ .

(۵۱۹) خورشید ایران

روزنامه خورشید ایران بهدیری و موسسی (بهاءالدین حسام زاده بازار گاد) در شیراز تاسیس و شماره اول آن در ۱۹ دیماه ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . برای اطلاع از تاریخچه این روزنامه بهتر آنست قسمتی از تاریخچه آنرا از شماره دوم جدید آن مورخ ۱۷ تیرماه ۱۳۲۱ شمسی بینه نقل نماییم : « روزنامه خورشید ایران در ۱۹ دیماه ۱۳۰۲ یعنی در بیست سال پیش از این با روحی جوان و فکری اصلاح طلب و تجدید

حرف خ بعده الواو

خورشید ایران

خواه و لهجه تند و بیانی صریح در شیراز به عالم مطبوعات قدم نهاد. روزنامه غالباً در هشت صفحه و گاهی در چهار و شش و دوازده صفحه منتشر میشد مندرجات روزنامه جدی ولی همیشه حاوی دو یا يك صفحه کاریکاتور های سیاسی و اجتماعی و اخلاقی جالب بود در اوایل انتشار روزنامه نغمه جمهوری در تهران برخاست روزنامه خورشید ایران با نیتی پاك و نظری ساده از روی خلوص عقیده بتصور اینکه تغییر رژیم از مشروطیت به جمهوریت بنفع ایران و مفید بحال ایران است طرفداری از جمهوری نمود. بمجردی که نغمه جمهوری بنغمه سلطنت تبدیل یافت این نامه که از روی مسلك و عقیده ثابت طرفداری از جمهوری مینمود نسبت باوضاع بدین گشت و با تبدیل جمهوریت بسلطنت مخالفت ورزید و کاریکاتورهائی چند و مقالات و اشعاری در بدین نسبت باوضع و خفه شدن آزادی بدست حکومت استبداد و دیو ارتجاع نشر داد. در شماره ۲۸ فروردین ۱۳۰۳ مقاله شدیدالهنی در ذیل عنوان (حتما جمهوری و گرنه انقلاب والا مرك) و در شماره ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۳ مقاله راجع بجمهوری و تاسف شدید از مرك آن و تاثر از فتنات جدید درج نمودیم در شماره ۳۰ اردیبهشت همان سال مقاله در باب فساد مجلس پنجم که بازیگر این تاتر بود در زیر عنوان «خائن بكمك خائن و جانی بكمك جانی» چاپ کردیم و در شماره ۷ خرداد مجلس پنجم را مورد حمله قرار دادیم و در شماره های بعد که اوضاع را دریافتیم و مقصدا کثرت و اقلیت مجلس را دانستیم نوشتیم «بدست ملت کودتا لازم است» در طی يك سلسله مقالات و کاریکاتور ها تمام ایادی و دستهای را که در آن اوضاع دخالت داشت صریحا گفتیم. هنگامیکه شهربانی آندوره حربه قاطع و آلت قتاله ای دردست دیکتاتور عصر قرار گرفت مقاله در ذیل عنوان «اصلاح نظمیة شوم» نگاشتیم. روزنامه بواسطه کاریکاتور مهی که در شماره ۲۱ شهر یور ۱۳۰۳ درج کرده بود از طرف کوتوله شهوت ران امیر لشکر محمود آیرم متوفی مالک رقاب جنوب ایران که تازه جانشین جادوگر جنوب شده بود با اخذ حکم و اجازة تلگرافی دولت مرکزی توقیف گردید پس از ۹ ماه توقیف روزنامه پارسنامه را در خرداد ۱۳۰۴ بجای آن دائر کردیم.

در تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۳۰۴ روزنامه خورشید ایران را در تهران از توقیف خارج کرده و يك شماره در پایتخت نشر دادیم و مجددا در شیراز آنرا هفته ۳ شماره تا سال ۱۳۰۹ منتشر نمودیم. روزنامه ما به رضا خان تا هنگامیکه سردار سپه بود خوش بین بود و چون سردار سپه باعلیحضرت رضا شاه پهلوی تبدیل یافت دیگر نامی از او نبرد و ذکری از او ننمود و اگر بدوره روزنامه نظر کنید میبینید که از خرداد ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۰۹ که روزنامه نشر میشده است دیگر نامی از اعلیحضرت پهلوی و دولت او در روزنامه حتی بصورت اخبار هم دیده نمیشود. این بود تاریخچه روزنامه خورشید ایران. این روزنامه در تیر ماه ۱۳۲۱ شمسی مجددا در تهران پا بدایره انتشار گذاشته است و ما از آن جدا گانه بحث خواهیم کرد.

(۵۲۰) خورشید خاور

مجله خورشید خاور در عشق آباد ترکستان بزبان فارسی بمدیری و محرری (سید مهدی قاسم اف) تاسیس و شماره اول آن در ۱۱ صفره بقطع خشتی در مطبعه سر بی روی کاغذ متوسط و با چاپ بد روز یگشنبه غره ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری مطابقت ۳ دیکابر ۱۹۱۷ میلادی منتشر شده است. محل اداره: میدان اسکو باوف جنب مطبعه الکسناروف. آدرس: صندوق پست نمره ۸۲ خورشید خاور. عشق آباد. قیمت آبونه: سه ماهه داخله ۶ منات. خارجه ۸ منات. قیمت اعلان در صفحه آخر هر سطر به حساب پستیت ۶۰ کاپک. قیمت یک نسخه ۶۰ کاپک.

مجله خورشید خاور در عنوان هر شماره بدین قسم معرفی شده است: «مجله ای است آزاد هفته یک بار روزهای یگشنبه طبع و توزیع میشود از امور ملکیه و اقتصادیه و علمیه و اخلاقیه و دینی و ادبیه در آن بحث میگردد. مقالات و ادبیات عام المنفعه بالمذوبه (۱) بزبان فارسی و ترکی قبول میگردد. مکتیب بدون امضا درج نخواهد شد.» چنانچه اشاره شد، معمولاً شماره صفحات مجله ۱۰ تا ۱۱ است و گاهی نیز به ۱۴ صفحه می رسد، هر صفحه مشتمل بر دو ستون است. سرلوحه مجله که روی جلد چاپ شده عبارتست از جمله (مجله خورشید ایران) که در وسط خورشید درخشانی نوشته شده و بالای آن این آیه (ذکرا لمن کان له قلب اوالقی السمع و هو شهید) درج است. درباره پیدایش و سبب مجله شرحی در مقاله افتتاحی آن تحت عنوان (بسم ربنا الطیم الخیر) ذکر شده که خلاصه آن پس از ستایش خداوند و درود بر پیغمبر و اصحاب چنین است: «فلامتجاوز از سی سال است که ترکستان محل مهاجرت اهل ایران واقع شده و ترکستان برای آنها وطن شده و دارای زراعت و صناعت میباشد ولی بواسطه فشارهای حکومت استبدادی ترقیات معنوی چندان نداشته و تنها ترقی که در این مدت نموده اند تاسیس دو باب مدرسه ابتدائی در عشق آباد است. و دو مدرسه ابتدائی در مرو که از دو سال پیش تاسیس شده است: پس از پیدایش جنگ عالمگیر بین الملل ملت روسیه از خواب بیدار شد و حکومت استبدادی را از بین برد و اعلان حریت و مساوات بجمیع طوایف و فرق روی زمین داد. ضمناً مردم ترکستان نیز از این آزادی بهره مند شده ۰۰۰ هر کس بقدر مقدور نسبت به قوم و ملت خود خدمتی اظهار کرد و هرنفس فراخور استطاعت خویش محض خیر عموم بحرکتی آشکار این بنده بی بضاعت چون در این موقع احتیاج هموطنان را بایجاد یک مجله و یا جریده فارسی که مشوق و سائق افراد ملت بشا هراه نجات و سعادت و مترجم اخبار و وقایع این مملکت بجهت ایرانیان تواند گردید از دیر زمانی این آرزو در خاطر خلجان و این فکر دیر دوران داشت و بواسطه صعوبات و اشکالات که از نتایج محاربه ملل بر کل امور در هر مکان و محل مترتب است اجراء این مقصود مهم از قبیل محالات بنظر می آمد تا این اوقات که تقدیرات الهی مساعد آمده جمعی از رجال ترقی خواه عالی همت و معارف پرور را برانگیخت که پای ثبات و قدامت فشرده بتاسیس

حرف خ بعده الواو

خورشید خاور، خوزستان

این مجله (خورشید خاور) موفق و کامیاب گردید امید چنانست که این هدیه محقر در محضر عموم ابناء وطن مقبول افتد مسلک و پرگرام این مجله آزاد اساس دعوت بصلح و سلام و اتحاد و الفت تام بین عموم اقوام و نشر علوم و معارف و تعمیم حرف و صنایع و تعلیم و تربیت اطفال از نساء و رجال و تهذیب اخلاق و حفظ حدود و حقوق و ترك شرور و فسوق و لزوم توافق مدنیت با دیانت و وجوب تحری حقیقت و بیان مضرات عداوت و عصبیت است و ضمناً در امور سیاسیه و اقتصادیه نیز علی حسب الاقتضا بحث میگردد در باره مندرجات و مطالب مجله میتوان گفت بیشتر جنبه تبلیغاتی و پیشرفت مرام بلشویزم را دارد. تاسیس مجله در سال ۱۹۱۷ در عشق آباد برای آشنا ساختن مردم فارسی زبان ترکستان با اصول بلشویزم بود. و لذا بیشتر مطالب مجله اخبار مربوط به روسیه و اعلامیه های لنین و دستورات سران بلشویک است. مقاله افتتاحیه مجله که دنباله آن در شماره های بعد نیز چاپ شده است تحت عنوان (حریت) میباشد و مقالات دیگر آن ذیل عنوان (عصر عصر اتحاد است) و هم چنین اخبار داخله و اخبار محاربه و گاهی اشعاری بعنوان (ادیات) که در آنها از زیانهای جنگ گفتگو شده و آنرا منادی صلح نامیده در مجله درج است. تلکرافات خارجی نیز گاهی بطور اختصار و در هر چند شماره يك مقاله بزبان ترکی چاپ شده از مجله خورشید خاور نگارنده فعلاً تا شماره ۷ سال اول مورخ ۱۴ ربیع الآخر ۱۳۲۶ قمری در دست دارد.

(۵۲۱) خوزستان

روزنامه خوزستان در شهر اهواز بصاحب امتیازی آقای (مجید موقر) و مدیری (ی. پارسى) در سال ۱۳۰۴ شمسی تاسیس و در مطبعه (خوزستان) طبع و منتشر شده است. امتیاز این روزنامه در ۲۰ دلو ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته و در آغاز سال بعد انتشار یافته. شماره ۹۳۸ سال سیزدهم آن بصاحب امتیازی و موسسی (مجید موقر) و مدیری و سردیری (ی. پارسى) تاسیس و در تاریخ ۵ شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۱۶ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (خوزستان - اهواز) چاپ و منتشر شده است. جای اداره: خیابان رئیس. نمره تلفن ۷۳. وجه اشتراك: داخله ۵۰ ریال، خارجه ۸۰ ریال. شش ماهه در داخله ۳۰ ریال. تك نمره ۳۰ دینار قیمت اعلانات صفحه اول سطری ۳ ریال؛ صفحه دوم و سوم يك ریال و نیم. چهارم دوریال. مندرجات روزنامه خوزستان پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار داخله و خارجه و اعلانات و در سنوات اخیر اعلانات ثبتی خوزستان. علاوه بر اینها مقالات مختلف تاریخی ادبی اخلاقی در روزنامه درج است طرز انتشار روزنامه خوزستان در ابتدا هفتگی بوده و بعداً هفته چند شماره منتشر میشده است. خوزستان پس از رفتن مدیر آن آقای مجید موقر بطهران و عهده دار شدن روزنامه ایران در پایتخت دیگر انتشار نیافته و برای همیشه تعطیل شده است.

آقای مجید موقر - مجید موقر ملقب ب مترجم الممالك فرزند مرحوم موقر

حرف خنده الواء خوزستان ؛ خوسك ، خواندنیها، خیال

الملك از خدمتگذاران به مطبوعات و پس از آنکه مدت چند سال روزنامه خوزستان را در اهواز منتشر میساخت بطهران عزیمت نمود و در آنجا روزنامه ایران را که بطول و جهانی دولت وقت مایل نبود تحت نظر و بمدیریت آقای رهنما مدیر آن منتشر گردد، قبل نمود و تا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ این روزنامه را بسبك مطلوب و آبرومندی همه روزه صبحها منتشر میساخت. پس از وقایع شهریور که آقای رهنما بایران بازگشت مجدداً روزنامه ایران را تملك نمود و خود بكمك فرزندش آنرا انتشار داد و آقای مجید موقر بجای ایران مهر ایران را تاسیس کرد. آقای مجید موقر علاوه بر روزنامه های ایران و مهر ایران مجله ادبی مهر و مهرگان را نیز منتشر ساخته و ما در محل خود از هریك از این جراید و مجلات جداگانه بضمیمه شرح حال مفصل آقای موقر گفتگو خواهیم کرد.

(۵۲۲) خوسك

مجله خوسك در شهر تبریز بزبان ارمنی تاسیس و منتشر شده است. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان پس از آنکه خوسك را بمعنی (سخن) ترجمه کرده درباره این مجله مینویسد: «مجله منتشر در تبریز در زبان ارمنی در ۱۴-۱۹۱۳»

(۵۲۳) خواندنیها

مجله خواندنیها که ابتدا نشریه بنگاه زربخش بوده و بعداً بمدیری و صاحب امتیازی (علی اصغر امیرانی) در طهران تاسیس و منتشر شده چون از هر جهت در بین مجلات فارسی تازگی دارد و از طرفی قسمت عمده ترقی و پیشرفت آن مربوط ببعده از شهریور ۱۳۲۰ یعنی متعلق ببعده از دوره ایست که ما فعلاً در این مجلدات از آن گفتگو مینمائیم لذا شرح مفصل آنرا موکول بذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران مینمائیم در اینجا برای اینکه نام آن از ردیف مجلات قبل از شهریور حذف نشده باشد فقط به ذکر آن پرداختیم و بهر صورت شرح احوال آقای امیرانی و خدماتیکه نامبرده با نشر خواندنیها بفرهنگ کشور نموده در ذیل کتاب ذکر خواهد شد.

(۵۲۴) خیال

روزنامه خیال با چاپ سنگی بمدیری (افصح المتکلمین) در شهر رشت تاسیس و منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۸۲) درباره روزنامه خیال اینطور مینویسد: «روزنامه خیال را راینوو میرزا محمد علیخان یاد داشت نکرده اند ولی من يك شماره بدون تاریخ از آن در دست دارم این شماره نمره اول روزنامه و چاپ سنگی و در رشت طبع شده و صحنه اول آن مصور بتصویر احمد شاه است. وجه اشتراك سالیانه آن ۱۲ قران در رشت، ۱۷ قران در سایر شهرهای ایران، ۲۰ قران در ممالك خارجه. تعداد صفحات شش و بقطع ۷/۵×۱۳ سانتیمتر و ناشر و مدیر

حرف خ بعده ایاء

خیر الکلام

روزنامه افصح المتکلمین است. این افصح المتکلمین علاوه بر روزنامه خیال روزنامه خیر الکلام را در رشت و طهران منتشر نموده و اجمالی از شرح احوال او را در ذیل روزنامه خیر الکلام ذکر خواهیم کرد .

(۵۲۵) خیر الکلام

روزنامه خیر الکلام در شهر رشت بمدیری (افصح المتکلمین) تاسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و پس از نشر ۱۲ شماره بعلت مخالفت امیر خان سردار ، حاکم گیلان با مدیر روزنامه ، وی ناچار برای دادخواهی ، رشت را ترک کرده و بطهران مهاجرت نمود . و از اینرو چند شماره خیر الکلام در طهران انتشار یافته و مجدداً پس از بازگشت افصح المتکلمین برشت ، روزنامه تا سال چهارم در رشت منتشر گردیده است . قبل از آنکه بذکر خصوصیات خیر الکلام منتشر در رشت بپردازیم ، مختصری جداگانه از انتشار آن در طهران گفتگو مینمائیم .

(۵۲۶) خیر الکلام

گفتیم بعلت مخالفت امیرخان سردار حاکم رشت با افصح المتکلمین وی ناچار رشت را ترک نموده و برای دادخواهی بطهران عزیمت مینماید شماره ۱۳ سال اول خیر الکلام مورخ ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵ قمری اولین شماره خیر الکلام است که در طهران انتشار یافته و بعد از شماره ۱۴ تا ۱۹ که آخرین شماره منتشره در طهران می باشد و مورخ بتاریخ ۲۳ صفر ۱۳۲۶ قمریست در طهران منتشر گردیده است مندرجات این چند شماره بیشتر تظلم و دادخواهی مدیر روزنامه از حاکم گیلان است . در آن هنگام جراید دیگر پایتخت نیز بامدیر خیر الکلام همصدا شده و اظهار تنفر از اعمال امیر خان سردار نموده اند منجمله مدیر روزنامه تمدن در شماره ۵۲ سال اول مورخ پنجشنبه ۱۷ محرم ۱۳۲۶ قمری شرحی بعنوان تظلم بامضای ۱۷ نفر از مردم انزلی چاپ کرد . که خلاصه آن این است : ما کنندگان زیرشکاه مطبعه ساحل نجات بندر انزلی عرض میکنیم که جناب افصح المتکلمین مدیر جریده خیر الکلام و ساحل نجات ریاست مطبعه انزلی را داشته و آن دو جریده را در آنجا طبع مینموده میدانیم بجهت امیر اعظم این پیر مرد را مقصر کرده و فعلاً آمده است بطهران برای دادخواهی و از آن تاریخ مطبعه بیکار مانده است شما را بحقیقت آیا سزاوار است جریده خیر الکلام که در فاصله طبع ۱۲ نمره و جریده ساحل نجات در فاصله هفت نمره سالی دوازده هزار تومان به اهالی گیلان رسانیده است تعطیل شود . پس از این مقاله مدیر تمدن اظهار نظر می کند که : « گمان نداریم که بعد از ملاحظه شماره ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ خیر الکلام مطبعه طهران مظلومیت هم قلم محترم پوشیده بر کسی باشد . »

قبل از آمدن افصح المتکلمین بطهران یعنی در شوال ۱۳۲۵ قمری ؛ وی باتفاق

حرف خنده الیاء

خیر الکلام ؛ خیر اندیش

چند تن از مشروطه طلبان رشت گرفتار عذاب و شکنجه امیر اعظم گردیده و پس از آنکه حاکم مستبد گیلان ، افصح المتکلمین را به چوب بسته و تا توانسته است او را چوپ زده وی و یارانش را بزندادان افکنده و احدی را پیش آنها راه نمیداده است .
در این باره نیز عیال افصح المتکلمین از رشت نامه بعنوان دادخواهی برای روزنامه مساوات فرستاده و مدیر مساوات آنرا در شماره ۶ سال اول روزنامه مورخ یکشنبه ۱۷ شهرشوال ۱۳۲۵ قمری درج کرده است . در نامه مذکور افصح المتکلمین واعظ و وکیل روزنامهجات و مدیر روزنامه ساحل نجات و خیر الکلام گیلان معرفی شده .
اگر از چند شماره خیر الکلام که در طهران منتشر شده صرف نظر نمایم بقیه شماره ها تا شماره ششم سال چهارم مورخ ۲ جمادی الاول ۱۳۲۹ قمری در شهر رشت انتشار یافته است که ذیلا بذکر خصوصیات آن ها میردازیم خیر الکلام در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سری (مطبعه سعادت) و (مطبعه شرافت) طبع گردید . و نام مدیر آن در عنوان روزنامه و در انتهای صفحه چهار چاپ شده است . طرز انتشار آن در سال اول و دوم هفته دوبار روزهای دو شنبه و پنجشنبه طبع و توزیع شده و در سال سوم یعه همه روزه بغیر از ایام تعطیل منتشر شده است . اسم روزنامه « خیر الکلام » بخط نسخ در وسط عنوان نوشته شده و در دو طرف آن خصوصیات روزنامه درج است .
محل اداره : رشت . اداره خیر الکلام . قیمت اشتراك سالیانه : رشت ۲۵ قران ؛ سایر بلاد ۳۰ قران ، ولایت روسیه ۶ منات . قیمت تک نمره رشت ۲ شاهی سایر بلاد ۳ شاهی قیمت اعلانات حطری يك قران . بعد از ارسال پنج نسخه وجه اشتراك دریافت خواهد شد .
مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار شهری و مقالات مختلف متضمن بر دادخواهی و مکتوبات از نواحی مختلف گیلان و گاهی اشعار و اعلانات نیز در روزنامه درج است . نمونه از عناوین سرمقاله های روزنامه از این قرار است : « تکمیل نظام در دیانت اسلام است » و « اعتدال یا کینه کش » یکی از اخبار شهری روز نامه : « سید مظلوم » آقا سید محمد روزنامه فروش که در دو نمره سابقه خیر الکلام و صدای رشت مکتوب تظلم از تعدیات حاج میرزا یوسفخان عموداده بود . پربروز در مسجد جامع که مجلس روضه منعقد است تظلمات خود را بحضور جالسین کرده بود . دیروز هم در جلوی مسجد جامع همین استغاثه را از مردم کرده بود و اجماعی در این باب شد ما خواهش میکنیم از مصادر امور که بعرض این سید ذریه رسول اعتنا کرده از او رفع ظلم بفرمایند . شماره ۱۴ سال سوم خیر الکلام مورخ یکشنبه ۵ شهر صفر ۱۳۲۹

(۵۲۷) خیر اندیش

روزنامه خیر اندیش بزبان ترکی در تبریز بطور هفتگی تا سیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع باین روزنامه مختصرا مینویسد : « خیر اندیش روزنامه منتشر در تبریز در ۱۳۲۶ ۲۰ و دیگر نامی از مدیر و ناشر آن نبرده است . برون در کتاب مطبوعات و نشر ناری (ص ۸۳) بنقل از فهرست راینو مینویسد که روزنامه خیر اندیش در تبریز با چاپ سنگی و بزبان ترکی

حرف الدال

دارالعلم

تاسیس و شماره اول آن در تاریخ دوم ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است ، ولی در ذیل این شرح اضافه میکند که نمره اول این روز نامه را در دست دارم که تاریخ انتشار آن سال ۱۳۲۶ قمری نه ۱۳۲۷ است شماره مذکور در دو صفحه بقطع ۱۲×۶/۵ سانتیمتر و قیمت تک نمره آن در تبریز يك شاهی و در سایر شهرهای ایران يك شاهی و نیم است .

حرف الدال

(۵۲۸) دارالعلم

روزنامه دارالعلم در شیراز به مدیریت (میرزا عنایت الله دست غیب شیرازی ملقب به اعتمادالتولیه) تاسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . این روزنامه با چاپ سنگی در مطبعه سنگی محمدی شیراز معمولاً روی هشت صفحه بقطع خشتی بزرگ ۵ و ۴ × ۱۰ سانتیمتر طبع و شماره اول آن در تاریخ ۲۲ شوال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . عنوان مراسلات و تلگرافات : شیراز — دارالعلم . مراسلات بدون تمیز و معرفی قبول نمیشود و در صورت عدم درج صاحبانش حق استرداد ندارند . (این عبارات بضمیمه نام مدیر روزنامه در طرف راست اسم روزنامه و در طرف چپ آن قیمت اشتراك بدین قرار معین شده است) سالیانه در خود شیراز : ۱۷ قران سایر بلاد داخله ۲۲ قران ، امریکا و فرنك ۲۵ قران . عثمانی و مصر ۵ مجیدی . تك نمره در شیراز پنج شاهی . در سایر بلاد داخله شش شاهی . قیمت اعلان سطرى يكقران . در زیر اسم روز نامه (دارالعلم) که بخط نستعلیق درشت نوشته شده ، دارالعلم (جریده علمى ، فلسفى ، سیاسى ، اخلاقى ، اخبارى) معرفی گردیده و طرز انتشار آن هفتگی قید شده است . علاوه بر این سه کلمه « علم — معرفت — نجات » زیر تاریخ انتشار درج است . درباره مرام و مسلک روزنامه در ضمن يك سطر در زیر عنوان روزنامه اینطور مینویسد ، « این جریده آزاد و مروج علوم و معارفی است که مدار ترقیات و تمدنات این عصر است و با احدی طرف نیست . »

شماره ۱۵ سال اول روزنامه با خصوصیات مذکور در تاریخ ۶ ذیحجه ۱۳۲۷ قمری طبع و توزیع شد ؛ سر مقاله این شماره تحت عنوان « آخرین وسیله نجات اتحاد است اتحاد » میباشد و با این عبارات شروع میگردد : « ایران خانه و وطن ماست . ایران محل آسایش و مامن ماست . ایران مکان تعیش و زندگانی ماست . » پس از سر مقاله مذکور مقاله « بقیه اکتشاف قطب شمال » ترجمه از الهلال و بعد مقاله در باره « سینوماتگراف باعث تهذیب اخلاقت » و در صفحه هشت شرحی از مناقب حجة الاسلام لاری چاپ شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی « ص ۸۴ » پس از معرفی روزنامه مینویسد من شماره های ۹ ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۶ این روزنامه را در دست دارم

میرزا عنایت الله دست غیب — مرحوم فرصت در کتاب آثار عجم ص ۵۶۳

حرف الدال

دار العلم ، دارالامان

جائیکه از شعرای فارس ذکری نموده مینویسد: میرزا عنایت الله اعتمادالتولیه از سادات دست غیب است و جنابش میرزا از غیب. این دوشعر از اوست:

تا شدم حلقه بگوش درگه سلطان عشق بی نیازم از دوعالم ساخته احسان عشق
عقل چبود تا که باشد عاشق را فخر از او صد هزاران عقل گردیده است سرگردان عشق

مرحوم فرصت در ذیل شرح مذکور اضافه میکند که میرزا عنایت الله ولد سعادت مند جناب میرزا ابوالحسن دست غیب است اکنون بتحصیل علوم اشتغال دارد و سابق عروض را از فقیر آموخته. در باره وجه تسمیه این خاندان بدست غیب مرحوم فرصت مینویسد:

«در وجه تسمیه اش گویند یکی از اجداد آنها با شخصی مشاجره داشت و نفی سیادت از آن سید مینمود دستی از غیب ظاهر شد و شجره نامه بدامان سید افکند. بهمنی دیگر نوشته اند آن سید با وزیری بر سر ملک و زراعتی منازعه داشتند وزیر سید را سقط گفت دستی از غیب بر آمد بر سینه و بر خورد و مرد.» در حین تحریر این قسمت مدتیست مرحوم اعتمادالتولیه رخت از این جهان بر بسته است.

(۵۲۹) دارالامان

روزنامه دارالامان در شهر کرمان بدیر مسئولی (آقا سید حسین خیابانی رئیس السادات) تأسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. شماره ۷ سال اول آن در هشت صفحه بقطع ۶/۵ × ۱۲ سانتیمتر با چاپ سنگی در مطبعه (کرمان بدیری حسین طهرانی) طبع و در تاریخ ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. عنوان تلگرافات و مراسلات کرمان. اداره دارالامان. قیمت اشتراك آن: کرمان ۲۰ قران سایر بلاد داخله ۲۴ قران. در کلیه بلاد خارجه معادل ۳۰ قران. قیمت اعلانات و لوايح مخصوص سطری دهشاهیت. طرز انتشار دارالامان هفتگی بوده و اسم روز نامه با خط نسخ و در زیر آن تاریخ انتشار چاپ شده است. در هر شماره در ضمن يك سطر روزنامه اینطور معرفی شده است: «جریده ایست آزاد حامی اسلام و اسلامیان هوا خواه استقلال ایران دادخواه مظلومان و حامی رنجبران.»

مندرجات دارالامان پس از درج مقاله اساسی عبارت است از مقالات مختلف و اخبار شهری و اخبار داخله که برای نمونه عنوان بعضی از مقالات اساسی آنرا نقل مینمائیم: (ملت کیست دولت چیست؟) (راجع بانتخابات)، (الحق یلوی لایعلی علیه) (ایران قانع است) و غیره. دارالامان از حیث مندرجات و اشتمال آن بر مقالات مفید و اخبار شهری کرمان و اطراف یکی از جراید خوب و نافع میباشد و برای اطلاع از اوضاع سنوات بعد از مشروطیت یکی از مدارك مهم است. شماره ۱۴ روز نامه در تاریخ ۲۷ شهرشوال المکرم و شماره ۱۵ آن در تاریخ ۵ ذی قعدة الحرام ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته. از روزنامه دارالامان نگارنده تا شماره ۲۶ سال اول مورخ ۲۶ صفر ۱۳۳۰ قمری در دست دارد. مقاله افتتاحی این شماره تحت عنوان (انقلابات) نوشته شده و باین عبارات شروع میگردد: «اگر چه اخبار صحیح، سریع

دارالامان، دامپزشکی

حرف‌الواو

از مرکز با نمیرسد و خبر از اوضاع سیاسی نداریم ولی بعضی اخبار را اگر چه از منابع موثقه هم باشد بانضمام قرلین...» نمونه از اخبار شهری روزنامه بنقل از همین شماره. چنین است: «آقای سردار نصرت رئیس قشون کرمان بملاحظه اختلافیکه در محاسبات قشونی ایشان احداث شده بود و انجمن ایالتی هم تعطیل و تفریغ آن محاسبات مشکل شده بود ناچار بامر وزارت جنگ بطهران احتضار شدند که در مرکز محاسبات دو ساله خود را که زیاده از یکصد هزار تومان است تعیین و تفریغ نمایند.»

(۵۳۰) دامپزشکی

مجله دامپزشکی که از انتشارات اداره کل دامپزشکی بوده در طهران تا سیس و در آغاز سال ۱۳۱۶ شمسی منتشر شده است. مدیریت مجله بمعهد رئیس اداره کل دامپزشکی بوده و چون در بدو تاسیس مجله ریاست اداره کل مذکور بمعهد مرحوم دکتر عبدالله حامدی بوده لذا مدیر مجله نیز نامبرده معرفی شده است. شماره ششم سال اول مجله در مهر ماه سال مذکور انتشار یافته و طرز انتشار آن همه ماهه یک شماره در ۶۰ صفحه ربعی با اشکال عدیده و مقالات مختلف مربوط بدام که بقلم متخصصین و استادان فن دام پزشکی داخلی و خارجی تدوین یافته؛ منتشر شده است. شماره اول سال دوم آن در ۵۷ صفحه و ۵ صفحه ضمیمه بقطع ربعی در مطبعه سربین دانش طبع و در فروردین ۱۳۱۷ شمسی منتشر شده است. محل اداره: طهران خیابان شاه، وجه اشتراك آن داخله سالیانه: ۲۰ ریال، تک شماره ۲ ریال. در سال اول هشت شماره بزبان فارسی و چهار شماره آن (هر سه ماه یک دفعه) بفرانسه انتشار یافته و چون شماره های فرانسه مورد استفاده عموم مشترکین نبوده لذا در سال دوم تصمیم گرفته شده که همه ماهه یک شماره بفرانسی و چهار شماره فرانسه جداگانه در تحت اسم دیگری منتشر شود و بنا بر این مشترکین مجله از سال دوم دوازده شماره فارسی دریافت کرده اند. مندرجات دامپزشکی منحصرأ مطالب مربوط بدامها میباشد و نویسندگان آن کارمندان اداره کل دامپزشکی است که یا مستقلا و یا از مجلات خارجی ترجمه نموده اند: این مجله دومین مجله ایست که مستقلا بزبان فارسی درباره دامها در ایران تاسیس و منتشر گردیده. قبل از این مجله؛ مجله دیگری بنام بیطاری انتشار یافته که در حرف ب کتاب جداگانه از آن گفتگو کرده ایم.

تا زمانیکه دکتر حامدی در قید حیات بود و در امور مجله و اداره کل دامپزشکی مداخله مینمود مجله مرتب با مقالات سودمند منتشر میشد. پس از فوت او نیز مجله مدتی منتشر میگشت ولی در حین تحریر این قسمت چندیست تعطیل شده و دیگر منتشر نمی گردد.

دکتر عبدالله حامدی — مرحوم دکتر عبدالله حامدی فرزند مرحوم اعتماد دربار در تاریخ ۱۲۸۱ شمسی در تهران متولد و در سال ۱۳۰۰ تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان تدین و دارالفنون پایان رسانید و پس از آن در مدرسه طب بآموختن فن پزشکی مشغول گردید. در سال ۱۲۹۹ گرفتار و چند شبانه روز در محبس بسر برده

حرف الدال

دامپزشگی؛ دانش

است. ۰ در سال ۱۳۰۴ از طرف انستیتو پاستور بوزارت فلاح و تجارت معرفی گردید و در موسسه دفع آفات حیوانی بخدمت مشغول و برای اولین مرتبه مبادرت بتهیه سرم سرطان ضد طاعون در ایران مینماید. ۰ از آنجائیکه برای خدمت بکشور تحصیلات خود را کافی نمیدانست از وزارت متبوعه خود تقاضا نمود که در اروپا بادامه تحصیلات خویش بردارد و لذا پس از موافقت در سال ۱۳۰۵ بفرانسه عزیمت نمود و بفرار گرفتن دامپزشکی پرداخت. ۰ در فرانسه موفق بگرفتن دانشنامه نگاه مستعمراتی گردید. ۰ ضمناً مطالعاتی تحت نظر پرفور (رامن) در فن سرم سازی نمود. ۰ دکتر حامدی پس از چند سال تحصیل با توشه کافی و سری پرشور در سال ۱۳۱۰ برای خدمت بمیهن مراجعت نمود و خود را در اختیار اداره کل فلاح گذارد. ۰ تا سال ۱۳۱۴ ریاست اداره دامپزشکی تبریز را داشت و در سال مذکور برای شرکت در کنگره کشاورزی و دامپزشکی که در مسکو منعقد میگردد ماموریت یافت و در همین سفر برای استخدام کارشناسان فنی بنقاط مختلف اروپا سفر کرد و در سال ۱۳۱۶ بمنظور آشنا ساختن عموم پیررسیهای نوین علمی مجله ماهانه دامپزشکی را تاسیس نموده از سال ۱۳۱۷ با حفظ مقام ریاست دامپزشکی کل ریاست دانشکده دامپزشکی را نیز به عهده گرفت در ۲۵ مهر ماه ۱۳۲۰ با حفظ مقام ریاست دانشکده دامپزشکی بسمت مدیریت کل فنی وزارت کشاورزی انتصاب و تا آخرین دقیقه عمر خود را مصروف پیشرفت امور فنی کشاورزی و دامپزشکی نمود و در سال ۱۳۲۲ شمس در طهران جهان فانی را بدرود گفت. ۰

(۵۳۱) دانش

هنگامیکه علیقلیخان مغیرالدوله وزیر علوم و رئیس مدرسه دارالفنون بوده، در سال ۱۲۹۹ هجری قمری روزنامه دانش را در طهران تاسیس و در مطبعه مخصوصی که در مدرسه دارالفنون بوده آنرا طبع و منتشر نموده است. ۰ شماره اول این روزنامه در تاریخ ۲۳ رجب ۱۲۹۹ و آخرین شماره آن در تاریخ ۱۶ صفر ۱۳۰۰ قمری توزیع گردیده و چون طرز انتشار آن ماهی دوشماره بوده بنابراین جمعا از روزنامه دانش چهارده شماره منتشر گردیده است. ۰ نمره سیم این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی و بخط نسخ خوب و با کاغذ ممتاز طبع گردیده و در تاریخ دو شنبه غره شهر رمضان ۱۲۹۹ هجری مطابق هفدهم ژولیه ماه فرانسه ۱۸۸۲ مسیحی منتشر شده هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و هر ستونی ۲۹ سطر است. ۰ روزنامه دانش مجانا تقسیم میشده و چنانچه در عنوان آن قید گردیده: «حاملین این روزنامه در طهران و غیره از سایر بلاد ایران حق مطالبه قیمت ندارند» و همچنین اعلانات مندرج در روزنامه مجانی بوده: «اعلان این روزنامه قیمت ندارد.» و نیز مقالات و اخبار مربوط بعلوم بنام فرستنده در روزنامه چاپ میشده و در این باره در زیر عنوان روزنامه در ضمن يك سطر در جائیکه طرز انتشار روزنامه را قید کرده مینویسد: «هر کس اخبار و اطلاعات که مربوط بعلوم و منوط بتربیت باشد با اداره وزارت علوم بفرستد با هم و رسم نوشته

حرف الدال

دانش

خواهد شد . . .

مندرجات روزنامه دانش بیشتر اخبار وزارتخانه های مختلف و قسمتهای علمیت و علاوه درهشماره دارای باورقیست . باورقی روزنامه از شماره سوم شروع گردید . و آن عبارت از (رساله مفتاح العلوم . ترجمه معتمدالسلطان جعفرقلیخان سرتیپ اول و رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون) است . آغاز این رساله چنین است : « فصل اول در آفتاب که مبداء عمده حرارت است . . . » برای نمونه فهرست مندرجات نمره سوم روزنامه را نقل مینمائیم : سواد رقیه جناب اشرف وزیر امور خارجه در تمجید از روزنامه دانش . اخبار وزارت علوم . مطلبیست که در تحقیق فوائد علم و دانش نوشته اند افیون . تبریک .

تبریک مذکور عبارت از قطعه شعریت که آنرا بمناسبت نشر روزنامه دانش میرزا محمد کاظم متخلص بالفت سروده و بماده تاریخ انتشار روزنامه ختم میشود . این قطعه باشعار زیر شروع و ختم میگردد :

ز سعی خسرو صاحب قران و بخت بلندش فراشت علم پیام سپهر پرچم رایت .
ستوده ناصر دین شاه آنکه تا ابد الدهر خدایرا برخش باز باد چشم عنایت .
.

بر آن شدم که بتاریخ بهر تهنیت آن سخن سراپم و خواهم ز روح قدس حمایت که ناگهان یکی آمد ز غیب و گفت بالفت که این جریده دانش کند ز علم حکایت

۱۲۹۹

در هیچ کجای روزنامه اسمی از مدیر آن نیست ولی در بیشتر نمرات در انتهای ستون دوم صفحه چهارم امضای (محمد کاظم بن احمد معلم طبیعی) دیده میشود و این محمد کاظم معلم معروف شیعی دارالفنون بوده که ضمناً نویسندگی روزنامه را نیز بعهده داشته است . نویسندگان دیگر روزنامه که امضای آنها در پای مقالات چاپ شده عبارتند از حاج نجم المالك و معتمد السلطان میرزا محمود خان . اداره روزنامه در دارالفنون و محل طبع آن (دارالطباعة خاصه علمیه در مدرسه مبارکه دارالفنون) و میرزا عباس نام نقاش و باسمه چی رئیس مطبعه روزنامه بوده است .

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۸۴) از روزنامه بنام دانش اسم برده که در سال ۱۲۹۹ قمری در طهران منتشر شده است . این روزنامه دانش که بطور هفتگی چاپ و منتشر میشده غیر از روزنامه دانش است که از آن بتفصیل جداگانه گفتگو نمودیم . برون نیز در کتاب خود برای این روزنامه عنوان علیحده قرار داده و مینویسد شماره اول آن در ۲۲ ذی الحجه ۱۲۹۹ طبع و توزیع گردیده است .

(۵۴۲) دانش

اول روزنامه و بمجله ای که برای بیداری توده نسوان ازا فاق مطبوعات ایران در خشدن نمود مجله بنام (دانش) است که آنرا در سال ۱۳۲۸ قمری خانم (دکتر

حرف الدال

دانش

حسین خان کمال (تاسیس و در طهران منتشر نموده است . اگر بخواهیم بطور اجمال از جراید و مجلاتی که در ایران بهمت و قلم بانوان تاسیس و منتشر شده نامی ببریم با یاد پس از مجله دانش نام روزنامه شکوفه را ذکر کنیم که در طهران بطبع ر سیده است پس از آن روزنامه زبان زنان است که بانو صدیقه دولت آبادی آنرا در اصفهان تاسیس و منتشر نموده و این اولین روزنامه ایست که توانسته است اسم زن بخود بگیرد و با فکر و قلم زنان نوشته شود و بخصوص با در نظر گرفتن تحصیلات خشک که در آن تاریخ در اصفهان وجود داشته ، زبان زنان فداکاری های زیادی نموده است . بعد از آن مجله (عالم نسوان) که بهمت محصلات مدرسه اناث امریکائی در طهران بطبع رسیده ، سپس نامه بانوان ، جهان زنان ، مجله نسوان ؛ مجله سعادت ، نسوان شرق و دختران ایران همه مجلاتی هستند که بطور هفتگی و یا ماهانه از طبع خارج شده اند . در بین این جراید و مجلات دانش اولین نشریه ایست که بقلم بانوان در ایران نگاشته شده است .

مجله دانش که بطور هفتگی تاسیس شده شماره چهار آن در تاریخ ۲۲ شوال ۱۳۲۸ قمری توزیع گردیده این مجله معمولاً روی هشت صفحه بقطع وزیری و با چاپ سربی (مطبعه روسی) طبع شده و مندرجات آن تمام امور راجع بزنان است . نگارنده شماره ۳۰ این مجله را در دست دارد و مندرجات آن مقالات و خطابه هائست که راجع به ابدات و اخلاق زنان نوشته شده و منجمله از مقالات آن ، مقاله ایست بقلم (اشرف السادات) علاوه داستانی بصورت پاورقی در آن چاپ شده که بقیه آن بشماره بعد موکول شده است .

(۵۴۲) دانش

در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهر مشهد مجله دانش بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است . و این مجله دانش که نگارنده تا کنون نمونه آنرا بدست نیاورده غیر از سالنامه دانش است که بموسی و مسئولی (آقای نصرالله خان حسن زاده مستوفی) و نگارندگی (باقر عاملی) در مشهد تاسیس و منتشر شده است . سالنامه دانش که از انتشارات کتابخانه رحمانیان واقع در مشهد است در سال ۱۳۱۳ شمسی دومین سال انتشار آن بوده و از دو قسمت که قسمت اول آن در ۲۴۰ صفحه و قسمت دوم آن در ۹۶ صفحه بقطع کوچک تشکیل شده است . مندرجات قسمت اول پس از درج مقالات مختلف و ذکر تشکیلات ادارات خراسان بسالنامای ۱۳۱۳ شمسی ختم میگردد . مندرجات قسمت دوم سالنامه عبارت از مطالب مختلف که تحت عنوان (اطلاعات مفیده ترجمه م . منصور) جمع وری شده است . سالنامه دانش در مطبعه سربی (نور) مشهد چاپ و در پنج هزار نسخه منتشر شده است . قیمت قبل از انتشار آن ۵ و بعد از انتشار ۷ ریال است . مقدمه که در صفحه اول سالنامه درج گردیده باین عبارات شروع میگردد : « بیاری خدا و پیشرفت معارف ایران در پرتو سلطنت اعلیحضرت پهلوی و تشویق هموطنان محترم موفق گردیدیم که پای بمرحله دومین سال انتشار سالنامه دانش گذاشته »

(۵۴۴) دانش اصفهان

روزنامه دانش اصفهان، بهمدیری و صاحب امتیازی آقای (میرزا محمد علی دانش خوراسگانی) تاسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی در اصفهان منتشر شده است. شماره دوم سال اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سربی در مطبعه اصفهان طبع و در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۰۹ شمسی مطابق شنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۴۹ قمری منتشر شده است. دانش اصفهان گرچه عنوان هفتگی داشته ولی هیچوقت مرتب انتشار نیافته و گاهی در فاصله دو یا سه ماه بیش از یک شماره از آن نشر نشده است. محل اداره روزنامه در بدو تاسیس: اصفهان، خیابان سپه بوده ولی بعداً به مطبعه اتحاد و زمانی هم به مطبعه عرفان و در سنوات اخیر در منزل شخصی محله نو یا شمس آباد منتقل شده است. وجه اشتراك سالیانه روزنامه در اصفهان ۵ تومان و در سایر ولایات ایران شش تومان و بکارگران و محصلین تخفیف داده میشود. و پس از ترقی قیمت جراید آن بونه این روزنامه نیز سالیانه در داخله یکصد ریال و در خارجه ۱۵۰ ریال معین شده است. مدتی اشعار زیر بعنوان شعار در عنوان روزنامه در زیر کلمه (لا اله الا الله) چاپ گردیده است: «دانیم که روح کائنات است حسین» از بهر ممات در حیات است حسین. دانش چه بدریای معاصی غرقی؟ خوشباش که کشتی نجات است حسین.

در باره مندرجات و مسلك روزنامه در ضمن يك سطر در زیر عنوان روزنامه بدین قسم معرفی شده «این روزنامه ادبی، اخلاقی، فکاهی، کاریکاتوری، طرفدار جدی معارف» ولی دانش بیشتر جنبه فکاهی داشته و از حیث مندرجات باید آنرا نظیر روزنامه توفیق و ارژنگ دانست بطور کلی مندرجات روزنامه در هر شماره يك قسمت اشعار فکاهی و اخلاقیست که اثر طبع مدیر روزنامه است و خود آقای دانش سراینده اشعار میباشد از اشعار روزنامه که بگذریم قسمتی تحت عنوان (مقویم دانش) در روزنامه چاپ شده که اخبار و حوادث را بطور ابهام با عبارات مسجع شرح داده است. علاوه بر اینها اخبار محلی و يك سرمقاله و در هر شماره يك یا چند اعلان در آن درج است نمونه از اشعار روزنامه که بمنسبت تغییر لباس تحت عنوان (خدا حافظی عبا) چاپ شده بنقل از شماره ۷ سال اول مورخ ۷ آبان ۱۳۰۹:

شدم من زار و بیچاره ز ایران گشتم آواره ندارم من دگر چاره چرا گردیده ام پاره
میفرمود خدا حافظ خدا حافظ

بیا ای صاحب پرهوش بفوریت مرا بفروش اگر بینند مرا بردوش زنند با چک چنان در گوش
میفرمود خدا حافظ خدا حافظ

شوم يك پالتو مقبول بدم ۰۰۰ شدم ۰۰۰ بقانون گشته ام مشمول نخر من را دگر یکپول
برادر خدا حافظ خدا حافظ

زناتین من نسب دارم ز کوپامن حسب دارم تو در زوی يك وجب دارم نشانی از عرب دارم
عزیزم خدا حافظ خدا حافظ

حرف الدال

دانش اصفهان، دانش آموز

لحاف اندر سفر بودم / لحافی بیخطر بودم / معنون در نظر بودم / ولی پرشور و شر بودم
خدا حافظ خدا حافظ

نمونه از مقوم دانش بنقل از شماره ۱۴ سال دوم ۵ اوضاع کواکب و حرکت سیارات بعد از حذف بعضی چیزهای نجومی دلالت دارد بر گرانی کبریت و قند - نرم شدن دند - خوب شدن روابط انگلیس و ایرلند - و کم کم حرکت کردن اهالی طهران بطرف دربند - مصفی شدن لب بند - جالب توجه بودن هوای اصفهان - و حقیقت داشتن اصفهان بنصف جهان - تکتک پیدا شدن سن - افتادن یارو بهن و هن - منزله شدن مسجد شاه عباس - عکس گرفتن عکاس - قدیمی بودن وسواس - شیش ویش آمدن طاس - منتشر شدن اسکناس - لاسی شدن اشخاص پلاس بهتر بودن بعضی ها از راه دور - فراوان شدن حور - راه افتادن برای نام ها بعد کفاف سر و سور - قدیمی بودن گندلی نور - بارواح مرحوم خاقان مغفور - واله اعلم بحقایق الامور .

بغیر از چند سال قبل از وقایع شهریور ۱۳۲۰ که روزنامه دانش اصفهان نیز مانند سایر جراید در محاق تعطیل بوده ، در طول بقیه دوران انتشار این روزنامه کم و بیش منتشر گردیده و اکنون نیز که بیست و دومین سال انتشار آن میباشد بهمان سبک قدیم بدون ترتیب منتشر میگردد . دوره های این روزنامه برای کسانی که بخواهند بعاتدات خرافی مردم عوام و بخصوص آداب و رسومیکه در موقع عروسی و وضع حمل زنان مرسوم است اطلاع حاصل کنند گنجینه نفیس و گرانبهائیست . چه مدیر روزنامه این آداب و رسوم را بنظم یا بنشر در روزنامه ذکر کرده است .

میرزا محمد علی دانش - نامبرده فرزند یکی از خاندانگان که از زمان قدیم در قصبه خوراسکان سه فرسخی اصفهان مسکن داشته میباشد - هوش و ذوق طبیعی دانش سبب گردیده که او را شاعری متوسط قلمداد نماید و اگر اندوخته از علم و دانش بابت ذوق طبیعی منظم میشد ، دانش در ردیف شعرای خوب زبان فارسی محسوب میگردد . پیش از آن که مستقلاً بشغل روزنامه نگاری بپردازد چند سال در محضر مرحوم گلشن ایرانپور بسر برده و از این شاعر گرانمایه کسب فیض مینموده است همین نزدیکی و رفاقت با گلشن ایرانپور باعث شده که آقای دانش مدتی مدیریت داخلی روزنامه اختر مسعود را عهده دار گردد (بجلداول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران اختر مسعود مراجعه شود) آقا دانش چند سال است در شهرداری اصفهان مشغول کار میباشد و اداره امور و ناخنه بعهده ایشانست

(۵۲۵) دانش آموز

مجله دانش آموز بصاحب امتیازی (ع . ا . کلچین) و سردبیری (م . ع . مهباری) در طهران تاسیس و در سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است ، طرز انتشار این مجله ماهانه بوده و شماره دوم سال هفتم آن در آذر ماه ۱۳۲۰ شمسی انتشار یافته است . محل اداره آن : طهران . میدان شاهپور . جنب آموزشگاه مهر . مندرجات مجله بیشتر مت اخلاقی و ادبی و شعر است .

(۵۲۶) دانش پژوهان

آقای میرزا محمد علی دانش روزنامه دانش پژوهان را در سال ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۳۰۲ شمسی در شهر شیراز تأسیس و منتشر نموده. از این روزنامه بیش از ده شماره منتشر نگردیده و دوچار توقیف گردیده و پس از آن آقای دانش امتیاز روزنامه تخت جمشید را بدست آورده و آنرا انتشار داده است. از روزنامه تخت جمشید در حرف (ت) کتاب بتفصیل گفتگو نموده خوانندگان گرام بدانجا مراجعه فرمایند (ص ۱۱۲ جلد دوم کتاب) طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده است.

(۵۲۷) دانشکده

مجله دانشکده در طهران تحت نظر (هیئت مؤسسه دانشکده) و بمدیری آقای ملک الشعرای بهار (تأسیس و در سال ۱۳۳۶ قمری منتشر شده، آغاز تأسیس مجله برج نور ۱۲۹۷ شمسی مطابق ۱۳۳۶ قمری و ۱۹۱۸ میلادی و اولین شماره آن در برج نور سال مذکور انتشار یافته است آقای رشید یاسمی که خود عضو هیئت مؤسسه و از نویسندگان مجله بوده در کتاب تاریخ ادبیات معاصر (ص ۱۱۹) درباره مجله دانشکده مینویسد: «مجله دانشکده را آقای بهار در سال ۱۳۳۶ قمری برای نشر آثار انجمن ادبی دانشکده تأسیس کرد. این انجمن نخست جرگه دانشوری نام داشت و در ۱۳۳۵ قمری بسی چند تن از دوستان ادب از جمله نگارنده دایر شده بود سال بعد دانشکده خوانده شد. مرام این انجمن ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام آثار فصحای متقدم و ضرورت اقتباس معاصرین اروپائی بود و در آن روزگار تحول خدمتی شایان ادبیات کرد.»

مجله دانشکده دومین مجله ادبیست که در عالم مطبوعات زبان فارسی ظاهر گردیده و پس از مجله بهار در ایران انتشار یافته است. در شماره ۱۱ و ۱۲ مجله که یکجا منتشر شده شرحی در این باره نوشته که بی مناسبت نیست عین آنرا نقل نمایم: «مجله دانشکده دومین مجله ادبیست که با یک روح جوان و با رنگ و بوی ادبیات جلوه گر شده است. مجله ما در عالم فضیلت تقدم مرهون مجله (بهار) اثر فاضل دانشمند اعتصام الملك است (از مجله بهار و مدیر آن در حرف ب کتاب بتفصیل گفتگو کرده ایم.) که گذشته از منفرد بودن مجله مزبور در محیط تقدم يك دريچه مخصوص را از بوستان ادبیات جدید بر روی عالم ایرانیت گشوده و مثل هر گل نوری که قبل از فصل بهار بشکفت فقط خبر روح بخشی از وصول فروردین داده و خود بزودی محو گردیده ولی اثری در گلگشت حقیقی ادبیات با تقدیر بشارتش باقیماند. مجله بهار پیش آهنگ گلهای ادبی ما بوده و ما نیز در همان محیط سرد و در پایان همان زمستان بی اسبابی خبر دمیدن گل نسرین را در ادبیات آینده ایران داده و جهد مینماییم که خود را از ورزش نسیمهای آخرین برکنار داشته و امید خویش را تا آغاز فروردین عمل امتداد دهیم.»

حرف ابدال

دانشکده

دانشکده مجله ایست ادبی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی و تاریخی و مندرجات آن مطالبی است تحت عناوین مذکور که بقلم مدیر مجله آقای ملک الشعرای بهار و یابکی از اعضای هیئت موسسه دانشکده تدوین گردیده و یا از کتب ادبا و نویسندگان خارجی ترجمه شده است. یک قسمت عمده و مهم از مندرجات مجله تاریخ (ادبیات فارسی) است که آنرا تحت عنوان (تاریخ ادبی) آقای عباس اقبال، استاد دانشکده تالیف نموده و چند شماره مجله را فرا گرفته است. این سلسله مقالات از مندرجات بسیار سودمند و مفید مجله بشمار میرود. در این مقالات آقای اقبال پس از تمهید مقدمه راجع بادیات قبل از اسلام تاریخ ادبیات زبان فارسی بمنزله اسلام را بشش عصر تقسیم نموده اند: ۱ - عصر اول از ظهور اسلام تا ظهور غزنویان ۲ - عصر دوم از ظهور غزنویان تا تشکیل دولت سلجوقی ۳ - عصر سوم از ابتدای تشکیل دولت سلجوقی تا حمله مغول ۴ - عصر چهارم از شروع حمله مغول تا تشکیل دولت صفویه ۵ - عصر پنجم از تشکیل دولت صفویه تا دولت قاجاریه ۶ - عصر ششم از ابتدای تشکیل سلسله قاجاریه تا مشروطیت ایران. ۷ - سلسله مقالات دیگر مجله مقالاتیست بعنوان (انقلاب ادبی) که بقلم آقای رشید یاسی عضو هیئت موسسه دانشکده؛ تدوین گردیده. در این مقالات تاریخ انقلاب ادبی فرانسه از قرن ۱۸ تا قرن بیستم بضمیمه شرح حال عده از بزرگان نویسنده گان فرانسه بطور مستوفی شرح داده شده است. مقالات آقای رشید یاسی بیشتر از کتب فرانسه ترجمه شده و در محل خود بسیار مفید است. قسمت دیگر از مندرجات مجله ترجمه هانیست که از مولفین خارجی مانند شیلر آلمانی و قصه های لا فنتن آورده شده. علاوه بر اینها مقالاتی تحت عنوان (انتقاد ادبی) بقلم مدیر مجله و نیز اشعاری اثر طبع هم او در مجله درج است.

از همان شماره اول مجله ترجمه رمان (سلطنت) تالیف (الکساندر دوما) بضمیمه مجله چاپ شده و دارای صدها شمار مخصوصیت بضمیمه که در پایان سال مجله آنرا میتوان بصورت کتاب جداگانه در آورد. این رمان بضمیمه مجله بوده و با شماره ۱۲ مجله پایان یافته. شماره صفحات آن ۱۶۳ صحنه است. قسمت عمده این رمان بضمیمه شماره ۱۱ و ۱۲ مجله چاپ شده زیرا موسسین مجله علاقه مند بوده اند که با پایان سال اول رمان مذکور نیز خاتمه پیدا کند. مجله دانشکده از مجلات بسیار مفید و خوب زبان فارسی است و میتوان آنرا گنجینه ای از مطالب ادبی و تاریخی دانست. گرچه عمر این مجله زیاد دوام نکرده. بانشر شماره ۱۲ سال اول برای همیشه در محاق تعطیل فرو رفته ولی همین شماره های موجود حکایت از کمال ذوق و وسعت اطلاع مدیر و نویسندگان مجله مینماید. بهای سالیانه مجله همه جا ۳۰ قران و تک نمره آن دو قران است. محل اداره مجله مدتی تهران اداره نو بهار و چندی هم در اداره روزنامه ایران بوده و محل طبع آن مطبعه (طهران) است شماره ۱۱ و ۱۲ سال اول مجله یکجا در تاریخ برج ثور ۱۳۹۸ شمسی مطابق ۲۰ آوریل ۱۹۱۹ مسیحی منتشر گردیده و مقاله افتتاحی آن تحت عنوان (یک سال تمام) نوشته شده است. قسمت اول این مقاله چنین است:

حرف الدال

دانشکده ؛ دانشکده اصفهان

« دوازدهمین شماره مجله دانشکده منتشر شد ، نتیجه فکر و مساعی جوانان ادیب و نو خاستگان عالم ادب با بی اسبابی تمام و نداشتن مجال و اشتغال بتحصیلات و امتحان های سالیانه باز با بهترین طرز و جدی ترین اسلوبی در نمرات دوازده گانه مجله منعکس و بارباب ذوق اهدا گردید . ما انکار نداریم که ایران بمجلات ادبی کامل تر و جامع تر و زیبا تری محتاج بوده و نمیتوان یک مجله کوچک قناعت ورزید زیرا ایران سر زمین فکر و خیال و ذوق و فلسفه است و اختصاصی که در عالم احراز نموده است همانا بادییات و شعر و انکار تابنده دلنشین متفکرین زبر دست خود بوده »

غیر از عباس اشتیانی (آقای اقبال استاد دانشگاه) و (رشید یاسمی) که در ذیل مقالات (رشید کرمانشاهی — عضو دانشکده) امضا نموده ، نویسندگان و مترجمین دیگر مجله عبارتند از (اصغر شیرازی) آقای علی اصغر حکمت ، و حیدر علی کمالی (که اشعاری در مجله دارد) و (س . م) و (نس . رضا هنری . عضو دانشکده) و سید اسدالله انتظام ، و غیره ، میباشند .

آقای ملک الشعرای بهار — آقای ملک الشعرای بهار که در ذیل مقالات امضای « م . بهار » نموده ، از شعراء و نویسندگان بزرگ و معروف ایرانند . نامبرده از ادبا و شمرای نامی ایران و از خدمتگزاران قدیم مطبوعات است . مدتی در مشهد و طهران روزنامه و مجله دائر و منتشر نموده اند . علاوه بر مقامات علمی و ادبی و شاعری که در ایشان است سیاستمداری مبرز و عالقدر و پیوسته در مبارزات سیاسی چه در مجلس شورای ملی و چه در خارج وارد بوده و لذا چند بار از طرف حکام و سلاطین و قلمور د می مهری قرار گرفته و یک مرتبه از طهران برای مدتی تبعید گردیده است . از تالیفات نفیس و گرانبهای ایشان ، علاوه بر کتبی که تصحیح و تحشیه نموده سه مجلد کتاب سبک شناسی است که در نوع خود بی نظیر است . در دوره ۱۵ از طرف مردم طهران بنیاندگی مجلس انتخاب گردید و در اواخر این دوره ظاهرا بعلت کسالت مزاج سفر اروپا نمود و اکنون در سوئیس اقامت دارد . از ایشان در ذیل روزنامه نوبهار باز گفتگو خواهیم کرد .

دانشکده اصفهان (۵۳۸)

مجله دانشکده اصفهان ، در شهر اصفهان بمدیری آقای « میرزا عباسخان متخلص بشیدا » تاسیس و در سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است . شماره اول مجله بمدیری آقای شیدا و معاونت آقای مومن زاده با چاپ سنگی و خط نستعلیق ، بقطع خشتی طبع گردید . و در برج دلو ۱۳۰۳ شمسی مطابق رجب ۱۲۴۳ قمری انتشار یافته است . این مجله لز انتشارات انجمن دانشکده اصفهان است و نویسندگان آن تمام اعضاء انجمن و در حقیقت تاسیس مجله بمنظور نشر آثار شعرای عضو انجمن بوده است . بنابر این بی مناسبت نیست که از پیدایش انجمن دانشکده و ارتباط آن با آقای شیدا مدیر مجله گفتگو نماییم .

انجمن دانشکده اصفهان - این مجله در اصفهان بنظر آشنا کردن شما با یکدیگر و خواندن شعر و خلاصه انتقاد از اشعار شما هفته یکبار تاسیس گردیده و شعرا عصرهای جمعه بنظورهای فوق در منزل آقای شیدا جمع میشدند در شماره اول دوره دوم مجله مقصود از تاسیس انجمن دانشکده را عبارت دیگری اینطور توضیح داده است :

« چون در بیست سال قبل از تاسیس مجله اوضاع شعر و شاعری در اصفهان صورت بدی بخود گرفته بود و شعرا شعر را وسیله ارتزاق قرار داده و دست خود را پیش هر کس و نا کس برای بچک آوردن مختصر و جوی دراز مینمودند لذا برای خاتمه دادن باین وضع رقت بار مدیر این مجله بیست تن از شعرای مبرز صفهان را بمنزل خود برای تشکیل انجمن ادبی دعوت نمود . زمانی نگذشت که عصرهای جمعه جمع زیادی از شعرا در محل مذکور گرد هم جمع شده و بخواندن و سرودن اشعار خود اوقات را میگذراندند . در این اثنا آقای امید بریاست معارف اصفهان برقرار شده و چون ایشان نیز از طرفداران شعر و وردی ادب پرور بودند امتیاز مجله بنام دانشکده بنام آقای شیدا صادر نموده و از آنوقت مجله دانشکده اصفهان پدید آمده است . » این بود شرح مختصری از مفصل آنچه آقای شیدا درباره تاسیس انجمن دانشکده و پیدایش مجله نوشته اند . نگارنده نیز خوب بخاطر دارد که عصرهای جمعه ، مدت چند سال ، شعرا نمی از قبیل : صغیر ، آتش ، غمگین ، ساکت ، الفت ، مفتونی ، جابری ، آزاد ؛ هما و جمع زیادی گرد هم جمع شده و اشعاری را که قبلا سروده بودند قرائت میکردند . پیش آمد کسالت مند آقای شیدا باعث گردید که محل انجمن بمنزل مرحوم ادیب فرهنگدان انتقال یابد و قهرا مجله نیز تعطیل گردد ، پس از بهبودی آقای شیدا مجددا دوره دوم مجله شروع گردیده و باز چند ماهی منتشر شده است . بنابراین دوره انتشار مجله را میتوان بدو دوره قسمت نمود .

دوره اول مجله دانشکده - همانطور که قبلا نوشتیم دوره اول مجله بانشر شماره اول در برج دلو ۱۳۰۳ شمسی شروع میگردد . در این دوره مجله با چاپ سنگی در مطابع مختلف سنگی اصفهان از قبیل مطبعه فرهنگ ، پروین طبع شده و مدیریت مجله با آقای شیدا و تا شماره ۷ معاونت آن با آقای مومن زاده و از شماره ۷ بانظر سرف علاوه بر مومن زاده آقای سید ابوالحسن قمی نیز بمعاونت مجله افزوده شده است . آقای مومن زاده همان مدیر روزنامه پروانه است که آنرا در آغاز مشروطیت بکمک مرحوم وحید دستگردی در اصفهان منتشر مینموده و ما در حرف پ کتاب شرح حال ایشان را مختصرا نوشته ایم . و اما آقای سید ابوالحسن قمی بعدا در اصفهان روز نامه (سحاب) را منتشر نموده و از ایشان نیز در حرف سین کتاب جداگانه گفتگو خواهم کرد . در اینجا همین قدر یادآور میشویم که در شماره ۷ مجله دانشکده درباره همکاری ایشان در امور مجله این اعلان چاپ شده است : « چون آقای آسید ابوالحسن قمی بواسطه لطف مخصوص که نسبت به بنده و معارف پروری که عمر ما دارند قبل زحمات دانشکده را فرمودند اولاً از این توجه مخصوص تشکر دارم ثانیاً امیدوارم از اقدامات مجدانه ایشان

حرف ابدال

دانشکده اصفهان

و آقای مومن زاده رفع نواقص شده مزایائی چهره گشا گردد. « همکاری آقای قمی بی اثر نبوده و از شماره هفتم تغییراتی از حیث نفاست طبع و زیبایی کاغذ و هم چنین طرز چاپ که با چاپ سری مجله طبع گردیده و نیز مطالب بخوبی از یکدیگر جدا شده و برای هر کدام عنوان علیحده قرار داده اند؛ در مجله پدید آمده است.

گرچه از آنچه نوشتیم مرام و مسلک مجله معلوم میگردد که مجله دانشکده کاملاً مجله ایست ادبی و بمنظور نشر آثار اعضاء انجمن دانشکده تاسیس یافته ولی برای تکمیل این قسمت بی مناسبت نیست شرحی را که مدیر مجله در شماره اول درج نموده بعینه نقل نمائیم. شرح مذکور این است:

«اولاً پس از زحمات ده ساله امروز انجمن دانشکده اصفهان مزین بقریب یکصد نفر اساتید ادبی و تا کنون برای ورزش طبع و متانت سلیقه در تمام جمعاتی که تشکیل یافته نقطه باقتضای متقدمین از اساتید غزلی طرح و بهمان وزن و قافیه مترنم بوده اند چنانچه در قسمت اخیر مجموعه که بطرز نمونه فطری مندرج است ملاحظه می فرمائید ولی از این بید باطباع آزموده بحکایات بدیهه منظومه و منثوره و اندرز و نصایح سودمند مبادرت نموده و گوی مسابقت خواهند ربود، بنده ناچیز بخیال خویش با سرمایه کم و بضاعت مزجات این اقدام را که فقط و فقط بشوق فطری بوده و وسیله کشکول گدائی و کلاشی نبوده چنانچه صدق قولم را تمام آقایان فخام این شهر مستحضرند خدمتی بدولت و ملت دانسه تاچه قبول افتد چه در نظر آید، اینک هم به انتشار این مجموعه شاید بتواند خدمت دیگری باندازه وسع انجام دهد تا خدا چه خواهد تانیا چون برای غیر از دوستان مبادرت بارسال مجموعه نمیشود که شاید خدای نخواستہ تحمیلی باشد و مأخوذه حیاء شود لذا اگر کسی طالب اشتراك است تقاضا فرماید ثالثاً مذاق و سبک مجموعه این ادبی است هرگاه صاحبان قلم بخواهند مقاله بفرستند باید رعایت سلاست کلام و حتی المقدور اجتناب از الفاظ دور از ذهن عامه بنمایند که محتاج به قاموس و فرهنگ و دیگسینری نباشیم را بجا شرح حال اساتید دانشکده را مفصلاً و مشروح در نمرات بعد بعرض تاریخی عظام میرسانیم و شاید بتوسط گرامر و عکس آنها را هم نشان داده یادگار در صفحه روزگار بگذاریم. خامساً بیشتر غرض و مقصود ما ترغیب و تحریر باخلاق حسنه و نسخ و برانداختن عادات و شیوه مذمومه است چه ناشی از تمدن مآب باشد چه شیوه تدبیر اکساب و امیدوارم از سخن حق هیچکدا از آند و طایفه نرنجند و بامیزان انصاف بسنجند.»

در حقیقت همانقسم که در این مقدمه وعده داده شده مندرجات مجله عبارت از مقالات ادبی و اشعاری که شعرای انجمن سروده و گاهی شرح حال یکی از اعضاء انجمن چاپ شده است. بجز از اشعار که سرایندگان آنها اشخاص معین است اغلب مقالات دوره اول مجله بقلم مدیر مجله میباشد. برای نمونه قسمت اول یکی از مقالات مجله را نقل مینمائیم این مقاله تحت عنوان (آدم خوب کیست) نوشته شده است: «در یکی از شبهای تبستان بهانه شخصی از دوستان بهمائی موعود بودم. صاحب منزل مردیست

حرف‌الادال

دانشکده اصفهان

چهل ساله خوشخو گشاده رو خون گرم نیک فطرت خوش صحبت ذاتا و جود دمی محبوب چشمهائی گیرنده و اطواری بسدیده دارد بعلوه بانیک و بد مردم بیطرف است از عقیده و رفتار هیچکس تنقید نمیکند مجلا آزارش بدوری نیرسد گویا عقیده اش این است که خداوند متعال او را ضامن خیر و شر خلایق نشمرده «۰۰۰۰۰» قل از شماره ۵ سال اول. سایر منبرجات این شماره عبارت است از (چکامه بناسبت ماه محرم) اثر طبع مدیر مجله. (مهر مادر) اثر طبع حاج میرزا یحیی دولت آبادی چند غزل که از همدان رسیده غزلی از آقای الفت. اشعاری از حسام‌الدین دولت آبادی. (آدم خوب کیست) بشر حکایت. حکایت حجازیه. چکامه اثر طبع آقای میرزا موسی خان انصاری شرح احوال صغیر. لازمست یادآور شویم که سبک انشای مجله سبک مقالات حیدریست و مدیر مجله سعی داشته است جملات حتما دارای سجع و قافیه باشد. چنانکه مینویسد: «حکایت • یکی از دوستان که بامنش مهر و محبت و عهد مودت محکم بود «۰۰۰۰۰»

طرز انتشار مجله با اینکه ماهیانه بوده و در عنوان قید شده است که اواسط هر برجی نشر میشود باوجود این مرتب انتشار نیافته است چنانچه شماره ۴ سال اول در تاریخ برج نور و شماره ۵ آن در برج سرطان ۱۳۰۴ شمسی منتشر گردیده است • محل اداره مجله منزل شخصی مدیر مسجد حکیم. وجه اشتراك سالیانه سی قران • در دوره اول مجله با چاپ سنکی (مطبوعه گلپهاری) طبع گردیده است • دوره اول مجله با انتشار شماره هفتم خاتمه یافته و بعلت پیش آمد کسالت مدیر آن برای مدت ده سال تعطیل گردیده است •

دوره دوم مجله دانشکده اصفهان - پس از ده سال تعطیل مجله دانشکده اصفهان مجددا با بدایره انتشار گذاشته و شماره اول این دوره بدیری (میرزا عباسخان شیدا) و سردیری (میرزا محمدخان سپاهانی متخلص بشیوا) درچهل صفحه بقطع خشتی و با چاپ سری طبع و در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است • در دوره دوم وضع ظاهری مجله بکلی با سابق فرق کرده و اولین امتیازی که پیدا نموده این است که به استثنای شماره اول که بعلت دیر رسیدن سرلوحه مجله که آنرا به طبعه مجلس سفارش داده بودند بقیه شماره های دارای سرلوحه بدینقسم است: «درویشی زیر درخت کهنی نشسته و مجله مرا از دست فرشته ای که در حال پرواز است دریافت میکند • ظاهرا این سرلوحه نشانه الهام شعر است بشاعر •» در این دوره نیز طرز انتشار ماهانه بوده و وبهای اشتراك سالیانه آن ۳۰ ریال و برای عموم محصلین ۲۵ ریال است •

در باره تعطیل مجله و تجدید انتشار آن در شماره اول دوره دوم شرحی آورده که قسمتی از آن این است: «اندك اندك وساوس شیطانی عجب و نیتی دوسریرت ما ایجاد کرد و توجه عامه خلق در ما تواید. خود پسندی نمود ••• که ناگاه نهال عجب نثر تلخ بار آورد و شاخ کبر و منیت میوه حفظل پرورده از این خود پسندی چون شیطانی رجیم مردود بارگاه کبریائی شده صداع مزمن مبهم باوجم بیرون از حد حوصله نصف سرو صورت را فرو گرفت سری که خیال فراز داشت به نشیب بالین آمد و آمال بلند بذاك

حرف الدال

دانشکده اصفهان

بست ریخت بعد از چهار ده سال زحمت و خسارت مالی و حالی در انجمن بسته شد و دفتر دانشکده برچیده بابالین و بستر چهار سال متوالی جلیس و جزناله و این انیسی نداشتم بعد از آنکه در دسر رفت ضعف قلب آمد دو سال هم جز خیابان کردی و اطراف زنده رود قدم زدن چاره و کاری نداشتم تا اینکه بعد از توبه ها و انابه ها بحمد الله والهنه لطف حق شامل و بهبودی کامل حاصل شد ۰۰۰ و چون از تفضلات باری سعادت سلامتم از این مرض مزمن طولانی چهره گشود و بعد از سی سال رنج و زحمت تحصیلات و تخصص درباره فنون چون در طول این مدت از حشر و مرزوده بالمره بر کنار بودم و نامم از دفتر کارکنان عالم سترده و محکوک تقاضای هر شغل رسمی را سابقه خدمت اجازت نمیداد و اظهار این که خدمات صادقانه چهارده ساله نه تنها بی مزد و نعمت بلکه با صرف مال گزافم به ادبیات که در حقیقت خدمت بمعارف است شاید صورت رسمیت نداشت به علاوه شوق فطری مایل نشریات فکری بود متوکلا علی الله باری دیگر این دفتر را گشوده انجمن هم بهمان نام دانشکده ملحق از بیست نفر دانایان برجسته که نصف از فضلا و ادبای قدیم و میرزین در فکریات و نصف از منور الفکرهای جدید و ممتازین در مقتضیات در آتیه بسیار نزدیکی تشکیل تا در نشریات و عملیات و مطالب سودمند جا'مه پسند فکری تبادل آراء شده بخواست خداوند نشریاتی مطبوع طلوع نماید ۰۰۰۰۰

دوره دوم مجله ظاهرا با انتشار شماره ۵ مورخ فروردین ۱۳۱۴ شمس خاتمه یافته و برای همیشه دانشکده اصفهان تعطیل گردیده است ۰ مندرجات مجله در این دوره برخلاف دوره اول که اغلب مقالات بقلم مدیر مجله است ، دیگران نیز در تنظیم مقالات شرکت نموده و بامضای آنان چاپ شده است . قطع مجله خشتی و هـ شماره در چهل صفحه چاپ گردیده ۰ از انتشارات انجمن دانشکده کتاب (محرم نامه) است که اشعار عده زیادی از شعرای انجمن از قبیل گلشن ، بصیر ، منعم ، غمکین ، صغیر و دیگران ، در آن چاپ شده ۰ این اشعار تمام در مرثیه است ۰ کتاب مذکور با چاپ سنگی در مطبعه کلبهار در ۱۵۹ صفحه طبع شده است ۰

میرزا عباسخان شیدا — میرزا عباسخان متخلص بشیدا از شعرا و نویسندگان زیر دست اخیر اصفهان و صفحات مجله دانشکده بهترین معرف ذوق و قریحه نامبرده است ۰ آقای شیدا علاوه بر تاسیس انجمن ادبی دانشکده که مدت یک به بیست سال این انجمن در منزل مشراییه منعقد میگردد و شعرا و ادبا هفته یک روز عصرهای جمعه گرد هم جمع شده و بقرائت و نقد شعر میپرداختند ، قبل از نشر مجله دانشکده اصفهان بتاسیس و نشر روزنامه (بلدی اصفهان) پرداخته و از این راه نیز بروشن کردن افکار همشهریان خود خدمتی بسزا کرده است ۰ در حرف (ب) کتاب در ذیل بلدی اصفهان از این روزنامه مفصلا گفتگو کرده ایم ۰ آقای شیدا مردیست وارسته و با مقام و منزلتی که در فضل و ادب دارد هرگز لب بتظاهر نگشوده و اکثرین که سنین عمرش از شصت تجاوز میباشداز کایه کارها دست کشیده و اغلب در گوشه خانه بسر میبرد ۰ محضرش مجمع اهل ذوق و ارباب ادب است ۰ جای آن داشت که کایشه عکس ایشان زینت این صفحات گردد ولی به علت

حرف الدال

دانشکده اصفهان، دبستان

در دسترس نبودن آن قهرا از چاپ آن صرف نظر گردید .

(۵۳۹) دبستان

مجله دبستان در شهر تبریز به مدیریت (رضا پرورش) تاسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری در مدرسه پرورش که از تاسیسات مدیرمجله بوده منتشر شده است . این مجله هر ۱۵ روز یکبار با چاپ سنگ در ۸ صفحه طبع و توزیع گردیده . روزنامه الحیدر چاپ تبریز در شماره ۴۳ سال اول مورخ دوشنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری شرحی به عنوان تفریض درباره این مجله نوشته که قسمتی از آن این است : « ... یعنی دوم جریده ز تبریز رخ نمود » توزیع شد بنام دبستان پرورش . جناب آقا میرزا رضامدیر محترم دبستان در ضمن تعلیم و تربیت اطفال معلومات و افکار خودشان را نیز برشته تحریر در آورده و جریده بنام (دبستان) از قرار ماهی دومره عبارت از یک ورق در هشت صفحه طبع و نشر مینمایند که بیشتر دبستانیان را بکار آید « برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۸۵) شرحی نظیر آنچه مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع باین مجله نوشته ، درج نموده . شرح مذکور بدین قرار است : « مجله نیم ماهه منتشر در تبریز با چاپ سنگی به مدیریت میرزا رضا مدیر مدرسه پرورش در اواخر سال ۱۳۲۴ قمری . »

در سالنامه ۱۲۹۷ وزارت معارف (ص ۴۳) در شرح احوال میرزا عبدالله خان احتشام السلطان دفتر دار دارالمعلمین مرکزی مینویسد : « میرزا عبدالله خان فرزند میرزا محمد تقی جهانشاهی در سال ۱۲۹۶ قمری در تبریز متولد شده و تحصیلات فارسی و عربی و مختصری فرانسه را در تبریز و اسلامبول فرا گرفته است . مشارالیه مدرسه باسم دبستان و جریده نیز باین اسم در تبریز تاسیس نموده است . » از شرح فوق معلوم میشود میرزا عبدالله خان احتشام السلطان نیز در تبریز جریده بنام دبستان تاسیس و منتشر نموده است و اگر شرح مذکور اشتباه با دبستان میرزا رضا پرورش نشده باشد باید گفت در تبریز يك مجله دبستان و جریده باین نام منتشر شده است . ولی ظاهراً این هر دو یکی است . جریده بنام دبستان وجود نداشته است .

(۵۴۰) دبستان

مجله دبستان بموسی و مدیری (سید حسن طبیبی) در مشهد مقدس تاسیس و شماره اول آن در چهل صفحه بقطع خشتی در غره ربیع الثانی ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۹ آترب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . وجه اشتراك آن در سال ۴۰ قران ؛ برای طلاب و شاگردان و کارکنان مدارس عموماً فقط ۲۵ قران . آدرس : مشهد مقدس . سر درب مطبعه خرابان . شماره اول مجله با مقاله افتتاحی زیر شروع میگردد :

« بار خدایا !! مارا بالهام حق و تلقین صدق و اصابت واقع موفق فرمای و از مرا و امترا و کتب و افترا و تعسف و تصلف برکنار دار و ضایر مارا از وسوس نفس

حرف ا لدال

دبستان

و هواجس خیال ۰۰۰۰۰ دبستان چنانکه قبلا هم درجراید اعلان شده مجله ایست علمی و ادبی که نظر نویسنده بترویج زبان فارسی امروز است» دبستان در حقیقت مجله ماهانه علمی و ادبی بوده و مطالب آن بیشتر در اطراف این قسمت ها دور میزند و نیز در هر شماره اشعاری از شعرای قدیم و جدید در آن درج است برای مزید اطلاع از مندرجات آن فهرست مطالب شماره اول را نقل مینمائیم: «مقدمه مسلک دبستان وسائل تکمیل زبان بطور اطلاق خط بطور عموم جمله معترضه امثال . سؤال . اختراع . القاب و عناوین آثار قدما . عصر حاضر . شعر گفتن و شناختن یک پدر تاریخی . سالنامه بهار . کائنات جو» شماره دوم مجله بسبب شماره اول در غره جمادی الاولی ۱۳۴۱ قمری منتشر شده و سال اول مجله بانشر شماره ۱۱ و ۱۲ که یکجا در غره ربیع الاول ۱۲۴۲ قمری مطابق ۱۹ میزان ۱۳۰۲ منتشر گردیده ، پایان یافته است .

پس از سه سال تعطیل مجله ، شماره اول سال دوم در آذر ۱۳۰۵ شمسی مطابق ۱۷ جمادی الثانی ۱۲۴۵ قمری منتشر شده و بخصوص در سال دوم مجله بیشتر ناشر اشعار و آثار اعضای انجمن ادبی خراسان بوده است . در این سال مرتبا مجله در هر ماه یک شماره نشر شده و شماره نهم آن در اول شهریور ۱۳۰۶ شمسی انتشار یافته و از این شماره موسس و صاحب امتیاز سید حسن طبسی و مدیر مسئول (شیخ احمد بهار) ضبط گردیده است . از خصوصیات مجله در این سال تقویم مجله است که روی جلد مجله چاپ شده علت واگذاری مجله بآقای احمد بهار این بوده که وزارت عدلیه آقای طبسی را برای عضویت کمیسیون تهیه قوانین بطهران احضار نموده و مسافرت ایشان بمرکز باعث گردیده که مجله را آقای احمد بهار اداره نمایند . ولی مجله دبستان بمدیری آقای بهار بیش از چهار شماره نشر نشده و مجله دبستان برای همیشه تعطیل شده و بنا بر این از مجله دبستان ۲۴ شماره بیشتر منتشر نشده است . مجموع صفحات مجله تا شماره ۹ ۴۳۲ صفحه است ، مجله دبستان با اینکه مانند سایر مجلات ادبی عمر آن خیلی کوتاه بوده ولی یکی از مجلات بسیار نفیس زبان فارسی بشمار میرود .

آقای شیخ احمد بهار ، برادر آقای ملک الشعرا است . نامبرده بعد از روزنامه بهار را در مشهد تاسیس و منتشر نمود و ما از ایشان و از روزنامه بهار در حرف ب کتاب بتفصیل گفتگو نموده ایم .

آقای سید حسن طبسی — بقعیده نگارنده بهترین شرح حالی که از مرحوم سید حسن مشکان طبسی مدیر مجله دبستان نوشته شده شرحی است که بقلم خود آن مرحوم تدوین یافته و در شماره اول و دوم سال بیست و چهارم مجله ادبی ارمغان به طبع رسیده است . و ما ذیلا قسمتی از این شرح حال را نقل مینمائیم: « نام و نشان من — سید حسن مشکان طبسی پسر سید مهدی میرزا ها در سال ۱۲۵۸ خورشیدی در طبس کیلکی از شهرهای خراسان بدنیا آمده ام و تا هفده سالگی در طبس نزد والدین خود زیسته ام آنگاه پدرم فوت شد و مختار خود شدم و بقصد تحصیل بفرج مسافرت کردم و یکسال در یزد در مدرسه خان و هفت سال در اصفهان در مدرسه صدر توقف کردم من از خردسالی میلی مفرط بتحصیل علم داشتم و بدون آنکه آنرا مقدمه چیز دیگری

حرف دال بهاره ۱۵۱۵

دبستان

فرض کنم یا بین اصناف آن تفاوتی بگذارم یا هیچگاه بفکر آن باشم که آنرا وسیله کسب معیشت کنم در طلب کوشش می‌کردم و این رویه را از کسانی اکتساب کرده بودم که شاید خودشان هم بر این عقیده نبودند و لیکن مصلحت خود را در ظاهر باین رویه دانسته بودند و لکن من آنرا مثل یک اصل عقلی برهانی پذیرفته و سرمشق زندگی خود قرار داده بودم. بزرگانی که در مدت تحصیل خدمت آنها را دریافته و نزد آنها شاگردی کرده‌ام اینها پند و سید مهدی میرزاها در حساب و هیت و نجوم؛ شیخ حسن ملا سلطان محمد در علوم عربیت (این هردو در طبس) حاجی ملا محمد ابراهیم لاری در منطق و معانی و بیان (در یزد) حاج میرزا بدیع درب امامی در فقه و اصول (سطح) ملا عبدالکریم گزی در فقه (سطح) محمد صادق نایب‌الصدر در فقه و اصول (خارج) جها نکیر خان



قشقائی در فلسفه، آخوند ملا محمد کاشی در ریاضیات، میرزا غلامحسین میدان کهنه در اسطرلاب و طبیعیات و مانند اینها (همه اینها در اصفهان)، زمانیکه وارد اصفهان شدم علوم ریاضی و طبیعی بالمره متروک و مهجور بود و علوم ادبی بی‌مایه و ضعیف و در مدارس با همه ازدحامی که دیده میشد توجهی باین علوم نداشتند و همه همتها متوجه فقه و اصول بود و با این حال تجدید هم باندازه کمی بمدارس اصفهان راه یافته بود رسم تکفیر بالمره منسوخ نشده بود لکن زیاد هم اتفاق نمی‌افتاد آن وحشتی که در زمان حاجی کلباسی از علوم عقلی داشته‌اند بمساعی امثال ملا علی نوری و جهانگیر خان قشقائی فی‌الجمله بانس تبدیل شده بود و بهر جهت بشرط مواظبت بر نماز جماعت و حضور در مجالس روضه و تحصیل فقه و اصول در ایام تحصیل خواندن اینگونه علوم که طلاب آن زمان علوم عربیه مینامیدند در اوقات فراغت ممکن بود و من در آن هنگام معلوماتی ابتدائی در این علوم داشتم که نسبت بآنروز مدارس اصفهان قابل توجه بود.

مرحوم طبیب

خلاصه الحساب و فارسی هیت و سی فصل تدریس می‌کردم و تحریر انالیدس و شرح چنمینی و شرح تذکره و اسطرلاب و مانند اینها درس می‌خواندم و مطالعه می‌کردم. یکی از مشکلات آن زمان شناختن اسطرلاب بود و چگونگی عمل کردن بآن و از آن مشکلات دانستن اصولی که مبنای ساختن این صفحات و کشیدن این خطوط و دوائر است که آن را علم تسطیح گویند که در همین مدت کم یعنی از عصر صفویه عصر رواج این علم و این صنعت تا زمان ما بقدری متروک شده بود که آنچه ما بدست آوردیم در اصفهان یکنفر

حرف دال بعده الباء

دبستان، دبیره، دختران ایران

میرزا غلامحسین بود. این فنون هم پیش او تحصیل کردم و رواج دادم و روزی که از اصفهان عازم خراسان شدم با روز ورودم تفاوت بسیار داشت. در خراسان نیز کاری جز مطالعه و مذاکره بیش نگرفتم و لیکن مدارس مشهد در آن عصر اقبالی علوم عقلی نداشتند و وقت خود را بیشتر صرف علوم دینی و علوم ادبی میکردند و غلبه بامشی مردم ریا کار بود. با این حال در خراسان دانشمندان بزرگ بیشتر از جاهای دیگر بودند و اگر جز مرحوم حاج میرزا حبیب الله شهیدی خراسان دانشمند دیگری نداشتی او را بس بودی. این تاریخچه متعلق بده سال یعنی از ۱۳۱۴ تا ۲۴ بوده که در ایران عصر جدیدی افتتاح شد و افکار نو در همه طبقات پدید آمد و من نیز بی بهره نماندم و بفرافرفتن زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبی اروپائی مشغول شدم و دو مسافرت بخارج کردم در يك سفر نزدیک یکسال در قاهره مصر توقف افتاد و در سفر دیگر سه سال در پاریس ماندم و در این سفرها بسیار جاها دیدم و بسیار بزرگان از ملتهای گوناگون زیارت کردم و در اواخر جنگ عمومی پیش بود که بایران برگشتم و بخدمت معارف پذیرفته شدم و در این دولت خجسته که جاوید بماناد بداد گسترى مستقل شدم هفت سال پیش میگنود که در تهران بسمت رای زن دیوان کشور خدمت میکنم ۴۰ مرحوم طبسی در سنوات اخیر نایب رئیس انجمن ادبی فرهنگستان بود و در اوایل سال ۱۳۲۸ شمسی در طهران فوت نمود.

(۵۴۱) دبیره

دبیره در شهر رشت بمدیری (دبیر الممالك) تاسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. برون که سه نمره از این نشریه را در دست داشته درباره آن مینویسد، دبیره را نمیتوان يك روزنامه دانست بلکه نشریه ایست شبیه بروزنامه که اشعار و مقالات ادبی در آن درج است. نامبرده اضافه میکند که یکی از این سه نمره موجود قسط سال انتشار (۱۳۲۶ قمری) را دارد و دیگری مورخ بتاریخ ۱۵ ربیع الثانی سال مذکور است. قطع هر صفحه از این نشریه ۵ و سه چهارم $\times ۱۲$ سانتیمتر است.

(۵۴۲) دختران ایران

مجله دختران ایران در شهر شیراز بمدیری (بانو زند دخت شیرازی) تاسیس و در طهران طبع و منتشر شده است، شماره اول این مجله در چهل صفحه بقطع کوچک با چاپ سربی در مطبعه (فرهمند واقعه در خیابان ناصریه طهران) طبع و در تاریخ اول مرداد ۱۳۱۰ شمسی منتشر شده است. برای اطلاع از علت انتشار و مندرجات مجله بهتر آنستکه سطورى را که بقلم مدیر مجله در شماره اول تحت عنوان (آرزو طرز تربیت دختران موجد نوع تمدن ملت ماست) نوشته شده، برای مزید اطلاع خوانندگان نقل نمائیم: « ۵۰۰۰ من با چند سال کوشش و رفع موانع توانسته ام وسائل انتشار این مجله را فراهم سازم مجله دختران ایران چنانکه از نامش معلوم میگردد برای نشر آثاری است که دوشیزگان این سرزمین را بسرچشمه انسانیت نزدیک میسازد و بشاهراه سعادت و حیات ابدی هدایت مینماید اما با آنکه بجهت اهمیت موضوع که مسئله حیات ملی

حرف دال بده الخا

دختران ایران

و جامعه ایرانی است بیشتر نظر بنده متوجه نکته فوق خواهد بود ضمناً خدمات مهم دیگری هم باید از اشاعه این مجله انجام پذیرد که البته از متن مندرجات دختران ایران و پیشنهادهای بنده معلوم میگردد اما انجام این خدمات که هر يك در حیات جاودانی ایران تاثیر دارد مشروط بكمك و حس و عاطفه و بروز صمیمیت هموطنان نسبت بترقی دختران ایران است و از دست تنها خاصه دستی كوچك و ناتوان و کوتاه بر نیاید...»

همان‌طور که از سطور فوق معلوم میگردد مندرجات مجله دختران ایران مانند سایر مجلاتیکه بمدیری نسوان انتشار یافته، مطالبیست مخصوص و مفید بحال نسوان و مخصوصاً بیشتر برای بیدار کردن زنان ایرانی نوشته شده. مجله دختران ایران مجله ایست ماهیانه و مصور و بعنوان مجله علمی، ادبی، اجتماعی و اخلاقی معرفی شده. سرلوحه آن که روی جلد مجله رسم شده عبارت از تصویر ایوان مدائن است که چند دختر با لباسهای مختلف در کنار آن قرار گرفته و بر فراز ایوان مدائن تصویر اعلیحضرت شاه فقید که در بالای سرفرشته ایستاده رسم شده است. درباره انتخاب این سرلوحه در شماره اول مجله مینویسد: «چون این مجله بنام نامی شاهنشاه پهلوی اشاعه مییابد لذا تابلوی (دختران ایران در ایوان مدائن) را که از آثار استاد محترم آقای شایسته است سرلوحه قرار دادیم.»

عنوان مراسلات و تلگرافات: شیراز دختران ایران و شیراز زنددخت. قیمت اشتراك سالیانه مجله: داخله ۳ تومان، خارجه معادل ۴ تومان. برای معارف پروران با همت داخل و خارج پانزده قران افزونتر است. مقالات مجله اغلب بقم نام نویسندگان مشهور و معروف مانند کاظمزاده ایرانشهر و رشید یاسمی و سعید نفیسی و خانم صدیقہ دولت آبادی و غیره تدوین شده. از مطالب مفید مجله شرح حال (زنان نامی) است که در شماره های مختلف مجله آورده شده و این قسمت از همان شماره اول که شرح حال ژاندارك فرانسوی نوشته شد، شروع میگردد. در شماره ششم شرح حال چند تن از زنان شاعر و نامی از قبیل (برشاد)، (تهمنه)، (جمال النساء)، (وجهان خانم) ذکر گردیده است. با اینکه طرز انتشار مجله ماهیانه بوده ولی مرتباً همه ماهه منتشر نگردید. چنانچه شماره ششم آن در آبانماه ۱۳۱۱ شمسی منتشر شده است. درباره تاخیر انتشار مجله در یکی از شماره ها شرحی تحت عنوان (خطاب بخوانندگان) درج شده که خلاصه آن بعلا نبودن سرمایه مادی است؛ قسمت اخیر شرح مذکور این است: «که سبب تاخیر انتشار نمرات مجله فقدان سرمایه مالی بوده و میباشد.» دختران ایران مجله ایست مصور و تصاویری از قبیل تصویر (گریس دارلنگ)، (عارف)، کریمخان زند لطفعلیخان زند، و مقبره حافظ در آن دیده میشود.

(۵۴۲) درخشان

مجله درخشان در شهر اصفهان بمدیری و صاحب امتیازی «فضل الله کامکار» مدیر روزنامه کامکار» تاسیس و شماره اول آن در ۲۴ صفحه، بقطع خبثی، با چاپ سربی مطبوعه

حرف دال بعده الرا

درخشان . درة النجف

اشاره شده؛ تصاویر شماره اول از این قرار است : تصویر رضا شاه پهلوی و ولیمیه ایران . تصویر « حاج مخبرالسلطنه رئیس الوزراء » ، تمبور تاش « وزیر دو بار » ، ارباب کبکخرو « نماینده زردشتیان » ، مثلوالدوله « حکمران اصفهان » ، دانشور « رئیس معارف اصفهان » ، کلریکاتوری که در شماره اول چاپ شده عبارت است از دو پرده سینما که در پرده اول چند نفر آخوند مشغول کشیدن تریاک و غلیان میباشند و در پرده دوم چند نفر جوان فکلی با خانمی میرقصند و این دو پرده حقایق اشخاص را پس از تغییر لباس نمایش میدهند .

مجله درخشان دوام زیادی نکرده و ظاهراً پس از نشر دو سه شماره تعطیل شده است . محل اداره مجله : اصفهان . خیابان سپه اداره روزنامه کامکار . وجه اشتراك سالیانه آن دو تومان ؛ بمحصلین تخفیف داده میشود . آقای فضل الله کامکار با اینکه اهل قلم و نویسنده نبود ؛ مع ذلک نسبت بمطبوعات علاقه شدیدی نشان میداد و علاوه بر روز نامه کامکار که در اصفهان و قم منتشر نموده بتاسیس مجله درخشان نیز پرداخته است . نامبرده چند سالیست فوت کرده است . از ایشان مجدداً در ذیل روزنامه کامکار حرف کاف کتاب گفتگو خواهیم کرد .

(۵۴۴) درة النجف

مجله درة النجف بزبان فارسی در شهر نجف بمدیری (آغا محمد معلاتی) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . مجله درة النجف بجای مجله الغری که با اتهام مغالط با قانون مطبوعات توقیف شده نشر یافته و تفصیل این توقیف را مادر جلد اول کتاب در ذیل مجله (الغری) با اطلاع خوانندگان رسانده ایم در این جا بطور خلاصه یاد آور میشویم که پس از توقیف الغری مشترکین و دوستان مدیر مجله درخواست نموده اند که لفظ الغری بواسطه قلت استعمال در محاوره زبان فارسی و دوری از ذهن بهتر آنست که تبدیل بنام دیگری گردد ، مدیر مجله نیز این درخواست را قبول کرده و اجازه نشر مجله (درة النجف) را از حکمران کربلا خواسته درة النجف با چاپ سری در مطبعه (علوی نجف اشرف) طبع و هر نوبت در ۶۰ صفحه بقطع کوچک خشتی منتشر شده است . طرز انتشار آن ماهانه بوده و وجه اشتراك دو مجیدی که در همه جا پیش گرفته میشده معین گردیده است ، عنوان مکاتبات : نجف اشرف . اداره درة النجف ، تلگرافی ، نجف . درة النجف . محل توزیع مجله : قرائنخانه مبارکه . علاوه بر محرر و مدیر مجله نام ناشر (حاج شیخ حسین اصفهانی) روی جلد مجله نوشته شده است . در سه طرف اسم مجله این آیات قرآنی بمنزله شعار چاپ شده : « ونادیه من جانب الطور الايمن . فلما ایتها نودی من شاطئ الواد الايمن فی البقعة المبارکة » . درة النجف اینطور معرفی شده که مجله ایست دینی ، ادبی و از منافع عامه و معارف بحث میکند . مقاله افتتاحی مجله بدین قسم شروع می گردد . « چونکه برداشت سخن در باب اول از مجله الغری که بر خس مشترکین عظام

حرف دال بده ال را

درفش کاویان، درمان

رسید در بیان این مطلب بود که تمدن را با تدین ملازمه و مصاحبه دائمیه است و تفکیک بین این دو نشده ۰۰۰۰ فهرست مندرجات شماره اول مجله بدین قرار است : دنباله مقاله تمدن با تدین ملازمه دارد ۰ نهضت‌های شرق ۰ (این مقاله از ص ۱۶ تا ص ۳۰ مجله را فرا گرفته است) ترجمه رساله ارشاد العباد الی عمارة البلاد ۰ مقاله اصلاح ادبی ۰

(۵۴۵) درفش کاویان

روزنامه درفش کاویان در اصفهان در آغاز جنگ بین الملل اول منتشر میشده ولی نگارنده تا کنون نمونه از آن بدست نیاورده است ۰ مرحوم وحید در جلد اول کتاب ره آورد (ص ۴) از این روزنامه نامبرده مینویسد : « در آغاز جنگ سه روزنامه در اصفهان منتشر میشد یکی نامه زاینده رود . دیگری مفتش ایران ، سوم نامه درفش کاویان ۰ نگارش مقالات این سه روزنامه را رهی بانهایت شوق عهده دار و بارزوی آزادی وطن از راه نگارش ایرانیان را بدوستی آلمان و دشمنی روس و انگلیس تحریک و ترغیب مینمودم . »

علاوه بر روزنامه درفش کاویان که در اصفهان منتشر میشده ظاهراً روزنامه به همین نام در سال ۱۳۰۵ شمسی نیز در طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است ۰

(۵۴۶) درمان

مجله درمان که مجله ایست طبی و بیشتر مندرجات آن بقلم اطبا تدوین یافته در سال ۱۳۱۵ شمسی در تهران بطور ماهیانه تاسیس و شماره اول آن در فروردین ماه سال مذکور در ۷۶ صفحه بقطع وزیری در مطبعه سرری « فردوسی » طبع و توزیع شده است ۰ صاحب امتیاز مجله « دکتر علی رشتی » است و در شماره اول فقط اسم مشارالیه ثبت شده ولی از شماره دوم بیحد اسامی آقایان « دکتر کاسبی » و « دکتر سیدامامی » بعنوان اعضاء مدیره مجله درج است ۰ قیمت اشتراك سالانه یعنی ۱۲ شمار ۰ مجله در ایران ۵۰ ریال و در خارج یک پوند و برای محصلین و محصلات ۲۰ ریال تخفیف منظور شده است ، بهای تک شماره مجله ۵ ریال . جای اداره : طهران ۰ خیابان ناصرخسرو « ناصریه » پهلوی دارالفنون ۰

مجله درمان چنانچه از اسم آن نیز پیدا است و در هر شماره نیز معرفی شده مجله ایست طبی ، علمی ، فنی و بیشتر منظور از تاسیس آن روشن نمودن مسائل و امور بهداشتی است ۰ برای مزید اطلاع خوانندگان و اینکه بهتر بمنظور و مرام موسسین مجله آگهی حاصل کنند قسمتی از مقاله افتتاحی شماره اول مجله را نقل می نمائیم : « ۰۰۰ نامه درمان نیز بدید آورده و دست پرورده مقتضیات زمان یعنی یکی از آثار شاقیه این نهضت مقدس میباشد ۰ یکی از مزایای شایان بیان این نهضت توجه خاص بطوم طب و دوا سازی و دندان سازی است که روز بروز از نو اقص امور مربوطه بآن کاسته و بر لوازم و وسائل رواج و تکمیل آن افزوده میشود ۰۰۰۰۰ مجله درمان

حرف دال بعده الر

درمان

یکی از وسایل مهم و لازم اطباء این کشور خواهد بود که بخواهند با فکر روشن در گوشه کتابخانه ها یا دارالتجزیه ها یا مریضخانه ها بدون خود نمائی فقط برای ترویج و ترقی علم کار کنند و نتیجه تتبع و تحقیق فنی خویش را که از مواضع کتا بها یا پس ذره بینها و یا علامات بیماران و یا اجساد مردگان بدست می آورند بنویسند و همگان را از آن آگاه سازند تا دیگران از حاصل رنج آنها سود برند و هم اگر به توانند بفکر آنها مدد رسانند ۰۰۰۰ نامہ درمان می خواهد در مبحث خاص طب و دوا سازی و دندان سازی که از شعب مهم علوم بشری است این خدمت بزرگ را انجام دهد و بار دیگر برای ظهور دانشمندان بزرگ ایران زمینه مساعد پیش آورد از اینرو از همه دوستانان دانش دعوت میکند که استدعای او را بپذیرند و از مدد علمی و فکری و قلمی که موجب دوام این نامہ میباشد دریغ روا ندارند. از روزی که برق فکر ایجاد این مجله درد ماغ ما جستن کرد تا امروز که اختر وار درافق مطبوعات درخشیدن گرفت چند ماه پیش نمیگذرد و در این مدت با مشکلات فنی بسیار روبارو شدیم که همه را بکاردانی و برد باری یعنی با دواصل مسلم زندگانی آسان ساختیم و امیدواریم که از این پس بمدد این دو اصل بامشکلات فنی برخورد نکنیم و یا اگر کردیم آن را از میان برداریم و به پیمودن راه خویش بپردازیم.

نامہ درمان با این کم و کیف نخستین مجله طبی است که در کشور ایران طبع و نشر میشود و در راه بسط و نشر فن شریف طب و ایجاد محیط تجسس و تحقیق علمی قدم برمیدارد و راه را از برای پیدایش نامہ های مانند خود شسته و رفته میکند چه بی شک در این طریق بی رفیق نخواهد ماند و مجلات طبی و فنی دیگری پیدا شده با او یار و مدد کار خواهند گشت اگر چنین اقدام از دیگران دیده شود جای بسی خوشوقتی خواهد بود که همواره تقلید و پیروی از کارهای نیک و پسندیده خردمندانست. ۰۰۰ مجله درمان میوه تازه رس شاخ نهخت فکری ایران است و اگر هنوز پخته نیست نباید سرزنش کرد چه باید براو روزگاران بگذرد قهر خزان و مهر بهار به بیند تار سیده و سزاوار بزم بزرگان شود. چون ما خود را در این راه تازه کار و ناآزموده میدانیم و انسان را از خطا و لغزش برکنار نمی بینیم از همه صاحب نظران مجرب خواستاریم که اگر در کار ما نقصی و در کوشش ما بانجام وظیفه قصوری یافته اند از راد مردی و بزرگواری مارا بیاگاهانند تا رفته رفته بر نواقص کار خویش آگاه شده و هم آنرا بر طرف سازیم و هم از آنان ممنون و متشکر گردیم ۰۰۰۰ دک « در ختام مقاله مذکور که بقلم دکتر کاسمی نوشته شده، از چند تن از اطبا از قبیل دکتر علی رشتی صاحب امتیاز مجله و دکتر احمد امامی و دکتر مرتضی شاهرخ و چند تن از پزشکان که از تشویق و ترغیب و مساعدت فروگزاری نکرده سپاسگزاری نموده است.

مجله درمان همانقسم که یاد آور شدیم مجله ایست طبی و مندرجات آن بقلم اطبای جوان آن زمان که هر یک در فن خرد تخصص داشته تهیه و تدوین گردیده است و از این جهت میتوان گفت درمان مجله ایست فنی که از دقایق فنی طب در آن گفتهگو

حرف دال بعده ال

درمان ؛ دریا ، دست انتقام ، د. تور

شده و بیشتر بدرد اطباء میخورد و کمتر برای عموم قابل استفاده است . برای اطلاع بیشتری از مندرجات مجله فهرست شماره اول آنرا نقل مینمائیم : مقدمه بقلم دکتر کاسی . زندگانی باستور و اکتشافات او بقلم آقای دکتر غلامرضا شیخ . طرق جلوگیری از انتشار رات تب نائب در ایران بقلم آقای دکتر محمد حسین لقمان ادهم (لقمان الدوله) ذات الجنب قلبی بقلم جناب آقای دکتر علی پرتو اعظم (حکیم اعظم) تشخیص تبهای مطبقة . بقلم دکتر ارسطو علاج . فالج نخاعی اطفال یا ناخوشی هایین مدین بقلم آقای دکتر هاشم هنجن پر سش و پاسخ طبی بقلم آقای دکتر حسینعلی اسفندیاری اقتراحات بقلم دکتر کاسی دفتر صحت یا نامه تندرستی بقلم آقای دکتر عباس ادهم (اعلم الملك) جمودتهای کاذب یا تصلب مفصلی بقلم آقای دکتر حسین معتمد . تاریخ عقاید راجع بسرطان بقلم آقای دکتر فیلیپ مکداول . علاج پیوره بوسیله واکسن بقلم آقای دکتر محسن سیاح نوارث در امراض و تائیر آن در توالد و تناسل بقلم آقای دکتر علی رشتی . ورزش فکری بقلم آقای دکتر کاسی . حفظ الصحه آبستنی بقلم دکتر حسین معاون . علاج امراض چشم با جریانهای کثیر التناوب برق بقلم آقایان برفسور محمد قلی شمس و دکتر فتح الله فرهی مطایبات طبی و ورزش فکری بقلم دکتر کاسی .

علاوه بر این قبیل مطالب در هر شماره تصاویر مناسبی با مقالات چاپ شده چنانچه در شماره اول نیز از شمال رضا شاه پهلوی که در آغاز مجله درج گردیده . تصویر باستور هنگام کار در دارالتجزیه خود و چند تصویر مربوط بقاله کحالی طبع شده است روی هم رفته مجله درمان از مجلات بی نظیر است که مملکت ما احتیاج شدید با مثال آن دارد ولی متاسفانه این مجله مفید دوام زیادی نکرده و ظاهراً بیش از یکی دو سال منتشر نشده است .

(۵۴۷) دریا

روزنامه دریا در طهران بدبیری (سید محمد جواد غروی) تاسیس شده و امتیاز آن در هشتم آذر ۱۳۰۴ شمس از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۵۴۸) دست انتقام

در سال ۱۳۰۳ شمس روزنامه دست انتقام بطور هفتگی در طهران تاسیس و منتشر شده است .

(۵۴۹) دستور

روزنامه دستور در شهر رشت تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است از این روزنامه فقط سه شماره نشر شده و تعطیل گردیده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی می نویسد ص ۸۵ : من شماره دوم این روزنامه را دارم و این شماره در تاریخ ۱۸ رجب ۱۳۲۸ در چهارم صبحه بقطع ۱۰/۵۴ تا شصت و پنج طبع و توزیع گردیده . وجه اشتراك آن در رشت ۲۵ قران . در سایر شهرهای ایران

حرف دال بعده السین

دستور اخوت، دعوت اسلامی

۳۰ قران ، دستور روزنامه تاریخی ، سیاسی و طرفدار استقلال ایران معرفی شده است . در اینجا برون اسمی ازمدیر روزنامه بمیان نیاورده است .

(۵۵۰) دستور اخوت

روزنامه دستور اخوت در طهران بدیری (سلطان الکتاب) در سال ۱۳۰۱ شمسی تاسیس و منتشر شده است . در اواخر سال مذکور مسئولیت اداره روزنامه بهمد آقای سید محمد باقر دیری واگذار گردیده و دراین باره شرحی تحت عنوان اخطار مامضای (حسن فردوس موسس اتحادیه جراید) در شماره ۲۴ سال دوم روزنامه طوفان مورخ ۱۰ دلو ۱۳۰۱ طبع شده که خلاصه آن این است : آقای آسید محمد باقر دیری رئیس سابق معارف و اوقاف سیستان که از جوانان تحصیل کرده و خدماتشان در معارف بخصوص جریده نگاری غیر قابل انکار است برحسب تصمیمی که گرفته شده مشارالیه بسمت مدیریت و سر دیری دستور اخوت انتخاب و از شماره آینده که در ظرف همین دوسه ورزه انتشار خواهد یافت مسئولیت مندرجات آنرا عهده دار خواهند بوده این بود شرحیکه راجع بروزنامه دستور اخوت چاپ شده . نگارنده تا کزین نمونه این روزنامه را بدست نیاورده است .

(۵۵۱) دعوت اسلامی

مجله دعوت اسلامی در شهر کرمانشاه بمدير مسئولی و صاحب امتیازی (سید محمد تقی واحدی بدلا) تاسیس و شماره اول آن در اردیبهشت سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است . شورای عالی فرهنگ امتیاز مجله مذکور را بنام آقای محمد تقی واحدی در ۱۸ اسفند ۱۳۰۶ شمسی تصویب نموده ولی انتشار آن در سال ۱۳۰۷ بوده است . دعوت اسلامی چنانچه روی جلد و در عنوان آن معرفی شده مجله ایست دینی ، فلسفی ، اخلاقی انتقادی و مندرجات آن بیشتر مطالب دینی و فلسفی است . بعلت نوع مندرجات مجله ، دعوت اسلامی همیشه از طرف علما و روحانیون پشتیبانی و بنشر آن کمک میشده و مدیر مجله بعنوان سپاسگذاری از کمک روحانیون شرحی در شماره آخر سال اول تحت عنوان « الحمد لله اولاً و آخراً » طبع کرده و در آن از توجهات کامله حجج اسلام و روحانیین ذوی الاحترام تقدیر نموده و مخصوصاً از احساسات و ترویجاتی که علمای نجف اشرف و قم نسبت بمجله نموده سپاسگزاری کرده است . برای مزید اطلاع فهرست مقالات شماره های ۷ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ سال اول آنرا نقل مینمائیم : ان الدین عند الله الاسلام . العلماء ورثة الانبياء . طلب العلم فریضة . ترجمه از رحله و المدرسية المدرسه السیاره (ترجمه کتاب رحله المدرسية در شماره های مختلف سال اول و دوم چاپ شده و در سال سوم هشت صفحه به صفحات مجله برای چاپ این کتاب افزوده شده است .) دین اسلام نسخ نخواهد شد . سعی و عمل - در اطراف حجاب . چه چیز از برای جامعه مفید است ؟ . هر شماره مجله به (بسم الله الرحمن الرحيم) و آیه (ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جا

دعوت اسلامی ، دعوة الحق

حرف دال بعده العین

دلهم بالتی هی (احسن) شروع میگردد .

دعوت اسلامی ماهی یگشماره در ۲۴ صفحه بقطع خشتی کوچک ، با چاپ سری (درمطبعه) شرکت سعادت کرمانشاه - شعبه ۱ (طبع و منتشر شده و مدت هفت سال انتشار آن دوام داشته است . قیمت اشتراك در کرمانشاه سالیانه ۱۲ قران ، ششماهه ۶ قران و در خارج و خارجه اجرت پست افزوده میشود . محل ادارہ در سال اول : کرمانشاه ، منزل شخصی مدیر مجله . ناحیه ۳ . و در سنوات بعد قسمت فوقانی مطبعه شرکت سعادت بوده است .

سال اول مجله با انتشار شماره ۱۱ و ۱۲ در ماه صفر ۱۳۴۷ قمری خاتمه پیدا و شماره اول سال دوم در شهریور ۱۳۰۷ شمسی مطابق ربیع الاول ۱۳۴۷ قمری بسبب سال اول منتشر گردیده . مندرجات مجله در این سال نیز مانند سال قبل عبارت از مقالات دینی و اخلاقیست و مخصوصاً راجع برد مبلغین مسیحی و بهائی مقالات زیادی درج شده در شماره چهار سال دوم قطعه شعری درباره مجله و مدیر آن چاپ شده که دو سه شعر آن این است :

بساخت واحدی از کلام خویش معجونی برای جهل و عمی از دلائل مشروع چنانچه از اثرش مات گشته افلاطون . ز حکمتش بشکفت آمد ابن بغیش - شروع بشاهراه ترقی یگانه راه . نماست ز علم و حکمت و عرفان بود مهین - بنوع شماره اول سال پنجم مجله در دیماه ۱۳۱۰ شمسی مطابق شعبان المعظم ۱۳۵۰ قمری طبع و توزیع گردیده در این سال نیز ده شماره از مجله منتشر شده و مانند سال قبل بعض شماره های ۱۱ و ۱۲ ترجمه کتاب (رحلة المدرسه والمدرسه السیاره) طبع و منتشر شده و مانند سال چهارم در دو طرف اسم مجله دو جمله بعنوان شعار چاپ گردیده « الامرون بالمعروف . الناهون عن المنکر » . دعوت اسلامی مجله ایست دینی و بیشتر منظور از تاسیس آن ترویج و تبلیغ اصول دین اسلام و یاد آوری احکام اسلامی بوده است آقای سید محمد تقی واحدی - آقای محمد تقی واحدی که نسب خود را به (یحیی نسابه) و بالاخره به (الامام الهمام سید الوصیین امیر المومنین علی ابن ابیطالب) میرساند (شماره اول سال دوم مجله دعوت اسلامی) از اهالی کرمانشاه و از وعظ و محدثین آن سامان است . نامبرده علاوه بر هدایت و راهنمایی مردم از راه نطق و خطابه ، در لباس روحانیت ؛ با تاسیس و نشر مجله دعوت اسلامی ؛ بوسیله قلم نیز به هدایت هم نوان خویش پرداخته است . شرح احوال ایشان در دست نبود که مفصلاً نوشته شود ، عکسی که از نامبرده در سال دوم سالنامه (دانش خراسان) چاپ شده ، ایشان را جوانی بنین چهل سالگی نشان میدهد .

(۵۵۲) دعوة الحق

مجله ماهیانه مذهبی دعوة الحق در طهران بمباری (شیخ محمد علی دزفولی ملقب به بهجت) تاسیس و در سال ۱۳۲۱ قمری منتشر شده است . شماره اول این مجله روز اول

حرف دال بده العین

دعوة الحق

ماه شعبان سال مذکور انتشار یافته و در سال اول فقط ده شماره از آن توزیع گردیده است. دعوة الحق پس از مدتی تعطیل مجددا در شهر ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری با بدایره انتشار گذاشته و تا انقلاب مشروطیت کم و بیش منتشر شده است. مرحوم ذکاء الملک در نمره چهار صد و سیم روزنامه تربیت مورخ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری با عباراتی نفوذ و دلکش طلوع مجدد مجله را اینطور اعلام نموده است :

«دعوة الحق - مجله شریفه دعوة الحق که از حقایق و معارف اسلامی و مزایا و منافع مسلمین سخن میگفت و بلاد و ممالک ما را بانوار تحقیقات لامعه و ازهار تدقیقات ساطعه منور میساخت چندی چون آفتاب زمستان در پرده سحاب بود النمة لله که در اواخر این بهار بطلان دیدار مانند نو گوشه ابرو نمود. نگارنده و مدیر محترم این مجله رائقه فائقه جناب مستطاب فاضل المعی آقامیرزا محمد علی بهجت دزفولی دامت افاضته از ابنای علما و آقا زادگان جلیل الشان دزفول بقول صاحب مقامات مجهول لا یعرف و نكرة لا تعرف نیست که محتاج به معرفی من بنده باشد در این پای تخت معظم بلکه در سایر شهرهای اعظم آن شخص شاخص و فرد ماجد را بخوبی میشناسند و قدر خدمات و مجاهداتش را در راه علم و دانش و نشر معلومات دینی و دنیائی و انتشار حکمت های اخلاقی و ذکر موجبات تذکر و شرح نتایج فکر و هرچه ما را بکار آید و روبراه نماید میداند و مسطورات کلک و بنانش را بر غبت میخوانند جز اینکه میخواهم در این قحط سال فضائل و معالی و رواج بازار موهومات و مجعولات بیشتر و بهتر بدانند و زاید اعلی ما سبق بخوانند و ملتفت باشند که يك كلمه سودمند مایه آسایش يك عمر است و حرفی مفید اسباب خلاصی از مهلكه و بنا بر این مجله جلیله دعوة الحق را چنانکه باید و شاید استقبال نمایند و بامولف مجاهد این مختصر نافع همراهی کنند تا بار داعی و مدعو هر دو بمنزل رسد و سربایع و مشتری روی سبابان بینند. اداره مرکزی دعوة الحق در دار الخلافه طهران در خیابان ناصریه مقابل شمس العماره میباشد.»

در همین ایام بوده که مدیر مجله در جلو خان شمس العماره طهران کتابخانه معارف را تاسیس نموده و در آن انواع کتب قدیمه و جدیده بفروش میرسیده است. آقای شیخ محمد علی بهجت علاوه بر کتابخانه و مجله مذکور مجموعه بام (مجموعه معارف) تاسیس و منتشر نموده که از آن بتفصیل در حرف میم کتاب گفتگو خواهیم کرد وجه اشتراك مجله در طهران سالیانه یگتومان و در سایر ولایات دوازده قران و در تمام ممالك خارجه هشت فرانك. بطلاب و شاگردان مدارس جدیده ده دو تخفیف داده است.

آقای شیخ محمد علی بهجت - آقای بهجت معروف به بهروز خاوری پدرش از اهالی دزفول و خود او مدتی در نجف اشرف بتحصیل پرداخته و از مرحوم خراسانی اجازه اجتهاد گرفته است. در دوره دوم مشروطیت بنمایندگی مجلس انتخاب گردید در سال ۱۳۲۱ قمری موفق بتاسیس انجمن علمی در طهران گردید و در همین سال نیز ریاست کمیسیون تصحیح کتب و ترجمه عربی اداره انطباعات وزارت معارف را عهده دار بوده. از خدمات دیگر او، چنانکه قبلا یاد آور شدیم، تاسیس کتابخانه معارف

حرف دال بعده العین

دعوت الاسلام

و مجموعه معارف میباشد و نیز آموزشگاه فنی هنر که طرز تدریس در آن مطابقی اصول طبیعی و دارای شعبه مستقل دخترانه و قسمتهای فلاحتی و صنعتی بوده ، از موسسات مشارالیه میباشد . از تالیفات آقای بهجت کتاب (روش پرورش) است که در سال ۱۳۰۷ شمسی در چاپخانه خاور در ۱۲۸ صفحه کوچک طبع گردیده است .

(۵۵۲) دعوت الاسلام

مجله دعوت الاسلام دد شهر بیبئی هندوستان بمبیری آقای (سید محمد علی داعی الاسلام) بزبان فارسی و اردو تاسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است شماره اول دعوت الاسلام که مدیر آن نام آنرا (اسلام نامه) گذارده در ۱۶ صفحه بقطع خشتی ، روی کاغذ متوسط ، با چاپ سنگی و بخط نستعلیق خوب ، طبع و در تاریخ غره رمضان المبارک ۱۳۲۴ قمری مطابق اکتوبر ۱۹۰۶ میلادی توزیع گردیده است با اینکه در هندوستان چاپ سری بمبئی وجود داشته علت طبع مجله را با چاپ سنگی در صفحه چهارده شماره اول تحت عنوان (اعتذار) اینطور مینویسد : « چون اهل هندوستان چاپ حروفی نمیپسندند برخلاف ایرانیان که بسیار طالبند در این نمره ملاحظه هندوستانیان شد اگر خوب از طبع بیرون نیاید در شماره های دیگر فارسی را علیحده با حروف و اردو را با خط طبع خواهیم نمود . »

مجله دعوت الاسلام دنباله اشارات « دعوت اسلامیه » و با گفتگوی صفا خانه اصفهان است که آقای داعی الاسلام آنرا در اصفهان منتشر مینمود و پس از مسافرت به هندوستان شرحیکه بمدا خواهیم نوشت اداره دعوت اسلامیه اصفهان تبدیل باداره دعوت الاسلام واقع در بیبئی گردید و مجله الاسلام نیز تبدیل بمجله دعوت الاسلام شد . تفصیل این موضوع را آقای داعی الاسلام در مقاله افتتاحی مجله پس از یک خطبه مفصل که چهار صفحه مجله را فرا گرفته ، تحت عنوان « شرح احداث اداره دعوت الاسلام » بدینقسم ذکر کرده است : « روزیکه از اصفهان بزم حج بیت الله الحرام بیرون آمدم در هر شهر چندی توقف داشتم در مذاق اکابر و اصاغر اسلام نجس نیکو مینمودم در قوه متغیله شان صورتی از امورات راجعه بنوع و حفظ حوزه مسلمین و ترویج اصول اسلامیه نمیدیدم همه را در کوتاه نظری و خیالات راجعه بشخص مشهود کردم تا با هزار آه و افسوس بحریم خدا وارد شدم و در محل ظهور نور مقدس الهی اسلام پاک شب ها و روزها غربت دین خدا و غفلت ما هاهمی گریستم و بر سر وسینه زدم جز در و دیوار کعبه معظمه هم ناله نداشتم تا در شبی روح مقدس نبوی ص را در خواب دیدم فی الجمله تسکین یافتم با هزاران ذوق و شوق بار سفر مدینه بستم سهل و صعب بیابان را در نور دیدم بکعبه مقصود رسیدم چون در حرم مطهر مقابل قبر شریف ایستادم سراپای وجودم - و ختن گرفت اشک از چشم جاری گردید بدنم بلرزه در آمد بر زمین افتادم و عرض نمودم ایچند بزرگوار در بیان و تبلیغ شریعت مطهره اسلام چه رنجها بردی از اقوام جهان چه صدمها کشیدی تا این نور الهی را جاری ساختی در میان - لمانان اتحاد و قومیت استوار فرمودی

حرف دال بعد الهمین

دعوت الاسلام

..... القصه آنچه سالها آرزوی گفتن آن داشتم آنقدر گفتم که غش کردم . چون سخن در وصف این حالت رسید . هم قلم بشکست و هم کاغذ درید . باری از مدینه منوره بشام و از آنجا بمصر و سپس در اواسط ماه ربیع الاول به بندر معمره بمبئی رسیدم در ابتدای ورود ورقه مشورت نامه طبع و درمیان برادران اسلام منتشر ساختم و خود هم مشغول تعلم زبان هندوستانی شدم . جناب آقا میرزا محمد امین التجار ادام الله بقائه که از اجله مسلمانان و صاحب غیرت اسلام و خبرت تام و حسن فطرت و حرارت مالا کلام است باحداث اداره دعوت اسلامیه درهند مایل شدند و در غیاب احقر مجلس فرموده اهل حل و عقد اسلام راجع و دراین باب مشورت نمودند اتفاق آراء بر اجراء و احداث گشت مجلس دیگر منعقد فرموده احقر را هم دعوت نمودند بعد از آنکه احقر در وجوب احداث دعوت اسلامیه یک نطق مفصل بمرض سامعین رساندم همه اظهار همراهی نمودند و اداره (دعوت الاسلام) باین ترتیب قایم گشت که در وسط معمره شهر منزلی برای انجمن مهیا شود که در هر هفته دو روز مجلس منعقد گردد یکروز برای مباحثه باملل یعنی هر کس را در حقیقت اسلام شک است اعتراضات خود را در آن مجلس اظهار بدارد و جواب بگیرد و روز دیگر برای بیان فضائل اسلام باشد که مسلمانان باخبرت و نطق در آن روز برای سامعین فضایل اسلام بیان کنند اخبار دینیه هم در این مجلس در زبان فلسفی و اردو و پس از چندی با اضافه انگلیسی طبع شود . پنج نفر از بزرگان آن مجلس رکنیت و عضویت انجمن را قبول فرمودند که در هر هفته در روز یکشنبه بداره تشریف آورده در ترقی آن مشورت کنند و بر آنچه اتفاق آراء گردید عمل نمایند آنچه اعانه از مسلمانان جهان برای ترقی اداره دعوت آید بنظر این پنج نفر بمصرف میرسد . ۱. حقرا لانا داعی الاسلام را بهیچوجه مداخله با دخل و خرج اداره نیست فقط تکلم در انجمن و درج در جریده و انتشار آن با احقر است .

از شرح مذکور بخوبی علت پیدایش مجله و اداره دعوت الاسلام و کسانیکه در تاسیس آن شرکت داشته واضح و آشکار میگردد . راجع بمندرجات مجله باید یادآور شویم که اغلب مندرجات آن صورت مباحثاتی است که بین داعی الاسلام و دیگران در اداره مجله واقع شده و مدیر مجله پس از جرح و تعدیل عبارات آنها را در مجله بچاپ رسانیده است و خلاصه نوع مطالب نظیر مطالب مجله الاسلام یا گفتگوی صفاخانه اصفهان است که از آن در حرف الف کتاب بتفصیل گشتگو نموده ایم . قسمتی از مندرجات دعوت الاسلام بدین قرار است : گفتگوی آقا میرزا ابوطالب مجتهد با کشیش مبلغ نصرانی - تشریح مجلس شب چهارشنبه ۱۲ رمضان المبارک ۱۳۲۴ قمری .

دعوت الاسلام از همان بدو تاسیس مورد توجه مسلمین هند و سایر ممالک اسلامی واقع شده و از کمکهای مادی و معنوی در نشر و ترویج آن دریغ ننموده و بپادادن اعانه مانتشار آن کمک کرده اند . در شماره اول حکمی از حجاج اسلام غنات عالیات از قبیل مرحومین صدر و آخوند ملا محمد کاظم دائر بتشویق مسلمین بپادادن اعانه و استفاده از مجله دعوت الاسلام و قدردانی از مدیر آن چاپ شده که قسمتی از حکم مذکور چنین

حرف دال بعد العین

دعوت الاسلام

است : « از قرار مسوع جناب حاج سید محمد علی اصفهانی ملقب بداعی الاسلام که چندی در جلفای اصفهان مجلس منعقد نموده معروف بصفا خانه با روساء ملت عیسویه در اثبات عقاید حق اسلامیه که مطابق عقول سلیمه و موافق فطرت مسیحیه است صحبت نموده و بعضی از ایشان را به بیانات کافی به دین قویم هدایت نموده و این اوقات در مموره بمبئی رحل اقامت انداخته در آن حدود لازمست مثل جناب معظم به بصیر مطلق مقابل دعوت کفار بدعوت اسلامیت مشغول باشد ۴۰۰۰۰ در هر شماره نیز پس از ذکر محل اداره این مجله : « هر کس اعانه میفرستد بعنوان جناب آقا میرزا محمد امین التجار بفرستد » چاپ شده و همچنین در صفحه هفتم شماره اول شرحی درباره اعانه دادن بمجله تحت عنوان (آگاهی) نوشته که خلاصه آن این است : « بر مسلمانان که در شرق و غرب هستند پوشیده نماید که از جهت حسن ترتیب اداره آنچه اعانه بفرستند بترتیب صحیح به مصرف میرسد و دخل و خرج اداره و اسماء اعانه دهندگان در این روزنامه دینی درج می شود هرگاه در فرستادن اعانه کوتاهی نمایند نزد صاحب اسلام شریف معذور نیستند تا کنون هزار و دویست رویه از چند نفر از مسلمانان بمبئی اعانه رسیده در شماره دوم درج میشود . و در شماره هفتم سال اول تحت عنوان (اول اعانه از مملکت ایران) اعانه ایرا که میرزا سلیمانخان شیرازی معروف بر کن الملک ، نایب الحکومه اصفهان و رفیق سابق آقای داعی الاسلام ، از اصفهان فرستاده و مبلغ آن شصت تومان سالیانه یعنی ماهی ۵ تومان بوده ، چاپ کرده است . طرز انتشار دعوت الاسلام ماهی دومرتبه ، به دو زبان فارسی و اردو طبع شده و قیمت اشتراک آن بدینقسم معین گردیده است :

هندوستان سه رویه ، مالک ایران ۱۵ قران ، دولت عثمانی مجیدی و نیم ، فقط از و ترکستان سه منات . اروپا و چین و مصر ۷ فرانک . قیمت یک نسخه سه آنه . عنوان مراسلات و محل اداره مجله : بمبئی . بهندی بازار . انجمن دعوت الاسلام . مقاله افتتاحی مجله بخطبه و عبارات زیر شروع میگردد : « الحمد لله الهادی للعباد الی سبیل الرشاد والصلوة والسلام علی رسول محمد خاتم الرساله والنبوة صاحب الدعوة الحقه وعلی اله واصحابه البررة الکرام المروجین للإسلام الی یوم الغتام . وبعد ان الدین عند الله الاسلام آری صحیح است که امروز در روی زمین ۴۰۰۰۰ همانطور که قبلاً یاد آور شدیم دعوت الاسلام با چاپ سنگی طبع شده و مطبعه آن مطبعه سنگی (مظفری بمبئی) بوده است نگارنده از این مجله فعلاً تا شماره ۷ سال اول مورخ غره ذیحجه الحرام ۱۳۲۴ قمری در دست دارم ولی برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۸۶) مینویسد من از نمره يك تا ۱۹ این مجله را دارم و نمره ۱۹ آن در تاریخ اول جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . وی اضافه میکند که تمام این نمرات بغیر از نمره ۱۵ با چاپ سنگی طبع شده است . هر شماره مجله در هشت صفحه و هر صفحه بقطع ۶/۵ × ۱۹/۵ سانتیمتر میباشد .

شرح احوال آقای داعی الاسلام را در جلد اول کتاب در ذیل مجله الاسلام بتفصیل نوشته و عکس ایشان را نیز در آنجا بچاپ رسانده ایم . فعلاً در اینجا یاد آور میشویم که از ایشان دو فرزند اناث موجود است و مادر جلد اول کتاب یکنفر به نام زهرانام برده ایم که بدین وسیله اشتباه مذکور تصحیح میگردد - ۲۹۲ -

دفاعیه : دموکراسی ، دنیا

حرف دال بعده الفاء : لیم ، نون

(۵۵۴) دفاعیه

روزنامه دفاعیه بمدیری (افصح زاده) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری با چاپ سنگی طبع و توزیع شده . برون مینویسد (ص ۸۶ کتاب مطبوعات و شعر فارسی) از این روزنامه بیش از یکشماره منتشر نشده است . و جای تعجب است برون که شرح مذکور را راجع باین روزنامه نوشته محل طبع و نشر آنرا ضبط نکرده است .

(۵۵۵) دموکراسی

روزنامه دموکراسی در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (میرزا عبدالحسین خان مشایخی) تاسیس و شماره اول سال اول آن روی يك ورق بزرگ در تاریخ سه شنبه سلخ شعبان ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۷ حمل ۱۳۰۲ و ۱۷ آوریل ۱۹۲۳ منتشر شده است : محل اداره روزنامه طهران . خیابان شاه آباد ، نمره ۲۷ . آدرس تلگرافی : طهران دموکراسی . طرز انتشار روزنامه هفته چهار شماره روزهای یکشنبه ؛ سه شنبه ؛ پنج شنبه و جمعه بوده و در عنوان آن نوشته است : « این نامه ملی بانظر و مراقبت هیئت تحریریه از عناصر صالح آزادیخواه ادای وظیفه خواهد نمود . » مقاله افتتاحی روزنامه بدین قسم شروع میگردد : « مقصد ما بیاری خدای متعال اقدام بتحریر و نشر نامه دموکراسی نموده تا نیت پاک و فکر خالی از اغراض و آلائش ا مید ۰۰۰۰ بهای روز نامه داخله سالیانه ۵۰ قران ، ششماهه ۳۰ قران خارجه بعلاوه اجرت پست تکشماره ۳ شاهی . مندرجات روزنامه دموکراسی عبارت از اخبار داخله و خارجه و مقالات مختلف است . از این روزنامه فعلا تا شماره ۲۲ سال اول مورخ دو شنبه ۱۷ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری در دست است .

(۵۵۶) دنیا

مجله دنیا بمدیر مسئولی (دکتر ارانی) در طهران تاسیس و شماره اول آن در تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار دنیا ماهانه بوده و هر شماره آن در ۲۲ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (اطلاعات) طبع و نشر شده دنیا اولین مجله است که بزبان فارسی بسبک واسلوب مخصوص خود یعنی بحث در مسائل علمی ، صنعتی ، اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی ، ظهور نموده ، برای اطلاع از سبک مخصوص آن در نوع مندرجات بهتر آنست مقدمه ای را که در شماره اول برای معرفی مندرجات واسلوب مجله نوشته بعینه برای مزید اطلاع خوانندگان نقل نمائیم : « دنیا در مسائل علمی ، صنعتی ؛ اجتماعی و هنری (صنایع ظریفه) از نظر اصول مادی بحث مینماید و این اصل رول تاریخی آنرا واضح میکند . دنیا و ایران نیز جزئی از آنست دائما در تغییر و از حیث تمدن رو بتکامل میباشد ، در این سیر ترقی ایران هم بدنبال اروپا و امریکا میرود و این خود اجبار تاریخی است . باید هم اینطور باشد . و همینطور هم

حرف دال بعده النون

دنیا

هست . هر قدر هم يك مشت افیونی یا كهنه پرست و مرده پرست فریاد کنند ما این اروپائی را نمیخواهیم ؛ ما طرفدار سیر قهقرائی هستیم ، تمدن قدیم هند و ایران ما فوق تمدن ها بود ، برای ما صدای بلبل و بوی گل و آب ركن آباد و گلستان سعدی ، خط نستعلیق شقای بوعلی سینا و مسافرت با کاروان و غیره مافوق درجات تمدن است باز هم کنسرت های امثال (بنهون) عطر کارخانه (کوتی) گل خانهای علمی ، کتبی ما تند (رمارك) خط لاتین و ماشین تحریر ، علوم و نظریات جدید مانند فرضیه نسبی ، اسلوب دیا لك تيك ، بالاخره اتومبیل ، رادیوم ، ائروپلان و غیره وارد این سرزمین شده تمام مقدسات آنها را پشت پنجره های موزه ها خواهد راند . اما تمدن اروپائی خود دوجا و بهران و تضادهاست . اصول مادی در اروپا میخواهد بعلوم و صنایع و اجتماعات و هنر ها يك (هارمونی) و هم آهنگی بدهد . طبیعی است این فکر نیز مانند سایر آثار تمدن اروپائی بایران نفوذ خواهد کرد اغلب دیده میشود که جوانان ما نه بایانات قدما و نه باوه گوئیهای یگدسته متجدد نمیتوانند عطش کنجکاری خود را تسکین دهند بنابراین حیران و سرگردان میمانند رول تاریخی مجله دنیا راهنمایی این جوانان براه حقیقی تکامل است چه اصول مادی قطعاً خواهد توانست این آتش و بهران آن ها را خاموش کند . پس واضح میشود که در مجله دنیا مقالات طویل و عریض راجع به فتح جوشقان ؛ معاشقه بوسف و زلیخا ، تحقیقات تازه در اطراف خانه ابوالمظفر عبد الجبار ناله های لامارتن ، ترهات گوستارلوفین و گدا بازی های شرای بی ذوق و متعلق و غیره بهیچوجه دینده نخواهد شد ؛ صفحات دنیا میزان جنگهای قلمی دستجات حیدر و نعمتی که با هم خورده حسابهای دارند نیست ، بالاخره مجله دنیا برای يك مشت بیکاره که دوغزل از حافظ حفظ کرده آن را باسم معلومات گنجینه ناندانی خود کرده اند نیست . هر کس بپرسد مجله دنیا اگر این مطلب را ندارد پس چه دارد ؟ ما با او کاری نداریم . مامجاه دنیا را برای دیگران یعنی برای آنهاییکه میدانند تمدن بشر امروز ما فوق این فلاکتهاست مینویسم . دنیا دارای یگرشته مطالب منظم علمی ، صنعتی ، اجتماعی و اقتصادی و هنری (رشته های صنایع مستظرفه) خواهد بود و جدیدیت خواهد کرد فکر خواننده خود را بادرجه تمدن امروزی بشر آشنا کرده بدو مرتباً جریان و تکامل این تمدن را نشان دهد . دنیا در زبان طرز نگارش و املاء مقید بقید محافظه کاری نیست ؛ بپوقع خود لغات فرنگی و عربی را استعمال کرده در عین حال از اصول فرنگی مآبی و عربی مآبی پرهیز نموده حتی الامکان طریقه ساده و عادی را در نوشتن رعایت خواهد کرد زیرا میخواهد بطوری ساده بنویسد که حتی المقدور توده وسیعتری بتوانند از آن استفاده کنند درخاتمه این مقدمه نویسنده چند سطر در باره معانی کلمات ماتریالیسم و ایده الیسم که در مجله زیاد مورد استعمال دارد نوشته است .

در حقیقت همان طور که در مقاله مذکور شرح داده شده مجله دنیا برای توضیح و آشنا ساختن مردم بامور مربوط بماده و مادیون تاسیس شده و چنانچه بعداً یادآور می شویم مدیر مجله خود یکی از ارکان حزب مادیون و یا کمونیستها بوده که شعبة از آن حزب در

حرف دال بعد النون

دنیا

ایران بوسیله مشارالیه تاسیس شده . گرچه مدیر مجله و طرفدارانش در اشاعه مرام خود پیشرفت زیادی نکرده و پس از چندی مجله توقیف و مدیر آن نیز در سال ۱۳۱۷ شمسی بوسیله کار آگاهان دستگیر و زندانی گردید ولی بانشر همین مجله اصول عقاید مادیون و مرام اشتراکی در دسترس عموم آشنایان بزبان فارسی وتوده مردم نهاده شد . و بهین منظور روی جلد مجله خطاب بخوانندگان اینطور نوشته است : « اگر این مجله با فکر شما توافق دارد اسم و آدرس خود و آشنایان خود را که ممکن است بمجله دنیا علاقه مند باشد بداره مجله ارسال دارید . »

فهرست مندرجات و اسامی نویسندگان شماره اول مجله بدین قرار است : دنیا . ازدفتر دنیا . اتم و بعد چهارم ازدکتر ارانی . صنایع عظیم امروزی دنیا از احمد قاضی عرفان و اصول مادی از احمد قاضی . ماشینیسیم از . ا . جمشید . هنر و ماتریالیسم از فریدون ناخدا . گلهای سفید ترجمه از فریدون ناخدا . خاتمه . منظره دنیا . اطلاعات مفید . که میداند ؟ من میدانم .

در شماره اول وعده داده شده که در مجله دنیا مقالات مهمی از قبیل این مقالات خواهد بود : « اتم و بعد چهارم ، قانون ارث و تکامل . امتحان هوش وحافظه فرضیه لیبی . خواب . مکایک اسمانها . قسمت صنعتی صنایع عظیم . رادیو . عکاسی . بی سیم . دیدن از دور توسط بی سیم . فیلم وفیلم ناطق . صنعت هواپیمائی . عرفان و اصول مادی . جبر یا اختیار . علت یا غایت ماتریالیسم و ایده الیسم . منطق ودیالک تیک . ارزش جنس ، نفع ، پول وبانك . تشکیل و گردش سرمایه . فیلم از نظر صنایع ظریفه . ارزش ادبی رمان . ترجمه شاهکارهای متفکرین بزرگ وغیره . »

شمار مجله که در هر شماره روی جلد چاپ شده تصویر (اتم که علم آنرا تجزیه نموده بشکل مربعی) چاپ و در روی آن اسم مجله (دنیا) بخط نسخ درشت نوشته شده است . قیمت اشتراك مجله سالیانه ۲۰ ریال ؛ تك شماره دوریال ، محل اداره : طهران چهارراه وزارت جنگ . مطبعه اطلاعات .

دکتر تقی ارافانی — دکتر تقی ارافانی از شهیدان راه عقیده در خانواده متوسطی بدنیا آمده . تحصیلات خود را بامشقت ولی باموفقیت در ایران بیابان رسانید و برای اکیمال آن بآلمان مسافرت نمود . در آلمان برای امرار معاش حروفچینی کرد و درس خواند تا آنکه در رشته (فیزیکیوشیمی) دکتر شد و ازدانشکده فلسفه نیز تصدیق گرفت و پس از آنکه مدتی در دانشگاه برلن تدریس زبان هربی میکرد برای خدمت بهیمن بایران آمد و در طهران با انتشار مجله دنیا وبعنی کتب دیگر بنشر مرام اشتراکی و مبارزه با خرافات پرداخت و از اینرو بین جوانان روشنفکر نفوذ معنوی زیادی پیدا نمود در سال ۱۳۱۶ شمسی او را باعده دیگری بزندان افکندند و در اثر زجر وشکنجه زیادروز ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ شمسی نموده بهیمن مناسبت در چنین روزی طرفداران آن مرحوم مجالس تذکری منعقد نموده و پیاد او وسایر شهدای آزادی مراسمی برگذار مینمایند . دکتر ارافانی پس از مراجعت از اروپا بسمت دیری کارمند وزارت فرهنگ گردید و در دیرستانهای

حرف‌دال بعده النون

دنیای امروز

بابتخت فیزیک و شیمی تدریس مینمود و بهمین منظور چند کتاب در علوم صنعتی برای دوره دوم دبیرستانها تالیف و چاپ نموده . دیگر از تالیفات او کتاب (پسیکولوژی) است که طبع شده تالیف دیگر او کتاب (تئوریهای علم) است که در اردی بهشت ۱۳۱۰ شمس در مطبعه سیروس . درصد صفحه بستی طبع شده است .

دنیای امروز (۱۳۰۷)

مجله دنیای امروز بموسی و مدیر مسئولی (ه. باذیل) در طهران تاسیس و در سال ۱۳۰۱ شمس منتشر شده است . شماره اول این مجله در ۳۲ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (مجلس) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۶ ثور ۱۳۰۱ شمس انتشار یافته . طرز انتشار مجله هنگی بوده و در باره مرام و مسلك آن در مقاله افتتاحی شماره اول اینطور نوشته است : « چنانکه در ادبیات معمول است هر جریده و یا مجله که بر صه وجود قدم مینهد در مقاله اولیه خود مقصود و پروگرام خود را بیان مینماید این رویه بسیار طبیعی و واضح است چه هیچ نتیجه بدون مقدمه و هیچ اقدامی بدون فکر و تصمیم نیست . منظور و مقصود هیئت فعلی که انتشار مجله را عهده دار شده از عنوان و اسم مجله مفهوم میشود . مقصود ما این است که دنیای امروزه را در این محیط با تمام افکار ، مقاصد ، احساسات و آمالش تشریح نمائیم و سعی میکنیم تا افکار و عادات پوسیده را که با ترتیبات جدید عصر حاضر موافقت ندارد از میان برداریم . آمال ما این است که همان مشی را که عالم متمدن برای ترقی و تعالی خود ... »

مجله دنیای امروز مجله ایست علمی و مشتمل بر مقالات اجتماعی ، اخلاقی ، ادبی و جغرافیائی . فهرست مقالات در عنوان هر شماره چاپ شده ، فهرست شماره های اول و دوم با ذکر اسامی نویسندگان آنها بدین قرار است : یادداشت . صیب حقیقی احتیاجات ترادیسونهای درباری . انتقادات ادبی (رشید یاسمی) جغرافیای ایران (ت . طایر) تاریخ تمدن (ع . بهرامی) فانتزی (طالقانی) . مندرجات شماره دوم : یادداشت ترادیسونهای درباری . جغرافیای ایران . (ت طایر) بیان نامه « ع . بهرامی » فطرت و تربیت « ع . ا . حکمت » تاریخ تمدن « ع . بهرامی » اشکال خط فارسی « رشید یاسمی » فانتزی « طالقانی »

مقاله افتتاحی شماره دوم « مورخ شنبه ۶ برج جوزا ۱۳۰۱ شمس » تحت عنوان « یادداشت ما . مجلس » است و بدینقسم شروع میگردد : « چند هفته است اوقات مجلس صرف مباحثه موضوعی میشود که اکثر و کلا عقیده دارند مهم ترین مسائل میباشد و اصلاح اساسی مملکت و استقرار آن در روی پایه ... » از ترجمه های خوب مجله ترجمه « جغرافیای ایران در قرون وسطی از فتح عرب تا عهد امیر تیمور تا لیف ج . لی استرنج » میباشد و این ترجمه از آذربایجان شروع میشود . محل اداره مجله : خیابان علاء الدوله نمره ۱ قیمت اشتراك آن : سه ماهه ایران ۱۵ قران . خارجه ۲۰ قران . تك شماره سی شاهی . از مجله دنیای امروز فعلا تا شماره ۶ در دست است .

(۵۵۸) دنیای امروز

روزنامه دنیای امروز در شهر قزوین در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است. انتشار این روزنامه دوام زیادی نکرده به سببیکه در سال ۱۳۰۸ شمسی تعطیل بوده و منتشر نمیشده است. در شماره ۱۱ سال سوم دوره پنجم مجله معارف مورخ مرداد ۱۳۰۸ درباره مطبوعات قزوین و منجمه راجع به تعطیل این روزنامه مینویسد: «چیزیکه خیلی مایه تاسف است مطبوعات قزوین بی اندازه رو بضعف و انحطاط نهاده فقط دو روزنامه یکی بازپرس و دیگری نوروز منتشر میشود و روزنامه رعده که یکی از مطبوعات مهم ایران بشمار میرود تعطیل است و هکذا جراید دیگر از قبیل دنیای امروز تمدن اسلام، صلاح بشر و غیره، این ضعف و انحطاط بیشتر از جهت عدم قوه مقاومت جراید قزوین با جراید یومیه طهران است که در همان روز در قزوین انتشار مییابد.» در همین شماره مجله معارف ایراد نطق بلیغی را در شهر قزوین بوسیله مدیر روزنامه دنیای امروز در ضمن وقایع ضبط کرده است.

(۵۵۹) دنیای ایران

مجله دنیای ایران در شهر شیراز تاسیس و در سال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است در عنوان مجله موسس و مدیر اینطور معرفی شده: «رئیس تحریر و مسئول سیاست نوبخت صاحب و نگارنده بهارستان» مدیر اداره میرزا منصور خان حسام زاده و نیز اضافه نموده که تاسیس مجله در عصر وزارت حضرت اشرف آقای نصیرالدوله و ریاست آقای رحمت است. محل اداره شیراز. اداره دنیای ایران. اشتراك سالیانه داخله ۳۰ قران خارجه ۱۴ روپیه. شماره اول مجله در رمضان ۱۳۳۸ و شماره سوم آن در ۲۸ صفحه بقطع كوچك، با چاپ سنگی در مطبعه محمدی شیراز طبع و در ذیقعد ۱۳۳۸ قمری منتشر شده. فهرست مندرجات این شماره که روی جلد مجله چاپ شده بدین قرار است: ناپلئون بقلم حسام زاده کایو. اشعار اثر نوبخت، معارف در انگلیس بقلم پور حسن. اشعار. امراض و بانی از طرف اداره استخر، اشعار ندیدم بقلم نوبخت، اخبار روسیه بلشویک، ایرانیان «اشعار از فضل الله بدیع» محصلین ایران در آلمان نقل از جریده کاوه کلمات دانشمندان معاصر. معلومات، متنوعات، تقریظ و انتقاد، شماره ۵ سال اول مجله در ۳۲ صفحه بقطع كوچك خشتی با چاپ سنگی طبع و در محرم الحرام ۱۳۲۹ قمری منتشر شده، مندرجات این شماره از این قرار است: مبحث تاریخی، مملکت عثمانی؛ «بقیه از شماره ۴» رایگان کند «اشعار بست از نوبخت» زن درسوریا؛ متنوعات دنیای ایران، وفا «اشعار بست از منصور حسام زاده» اخبار مهم سیاسی؛ مبحث تقریظ و انتقاد، پادشاه مضحك؛ ندارد (اشعاری است از بهاء الدین حسام زاده) آرزو، نخوت ملی اشعاری از ابراهیم روشن زندهای که دنیای ایران مجله است ادبی، علمی، تاریخی و سیاسی و در هر شماره اشعاری از

حرف دال بعده النون

دنیای ایران

شعراى شیراز بخصوص نوبخت وحسام زاده درج است . بیشتر مندرجات آن از مجلات و روزنامه هاى عربى ترجمه شده . شماره هفتم در تاریخ ربیع الاول و شماره دهم آن در شعبان ۱۳۳۹ قمرى طبع و توزیع گردیده است . مجله دنیای ایران یکسال منتشر شده و پس از آن مجله دیکرى بنام (گل آتشى) تاسیس و بجای آن انتشار یافته که از آن در حرف کاف کتاب گفتگو خواهیم کرد . شرح احوال آقای نوبخت مدیر مجله در ذیل روزنامه بهارستان بتفصیل نوشته شده خوانندگان برای اطلاع از آن بحرف ب این مجلد مراجعه فرمایند .

مطبعه محمدى شیراز — چون در این کتاب چند بار اسم مطبعه محمدى شیراز ذکر شده لازم است یاد آور شویم که مطبعه مذکور از مطابع سنگى قدیم شیراز و در سال ۱۳۱۰ قمرى تاسیس شده و شروع بکار نموده . این مطبعه بهت آقای محمد هادى شیرازى دایر شده است .

(۵۶۰) دنیای ایران

روزنامه دنیای ایران در طهران بموسى و مدیر مسئولی (ا . ب . ش) که همان آقای میرزا ابوطالب خان بنان السلطان شیروانى است ، تاسیس و منتشر شده است . آقای میرزا ابوطالب خان شیروانى مدیر روزنامه میهن که زمانى در اصفهان و بعد هم در طهران سنوات زیادى روزنامه میهن را منتشر ساخته ، در سال ۱۳۰۱ شمسى ؛ در حادثه که در طهران برای اداره روزنامه میهن پیش آمده و منتهى بخراب شدن اداره روزنامه میهن و توقیف آن گردیده . روزنامه دنیای ایران را بجای میهن منتشر نموده است . شماره ایكه از دنیای ایران در دست نگارنده میباشد شماره ۳۰ سال اول و روى يك ورق بزرگ با چاپ سربى در مطبعه (روشنائى) طبع شده و بدون تاریخ است . عنوان تلگرافى : دنیای ایران و قیمت تك نمره ۶ شاهی معین شده . گرچه این شماره دنیای ایران تاریخ ندارد ولی از نامه ای که در صفحه دوم روزنامه بامضای شیروانى ؛ خطاب بر رئیس مجلس ، چاپ شده و این نامه مورخ بتاریخ ۲۷ میزان ۱۳۰۱ شمسى است معلوم میگردد که روزنامه نیز در همان ایام یعنى در اواخر میزان ۱۳۰۱ طبع و توزیع گردیده است . آقای شیروانى در این نامه بر رئیس مجلس شورایملى شکایت نموده که بدستور قوام السلطنه يك عده از اشرار و اوباش اداره روزنامه میهن را غارت کرده و دشتى و شیخ حسین لنگرانی نیز حضور داشته اند و فعلا از ترس جان در خانه خود پنهان است مقاله دیگر این شماره مقاله مفصلی است تحت عنوان (خطر ارتجاع) در این مقاله می نویسد مدیر روزنامه میهن را متهم به بیدینی نموده و بدستور قوام السلطنه ابتدا مدیر میهن و سلیمان میرزا و بعد مدیر میهن را کتک زده و اداره روزنامه اش را خراب کرده روزنامه میهن را توقیف نموده اند . این مقاله نیز بقلم شیروانى است . خلاصه اینکه تمام مندرجات این شماره حمله بقوام السلطنه و شکایت از اوست . از روزنامه دنیای ایران همین شماره در دست است و شاید بیش از همین شماره که بجای شماره ۳۰ سال اول میهن است منتشر

حرف دال بعده الواو دواسازی، دواسازی تصر حاضر، دور جدید

نشده باشد. شرح احوال شیروانی در جلد سوم کتاب در حرف میم، در ذیل روز نامه مبین بتفصیل نوشته خواهد شد.

(۵۶۱) دواسازی

در اواخر خرداد ۱۳۰۶ شمسی از طرف هیئت دواسازان طهران مجله ماهیانه تحت نظارت و مدیریت آقای فرهی بنظران مجله دواسازی طبع و منتشر گردید که بسیار قابل استفاده بود.

(۵۶۲) دواسازی عصر حاضر

مجله دواسازی عصر حاضر در تهران به مدیریت (میرزا محمود خان نجم آبادی) تاسیس و شماره ۵ سال اول آن در دیماه ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است، روی جلد مجله منظور از تاسیس و انتشار مجله را اینطور چاپ کرده: «مجله ایست دواسازی طبی و صحنی که برای اصلاح دواسازی ایران و کمک علمی و فنی به همکاران دواسازان هرماه یکشماره منتشر میشود، مطالب مختلفه مربوط به شعب شیمی، تجزیه های مختلفه دوائی و اوضاع صحنی در این مجله انتشار مییابد. سعی منتشر کنندگان ایجاد توحید فکر بین دواسازان و رابطه علمی و فنی با آقا یان اطباست.» محل اداره مجله: طهران، دواخانه کارنیک و قیمت اشتراك سالانه یک تومانست.

(۵۶۳) دور جدید

شورای عالی فرهنگ در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی امتیاز مجله دور جدید را در تبریز به مدیریت آقای (میرزا محمود غنی زاده سلماسی) تصویب نمود. و مجله مذکور بطور هفتگی منتشر شده است. آقای غنی زاده علاوه بر چند مجله و روزنامه که منتشر نموده کتابی بنام (مختصر تاریخ مجلس ملی ایران) مشتمل بر خلاصه تاریخ ادوار مشروطیت در ایران و نیز شامل فهرست اسامی و کدلی مجلس در دور ماول و دوم و سوم تدوین نموده که در جزو سلسله انتشارات روزنامه کاوه برلین طبع گردیده است. در مقدمه این کتاب، کتابی باسم تاریخ مخصوص وزرای عهد قاجاریه به اشارتیه نسبت داده و وعده داده است که عن قریب از طرف اداره کاره منتشر خواهد شد.

(۵۶۴) دور نمای ایران

روزنامه دور نمای ایران به مدیریت (عبدالحسین سپنتا) در شهر بمبئی هندوستان بزبان فارسی تاسیس و شماره اول سال اول آن در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سریبی (چاپخانه هور واقع در گوالیا تانک رود بمبئی نمره ۷) طبع و در تاریخ جمعه ۹ آذر ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۳۰ نومبر ۱۹۲۸ میلادی منتشر شده است در آغاز صفحه اول شماره اول عکس اعلیحضرت فقید چاپ شده و در ذیل آن نطق افتتاحی هفتمین دوره

حرف دال بده الو او

دور نمای ایران

تقنینیه مجلس شورایی، شاه ققید طبع گردیده است. در صفحه دوم همین شماره تحت عنوان (مقصود ما) غرض از نشر روزنامه را ذکر کرده تا ایرسد باینجا که می نویسد: «ما بگانه علاج این درد را بوسیله اطلاع از وضعیات ایران و انتشار و ترویج زبان فارسی بین برادران ایرانی خود میدانیم بهمین مناسبت با وجود چندین موانع که برای روزنامه نگاری در بدو امر حاصل میگردد اقدام بانتشار این نامه مختصر می نمائیم تا شاید بعضی برادران ایرانی را که در گوشه و کنار دکان خود مشغول کسب هستند از اخبار جدید و ترقیات روز افزون ایران مطلع سازیم.»

چهارشنبه ۱۳۰۷ - ۲۰ فوریه ۱۹۲۹	شماره ۱۱ سال اول
وجه اشتراك يك ساله در هندوستان ۴ روپيه در خارجه باضافه وجه پست قيمت اعلانات در صفحه ۳ و ۴ سطری ۴ آه تعیین قیمت لوايح خصوصی با دفتر اداره است Printed & Published by R. S. SENE, at Hoon P. Poon, (Gowalia Tank), Bombay.	دور نمای ایران
تک شماره يك آند	محل اداره: بمبئی مدیر: ع. سپنتا A. SPENTA. NO. 12, 1ST FLOOR, RAGHOJI BUILDING, GOWALIA TANK ROAD, BOMBAY. همه مراسلات باید بعنوان مدیر باشد

عجالتاً هفتگی است. «سیلی، اجتماعی، ادبی، مصور»

پس از مقاله مذکور اخبار داخله و در صفحه چهارم غزلی از شهریار چاپ شده است. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در زیر عنوان آن، دور نمای ایران، روزنامه (سیاسی، اجتماعی، ادبی، مصور) معرفی شده؛ وجه اشتراك يك ساله روز نامه در هندوستان ۴ روپيه و در خارجه باضافه اجرت پست و تك شماره يك آنه و قیمت اعلانات در صفحه ۳ و چهار سطر چهار آه معین گردیده است. محل اداره روز نامه بمبئی و سایر خصوصیات بزبان انگلیسی بشرحی است که در سرلوحه عکسی روزنامه خواننده میشود. مندرجات روزنامه پس از مقاله اساسی عبارت از اخبار ایران بتفصیل و پیشنهادات مختلف و اشعار گوناگون میباشد. دور نمای ایران برای آشنا نمودن ایرانیان مقیم بمبئی هندوستان بترقیات و پیشرفتهای آندوره ایران؛ روزنامه مفیدی بوده. این روز نامه معیت چهار ماه منتشر شده و بعداً تعطیل گردیده تا بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ که مجدداً آقای عبدالحسین سپنتا، بعوض آن روزنامه سپنتا را در اصفهان منتشر ساخته است. از روز نامه سپنتا در ذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو خواهیم کرد. شماره ۱۵ سال اول روزنامه در تاریخ شنبه ۳ فروردین ۱۳۰۸ انتشار یافته و بمناسبت آغاز سال نوسر مقاله آن اشعار است که آقای حسین دانش در سال ۱۹۱۸ در اسلامبول سروده است. در این شماره علاوه بر این اشعار؛ اشعاری از آقای حکمت و نیز اشعاری اثر طبع عارف قزوینی چاپ گردیده است.

آقای عبدالحسین سپنتا - از جوانان باذوق و شاعری حساس است. وی علاوه بر روزنامه نکاری که در آن سلیقه خاصی دارد و شماره های روزنامه سپنتا منتشر در

حرف‌دال بعده الواو

دور نمای ایران

اصفهان بهترین گواه آنست ، در فن تأثر و هنریشکی مهارت و ذوق مخصوصی دارد
فیلم دختر لر که بزبان فارسی تهیه شده نمونه بارزی از هنر مندی ایشان در صنعت
فیلم است . عبدالحسین سپنتا فرزند غلامرضا در سال ۱۲۸۲ شمسی در طهران متولد
شده و تحصیلات خود را در آنجا شروع و در هندوستان پیاپی رسانیده است . سپنتا
در مدت توقف هندوستان که تا سال ۱۳۱۶ بطول انجامیده و در این سال بایران
مراجعت نموده ، علاوه بر انتشار روزنامه دورنمای ایران ، فیلمهای ناطق فارسی زیر
را تهیه نموده : دختر لر ، چشمهای سیاه ، شیرین و فرهاد ؛ فردوسی ، لیلی و مجنون
جغد سیاه ، در این فیلمها لر اول را بنام جعفر ، همایون ، فرهاد ، فردوسی ، مجنون
و جغد سیاه خود ایشان عهده دار بوده اند .



آقای سپنتا زبان انگلیسی
را خوب میدانند و ادبیات
وزبان فارسی قدیم را
در هندوستان نزدانشمند
مشهور آقای دنشا .
ایرانی و پرفسور انگلس
فرا گرفته بقسمی که
امروز بادیات این در
زبان احاطه کامل دارد
کتابی نیز تالیف و ترجمه
نموده که اهم آنها
بدین قرار است ۱- ایران
و اهمیت آن در ترقی
بشر ۲- برتری از
فلسفه ایران باستان ۳
پیام راستی ۴- زرتشت
که بود و چه کرد ۵-
منتخباتی از اشعار دهقان
سامانی با شرح حال
شاعر ۶- نو آموز
مزدیستا ۷- منتخباتی
از اشعار گلشن ایران

آقای عبدالحسین سپنتا

پور ۸۰ - اشک سپنتا - ۹- اسرار جنگل - ۱۰- انار لیلی . سپنتا در فن ایراد
خطابه نیز مهارتی بسزا دارد و سخنرانیهای او در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی
حکایت از کمال زبردستی او در این فن مینماید . در انواع شعر از قصیده و قطعه و غزل

حرف دال بعده الواو

دورنمای ایران، دولت علیه ایران

دست کمی از شعرای معاصر ندارد و اشعار او گرچه بصورت دیوانی منتشر نگردیده ولی شماره های روزنامه سپنتا شاهد و گواه عمده بر شاعری او بشمار میرود. در مقدمه کتاب (ایران و اهمیت آن در ترقی و تمدن بشر) تالیف بلسارا دانشمند و محقق ایران شناس که در سال ۱۹۳۶ در بمبئی ترجمه آن از طرف انجمن ایران لیک طبع و منتشر شده و این کتاب بوسیله آقای سپنتا ترجمه گردیده، راجع بترجم کتاب می نویسد: «آقای سپنتا سوابق متد و مشعشعی در عالم فیلم و سینما دارند و اولین کسی هستند که فیلم ناطق فارسی بسی و همت ایشان شروع گردید و تا کنون شش فیلم ناطق ایرانی در تحت رئیس ایشان تهیه گردیده است گذشته از شهرتی که ایشان در هند بنام یک رؤسور زبر دست دارند بعلاوه در ادبیات و تاریخ ایران مطالعات و تحقیقات زیاد نموده و در نشر کتب مختلف در این زمینه زحمات زیاد متحمل شده اند و تا کنون بنشر چندین کتب مفید در تاریخ و ادبیات ایران موفق گردیده اند آقای سپنتا عشق و علاقه مخصوصی بوطن خود ایران دارد و در هر کتاب و هر فیلم این عشق سرشار بشکلی خود نمائی کرده است و بهمین مناسبت آثار ایشان اغلب جنبه ملی را دارا می باشد چنانکه فیلمهای دختر لریا ایران دیروز و امروز و چشمهای سیاه یا فتح لاهور بدست نا در شاه و هم چنین کنسرت های ملی ایشان در تالار کاوسی هال بهائی شاهد این مدعی است»

(۵۶۵) دولت علیه ایران

پس از انتشار شماره ۴۷۱ روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ یوم پنجشنبه ۲۶ محرم مطابق سال پبجی میل سنه ۱۲۷۷ قمری، شماره ۴۷۲ این روزنامه بنام (روزنامه دولت علیه ایران) منتشر گردید و بنابراین اولین شماره روزنامه مذکور در ۵ صفر ۱۲۷۷ قمری انتشار یافته و این تغییر نام بدان سبب بوده که در این سال امور طبع روزنامه های دولتی از طرف ناصرالدین شاه بعهد (میرزا ابوالحسن خان غفاری نقاش کاشانی ملقب بصنیع الملك) واگذار گردید. نامبرده فن نقاشی را در فرنگستان تکمیل نمود و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه تقرب مخصوصی یافت و نیز در فن طبع مهارت بسزا داشت و لذا پس از آنکه امور روزنامه بدو محول شد در صدد برآمد روزنامه ای مصور به تصاویری که خود میساخت منتشر سازد و از اینجا روزنامه دولت علیه ایران پدید آمد در این روزنامه علاوه بر اخبار درباری تصاویر بسیار نفیس و اعلی از شاهزادگان و حکام و رجال آن عصر رسم شده که در نوع خود بی نظیر است و از آن جمعا تا شماره ۶۶۸ مورخ هفتم شوال ۱۲۸۷ قمری بطور غیر مرتب انتشار یافته و در این تاریخ تعطیل شده است. نگارنده مجموعه از این روزنامه را در دست دارد که از نمره ۵۰۲ شروع و بنمره ۵۵۴ ختم میگردد. ذیلا خصوصیات روزنامه را از روی نمونه های موجود نقل مینمائیم: سرلوحه روزنامه عبارت از علامت رسمی دولتی است یعنی شیر و خورشیدی است که شیر در دست شمشیری دارد. در گوشه راست سرلوحه با خط نستعلیق شمار و قیمت اشتراك روزنامه بدینقسم نوشته شده: «قیمت روزنامه نسخه پانزده شاهی، سالیا نه

حرف دال بعد ه الواو

دولت علیه ایران

سه تومان و شش هزار دینار است) و در گوشه چپ عنوان این جمله : « منطبعة دار الخلافه طهران . قیمت اعلانات از قرار سطری پانصد دینار است » درج است علاوه بر این در بالای عنوان اسم روزنامه (دولت علیه ایران) بخط نستعلیق خوب و در زیر آن تاریخ انتشار (مثلا نمره ۵۲۷ در تاریخ یوم پنجشنبه هفدهم شهر صفر المظفر مطابق سال ایتیل سنه ۱۲۷۹ منتشر شده) طبع گردیده .

روزنامه با چاپ سنگی و معمولا در چهار تا هفت صفحه بقطع وزیری بزرگ چاپ شده . از خصوصیات روزنامه دولت علیه ایران یکی تصاویر زیبایی است که از امرا و بزرگان در آن رسم شده و دیگر عنوان مطالب مهمه هر صفحه است که در حاشیه بخط نستعلیق طبع گردیده که در حقیقت میتران آنرا فهرست مندرجات هر نمره روزنامه دانست . مثلا در نمره ۵۲۷ این حواشی بدین قرار است : صفحه اول : « حالات متعلقه بوجود مسعود همایون خلدالله ملکه و سلطانه » . « صفحه دوم بقیه حالات متعلقه بوجود مسعود همایون ظل الله شاه شاه خلدالله ملکه و سلطانه » صفحه سوم « بقیه حالات متعلقه بوجود مسعود همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه » و « دربار معدلته دار » . صفحه چهارم : « بقیه اخبار دربار معدلته دار همایون و دار الخلافه الباهرة » صفحه ششم : « دار الخلافه الباهرة و دربار معدلته دار » و « دارالمرز » در مقابل دارالمرز وقایع استرabad نوشته شده . صفحه هفتم : « ترجمه استخراجی از روزنامهجات ممالك هندوستان » بطور کلی صفحات اول و دوم مربوط بناصرالدین شاه و دربار است و بقیه صفحات اخبار مربوط بشهرستان هاست که در حاشیه اسم شهر بخط درشت نوشته شده مثلا در نمره ۵۳۲ وقایع مربوط بباژندران (دارالمرز) و راجع بهمدان (عراق) و شیراز (فارس) و کرمانشا . (کرمانشاهان) در حاشیه درج گردیده . مندرجات نمره ۵۵۴ ابتدا « حالات متعلقه بوجود مسعود همایون ظل اللهی خلدالله ملکه و سلطانه » و بعد اخبار دار الخلافه سپس سایر شهرها ذکر شده است . همانقسم که یاد آور شدیم قسمت مهم در روزنامه دولت علیه ایران تصاویر آنست که بقلم میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی است و ما برای ضبط در تاریخ فهرست قسمتی از این تصاویر را ذیلا نقل مینماییم :

نمره ۵۱۴ (صورت حسنعلی خان سرتیب و جنرال آجودان) و (صورت عمیدالدوله نمره ۵۱۶ (صورت رضا تلایخان) و (صورت شکار گاه بلنک) این تصویر منظره کوهیست که در پای آن ناصرالدین شاه برای زدن بلنک قراول رفته و جمعی از درباریان اطراف او ایستاده اند . تفصیل این شکار که در جاجرود اتفاق افتاد . در همین نمره ۵۱۶ چاپ شده است . نمره ۵۳۴ (صورت صاحب دیوان) نمره ۵۱۰ (صورت جان محمد خان سرتیب) و (صورت نایب لشکر نویسباشی) نمره ۵۵۰ (صورت ابراهیم خان ناظم و نایب بلوچستان) و (صورت میرزا نصرالله نایب لشکر نویسباشی) و (صورت محمد قاسم خان والی) . نمره ۵۵۲ (صورت عماد الدوله و صارم الدوله) و (صورت حشمت الدوله) . نمره ۵۴۹ (صورت عمارت باغ سروستان از طرف شمال) نمره ۵۰۲ (صورت میرزا محمد رضا مستوفی) نمره ۵۴۷ (صورت محمد تلایخان بیگلریگی) و (صورت عمارت بادگیر) این تصویر در دو صفحه روز

حرف دال بعده الواو

دولت علیه ایران

نامه است . نمره ۵۴۰ (صورت امین دارالشورای کبری) و «تصویر سلام عام نوروزی بتخت خاصه مرمر» و «صورت حاجی میرزا عبدالله خان حاکم همدان» و «صورت محمد حسن میرزا نایب‌النظاره» نمره ۵۵۴ «صورت میرزا نصرالله» و «صورت حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار» نمره ۵۴۷ «صورت بهاء‌الملک» نمره ۵۴۲ «صورت معیرالمالک» و «صورت عین‌الملک خوان سالار».

اهمیت تصاویر مذکور قطع نظر از جنبه نقاشی آنها در این است که تمام لباس‌های معمول زمان و جبه‌های ترمه و کلاه‌های بلند است و برای اطلاع از طرز لباس زمان نمرات روزنامه بسیار مفید است. و اما سبک عبارت و اخبار روز نامه بنقل از نمره ۵۲۷ روزنامه بدین قرار است: «از تفضلات خدای ودود وجود مسعود همایون مقرون بکمال انبساط و صحت و از انتظام و انضباط امور مملکت خاطر مهر مظا هر مبارک قرین بنشاط کامل و مسرت است بعد از انقضای ایام عاشورا و فراغت از تعزیه داری جناب خامس آل عبا علیه التحیه و الثنا چون هوای دارالخلافه و شیرانات از حد اعتدال تجاوز نموده زیاده گرم شده بود موکب مسعود همایون درروز چهار دهم محرم تشریف فرمای ییلاق شهرستانک شده ده روز علی‌التوالی در آنجا نزول اجلال داشتند و گاهی از ایام که اندک فراغت از مهمات دولتی و مملکتی حاصل میفرمودند به‌سزم شکار بصفحات آن ییلاقات تشریف فرما گردیده پس از سیاحت و شکار مراجعت میفرمودند.» و نیز نمونه اخبار روزنامه بنقل از نمره ۵۵۲ مورخ پنجشنبه ۱۲ شهر رجب ۱۲۸۰ قمری بدینقسم است: «بزرگترین نعمت و نیکوترین آلاء والا عموم اهالی ممالک محروسه ایران را صحت مندی و استقامت مزاج و هاج کثیر! لایتنهاج همایون اقدس اعلی است که بحمدالله والمئه بوجه اتم و اکمل حاصل است و چون این اوقات که ازقرار انتظام امور لشکر و کشور فراغت دارند لهذا این روزها که ایام خوشی هوای شکار گاه جاجرود و موسم فراوانی صید آنجاست عزیمت شکار گاه مزبور فرموده روز شنبه سلخ جمادی الاخری تشریف فرمای جاجرود شدند» سبقا یاد آور شدیم که روزنامه دولت علیه ایران باهتمام و مباشرت میرزا ابوالحسن خان غفاری کاغانی تاسیس و منتشر شده و تصاویر روزنامه نیز بقلم نامبرده است. اینک شرح احوال او.

میرزا ابوالحسن خان غفاری کاغانی — در شماره دوم سال اول مجله اطلاعات ماهیانه تحت عنوان «بزرگترین نقاش عصر قاجاریه» شرح احوال این نقاش هنرمند را بتفصیل چاپ کرده و ما ذیلا قسمتی از آنرا نقل مینمائیم و ضمنا یاد آور میشویم که در ابتدای این شرح حال تصویر صنیع‌الملک با دستگاه چاپی که روز نامه را طبع می نموده گراور شده و در ذیل آن مینویسد: «این هنرمند نامی با همین دستگاه کوچک و با چاپ سنگی بقدری روزنامه دولت علیه ایران مخصوصا ۵۷ صورت رجال زمان را که در آن روزنامه است نفیس و زیبا چاپ نموده که حیرت آور است».

میرزا ابوالحسن غفاری نقاش باشی ملقب بصنیع‌الملک، عموی مرحوم کمال‌الملک و موسس اولین مدرسه نقاشی در ایران، پسر میرزا محمد پسر میرزا ابوالحسن

حرف دال بعده الواو

دولت علیه ایران

پسر قاضی عبدالمطلب غفاری کاشانی در سال ۱۲۲۹ هجری قمری متولد شده است .
جدش میرزا ابوالحسن مستوفی در زمان نادرشاه و کریمخان زند در کاشان ضمن منصب
استیفا نقاشی میکرده است چنانکه در سال ۱۱۴۷ هنگام تاجگذاری نادرشاه در صحرای
مغان که از همه ایران نمایندگان برای حضور در تاجگذاری میفرستادند میرزا ابوالحسن
مستوفی صورت قاضی عبدالمطلب پدر خود را که سوار قاطر است و از کاشان عازم
صحرای مغان بوده با آب و رنگ ساخته است . میرزا ابوالحسن غفاری نانی که بعدها
نقاشباشی و سپس صنیع‌الملک شد پس از فرا گرفتن فن نقاشی در ایران و باقی گذاردن
آثار نفیس بسبب مینیاتور قدیم و رالیست جدید در اواسط سلطنت محمد شاه در حدود
سال ۱۲۵۶ قمری درسی سالگی بتشویق و مساعدت حسینعلی خان نظام‌الدوله مشیرالممالک
بایتالیا رفته چند سالی در موزه های فلورانس و رم مشغول نقاشی بوده و از جمله تابلو
هائی که نتیجه مسافرت او بایطالیاست کپیه تا بلوی معروف رفائیل است که در موزه
واتیکان میباشد . غفاری در اواخر سلطنت محمد شاه بایران مراجعت کرده و در ۱۲۶۲
صورتی از حاجی میرزا آقاسی ساخته است که بی نظیر است . در سال ۱۲۷۳ صورت
های تالار نظامیه را که اکنون معروف بلقائطه میباشد در تحت نظر خود برای میرزا
آقا خان اعتمادالدوله صدر انظم نوری با تمام رسانده است . در اول سال ۱۲۷۷ به
موجب فرمان همایون شاهزاده علیقتی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم طبع و نشر روز
نامه وقایع اتفاقیه را بپیرزا ابوالحسن غفاری نقاش باشی واگذار نموده است . و نامبرده
اسم روز نامه را تنبیر داده و از شماره ۴۷۲ مورخ ۵ صفر ۱۲۷۷ آنرا موسوم به
(روزنامه دولت علیه ایران) گردانیده است . در صفحه هفت همین شماره خبر زیر
نوشته شده است : (چون میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی مهارت کامل حاصل کرده است
لیاقت و قابلیت خود را در حضور مهر ظهور همایون بدرجه شهود و وضوح رسانیده خاصه
در باره تصویر که از جمله فنون معظمه است مهارت دار د رای جهان آرای همایون
شاهنشاهی علاقه یافت که این فن بدیع شریف نیز در ایران معمول و زیاد شود لهذا طبع
روز نامه دار الخلافه را بعهده او و تحول و مرجوع فرمودند که باقتضای موقع در هر
روزنامه چند مجلس تصویر چاپ شود چنانکه در روزنامه هفت گذشته و این هفته معلوم
میشود و فرمان همایون شرف صدور یافته در حق او خلعت مرحمت گردید) و نیز
در همین صفحه صورت صنیع‌الملک قلم خود او بچاپ رسیده است . بیست ماه در شماره
۵۲۰ مورخ ۲۷ شوال ۱۲۷۸ میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی لقب صنیع‌الملک یافته به
تأسیس مدرسه نقاشی دولتی موفق شد و بنابراین میتوان تأسیس مدرسه هنرهای زیبا
را در ایران در دوره معاصر از آن تاریخ دانست . محل مدرسه مزبور در عمارت سلطنتی
نزدیک میدان ارك بوده است .

دو سال پس از افتتاح نقاشخانه دولتی در شماره ۵۵۲ روزنامه دولت علیه ایران
مورخ پنجشنبه دوازدهم رجب ۱۲۸۰ در انتهای مقاله منضلی راجع بمطبوعات سطور ذیل
نوشته شده است : > برای اینکه امور چاپخانه های ممالک و محروسه و طبع کتب در تحت

حرف دال بعده الواو

دولت عایه ایران ، دواتی

قواعد مفید در آید و در انتظام آن اهتمامی شود صنیع الملك رئیس و مباشر امور روز نامه و نقاشخانه و کارخانه دولتی باید در کایه امر چاپخانه های ممالك محروسه مراقب و مواظب باشد که بعضی از نسخ که موجب انزجار طبایع است تحت انطباع نیاید . در شماره ۵۹۱ روزنامه مزبور مورخ هشتم ربیع الاول ۱۲۸۳ بعلاوه روز نامه دولت علیه ایران که مصور بوده سه روزنامه دیگر در عالم مطبوعات ایران ظاهر شده و اعلان آن بشرح زیر منتشر گردیده است : « چون توجه ملوکانه در انتظام امور دولتی از همه جهت زیاده است و در طبع روزنامهجات که در اداره وزارت علوم است اهتمامی تمام فرموده اند حکم قضا توام باعتضاد السلطنه وزیر علوم صادر شده که در هر ماهی چهار طفره روزنامه از این قرار طبع شود و میرزا ابوالحسن خان صنیع الملك از طرف وزارت علوم نایب باشد - اول روزنامه دولتی بدون تصویر - دوم روزنامه دولتی مصور - سوم روزنامه ملتی که بطور آزادی نوشته شود - چهارم روزنامه علمی » پس از این تاریخ دیگر اسم صنیع الملك در روزنامه های آن ایام و سایر نوشته های دولتی به نظر نویسنده این سطور نرسیده شاید در همان سال ۱۲۸۳ فوت نموده است زیرا وضعیت روزنامه دولت علیه ایران که مدت هفت سال در نهایت ظرافت با صورت های استادانه بطبع میرسید بکلی تغییر یافته و شیر و خورشید سرلوحش دوباره بچه گانه و تصویرهایش ناقابل شده است بعلاوه از خویشاوندان مرحوم صنیع الملك نیز بتواتر شنیده شده که مشارالیه در ۵۴ سالگی بمرض سکت و فوت نموده است . از صنیع الملك سه پسر باقیماند پسر کوچکتر از همه که اسمش یحیی خان بود و صورتاً بسیار پیدر شباهت داشت و صنعت نقاشی را هم از پدر و نیای بزرگ ارث برده بود ناصرالدین شاه اسم او را ابوالحسن تالک گذارد او هم به همین طریق امضاء میکرد مرحوم صنیع الملك مسلماً در نقاشی دارای فره ایزدی بوده در قرن گذشته ایران شالوده صنعت را اوریخته اساس مدرسه هنرهای زیبا را او نهاده پایه این فن بدیع را او استوار کرده در هنرمندی و ابتکار نظیر نداشته و هنوز کسی در ایران مثل او نیامده است . مقاله مذکور بقلم آقای خان ملک ساسانی تهیه و تنظیم گردیده و در صفحات ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ شماره دوم مجله اطلاعات ماهیانه بطبع رسیده است .

(۵۶۶) دولتی

در ماه ربیع الاول ۱۲۸۳ هجری قمری ، در زمان وزارت علوم اعتضاد السلطنه که امور چاپخانه و روزنامه های دولتی بعهده میرزا ابوالحسن خان صنیع الدوله بوده (۱) بدستور ناصرالدین شاه بنا میشود که چهار روزنامه در طهران منتشر گردد . اول روزنامه دولتی بدون تصویر ، دوم روزنامه دولتی مصور ، سوم روزنامه ملتی ، چهارم روزنامه علمی .

از روزنامه ملتی در حرف میم و از روزنامه علمی در حرف عین کتاب جداگانه گفتگو خواهیم کرد . از روزنامه دولتی مصور نیز در صفحات قبل گفتگو نمودیم . در باره روزنامه دولتی بدون تصویر که همین روزنامه دولتی است ذیلا مطالبی ذکر مینمائیم

(۱) برای اطلاع از شرح احوال صنیع الدوله بر روزنامه دولت علیه ایران مراجعه شود .

حرف دال بعده لواو

دو اتی ، دهقان

نمره اول روزنامه دولتی که معلوم نیست بچه جهت نعت نمره ۵۹۳ شروع شده با چاپ سنگی در دارالخلافه طهران ، در دارالطباعة دولتی طبع گردیده و در تاریخ (یوم پنجشنبه سیم شهر جمادی الاولی مطابق سال بارس نیل ۱۲۸۳) منتشر شده است. سرلوحه روزنامه عبارت از شیرو خورشید است که خورشید بر پشت شیر قرار گرفته و شیر در حالی که ایستاده شمیری در دست دارد. در دوطرف شیر و خورشید خصوصیات روزنامه طبع شده. این خصوصیات بدین قرار است : محل طبع طهران. دار الطباعة دولتی قیمت سالیانه بانضمام روزنامه علمیه سه تومان و شش هزار و قیمت يك نسخه پانزده شاهی. از شماره ۵۹۵ بانضمام روزنامه علمی و ملتی سه تومان و شش هزار دینار است. روزنامه دولتی بخط نستعلیق ریز و هر صفحه آن ۲۴ سطر و بقطع ۲۴×۴۰ سانتیمتر میباشد. شماره صفحات غالباً پنج و گاهی شش تا هفت صفحه بالغ میگردد. گرچه در باره طرز انتشار روزنامه از ماهیانه یا هفتگی بودن چیزی نوشته نشده ولی از تاریخ نمرات معلوم میگردد طرز انتشار ماهیانه بوده است چنانچه نمره ۵۹۳ آن در تاریخ پنجشنبه سیم شهر جمادی الاولی و نمره ۵۹۴ در تاریخ پنجشنبه اول جمادی الاخری ۱۲۸۳ منتشر گردید. است. منبرجات روزنامه ابتدا یعنی در صفحه اول اخبار درباری و قایمیه مربوط بناصرالدین شاه بوده تحت عنوان « اخبار درباری ». متعلق بوجود مسعود همایون شهریار « درج شده و بعد اخبار دربار سلطنتی و حوادث و وقایع شهر ها و ولایات داخله از قبیل یزد ، فارس ، کرمان و گاهی اخباری از اروپا و امریکا تحت عنوان (اخبار ممالك خارجه) نوشته شده است. در ضمن اخبار درباری از وقایع و اتفاقات مربوط بوزارتخانه ها و نیز عطایا و خلعتها و تشریفات که از طرف شاه به اشخاص مختلف بعنوان پاداش و حسن خدمت داده شده ؛ گفتگو شده است. آخر یون نمره منتشره روزنامه دولتی نمره ۶۵۰ است که در تاریخ پنجشنبه دهم شهر ذی الحجه مطابق یون نیل سنه ۱۲۸۷ انتشار یافته و روزنامه تعطیل شده است.

(۵۶۷) دهقان

روزنامه دهقان در شهر کرمان بمدير مسؤولی آقای (احمد کرمانی) تا سپس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ ؛ با چاپ سنگی ؛ و خط نستعلیق ریز ، در مطبعه سنگی (کرمان مدیری حسین طهرانی) طبع و در تاریخ جمعه ۲۶ شوال الکرم ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. طرز انتشار دهقان هفتگی بوده و هر هفته یکمرتبه طبع و توزیع میشده. عنوان مراسلات و تلگرافات : کرمان. اداره روزنامه دهقان. محل اداره : قراستخانه صومی. وجه اشتراك آن. سالیانه کرمان ۱۰ قران ششماه ۶ قران. بلاد داخله ۱۲ قران، ۷ قران. قیمت تك نمره سه شاهی. وجه اشتراك بعد از فرستادن شش نمره دریافت میشده. در عنوان روزنامه ، زیر اسم روزنامه (دهقان) که بخط نستعلیق درشت نوشته

حرف دال بعد ه اله

دهقان

شده این شعر بعنوان شعار درج است : « دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من بجز از کشته نبروی » مرام و مسلک روزنامه در ضمن سطرهای زیر عنوان اینطور معرفی شده : « این روزنامه طرفدار استقلال ایران و حافظ حقوق ایرانیان است » مقاله افتتاحی دهقان که تحت عنوان « روزنامه چیست » نوشته شده بدینقسم شروع میشود : « بتصدیق تمام سیاسیون دول و حکمای ملل بهترین وسیله بیداری هر ملت و بزرگترین باعث تنویر و توسعه افکار هر قوم و جماعت روزنامه های آزاد ملی اند » مقاله مذکور بدینقسم خاتمه می یابد : « دهقان چنین برادران کرمانی خرد را از قافله تمدن فرسنگها دور و از نیل بپوهیت عظیمه آزادی محروم و مهجور می بیند و آنها را گرفتار فشار پنجه خونین معدودی طرفداران ارتجاع و استبداد و دچار چنگال فولادین مستی هواخواهان ظلم و بیداد مینگرد مصمم شده است باوجود کمی بضاعت و عدم استطاعت بنشر این ورقه ناقابل وظیفه يك نفر ایرانی وطن پرست محب نوع را داده نماید و امیدوار است که از مسلک مقدس که خود را در سراج جریده بآن معرفی نموده است متمایل نشود و ابدا طرفیت با اشخاص ننموده بلکه فقط از منافع و منافع راجعه بعموم ابناء وطن بحث نماید و من الله التوفیق و علیه التکلان »

در شماره اول پس از مقاله افتتاحی مقاله دیگری بعنوان (ادام برای آدم است) و در خاتمه چند اندرز بنقل از پند نامه مار کوس ، نوشته و شماره اول پایان مییابد . مندرجات روزنامه دهقان بر خلاف سایر جراید کمتر اخبار و حوادث در آن چاپ شده و بیشتر مندرجات آن مقالاتی مبنی بر طرفداری از ضعف و زارعین و رنجبران و فولاد آزادی است . منجمله از مقالات آن ، مقالات تحت عنوان « زعیم گرمسیری و ارباب » است که بزبان محلی نوشته شده و رفتار ارباب را نسبت برعیت بیچاره واضح میسازد از مقالات دیگر روزنامه مقالاتی است که تحت عنوان (انجمن اش قلمکار) در چند شماره روزنامه درج شده و از شماره ۱۲ سال اول شروع میگردد . دیگر از مندرجات روزنامه اشعاری است اثر طبع (آقای انتظام السادات متخلص به نیر) که در بعضی از شماره ها بعنوان (ادبیات) ذکر شده است . برای نمونه اشعار مندرج در شماره ۴ روزنامه را ذیلا نقل مینمائیم :

ادبیات

موسم کار شد ای رنج بران هشارید	بار جور و ستم از شانه خود بردارید
مملکت را بکف مفت خوران نگذارید	خویش را ذیحق و انسان و بشر بشمارید
نصرت و حفظ وطن را بنمائید شعار	
بار میپوده کشیدن اثر چهل بود	عجز آئین و ره مردم نا اهل بود
حق مشروع گرفتن بخدا سهل بود	شبهه و ریب در این قول نه از عقل بود
زانکه این حق طلبی هست بنص اخبار	
آخر ای رنجبران آدم ر نسل بشرید	کاین چنین از اثر ظلم و ستم در بدرید
باهزاران هنر از بی هنران در خطرید	تاکی از مفسده مفت خوران بی خبرید

حرف دال بعده الها

د هقان

خوشتن را سپارید بچنگ اشار
نه شما کار گر! نید ولی نعمتشان
زحمت و رنج شما شد سبب راحتشان
زانکه در حرفه و صنعت نبود رغبتشان
رشوه بگرفتن و دزدیست قطره‌رشتان
بجز از فتنه و افساد نباشد شان کار

• • • • •

• • • • •

نمر دولت اشراف بشد خواری من
مورث ضعف قوی باعث بیماری من
یکدم این قوم نکردند مدد کاری من
دیده بستند زغم خواری و دل‌داری من
همه اولاد مرا خواسته با درد دوچار

خشم‌بلتیک و دزدانست و محیل و هشیاد
معدن ظلم و ستم منبع جور و یداد
دشمن نوع بشر پیشرو استبداد
وقت آنست که با هم بنمایید و داد
تا از این دشمن خونخوار بر آرید دمار

بعضی از عناوین سرمقاله‌های روزنامه بدین قرار است: بدیهاتیان و برزگران
ایران (شماره ۵) رنجبر و مفت‌خور (شماره ۶) • عید اضحی (شماره ۷) بقیه
مقدمه شرح مراسم (شماره ۱۵) این مراسم عبارت از مراسم فرقه دموکرات
میباشد که مدیر روزنامه عضو آن بوده است •

از خصوصیات روزنامه دهقان تقریباً ایام هفته است که از شمار ۵۰ روزنامه شروع
شده و در تمام نمرات در صفحه چهارم طبع گردیده است • منظور از چاپ تقویم را این
طور نوشته است: « برای زیادتى انتفاع مشترکین عظام از این نمره جدول هفتگی برای
ضبط تاریخهای معموله و ساعات نصف‌النهار و غیره بعرض کرمان درج میشود امید که
مطبوع افتد • » از روزنامه دهقان نگارنده فعلاً تا شماره ۱۷ سال اول مورخ ۲۱ شهریور
۱۳۳۰ قمری در دست دارم ولی ظاهراً مدت دو سال روزنامه منتشر شده است •

آقای احمد دهقان بهمنیار - احمد کرمانی همان آقای دهقان بهمنیار استاد
فاضل و دانشمند دانشگاه طهران است که ذیلاً بشرح احوال او میپردازیم: تحصیلات
آقای بهمنیار تا سن سی و دو سالگی عبارت بوده است از علوم عربی، فقه و اصول منطق
و حکمت و ریاضیات قدیم و مقدمات هیئت جدید و زبان فارسی و عربی و انگلیسی از سن
۲۴ سالگی مدتی در کرمان بتدریس مشغول بوده و مدرسه اسلامی را در بم و مدرسه
سمارت را در کرمان تاسیس نموده اند پس از آن مدتی در وزارت مالیه و یکسال
در وزار معارف و دو سال در وزارت عدایه مشغول خدمت بوده مجدداً بوزارت معارف
منتقل شده و فعلاً مدتیست در دانشگاه طهران بسمت استادی بتدریس تاریخ ادبیات
عرب و زبان فارسی مشغولند • حضرت استادی بحری عمیق و علامه نحیر و دانشمندی
متبحر است که در فنون عربیت سرآمد اساتید میباشد • ایشان علاوه بر روزنامه دهقان
روزنامه فکر آزاد را نیز منتشر ساخته و کنبی نیز تالیف و یا تصحیح فرموده و بچاپ
رسانیده اند • ۱۰ - تحفه احمدیه در شرح الفیه • ۲۰ - قصائد و ترجمه‌های متعدد
که در جراید و مجلات بطبع رسیده • ۳۰ - تصحیح تاریخ بهجتی تالیف ابوالحسن علی بن زید

حرف دال بعده الیاء دیانت ، دیوان عدالت . ذکر حقایق

۴ - تصحیح التوسل الی الترسل • (مجموعه منشآت محمد بن مویده بغدادی) ۵ تصحیح اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید خالیف محمد بن منور • لازمست یاد آور شویم که نام آقای بهمنیار احمد و متخلص به دهقان و بهمنیار نام خانوادگی آن استاد است •
بغیر از روزنامه دهقان منطبعه کرمان ، ظاهراً روزنامه بهمن نام در سال ۱۳۰۰ شمسی در طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده و چون نگارنده تا کنون نمونه از آن بدست نیاورده و شرحی درباره آن درجائی ندیده ام لذا برای آن عنوان جداگانه قرار ندادم •

(۵۶۸) دیانت

در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی امتیاز مجله دیانت در تهران بمدیری (میرزا سید مصطفی قائم مقامی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته ، طرز انتشار مجله دیانت ماهانه بوده است •

(۵۶۹) دیوان عدالت

روزنامه دیوان عدالت بمدیری آقای (مدیر الممالک هرندی) در تهران بطور هفتگی تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است • نگارنده فعلاً نمونه این روزنامه را در دست ندارم ولی چند شماره آن را در مجموعه جراید و مجلات انجمن کتابخانه دانشرایعالی دیده ام • آقای مدیر الممالک همان مدیر روزنامه تمدن است و برای اطلاع از شرح حال ایشان بحرف ت کتاب کلمه تمدن رجوع شود •

حرف الذال

(۵۷۰) ذکر حقایق

جریده ذکر حقایق در شهر کرمان بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است • اطلاع نگارنده در باره این جریده عبارت از شرحیست که در شماره ۱۱ دوره پنجم سال سوم مجله معارف مورخ مرداد ۱۳۰۸ شمسی تحت عنوان (معارف کرمان) نوشته است مقاله مذکور از شماره ۹ و ۱۰ سال دوم جریده ذکر حقایق منطبعه کرمان نقل شده که میسراند جریده مذکور لا اقل در سال ۱۳۰۶ شمسی تاسیس شده بوده • این مقاله بدینقسم شروع میگردد: «معارف کرمان، جریده ذکر حقایق منطبعه کرمان در شماره ۹ و ۱۰ سال دوم راجع بمعارف محلی چنین مینگارد که اقدامات مجدانه شخص آقای جودت را نسبت ۰۰۰۰۰»

لازمست یاد آور شویم که در فهرست امتیازات جراید و مجلات مذکور در سالنامه ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ معارف مینویسد: «جریده ذکر حقایق بمدیری شیخ مهدی امینی در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی از تصویب شورایعالی معارف گذشت که در طهران منتشر نماید.» معلوم میشود ابتدا محل انتشار ذکر حقایق در طهران بوده و بعد بکرمان منتقل شده است •

حرف الراء (۵۷۱) راه خیال

روزنامه هفتگی راه خیال در شهر رشت بمدیری (افصح المتکلمین مدیر و نویسنده روزنامه خیر الکلام) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در تاریخ اول شعبان سال مذکور انتشار یافته و انتشار آن پس از توقیف آخرین شماره روزنامه خیر الکلام بوده است . از روزنامه خیر الکلام و مدیر آن در حرف خ کتاب بتفصیل گفتگو کرده ایم .

(۵۷۲) راه سلامت

مجله راه سلامت بمدیری و صاحب امتیازی (اسدالله تمدن) در شهر قم تاسیس و شماره اول آن در ۳۲ صفحه بقطع خشتی کوچک با چاپ سربی طبع و در تاریخ تیر ماه ۱۳۱۶ شمسی مطابق ربیع الثانی ۱۳۵۶ قمری منتشر شده است . طرز انتشار مجله ماهانه بوده و جای اداره : قم . خیابان ارم معین شده . این مجله در طهران (چاپخانه کانون) و مدتی هم در (چاپخانه موسوی عراق) طبع و در قم منتشر شد . است . بهای سالیانه مجله بانضمام یک جلد کتاب بیمه زندگانی برای طبقه اول ۳۵ ریال و سایر طبقات ۲۵ ریال . تک شماره در همه جا ابتدا سه ریال و از شماره سوم ۲ ریال معین گردیده ، راه سلامت مجله (صحتی ، معارفی ، اجتماعی) معرفی شده و مندرجات آن بیشتر مطالب صحتی و پزشکی است .

مقاله افتتاحی مجله که تحت عنوان (منظور از مجله نگاری) نوشته شده و در آن علت تاسیس مجله را یاد آور گردیده بدین قرار است : « خدایرا سیاستگذارم که ملت ایران در ظل ترجمان حضرت همایون شاهنشاهی در ردیف بزرگترین ملل متدینه گیتی شاهراه ترقی را سیر میکند . پیاس این نعمت بیکران لازم است که هر کس به سهم خود خدماتی را عهده دار شده و انجام دهد و نظر باینکه یکی از بزرگترین وسائل ترقی هر قومی ؛ داشتن افراد سالم است و افراد سالم موجود نمیشود مگر با آشنائی اصول بهداشت . لذا مقدم بر همه علم نگاهداری سلامتی بدن است زیرا از افراد سالم است که باید انتظار کار داشت و نشر و توسعه معارف را متوقع بود .

بنابراین یکی از خدمات مهمه بعالم بشریت همانا خدمات صحتی و معارفی است لذا نگارنده با شوق و شغف بسیار برای مقاصد مقدس فوق وارد مرحله نامه نگاری شده و اولین مسلك این مجله را نشر مقالات طبی و سپس ترویج و تعمیم معارف قرار داده و حتی الامکان میکوشد که موضوعات علمی طب را بقلم اطباء درجه اول ، با عبارات بسیار ساده دردسترس عموم گذارده و دستورات صحتی را متناوباً در این مجله خاطر نشان نماید تا همه کس بتواند با قرائت هر موضوعی از مراجعه پزشك بی نیاز گردد . و نیز بمنظور خدمات معارفی یگانه مقالات و موضوعات سودمندی که بحال دانش آموزان هم مفید افتد ، طرح کرده و کفرانسهای معارفی را نشر خواهیم داد تا از این راه هم خدمتی انجام

حرف دال بده الرا

راه سلامت

شده باشد . اینك بنام نامی موجد عظمت ایران اولین شماوه مجله خود را بعلاقه مندان هءاء مینمائیم . تمدن پزشك >

در شماره اول پس از مقاله افتتاحی مذکور، مقاله (جهاز ادرا ر) بقلم د كتر پزشكهمر ، و مقاله (پشه مولدماریا) و (نصایح صبحی) و مقاله (تبدیل قلب طبیعی به مصنوعی) بقلم آقای سید جلال جزائری و مقاله (دواى فرنگی و ایران) و مقاله (اهمیت خطابه) ؛ درج گردیده و بهلاوه چند تصویر از مناظر مختلف بیمارستان قم در آن چاپ شده است . برای مزید اطلاع فهرست مندرجات شماره هشت مجله را نیز نقل مینمائیم : خدمت بجامعه . نصایح صبحی . طبابت خانوادگی . ویتامین و خواص آن . مضرات مسكرات . امتحان قلب . معشوقه علم . اخبار بابل . درهر شماره روى جلد مجله این چند شعر چاپ شده است :

احمد مرسل آنكه گفتارش . سر بسر حجت و برهان است
گفت سرمایه كمال بشر . علم ابدان و علم ادیان است
كاندران علم صحت جسم است . و اندرین علم نزهت جان است

مجله راه سلامت بوضع مذکور هشت شماره منتشر شده و شماره هشتم كه آخرین شماره منتشره آنست در تاریخ بهمن ماه ۱۳۱۶ شمسی انتشار یافته . در این شماره در مقاله افتتاحی آن تحت عنوان « خوبست بجای سعایت شاهم قدمی در راه خدمت بجامعه بردارید » از بدگویان گله نموده و میفرساند كه دشمنان مانع از ادامه نامہ نگاری اومیباشند شعار مجله كه درهر شماره در عنوان آن چاپ شده جمله سلامت باد» است آقای اسدالله تمدن — نامبرده در ضمن نامہ ای كه بنگارنده نداشته خدمات خود را بدین قسم شرح داده است : « در سال ۱۳۰۹ پس از گذراندن دوره امتحانات پزشکی در قم مشغول مداوا و معالجه گردیده و در سال ۱۳۱۰ از طرف اداره كل بهداری مامور بهداری دزفول شده و پس از ورود بدانجا مبارزه بر علیه وبا « كارا » شروع شد و تا مدت يك سال ادامه یافت در سال ۱۳۱۲ به بیمارستان دولتی اهواز انتقال یافته و پس از ۸ ماه مامور جندق و بیابانك گردیدم سه ماه در آنجا متوقف و بقم حركت و مطب شخصی افتتاح و مشغول كار شدم . چون شوق خدمات بهداشت داشت در سال ۱۳۱۳ كتاب اسرار طبیعت را تالیف نمودم . در اواخر ۱۳۱۳ بریاست بهداری و قرنطینه كسیه مامور شده و پس از يكسال ونیم بریاست بهداری شادگان مامور و در سال ۱۳۱۵ به بیمارستان راه آهن قم انتقال یافتم و در همین سال موفق باخذ امتیاز مجله راه سلامت شده و از خدمت دولتی استعفا نموده بنامه نگاری اشتغال یافت و پس از انتشار ۸ شماره از مجله و كتاب بیمه زندگی مجدداً از طرف بهداری مامور بهداری دزفول شده پس از شش ماه بریاست بهداری و بیمارستان رازی ایلام منصوب گردیدم و تا اواخر ۱۳۱۹ در آنجا مشغول خدمت بودم مجدداً بریاست بهداری دزفول انتخاب و تا پایان ۱۳۲۰ مشغول كار بودم بعد بواسطه شدت گرمای دزفول بقم حركت و فعلاً بطور آزاد مشغول امور پزشکی میباشم . » آقای اسدالله تمدن برادری مذهب و نيك سیرت بنام آقای علی تمدن دارد كه فعلاً در وزارت فرهنگ مشغول كار می باشد .

(۵۷۳) راه نجات

روزنامه راه نجات بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی «ابراهیم راه نجات» در سال ۱۲۹۴ شمسی تاسیس و در اصفهان منتشر شده است. شماره اول سال پنجم آن در چهار صفحه بقطع وزیری، با چاپ سری (مطبعه جبل المتین) طبع و در تاریخ سه شنبه ۱۶ رجب مطابق ۱۸ حمل ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته. مرام روزنامه که در هر شماره در زیر عنوان آن چاپ شده از این قرار است: «منافع ایران و بحث در حقایق امور نقطه نظر این جریده است.» مقاله افتتاحی شماره اول سال پنجم بدین قرار است: «گذشته با ما وداع کرد درحالتیکه سرگذشت بسیار اسف آوری از فلاکت و بدبختیهای گوناگون در دوسیه خود ضبط کرده و همراه برد. آیا متذکر شدیم که نام نیک و اقدام خیری در تاریخ او بیادگار بسپاریم. اگر چه سال گذشته نسبت بسابق یادگارهای مهم تاریخی قابل تشکری بها داد. شرارت و باغی گریها و هرج و مرج ما را در قبرستان نیستی مدفون ساخت و فی الجمله جنبش و حرکتی بهالم معارف و مدارس داد ولی کفاف کی دهد این بادهها بمستی ما»

روزنامه راه نجات از روز نامه هایست که در طول مدت سی و دو سال انتشار خود تغییر مسلك نداده و از ابتدا همیشه طرفدار رنجبر و کارگر و مخالف با اصول سرمایه داری بوده و لذا هر وقت بشدت مرام خود را تعقیب میکرد دوچار توقیف میگردد و زمانی هم مدیر آن مرحوم ابراهیم راه نجات گرفتار زندان شهربانی شد. اول دفعه که روز نامه راه نجات توقیف شد در اسد سال ۱۳۰۱ شمسی بود. ظاهرا علت این توقیف مقاله شدیداللعن روزنامه درباره اعمال یکی از سرمایه داران اصفهانی ملقب با اعتمادالتجار بوده است. مدیر راه نجات در تلگراف شکوایه خود که بجراید طهران مغایره کرده و منجمله در روز نامه ایران شماره مورخ ۲۴ اسد ۱۳۰۱ چاپ شده مینویسد: «بواسطه درج مکتوب عمومی راجع باعمال اعتمادالتجار روزنامه راه نجات مظلومانه تلگرافا توقیف شده توجه همقلمان معظم را در رفع و جلوگیری از دسائس مفرضانه اعتمادالتجار و القاء شبهه امینالتجار خواهانیم. مدیر راه نجات.» توقیف راه نجات در جراید دست چپ و مجلات سروصدائی برپا کرد و من جمله روزنامه طوفان در شماره اول سال دوم مورخ ۳۱ اسد ۱۳۰۱ شمسی درباره این توقیف نوشت: «راه نجات - متاسفانه هنگامی فروش توقیف راه نجات بگوش ما رسید که دست ما بسته و قلم ما شکسته بود و نمی توانستیم با مسدود بودن طرق کمک و معاونت توقیف بدون جهت او را گوشزد و لای امور نماییم. ولی اکنون میتوانیم بگوئیم که اینگونه فشارهای جزئی موجب احتراق موادی سوزاننده است که یگبار سر تا پا بقدم وجود خائنین و جنایتکاران را طعمه آتش خواهد نمود خاصه برای جریده مانند راه نجات که بین همکنان خود بحق گونی و شهامت قلم موصوف و معروف میباشد. خاطر اولیاء دولت را باین قبیل حق کشیها متوجه نموده رفع توقیف راه نجات را هرچه زود تر انتظار داریم.»

حرف‌ال‌را

راه نجات

توقیف روزنامه دوام زیادی نکرد و فشار افکار عمومی سبب گردید که دولت هرچه زودتر از روزنامه راه نجات رفع توقیف بعمل آورد. مدیر مجله ارمغان در شماره پنجم سال سوم مجله مورخ اسد ۱۳۰۱ تحت عنوان (ظهور احساسات معارف خواهان در اصفهان) خبر رفع توقیف را اینطور نوشته است: «وکلای سه گانه اصفهان در این موقع که آخر دوره وکالت است برای اینکه خدمتی به وکلان خود کرد. باشند جریده شریفه راه نجات همان جریده طرفدار کارگر و دشمن مظالم انگلیس در اصفهان را با دسیسه و اسباب چینی توقیف کرده و ابلاغیه توقیف را در یکی از جراید مرکز انتشار داده و ضمناً از هیچگونه توهینی نسبت به مدیر شرافتمند آن فروگذار نکردند. تمام طبقات اهالی اصفهان مخصوصاً فرقه دموکرات از این عمل زشت عصبانی شده و بتوسط تلگرافات متواتره تنفیرات خود را از اقدامات وکلای سه گانه گوشزد مرکز نموده و بوسیله یگانه نگهبان مملکت حضرت اشرف آقای سردار سپه وزیر جنگ محبوب ایران بقصد خود (رفع توقیف) نائل شدند.»

روزنامه راه نجات بدفعات دیگر بازم دوچار توقیف شده ولی آزاد شده است آخرین بار که توقیف روزنامه همراه بازندانی شدن مدیر آن بود در سنوات ۱۳۱۴ شمسی است که شهربانی مرحوم راه نجات را بزندان افکند و روزنامه مشارالیه نیز تاپس از وقایع شهریور توقیف بود و انتشار نمی یافت. پس از وقایع شهریور مجدداً با همان مسلک و روش سابق شروع با انتشار نمود منتهی این دفعه چون مرحوم ابراهیم راه نجات علیل و پیر و ناتوان گردیده بود نمیتوانست مرتباً هفته یک شماره روزنامه را منتشر نماید و لذا پانزده روز و گاهی ماهی یکمرتبه منتشر میشد. انتشار روزنامه بدین نحو ادامه داشت تا فروردین ۱۳۲۶ شمسی که مدیر آن دار دنیا را وداع گفت و فرزند او نجات الله راه نجات درصدد نشر روزنامه برآمد و مجدداً دوره سوم روزنامه شروع گردید، بطور خلاصه تاریخچه روزنامه راه نجات مشتمل بر سه دوره است: دوره اول از بدو تاسیس تا زندانی شدن مدیر آن. دوره دوم پس از آزادی مرحوم راه نجات بعد از وقایع شهریور تا فروردین ۱۳۲۶. دوره سوم از زمانیکه اداره روزنامه بعهده فرزند برومند آن مرحوم آقای نجات الله راه نجات واگذار گردیده است.

شمار روزنامه که همیشه در سراسر لوحه روزنامه چاپ شده جمله (اعتماد ما بخداست) و نیز مدتی این شعر حافظ: به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات؟ گرفت جام می و گفت راز پوشیدن. شعار روزنامه بوده است. طرز انتشار روزنامه هفتگی بود. و مندرجات آن در تمام شماره ها عبارت از یک سرمقاله تند و شدید بقلم مدیر روزنامه و بعد مقالات مختلف و اخبار محلی اصفهان است. عمد اهمیت روزنامه راه نجات بواسطه سرمقاله های آن است که بطرفنداری رنجبران و کارگران و برعلیه سرمایه داران نوشته شده. عنوان بعضی از سرمقاله های آن از این قرار است: «سیلاب مهیب در جریان است فرعون های ایران بخوانند» و «دنیا در آتش میسوزد» و «اثرات فقر ایجاد انقلاب در عالم» و «بیداری مظلومان یا نهضت اجتماعی» و «مظلوم در مقابل میز» و «دشمن

حرف الرء

راه نجات

ووطن « و » دسایس غدارانه « محل اداره روزنامه : اصفهان . سردر مطبعه جبل‌المتین و مدتی هم شمس آباد ، منزل شخصی مدیر روزنامه ، قیمت روزنامه : اصفهان یکساله ۴۰ قران • داخله ۴۵ قران ، عنوان تلگرافی راه نجات . در سنوات اولیه این عبارت در زیر عنوان روزنامه چاپ شده است : « منافع ایران و بحث در حقایق امور نقطه نظر این جریده است . » روزنامه راه نجات از حیث طول مدت انتشار و سبک مقالات در بین جراید ولایات و حتی در میان مطبوعات طهران کم نظیر است بخصوص که مدیر آن در طول مدت متجاوز از ربع قرن تغییر مسلک نداده و پیوسته يك هدف معینی را تعقیب نموده است • برای اطلاع از شرح حال مرحوم ابراهیم راه نجات و وضع روزنامه او بهتر آنست شرح جامع و کاملی که دو روز پس از مرگ راه نجات در شمار ۳۶۷ سال پنجم روزنامه اصفهان چاپ شده بعینه نقل نمایم • این شرح با اینکه نسبتاً مفصل میباشد ولی چون خوانندگان را بزندگانی یک نفر آزادخواه و انعی آشنا میسازد جای آن را دارد که تمام را نقل نمایم • اینک مقاله روزنامه اصفهان :

« مرگ يك روزنامه نویس کهنسال - پریروز شهر اصفهان شاهد يك منظر • تأسف آمیز یعنی حمل جنازه يك روزنامه نویس کهنسال بود که عمر عزیز خود را در راه آزادی کشور و مخصوصاً خدمت بجامه اصفهان صرف نموده بود • آری همانطور که دوست فاضل ما آقای سبتا در مجلس ترحیم آن مرحوم گفتند خورشید جهان تاب پریروز در موقعی که رو با فول میرفت شاهد دفن مردی بود که از مبارزین راه آزادی ایران بشمار میرفت و در پی بودن این راه چه بسیار سختی ها دیده و چه زجر ها کشیده و چه حبسها و رنجها تحمل نموده بود پریروز نیمساعت بظهر آقای ابراهیم راه نجات در حالیکه یکمده از همکاران صمیمی و عزیز و یگانه از فرزندان و بستگانش اطراف بستر او را احاطه نموده بودند چشم از این دنیای دنی بر بسته و روح پرفتوحش را • سرای جاودان را در پیش گرفت • روح او با شادمانی از تنگنای قفس تن پرواز کرد در حالیکه دوستانش سیل سرشک بر مرک او ازدیده فرو باریده و ناله های سوزان از سینه برون میدادند •

مرحوم ابراهیم راه نجات در خانواده محترمی قدم در عرصه وجود گذاشت که از پیشوایان مشروطیت و آزادی ایران بودند • این مرد زحمتکش از همان اوان کودکی روح انقلابی و سری پر شور داشت در آغاز مشروطیت و در آن اوانی که آزادخواهان در برابر مستبدین صهوف خود را می آراستند او نیز خود را در صف مشروطیت ایران شهید شد همه جا با مستبدین مبارزه میکرد و بهمین جهت مورد تعرض عمال دولت تزاری روس که در آن زمان از مستبدین پشتیبانی میکرد قرار گرفت و چون در همه جا مشروطه طلبان را میکشتند و اذیت و آزار میکردند راه نجات با جمعی از همکاران آزادخواه خود منجمه آقای دکتر ملک زاده فرزند ارشد مرحوم ملک المتکلمین و امین‌التجار اصفهانی نماینده کنونی اصفهان با وضع سخت و طاقت فرسائی

حرف الراء

راه نجات

بطرف شیراز راه فرار درپیش گرفتند و پس از مدتی که در آنجا پنهان بود چون بوجداد او در آن خطه پی برده بودند پای پیاده بالباس درویشی باصنهان بازگشت و هنگامی وارد این شهر شد که بر در و دیوار آن اعلان حکم اعدام او را چسبانده و برای یابنده او مبلغ هنگفتی جایزه معین نموده بودند و پس از مدت مدیدی که در خانه خود پنهان بود و پس از آنکه حکومت جابر تزاری سقوط نمود دوباره شروع به فعالیت و نشر عقاید و افکار آزادیخواهی خود نموده و دقیقه در این راه فرو گزاری نمیکرد . در سال ۱۳۲۹ هجری کتابی بنام راه نجات در ترویج آئین اسلام و مبادی آزادی تالیف کرد و بوسیله برادر خود بوزارت فرهنگ برای کسب اجازه چاپ فرستاد و لی چون وزارت فرهنگ علاقمند بترویج افکار آزادیخواهی نبود اجازه نداد و پس از مدتی مرحوم راه نجات با زحمات زیاد توانست امتیاز روزنامه ای بنام « راه نجات » تحصیل نماید . درست سی و دو سال قبل هنگامیکه ظلمات جهل و نادانی بشکل پرده سیاهی بر چهره ملت ایران کشیده شده و در آن موقعیکه ظلم و ستمکاری طبقات ضعیف و بی نوای ایران را تحت مضیقه و فشار طاقت فرسای خود قرار داده بود نخستین شماره روزنامه راه نجات در شهر اصفهان منتشر شد . در سرلوحه این روزنامه با خط درشت منویات قلبی و ایمان باطنی آن مرحوم بصورت جمله (اعتماد ما بفرموده است) منعکس گردیده که تا آخرین شماره اش نیز همان جمله جلب نظر مینمود . آن هائیکه شماره های روزنامه را نجات را در دست دارند بفرمایید میداند آن موقعیکه راه نجات دم از آزادی و طرفداری از حقوق ضغفا و بیچارگان میزد این افکار بنحیه کمتر کسی خطور میکرد . راه نجات روزنامه خود را بانیات عقیده و مسلک مرتباً منتشر مینمود تا اوایل کودتا که با اصول دیکتاتوری مبارزه نموده و مورد خشم شاه سابق قرار گرفت و در آن موقعیکه هیچ کس جرئت اظهار مخالفتی نداشت مقاله ای تحت عنوان (مکانات الهی) منتشر کرده و در ضمن آن علناً به مسبب کودتا حمله کرده و در نتیجه مدتی در زندان قرار گرفت و روزنامه آن مرحوم در معاق توقیف باقی ماند در زندان بواسطه عارضه کمالات سخت بستری شد و پس از چندین ماه زندانی شدن بغا نه منتقل گردید و تحت نظر قرار گرفت و سالها با اینکه روزنامه اش توقیف بود هر بار از طرف جاسوس های شهربانی مورد اذیت و آزار واقع میشد تا در شهریور ۱۳۲۰ که اوضاع دگرگون شد دوباره شروع باتشار روزنامه خود نمود و با همان مرام و مسلک سی و چند ساله مبارزه خود را ادامه داد و بارها میگفت « خوشوقتم که تغمی که درسی و چند سال قبل پاشیدم امروز در قلوب هم میهنان عزیزم سبز شده و بشر رسیده است . » مرحوم راه نجات چندین سال بود گرفتار بیماری دل درد گردیده و غالباً مشغول معالجه بود با این حال در راه انجام وظائف ملی خویش دقیقه راحت نمی نشست . با دردهای شدید میساخت و دائماً کار میکرد دو سال قبل بطهران رفت و چندی در بیمارستان شوروی بمعالجه پرداخت و با اینکه در این مسافرت متحمل خسارت زیادی شد معالجات سودمند واقع نشد و عدم بینه مالی او را ناگزیر کرد که باصفهان بازگشته از تعقیب معالجه خود



مرحوم راه نجات

ضمیمه صفحه ۳۱۷

حرف الراء

راه نجات

صرف نظر نماید بالاخره همان مرض با اینکه بیش از (۵۸) سال از عمر شریفش نگذشته بود مقراض اجل گردیده طناب عمرش را پاره کرد و آن گوهر گرامی را از چنگ دوستان و دوستدارانش در ربود.

مرحوم راه نجات ساعت یازده و نیم روز شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۲۶ پس از کسالت ممتدی جهان فانی را بدرود گفت و جنازه او را با حضور جمع زیادی از آزادیخواهان و نویسندگان و کارگران از منزل شخصی بمسجد دروازه دولت حمل کرده و از آنجا ساعت سه و نیم بعد از ظهر سردست حرکت داده و همینکه بمیدان مجسه رسیدند تابوت را در نعش کشی که از گل و ریاحین آراسته شده بود گذارده و بتخت فولاد حمل کرده و در محل مخصوصی، دم تکیه بابا رکن الدین دفن نمودند. فردای آنروز از طرف انجمن جراید اصفهان و فرزندان آن مرحوم مجلس ختمی در مسجد درواز دولت بر پا گردیده و عموم طبقات در آن شرکت نمودند.

از مرحوم راه نجات برادری بنام سلیمان راه نجات که عضو اداره دارا نیست و همچنین سه پسر بنامهای نجات الله، حشمت الله، نصرت الله و دختری باقیست. و نجات الله بعد از پدر روزنامه را دایر نگاهداشت و امتیاز آنرا بنام خود گرفت و هم اکنون روزنامه بنام ایشان منتشر میگردد. ما در ذیل کتاب از این دوره روزنامه راه نجات جداگانه گفتگو خواهیم کرد.

نگارنده را با مرحوم راه نجات انس والفتی بود. یکمرتبه هم بین من و ایشان در باره تاسیس انجمن فرهنگی ایران و شوروی مبارزه قلبی در گرفت و بعد معلوم شد که ایشان را در این قسمت اغفال کرده و موضوع را اشتباه بایشان حالی کرده اند. بهر جهت مرحوم راه نجات از شخصیتهاییست که در بین افراد ایرانی کمتر نظیر داشته و با فقر و تنگدستی که دوچار بود هرگز حاضر برای تغییر عقیده و مسلک خود نبود. در جریانات بعد از شهریور ۳۲۰ که حزب توده در ایران گرفتاری داشت و من جمله در اصفهان دارای نفوذ و قدرت فوق العاده گردید؛ با اینکه سران حزب چندین بار از مرحوم راه نجات تقاضای همکاری و ورود بحزب را نمودند، آن مرحوم نپذیرفت و با کناره گیری از داخل شدن در حزب ثبات و پایداری در مسلک خویش را بظهور رسانید. گرچه کسالت ممتد و دل درد شدید او را از هرگونه فعالیت باز داشته بود بقسمیکه خوراک او در شبانه روز منحصر بچند قاشق آبگوشت بود مع ذلک پیوسته محضرش مجامع دانشمندان و مطلمین بود و از بیانات شیرین و عمیق او استفاده میکردند. خدای او را رحمت کند.

(۵۷۴) راهنمای تجارتنی ایران

مجله راهنمای تجارتنی ایران که اسم (نصر حدید) را نیز داشته در طهران به مدیریت (ف. پارسای) و مرسسی (ن. نوری) تاسیس و منتشر شده و شمار ۶۳

حرف الرا

راهنمای تجارتی ایران

آن در تاریخ مرداد ۱۳۰۸ شمسی انتشار یافته است. مندرجات مجله چون در باره وضع تجارت ایران و مذاکرات اطاق تجارت طهران بوده لذا مجله بنام (راهنمای تجارتی ایران) موسوم گردیده. در حقیقت مجله مذکور ارگان اطاق تجارت طهران بوده و لذا پس از آنکه بین مؤسس و مدیر مجله از یکطرف و اطاق تجارت طهران از طرف دیگر اختلاف حاصل میشود و مجله از ارگان بودن اطاق تجارت خارج میگردد اسم (راهنمای تجارتی ایران) از پشت جلد مجله حذف شده و همان (عصر جدید) نوشته شده است و این عمل از شماره ۶۷ مجله شروع گردیده است. در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در ذیل مجله (اطاق تجارت) بتفصیل اشاره باختلافات مدیر مجله یعنی آقای فرخ پارسای و اطاق تجارت نموده ایم و بنا بر این خوانندگان گرام میتوانند برای اطلاع بیشتری بدانجا مراجعه فرمایند و همچنین شرح احوال آقای فرخ پارسای و خانم ایشان را در ذیل مجله جهان زنان (همین مجلد) بتفصیل آورده ایم. نیز در باره مجله عصر جدید در حرف (ع) کتاب گفتگو خواهیم کرد بهر صورت مجله راهنمای تجارتی ایران یا عصر جدید تا شماره ۶۶ باین دو نام موسوم بوده و از شماره ۶۷ تنها با اسم عصر جدید منتشر شده است.

مجله راهنمای تجارتی ایران که هر شماره آن در ۴۸ صفحه بقطع متوسط و زیری طبع گردیده قسمتی از صفحات اول و آخر آن مخصوص درج اعلانات تجارتی و معمولاً هر صفحه مجله را يك اعلان تجارتی فرا گرفته است. پشت و روی جلد مجله نیز از اعلانات تجارتی و تصاویر ماشینهای صنعتی گراور شده قیمت اعلانات در هر شماره بدین قسم معین گردیده است: برای یک شماره؛ ربع صفحه ۷/۵ تومان یا دوازده. برای سه ماه ۲۲، برای شش ماه ۴۵ و برای یکسال ۸۰ تومان یا دوازده، نصف صفحه بترتیب ۱۵، ۴۵، ۸۵ و ۱۶۰ تومان یا دوازده. يك صفحه تمام باز بترتیب: ۳۰، ۷۵، ۱۶۵ و ۳۱۰ تومان یا دوازده.

قیمت اعلانات بدو زبان فارسی و فرانسه نوشته شده چنانچه سایر خصوصیات مجله نیز بدو زبان فارسی و فرانسه و نیز اغلب اعلانات بزبان فارسی و انگلیسی چاپ شده است. طرز انتشار مجله ماهانه بوده و قیمت اشتراك آن برای تمام ایران يك تومانست محل انتشار: طهران. خیابان علاءالدوله، مجله از حیث چاپ و کاغذ چندان مرغوب نیست و روی کاغذ روزنامه، با چاپ سری (مطبعه سیروس) طبع گردیده مندرجات مجله همانقسم که یاد آور شدیم مطالب مربوط بتجارت و در هر شماره بیش از ده دوازده صفحه مجله را اشغال نکرده است. عنوان بعضی از مقالات مجله چنین است (مشتري یعنی چه؟)، و (سندیکای راه آهن). از قسمت مقالات مجله که صرف نظر کنیم قسمت عمده مندرجات مجله (خلاصه تصمیمات جلسات اطاق تجارت طهران) است که در هر شماره تحت عنوان (اطاق تجارت) چند صفحه مجله را فرا گرفته است.

(۵۷۵) راهنمای زندگی

شورای عالی فرهنگ در چهارصد و سیزدهمین جلسه خود مورخ ۰ مهر ماه ۱۳۱۹ شمسی امتیاز

حرف الرء

راهنمای زندگی، راه نو؛ رستاخیز

مجله هفتگی راهنمای زندگی را بمدیری و صاحب امتیازی آقای حسینی مستعان تصویب نمود که آن را در طهران منتشر نماید. از این مجله تا حوادث شهریور ۱۳۲۰ شمسی چند شماره منتشر شده است، آقای مستعان نویسنده و مترجم معروف ایران و ترجمه کتاب بینوایان و ویکتور هوگو بهترین معرف ایشان در فن ترجمه میباشد.

(۵۷۶) راه نو

در پانزدهم تیرماه ۱۳۰۵ شمسی شورای عالی معارف امتیاز مجله راه نو را بمدیری (میرزا یدالله خان البرز) تصویب نمود. این مجله در طهران بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است.

(۵۷۷) رستاخیز

مجله رستاخیز بمدیری و صاحب امتیازی (عبدالله رازی) در قاهره مصر بزبان فارسی تاسیس و در سال ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۳۰۲ شمسی و ۱۹۲۴ میلادی منتشر شده است. رستاخیز ماهی یکمرتبه روی کاغذ مرغوب و طبعی مطلوب در ۴۸ صفحه بقطع وزیری کوچک، با چاپ سری طبع گردیده و شماره اول آن در جمادی الثانی ۱۳۴۲ قمری انتشار یافته است. قیمت اشتراك آن بدین قرار است: در ایران سالیانه ۴۰ قران، شش ماهه ۲۵ قران. در سایر ممالك سالیانه يك لیره انگلیسی؛ برای معلمین و شاگردان مدارس نصف قیمت است. آدرس و عنوان مجله: صندوق البوسطة. نمره (۱) غوریه. رستاخیز. مصر الناهره. تلگرافی: رستاخیز. (این آدرس روی جلد مجله بخارسی و فرانسه نوشته شده است) مقصود و مرام مدیر مجله و دانشمندان دیگر که مندرجات مجله نتیجه افکار و تتبعات آنهاست چنانچه در شماره اول ذکر شده و در شماره سوم نیز آن را تایید نموده عبارتست از زنده نمودن تاریخ و ادبیات ایران و دانستن آداب و عادات ایرانیان از زمان قدیم الی کنون. پس هرگاه از مقالات دیگر گفتگو کنیم مثلا از مسائل اقتصادی و مباحث فلسفی سخن رانیم فقط برای روشن نمودن مقصودمان است که اگر در ضمن محتاج با اصطلاحات علمی باشیم دیگر لازم بشرح و بسط نباشد و خواننده فوراً پی بغیالات ما یبرد.

رستاخیز بعنوان مجله علمی، ادبی، اقتصادی و فلسفی معرفی شده. نقل فهرست مطالب شماره سوم مجله تا اندازه ما را بسبب مندرجات آن آگاه مینماید: داستان کورش. اشوزر دشت. دولت. حکومت ملی. افکار سعدی. هور درخشان. جولان فکر برداشتن عناوین. بین ایران و مصر جمعیت رابطه شرقیه.

رستاخیز تا تیرماه ۱۳۰۵ شمسی بطور غیر مرتب ۱۸ شماره منتشر شده و از آن پس بعلل و جهاتی که در حرف سین کتاب کاهه (سودمند) بدانها اشاره خواهیم کرد، با تغییر اسم، بنام سودمند منتشر شده و ۱۸ شماره هم باین اسم انتشار یافته و بعد شش شماره هم در طهران بنام مجله سودمند آنرا منتشر نموده و برای همیشه مجله تعطیل

حرف ر بعده الشين، لضاد؛ لعین
رشت ؛ رضائیه ، رعد
 گردیده است. آقای عبدالله رازی مردی فاضل و ارجمند و وکیل پایه یک وزارت داد گسترست.

(۵۷۸) رشت

در تاریخ هفتم دیماه ۱۳۰۴ شمسی شورای عالی معارف امتیاز روزنامه رشت را بمدیری آقای (ابراهیم فخرائی مدیر سابق پیام) در شهر رشت تصویب نمود . ولی این روزنامه منتشر نشده است . از آقای فخرائی مدیر مجله فروغ و مدیر روز نامه پیام در حرف کتاب کلمه (پیام) گفتگو کرده ایم . خوانندگان گرامی بدانجامراجعه فرمایند .

(۵۷۹) رضائیه

روزنامه هفتگی رضائیه در شهر رضائیه بمدیری آقای « امیر نظامی افشار » با چاپ سریبی تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . این روزنامه پس از انتشار چندی تعطیل شده و مجددا در سال ۱۳۱۲ شمسی با بدایره انتشار گذاشته و دو مرتبه تعطیل شده است . آقای امیر نظامی افشار از خیر خواهان و نیکوکاران رضائیه بشمار میرود و پیوسته آماده برای خدمتگزاری بهمشریان خود می باشد .

(۵۸۰) رعد

روزنامه رعد در طهران بمدیری و صاحب امتیازی « سید ضیاءالدین طباطبائی » مدیر روزنامه های شرق و برق تاسیس و منتشر شده است . پس از توقیف روز نامه شرق از طرف دولت ، سید ضیاءالدین اقدام بتاسیس و نشر روز نامه برق « از این روزنامه بتفصیل در حرف ب کتاب گفتگو نموده ایم » نمود . پس از آنکه حکم شماره ۱۳۳۱ نظمی در باره توقیف روزنامه برق بدین مضمون برای سید رسید : « آقای مدیر محترم روزنامه برق برحسب امر هیئت وزراء عظام اخطار میشود که از این تاریخ تا صد و ر حکم مجدد نبایستی روزنامه برق طبع و نشر گردد . رئیس تشکیلات نظمی و ستاد اهل .» سید بلا درنگ روزنامه رعد را منتشر ساخت .

سید ضیاءالدین در شماره اول روزنامه برق که بجای شرق در چهار صفحه بزرگ بهمان قطع منتشر ساخته ، پیش بینی میکند که ممکن است برق را هم بدون گناه و بی علت توقیف سازند آنوقت ما رعد را منتشر خواهیم ساخت . عین این مقاله که تحت عنوان « توقیف شرق یا مخاطره شرف مات » نوشته شده بدین قرار است : « روزنامه شرق که فقط جریده آزاد بی غرض ملی بود تقریباً بیست روز است از طرف وزرا باسم تجدید پرور ملت هواخواهی ناموس ملی بجرم طرفداری از شرف ملت بتقصیر ادای وظیفه ملیت بگناه دعوت ملت را بحفظ حقوق خود بدون محاکمه و ثبوت تقصیر مخالف نص قانون اساسی محکوم بتوقیف گردید شرق را توقیف کردید برق را منتشر ساختیم ، برق را توقیف بکنید رعد را طبع و منتشر میبازیم . رعد را از ما بگیری لغات معموله دیگر از میان نرفته . . . »

روزنامه رعد بهمان سبک و مسلک روزنامه های شرق و برق بطور یومیه منتشر

حرف ر بعده العین

رعد؛ رعد امروز؛ رعد قزوین

شده و هرنوبت ۱۵۰۰ نسخه از آن با چاپ سری در «مطبعه روشنائی» طبع گردیده . در روزنامه رعد نیز سید دست از حمله و انتقاد از رجال وقت بر نداشته بخصوص نسبت به وثوق الدوله که حملات شدیدی مینماید تا اینکه بالاخره وثوق الدوله مدبر رعد را بمعاکمه دعوت مینماید . گرچه در این معاکمه سید فاتح میشود ولی عوا مل دیگری بر علیه او قیام نموده و باعث میشود که او ایران را ترک و بقصد مسافرت بژاپون در سال ۱۹۱۷ میلادی مطابق محرم ۱۳۳۵ قمری از راه روسیه حرکت نماید . سید در آخرین شماره سال سوم رعد در ضمن يك اخطار به تعطیل موقتی روزنامه را بقارئین اعلام میدارد . و شاید علت تعطیل روزنامه پیشرفت قشون عثمانی در ایران بوده و چون سید طرفدار متفقین بوده ناچار به تعطیل روزنامه و ترک ایران شده است پس از مراجعت سید از روسیه بار دیگر روزنامه رعد در طهران منتشر شد و انتشار آن تا جمادی الاخره ۱۳۳۶ قمری ادامه داشت . در این وقت کابینه آقای مستوفی الممالک پیش آمد « حوت نیلان نیل ۱۲۹۶ » و در کابینه ایشان تمام جراید سیاسی از قبیل رعد ، شوری ، ایران نو تعطیل گردید . روزنامه رعد بار دیگر از توقیف خارج شد و از روز سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی مطابق اول برج دلو ۱۲۹۷ مجدداً اشاعه یافت و کم و بیش تا کودتای حوت ۱۲۹۹ منتشر میگردد . برای اطلاع از شرح احوال سید بحرف ب کتاب کلمه برق رجوع شود

(۵۸۱) رعد امروز

در تاریخ پانزدهم تیرماه ۱۳۰۵ شمسی شورای عالی معارف امتیاز روزنامه رعد امروز را در تهران بمدیری «آقامیرزا علی قی حقنویس» تصویب نموده ولی این روزنامه هیچگاه منتشر نشده است

(۵۸۲) رعد قزوین

روزنامه رعد قزوین بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (سید علی) در شهر قزوین تاسیس و شماره اول آن در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . لازم است یاد آور شویم که شماره اول این روزنامه بنام رعد منتشر شده و از شماره دوم ببعده کلمه قزوین با اسم روزنامه «رعد قزوین» اضافه شده است . علت افزودن کلمه قزوین این بوده که پس از اولتیماتوم روس و انگلیس بایران جمعی از ایرانیان که مخالف با اولتیماتوم بودند ترک یار و دیار خرید کرده آواره بیابانها و کوهها شدند من جمله از این فراریان آقای آ سید علی مدیر روزنامه رعد بود که پس از نشر شماره اول روزنامه ، مدت شش ماه در جنگلهای سواحل بحر خزر متواری بود . در اثنا یک مدیر رعد متواری بود ، سید ضیاء الدین طباطبائی ، مدیر روزنامه های شرق و برق ؛ بعلت توقیف آن دو روزنامه ، روزنامه رعد را منتشر ساخت و با این عمل در حقیقت اسم روز نامه دیگری را غصب نمود . پس از یکسال و اندی که آقا سید علی خواست مجدداً روزنامه خود را منتشر سازد ناچار شد کلمه قزوین را با اسم روزنامه اضافه کند و روز نامه را بنام «رعد قزوین» منتشر نماید .

رعد قزوین پس از نشر ۲۱ شماره چون در مقابل زور گوئیهای خارجیان و مرتجعین

حرف و بعده العین

رعد قزوین

داخلی نتوانست مقاومت کند، ناچار تعطیل گردید و مجدداً هنگامیکه قوای مسلحه دولت تزاری روس سرتاسر شمال را اشغال نموده بود، با بدایره انتشار گزاف و مقالاتی زننده و تند برحدت خود افزود. موقع جنگ بین الملل و بعد از جنگ موقعیکه قشون انگلیس جایگزین قشون روس در ایران گردید؛ باز هم رعد قزوین کم و بیش منتشر میشد. ذیلاً بذکر خصوصیات روزنامه میپردازیم: رعد قزوین معمولاً در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ، با چاپ سربی در مطبعه «قزوین» طبع و هفته یکمرتبه توزیع میشده در ذیل عنوان آن «جریده آزاد ملی» معرفی شده و وجه اشتراک بدین قسم تعیین گردیده است: سالیانه قزوین ۱۲ قران. ولایات داخله ۱۴ قران. مالک خارجی ۱۶ قران. ششماه به ترتیب ۶، ۷ قران. وجه اشتراک پس از نشر چهار نمره سه ماه به سه ماه پیش گرفته میشود. اعلانات صفحه اول سطری يك قران؛ در صفحه آخر دهشاهی عنوان مراسلات: قزوین اداره رعد. اسم روزنامه «رعد» بخط نسخ درشت و کلمه «قزوین» بخط ریز در داخل دال رعد نوشته شده. شماره ۲۰ سال چهارم آن که دارای نمره مسلسل ۴۲ میباشد در تاریخ شنبه ۲۲ صفر ۱۳۳۳ قمری مطابق ۱۸ برج جدی ۱۲۹۲ شمسی منتشر شده؛ مندرجات رعد قزوین پس از سرمقاله عبارت از اخبار محلی و اخبار کشور و اخبار جهان است. نمونه از سرمقاله های آن بدین قرار است: جنگ بین الملل و بیطرفی ایران - با فتح و غلبه دیگران منافعی ما ملحوظ نمیشود - صحبت های ساده - بدبختی های ما - شکست از تجاع شماره ۱۶ سال دهم روزنامه در تاریخ دوشنبه ۱۷ صفر ۱۳۴۱ مطابق ۴ میزان ۱۳۰۱ شمسی بهمان قطع و سبك سال های قبل در چهار صفحه انتشار یافته است. ظاهراً رعد قزوین بیش از چند سال پس از تاریخ فوق انتشار پیدا نکرده و تعطیل شده است. در شماره ۱۱ سال سوم دور. پنجم مجله معارف مورخ مرداد ۱۳۰۸ شمسی در باره تعطیل رعد قزوین و بطور کلی راجع بمطبوعات قزوین اظهار تاسف نموده مینویسد: «چیزیکه خیلی مایه تاسف است مطبوعات قزوین بی اندازه رو بضعف و انحطاط گذاشته فقط دو روزنامه یکی باز پرس و دیگری نو روز منتشر میشود و روزنامه رعد که یکی از مطبوعات مهم ایران بشمار میرود تعطیل است».

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۸۷) راجع بروزنامه مذکور می نویسد: «روزنامه هفتگی رعد در قزوین در سال ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۹۱۱ میلادی بمدیری (سید علی) و نویسندگی (شیخ عبدالعلی طهرانی ملقب بمیرد مدبر روزنامه مدی) منتشر شده، مسلك روزنامه دموکرات است و اینو انتشار این روزنامه را ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری یادداشت کرده. من نمرات يك و دو سه آنرا در دست دارم که تاریخ شماره اول آن ۲۳ اپریل ۱۹۱۱ میباشد. هر شماره آن چهار صفحه و وجه اشتراک آن ۶ قران در قزوین و ۸ قران در سایر شهرهای ایران است».

آقا سید علی - در ابتدای این شرح مختصری از وقایع زندگی مدبر روزنامه رعد قزوین را اشاره نموده و در اینجا اضافه میکنیم که نامبرده یکی از اشخاص آزادیخواه و با عقیده بوده و در اسفند ماه ۱۳۱۱ شمسی فوت نموده است.

حر ف ر بعده النون، لواو رفعت، رنجبر؛ رنجبر ایرانی؛ روح الامین

(۵۸۳) رفعت

مجله رفعت در سال ۱۳۰۶ شمسی بطور ماهیانه در طهران تاسیس و منتشر شده.

(۵۸۴) رنجبر

روزنامه رنجبر بمدیری آقای (علی نختین) در سال ۱۲۸۹ شمسی در شهر عراق (اراک) تاسیس و تا مدت سه سال منتشر شده است، این روزنامه با چاپ سنگی طبع شده و مطبعه آنرا در سال ۱۲۸۹ ازمازاد در آمد دیروستان صمصامیه عراق خریداری نموده و تا سال ۱۲۹۲ شمسی هم دایر بوده و یکسال بعد طبعه حریق گردیده است. در شماره ۵۸ روزنامه قزوین مورخ ۵ شنبه ۸ ذیحجه ۱۳۲۹ قمری تحت عنوان بشارت طلوع روزنامه رنجبر را اینطور نوشته است: «جریده شریفه رنجبر منطبعه سلطان آباد عراق که با بهترین ترتیبی عالم مطبوعات را زینت افزا شده بمسلك مستقیم دموکرات در فشانی مینماید شماره اول آن اداره رسیده طالبین بمطبعه قزوین رجوع نمایند»

(۵۸۵) رنجبر

روزنامه رنجبر در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران بزبان ارمنی تاسیس و منتشر شده است.

(۵۸۶) رنجبر ایرانی

روزنامه رنجبر ایرانی در سال ۱۲۹۹ شمسی در طهران بزبان ارمنی بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است. نگارنده تا کنون نه از این روزنامه و نه از روزنامه رنجبر بزبان ارمنی نمونه بدست نیاورده است.

(۵۸۷) روح الامین

روزنامه روح الامین در طهران در سال ۱۳۲۶ قمری تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است.

(۵۸۸) روح القدس

روزنامه روح القدس در طهران بمدیری «سلطان الملمای خراسانی» تاسیس و شماره اول آن در ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و هر شماره روزنامه در چهار صفحه بقطع ۶/۵×۱۱ سانتیمتر طبع گردیده است. وجه اشتراك سالیانه آن در طهران ۱۲ قران، در سایر شهرهای ایران ۱۷ قران. در روسیه ۵ منات؛ در سایر ممالك ده فرانك، مسلك روزنامه مبارزه بر علیه استبداد و مخصوصا شخص محمد علی شاه بوده و از این جهت در انقلاب ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری اداره روزنامه روح القدس که در یکی از بالاخانه های خیابان چراغ برق طهران بوده بدست قشون استبداد اشغال شد و بشرحیکه بنده یاد آور میشویم مدیر روح القدس با تنی مجروح بدست نظامیان گرفتار گشت. ظاهراً از روزنامه روح القدس بیش از ۲۶ شماره منتشر نگردیده و آخرین نمره آن که شماره ۲۶ میباشد در تاریخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری

حرف و بعده الواو

روح القدس

سلطان‌العلمای خراسانی — در عسکيه از ۲۲ نفر محبوسين با غشا گرفته شده و در اغلب منابعيکه راجع بمشروطيت ايران نشر شده عكس مذکور چاپ گردیده ، در بين اسامي محبوسين ، نفر دوم ، مدير جريده روح القدس است . در اين تصوير مدير روح القدس با لباس بلند و عمامه ديده ميشود و مانند سايرين زنجيري به گردن دارد . در همين تصوير صورت شيخ ابراهيم پسر عموي روح القدس نيز ديده مي شود . اسامي ۲۲ نفر از اين قرار است : ۱ - قاضي قزويني . ۲ - مدير جريده روح القدس ۳ - ميرزا حسين خان گماشته آقا بالا خان سردار . ۴ - شيخ ابراهيم پسر عموي روح القدس . ۵ - آقا مجيد سيگار فروش . ۶ - آقا علي سرباز . ۷ - شريف صحاف ۸ - ميرزا محمد عليخان مدير روزنامه ترقی . ۹ - مهدي باقر تبريزي . ۱۰ - حشمت نظام . ۱۱ - شاهزاده ناصر الملك . ۱۲ - ميرزا علي اكبر خان معتمد ديوان ۱۳ - ميرزا محمد علي پسر حاج ملك المتكلمين . ۱۴ - نايب باقر خان . ۱۵ - ميرزا داودخان ۱۶ - يحيى ميرزا ۱۷ - ميرزا بزرگ تبريزي ۱۸ - شيخ ابراهيم طالقاني ۱۹ - حاجي خان خياط ۲۰ - علي نيك ۲۱ - حاجي محمد تقی بنك دار ۲۲ - ميرزا علي اكبر برادر قاضي قزويني .

تفصيل گرفتار شدن مدير روح القدس را آقاي مهدي ملك زاده در كتابي كه در شرح احوال پدر خود مرحوم ملك المتكلمين نوشته ، اينطور ضبط كرده است : > اداره روزنامه روح القدس در يكي از بالاخانه هاي خيابان چراغ برق بود و اين خيابان از طرف نظاميان اشغال شده بود همينكه نايره جنگ مشتعل شد مرحوم روح القدس كه در اداره روزنامه بود يكه و تنها در مقابل هزارها سرباز مسلح كه خيابان را اشغال کرده و بطرف مجلس رهسپار بودند بچنگ پرداخت و چند نفر از مهاجمين را كشت و عده اي را مجروح كرد تا اينكه اداره روزنامه بدست قشون استبداد اشغال شد و آن آزاد مرد با شهامت با تني مجروح ولي روحي توانا و سرکش بدست مهاجمين گرفتار گشت . و چنانچه در تاريخ شهداي مشروطيت بتفصيل ذكر شده پس از آنكه سربازها با سرنيزه و ته تفنگ او را از پاي در مياورند آن بدن نيم جان را بياغ شاه آورد . و زنجير كردند و پس از چند روز شهيدش ميكنند و نقش او را در چاه مياندازند . < كتاب زندگاني ملك المتكلمين چاپ طهران ص ۲۶۲ .

آقاي ملك زاده در جاي ديگر اين كتاب (ص ۲۶۹) راجع بروح القدس مي نويسد : > هنوز فاصله زيادي با باغشاه داشتيم كه غده زيادي سرباز و قزاق او با ش با شمشيرهاي كشيده و چوب و چماق باستقبال ما آمدند و ما را درميان گرفتند و كردند آنچه را كه قلم از نوشتن آن عاجز است ... مردميكه اطراف ما را گرفته بودند بما فحش ميدادند آب دهن بطرف ما ميانداختند . روح القدس كه مرد شجاع و غيوري بود و چنانچه در صفحات پيش بدان اشاره كرديم شخصا چندين نفر از قشون دولتي را كشته بود بناي برخاش را نسبت بقزاقها گذارد و آن ها را پست و بي شرف و اجنبي پرست خواند قزاقها كه چنين انتظاري از يك نفر محبوس مجروح نداشتند بطرف او حمله كردند روح القدس كه وسيله براي دفاع خود نداشت دست در جيب خود كرده يك گلوله

حرف ر بعده الواو

روح القدس

ریمان بیرون آورد و بطرف آنها پرتاب کرد قزاقها خیال کردند که بمی بطرف آنها پرتاب شده همگی رو به پریخته فرار کردند و این عمل سبب خنده و تفریح چند تانیه مآشد. در اینجا قدری بعید بنظر میرسد کسیکه مدتی جنگ کرده و چند نفر را کشته و بیش از بدن نیم جانی از او باقی نمانده قتا در باشد اولاً فوراً بسا بر محبوسین ملحق گردد و ثانیاً گلوله پرتاب کند و ثالثاً ورود او در باغشاه با سایرین در یک وقت انجام گیرد: و خلاصه اینکه قدری این قسمت از تاریخ آقای ملک زاده مفشوش بنظر میرسد در کتاب حکومت تزار و محمد علی میرزا تالیف (ن. پ. ماموتوف) افسر روس که خود در انقلاب مشروطیت حضور داشته و وقایع را آنچه برای العین دیده برشته تحریر در آورده است تفصیل قتل مدیر روح القدس را قسم دیگر آورده و اگر آنچه را این افسر روس یادداشت کرده صحیح بدانیم باید بگوئیم اصلاً روح القدس در باغشاه برده نشده و جزو محبوسین نبوده و معلوم میشود تصویری هم که از ۲۲ نفر در دست است و عکس روح القدس جزو آنهاست ساختگی است و اعتمادی بآن نیست. شرحی که افسر روسی نوشته بنقل از صفحات ۱۰۳ و ۱۰۴ ترجمه کتاب (مترجم شرف الدین میرزا قهرمانی) بدین قرار است:

«کشتگان را در دو صف در حیاط سربازخانه نزدیک مریضخانه گذاشته بودند جمعیت بسیاری دور آنها جمع شده بود... من برگشتم که مراجعت نمایم، در همین وقت چشم بقزاقی افتاد که جمعیت را پس و پیش میکرد و دیوانگان شباقت داشت چشمانش برق میزد و قمه برهنه ای را در دست میفشرد. قزاق مذکور با ناله خفیفی خود را بروی نعش یکنفر وکیل ریشداری انداخت که دو نوار بر دوشش بود. وکیل روسی پهلوی من ایستاده بود آهسته بگوشم گفت برادر او پس از جنگ وقتی بقزاقخانه بر میگشته در خیابان چراغ گاز کشته شد. وقتی قزاق قمه خود را بفرق شکافته برادرش تکیه داد من پیش خود گفتم (او راستی دیوانه شده است) او چند کلمه زیر لب گفته تیغه قمه خود را بخونی که هنوز از زخم برادرش جاری بود آغشته قمه را غلاف کرد و از سر نعش برادر برخاسته از میان جمعیتی که شریک غم او شده بودند بطرف درب میدان مشق روانه شد. شخصی که پهلوی من ایستاده بود گفت: رفت انتقام بکشد نمیشود او را نگاه داشت الان هیچ نمیفهمد - یک سیدی برادر او را کشت و موفق بدستگیری او نشدند پس از چند دقیقه دو نفر را بخانه فرمانده تیب آوردند سه نفر قزاق طنایی را بگردن و دست آنها بسته بود محکم نگاهداشته و قزاق چهارمی دو قبضه تفنگ شکاری در دست داشت. این دو نفر را در خیابان چراغ گاز تفنگ بدست گرفته بودند در قطار فشنگ دیگر فشنگ نداشتند ولی تفنگ های آن ها هنوز گرم بود. فرماید تیب گفت بخدا قسم بخورید که اشتباهی نکرده اید قزاقان گفتند قسم میخوریم که اینها همانهایی هستند که وکیل را کشتند، دستور فرمانده تیب خیلی مختصر بود: «در میدان مشق آن ها را دار بزنید تا همه به بینند»

اسرا را با توسری بیرون بردند آن ها خود را تسلیم مقدر و صرنوشت خود کرده هیچ نمی گفتند هر دو بلند قد بودند و سرها را پائین انداخته با ضربت قنداق تفنگ

حرف در بعده الواو روح القدس: روستانی، روشن، روزنامه اسلامی

رفتند، وقتی آن ها را از خانه فرمانده تپ بیرون بردند جمعیت زیادی دور آن ها را گرفت. در حیات قزاقخانه جمعیتی که هر دقیقه زیاد میشد غفلتا بهلوی کشتگان ایستاد هیاهوی غریبی برپاشد. برق شوشکه ها و قمه ها دیده شد و اسیران را در يك چشم بهم زدن تکه تکه کردند تیغه های خو نین در فضا می درخشید و دو باره به بدن باره باره آن ها فرود می آمد. قزاقها برای آن که بتوانند بجسد آن بیچارگان شمشیری فرود آوردند حاضر بودند یکدیگر را بزنند، آخر الامر آن ها را بسرب میدان مشق کشید. چندین گلوله تپانچه هم بآنها زدند (یکی از آن دو نفر مدیر روح القدس بود، مترجم شنیده میشد که فریاد میکردند: خون در عوض خون - انتقام برادرهای خود را میکشیم من دم در ب قزاقی را که برادرش کشته شده بود دیدم او روی سنگ نشسته سر را بدست تکیه داده در غم و غصه خود فرو رفته بود. قمه آغشته بخون تازه او روی زمین افتاده بود. <

و باز آقای ملکزاده در مجای دیگر کتاب در باره قتل روح القدس مینویسد ص ۲۸۶ کتاب: < چند روز بعد مرحوم روح القدس را با خواری هرچه تمامتر بانبار دولتی که نزدیک ارك سلطنتی بود بردند و پس از صدمات طاقت فرسا که بآنمظلوم وارد آوردند او را با کمال شقاوت خفه کردند و جسدش را در چاه انداختند >

(۵۸۹) روح القدس

روزنامه روح القدس در سویس بدیری (میرزا علی اکبر خان دهخدا) تاسیس و منتشر شده است. پس از انقلاب جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری و فرار آزاد بخوانان بخارج ایران، منجمله از این فراریان آقای دهخدا بود که سابقا در جریده صور اسرافیل متالانی تحت عنوان (چرندوبرنه) منتشر میساخت و بهلاوه دبیری روزنامه روح القدس بعهده او بود. آقای دهخدا پس از رسیدن بکشور سویس دوشماره روزنامه روح القدس را آنجا منتشر نمود و پس از استقرار مشروطیت روانه استانبول گردید و در این شهر روزنامه سروش را منتشر ساخت. از روزنامه سروش بتعصیل در حرف سین کتاب گفتگو خواهیم کرد.

(۵۹۰) روستانی

در سال ۱۳۰۰ شمسی مجله روستانی بطور هفتگی در طهران تاسیس و منتشر شده است.

(۵۹۱) روشن

در تاریخ سوم خرداد ۱۳۰۶ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه روشن را بدیری (سید عبدالحمین خان رضوی) در شهر مشهد تصویب نموده و این روزنامه بطور هفتگی منتشر شده است.

(۵۹۲) روزنامه اسلامی

روزنامه اسلامی در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور روزانه در طهران تاسیس و منتشر شده است.

روزنامه حکیم الممالک (۵۹۴)

در سال ۱۲۸۳ قمری ناصرالدین شاه از طهران بخراسان سفر مینماید. تند و بن شرح این مسافرت بمده (میرزا علینقی خان پسر آقا اسمعیل جدیدالسلام) که از همراهان ناصرالدین شاه بوده واگذار میگردد و نامبرده موفق بنوشتن این سفرنامه که بنام (روزنامه حکیم الممالک) موسوم و معروف شده، میگردد. این روزنامه با چاپ سنگی و خط نستعلیق خوب در ۴۸۵ صفحه بقطع پستی در (کارخانه آقا میر باقر طهرانی) طبع شده و کاتب آن (علی اصغر) بوده است.

آغاز روزنامه حکیم الممالک بدین قسم است: «بسم الله الرحمن الرحيم؛ جهان دار خدائی را منت و ستایش سزااست که جهانداران با عز و تمکین را در روی زمین بابت جلالت و عظمت خویش برافراشت و با اینکه با هر موجودی همراهت فهم و درک صفات شریف خویش را از قوه هر وهم و خیال برتر گذاشت، سبحانه و تعالی جل جلاله و عظم شانه چگونه ممکن است که مصنوعی نادان و مخلوقی ناتوان حق صفت و قدر نعمت صانع قوی و قدیم شناسد.....» پس از ذکر مقدمه مذکور و مدح و ثنای رسول اکرم و جانشینان او مینویسد: «وبعد چون در این سال فرخنده فال که فرخی و اقبالش مال باد شاهنشاه دین پناه السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار فی الجمله از تمهید قواعد معدلت و تشیید مبانی مرحمت و تربیت مصالح انصاف و صفح رسوم اعتساف و اطافای نوایر فساد و القای آئین عدل و داد آسوده خاطر گشت ۰۰۰۰ بزم زیارت استان عرش نشان حضرت امام ثامن ضامن سفری بجانب شرقی مملکت فرمایند ۰۰۰۰ پس سران سپاه و امرای دربار گردون اشتباه را امر و مقرر شد که اسباب سفر آماده سازند و دو کمال استعجال با خیمه و خرگاه به بیرون تازند ۰۰۰۰۰ این ذره بی مقدار و خانه زاد دولت گردون مدار علینقی ابن اسماعیل که از تفضلات الهی و از عنایات حضرت شاهنشاهی در خاکبای فلک فرسای همایونی بسمت پیشخدمتی و طبابت حضور سرافراز و مفتخر است و همه اوقات را لیل و نهاراً سفر و حضراً از سعادت زیارت استان مهر نشان دور نیست شکرانه این موهبت عظمی را لازم دید که روزنامه این سفر مبارک اثر را بطور مختصر بنکار دپس آرزوی خود را بعرض ها کفان حضور معدلت دستور رسانیده و اجازه اجرای آنرا درخواست نمود این مطلب مقبول طبع مبارک همایونی آمده مقرر شد که در ثبت این روزنامه تنها به بیان احوال ذات خجسته صفات همایونی و وقایع حادثه اکتفا نکند بلکه حتی الامکان مختصری نیز از تعلیمات جغرافیائی یعنی حالت راه و هیأت ارضی و جبال و انهار و قرا و بلادی که مسیر موکب فیروزی کوکب اند بطور اختصار اطلاعی بدهد و این کتاب را بر حسب امر علیه روزنامه حکیم الممالک نام نهد اکنون بعون الله تعالی شروع به مطلب میکنیم و وقایع روز بروز و حالات اتفاقیه را بدون کسر و نقصان مینگاریم.» صفحات ۱ تا ۷ روزنامه. پس از ذکر مقدمه مذکور باصل مطلب پرداخته و از وقایع «روزیگانه پانزدهم شهر ذیحجه العرام سنه توشقان ثیل ۱۲۸۳ هجری نبوی» شروع

حرف ر بعده الواو

روزنامه حکیم الممالک

وبدین قسم آغاز میگردد: «درین روز که یکماه از عید نوروز سلطانی گذشته و اولین ماه بهار و تمام دشت و کوهسار از فرط خرمی چون عهد پادشاه کامکار بساط عیش و سرور گسترده هنوز گل سرخ درغنچه بود و بنفشه تازه خود نمائی مینمود گل ارغوان نمایان و شکوفه دانه دانه در زیر برگها پنهان ۰۰۰۰» سپس شرح همراهان ناصرالدین شاه و بنای دوشان تپه که اولین منزلگاه بوده میبردازد. از صفحه بیست و دو وقایع روز دوشنبه ۲۳ شهر ذیحجه را ذکر مینماید و همچنین بعد روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۰۰۰۰۰۰ روزنامه حکیم الممالک بذکر وقایع روز یکشنبه بیست و دوم جمادی اولی که ناصرالدین شاه بسلطنت آباد مراجعت کرده خاتمه پیدا میکند «در این روز که روز آخر سفر بود بحمدالله تعالی وجود مسعود قرین کمال عافیت بانصرت و اقبال بدون آنکه آسیبی باحدی از چاکران رسیده باشد ۰۰۰۰»

در پایان یعنی در صفحه آخر روزنامه حکیم الممالک از اینکه از (عهد) اختتام این روزنامه برآمده (شکر خداوند را مینماید و اضافه میکند: «اگر چه اصل نسخه آن دستخط مبارک و روزنامه مخصوص همایون شاهنشاه بود و این عهد را فضیلتی در تجسیم و تحریر آن نیست ولی همین قدر فخر میکند و شکر میگذارد که انجام این خدمت بمهره این عهد ذلیل مرجوع گشت و بسی و اهتمام ناقص او سمّت اختتام پذیرفت امید آنکه در اسنان ملایک پاسبان بخطابوشی سهو و نسیان آن اغماض شاهنشاهانه شامل گردد و صاحبان فضل و منشیان و دیران عصر از روی مرحمت و عیب پوشی در آن نگردند فی سلخ شهر جمادی الثانی من شهر سنه هزار و دوست و هشتاد و شش هجری - نبوی العبد علی تقی حکیم الممالک ۰»

نگارنده یکنسخه تمام و کامل از روزنامه حکیم الممالک را در دست دارد. در روز نامه تصاویری نیز بقلم (میرزا بزرگ غفاری) رسم شده که منجمله از آنها (تصویر سردار یعقوبخان حاکم هرات و افغانستان) و تصویر (شجاع الدوله امیر حسینخان) و تصویر (اردوی همایون دو چشمه علی دامغان) و غیره رسم گردیده است.

میرزا علینقی حکیم الممالک - میرزا علینقی حکیم الممالک پسر حاجی آقا اسمعیل جدیدالاسلام پدرش که در سال ۱۲۹۳ فوت کرده از پیشخدمتان فتحعلیشاه و محمدشاه و در عهد این پادشاه و ناصرالدین شاه پیشخدمت باشی بود و پس از او این شغل پسرش میرزا علینقی رسید. میرزا علینقی با حفظ این سمت پس از افتتاح مدرسه دارالفنون در آنجا علم طب را آموخته و در سال ۱۲۷۲ بمعیت فرخ خان امین الدوله کاشی بسمت نیابت دوم سفارت عازم دربارهای اروپا شده و در سفارت حسنعلیخان امیر نظام گروسی در فرانسه نیز همین سمت را داشته و ضمناً در پاریس تکمیل طب می کرده، پس از مراجعت از ندما و محارم شاه شده و در ۱۲۸۴ بلقب حکیم المالکی ملقب گردیده است. از این تاریخ حکیم الممالک که مردی با فضل و ادب و شاعر و خوش صحبت بود پیوسته با شاه در سفر و حضر همراه میزیست تا آنکه در سال ۱۲۹۳ به حکومت بروجرد و بختیاری منصوب گردید. در ۱۲۹۵ با شاه بفرنگ رفت، در ۱۲۹۹

روزنامه رسمی دولت ایران

حرف ر بعده الواو

بوزارت معادن و عضویت دارالشوری منتخب و از سال ۱۳۰۲ بعد رسماً پیشخدمت باشی اسلام بود و در همین ایام است که مستر بنجامین در کتاب خود از او نام میبرد. «شرح مذکور عین عبارت شماره اول سال سوم مجله یادگار است که بناسبتی شرح احوال حکیم المالك در آنجا نوشته شده است.»

(۹۹۴) روزنامه رسمی دولت ایران

شماره اول روزنامه رسمی دولت ایران در ۶۸ صفحه بقطع وزیری متوسط، با چاپ سری، روی کاغذ نازک، در طهران، در مطبعه دولتی چاپ و در تاریخ سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی مطابق ۲۸ حمل ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. قیمت اشتراك یکساله آن در پایتخت ۴۵ قران؛ داخله ۵۵ قران؛ خارجه ۷۰ قران، ششماهه بترتیب: ۲۳، ۲۸، ۳۶، ۴۵ قران؛ سه ماهه ۱۲، ۱۴، ۱۸ قران. تك نمره: تهران ۶ شاهی ولایات ۷ شاهی. طرز انتشار روزنامه رسمی دولتی هفته سه بار ایام یگشنبه؛ سه شنبه و پنجشنبه منتشر میشده و در هر شماره فهرست مندرجات در صفحه اول ذکر گردیده. فهرست شماره اول بدین قرار است: دربار شاهنشاهی. (جلسات معینه هیئت وزراء عظام، اعطاء نشان قدس بر رئیس الوزراء؛ سواد فرمان شاهنشاهی، معاونت ریاست وزراء، تبریکات لقب.) وزارت داخله: (حکام جدید - تأمینات - نظامات - نظمیه و امنیه - منصوبین - حکومت بابتخت؛) وزارت جنگ: (توپخانه - ریاست فوج سیلاخور) و وزارت خارجه (دعوت کفرانسهای خارجه - تغییر مامورین پلیتیک) وزارت عدلیه: تغییر مامورین وزارت مالیه: (تغییر ریاست کابینه مالیه) وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه: (دستخط نیابت سلطنت) قانون اوقاف، وزارت تجارت و پست و تلگراف: «تبرهای جدید» تاسیس صندوق پست برای تسهیل مراسلات، مجلس شورای ملی جلسه ۲۱۵ و ۲۱۶ مطابق سه شنبه ۲۶ ربیع الاول و پنجشنبه ۲۸ ربیع الاول.

از خصوصیات روزنامه رسمی دولت ایران چاپ صورت مذاکرات مجلس شورای ملی است که در آن بنفصیل چاپ شده و در سقیة بعد از روزنامه «مجلس» تنها روزنامه ایست که در آن از (با) نمایندگان مذاکرات مجلس مفصلاً چاپ شده و این رویه تا آخرین سال انتشار روزنامه معمول بوده است. قبل از انتشار شماره اول روزنامه ورقه ای بنام (ورقه فوق العاده روزنامه رسمی) با چاپ سری که در مطبعه دولتی چاپ شده و بقیمت صد دینار بفروش میرسیده، چاپ و منتشر شده، این ورقه بمنزله طلعه روزنامه بوده و بامضای (مدیر کل اداره روزنامه رسمی مرتضی قلی موید المالك) است: در این ورقه قبل از نوشتن اخبار چند سطر ری راجع بانتشار روزنامه نوشته که بی مناسبت نیست عین آنرا نقل نمایم: «کسانیکه از اوضاع دول مقتدره متمدنه اطلاع دارند بخوبی میدانند هر يك از دول معظمه دارای روزنامه های رسمی و نیم رسمی هستند که هر کدام بوظیفه که موظفند عمل نموده دول معظمه چقدرها اهمیت بروزنامه های رسمی و نیم رسمی میدهند. دولت قدیمه علیه ایران نظر بلزوم و بلکه وجوب روزنامه رسمی از چندی قبل در صدد تاسیس روزنامه رسمی بوده تا این زمان بانجام این نیت مهم نائل نشده بود اینك از آنجائیکه هم عالی والا حضرت نایب السلطنه امورات دولتی را

حرفه بعدہ الواء

روزنامه رسمی دولت ایران

اساساً بیدار خویش انداخته لهذا کابینه محترم حالیه بتصویب مجلس مقدس روزنامه رسمی را با اساس محکم تاسیس فرموده ، روزنامه رسمی با پرگرام ذیل از یوم سه شنبه بمبارکی منتشر میگردد ، قرائت این روزنامه برای اشخاصیکه رسماً در خدمت بدولت اشتغال دارند از فرائض است زیرا که مطالبش از روی تحقیق و واقعیت و رسمیت است و از احتمالات و مسموعات و اخبار غیر مستقیمه دور . روزنامه رسمی در هفته سه مرتبه و در هر مرتبه به اندازه دو ورق بزرگ معمولی حالیه است که بطور مجله بقطع مطبوعی مقطع و دارای سی و دو صفحه خواهد بود « شماره اول برخلاف این وعده ۴۸ صفحه است ، مولف » قیمت اشتراک در طهران سالیانه چهل و پنج و در ولایات داخله ۵۵ قران و در خارجه هفت تومان است که معادل با سی و پنج فرانک تقریبی بوده باشد . تک فروشی این روزنامه در تهران ۶ شاهی است . این روزنامه در شماره های اول تا چهار پنج نمره بملاحظه مذاکرات مجلس مقدس که عقب افتاده چهل و هشت صفحه بطبع میرسد ولی قیمت ۵۵ مان دو ورق است . مطالب مذکور تاریخچه از تاسیس و پیدایش روزنامه رسمی دولت ایران است بخلاصه اینکه روزنامه رسمی روزنامه ایست دولتی و دولت بتصویب مجلس شورای ملی برای نشر اخبار مربوط بوزارتخانه ها و ادارات دولتی و قوانین و صورت مذاکرات مجلس شورای ملی آنرا تاسیس و منتشر نموده است . ولذا مندرجات آن عموماً اخبار رسمی و قوانین مصوبه و غیره است که از هر وزارتخانه در زیر نام آن وزارتخانه ثبت شده است . مدیریت روزنامه رسمی دولت ایران از بدو تاسیس بمقدمه مرحوم موید الممالک فکری بوده « شرح احوال بضمیمه عکس ایشان در ذیل روزنامه پلیس ایران بتفصیل چاپ شده خوانندگان گرام بدانجا مراجعه فرمایند » و تا هنگام فوت موید الممالک یعنی نور ۱۳۳۶ قمری تحت نظر و مدیریت آن مرحوم منتشر شده است .

پس از فوت موید الممالک بموجب حکم رسمی وزارت داخله و ابلاغ شاه وقت در جوزای سال ۱۳۳۶ قمری مدبری روزنامه بمقدمه فرزند آن مرحوم ، شاهرخ فکری واگذار میگردد و نامبرده روزنامه را مرتباً تا آخر برج اسد ۱۳۳۶ منتشر مینماید . آخر برج اسد بواسطه عدم تکافوی بودجه از طرف آقای وثوق الدوله رئیس الوزرای وقت ابلاغ تعطیل موقتی روزنامه تا موقع تکمیل بودجه صادر میگردد . و تعطیل روزنامه ادامه پیدا میکند تا در اواخر کابینه آقای قوام السلطنه یعنی در جدی ۱۳۰۱ شمسی که مجدداً اداره روزنامه بمقدمه (آقای فخرالدین وفا مدیر روزنامه شهاب) واگذار گردیده و روزنامه تحت نظر ایشان منتشر شده است . روزنامه ایران مورخ ۱۲ جدی ۱۳۰۱ در ضمن اخبار داخله راجع بانتشار مجدد روزنامه اینطور مینویسد : « روزنامه رسمی در دوره دوم مجلس شورای ملی تاسیس گردید که مطابق معمول محتوی اخبار قطعی تشکیلات حکومتی و درج تمام مذاکرات مجلس وانتشار تمام تعیینهای رسمی و حکومت ها و مامورین دولتی میباشد و چون لازم بود عین مذاکرات مجلس شورای ملی کاملاً انتشار یابد دولت مجدداً بتاسیس روزنامه مزبور مبادرت نمود نظر باینکه لازم بود شخص فاضل و طرف اعتمادی عهده دار مسئولیت انتشار روزنامه مزبور باشد از طرف وزارت داخله مدیریت روزنامه مزبور باقay فخرالدین وفا مدیر روزنامه ملی

حرف ر بعده الواو

روزنامه رسمی دولت ایران

شهاب واگذار گردید ما این حسن انتخاب را تقدیر و موقیت مدیر محترم را خواهانیم.
حکم واگذاری مدیریت روزنامه آقای فخرالدین وفا با مخالفت و داد خواهی
آقای شاهرخ فکری فرزند مؤیدالمالک مواجه گردید و این اولین باریست که در تاریخ
جراید ایران برای اداره نمودن روزنامه بین دو نفر کشمکش آغاز میگردد. آقای
شاهرخ فکری تحت عنوان (دفاع و داد خواهی) شرحی اعتراض آمیز بدولت و مجلس
نوشته که متن آن درجراید آنوقت چاپ شده و ما برای تکمیل تاریخ مطبوعات ایران
عین آنرا از شماره ۳۹ سال دوم روزنامه طوفان مورخ ۲۳ د لو ۱۳۰۱ شمس ذیلا
نقل مینمائیم :

« ساحت مقدس مجلس شورای ملی - فدوی شاهرخ مؤیدالمالک پسر ارشد مرحوم
مؤیدالمالک مدیر روزنامه رسمی دولتی و نامه ملی ارشاد احتراماً خواطر آقا یا ت
و کلا را متوجه ساخته و بعنوان یکنفرایرانی داد خواهی و استرحام مینماید . قاطبه ملیون
و سکنه ایران از مراتب خدمتگذاری مرحوم مؤیدالمالک و زحماتی را که در راه آزادی
ملت متحمل شده مسبوق و این بنده نبایستی کسی باشم که پس از مرور چندین سال از
فوت آن مرحوم در مقام معرفی آن مرحوم برایم بلکه تاریخ مشروطیت و آثار قلمی و فخر
آن مرحوم و وراثت مثبت این مدعی میباشد و چون نظارت در اجرای عدالت و وظیفه
و کلائی مجلس شوری میباشد خواطر و کلا را بربیک ظلم فاحشی مطلع گردانم : پس
از فوت مرحوم مؤیدالمالک مدیریت روزنامه رسمی بموجب ابلاغ همیونی و حکم وزارت
جلیله داخله فدوی از جاع و بدون ذره قصور و مسامحه بانجام وظایف با عدم تجمع
وسائل اجرای مقصود از قبیل عسرت صندوق دولت و ضیق بودجه روز نامه و امثالهم
مبادرت نموده و صفحات آن ایام روزنامه رسمی و قروض فدوی با اشخاص مختلفه در این
موضوع حای از مراتب خدمتگذاری صادقانه فدوی میباشد باتمام موانع معروض خدمات
خود را ادامه داده تا کابینه ثانی آقای وثوق الدوله که حسب الامر ایشان موقتاً برای
رفع نواقص روزنامه را تعطیل و فدوی چون متکفل معاش جمعی صغار آن مرحوم بود م
الجبائاً داخل خدمت وزارت مالیه و پس از کودتا منتقل بیلدیه گردیدیم . اگر بخوایم شرح
خدمات و خسارات وارده بر شخص خود و مرحوم مؤیدالمالک را بعرض برسانم علاوه
بر آنکه موجب رقت خواهد شد از موضوع مقصود دور خواهم افتاد لهذا مستقیماً بعرض
مطلب شروع و اطلاع میدهم که در اواخر کابینه آقای قوام السلطنه شنیدیم که تصمیم
گرفته شده مدیریت روزنامه رسمی را بدون هیچ مجوز قانونی از فدوی سلب و بدیگری
واگذار فرمایند حسب الوظيفه دو مرتبه کتباً ب مقام ریاست وزراء مراتب را تذکر داده
ولی مع التأسف کوچکترین موافقتی مشهود نگردیده سهل است حکم مدیریت روز نامه
رسمی را بنام دیگری که بکلی باقد سوابق میباشد صادر و طولی نکشید که کابینه معظم
له ساقط و عجالاً آقای مستوفی المالک بسمت زمامداری این مملکت منصوب گردیده
اند و چون فدوی بواسطه خدمات مرحوم مؤیدالمالک تحت الحمايه مجلس شوری میدانند
خاطر رئیس محترم دولت را بر مظلومیت فدوی مسبوق که مقرر دارند استرداد حق مشروع
فدوی را فرمایند تا موجب امیدواری گردد . »

حرف ر بعده الواو

روز نامه شیخ فضل الله

غرض از نقل دادخواهی یکی اطلاع از تاریخچه روزنامه رسمی و دیگری از وضع زندگی باقیماندگان مرحوم مویده الممالک است. با اینکه روزنامه رسمی دولت ایران در حقیقت دنباله روزنامه (ایران) قدیم است که از یادگارهای امیرکبیر می باشد و جای آن داشته که شماره اول سال اول آن؛ دنباله روزنامه ایران به حساب آید، مع ذلك الصاق سنوات ملحوظ نگردیده و شماره اول آغاز روزنامه محسوب شده است. دنباله روزنامه رسمی دولت ایران، اکنون نیز بنام روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی بدیبری آقای سید محمد هاشمی، طبع و نشر میگردد و اداره آن در جزو ادارات مجلس شورای ملی است. از این روزنامه در ذیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو خواهیم کرد.

(۹۹) روزنامه شیخ فضل الله

در حوادث مشروطیت پس از آنکه شیخ فضل الله نوری از مخالفین سر سخت مشروطه ایران و بیروان او در حضرت عبدالعظیم بست نشستند بمنظور نشر مقاصد خود در بین مردم و نشان دادن زیانهای مشروطه در صدد برآمدند نوشته هایی میان مردم پراکنده نمایند. از طرفی چاپخانه های طهران هیچکدام حاضر بطبع لوايح و مقالات آنان نبوده زیر بار نمی رفتند لذا ابتدا متحصنین مطالب خرد را روی ورقه با خط خوش نوشته و از روی آن عکس برداشته منتشر مینمودند ولی چون این کار گران تمام میشد بعد در صدد تهیه چاپخانه برآمدند و برای این کار يك مطبعه سنگی با لوازم آن از سید مرتضی برغانی بیکصد و سی تومان خریده شبانه به حضرت عبدالعظیم برده و در آنجا بکار انداختند. روزنامه هایی که در آن تاریخ در حضرت عبدالعظیم چاپ شده بنام روزنامه شیخ فضل الله موسوم گردیده و مجموعاً ۱۹ شماره منتشر شده است. این روزنامه ها همان قسم که نوشتیم با چاپ سنگی و بعضی بخط نستعلیق و قسمتی بخط نسخ خوش و با طبع مرغوب و پسندیده است مرحوم کسروی در جلد دوم تاریخ مشروطه ایران بعضی از این روزنامه ها را گراور نموده و من جمله در انتهای یکی از آنها نوشته: «در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم بطبع رسید بوم سه شنبه ۱۲ جمادی الثانی» مندرجات این روزنامه عبارت از لوايح و مقالاتیست که مردم را بر علیه مشروطیت تحریک می نماید مقاله زیر نمونه مندرجات یکی از نمرات آنست: «جماعت آزادی طلب بتوسط دولفظ دلر برای عدالت و شوری برادران ما را فریفته بجانب لا مذهبی میرانند و گمان می رود که هصر ریاست روحانی شما تاریخ انقراض دوات اسلام و انقلاب شریعت خیر الانام واقع بشود و چیزی نگردد که حریت مطلقه رواج و منکرات مجاز و مسکرات مباح و مخدرات مکشوف و شریعت منسوخ و قرآن مهجور بشود و این سوء ذکر و عوار عظیم در شرح احوال شما ها ابدالدعیر باقی بماند. شما ها که بهتر میدانید که دین اسلام اکمل ادیان و اتم شرایع است و این دین دنیا را بدل و شوری گرفت آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از باریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید! اگر این سر سیاسی را از دار الخلافه و غیرها استکشاف فرمودید خواهید دید که در این فتنه عظمی

حرف و بعده الواو روزنامه شیخ فضل الله؛ روزنامه های روزنو

برز الاسلام کله الی الکفر آنوقت داعیه اسلام را اجابت خواهید کرد و استغاثه ما را لبیک خواهید گفت . اما دربار دولت حیرت باید داشت و عبرت باید گرفت شخص اول برخلاف مصلحت شرع و غبطه پادشاه با این فرقه همراه است تاخاک ابن علقمی است عمراو باد . اعمام همایونی با گنجهای قارونی خود را بکناری کشیده اند رجال دولت همه خاموش همه مدهوش کانهم خشب مسنده . پادشاه اسلام پناه آیا خود نیز غافل است یا متغافل نمیدانیم شاید وسوس و وزراء خیانت شعار و دسائس دولتهای همجوار و افسون های دردمندانه روزنامجات که امروز از وسائل تهتک و تجری و ادوات تکسب و تنکسی شده است در ضمیر منیر تاثیر نموده ذات اقدس را برای تسلیم کردن اسلام و تبدیل دادن شرایع و احکام حاضر ساخته باشد ...»

مرحوم کسروی درجله دوم تاریخ مشروطه ایران (ص ۱۷۳) درجائیکه از لایحه نویسی بست نشینان گفتگو میکند در باره روزنامه شیخ فضل الله اینطور مینویسد: « میرزا محمد علیخان تربیت در کتایبکه در باره روزنامه های ایران نوشته و پرفسور براون آنرا بانگلیسی ترجمه کرده گفته این لایحه ها تا شماره ۱۹ بیرون آمده ولی درست نیست و شماره آنها بیشتر از ۱۹ میباشد . اینان نخت با نستعلیق مینوشتند و بیرخی از آنها تاریخ با شماره میگذاردند و من تا شماره ۱۵ دیده ام سپس گویانویسنده دیگر شده و این بار بانسخ نوشته اند و شماره آنها نیز از سر گرفته اند و این رشته دوم است که تا ۱۹ رسیده است . » لازم است یاد آور شویم که قسمتی از مندرجات روزنامه شیخ فضل الله را روزنامه جبلالتین یومیه طهران نقل نموده و بآنها پاسخ داده.

(۵۹۶) روزنامه ملی

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۱۰) راجع بروز نامه ملی مینویسد: « روزنامه ملی - روزنامه نیم ورق هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی در غره رمضان سال ۱۳۲۴ قمری . در جای دیگر این فهرست در ذیل (روزنامه مجلس ملی تبریز) مینویسد: « روزنامه نیم ورق منتشر در غره رمضان ۱۳۲۴ قمری بمیدریت سید علی اکبر این روزنامه اولین ورقه ایست که در تبریز پس از اعلان مشروطه نشر شده چون کلمه مجلس مناسب نبود بر حسب پیشنهاد نگارنده این شماره انتشار نیافته و بجای آن در همانروز شماره دیگری بعنوان روزنامه ملی چاپ و منتشر شده و بعد از اندکی تبدیل اسم داده بجریده ملی موسوم گردیده و بعد از مدتی بنام انجمن شروع با انتشار نموده است . » از شرح مذکور معلوم میشود روزنامه ملی مدت کمی انتشار یافته و بعد بنام جریده ملی و سپس بنام انجمن منتشر شده است: از جریده ملی و روز نامه انجمن در محلهای خود گفتگو نموده ایم. خراشندگان گرام مراجعه فرمایند. و اما میرزا علی اکبرخان فرزند سید هاشم چرندابی است .

(۵۹۷) روزنو

روزنامه روزنو در سال ۱۳۰۶ شمسی بطور روزانه در طهران تاسیس و منتشر شده است .

حریر جلدہا

رہبر، رہبر ایران نو، رہنما

(۵۹۸) رہبر

در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۴ شمس امتیاز جریده رہبر در کرمانشاه بدیری (میرزا قیطان رہبر) از تصویب شورای عالی معارف گذشته و روزنامه مذکور در سال ۱۳۰۵ شمس هفته دو بار منتشر شده است .

(۵۹۹) رہبر ایران نو

روزنامه رہبر ایران نو بدیری (ابوالضیاء) در طهران در اوایل سال ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته . این روزنامه پس از توقیف روزنامه ایران نو طبع گردیده و فقط یک شماره از آن منتشر شده است . برای اطلاع از آن رجوع شود بروزنامه ایران نو جلد اول کتاب

(۶۰۰) رہنما

روزنامه رہنما بصاحب امتیازی (میرزا عبدالرحیم خان) در طهران بطور هفتگی تاسیس و شماره اول آن در ۸ صفحہ بقطع وزیری بزرگ با چاپ سربی در (مطبعہ شاهنشاهی) طبع و در تاریخ ۲۶ جمادی الاخرہ ۱۳۲۵ قمری ہجری مطابق ۶ اوت ماہ فرنگی ۱۹۰۷ میلادی منتشر شدہ است . سرلوحہ روزنامہ عبارت از (برج بلند است کہ پای عمارت مرتفعی واقع شدہ و در مقابل عمارت دریای بزرگی است کہ یک کشتی کوچک بروی آن حرکت میکند و از طرفی واگنی روی خط آہنی حرکت مینماید) در وسط این سرلوحہ اسم روزنامہ (رہنما) بخط نسخ نوشتہ شدہ و سرلوحہ نوعاً برنک قرمز و گاہی سیاہ و سبز چاپ شدہ است، این سرلوحہ بامضای (ابراہیم) نامی رسم شدہ است . در بالای سرلوحہ این آیہ : انا ہدینا . السبیل اما شا کراً و اما کفوراً > و در زیر آن در ضمن دو سطر مرام و مسلک روزنامہ بدین قسم درج گردیدہ : > این جریدہ ہفتگی دارای مقالات سیاسی و علمی و اخلاقی و حقوق بین المللی است . مقالات مطابق بامسلک جریدہ بامضاء و تعرفہ پذیرفتہ در انتشارش ادارہ مختار است و در ہر صورت متردد نمیشود . قیمت اعلانات سطری بگفرانت . > پس از دو سطر مذکور خصوصیات دیگر روزنامہ بدین نحو نوشتہ شدہ : عنوان مراسلات : طهران خیابان لالہ زار ، جریدہ رہنما . قیمت تک نمرہ در طهران پنجشاهی . سایر بلاد سیصد دینار است وجہ اشتراک پس از قبول در نمرہ مطالبہ و دریافت میشود . قیمت اشتراک سالیانہ : طهران پانزدہ قران ، ولایات داخلہ ۲۰ قران ؛ ممالک خارجہ ۲۵ قران .

مقالہ افتتاحی روزنامہ بدینقسم شروع میگردد : > ادخلوا فی السلم کافۃ . امروز صر نہ حال کلیہ ایرانیان در حفظ کشتی بلتیک مملکت است کہ ہم خود را مصروف بدوامر مہم نمایند و از سایر امور بکلی غرض عین نمودہ مسکوت عنہ بگذارند . اولاً در وفاق و اتفاق کوشیدہ تعصب و غرض شخصی را کنار گذاردہ و نظر بظاہر فرمودہ مصداق آیہ مبارکہ ولا تقولوا لمن اتی الیکم العلم لست مومنأ را بکار بندند بلکہ اگر ہیولانی از گل ساختہ شدہ شدہ بگویند من از شما و با خیال شما ہمراہم ظاہر قول او را صدق پنداشتہ و او را باخود ہمراہ و بانجام خیال خود واداشتہ و چندان در تفتیش و تفحص حال بر نیابند شرع محمدی ص

حرف ر بعده الهاء

رهنما

که «....» مقاله مذکور سه صفحه روزنامه را فرا گرفته و باین جلالت ختم میگردد: «و چون مدد غیبی وقت را وسعت داد و این موانع رفع شد آن وقت جمیع فروع مشروطیت را در مشروطیت چون مغز و پوست ریک صورت متحد بظهور و بروز خواهید آورد و آن روز اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی خواهد بود.» در شماره اول پس از این سرمقاله مقاله دیگر تحت عنوان (اطلبوا العلم من المهدالی اللحد) و پس از آن از صفحه ۷ مقاله (حقوق بین الملل) چاپ شده است؛ مقاله اخیر باین عبارات شروع میگردد: «چون امروزه انوار علم و معرفت از هر گوشه این خاک پاک بنای طلوع را گذاشته مخصوصا حواس هموطنان عزیز ما باطلاعات پولتیکی مانوس گردیده است چنین مقتضی دانستیم که مختصری نیز از علم حقوق بین الملل بتدریج در این جریده درج و نشر شود.» از همین شماره اول رمان (شوالیه روژ) بعنوان پاورمی ترجمه و طبع گردیده؛ مقدمه مترجم بر رمان مذکور بدینقرار است: «واضح است که طباع بنی نوع انسان عموما بقصص و حکایات را غب و حکمای قدیم نیز مطالب اخلاقی را باین لباس بیرون آورده مانند کلیله و دمنه و غیره که بمیل طبع عموم از آن فایده بر دارند در اینصورت در مملکت ما این شیوه مهجور و متروک است ولی در اروپا باز اغلب مطالب پولتیکی و تاریخی و اخلاقی را در لباس رمان (قصه) بیرون آورده و انتشار میدهند و بهترین وسیله بجهت اطلاع عموم همین است و چون این جریده اغلب دارای مطالب علمیست و شاید بعضی اذهان از قرائت آن کد رشود بجهت تفریح و تصفیه خاطر هم چه مقتضی دانستیم که رمان شیرینی ترجمه شود و مرتبا دریا صفحه این جریده طبع گردد بطوریکه هم از مناسبت و فایده خالی نباشد و هم اسباب انبساط خاطر قارئین محترم بوده باشد پس شوالیه دومزن روژ که رمانی است تاریخی بجهت این مقصد اختیار و شروع بمقصود میکنیم و ایتمطلب را نیز باید دانست که رمانهای فرنگی اغلب اوایل آن غیر مربوط بنظر میآید ولی بعد از خواندن چند صفحه مطلب بدست آمده و شخص را معظوظ میدارد.» فصل اول. سربازان داوطلب.

شماره دوم رهنما بهمان یک و قطع شماره اول در تاریخ سه شنبه ۲ رجب ۱۳۲۵ قمری در هشت صفحه و شماره ۱۹ آن در تاریخ شنبه ۱۹ محرم ۱۳۲۶ قمری و شماره ۲۳ آن که ظاهرا آخرین شماره منتشره روزنامه میباشد در تاریخ ۵ شنبه ۲۱ شهر ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری مطابق ۲۳ آوریل ۱۹۰۸ میلادی انتشار یافته است. از شماره ۱۹ سرلوحه روزنامه برنک سیاه طبع گردیده و علت آنرا در شماره ۱۸ اینطور نوشته است: «در صفحه رهنما در این دوماه که ایام عزاداریست سیاه خواهد بود محض اطلاع مشترکین اخطار شد.» در همین شماره لایحه ای راجع بچند تقاضا از دولت بامضای انجمنهای طهران چاپ شده و انجمنهای نامبرده زیر آنرا امضا نموده اند: انجمن اصلاح - انجمن آذربایجان - انجمن مهدیه - مجمع انسانیت - انجمن سواد اعظم - انجمن شاه آباد - انجمن فاطمیه - خیاطخانه - اصفهان - خیریه مقدس - انجمن جنوب - اتفاقیه طلاب - فردوس - محصلین - مظفری - وطن - انجمن بلدیة - جعفری - علمی مرکزی - انجمن تمصب - توپخانه افتخاریه - قدس خوزستان - کاشان - افتخاریه عربستان.

بیشتر مندرجات رهنما عبارت از مقالات طولانی و مفصلیست که نمونه عناوین بعضی از

حرف و بعده الهاء

رهنا

مقالات بدین قرار است: > (مکالمه تقی و تقی) (تشخیص امراض وطن) و (ذوذ نب یا ستاره دنباله دار) شماره ۱۴ روزنامه پس از طبع ، مانند سایر جراید پایتخت ، بدست مستبدین و مخالفین مشروطیت نابود شد و از بین رفت و لذا بجای آن شماره ، روی یگورق بعنوان ضمیمه شماره ۱۴ مورخ سه شنبه شهر ذیقعد ۱۳۲۵ قمری در همان مطبعه شاهنشاهی طبع و منتشر شد ؛ مطالب این شماره ضمیمه عبارت از مقاله ایست که تحت عنوان (عسیان تکرهوشیا و هو غیر لکم) نوشته شده و چون ممکنست این ضمیمه را خوانندگان کمتر دیده و یا اصلا ندیده باشند ، قسمت اول آن را ذیلا نقل مینمائیم : > در این چند روزه انقلاب که معدودی از اراذل طبقات مردم که مقیاس درجه فهم و مدرک آن ها را شغل آن ها حاکی و معرفی آنها را اعمال و افعال شنیعه روز و شب ایشان کافی است بتحریر غیبی و دسایس و وساوس مدسین و مشبهین خواستند بجهت ضعف قوای مشروطیت رنگی بر آب ریزند اول ضرب شصترا بچهار تاخته و لوحه جراید ملی بخرج دادند و پس از آن هر جا روز نامه بدستان رسیده پاره کردند و اسباب تعطیل طبع و توزیع جراید گشته بحدی که شماره ۱۴ طبع شده این جریده موقع توزیع نیافت و این نك در صفحه روزگار بجهت آنها یادگار گذاشت»

رهنا با چاپ سری در مطبعه شاهنشاهی طبع گردیده و در هر شماره در آخر صفحه ۸ این جمله که اشاره بمحل طبع روزنامه میباشد (رئیس مطبعه شاهنشاهی عبدالله قاجار) نوشته شده و این رسم در بعضی جراید دیگر آغاز مشروطیت معمول بوده است . امضای عبدالله قاجار که رئیس مطبعه بوده اشتباهی را برای ادوارد برون در تاریخ مطبوعات فارسی سبب گردیده و در ذیل روزنامه رهنا نوشته است (ص ۹۹ کتاب) این روزنامه بدیری و نویسندگی (عبدالله قاجار) تاسیس و منتشر شده است . در صورتیکه طبق نمونه های موجود و بطور قطع مدیر روزنامه رهنا میرزا عبد الرحیم شیرازیست که ذیلا شرح احوال او را یاد آور میشویم :

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰؛ مجددا روزنامه رهنا بصاحب امتیازی و مدیری فرز ند مرحوم عبدالرحیم رهنا ، آقای مهدی رهنا ، در طهران تاسیس گردید و شماره اول آن در روز شنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۲۲ شمسی انتشار یافت . در این شماره تاریخچه روز نامه و عکس مرحوم عبدالرحیم رهنا موسس روزنامه در لباس قضاوت طبع گردیده و خلاصه شرح احوال آن مرحوم بنقل از این شماره چنین است :

عبدالرحیم رهنا - کسانی که دوره اول مجلس رایاد دارند و در اوایل مشروطیت زندگی کرده اند بخوبی آگاهند که با وجود ضدیت عناصر مرتجع و مستبد و وجود پادشاه خونخواری مانند محمد علی شاه روزنامه نگاری چه وظیفه سنگین و کار مشکلی بوده و روزنامه نگار باید ترك سرگفته در راه عشق قدم بگذارد . . . در چنین اوان و مقارن این احوال بود که پدرم عبدالرحیم رهنا با انتشار روزنامه رهنا همت گماشت و بنشر مبانی آزادی و بیان حقایق اقدام فرمود ، آنها که باخلاق آن مرحوم آشنائی دارند و روشن فکری و آزادیخواهی و متانت و وقار و عظمت روح و قریحه سرشار مرحوم رهنا را چه در خدمات قضائی و چه در زندگی شخصی دیده اند میدانند که سبك و روش و اسلوب

حرف ر بعده الهاء

رهنا

ومسلک روزنامه رهنا چه بوده است . مرحوم رهنا در اواخر دوره دیکتاتوری که از داد گستری جزنامی باقی نبود بواسطه ایمان باستقلال قضائی و تحت نفوذ واقع نشدن و حکم بحق از طرف وزیر وقت منتظر خدمت شده و چند سال آخر عمر خود را در انتظار خدمت بسر برده با اینکه بعد از سی سال خدمت قضائی در فارس و کرمان و خوزستان و آذربایجان و طهران از حیث معیشت سخت در مضیقه بود حاضر بقبول قضاوت فرماشی نگردید . روزنامه رهنا در جمادی الاخر ۱۳۲۵ قمری شروع با انتشار نموده و بعد از آنکه قریب یکسال یعنی تا تاریخ پنجم ربیع الاول ۱۳۲۶ انتشار یافت بواسطه بروز استبداد صغیر در محقق تعطیل افتاد و اداره اش از طرف مستبدین و سرباز سیلاخوری بتاراج رفت و مدیرش مدتی پنهان و متواری بود . مرحوم رهنا بعد از فتح تهران و عزل محمدعلی شاه عزم داشت بتجدید انتشار روزنامه رهنا اقدام فرماید ولی باصرار مرحوم شیخ-الملک برای تشکیل عدلیه فارس باتفاق مرحوم مشارالیه از طرف وزارت عدلیه مامور فارس شد و تا آخر عمر صادقانه بخدمات قضائی مشغول بود و از اجرای قصد خود باز ماند . مرحوم رهنا در سال ۱۳۱۱ شمسی رئیس استیناف آذربایجان تبریز بوده است.

(۶۰۱) رهنا

مجله رهنا بمدیری (شیخ العراقین زاده) در طهران تاسیس و ماهی یکشماره از آن در ۷۰۰ نسخه در (مطبعه باقر زاده) طبع و توزیع شده است . این مجله در ششماه اول سال ۱۲۹۷ منتشر و بعد تعطیل شده است .

(۶۰۲) رهنا

روزنامه رهنا بمدیری آقای (شیخ العراقین زاده) در طهران هفته سه مرتبه در مطبعه (باقر زاده) طبع و هر شماره از آن در ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده است . سیاق مطالب آن اجتماعی و خبریست . روزنامه رهنا در اواخر سال ۱۳۲۷ قمری تاسیس شده و شمار . های ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ؛ ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ؛ ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۶۹ ؛ ۷۰ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ؛ ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ؛ ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ؛ ۱۰۱ ، ۱۰۲ ؛ ۱۰۳ ؛ ۱۰۴ ؛ ۱۰۵ ، ۱۰۶ ؛ ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ؛ ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ؛ ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۲۹ ، ۱۳۰ ؛ ۱۳۱ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ؛ ۱۴۱ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ؛ ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ؛ ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ؛ ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ؛ ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۱۸۶ ، ۱۸۷ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ ، ۱۹۰ ؛ ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۰۰ ؛ ۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ، ۲۰۴ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۲۰۹ ، ۲۱۰ ؛ ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۳ ، ۲۱۴ ، ۲۱۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۷ ، ۲۱۸ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ؛ ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ؛ ۲۳۱ ، ۲۳۲ ، ۲۳۳ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ؛ ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۴ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ؛ ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲۵۹ ، ۲۶۰ ؛ ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۶۷ ، ۲۶۸ ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ؛ ۲۷۱ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۵ ، ۲۷۶ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ ؛ ۲۸۱ ، ۲۸۲ ، ۲۸۳ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۸۶ ، ۲۸۷ ، ۲۸۸ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ؛ ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ؛ ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۰۷ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۱۰ ؛ ۳۱۱ ، ۳۱۲ ، ۳۱۳ ، ۳۱۴ ، ۳۱۵ ، ۳۱۶ ، ۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳۱۹ ، ۳۲۰ ؛ ۳۲۱ ، ۳۲۲ ، ۳۲۳ ، ۳۲۴ ، ۳۲۵ ، ۳۲۶ ، ۳۲۷ ، ۳۲۸ ، ۳۲۹ ، ۳۳۰ ؛ ۳۳۱ ، ۳۳۲ ، ۳۳۳ ، ۳۳۴ ، ۳۳۵ ، ۳۳۶ ، ۳۳۷ ، ۳۳۸ ، ۳۳۹ ، ۳۴۰ ؛ ۳۴۱ ، ۳۴۲ ، ۳۴۳ ، ۳۴۴ ، ۳۴۵ ، ۳۴۶ ، ۳۴۷ ، ۳۴۸ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ؛ ۳۵۱ ، ۳۵۲ ، ۳۵۳ ، ۳۵۴ ، ۳۵۵ ، ۳۵۶ ، ۳۵۷ ، ۳۵۸ ، ۳۵۹ ، ۳۶۰ ؛ ۳۶۱ ، ۳۶۲ ، ۳۶۳ ، ۳۶۴ ، ۳۶۵ ، ۳۶۶ ، ۳۶۷ ، ۳۶۸ ، ۳۶۹ ، ۳۷۰ ؛ ۳۷۱ ، ۳۷۲ ، ۳۷۳ ، ۳۷۴ ، ۳۷۵ ، ۳۷۶ ، ۳۷۷ ، ۳۷۸ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ؛ ۳۸۱ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳ ، ۳۸۴ ، ۳۸۵ ، ۳۸۶ ، ۳۸۷ ، ۳۸۸ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ ؛ ۳۹۱ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۴ ، ۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۳۹۷ ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ ، ۴۰۰ ؛ ۴۰۱ ، ۴۰۲ ، ۴۰۳ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵ ، ۴۰۶ ، ۴۰۷ ، ۴۰۸ ، ۴۰۹ ، ۴۱۰ ؛ ۴۱۱ ، ۴۱۲ ، ۴۱۳ ، ۴۱۴ ، ۴۱۵ ، ۴۱۶ ، ۴۱۷ ، ۴۱۸ ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ ؛ ۴۲۱ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵ ، ۴۲۶ ، ۴۲۷ ، ۴۲۸ ، ۴۲۹ ، ۴۳۰ ؛ ۴۳۱ ، ۴۳۲ ، ۴۳۳ ، ۴۳۴ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۳۷ ، ۴۳۸ ، ۴۳۹ ، ۴۴۰ ؛ ۴۴۱ ، ۴۴۲ ، ۴۴۳ ، ۴۴۴ ، ۴۴۵ ، ۴۴۶ ، ۴۴۷ ، ۴۴۸ ، ۴۴۹ ، ۴۵۰ ؛ ۴۵۱ ، ۴۵۲ ، ۴۵۳ ، ۴۵۴ ، ۴۵۵ ، ۴۵۶ ، ۴۵۷ ، ۴۵۸ ، ۴۵۹ ، ۴۶۰ ؛ ۴۶۱ ، ۴۶۲ ، ۴۶۳ ، ۴۶۴ ، ۴۶۵ ، ۴۶۶ ، ۴۶۷ ، ۴۶۸ ، ۴۶۹ ، ۴۷۰ ؛ ۴۷۱ ، ۴۷۲ ، ۴۷۳ ، ۴۷۴ ، ۴۷۵ ، ۴۷۶ ، ۴۷۷ ، ۴۷۸ ، ۴۷۹ ، ۴۸۰ ؛ ۴۸۱ ، ۴۸۲ ، ۴۸۳ ، ۴۸۴ ، ۴۸۵ ، ۴۸۶ ، ۴۸۷ ، ۴۸۸ ، ۴۸۹ ، ۴۹۰ ؛ ۴۹۱ ، ۴۹۲ ، ۴۹۳ ، ۴۹۴ ، ۴۹۵ ، ۴۹۶ ، ۴۹۷ ، ۴۹۸ ، ۴۹۹ ، ۵۰۰ ؛ ۵۰۱ ، ۵۰۲ ، ۵۰۳ ، ۵۰۴ ، ۵۰۵ ، ۵۰۶ ، ۵۰۷ ، ۵۰۸ ، ۵۰۹ ، ۵۱۰ ؛ ۵۱۱ ، ۵۱۲ ، ۵۱۳ ، ۵۱۴ ، ۵۱۵ ، ۵۱۶ ، ۵۱۷ ، ۵۱۸ ، ۵۱۹ ، ۵۲۰ ؛ ۵۲۱ ، ۵۲۲ ، ۵۲۳ ، ۵۲۴ ، ۵۲۵ ، ۵۲۶ ، ۵۲۷ ، ۵۲۸ ، ۵۲۹ ، ۵۳۰ ؛ ۵۳۱ ، ۵۳۲ ، ۵۳۳ ، ۵۳۴ ، ۵۳۵ ، ۵۳۶ ، ۵۳۷ ، ۵۳۸ ، ۵۳۹ ، ۵۴۰ ؛ ۵۴۱ ، ۵۴۲ ، ۵۴۳ ، ۵۴۴ ، ۵۴۵ ، ۵۴۶ ، ۵۴۷ ، ۵۴۸ ، ۵۴۹ ، ۵۵۰ ؛ ۵۵۱ ، ۵۵۲ ، ۵۵۳ ، ۵۵۴ ، ۵۵۵ ، ۵۵۶ ، ۵۵۷ ، ۵۵۸ ، ۵۵۹ ، ۵۶۰ ؛ ۵۶۱ ، ۵۶۲ ، ۵۶۳ ، ۵۶۴ ، ۵۶۵ ، ۵۶۶ ، ۵۶۷ ، ۵۶۸ ، ۵۶۹ ، ۵۷۰ ؛ ۵۷۱ ، ۵۷۲ ، ۵۷۳ ، ۵۷۴ ، ۵۷۵ ، ۵۷۶ ، ۵۷۷ ، ۵۷۸ ، ۵۷۹ ، ۵۸۰ ؛ ۵۸۱ ، ۵۸۲ ، ۵۸۳ ، ۵۸۴ ، ۵۸۵ ، ۵۸۶ ، ۵۸۷ ، ۵۸۸ ، ۵۸۹ ، ۵۹۰ ؛ ۵۹۱ ، ۵۹۲ ، ۵۹۳ ، ۵۹۴ ، ۵۹۵ ، ۵۹۶ ، ۵۹۷ ، ۵۹۸ ، ۵۹۹ ، ۶۰۰ ؛ ۶۰۱ ، ۶۰۲ ، ۶۰۳ ، ۶۰۴ ، ۶۰۵ ، ۶۰۶ ، ۶۰۷ ، ۶۰۸ ، ۶۰۹ ، ۶۱۰ ؛ ۶۱۱ ، ۶۱۲ ، ۶۱۳ ، ۶۱۴ ، ۶۱۵ ، ۶۱۶ ، ۶۱۷ ، ۶۱۸ ، ۶۱۹ ، ۶۲۰ ؛ ۶۲۱ ، ۶۲۲ ، ۶۲۳ ، ۶۲۴ ، ۶۲۵ ، ۶۲۶ ، ۶۲۷ ، ۶۲۸ ، ۶۲۹ ، ۶۳۰ ؛ ۶۳۱ ، ۶۳۲ ، ۶۳۳ ، ۶۳۴ ، ۶۳۵ ، ۶۳۶ ، ۶۳۷ ، ۶۳۸ ، ۶۳۹ ، ۶۴۰ ؛ ۶۴۱ ، ۶۴۲ ، ۶۴۳ ، ۶۴۴ ، ۶۴۵ ، ۶۴۶ ، ۶۴۷ ، ۶۴۸ ، ۶۴۹ ، ۶۵۰ ؛ ۶۵۱ ، ۶۵۲ ، ۶۵۳ ، ۶۵۴ ، ۶۵۵ ، ۶۵۶ ، ۶۵۷ ، ۶۵۸ ، ۶۵۹ ، ۶۶۰ ؛ ۶۶۱ ، ۶۶۲ ، ۶۶۳ ، ۶۶۴ ، ۶۶۵ ، ۶۶۶ ، ۶۶۷ ، ۶۶۸ ، ۶۶۹ ، ۶۷۰ ؛ ۶۷۱ ، ۶۷۲ ، ۶۷۳ ، ۶۷۴ ، ۶۷۵ ، ۶۷۶ ، ۶۷۷ ، ۶۷۸ ، ۶۷۹ ، ۶۸۰ ؛ ۶۸۱ ، ۶۸۲ ، ۶۸۳ ، ۶۸۴ ، ۶۸۵ ، ۶۸۶ ، ۶۸۷ ، ۶۸۸ ، ۶۸۹ ، ۶۹۰ ؛ ۶۹۱ ، ۶۹۲ ، ۶۹۳ ، ۶۹۴ ، ۶۹۵ ، ۶۹۶ ، ۶۹۷ ، ۶۹۸ ، ۶۹۹ ، ۷۰۰ ؛ ۷۰۱ ، ۷۰۲ ، ۷۰۳ ، ۷۰۴ ، ۷۰۵ ، ۷۰۶ ، ۷۰۷ ، ۷۰۸ ، ۷۰۹ ، ۷۱۰ ؛ ۷۱۱ ، ۷۱۲ ، ۷۱۳ ، ۷۱۴ ، ۷۱۵ ، ۷۱۶ ، ۷۱۷ ، ۷۱۸ ، ۷۱۹ ، ۷۲۰ ؛ ۷۲۱ ، ۷۲۲ ، ۷۲۳ ، ۷۲۴ ، ۷۲۵ ، ۷۲۶ ، ۷۲۷ ، ۷۲۸ ، ۷۲۹ ، ۷۳۰ ؛ ۷۳۱ ، ۷۳۲ ، ۷۳۳ ، ۷۳۴ ، ۷۳۵ ، ۷۳۶ ، ۷۳۷ ، ۷۳۸ ، ۷۳۹ ، ۷۴۰ ؛ ۷۴۱ ، ۷۴۲ ، ۷۴۳ ، ۷۴۴ ، ۷۴۵ ، ۷۴۶ ، ۷۴۷ ، ۷۴۸ ، ۷۴۹ ، ۷۵۰ ؛ ۷۵۱ ، ۷۵۲ ، ۷۵۳ ، ۷۵۴ ، ۷۵۵ ، ۷۵۶ ، ۷۵۷ ، ۷۵۸ ، ۷۵۹ ، ۷۶۰ ؛ ۷۶۱ ، ۷۶۲ ، ۷۶۳ ، ۷۶۴ ، ۷۶۵ ، ۷۶۶ ، ۷۶۷ ، ۷۶۸ ، ۷۶۹ ، ۷۷۰ ؛ ۷۷۱ ، ۷۷۲ ، ۷۷۳ ، ۷۷۴ ، ۷۷۵ ، ۷۷۶ ، ۷۷۷ ، ۷۷۸ ، ۷۷۹ ، ۷۸۰ ؛ ۷۸۱ ، ۷۸۲ ، ۷۸۳ ، ۷۸۴ ، ۷۸۵ ، ۷۸۶ ، ۷۸۷ ، ۷۸۸ ، ۷۸۹ ، ۷۹۰ ؛ ۷۹۱ ، ۷۹۲ ، ۷۹۳ ، ۷۹۴ ، ۷۹۵ ، ۷۹۶ ، ۷۹۷ ، ۷۹۸ ، ۷۹۹ ، ۸۰۰ ؛ ۸۰۱ ، ۸۰۲ ، ۸۰۳ ، ۸۰۴ ، ۸۰۵ ، ۸۰۶ ، ۸۰۷ ، ۸۰۸ ، ۸۰۹ ، ۸۱۰ ؛ ۸۱۱ ، ۸۱۲ ، ۸۱۳ ، ۸۱۴ ، ۸۱۵ ، ۸۱۶ ، ۸۱۷ ، ۸۱۸ ، ۸۱۹ ، ۸۲۰ ؛ ۸۲۱ ، ۸۲۲ ، ۸۲۳ ، ۸۲۴ ، ۸۲۵ ، ۸۲۶ ، ۸۲۷ ، ۸۲۸ ، ۸۲۹ ، ۸۳۰ ؛ ۸۳۱ ، ۸۳۲ ، ۸۳۳ ، ۸۳۴ ، ۸۳۵ ، ۸۳۶ ، ۸۳۷ ، ۸۳۸ ، ۸۳۹ ، ۸۴۰ ؛ ۸۴۱ ، ۸۴۲ ، ۸۴۳ ، ۸۴۴ ، ۸۴۵ ، ۸۴۶ ، ۸۴۷ ، ۸۴۸ ، ۸۴۹ ، ۸۵۰ ؛ ۸۵۱ ، ۸۵۲ ، ۸۵۳ ، ۸۵۴ ، ۸۵۵ ، ۸۵۶ ، ۸۵۷ ، ۸۵۸ ، ۸۵۹ ، ۸۶۰ ؛ ۸۶۱ ، ۸۶۲ ، ۸۶۳ ، ۸۶۴ ، ۸۶۵ ، ۸۶۶ ، ۸۶۷ ، ۸۶۸ ، ۸۶۹ ، ۸۷۰ ؛ ۸۷۱ ، ۸۷۲ ، ۸۷۳ ، ۸۷۴ ، ۸۷۵ ، ۸۷۶ ، ۸۷۷ ، ۸۷۸ ، ۸۷۹ ، ۸۸۰ ؛ ۸۸۱ ، ۸۸۲ ، ۸۸۳ ، ۸۸۴ ، ۸۸۵ ، ۸۸۶ ، ۸۸۷ ، ۸۸۸ ، ۸۸۹ ، ۸۹۰ ؛ ۸۹۱ ، ۸۹۲ ، ۸۹۳ ، ۸۹۴ ، ۸۹۵ ، ۸۹۶ ، ۸۹۷ ، ۸۹۸ ، ۸۹۹ ، ۹۰۰ ؛ ۹۰۱ ، ۹۰۲ ، ۹۰۳ ، ۹۰۴ ، ۹۰۵ ، ۹۰۶ ، ۹۰۷ ، ۹۰۸ ، ۹۰۹ ، ۹۱۰ ؛ ۹۱۱ ، ۹۱۲ ، ۹۱۳ ، ۹۱۴ ، ۹۱۵ ، ۹۱۶ ، ۹۱۷ ، ۹۱۸ ، ۹۱۹ ، ۹۲۰ ؛ ۹۲۱ ، ۹۲۲ ، ۹۲۳ ، ۹۲۴ ، ۹۲۵ ، ۹۲۶ ، ۹۲۷ ، ۹۲۸ ، ۹۲۹ ، ۹۳۰ ؛ ۹۳۱ ، ۹۳۲ ، ۹۳۳ ، ۹۳۴ ، ۹۳۵ ، ۹۳۶ ، ۹۳۷ ، ۹۳۸ ، ۹۳۹ ، ۹۴۰ ؛ ۹۴۱ ، ۹۴۲ ، ۹۴۳ ، ۹۴۴ ، ۹۴۵ ، ۹۴۶ ، ۹۴۷ ، ۹۴۸ ، ۹۴۹ ، ۹۵۰ ؛ ۹۵۱ ، ۹۵۲ ، ۹۵۳ ، ۹۵۴ ، ۹۵۵ ، ۹۵۶ ، ۹۵۷ ، ۹۵۸ ، ۹۵۹ ، ۹۶۰ ؛ ۹۶۱ ، ۹۶۲ ، ۹۶۳ ، ۹۶۴ ، ۹۶۵ ، ۹۶۶ ، ۹۶۷ ، ۹۶۸ ، ۹۶۹ ، ۹۷۰ ؛ ۹۷۱ ، ۹۷۲ ، ۹۷۳ ، ۹۷۴ ، ۹۷۵ ، ۹۷۶ ، ۹۷۷ ، ۹۷۸ ، ۹۷۹ ، ۹۸۰ ؛ ۹۸۱ ، ۹۸۲ ، ۹۸۳ ، ۹۸۴ ، ۹۸۵ ، ۹۸۶ ، ۹۸۷ ، ۹۸۸ ، ۹۸۹ ، ۹۹۰ ؛ ۹۹۱ ، ۹۹۲ ، ۹۹۳ ، ۹۹۴ ، ۹۹۵ ، ۹۹۶ ، ۹۹۷ ، ۹۹۸ ، ۹۹۹ ، ۱۰۰۰ ؛ ۱۰۰۱ ، ۱۰۰۲ ، ۱۰۰۳ ، ۱۰۰۴ ، ۱۰۰۵ ، ۱۰۰۶ ، ۱۰۰۷ ، ۱۰۰۸ ، ۱۰۰۹ ، ۱۰۱۰ ؛ ۱۰۱۱ ، ۱۰۱۲ ، ۱۰۱۳ ، ۱۰۱۴ ، ۱۰۱۵ ، ۱۰۱۶ ، ۱۰۱۷ ، ۱۰۱۸ ، ۱۰۱۹ ، ۱۰۲۰ ؛ ۱۰۲۱ ، ۱۰۲۲ ، ۱۰۲۳ ، ۱۰۲۴ ، ۱۰۲۵ ، ۱۰۲۶ ، ۱۰۲۷ ، ۱۰۲۸ ، ۱۰۲۹ ، ۱۰۳۰ ؛ ۱۰۳۱ ، ۱۰۳۲ ، ۱۰۳۳ ، ۱۰۳۴ ، ۱۰۳۵ ، ۱۰۳۶ ، ۱۰۳۷ ، ۱۰۳۸ ، ۱۰۳۹ ، ۱۰۴۰ ؛ ۱۰۴۱ ، ۱۰۴۲ ، ۱۰۴۳ ، ۱۰۴۴ ، ۱۰۴۵ ، ۱۰۴۶ ، ۱۰۴۷ ، ۱۰۴۸ ، ۱۰۴۹ ، ۱۰۵۰ ؛ ۱۰۵۱ ، ۱۰۵۲ ، ۱۰۵۳ ، ۱۰۵۴ ، ۱۰۵۵ ، ۱۰۵۶ ، ۱۰۵۷ ، ۱۰۵۸ ، ۱۰۵۹ ، ۱۰۶۰ ؛ ۱۰۶۱ ، ۱۰۶۲ ، ۱۰۶۳ ، ۱۰۶۴ ، ۱۰۶۵ ، ۱۰۶۶ ، ۱۰۶۷ ، ۱۰۶۸ ، ۱۰۶۹ ، ۱۰۷۰ ؛ ۱۰۷۱ ، ۱۰۷۲ ، ۱۰۷۳ ، ۱۰۷۴ ، ۱۰۷۵ ، ۱۰۷۶ ، ۱۰۷۷ ، ۱۰۷۸ ، ۱۰۷۹ ، ۱۰۸۰ ؛ ۱۰۸۱ ، ۱۰۸۲ ، ۱۰۸۳ ، ۱۰۸۴ ، ۱۰۸۵ ، ۱۰۸۶ ، ۱۰۸۷ ، ۱۰۸۸ ، ۱۰۸۹ ، ۱۰۹۰ ؛ ۱۰۹۱ ، ۱۰۹۲ ، ۱۰۹۳ ، ۱۰۹۴ ، ۱۰۹۵ ، ۱۰۹۶ ، ۱۰۹۷ ، ۱۰۹۸ ، ۱۰۹۹ ، ۱۱۰۰ ؛ ۱۱۰۱ ، ۱۱۰۲ ، ۱۱۰۳ ، ۱۱۰۴ ، ۱۱۰۵ ، ۱۱۰۶ ، ۱۱۰۷ ، ۱۱۰۸ ، ۱۱۰۹ ، ۱۱۱۰ ؛ ۱۱۱۱ ، ۱۱۱۲ ، ۱۱۱۳ ، ۱۱۱۴ ، ۱۱۱۵ ، ۱۱۱۶ ، ۱۱۱۷ ، ۱۱۱۸ ، ۱۱۱۹ ، ۱۱۲۰ ؛ ۱۱۲۱ ، ۱۱۲۲ ، ۱۱۲۳ ، ۱۱۲۴ ، ۱۱۲۵ ، ۱۱۲۶ ، ۱۱۲۷ ، ۱۱۲۸ ، ۱۱۲۹ ، ۱۱۳۰ ؛ ۱۱۳۱ ، ۱۱۳۲ ، ۱۱۳۳ ، ۱۱۳۴ ، ۱۱۳۵ ، ۱۱۳۶ ، ۱۱۳۷ ، ۱۱۳۸ ، ۱۱۳۹ ، ۱۱۴۰ ؛ ۱۱۴۱ ، ۱۱۴۲ ، ۱۱۴۳ ، ۱۱۴۴ ، ۱۱۴۵ ، ۱۱۴۶ ، ۱۱۴۷ ، ۱۱۴۸ ، ۱۱۴۹ ، ۱۱۵۰ ؛ ۱۱۵۱ ، ۱۱۵۲ ، ۱۱۵۳ ، ۱۱۵۴ ، ۱۱۵۵ ، ۱۱۵۶ ، ۱۱۵۷ ، ۱۱۵۸ ، ۱۱۵۹ ، ۱۱۶۰ ؛ ۱۱۶۱ ، ۱۱۶۲ ، ۱۱۶۳ ، ۱۱۶۴ ، ۱۱۶۵ ، ۱۱۶۶ ، ۱۱۶۷ ، ۱۱۶۸ ، ۱۱۶۹ ، ۱۱۷۰ ؛ ۱۱۷۱ ، ۱۱۷۲ ، ۱۱۷۳ ، ۱۱۷۴ ، ۱۱۷۵ ، ۱۱۷۶ ، ۱۱۷۷ ، ۱۱۷۸ ، ۱۱۷۹ ، ۱۱۸۰ ؛ ۱۱۸۱ ، ۱۱۸۲ ، ۱۱۸۳ ، ۱۱۸۴ ، ۱۱۸۵ ، ۱۱۸۶ ، ۱۱۸۷ ، ۱۱۸۸ ، ۱۱۸۹ ، ۱۱۹۰ ؛ ۱۱۹۱ ، ۱۱۹۲ ، ۱۱۹۳ ، ۱۱۹۴ ، ۱۱۹۵ ، ۱۱۹۶ ، ۱۱۹۷ ، ۱۱۹۸ ، ۱۱۹۹ ، ۱۲۰۰ ؛ ۱۲۰۱ ، ۱۲۰۲ ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۰۴ ، ۱۲۰۵ ، ۱۲۰۶ ، ۱۲۰۷ ، ۱۲۰۸ ، ۱۲۰۹ ، ۱۲۱۰ ؛ ۱۲۱۱ ، ۱۲۱۲ ، ۱۲۱۳ ، ۱۲۱۴ ، ۱۲۱۵ ، ۱۲۱۶ ، ۱۲۱۷ ، ۱۲۱۸ ، ۱۲۱۹ ، ۱۲۲۰ ؛ ۱۲۲۱ ، ۱۲۲۲ ، ۱۲۲۳ ، ۱۲۲۴ ، ۱۲۲۵ ، ۱۲۲۶ ، ۱۲۲۷ ، ۱۲۲۸ ، ۱۲۲۹ ، ۱۲۳۰ ؛ ۱۲۳۱ ، ۱۲۳۲ ، ۱۲۳۳ ، ۱۲۳۴ ، ۱۲۳۵ ، ۱۲۳۶ ، ۱۲۳۷ ، ۱۲۳۸ ، ۱۲۳۹ ، ۱۲۴۰ ؛ ۱۲۴۱ ، ۱۲۴۲ ، ۱۲۴۳ ، ۱۲۴۴ ، ۱۲۴۵ ، ۱۲۴۶ ، ۱۲۴۷ ، ۱۲۴۸ ، ۱۲۴۹ ، ۱۲۵۰ ؛ ۱۲۵۱ ، ۱۲۵۲ ، ۱۲۵۳ ، ۱۲۵۴ ، ۱۲۵۵ ، ۱۲۵۶ ، ۱۲۵۷ ، ۱۲۵۸ ، ۱۲۵۹ ، ۱۲۶۰ ؛ ۱۲۶۱ ، ۱۲۶۲ ، ۱۲۶۳ ، ۱۲۶۴ ، ۱۲۶۵ ، ۱۲۶۶ ، ۱۲۶۷ ، ۱۲۶۸ ، ۱۲۶۹ ، ۱۲۷۰ ؛ ۱۲۷۱ ، ۱۲۷۲ ، ۱۲۷۳ ، ۱۲۷۴ ، ۱۲۷۵ ، ۱۲۷۶ ، ۱۲۷۷ ، ۱۲۷۸ ، ۱۲۷۹ ، ۱۲۸۰ ؛ ۱۲۸۱ ، ۱۲۸۲ ، ۱۲۸۳ ، ۱۲۸۴ ، ۱۲۸۵ ، ۱۲۸۶ ، ۱۲۸۷ ، ۱۲۸۸ ، ۱۲۸۹ ، ۱۲۹۰ ؛ ۱۲۹۱ ، ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۴ ، ۱۲۹۵ ، ۱۲۹۶ ، ۱۲۹۷ ، ۱۲۹۸ ، ۱۲۹۹ ، ۱۳۰۰ ؛ ۱۳۰۱ ، ۱۳۰۲ ، ۱۳۰۳ ، ۱۳۰۴ ، ۱۳۰۵ ، ۱۳۰۶ ، ۱۳۰۷ ، ۱۳۰۸ ، ۱۳۰۹ ، ۱۳۱۰ ؛ ۱۳۱۱ ، ۱۳۱۲ ، ۱۳۱۳ ، ۱۳۱۴ ، ۱۳۱۵ ، ۱۳۱۶ ، ۱۳۱۷ ، ۱۳۱۸ ، ۱۳۱۹ ، ۱۳۲۰ ؛ ۱۳۲۱ ، ۱۳۲۲ ، ۱۳۲۳ ، ۱۳۲۴ ، ۱۳۲۵ ، ۱۳۲۶ ، ۱۳۲۷ ، ۱۳۲۸ ، ۱۳۲۹ ، ۱۳۳۰ ؛ ۱۳۳۱ ، ۱۳۳۲ ، ۱۳۳۳ ، ۱۳۳۴ ، ۱۳۳۵ ، ۱۳۳۶ ، ۱۳۳۷ ، ۱۳۳۸ ، ۱۳۳۹ ، ۱۳۴۰ ؛ ۱۳۴۱ ، ۱۳۴۲ ، ۱۳۴۳ ، ۱۳۴۴ ، ۱۳۴۵ ، ۱۳۴۶ ، ۱۳۴۷ ، ۱۳۴۸ ، ۱۳۴۹ ، ۱۳۵۰ ؛ ۱۳۵۱ ، ۱۳۵۲ ، ۱۳۵۳ ، ۱۳۵۴ ، ۱۳۵۵ ، ۱۳۵۶ ، ۱۳۵۷ ، ۱۳۵۸ ، ۱۳۵۹ ، ۱۳۶۰ ؛ ۱۳۶۱ ، ۱۳۶۲ ، ۱۳۶۳ ، ۱۳۶۴ ، ۱۳۶۵ ، ۱۳۶۶ ، ۱۳۶۷ ، ۱۳۶۸ ، ۱۳۶۹ ، ۱۳۷۰ ؛ ۱۳۷۱ ، ۱۳۷۲ ، ۱۳۷۳ ، ۱۳۷۴ ، ۱۳۷۵ ، ۱۳۷۶ ، ۱۳۷۷ ، ۱۳۷۸ ، ۱۳۷۹ ، ۱۳۸۰ ؛ ۱۳۸۱ ، ۱۳۸۲ ، ۱۳۸۳ ، ۱۳۸۴ ، ۱۳۸۵ ، ۱۳۸۶ ، ۱۳۸۷ ، ۱۳۸۸ ، ۱۳۸۹ ، ۱۳۹۰ ؛ ۱۳۹۱ ، ۱۳۹۲ ، ۱۳۹۳ ، ۱۳۹۴ ، ۱۳۹۵ ، ۱۳۹۶ ، ۱۳۹۷ ، ۱۳۹۸ ، ۱۳۹۹ ، ۱۴۰۰ ؛ ۱۴۰۱ ، ۱۴۰

حرف ربعده الهاء رهنمای بانوان رهنمای دهقان ریاضیات عالی و مقدماتی

فارسی. انگلیسی و فرانسه تاسیس و منتشر شده است؛ طرز انتشار مجله ماهی یکمرتبه و هر شماره آن در ۲۸ صفحه بقطع خشتی بوده. وجه آبونمان برای دوازده شماره (۲ دولار) و قیمت تک شماره ۲ قران است. مندرجات مجله عبارت از مطالب و مقالات نافع بحال بانوان میباشد. عنوان بعضی از مقالات شماره سه و چهار آن که یکجا منتشر شده بدینقرار است: برای مادرها - زن چه باید باشد - امراض تناسلی - بچه و با زیچه رهنمای بانوان ظاهرا در سنوات ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ شمسی منتشر میشده است. آقای سیف آزادهمان مدیر روزنامه ایران باستان است و از ایشان در جلد اول کتاب بتفصیل گفتگو کرده ایم.

(۶۰۴) رهنمای دهقان

روزنامه رهنمای دهقان در سال ۱۳۰۳ شمسی در طهران تاسیس و منتشر شده است.

(۶۰۵) ریاضیات عالی و مقدماتی

مجله ریاضیات عالی و مقدماتی بدیر مسئولی و موسسی آقای (مصاحب) در طهران تاسیس و شماره اول آن در ۲۰ صفحه بقطع کوچک خشتی در اول آبان ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است. در تمام شماره ها روی جلد مجله بعنوان شعار (واحد) چاپ گردیده جای اداره موقتا اداره جریده قانون. طهران. خیابان باب همایون. وجه اشتراك در ایران سالیانه از ۴ تا ۲۵ قران. برای محصلین ده قران. ششماه فقط برای محصلین ۶ قران؛ (این خصوصیات روی جلد مجله بزبان فرانسه نیز چاپ شده است) مقاله افتتاحی مجله که تا اندازه خوانندگان را بعلت انتشار مجله آگاه میسازد بدینقرار است: «مقصود و وظیفه ما چیست؟ هر چیزی را احتیاج بوجود میآورد. کتاب مجله - روزنامه قانون و حتی کار زائیده احتیاج است بدین معنی که اگر در علت ایجاد آنها غور کنیم میبینیم ابتدا انسان احتیاج محیط را بدانها دریافته و سپس درصدد ایجاد آنها برآمده است. مجله ریاضیات عالی و مقدماتی نیز یکی از موالید احتیاجات محیط است ۱۵ سال قبل نه فقط چنین مجله دوام نمیافت بلکه اصلا کسی بفکر ایجاد آنها نمی افتاد. چرا؟ برای اینکه آنروز در تمام ایران محصل متوسطه بیش نبود و امروز فقط در طهران ۳۰۰۰ محصل و ۱۵۰۰ محصله مشغول تحصیل و فرا گرفتن علوم و فنون مختلف که یکی از مهمترین آنها ریاضیات است میباشند.

نکات و ملاحظاتی که ما را وادار بانتشار چنین مجله نموده سه چیز است اولاً نظر با احتیاج محصلین و محصلات بوسائلی برای مشق و تمرین و ورزش فکری در ممالک اروپا هزاران کتاب و تالیفات متنوعه و مجلات علمی و فنی تالیف و ایجاد نموده اند. ثانیاً بسیاری از اشخاص هستند که فوق العاده شایق و مایل اند که از ترقیات روز افزون علوم آگاهی یافته و بر حدود و مشکلات آنها مطلع گردند واضح است که نیل باین مقصود جز مشترك شدن جراید و مجلات علمی اروپا که هر کدام قسمتی از این احتیاج را رفع میکند ندارد. ثالثاً بالاخره نداشتن کتب علمی باعث اتلاف وقت بود و زحمت زیادی برای محصلین ایجاد میکند، اداره مجله ریاضیات برای رفع این اشکال در نظر دارد کتب علمی متوسطه را که تالیف اغلب آنها تمام شده بحلیه طبع درآورد.

حرف ر بعده الیاء

ریاضیات عالی و مقدماتی

مصاحب « فهرست مندرجات شماره اول بدین قرار است : مسائل حل شده و دستورات و مقالات مفیده . « ریاضیات عالی - انالیز » مسائل حل کردنی جبر و مقابله « فصل اول حدود » مسائل حل کردنی . شماره دوم مجله در ۱۵ آبان ۱۳۰۹ شمسی انتشار یافته و از این شماره در صفحه ۱۵ داستان « عالم دزد ترجمه و اقتباس از کتب و مجلات علمی و تاریخی خارجه » در یک صفحه چاپ شده است .

مقاله اول شماره سوم بقلم آقای دکتر شفق و راجع به « روش در علم ریاضی » است . مقاله افتتاحی شماره چهارم بقلم آقای اقبال اشتیانی و راجع به « معنی جبر و مقابله » است . مقاله اول شماره پنجم نیز بقلم آقای اقبال و تحت عنوان « ابوریحان بیرونی و حساب دانه های گندم خانه های شطرنج » است . شماره ۱۰ و ۱۱ مجله یگجا در اول فروردین ۱۳۱۰ شمسی منتشر شد و بهمین شماره دوره انتشار مجله خاتمه یافته است . مقاله اول این شماره شرح حال چند تن « ریاضیون ایرانی » و بقلم آقای مشیری است .

آقای غلامحسین مصاحب علاوه بر انتشار مجله ریاضیات کتبی نیز تالیف و منتشر نموده منجمه کتاب علوم تفریحی که در ۸۰ صفحه کوچک در سال ۱۳۰۸ طبع گردیده است

و بدینجا جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خاتمه پیدا میکند امید است بفضل خداوند و کمک اهل فضل و دانش هرچه زود تر وسائل طبع جلد سوم کتاب آماده و مهیا گردد. جلد سوم کتاب بنام جراید و مجلاتی که بحرف « ز » شروع میشود آغاز میگردد .

پایان جلد دوم کتاب



انشاءات کمال